در تهران مطبعهٔ اسلامیه طبع ...

جایگاه فروش:

طهران - کتابفروشی اسلامیه - تبریز - شرکت سهامی چاپ کتاب

الاجازه لشيخ الاسلام فضل الله الزنجاني

الاجازه لشيخ الاسلام فضل الله الزنجاني

الاجازه للسيد محمدتقي الخوانساري

الاجازه للسيد محمدعلي المدرس الخياباني التبريزي

الاجازه للسيده العلويه الاصفهانيه

الاجازه لميرزا كاظم المجتهد الشبستري

# کتاب

# علماء معاصرین

تألیف:

آقای حاج ملا علی واعظ خیابانی «التبریزی»

بهمت ونفقه

جناب آقای حاج محمد باقر آقا خوئی کلکته چی


در تهران مطبعه اسلامیه طبع گردید.

جایگاه فروش:

طهران - کتابفروشی اسلامیه  تبریز - شرکت سهامی چاپ کتاب

تبریز  بخط طاهر خوشنویس  ایران

شهر رمضان المبارک

سنه ۱۳۶۶

# فهرست کتاب علماء معاصرین

## بترتیب سنوات وفیات، وتعیین عدد صفحات، واشاره بر بعضی از مطالب مهمه





فهرست کتاب علماء معاصرین

## فهرست علماء معاصرین (از احیاء) دامت برکاتهم

خاتمه مقصد دوم از کتاب علماء معاصرین



مستدرک علماء معاصرین از اموات

## فهرست کتاب علماء معاصرین



### مستدرک علماء معاصرین از احیاء



---



( هو العزیز الرحیم )

# ( کتاب علماء معاصرین )

( تألیف )

آقای حاج ملا علی واعظ «تبریزی» خیابانی

( طهران )

( در مطبعهٔ اسلامیه طبع گردید )

( جایگاه فروش )

( طهران : کتابفروشی اسلامیه . تبریز : کتابفروشی سروش )

( تاریخ )

( سنه ۱۳۶۵ هجری قمری ۱۳۲۵ هجری شمسی )

# هذا کتاب علماء معاصرین

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله المتوحد بالسلطان والربوبیة والمتفرد بالبقاء والقدرة حمداً یکون لنا وسیلة الیه وذریعة للزلفی لدیه والصلوة والسلام علی صفوته من خلیقته وخیرته من بریته محمد عبده و رسوله افضل صلواته وتحیته وعلی وصیه وخلیفته علی امیرالمؤمنین ولی الله وحجته وعلی آله وعترته الطاهرین المتفرعین من نبعته المستودعین لحکمته الحافظین لشریعته ولعنة الله علی اعدائهم وغاصبی حقوقهم وجاحدی شئونهم اجمعین من الآن الی یوم الدین ابد الآبدین

**وبعد** این بندهٔ مذنب جانی علی بن عبد العظیم تبریزی خیابانی عفی الله تعالی عنهما گوید که از عنفوان شباب بمعرفت تراجم علماء اعلام واطلاع تواریخ موالید ووفیات ومجاری حالات فقهاء کرام مولع وحریص میباشد ودر این موضوع ترجمه جمله از علماء متقدمین ومتاخرین خاصه و عامه در مجلدات اربعه وقایع الایام ومجلدات ثمانیه منتخب المقاصد ومنتجب الفوائد مفصلاً ومشروحاً نگارش یافته ولی اخیراً بنظر قاصر رسید که کتاب مستقلی فقط در احوال سعادت اشتمال علماء معاصرین اعلی الله مقامهم قدس الله اسرار الماضین وطول اعمار الباقین محض بجهة ابقاء آثار جمیله وایفاء حقوق جلیله ایشان وتاسی مستعدین از اهل علم وعرفان بدیشان از ابتداء بلوغ حقیر سنه ١٢٩٩ تا امسال ١٣٦٤ که تقریباً شصت وپنجسال میشود وسنین عمر از هشتاد ومیگذرد واز فضل عظیم خداوند کریم جمیع حواس سالم وبحمد الله تعالی از همهٔ آنها متمتع میباشد بجز بمقتضای کریمه ومن نعمره ننکسه فی الخلق قد رضعفی که مانع از اداء وظایف منبر وتالیف نبیسته جمع وثبت آید ودر این باب تاریخ حیات و شرح حالات وکیفیت زندگانی وگذارشات وموالید ووفیات ومؤلفات ومصنفات واساتید



کتاب ذکر موضوع



وتلامیذ هر یک از مبرزین ومراجع تقلید از علماء ومجتهدین معاصرین از ایران وعراق وهندوستان که بطور اجمال یا تفصیل از احوال ایشان مطلع ومسبوق شده مذکور میدارد واگر ترجمه شرح حالات بعضی از معروفین معاصرین فروگذاری بشود محض بموجب کریمهٔ سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا میباشد وفوائد ونتایج علم رجال بر اهل فن روشن ومبرهن است فلذا در این عهد حاضر اکثر اهل قلم از عرب وعجم باین رشته مشغول وعمر عزیز خود را در این موضوع شریف مصروف میدارند

## ونعم ما قیل فی فضل علم الرجال :

| | |
|---|---|
| الا ان الرجال اجل علم | لتصحیح الاحادیث العوالی |
| فانک لن تری للعلم شیئاً | یحققه کافواه الرجال |
| فکن یا صاح ذا حرص علیه | فخذه عن الرجال بلا ملال |

واین وجیزهٔ شریفه محتوی میشود بر دو مقصد یکی در احوال اشخاصی که در این مدت شصت وپنجسال از قرن چهاردهم هجری برحمت حق پیوسته اند ودیگری در شرح حالات کسانیکه در سنه جاریه در قید حیات مروج دین مبین ومؤید شرع متین هستند وما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب

## مقصد اول

### (١) حاج سید حسین آقا کوه کمری ره

### « المتوفی سنه ١٢٩٩ »

(مجلهٔ المرشد) «ج ٤» (ص ٣٤) در اواخر قرن سیزدهم هجری چندتن از علماء اعلام ومجتهدین عظام طلوع کردند که عالم بنور هدایت ایشان روشن گردید ولی دو نفر مجدد بزرگوار وعلم عزیز ومساعی جمیله خود را اجازت کردند ، وایشان سیدنا المرحوم آیة الله العظمی حاج سید حسین کوه کمری ورئیس الامه میرزا محمد حسن شیرازی اعلی الله مقامهما بودند .

**نسب آن بزرگوار** : هو الحاج سید حسین بن محمد بن الحسن تا بیست وپنج پشت الی حضرت امیر صلوات الله علیه باسمائهم والقابهم تعداد فرموده .

**نشو ونمای او** : در قریهٔ آذونق از مضافات تبریز متولد ودر عنایت نامه فاذگرای پرورش یافته وان مخدره صالحه در تربیت وتغذیهٔ آن وجود مسعود کمال مراقبت وتمام مواظبت ملوک داشته وبه نیکوترین وضعی وخوشترین وجهی حضانت نمودی اینکه هرکز بدحال الجنابت وراشیر



فضل علم رجال

مجدد شیرازی

فارسی ...

نمیداد بلکه بعد از غسل و تحصیل طهارت شهید از پس از آثار طهارت واقعیه از فضائل نفسیه و کمال معنوی پاکی ذات مقدس بظهور پیوست . ✳

**تحصیل آن فقید سعید** : در تبریز حضور نابغهٔ عهد در آذربایجان مرحوم میرزا احمد مجتهد و نجل او علامه حاج میرزا لطفعلی امام جمعه تلمیذ سید الریاض و در کربلا مشرف خدمت اعلام هداة صاحب ضوابط و فصول و شریف العلماء و در نجف اشرف بر غرر لامعه جهابذه دهر شیخ علی آل کاشف الغطاء و شیخ الجواهر و شیخ الطائفة الانصاری تلمذ نموده و بحث شیخ انصاری را تلمذه او تقریر میفرمود و تقریباً چهار صد فاضل پای منبر او حاضر میشدند . ✳

**گذارش امر و کیفیت ریاست مترجم معظم** : در زمان شیخ انصاری مشرف بریاست روحیه سیدنا المترجم و قرین وی علامه مجدد شیرازی بودند و بعد از شیخ هر دو متصدی حکومات شرعیه و تحمل وجوهات دینیه شدند و آنچه شایسته و سزاوار مقام ایشان بود از مناعت و جلالت حیازت کردند پس از اصقاع عالم و بلاد بعیده ایشان را اراده نمودند و هر گرسنه و تشنه از فاضل علم و جمیل اخلاق و بسط ید ایشان مستفید و مستفیض گشتند تا آنکه سیدنا المترجم برحمت حق پیوست و مجدد شیرازی بریاست دینیه و دنیویه مستقلاً قیام فرمود . ✳

**آثار و مآثر آن علامهٔ دهر** : مترجم معظم را کتابات علمیه کثیره هست که تلمیذش علامه شیخ حسن مامقانی قدس سره ذکر نموده و فرموده که آنها بقدر یکطرف بزرگ مملو است که حملش مشکل باشد بود ولی بواسطهٔ ضعف خط و عدم روابط در ذیل صفحات تدوین آنها صعب و ضایع گردید مگر آنکه موجود از آنها این است : رسالة فی الاستصحاب رسالة فی مقدمة الواجب الخلل فی الحج لم یتم الاجارة الارث القضاء الصلاة والزکوة الا آنکه این دو تا تدوین نشده . ✳

**و از تقریر بحث آن عالم نحریر** : اوثق الوسائل حاشیه رسائل شیخ انصاری که طبع شده علامه حاج میرزا موسی بن حاج میرزا جعفر بن میرزا احمد مجتهد تبریزی تألیف فرموده و کتاب بشری الوصول الی علم الاصول تألیف علامه مامقانی و کتاب کبیری تألیف علامه فاضل شربیانی و کتاب منتهی الاصول الی علم الاصول تألیف مولی احمد شبستری و پنج مجلد از آن دیدم و کتاب علامه مولی علی نهاوندی الی اضعاف امثالها که مقام گنجایش ذکر آنها ندارد . ✳

**کرم نفس و قوهٔ حافظهٔ آن عالم یگانه** : آن مرحوم را در کرم نفس و حسن اخلاق و علو طبع شنشنه طیبه اسلاف هاشمیه خویش داشت و از قوهٔ حافظه و سداد ذکر او چیزی نقل شد که خارج علما





**وفات آن بزرگوار** : شمس نفس زکیه اش ظهر روز شنبه ۲۳ رجب سنهٔ ۱۲۹۹ هجریه غروب و در نجف اشرف در بقعهٔ خود که معروفست مدفون و سر قبرش قبهٔ عالی بنا کردند و ادبای عصر من جمله علامه سید محمد سعید حبوبی و فاضل بارع شیخ کاظم سبتی و غیرهما برویش رثا گفتند :

✳ وما کان قیس هلکه هلک واحد ✳ ولکنه بنیان قوم تهدما ✳ انتهی ✳

«و بفارسی گفته اند» مقدار آفتاب نهان شد چه مرد ما ✳ تا نور او نگردد از چشمها جدا . ✳

**(مآثر و آثار ص ۱۴۸)** آقا سید حسین ترک کوه کمری علامهٔ اقران و محقق دوران بود در میان تلامذهٔ بزرگ شیخ الطائفه مرتضی الانصاری عدیل حجة الاسلام میرزای شیرازی بود بعد از فوت مشار الیه مجلس درس او در نجف غبار ریب از بهم رسانید و در اصول و فقه اسلوبی سلس و مشیی بانضمام داشت بهمین جهة شمار شاگردان وی از شاگرد مجتهدین بیشتر است . ✳

در سفر اعلیحضرت همایونی بعتبات عالیات ائمه عراق علیهم السلام بحضور مرحمت ظهور شاهنشاه رسید و انواع تلطفات خاصه بدید . ✳

فوتش در سال یکهزار و دویست و نود و نه از هجرت در عراق عرب اتفاق افتاد اعلی الله تعالی فی الجنان مقامه .

**(احسن الودیعه) «ج» ص ۱۵۸** افضل المحققین و اکمل المدققین آیة الله فی العالمین المتحلی بکل زین والمبرء من کل شین مولینا آقا سید حسین تبریزی کوه کمری قدس الله سره الشریف و نور مضجعه المنیف از اکابر علماء مجتهدین و افاضل فقهاء محققین بود خداوند متعال علوم دینیه را باو داد بعد از اندراس احیاء و اعلام یقین را پس از انطماس مرتفع فرمود دفاتر علماء بتقریراتش مزین و مداد فضلاء بتحریراتش مشرف گردید بعد از فوت محقق انصاری مرجع تقلید بلکه در اواخر عصرش مقلد مشهور و مجتهد معروف گشت (رحمة الله علیه) . ✳

**(زهر الربی)** در ایام شیخ الطائفة الانصاری صد یا دویست فاضل بحث آیة الله کوه کمری قدس الله سره حاضر میشد و لیکن آن بزرگوار تیمناً بدرس شیخ حاضر میگشت تا شیخ درگذشت پس بریاست دینیه منتقل و رساله های عملیه اش طبع و مؤمنین بوی مقلد شدند ✳ و از موثقین تلامذهٔ آن مرحوم شنیدم که پس از وفات شیخ ششصد و یا هفتصد فاضل بدرس او حاضر میشد و اولاد ذکوری از وی نماند بمرض فلج مبتلا گردید ولی با وجود این تدریس را دو سال یا سه سال ترک نکرد تا سنهٔ ۱۲۹۹ باجداد طاهرینش ملحق شد (رضوان الله علیه) . ✳

## کرامتی از جسد شریفش

**شهداء الفضیله** (ص ٣٤٣) بدن شریفش را بیست سال تقریباً بعد از وفاتش وقت دفن زوجه‌اش که دختر عم وی بود دیدند که نپوسیده و تر و تازه است .

**مؤلف گوید** : از فقیه کبیری شنیدم که مترجم محترم علاوه از مصنّفات و رسائل مذکوره حواشی بر قواعد شهید اول قدس سره نوشته رحمة الله علیه .

## (٢) ( حاج سید مهدی قزوینی حلّی ره )

## ( المتوفی سنه ١٣٠٠ )

**مآثر و آثار** (١٥٥) حاج سید محمد مهدی مجتهد قزوینی الاصل حلّی المسکن افتخار شیعه بود و استظهار شریعت مقام فقاهت عالی داشت بجلالت قدر و عظمت شان و رفعت منزلتش در زهد و تقوی کسی نمیرسید مکرر بشرف زیارت جمال مبارک حضرت بقیة الله فی الارضین و حجته علی الخلق اجمعین عجل الله فرجه و سهل مخرجه فایز گردید و فزون از یکصد هزار اعراب عراق را مستبصر ساخت و در فقه و اصول و کلام و توحید تصانیفی پرداخت کتابی که او در اثبات نجات از برای فرقهٔ امامیه تصنیف کرده بهترین کتبی که در تعیین فرقهٔ ناجیه نوشته شده کرامات و مقامات او بسیار میباشد شطری از آنها در دار السلام و کلمهٔ طیبه و جنة المأوی و نجم ثاقب که جمله از آثار سرکار شریعتمدار حافظ طبرسی نوری دام ظله است در قلم آمده مراتب و درجات این سید اجل از آنها محقق میگردد اصل تکمیل و تربیت او بتوجهات عم اکرمش علامهٔ زمانه آقا سید محمد باقر قزوینی صاحب قبهٔ مقابل مزار شیخ صاحب الجواهر در نجف شده و این آقا سید محمد باقر قزوینی همشیره زادهٔ آقا سید محمد مهدی بحر العلوم و صاحب اسرار او بوده است .

بالجمله حاج سید محمد مهدی حلّی مذکور بتاریخ دوازدهم ربیع الاول سال یکهزار و سیصد هجری در مراجعت از حج در پنج فرسنگی سماوه تقریباً رحلت فرمود .

**نجم ثاقب** (ص ٢٥٩) بعد از حکایت نود و پنجم و نقل دیدن مترجم معظم حضرت حجة علیه السلام را بین حلّه و کربلا وقت رفتن بزیارت نیمهٔ شعبان بآن تفصیلیکه در آنجا مذکور است **گوید** که این کرامات و مقامات از سید مرحوم بعید نبود چه او علم و عمل را میراث داشت از عم اجل خود جناب سید محمد باقر قزوینی صاحب سرّ خال خود جناب بحر العلوم اعلی الله مقامهم و عم اکرمش او را تأدیب نمود و تربیت فرمود و بر خفایا و اسرار مطّلع ساخت تا رسید بآن مقام که نرسد بجولان افکار و دارا شد از فضایل و مناقب مقداریکه جمع نشد در غیر او از علماء ابرار .



**اوّل** آنکه آنمرحوم بعد از آنکه هجرت کردند از نجف اشرف بحلّه و مستقر شدند در آنجا و شروع نمودند در هدایت مردم و اظهار حق و ازهاق باطل ببرکت دعوت آنجناب از داخل حلّه و خارج آن زیاده از صد هزار نفر از اعراب شیعهٔ مخلص اثنا عشری شدند و شفاهاً بحقیر فرمودند چون بحلّه رفتم دیدم شیعیان آنجا از علائم امامیه و شعار شیعه جز بردن اموات خود بنجف اشرف چیزی ندارند و از سایر احکام و آثار عاری و بری حتی از تبری از اعداء الله و بسبب هدایت او همه از صلحاء و ابرار شدند و این فضیلت بزرگیست که از خصایص اوست

**دوّم** کمالات نفسانیه و صفات انسانیه که در آنجناب بود از صبر و تقوی و رضا و تحمل مشقت عبادت و سکون نفس و دوام اشتغال بذکر خدا تعالی و هرگز در خانهٔ خود از اهل و اولاد و خدمتکاران چیزی از حوایج نمیطلبید مانند ناهار و شام و قهوه و چای و قلیان در وقت خود با عادت بآنها و تمکن و ثروت و سلطنت ظاهره و عبید و اماء و اگر آنها خود مراقب و مواظب نبودند و هر چیزی را در مجلس نمیرساندند بسا بود که شب و روز بر او بگذرد بدون آنکه از آنها چیزی تناول نماید و اجابت دعوت میکرد و در ولیمه‌ها و در مهمانیها حاضر میشد لکن همراه کتبی میداشتند و در گوشهٔ مجلس مشغول تألیف خود بودند و از صحبتهای مجلس ایشان را خبری نبود مگر آنکه مسئله پرسند جواب گوید . و در سفر حج زهاباً و ایاباً با آن مرحوم بودم و در مسجد غدیر و جحفه با ایشان نماز کردیم و در مراجعت دوازدهم ربیع الاول سنه ١٣٠٠ هزار و سیصد پنج فرسخ مانده بسماوه تقریباً داعی حق را لبیک گفت و در نجف اشرف در جنب عم اکرم خود مدفون شد و بر قبرش قبهٔ عالیه بنا کردند و در حین وفاتش در حضور جمع کثیری از مؤالف و مخالف ظاهر شد از قوت ایمان و طمأنینه و اقبال و صدق یقین آنمرحوم مقامی که همه متعجب شدند و کرامت باهره بر همه معلوم شد

**سیّم** تصانیف رائقه بسیاری در فقه و اصول و توحید و امامت و کلام و غیر اینها که یکی از آنها کتابی است در اثبات بودن شیعه فرقهٔ ناجیه که از کتب نفیسه است طوبی له و حسن مآب .

**مجلة المرشد** (ج ٢) (ص ٣٤٠) سادات قزوینیه اسرهٔ شریف و مرکز مجد و علوی است که منتهی میشود نسب شریف ایشان بزید شهید ابن الامام علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام و تقریباً دویست و هشتاد سال است که در عراق ساکن میشوند و نخستین کسی از ایشان که از قزوین بنجف اشرف مهاجرت کرده جد اکبرشان سید احمد طاب ثراه است و پس از مدتی اقامت بقزوین عودت نموده وفات یافت و جنازه‌اش را با اکرامی مشهد غریبی نقل نمودند که اشهر از آن است که مذکور آید و اشهر اولاد سید احمد شریف و علامهٔ عطریف سید مهدی است که مشید ارکان دین و مروّج احکام شرع متین و از مبدأ امر تا نهایت عمر مشغول عبادت پروردگارش و چیزی از امور و حطام دنیوی و را از وی منصرف نمیکرد

محاسن صفات سید قزوینی ره

وپیوسته مردم را بسوی خدا بعمل و تقوای خود دعوت میکرد وَکانَ خَشِناً فِی ذاتِ الله در راه خدا سخت مسبود لاتَأخُذُهُ فِی اللهِ لَومَةُ لائِمٍ بملامت و اعتراض کسی اعتنا نمیکرد ومالک شده بود بقلوب خاصه وعامه بحسن سیرت وطیب سریرت وکرم اخلاق ومحاسن صفاتیکه اعظم آنها خلوص نیت وعظیم تقوی است واورا دوام خیریه واصلاح ذات البین وانجاز هر عملیکه اورا دوست میداشت وخیر مشروعیکه بروی قیام مینمود همت عالی ذات

## کیفیت تحصیل آن بزرگوار :

برهه از زمان در نجف اقامت واز علوم عربیه عقلیه و نقلیه مثل نحو وصرف ومعانی وبیان ونظایر آنها وفقه واصول وحکمت وکلام ورجال وغیر ذلک درمدت قلیل تحصیل کرد واین علوم را در نجف اشرف از اعاظم علماء واکابر اساتید عصر خود اخذ فرمود وکثیری از فضلاء نجف بربحث او حاضر میشدند واو اواخر عهد علامه انصاری امام شهیر وعصر شیخ کاظم شیخ محمد حسین را درک فرموده جل وعمده تلمذش نزد استاد خود علامه شهیر میرزا محمد حسن شیرازی بود ودر طلب علم ودرس نهایت سعی واهتمام مسلوک داشته اکثر شبها تا صبح بامطالعه احیاء میکرد وچون استادش شیرازی ره از نجف بسامراء مهاجرت فرمود او نیز باوی رفت چه از خلص واقرب اصحاب وی بود . ✻

تحصیل او نزد صاحب عنوان و میرزای شیرازی قده

ودر سامراء بمراقی فضل وکمال ارتقا جسته بحظ وافر نائل گردید وسید مرحوم باجتهاد او اشاره واستغنای اورا از حضور درسش تصریح فرمود ومعضلات خصوصا آنهائیرا بروی ارجاع میداشت ومترجم محترم با حسن وجهی حل وبهترین حکم میفرمود وبعد از تصدیق میرزای شیرازی ره چون اهلیت واستعداد خودرا بمقامات عالیه فهمید بکاظمیه مراجعت فرموده ببحث وتدریس وتالیف وتصنیف اشتغال گزیده کتب عدیده در علم اصول وفقه تصنیف فرمود

## احسن الودیعة (ج ۱) (ص ۸۵)

عالم ربانی وفاضل صمدانی وعلامه ثانی افضل جامعین واکمل بارعین فخر الشیعة وعماد الشریعة تقی نقی مهذب صفی مولینا وسیدنا حاج سید مهدی بن حسن بن احمد قزوینی اصلا حلی مسکنا نجفی مدفنا آیتی بود از آیات الهیه وحجتی از حجج ربانیه فنون فضائل وکمالات را جمع وگوی سبقت را در مضمار سعادت حیازت کرده صیت فضل وورع وتقوایش در آفاق عالم منتشر بود فضائل و کمالات سید مهدی قزوینی ره همه فنون وفضائل بقاطبه علماء عراق زبون آمده واستادی الاعظم آیة الله سید ابوتراب خوانساری قدس سره بروی ثناء میگفت وبر کثیری از اقرانش ترجیح داده وبر اغلب فقهاء زمان او مقدم میداشت وعالم محدث حاج میرزا حسین نوری در ص ۴۰۰ س ۵ از فائده ثالثه از خاتمه مستدرک الوسائل اورا ذکر فرموده وثنا گفته وجمله از مناقب وکراماتش را نقل نموده وصاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان را تالیفات رشیقه وتصنیفات انیقه وخداوند متعال اورا عمر طولانی عنایت فرموده وهمه آن سرمایه ثمین را در سبیل کتابت وتالیف صرف نموده ولکن مع الاسف که مولفات شریفش تا حال بطبع نرسیده وچیزی از آنها نشر نشده مگر اقل قلیلی که در حجب ستر آنها

مولفات صاحب ترجمه ...



مذکور نمیشود وهمه اش در خزانه کتبش نزد بعضی از احفاد او همچنان ودیعه مانده وما واقف نشدیم مگر باسامی آنها وعجب از احفاد آن مرحوم که چرا مولفات جد خودشان را نشر نکرده اند باآنکه دارای مال وجاهند ومن این را ببعضی از احفادش گفتم آنوقتیکه بزیارت کاظمین علیهما السلام مشرف شده بودند .

مؤلفات سید مهدی قزوینی ره

## واینک بیان مؤلفاتش :

وما ۳۲ کتاب باسامی وموضوعات آنها ذکر فرموده وحقیر بجهت رعایت اختصار واقتصار ببعض آنها اکتفا میکند ۱ مواهب الافهام فی شرح شرایع الاسلام شش مجلد از آن تالیف شده تا آخر وضوء ۲ بضائر المجتهدین فی شرح تبصرة المتعلمین تمام است مگر کتاب حج وآن بقدر جواهر است اگر باحج تمام بشود ۳ شرح التبصرة مختصر ابسط از روضه واخصر از ریاض ۴ النفائس مطابق کشف الغطاء در ترتیب ۵ رساله در تمام عبادات با فروع کثیره قریب شرایع ۶ کتابی در استنباط قواعد فقهیه که زیاده از هفتاد وپنج قاعده است ۷ الودایع تمام است قریب قوانین ۸ آیات الاصول استدلال کرده در آن بر هر مطلب صحیح از مباحث الفاظ بآیه از قرآن شریف ۹ قلائد الخرد فی اصول العقاید مثل باب حادی عشر ۱۰ الصوارم الماضیه در رد فرقه هاویه وتحقیق فرقه ناجیه کتاب کبیری است تقریبا بیست وپنج هزار بیت ۱۱ رساله در تفسیر سوره فاتحه ۱۲ رساله در تفسیر سوره اخلاص ۱۳ رساله در تفسیر سوره قدر ۱۴ مشارق الانوار فی شرح مشکلات الاخبار چهارده حدیث را مفصلا شرح داده ۱۵ رساله در اسماء قبائل ۱۶ رساله المناسک در احکام حج

## مشایخ صاحب ترجمه :

عمده اشتغالش در علوم عقلیه ونقلیه نزد عم اکرمش علامه صاحب مقامات عالیه وکرامات باهره نور زاهر وسحاب ماطر سید محمد باقر بن سید احمد المتوفی لیلة عرفه سنه ۱۲۴۶ با طاعون کبیریکه تمام عراق را گرفت . ✻

## راویان اخبار از وی :

جمع کثیر وجم غفیر از افاضل مجتهدین واعاظم محدثین که اسامی ایشان در اجازات مذکور است از وی روایت کرده اند از آنجمله علامه فاضل مسلم وفقیه اعظم میرزا جعفر نجل علامه میرزا علینقی طباطبائی حائری واجازه مفصله که تصریح فرموده در آن ببلوغش بدرجات اجتهاد مطلق بوجه اتم الیق وآنرا بخط مجیز در کربلا در نصف شعبان سنه ۱۲۴۴ دیدم نوشته ومن جمله شیخ فقیه نبیه شیخ عباس بن حاج احمد نجفی ره واو از جمله تلامذه او بوده واز آنجمله شیخ محدث حاج میرزا حسین نوری ره ودر خاتمه مستدرک گوید که آن بزرگوار سه مرتبه بسعادت لقاء حضرت حجت صلوات الله وسلامه علیه فایز شده وبر لسان قبل از آن بااین کیفیت وخصوصیت ووضوح اتفاق نیفتاده . ✻

راویان اخبار از صاحب ترجمه

## مؤلف گوید :

مرحوم علامه نوری آن حکایات ثلاث را در جنة المأوی ص ۲۷۵ بعربی ودر

نجم ثاقب ص ۲۶ بفارسی مشروحاً نقل فرموده .

**دار السلام عراقی (باب سیم)** : نیز از کسانیکه حضرت حجة عجل الله فرجه در بیداری دیده و نشاخته اند عالم عامل فاضل کامل سید جلیل نبیل آقا سید مهدی قزوینی نجفی حلی است که از اجله سادات قزوینی است که آباء واجداد او از قزوین هجرت بنجف اشرف کرده اند و از اعزه و اشراف علماء نجف بوده اند وخود او از نجف هجرت بحله کرده و الحال ریاست شرعیه حله و توابع آن با اوست و در کثیری از علوم بلکه در جمیع علوم شرعیه از فقه و اصول و حدیث و تفسیر صاحب ید طولی و تصانیف جیده میباشد و در این ایام که سال هزار و سیصد هجری است در نجف اشرف میباشد چون در سن شیخوخیت رسیده اند و شاید در میان نود و صد باشد با آنکه جمیع حواس سالم و از همه آنها متمتع میباشد .

**وشرح این واقعه این است** : که آقا علی رضای اصفهانی رحمه الله که مردی بود فاضل و عالم و از جمله اخیار مجاورین و در سال هزار و دویست و نود و سه هجری که سید مذکور در نجف بود و حقیر هم در آنجا بودم ذکر نمود که در نزد سید مذکور بودم باو عرض کردم که الحمد لله جل کمالات علمیه و عملیه را دارا هستید با وجود این نباید شرفیاب ملاقات امام عصر خود نشده باشید اگر در یافت این فیض شده باشید توقع دارم که بر من منت گذاشته تفصیل آنرا ذکر نمائید فرمود اما ملاقات بطوریکه در وقت دیدن شناخته باشم کم اتفاق نیفتاده لکن تا حال سه واقعه اتفاق افتاده که بعد از وقوع هر یک از آنها علم عادی بآن حاصل شده و آن قضیه را مرحوم عراقی نقل فرموده ، چنانچه از مرحوم نوری نقل کردیم .

**الذریعة (ج ۲) (ص ۴)** اساس الایجاد فی علم الاستعداد لتحصیل ملکة الاجتهاد تصنیف علامه سید معز الدین محمد مهدی بن حسن بن احمد حسینی قزوینی حلی نجفی متوفی ۱۳۰۰ و علم الاستعداد از فروع علم اصول الفقه است و آن مرحوم اول کسی است که این علم را تاسیس و اختراع نموده این کتاب را در این بار در کاظمیه بالتماس تلمیذ خود میرزا محمد بن عبد الوهاب همدانی کاظمی در صفر سنه ۱۲۷۵ تالیف فرموده و در مقدمه آن تعریف و موضوع و غایت آن را بیان نموده .

**ایضاً ذریعه (ج ۱) (ص ۴۹)** ایات الوصول الی علم الاصول تصنیف علامه سید معز الدین محمد مهدی قزوینی کتاب شریفی است که استنباط کرده در آن هر مطلبی را از مباحث الفاظ و غیر آن از مسائل اصول فقه از ایات قرآن شریف و آن کتاب در خزانه کتبش در حله موجود است .

**مؤلف گوید** مترجم معظم از جمله مشایخ اجازه مرحوم حجة الاسلام حاج میرزا محسن آقای مجتهد تبریزی طیب الله رمسه است و شفاهاً بحقیر فرمودند روزی در مجلس موعظه مرحوم علامه فاضل

تصانیف سید مهدی قزوینی ره



در بندگی اعلی الله مقامه بودم در آن ایام که در تبریز تشریف داشتند فراز منبر فرمودند من در حکم امروز سه نفر مجتهد میدانم یکی هم صاحب عنوان را ذکر فرمودند من در منزل این مطلب بوالد ماجد یعنی میرزا محمد آقای مجتهد طاب مضجعه گفتم فرمودند مطلب چنین است آن سید معظم مجتهد مسلمند و چون بعد از زمانی برای تحصیل بنجف اشرف مشرف شدم و این آقا را ملاقات کردم فوق آنچه شنیده بودم دیدم و زمانی ملتزم حضور مبارکش گردیدم .

**ومرحوم عالم جلیل** فاضل و عابد زاهد کامل آقا شیخ علی سلماسی رحمة الله علیه نقل فرمود که چون بعد از تحصیل خواستم از عراق بایران آیم بخدمت آیة الله حاج سید مهدی آقای قزوینی حلی قدس سره مشرف شده عرض کردم کتابی برای من بفرمائید که جامع احکام باشد تا وقت لزوم مراجعه بنمایم روکرد بآن کسیکه نزد او بود و فرمود که اگر این شخص سه روز قبل این مطلب میگفت من حاصل یکدوره فقه را با جزاء او می نوشتم که کافی باشد در مسائل .

**ونیز از شخص موثقی شنیدم** که صاحب عنوان علیه الرحمة و الرضوان نقل کرده بود که اگر من بدرجه اجتهاد نایل آیم بروم بقبائل عرب و ایشان را بمذهب شیعه دلالت و هدایت و مستبصر بنمایم و چون در سن بیست سالگی بدرجه استنباط و مرتبه اجتهاد فایز گشت حسب نذر و مقتضای عهد خویش بقبایل رفت و زیاده از صد هزار تن از اعراب اهل سنت از برکات انفاس قدسیه و اخلاق کریمه و حسن دعوت و ارشاد ایشان موافق کلمه طیبه ادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ شیعه و مستبصر شدند قدس الله سره و کثّر بره .

## (۳) آقا سید صادق طباطبائی همدانی
## المتوفی ایضاً سنه ۱۳۰۰

**مآثر و آثار (ص ۱۵۰)** آقا سید صادق طباطبائی همدانی از عظماء رؤساء دین و اجله فقهاء و مجتهدین بود در طهران نشست بمقام بزرگواری و بسط ید و نفاذ حکم و قبول عامه که او داشت کمتر کسی رسیده است عمده تلمذ وی در اصول بر شیخ محمد حسین صاحب فصول بوده و بر آن کتاب نیز تعلیقات پرداخته و اجاناً شرعی فقیهانه می ساخت الحق در حفظ حمای شریعت از هیچ دقیقه نمیگذشت و در هیچ باب اقدام و اهتمام او را دیگری نداشت و لهجی از شیاطین بر در محکمه وی گرد آمده بودند از مترافعین رشوه می ستدند و بانواع وساوس و لطایف دسایس در استحکام احکام آن رئیس اسلام رخنه می افکندند او لاد مشار الیه بسیار و همه قرین عزت و اعتبارند علی الخصوص شریعتمدار

آقا سید محمد رضا که وارث مسجد و محراب آنجناب گردید . ✻

**فوتش :** در ١٢ ربیع الثانی سنه ١٣٠١ اتفاق افتاد مزارش بر ظاهر قصبهٔ حضرت عبد العظیم از سمت شمال است مرحوم میرزا یوسف آشتیانی صدر اعظم بر سر آن تربت طیبه قبهٔ عالی افراخته و صحنی مشتمل بر حجرات ساخته است اطاب الله ثراه وحشره من کان یتولاه . ✻

**ایضا در ص ٢٢٥ گوید :** میرزا حیدر علی مجد الادباء متخلص به ثریا در تاریخ وفات سید المجتهدین آقا سید صادق طباطبائی همدانی الاصل طهرانی المسکن اعلی الله مقامه گوید :

✦ سید صادق عماد دین احمد شد بخلد ✦ از جهان آن سید والا مؤید شد بخلد ✦

✦ پس ثریا در میان پای ادب بنهاد و گفت ✦ جایگاه صادق آل محمد شد بخلد ✦

**قصص العلماء (ص ٨٧)** آقا سید محمد صادق طباطبائی از سادات طباطبا و از قبیلهٔ بحر العلوم ومحیی آثار و رسوم وافاضلش بالنسبة بفرق ناس علی سبیل العموم سلمان عصر و فرید دهر واز تلامذهٔ صاحب فصول واز صاحبان فخر واصول وسرآمد فحول و در دار معروف منصب آن در طهران ساکن واو را بمؤلف کتاب محبت بی اندازه بلکه قاطبهٔ علماء از افاضات او بهره مند واز صاحبان نفوس قدسیه است (سلمه الله تعالی) .

## (٤) ﴿ میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی ره صاحب قصص العلماء ﴾

## ﴿ المتوفی سنه ١٣٠٢ ﴾

**احسن الودیعة (ج ١) (ص ١٢١)** عالم اوحد و فاضل مسدد متتبع ماهر مؤید ابن سلیمان تنکابنی میرزا محمد عالم فاضل جلیل نبیل وفقیه نبیه زاهد عابد و نقی تقی عارف برجال و حدیث و تفسیر عربیه شاعر لبیب وادیب اریب حسن السیرة صافی السریرة بود . ✻

**(مولد او سنه ١٢٣٥)** واو را مؤلفات کثیره هست که اشهر آنها کتاب قصص العلماء است و آن کتاب لطیفی است که مآثر جمع کثیری از اساطین دین وجم غفیری از فقهاء مجتهدین احیاء فرموده ودر طهران سنه ١٣٠٤ ودر تبریز سنه ١٣٢٠ ودر بمبئی سنه ١٣٢٦ طبع شده ومؤلفش سنه ١٢٩٠ از وی فارغ شده وآن کتاب منقح ومحرر ومهذب بود محتوی بر فوائد جمه وعوائد مهمه است واز مؤلفات مشهوره اش کتاب الفوائد فی اصول الدین در طهران سنه ١٢٨٣ طبع شده وآن منظومهٔ لطیفه ایست در باب حج که نافع بر طالبان نیز است .

**مشایخ او :** جمع کثیر وجم غفیر است از آنجمله ملا اصغر علی لاهیجانی وحاج ملا صالح برغانی وآخوند ملا عبد الکریم ایروانی وحاج ملا محمد جعفر استرابادی وحجة الاسلام آقا سید محمد

تاریخ وفات سید صادق همدانی ره

صفات حاج میرزا محمد صاحب قصص ره

مشایخ صاحب قصص العلماء ره





باقر رشتی وحاج محمد ابراهیم کرباسی وشیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام وشیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی صاحب کشف الغطاء وشیخ محسن خنفر وشیخ مرتضی الانصاری وملا آقا دربندی وصاحب الضوابط الاصولیة وعنده تلمذ نموده فقها واصولا ورجالا واز او روایت واز شهید ثالث ملا محمد تقی برغانی وسید محمد باقر بن علی حسینی قزوینی روایت میکند وصورت اجازهٔ آن دو بزرگوار را در قصص ذکر نموده . ✻

**تلامیذ او ودر روایت وقرائت :** آقا سید علی قزوینی از اقربای صاحب ضوابط واز مشاهیر علماء قزوین وآقا سید احمد کبیمی وحاج شیخ محمد طهرانی ومیرزا محمد حسن از بنی اعمام صاحب عنوان وآقا محمد رحیم تنکابنی وآخوند ملا عبد العلی مرجانی طالقانی وآخوند ملا علی مرجانی وغیرهم رضوان الله علیهم

**مؤلف گوید :** صاحب کتاب در خاتمهٔ قصص ص ٣٤١ گوید بدانکه مؤلف کتاب اسامی ونام گرامی اصحاب علماء اطیاب احوالات وعبادات ومولد ووفات وتالیفات ایشان اکثر بر دهور ازمان واذهان اولو الالباب محو ومنسی گردیده بود بتجشم در مدت پنجاه سال بعد از تتبع وتفحص وتجسس واستماع از افواه اکابر وزبر ارباب مفاخر بقدر مقدور در احیاء آنها کوشیدم ومطالب علمیه بسیار ونصایح بیشمار و حکایات مبهجهٔ غریبه در آن مذکور داشتم . ✻

**الذریعة (ج ٣) (ص ٢٩٨)** کتاب تاسیسات در قواعد فقهیه بقدر شش هزار بیت تالیف میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی صاحب قصص العلماء متوفی چنانچه فرزند آقا مهدی نزیل طهران خبر داد در روز سه شنبه ٢٨ جمادی الاخره سنه ١٣٠٢ واقع شده ودر قریهٔ سلیمان آباد که والد ماجدش میرزا سلیمان تعمیر کرده بود مدفون گردید (رضوان الله تعالی علیه) .

## (٥) ﴿ حاج شیخ جعفر شوشتری ره ﴾

## ﴿ المتوفی سنه ١٣٠٣ ﴾

**مآثر وآثار (ص ١٣٨)** حاج شیخ جعفر شوشتری مجتهدی جلیل القدر ومتفقهی عظیم الشان بود شهرت ورباستی بزرگ داشت اواخر عمرش از موطنش که شهر شوشتر است رفت ودر مشهد مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام مجاورت گزید ودر مقارن سال ارتحال بزیارت عتبهٔ رضویه فایز گردید ذهابا وایابا بدار الخلافه ورود فرمود وباذات اقدس شهریاری خلد الله سلطانه ملاقات کرد و بشرف بار دید همایونی قرین تعظیم وتبجیل گردید واز اهالی طهران در استقبال ومشایعتش ازدحامی فوق المعهود بعمل آمد بالجمله در تقوی وقدس وورع وزهد او از متاخرین معاصرین کسی دیده وشنیده نشده است مقتلی بطرز بدیع تصنیف نموده که اینک بهمت معتمد السلطان میرزا فضل الله خان نوری

تاریخ تألیف قصص العلماء در مدت پنجاه سال

تاریخ وفات شوشتری ره

مستوفی بطبع رسیده وانتشار گرفته از ائمهٔ عصر و مجتهدین وقت اول کسیکه در مسجد سپهسالار که در طهران واقع نه بجامع سلطان موسوم است بنماز جماعت ایستاد این زاهد زمانه و عابد یگانه بود بشرحیکه در روزنامجات دولتی نگاشته‌ایم . ✳

**فوت او** : در اثناء حل و ترحال بسمت عتبات عالیات قدس تمثال در ۱۳۰۳ به پیشگاه سر وی داد (طیب الله رمسه) ✳ .

**احسن الودیعه (ج ۱ ص ۹۲)** عالم فقیه فاضل نبیه صاحب کشف و کرامات نور از هر ابن الحسین مولانا شیخ جعفر شوشتری طیب الله ثراه وجعل الجنة مثواه از اکابر علماء مجتهدین و افاخم فقهاء محققین و اعاظم اصحابنا المحدثین بود جمع نموده بین علوم متشتته از معقول و منقول وحیازت فرموده از انواع فنون از فروع و اصول صاحب ذهن وقاد و فهم نقاد و حافظهٔ عجیبه و قوهٔ غریبه و ملکهٔ قویه و سلیقهٔ مستقیمه منقطع بسوی پروردگارش بدون تمسک بغیر او اوقات خود را در مرضات خداوند و مردم را بافعال و اقوال خویش از معاصی منصرف در وعظ و ارشاد برای کافهٔ عباد ید طولی داشت مرکزیت تامه در قلوب خاصه و عامه برای او حاصل گردید پس هر وقت بمنبر ارتقاء میجست هزاران مردم از طبقات مختلفه از علماء و غیرهم در پای منبر او حاضر میشدند وجمعی از عاصین از برکات انفاس قدسیه اش از معاصی مرتدع میگشتند وبالجمله مجالس وعظ وی ریاض حقایق و دقایق و کلماتش محرق اکباد و قلوب از مواعظ شافیه اش دیده‌ها عوض اشک خون میبارید و نبود این مگر از خلوص نیت در باب موعظت .

**مولد ونشو و نمای آنمرحوم** در شوشتر متولد و در آنجا نشو و نما یافته و در عنفوان شباب بنجف اشرف مهاجرت و در خدمت جمعی از مشایخ عظام و علماء کرام تلمذ بنمود . ✳

**مؤلفات شریفه اش** : ۱ خصایص حسینیه در ایران کراراً طبع شده و آن کتاب لطیفی است که از مقتل حسین علیه السلام و وقعه طف بحث میکند ۲ منهج الرشاد در فقه رساله عملیه است و در ایران کراراً نیز طبع شده و علماء عصر بعد از وفاتش حواشی بر آن نوشته و مواقع نظر خود شان را بیان فرموده اند و بعضی از تلامذهٔ او مواعظ شریفه و مجالس منبر اش را در چند مجلد جمع آورده از آنها است کتاب موسوم به فوائد المشاهد که دفعات عدیده در ایران طبع گردیده و کتاب مجالس المواعظ که در طهران بقطع صغیر سنهٔ ۱۳۱۰ در ص ۱۵۹ چاپ خورده و او را کتب مبسوطه در فقه و اصول هست ولی هنوز از سواد به بیاض در نیامده .

**مشایخ آن عالم یگانه** : جمع کثیری است از آنجمله شیخ علامه مؤتمن مولانا شیخ حسن صاحب انوار الفقاهة که از اکابر علماء زمان و اعاظم فضلاء اوان خود بوده و صاحب روضات الجنات بر وی ثنا گفته



و از جمله شیخ فاضل وجیه و فقیه نبیه شیخ راضی نجفی که از اکابر علماء عصر و عظماء فقهاء دهر خود بود وجمعی از علماء ایران بلکه سایر بلدان در خدمت او تحصیل کرده‌اند و از آنجمله شیخنا المحقق العلامة مرتضی الانصاری که صاحب عنوان نزد او نیز تلمذ کرده و بعد از وفاتش امر خود را منحصر بتألیف و تدریس و سعی در نشر معارف و وعظ و ارشاد کافهٔ عباد نمود و بدین امور باحسن وجوه قیام فرمود . ✳

**وجمعی از علماء عظام از وی روایت میکنند** : من جمله مولینا شیخ علی بن الرضا بن موسی بن جعفر کاشف الغطاء نجفی سلمه الله تعالی و ما از صاحب عنوان بواسطهٔ این شیخ بزرگوار روایت میکنیم و او ما را اجازه در پشت کتاب مواهب الباری مرقوم فرموده . ✳

**( جلالت آقای حاج شیخ جعفر شوشتری ره )**

**مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقای مجتهد تبریزی قدس الله سره شفاهاً بحقیر فرمودند** : که در ایام تحصیل سالی در نجف اشرف در رؤیت هلال شوال اختلاف شد همهٔ آقایان حجج الاسلام فرمودند که هر کس رؤیت کرده برود خدمت آقای حجة الاسلام حاج شیخ جعفر شوشتری شهادت بدهد هر وقت ایشان حکم فرمودند ما هم افطار میکنیم شهود میامدند شهادت میدادند آقای حاج شیخ فرمودند چون در هوا ابری و مانع نبود باید چهل نفر شهادت بدهند تا قطع حاصل آید در این بین یکی از معروفین علماء نجف آمد در ایوان طلا مشغول صحبت بود شد طلاب آمدند چوبی را از دستش گرفته بزمین زدند و گفتند این چه حرکت بیقاعده و جسارتی است هنوز آقای حاج شیخ حکم نفرموده و آقایان افطار نکرده اند بر خبر از اینجا آن شخص از جای برخاست و خجل بمنزل رفت و دیگر نتوانست در نجف بماند مهاجرت کرد .

( ادب بهتر از گنج قارون بود ✳ فزونتر ز ملک فریدون بود )

**( ذکر کرامتی در ایام توقف طهران در سفر مشهد مقدس )**

**یکی از علماء اعلام** روایت فرمود از احفاد مترجم معظم که گفت در مسافرت ارض قدس رضوی علی ساکنها الآلاف التحیة والثناء در ایام توقف صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان در طهران یکی از اعیان دولت را گفتند که آقای حاج شیخ در مدت عمر خود هرگز لقمهٔ حرامی نخورده او استبعاد کرده و برای تکذیب این امر یکی از نوکرهای خود را گفت که برهٔ سرقت کن آقای حاج شیخ را دعوت کنیم میل فرمایند آن شخص برهٔ دزدیده آقا را به ناهار دعوت کردند نزدیک ظهر از صحن خانه صدا بلند شد و کسی فریاد زد که برهٔ مرا دزدیده بدینجا آورده من او را برای آقای حاج شیخ هبه کرده بودم کرد دعوت کنم میل فرمایند بمیزبان تعجب میکند و قضیه را باقا بیان مینماید گوارا میل فرمایند و صاحب بره از حسن اتفاق کمال تشکر میکند انتهی . ✳

( گر شود خون جمله عالم مال مال * کی خورد مرد خدا الا حلال )

## ( کرامت عظیمی از برای مترجم معظم )

**دار السلام نوری ره (ص ۳۱۰)** بعد از نور شیخ المسلمین شیخ جعفر شوشتری ره مرا خبر داد که چون از تحصیل علوم دینیه در نجف اشرف فارغ شدم و بوطن مألوف برگشتم مشغول هدایت انام و تبلیغ احکام گشتم و بواسطهٔ عدم مهارت در فن مواعظ و مصائب در ماه مبارک رمضان و ایام جمعه بالای منبر از روی تفسیر صافی و در ایام عاشوراء از روی روضة الشهداء کاشفی قرائت میکردم و کما ینبغی زمن انذار و ابکاء چنانچه میخواستم بعمل نمیآمد تا اینکه یکسال بدینموال بگذشت ماه محرم رسید پس شبی با خود گفتم تا کی از روی کتاب خوانم خواند و در تدبیر این کار و استغناء و استقلال در این امر کمیت خیال را در اطراف مرام بجولان آوردم ولی چیزی بنظرم نیامد ملالت و سامت گرفته خوابم ربود پس در واقعه دیدم که گویا در کربلا هستم و همان ایامیست که مواکب حسینیه در آنجا نزول اجلال فرموده و خیام طاهرات نصب شده و عساکر دشمن در مقابل ایشان فرود آمده اند چنانچه در روایت وارد شده پس من بخیمهٔ سید انام ابیعبدالله علیه السلام داخل شده سلام کردم پس حضرت مرا نزد خود خواند و نزدیک نشانید و بحبیب بن مظاهر فرمود که فلانکس و بمن اشاره فرمود که مهمان ما است اما آب که چیزی از آن نزد ما پیدا نمیشود ولی آرد و روغن داریم برخیز از برای وطعامی تهیه بکن حبیب برخاست و چیزی از آن درست کرده پیش من آورد و قاشقی نیز با او بود پس من چند لقمهٔ کوچکی از آن خوردم و از خواب بیدار شدم و از برکت آن غذا بپاره از دقایق و اشارات اخبار مصائب و لطائف و کنایات آثار اطایب واقف شدم که کسی بر من سبقت نگرفته بود و هر روز در تزاید بود تا در ماه مبارک رمضان در مقام موعظه و بیان بغایت مرام نایل شدم

**صاحب دار السلام** بعد از نقل این کرامت میفرماید قلت امره دام ظله و علاه در آنچه ذکر فرموده اعظم از آن است که موصوف و مقامش در این مضمار اعلی از آن است که معروف گردد و در این سال که بنجف اشرف مهاجرت فرموده بجهة آنچه دید از شیوع و کثرت منکرات و ظلم در بلاد اهواز و قادر نشد بر رفع آنها جل فضلاء بحضرتش اجتماع و اعاظم علماء از انوار تحقیقات وی اقتباس کردند و در ماه مبارک رمضان و یوم عاشوراء و روز پنجشنبه و جمعه در پای منبر او محفلی برپا میبوده که سکان ملاء اعلی غبطه مینمودند

ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء

**مؤلف گوید :** استادی الاعظم و استادی الافخم مرحوم حاج میرزا اسدالله مجتهد تبریزی طاب مضجعه فرمودند که اثر انفاس قدسیه و تاثیر اندرز و موعظهٔ آقای حاج شیخ جعفر شوشتری مرحوم بنحوی بود که علماء و مجتهدین و مستمعین مثل مجلس روضه گریه و ناله میکردند روزی این آیه را از سورهٔ یس خواند



وامتازوا الیوم ایها المجرمون یعنی روز قیامت بگنهکاران خطاب میرسد از یکدیگر جدا شوید ای غاصبان فریاد و ضجه از حضار بلند شد .

**سید جعفر حلی ره گوید :**

| | |
|---|---|
| فکانما شفتاه کن کنانة | رمیت فلم تخط القلوب نبالها |
| او قد قضی شیخ الشریعة جعفر | فوال کل فضیلة فعالها |

**ولنعم ما قیل :**

| | |
|---|---|
| لک فی المجالس منطق یشفی الجوی | ویسوغ فی اذن الادیب سلافه |
| وکان لفظک جوهر متنخل | وکانما آذاننا اصدافه |

**وبفارسی گفته اند :**

| | |
|---|---|
| قول مطبوع از درون سوزناک آید همی | عود چون سوزد جهان از وی معطر میشود |

**ایضاً :**

| | |
|---|---|
| افسوس که گلرخان کفن پوش شدند | صد حیف که با خاک هم آغوش شدند |
| آنانکه بصد زبان سخن میگفتند | آیا چه شنیدند که خاموش شدند |

## وفات و مدفن آن عالم فرید و کرامت نثار نجوم در شب وفاتش :

**احسن الودیعه (ج ۱) (ص ۹۲)** آن عالم بی بدیل در عودت از زیارت مشهد مقدس در قریه کرند که واقع در طریق کرمانشاه است در شهر صفر سنه ۱۳۰۳ هجریه علی مهاجرها الاف ثناء و تحیه برحمت حق پیوست و نعش شریفش بنجف اشرف نقل شد و یوم ورود جنازه اش از کثرت ازدحام مردم در استقبال وی چنان حالی روی داد که مثل آن دیده نشده بود حتی مخدرات از خانه ها خود بیرون آمدند و نعش او را با گریه و صراخ و عویل و صیاح از چند میل راه استقبال نمودند .

**وبعد از وفات او کرامتی واقع شد** که قاطبهٔ اهالی بلاد از عباد مشاهده نمودند و جمعی از روایت کنندگان بما نقل کرده اند و تفصیل آن اینست که در شب وفاتش بعد از غروب تا ثلث اللیل اتفاق افتاد بجهتی که فضا مملو شد از ستاره ها و مردم بدهشت افتادند و همچون گمان کردند که نجوم بر روس ایشان واقع خواهد شد و تا نصف ساعت این حالت مستمر بوده و این کرامتی است که اتفاق نیفتاده برای احدی از علماء ما مگر در وفات شیخ کلینی صاحب کافی و بعضی از علماء متقدمین ما در سنه سیصد و بیست و هشت یا نه هجریه و در سنه ۱۲۵۳ نیز مثل این قضیه واقع شده چنانچه آیة الله العلامه قدس الله روحه در روضات الجنات در ذیل ترجمه والد شیخ صدوق ره و عبدالرحمن بن الجوزی نقل فرموده این واقعه را خودش نیز دیده

## سید جعفر حلی ره گوید :

| | |
|---|---|
| اوما رایت الشهب کیف تهافتت | والارض فزع اهلها زلزالها |
| فکانما الخضرا تزلزل قطبها | وکانما الغبرا نسفن جبالها |

## وشاعر متخلص باسیر گفته :

| | |
|---|---|
| چون حاج شیخ جعفر ازین دار بارست | همچون شهاب بخت زانجم فلک شرر |
| ظاهر شب وفات حسین بن روح شد | وز رحلت فقیه و کلینی همین اثر |
| تاریخ موت شیخ بپرسیدم از اسیر | گوید که انه لبجنات استقر |

ودر جمیع دیار ماتم وتعزیه برپا شد ومراثی واشعار انشاء گردید خال وید انموال گشت که گفته شد

| | |
|---|---|
| لقد حسنت فیک المراثی وذکرها | کما حسنت من قبل فیک المدایح |

وسید ابراهیم طباطبائی وسید جعفر حلی بروی رثاء گفتند وازجمله قصیده حلی :

| | |
|---|---|
| قف بالمنازل سائلا ما بالها | ذهبت بشاشتها وغیر حالها |
| صرخ النعی فما تری من بقعة | الا اضطرب سهولها وجبالها |

**وسید هاشم حلی** نیز گوید که من خود با این چشمهای خویش دیدم که در شب وفات مرحوم شوشتری قبل از عشاء تناثر نجوم وشهب اتفاق افتاد بنحویکه فضاء مملو شد ومردم بدهشت ووحشت افتادند وتا نصف ساعت مستمر بود . ✳

**ونجل محترم مترجم معظم** آقا شیخ محمد علی که از اجلاء علماء زمان خود بود درجای پدر عالیمقدارش قایم مقام ونایب مناب امور وی گردید . ✳

**مآثر وآثار** (ص ۱۸۴) آقا سید محمد علی شوشتری خلف قرین الشرف شیخ الزهاد اوحد الاوتاد حاج شیخ جعفر مجتهد شوشتری رضوان الله علیه در خوزستان ریاست کلیه دارد . مدظله

## (۶) ( میرزا محمد صالح عرب شهیر بداماد )

**مآثر وآثار** (ص ۱۴۸) میرزا محمد صالح عرب مشهور بداماد پدر آقا سید حسن است که داماد سید علامه صاحب الریاض بوده در حفظ حدود وحمایت حقیقت غیرت شدید داشت این جهت فتنه در شهر کربلا برپا کرد که جماعت کثیر در آن واقعه بقتل رسید وخود مشارالیه را اسیراً بدار السعاده قسطنطنیه بردند وباقدام امناء این دولت مقارن سنین اوایل جلوس همایونی از آنجا بطهران



آوردند با مقام فقاهت ومزید جلالت خلقی بغایت خشن داشت وهنگام غضب ضلاخویشتن را متمالک نبود بتلاوت قرآن مواظبت فوق العاده از او مشهود میشد ودر احترام کلام الهی اهتمام غیر متناهی مبذول وهیچ وقت قرآن را در حال قرائت وغیرها بر زمین نمیگذارد بر کتاب ریاض جدش حاشیه نوشته مسماة بزهر الریاض وبر روضه شهید نیز حاشیه داشت ومیفرمود اگر نام روضة الصفا نبود این حاشیه را نیز صفاء الروضه مینامیدم ونیز در اصول کتابی ساخته مترجم بهمه باب اولاد ذکور ازاو نماند واز بناتش یکی در خانه شریعتمدار آقا سید عبدالله خلف الصدق آقا سید اسمعیل بهبهانی علیه الرحمة است فوت این بزرگوار در شب جمعه دویم ربیع الثانی از سال یکهزار ودویست وسی هجری بدار الخلافه ناصره روی داد وکالبد شریفش بعتبات ائمه عراق علیهم السلام حمل افتاد . ✳

## ( میرزا حیدر علی مجد الادباء در واقعه وی گفته )

| | |
|---|---|
| سال فوتش اثر با بکی افسرده گفت | صد حیف حجله گاه صالح داماد شد |

**الکنی والالقاب** (ج ۲) (ص ۲۰۳) بعد از ترجمه میر محمد باقر داماد ره گوید گاه داماد اطلاق میشود بسید عالم فقیه میرزا صالح شهیر بعرب موسوی حایری طهرانی المتوفی سنه ۱۲۳۰ ابن سید حسن شهیر بداماد چه که صهر میر سید علی محقق صاحب ریاض و معروف بداماد بود پس از آن این لقب بفضل مذکورش منتقل گردید . ✳

**ایضا در مآثر وآثار** (ص ۲۲۵) گوید میرزا حیدر علی مجد الادباء ساکن طهران از شعر نغز وخط نیک بهره لایق دارد وثریا تخلص میکند نظم ونثرش مدون است وقصاید در ائمه علیهم السلام بنام خیر الکلام فی مدایح الکرام معنون وچالاکیش در صنعت تاریخ مبرهن از نبات فکر ونتایج خاطر این چند ماده تاریخ چون مناسب این باب این کتاب بود با آنها تراجم اهل هنر وفنانش را مذیل وساقی این اوراق را مخلل ساختیم . ✳

**وبعد از ذکر چند ماده تاریخ گوید** ودر تاریخ وفات مرحوم حاج میرزا حسین مشهور بداماد برادر مرحوم آقا میرزا صالح عرب طاب ثراهما که در کربلا وفات نمود سروده :

| | |
|---|---|
| بهر تاریخ ثریا بی تامل باز گفت | شد حسین بن حسن لاحق بشاه کربلا |

## (۷) ( فاضل اردکانی ره )
## ( المتوفی سنه ۱۳۰۵ )

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۹۹) عالم محقق ربانی ومجتهد فاضل صمدانی مولانا

نفاذ اوامر و احکام فاضل اردکانی بولاة و حکام

شیخ محمد حسین اردکانی حائری قدس الله سره الشریف و نور مرقده المنیف مروج مذهب حق اثنی عشری کما هو حقه و مفرج کل مشکلات ادراکات بشری بود صاحب تق وفنون و صاحب تحقیقات انیقه و تدقیقات رشیقه میبوده در زمان خود منفرد با اینکه زمان او مشحون بود با امثالش اسم سامی او در اقطار و اصقاع عالم مشهور و ذکر وی در جمیع اماکن و بقاع شایع و معروف علماء کبار بر بحث او حاضر و طلاب علم از اقطار عالم بحضرتش شتافتند بر علو درجه او در علم و عمل و صیت و شهرت همین دلیل بس و کفایت که سلطان زمان او ناصر الدین شاه مرحوم علاوه بر علماء عصرش بولاة و حکام خود با نفاذ و اجراء اوامر و احکام وی بجلالت مترجم معظم امر فرموده بود . ✳

**وفات آن عالم فرید** : سنه یکهزار و سیصد پنج واقع گردید و تلمیذ رشید او علامه شهرستانی حاج میرزا محمد حسین که بعد از استادش ریاست امامیه بو منتهی شد در تاریخ وفات او گوید :

| | | | |
|---|---|---|---|
| ✳ | ولما ذاب وجد القلب هما<br>فقم فزعا و ارخ بالبکاء | لموت ولی امر المؤمنینا<br>حسین بالثری امسی رهینا | ✳ |

۱۳۰۵

کلمه ای از ولد امجد فاضل اردکانی

و مرحوم سید جعفر قصیده مفصلی در رثاء وی گفته که در دیوانش ص ۱۹۶ مذکور است و بعد از وفاتش مسجد و محراب او بمیراث عادی بولد امجد ارشدش آقا شیخ محمد رحمه الله منتقل گشت . و صاحب عنوان عمی داشت عالم جلیل و فقیه نبیل و فاضل عدیم المثیل عنی ملا محمد تقی سنه ۱۲۶۷ در طهران برحمت حق پیوست . ✳

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۴) فاضل اردکانی از ائمه علماء عصر و اجله مجتهدین زمان و مشایخ مروجین شرع و رؤساء امامیه بود در حائر شریف مجاورت داشت و ریاستی زاید الوصف بهم رسانید اعلیحضرت همایونی را نسبت بوی توجهات مخصوص بود . ✳

**و (ص ۱۸۱) گوید** مدفن فاضل اردکانی بکربلا در مقبره آقا سید ابراهیم قزوینی در بصحن کوچک میباشد تصنیفات بسیار دارد اما هنوز مرتب و مبوب نگردیده . ✳

مؤلفات فاضل اردکانی علیه الرحمه

**ریحانة الادب** (ج ۱) (ص ۵۹) شیخ محمد حسین بن محمد اسمعیل اردکانی حائری معروف بفاضل اردکانی تعلیقاتی بر ریاض و معالم و شوارق و رساله ئی در علم حروف و مصنفات دیگری در طهارت و صلوة و متاجر و غیرها داشته و از استاد و عم خود ملا محمد تقی اردکانی از شاگردان حجة الاسلام رشتی روایت کرده و بواسطه او از حجة الاسلام مذکور روایت میکند و ملا محمد تقی مذکور نیز از اکابر مجتهدین بوده و در سنه ۱۲۵۷ بامر دولت با کمال عزت از یزد بطهران آمده و اقامت گزیده و مدرسه و مدرس شیخ فخریه بدو مفوض بوده



**ایضاً گوید** : تلامذه فاضل اردکانی میرزا محمد تقی شیرازی و حاج میرزا حسین مرعشی معروف بعلامه شهرستانی و سید محمد اصفهانی و سید حسن کشمیری و میرزا مهدی شیرازی و دیگر اکابر وقت از تلامذه او بوده اند .

## (۸) ( فاضل ایروانی ره )

## ( المتوفی سنه ۱۳۰۶ )

ترجمه ای از فاضل ایروانی علیه الرحمه

**مآثر و آثار** (ص ۱۵۲) آخوند ملا محمد ایروانی اصلاً نجفی جواراً از جمله رؤساء مجتهدین درجه نخستین بود و در معقول و منقول و فروع و اصول او را استادی اعظم و محققی مفخم میدانند شهرتش ممالک اسلامیه روس ایران و عثمانی و هند همه را فرو گرفته است و بجلالت شان و عظمت رتبه و علو مقام و رفعت مقدار بسیار کم نظیر بود و در اکثر علوم مانند فقه و اصول و رجال و فنون عقلیه از صنادید اساتید معدود میگردید ✳

شیخ علی اصغر ایروانی

مولی علی اصغر ایروانی برادر این عالم ربانی در سلک وعاظ و محدثین نظر از اول معدود بود و هم بشرف مجاورت عتبات متعالیات استسعاد داشت در یکهزار و سیصد راجعاً عن حرم الله دار الهجرة وفات یافت و در ظل قبه ائمه بقیع علیهم السلام بخاک رفت . ✳

**مؤلف گوید** : این عالم جلیل و واعظ نبیل حاج ملا علی اصغر ایروانی ره والد ماجد مرحوم شیخ موسی واعظ محدث مکفوف بود که کراراً از عتبات عالیات به تبریز آمد و در وعظ تمام و شهرتی وافر گرفت و در اکثر مجالس پا نام منبر بود و مرا بطه مخصوصی با حقیر داشت با اینکه سالها مکفوف بود ولی در اخبار و تواریخ بصیر و متتبع و شخصی جسیم بسیم ظریفی بود و پس از صحبت و بیانات قضایای عجیبه عربی میخواند ( رحمة الله علیه ) ✳

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۹۸) حجة الاسلام و المسلمین ملاذ الخلق اجمعین مولانا آخوند ملا محمد ایروانی نجفی از اکابر مراجع امامیه در اقطار اسلامیه بوده و عمده تلمذ و اشتغال وی در خدمت علامتین صاحب جواهر و صاحب سائل بوده و بعد از این دو بزرگوار بتالیف و تدریس اشتغال گرفت و جمعی از علماء متبحرین در محضر او تلمذ نمود و اموال کثیره از بلاد روسیه و غیرها بخدمتش ایصال میشد و ایشان در نجف اشرف بطلاب علم تقسیم میفرمود و در سنه ۱۳۰۶ هجری قبل الفجر روز چهارشنبه دویم شهر ربیع الاول جهان را بدرود گفت مخزن المخالة شیخ فقیه شیخ عبدالله مامقانی دام بقاه مذکور است برحمت حق پیوست و سید جعفر حلی قصیده طویله در رثاء وی گفته که در دیوانش ص

تاریخ وفات فاضل ایروانی

**الذریعه** (ج ٣) (ص ١٩٣) کتاب البیع الاسد لالی تصنیف علامه الشهیر بفاضل ایروانی ملا محمد بن محمد باقر ایروانی نجفی متوفی ١٣٠٦ بیش از هفتاد سال و در مدرسه معروف با آن مرحوم مدفون شد در اول شباب بعتبات مهاجرت کرده ببحث صاحب ضوابط وجواهر وغیرهما حاضر ولحق بمختص بعد الائمه انصاری کرد و بعد از وفات سید کوه کمری مرجع تقلید گشت و این کتاب بیع را از اول عقد بیع تا اواخر فضولی با اجزاء کثیره از مکاسب محرمه در مجلد بخط خود نزد فرزندش شیخ محمد جواد دیدم

**مؤلف گوید** : تبحر واحاطه وجامعیت این عالم یگانه وفاضل فرزانه در اطراف واکناف عالم و بسیط محیط معروف ومشهور بود ودر مجلس درس هر روزه از دیگر علوم وفنون عنوان واستشهاد میفرمود ونظایر مطلب را بیان میفرمود از نجف نوشته بودند که تحریر تقریرات وضبط بیانات آقای فاضل ایروانی بواسطه تنوع و توسع ممکن نیست و یکی از منسوبین ما مسئله از مرحوم آیة الله آقا شیخ حسن مامقانی قدس سره استفتا کرده بود ایشان در جواب مرقوم فرموده بودند که مادامیکه آقای فاضل ایروانی در حال حیوة است از ما استفتا نکنید که صحیح نیست با وجود این شخص ما ابراز رای بکنیم و حال آنکه آقای شیخ در این تاریخ مجتهد مسلم و مرجع تقلید جمع کثیری بودند .

**و شخص موثق** از اقوام ما نقل کرد که بعد از آنکه رساله عملیه جناب فاضل ایروانی در تبریز طبع شد مقدار کثیری حمل کرده بنجف میبردم در خانقین گرفتند که باید تفتیش بشود واگر چیزی خلاف مذهب ایشان بشود ضبط کنند یکی از آن رساله‌ها را برداشته پیش قاضی بردیم که مطالعه نماید چون قاضی رساله را گشود احکام اموات آمد که مذکور بود واجبست تجهیز میت مسلم خواه سنی وخواه شیعه قاضی خیلی خوشوقت شد گفت این عالم بسیار خوش عقیده بوده اسم این شخص چیست گفتم ملا محمد ایروانی مرجع تقلید ما است دفتر خود را برداشته اسم او را ثبت نمود که فلان عالم از شیعه در رساله خود سنی وشیعه را در احکام تجهیز مساوی داشته و رساله‌ها را رد نمود و قاضی نفهمیده بود که این مسئله بین علماء امامیه اتفاقیست .

**وایضا همین شخص گفت** : که چون بنجف رسیدم شب در نماز جناب فاضل حاضر بودم که زوار بعد از نماز از اطراف آقا جمع شده مسائل مختلفه از هر موضوع میپرسیدند آقا تسبیح برداشته مشغول تعقیب شد وچون همه از استفتاء فارغ شدند آقا تسبیح را بر زمین گذارده همه مسائل مختلفه آن جمع را یک بیک کانه نوشته بود جواب فرمود باز تسبیح را برداشته مشغول ذکر شد . (قدس الله سره وکثر بره)

جامعیت و ایمان فاضل ایروانی ره بر علوم

حسن ظن قاضی عامه با فاضل ایروانی ره



(٩) **العلم الحجة حاج میرزا اسمعیل شیرازی ره**
**(المتوفی ایضاً سنه ١٣٠٥)**

(سوانح تاریخ این ترجمه در تعزیت ...)

نجل زکی سید میرزا رضی ابن میرزا اسمعیل ابن عم امام مجدد شیرازی و برادر زوجه اش وخال مفضال مرحوم آیة الله سید میرزا علی آقا قدس الله اسرارهم .

آن مرحوم در سنه ١٢٥٨ متولد ودر حجر ابن عم اکرمش تربیت یافته وهمه علومش از بدو تا غایت از آیة الله اخذ نموده پس در علوم ومعارف اولین شخصی ودر فن ادب وفضایل نخستین کسی بود وظن تو چیست در حق کسیکه این شخص بی نظیر در علم وتحقیق وفرد در معارف واخلاق ووحید در ادب وفضیلت او را تربیت بدهد وتهذیب بدارد وعلم بیاموزد وچون مترجم محترم در تحصیل تکمیل شد افضل تلامیذ این استاد معظم ومؤمل تقلد ریاست عامه بعد از وی بنص خود آیة الله واجماع اصحابش گردید مگر آنکه دهر نا پایدار وقضاء محتوم او را قبل از آن بزرگوار اخترام کرد وعلم ودین وعامه مسلمین از وی خایب وخاسر گشت وآن مرحوم در عهد ابن عم اکرمش امام مجدد شیرازی واسطه عقد علماء ومؤئل افاضل ومرجع ادباء وغایت حوائج ووسیله فیض بین آیة الله وامت در افاضه تدریس وملکات حمیده بوده ودر فن ادب نضد تحریض سرد شعر عربی وفارسی مبرز ودر کرم وقضاء حوائج مردم مجد ومعروف بود .

**وفاتش** : در ٤ شعبان سنه ١٣٠٥ در کاظمیه واقع شد وجسد شریفش بنجف اشرف نقل ودر یکی از حجرات شرقیه صحن مقدس علوی صلوات الله علیه که ابن عم عالمش حاج میرزا محمد ومحقق سید محمد فشارکی نیز در آنجا آسوده اند مدفون گردید .

**ومناسب دیدم** در این مقام یک قصیده عربیه وقصیده فارسیه از درر کلمات شعر منظوم این حبر اعظم مذکور آید در قصیده مولودیه حضرت امیر صلوات الله علیه که ارباب فن وادباء عجم وعرب زیاده از حد تحسین کرده اند بعد از تغزل وتشبیب گوید :

| | | | |
|---|---|---|---|
| انت یضیء من الکعبة نور | مثل ما آنس موسی نار طور | یوم غشی الملاء الاعلی سرور | فرع السمع نداء کنداء |
| --- | شاطئ الوادی طوی من حرم | | --- |
| ولدت شمس الضحی بدر التمام | فانجلت عنا دیاجیر الظلام | نادیا بشرکم هذا غلام | وجهه فلقة بدر وهو ذا |
| --- | بسنا انواره فی الظلم | | --- |
| هذه فاطمة بنت اسد | اقبلت تحمل لاهوت الابد | فاسجدوا ذلا له فیمن سجد | فله الاملاک خرت سجدا |
| --- | اذ تجلی نوره فی آدم | | --- |

تفصیل فضل حاج میرزا اسمعیل شیرازی ره

تاریخ وفات مرحوم معظم له

قصیده حاج میرزا اسمعیل شیرازی ره در ولادت حضرت امیر

قصیده حاج میرزا اسمعیل شیرازی ... حضرت امیر

کشف الستر عن الحق المبین ✤ وتجلی وجه رب العالمین ✤ وبدا مصباح مشکوة الیقین ✤ وبدت مشرقة شمس الهدی

(فانجلی لیل الضلال المظلم)

نسخ التابید من نفی تری ✤ فارانا وجهه رب الوری ✤ لیت موسی کان فینا فیری ✤ ما تمناه بطور مجهدا

(فانثنی عنه بکفی معدم)

هل دری نام العلی ما وضعت ✤ ام درت ثدی الهدی ما ارضعت ✤ ام درت کف الندی ما رفعت ✤ ام دری رب الحجی ما ولدا

(جل معناه فلما یعلم)

سید فاق علی کل الانام ✤ کان اذ لا کائن وهو امام ✤ شرف الله به البیت الحرام ✤ حین اضحی لعلاه مولدا

(فوطا تربته بالقدم)

ان یکن یجعل لله البنون ✤ وتعالی الله عما یصفون ✤ فولید البیت احری ان یکون ✤ لولی البیت حقا ولدا

(لا عزیر لا ولا ابن مریم)

هو بعد المصطفی خیر الوری ✤ من ذری العرش الی تحت الثری ✤ قد کست علیائه ام القری ✤ عزة تمحی جباها ابدا

(حیث لا ابد نوه من لم یحرم)

سبق الکون جمیعا فی الوجود ✤ وطوی عالم غیب وشهود ✤ کلما فی الکون من یمناه جود ✤ اذ هو الکائن لله یدا

(وید الله مدر الانعم)

سید حازت به الفضل مضر ✤ بفخار قد سما کل البشر ✤ وبهم فی فلک العلیا قمر ✤ فبه لا بالنجوم یهتدی

(نحو مغناه لنیل المغنم)

هو بدر وذراریه بدور ✤ عصمت عن مثلهم ام الدهور ✤ کعبة الوفاد فی کل الشهور ✤ فاز من نحو فناها وفدا

(بطاف منه او مستلم)

ورثوا العلیاء قدما من قصی ✤ ونزار ثم فهر ولوی ✤ لا یباری جمهم قط بحی ✤ وهم ازکی البرایا محتدا

(والیهم کل فخر ینتمی)

ایها المرتجی لقاه فی الممات ✤ کل موت فیه لقیاک حیات ✤ لیتما عجل بی ما هو آت ✤ علنی القی حیاتی فی الردی

(فائزا منه باوفی النعم)

(ولد ✤ در شهادت حضرت امیر صلوات الله علیه)

ناکه از تیغ مرادی تارك حیدر شکست ✤ قطب امکان رکن ایمان پشت پیغمبر شکست

وجه وجه الله را رنگین نمود از خون سر ✤ دست کین پهلو و دست از خالق اکبر شکست



اختر سعد امامت رفت در برج وبال ✤ آسمان مجد را هم قطب هم محور شکست

جوی خون از دیده عالم گرفت این ماجرا ✤ محشری بر پا شد کز شور او محشر شکست

انس وجن را نعره جانسوز بر شد از زمین ✤ در فلک خیل ملك از بال غم شهپر شکست

زد شرر بر گنبد اخضر زناه آتشین ✤ خضر را کشتی صبر از موج غم لنگر شکست

خلد شد ماتم سرا و حوریان ماتم زده ✤ کوثر از غم خون شد وطوبای شاخ و بر شکست

سر برآورد از قرای شاهنشه دنیا و دین ✤ ظلم امت زانکه کرسی ورد دین سر شکست

کرد بنیاد این عمل زانکه از جور وعناد ✤ پهلوی زهرای اطهر را ز ضرب در شکست

کاسه زهر جفا را ریخت در کام حسن ✤ کربلا بر پای کرد و تارك اکبر شکست

(۱۰) (حاج ملا علی کنی طهرانی ره)

(المتوفی ایضا سنه ۱۳۰۶)

حاج ملا علی کنی طهرانی ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۳۸) حاج ملا علی مجتهد کنی ساکن دار الخلافه از عظماء علماء اسلام است بعزت نفس و مناعت جانب از ابناء جنس امتیاز داشت اهل دیوان و برا رئیس المجتهدین می نوشتند وحضرت حق تعالی آن عالم عامل وفقیه کامل را بفرط ثروت وطول عمر ونفاذ امر اختصاص بخشیده بود اکثر علماء ورؤساء طهران بتربیت وترویج او اعتبار یافتند وبمدارج ومقامات رسیدند عمده تلمذ او بر شیخ انصاری صاحب الجواهر بوده ودر اصول وفقه ورجال وغیرها تصنیفات فرموده وجامع نافع را که در علم درایه حدیث پرداخته است بطبع رسیده اشتهار واعتبار این بزرگوار در دین ودولت وملك وملت با علی درجه کمال بود وصیت بزرگی وعظمت شانش را اسباب بار قسمتهای کره ارض برده وهمه جا را فرا گرفته بود احترام واکرامی که این پادشاه بآن عالم عامل وفقیه کامل مبذول میفرمود کمتر از مجتهدین را نصیب افتاد الحق وجودش مذهب جعفری را قوتی وقوامی بود وشرع شریف را استظهاری واستحکامی.

**فوتش**: در بامداد پنجشنبه بیست وهفتم محرم الحرام سنه یکهزار وسیصد وشش هجری بین هشتاد وشش تقریبا در طهران اتفاق افتاد واز این رهگذر ثلمه غیر مسدود در اسلام پدید آمد وتاریخ این سانحه گفته اند:

زجنت شد یکی حور ابرون با جلوه وگفتا ✤ علی در جنة الماوی علی را میهمان دارد

وبعد از اقامه مجالس فاتحه در طهران بلکه در جمیع بلاد ایران روز غره صفر سال مذکور جنازه بجوار حضرت عبد العظیم بن عبد الله الحسنی علیه السلام باز دحام عام واحترام تمام حمل افتاد ودر مسجد ...

حاج ملا علی کنی ره

تاریخ وفات حاج ملا علی کنی ره

بين الحرمين مدفون گرديد اعلى الله مقامه ورفع في الخلد اعلامه .

**احسن الوديعه** (ج ۱) (ص ۱۰۱) شيخنا ومولانا حاج ملا علي كني طهراني الرحوم از اعاجيب دهر واكابر علماء عصر خود بود ماهر بعلوم عربيه ولغت وقرائت جامع بين روايت ودرايت عالم تفسير وصناعت حديث حافظ رجال وانساب عارف معقول مجتهد در فروع واصول واسع المعرفه غزير العلم صاحب اختراعات واستنباط وتحقيقات رايقات محبوب خاص وعام مرجع فتاوى واحكام معظم در عيون اعاظم وحكام عموم دائم بمعروف ونهى از منكر لا تأخذه في الله لومة لائم وبالجملة فهو آية الله العظمى بلا كلام والنائب المرضي عن الامام عليه السلام .

**مولد ومنشاء آن بزرگوار** : چنانچه خودش در رساله موسومه به توضيح المقال كه با رجال ابو علي مطبوع شده گفته سنه ۱۲۲۰ در قريه كن كه در سفح جبلي در دو فرسخي طهران واقع است متولد شده وبجهة تنزل محل بواسطه انخفاض موسوم بكن شده قال الله تعالى وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا .

**وچون سن شريفش بمقام تعلم رسيد** بسوء التماس خود بمكتب رفته در اندك مدتي از معلم مستغني گشت وپس از چند سالي بعد از واسطه هاي بسيار كه قوم خويش او از تحصيل وي مانع بودند بعتبات عاليات مهاجرت فرموده در آن مكان شريف بعلوم عربيه وفقه واصول وحديث ورجال وغير ذلك اشتغال نمود وبقسمي در علوم مذكوره مهارت يافت كه به تصنيف اصول شروع كرد وجمله از مباحث آن نگاشت تا در سنه ۱۲۴۴ طاعون عظيم واقع گرديد پس از عتبات حركت كرد مثل سائر اهل فضل وكمال ومدتي به تجول در حل وترحال بود تا خداوند متعال ثانيا توفيق مجاورت عتبات عاليات عنايت فرمود پس در خدمت اساتيد فحول وارباب معقول ومنقول بتكميل فقه واصول مشغول شد تا بمنتهاي كمال ومبلغ رجال فائز ونائل آمد وبطهران مراجعت نمود ودر جميع بلاد تا غايت اشتهار معروف ومشهور گشت .

**مؤلفات شريفه آن بزرگوار** : ۱ رساله در اوامر ونواهي ومفاهيم واستصحاب ۲ مجلد طهارت ۳ مجلد صلوة ۴ مجلد بيع ۵ مجلد در قضاء وشهادات سنه ۱۳۰۴ در طهران سنگي طبع شده ۶ توضيح المقال في علم الرجال كه در پشت كتاب منتهى المقال شيخ ابو علي رجالي مشهور كرارا طبع شده وآن كتاب لطيفي است در باب خود ونافع براي طالبان رجال مثل كتاب قضاء وشهادات وي .

**ومجد الادباء ميرزا محمد علي طهراني** در تاريخ وفاتش گفته :

| | |
|---|---|
| سرو دهر مجلا مجد بهر تاريخش | علي بنزد محمد بمخلد كرد مقام |

**وشاعر اديب سيد جعفر حلي ره** قصيدهٔ مفصلي در رثاء وي گفته كه جمله از

جامعيت حاج ملا علي كني ره

تحصيلات حاج ملا علي كني عليه الرحمه

مؤلفات حاج ملا علي رحمه الله



از او در رساله مواهب البارى في ترجمة العلامة الخوانساري نقل كرده ام .

**الذريعه** (ج ۳) (ص ۴۸۲) تحقيق الدلائل في شرح تلخيص المسائل متن وشرح هر دو تا تصنيف علامه حجة الاسلام حاج ملا علي كني وكتاب القضاء والشهادات وآن دقيق ترومتين تر است از جواهر باتفاق همه آن علمائيكه تا درك كرده ايم .

**ايضا** (ج ۴) (ص ۴۹۸) توضيح المقال في علم الدراية والرجال تصنيف علامه كني وانمرحوم از تلاميذ علامه صاحب جواهر بوده ولي آنچه در فقه مرقوم فرموده بر جواهر ترجيح ميدهند چنانچه گذشت واين توضيح مرتب بر مقدمه سه باب وخاتمه است ودو مرتبه با رجال شيخ ابو علي بطبع رسيده دويم آن سنه ۱۳۰۲ ودر اين طبع آنچه شيخنا علامه نوري است ذالك فرموده اضافه شده ومرحوم مصنف در آخر كتاب بعض از افاضل عصر را وصف فرموده واين كتاب ترجمه فقهاء ونه تن از مشايخ علم رجال است وبا خودش شصت نفر را با تمام رسانيده وهمه افراد آن شصت نفر كه در آخر خاتمه كتاب در طبع اول ذكر شده بود ملحق كرده وجميعا در طبع ثاني صد وبيست تن شده بنحو اختصار .

**وخداوند توفيق داده مرا** كه عده ايشان را بزيادة از ششصد تن رسانيده ام با في الجمله بسطي در احوال هر يك از افراد در مجلد مخصوصي كه موسوم كرده ام از آنها به ( مصفى المقال في مصنفي علم الرجال ) واستخراج كرده ام از آن كتاب ( الاسناد المصفى الى آل المصطفى ) كه در سنه ۱۳۵۶ طبع شده .

(۱۱) ( ملا نظر علي طالقاني ره )

( المتوفى ايضا سنه ۱۳۰۶ )

**مآثر وآثار** (ص ۱۴۳) ملا نظر علي طالقاني ره عالم رباني بود ودر فقه واصول وحكمت وحديث مقام تبحر داشت تصنيفات سودمند بعربي وفارسي ساخته كه بعضي بطبع رسيده از جمله كتاب كاشف الاسرار است كه خواص وعوام از آن تاليف شريف سودها ميبرند وفرزند او عالم عامل وفقيه فاضل حافظ قرآن ومقيم طهران ومفخر ايران بود طلب فضل را بازده تن كرد كه از آنها كريمه حسن خان سرتيپ رئيس شامبياتي از شعب قاجار بود وعاقبت بلا عقب در مشهد رضوي در گذشت في سنه ۱۳۰۶ الهجرية .

**احسن الوديعه** (ج ۱) (ص ۱۱۱) عالم وحيد وعارف فريد فقيه نبيه وفاضل وجيه مولانا ملا نظر علي طالقاني ره احدي از ائمه دين بود در كلام وفروع واصول وفردي از علماء محققين در معقول ومنقول صدر رئيس وعالم كبير بود .

**آنمرحوم را** مؤلفات جليله ومصنفات جميله هست كه بعلو قدر وسعت فضل وكثرت

صاحب ترجمه از مرحوم آل شريف نقل نموده

از علماي قرن چهارده مصفى المقال

صاحب كاشف الاسرار حافظ قرآن بود

الحافظ او شهادت میدهد و اینک اسامی آنها ١ مناط الاحکام مشتمل بر دو فن است فقه در فروع و ظواهر و فقه در بواطن و اسرار در سنه ١٣٠٣ در طهران سنگی طبع شده و نسخه از آن نزد ما موجود است ٢ حاشیه بر رسائل شیخ محقق مرتضی الانصاری ٣ رساله در حجیت خبر واحد با مناط الاحکام طبع شده ٤ رساله در بیان دعوی عین بضا با مناط الاحکام طبع شده ٥ رساله در اشتراط حس در قبول شهادت ٦ رساله در رضاع با مناط الاحکام طبع شده ٧ کاشف الاسرار الی غیر ذلک از کتب فاخره . ✳

**مشایخ آن بزرگوار** : تا حال بر مشایخ او واقف نشده ام الا اینکه در مناط الاحکام از شیخ محقق مرتضی بشیخنا الانصاری و از صاحب جواهر بشیخنا فی الجواهر تعبیر میکند . ✳

**مؤلف گوید** : مترجم معظم خود در کاشف الاسرار سه نفر از اعلام علماء را با اسامی سامی تصریح فرموده که اشاره بمن اند در باب استخاره میفرماید استخاره با قرآن مجید فرقان حمید بهترین استخاره هاست وجه الهامات عجیب و جهای غریب بظهور پیوسته که اگر جمع شود کتابها گردد در باب الاسرار امیر علیه السلام قرآن باز نمودم بجهت استکشاف اینکه دو استاد جلیل من قدس سرهما که صاحب جواهر الکلام و صاحب فرائد الاصول شیخ محمد حسن و شیخ مرتضی باشند کدام یک انفع بحال طلاب و عامه خلقند این آیه آمد کِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وایضا بدانکه درست فهمیدن مطلب از قرآن مجید بسیار مشکل است یکی از علماء در قزوین تازه از مرض شفا یافته بر سر سفره رنگین حاضر شده استخاره نمود این آیه آمد وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ الی قوله تعالی ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ با اطمینان تمام غذای کاملی میل فرمود بمنزل رسید و در بستر بیماری خوابید و این حکایت را بسید جلیل و حبر نبیل استاد خود حاج سید تقی قدس سره عرض نمود فرمود در استخاره ملاحظه مورد آیه لازم است نحل که مگس عسل است از میوه ها و گلها چیزی اکل میکند و بر روی چندین گل نشیند و بعد بر پشت اخذ مینماید پس ترا بایستی از هر غذا اندکی بچشی وایضا بدانکه بعضی را خداوند کریم چنان حکمت عطا فرموده که غالبا مطالب سائل را از آیه استخاره میگوید و ذلک فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ (اللهم ارزقنا) . ✳

**الذریعه** (ج ١) (ص ٢٢٩) اجتماع الامر والنهی تصنیف ملا نظر علی طالقانی طهرانی متوفی در مشهد الرضا علیه السلام سنه ١٣٠٦ و ولادتش سنه ١٢٤٠ بوده و آن فقیه اصولی حکیم حافظ قرآن واعظ وجیه از تلامذه علامه انصاری بود و این کتاب با مناط الاحکام سنه ١٣٠٤ طبع شده .



## (١٢) ( حاج ملا احمد شبستری ره )

### ( المتوفی ایضا سنه ١٣٠٦ )

**احسن الودیعه** (ج ١) (ص ١٠٩) عالم مؤید و کامل نامی مسدد حاج ملا احمد شبستری عالم عامل فاضل کامل بلباس زهد و تقوی متلبس و از افق فضل باعلی درجه مترقی در نصرت حق قائم و در قضاء حوائج خلق نفس خود را باذل خانه او مجمع فضلاء و منزل او محط رحال علماء بود و چون شیخ نوح نجفی اراده حج بیت الله الحرام نمود برای امامت در جای خود او را معین فرمود و بعد از وفات شیخ مذکور در طریق حج امامت او را مستقل گردید و عنوان بحث خارج وی از کتاب قوانین بود و جمعی از فضلاء مشتغلین بر بحث او حاضر میشدند . ✳

**و مترجم معظم را مؤلفاتی هست** : از جمله تقریرات استاد خود مرحوم کوه کمری در چند مجلد ضخیم در اصول فقه الی غیر ذلک . ✳

**و مشایخ وی** : که در خدمت ایشان تلمذ کرده شیخ مشایخنا المحقق المرتضی الانصاری و سید استاد سید حسین الکوه کمری والفاضل الایروانی قدست اسرارهم بوده اند .

**و وفات آن مرحوم** سنه ١٣٠٦ اتفاق افتاد (رضوان الله تعالی علیه) . ✳

## (١٣) ( حاج میرزا محسن قاضی تبریزی ره )

### ( المتوفی ایضا سنه ١٣٠٦ )

**حسب سند عالی حقیر** این جمله را فقیه را جناب سید سند و عالم معتمد آقا میرزا محمد علی قاضی ایده الله تعالی نجل زکی سید جلیل علامه حاج میرزا باقر آقا قاضی سلمه الله تعالی در ترجمه معظم له مرقوم فرموده اند :

عالم عابد و عارف فقیه ربانی حاج میرزا محسن قاضی بن حاج میرزا عبد الجبار قاضی قدس سرهما از اعاظم علماء تبریز و در زهد و ورع و تقوی و علم و عمل بی نظیر و همیشه مشغول عبادت و طاعت و دائم المطالعه و التدریس بوده و اخذ علم با نظر و مواظبت مرحوم محمد شاه قاجار و وزیرش حاج میرزا آقاسی از علماء دار الخلافه طهران نموده و در سایر مراکز علمیه نیز مشغول تحصیل گردیده و بخدمت بسی از اعاظم رسیده و با مرحوم حاج ملا هادی حکیم سبزواری صاحب منظومه ارتباط کامل داشته . ✳

**ولادتش** : سنه ١٢٣٦ و وفاتش روز دوشنبه سیم جمادی الآخره سنه ١٣٠٦ اتفاق افتاده ، و مرحوم آقا نام حاج میرزا کاظم طباطبائی تبریزی ملقب باعتضاد الممالک و معروف بحاج وکیل در کتاب شجره سادات عبد الوهابیه ساکنین آذربایجان در ترجمه آن مرحوم گوید حاج میرزا محسن قاضی شخصی بزرگوار و طیب الاعراق و حسن

الأخلاق بود و محافل بسیادت و بزرگواری را بوجه اتم داشت مخصوصاً الی غیر النهایه مهمان دوست و بشاش و
گشاده ابرو بود و در خانه او لیلاً و نهاراً بر وارد و صادر باز و محفل شریف ایشان مجمع عمومی بود .
و بعد از نقل وفاتش گویند و در مقبره جد بزرگوارش حاج میرزا مهدی قاضی جنب مسجد مقبره رو بروی دروازه
مدفون گردید و از آثار باقیه آن مرحوم احداث حمامی است در حوالی همین مقبره که بحمام قاضی اشتهار دارد حشره
الله مع اجداده الطاهرین .

## (۱۴) میر حامد حسین هندی ره
## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۰۶)

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۸) میر حامد حسین لکهنوی از آیات الهیه و حجج شیعه اثنی عشریه است
که شتران مقام فقاهت در علم شریف حدیث و احاطه تام بر اخبار و آثار و معرفت احوال رجال از شعب
شیعه و اهل سنت و جماعت و این شخص امامیه است قولاً مطلقاً و در فن کلام لاسیما مبحث امامت کلان
صدر اسلام تا کنون ما بین دو فرقه بزرگ از این ملت میمون معنون گردیده صاحب مقامی مشهور است و موفقی بین
المسلمین مشهور هر کس کتاب عبقات الانوار این بزرگوار دیده باشد میداند که در ابواب مذکور در کتاب مسطور
از اولین و آخرین احدی بدین منوال سخن نرانده است و بر آن نمط تصنیف نپرداخته از امارات مؤید بودن وی
من عند الله ظفر یافتن اوست بصواقع خواجه نصر الله کابلی که شاه صاحب دهلوی تمام آن را انتحال و از آثار موفق
بودن او بدست آوردن کتب و اسباب و اثاثات تألیف و جمع ست میگویند در انواع علوم قریب سی هزار مجلد
ما بین صغیر و کبیر و خطی و چاپی در کتابخانه عامره این مرتضی العصر نسخه موجود است و این سخن از واعظ بزرگ نیز
شنیدیم که در طهران بر فراز منبری مذکور داشت والله العالم اگرچه این سید اجل حافظ اکمل از مردم ایران نیست
و مقام و دودمان کرامت نشان ایشان در لکهنو از ممالک هندوستان میباشد ولی چون اصلاً از نیشابور بودند
بر در این باب میانجی مذکور شوند فی التاریخ که سنه ۱۳۰۶ است خبر رسید که بجنت جاوید خرامید قدس الله
لطیفه و ستر روحه الشریفه .

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۰۴) لسان الفقهاء والمجتهدین و ترجمان الحکماء والمتکلمین
وسند المحدثین مولانا السید حامد حسین بن مفتی سید محمد قلی موسوی نیشابوری کنتوری ره از اکابر متکلمین
باحثین دیانت و ذابین بیضه شریعت و حوزه دین حنیف بود و صیت او در شرق و غرب شایع و بفضلش عجم و
عرب معترف گردید جامع فنون علم واسع الاحاطه کثیر التتبع دائم المطالعه محدث رجالی ادیب اریب
عمر شریف خود را در تصنیف و تألیف صرف کرده گفته اند که آنقدر با دست راست نوشت که عاجز و از دست



غلغله گشت پس با دست چپ بنگاشت و در بلده لکهنو مکتبه بزرگ و بی نظیری داشت از انواع کتب و لاسیما
از کتب مخالفین بالجمله آن بزرگوار در دیار هندیه سید المسلمین حقاً و شیخ الاسلام صدقاً بود و مردم عصرش
قاطبه بر علو شان او در دین و سیادت و حسن عقیده و کثرت اطلاع و سعه باع و لزوم طریقه سلف معتقد بودند

**مشایخ آن بزرگوار**: در علم کلام بر والد علامه خود و در فقه و اصول بر سید العلماء سید حسین
و در معقول بر سید مرتضی بن سید محمد سلطان العلماء تلمذ کرده و از بعضی مجموعه های معتبره ظاهر میشود
که بر ابحاث علماء نجف اشرف نیز حین تشرفش بزیارت عتبات عالیات حاضر شده والله العالم .

**وفات و مدفن آن عالم وحید**: در هجدهم شهر صفر سنه ۱۳۰۶ هجری واقع شد چنانچه در رساله
که صدیق ما سید علینقی هندی سلمه الله در احوال علماء هند نوشته و بما فرستاده مذکور است در حسینیه خود
آن غفران مآب در لکهنو دفن گردید (قدس الله سره) .

## تقریضات عبقات الانوار

**عالم جلیل آقا شیخ عباس هندی شروانی** رساله مخصوصی موسوم به سواطع الانوار فی
تقریضات عبقات الانوار تألیف فرموده و دویست و هشت تقریض از آیات الهیه و حجج اسلامیه نقل نموده
و در پنج تقریض تصریح شده باینکه صاحب عبقات اسکنه الله فی روضات الجنات دویست جلد مؤلفات
و مصنفات دارد و رساله مذکوره در ضمن کتاب نزهة الانشاء در سنه ۱۳۰۳ در هندوستان در بلده لکهنو که محل
اقامت طایفه شیعه مرکز علماء امامیه است در مطبع بستان مرتضوی طبع شده و چون تقریض مرحوم آیة الله
حاج شیخ زین العابدین مازندرانی از همه آنها اجمع و ابسط و محتوی بر مقاصد عالیه و فواید سامیه و مطالب
مهمه و مواعظ کامله و بیانات پاکیزه بود لذا بتمامه در حواشی تتمه محرم الحرام از کتاب وقایع الایام از ص ۴۸
الی ۸۸ نقل کرده ام .

## تقریض مرحوم آیة الله میرزای شیرازی بر عبقات الانوار

پس از حمد و صلوات * جا دارد که گوییم آن کتاب * ابدحق است بر اهل صواب *
عبارات وافیه و اشارات شافیه اش دلیل خبرت است و محل عبرت معلوم است که از عیون افکار
صافیه مخرج است و از خلاصه اخلاص منتج :

| حیات دین نبی جنگ است ابنا سیف | که عالمان بقلم کار سیف می بینند |
| --- | --- |

اگرچه مبدأ نم ارباب ذهن را دهن بوسته چاک ولی ذوات مقدسه پاک را از اعلاء کلمه حق چه باک
با جنود مجنده حق خشب مسنده را چه نسبت است و ظلال ضلال را در مقابل مهر انور چه جرأت است الخ

تاریخ وفات صاحب عبقات

تقریض میرزای شیرازی بر عبقات الانوار

مؤلف گوید : استقصاء تفریض عبقات الانوار خارج از حیز تقریر و بیرون از حیطه تحریر است و لی همین قدر بس که در یکی از تقریضات گوید در زمانه الحجع کثیر و جم غفیری از تیه ضلالت بشارع هدایت آورده مستبصر و شیعه مینماید چنانچه از بغداد و مکه و شام و حلب و خود بلاد هندوستان مسموع شده است که جماعتی بواسطه مطالعه چند جلد کتب مطبوعه ایشان ترک قول إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ گفته متاسی باسوه حسنه وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ گردیده اند .

## ( موضوع عبقات الانوار )

همه مجلدات این کتاب مستطاب در نقض هفوات و رد کلمات باب امامت تحفه اثنا عشریه مولوی شاه عبد العزیز بن ولی الله دهلوی متعصب عنود است که جمله از احادیث متواتره وارده در امامت حضرت امیر علیه السلام را انکار کرده و صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان خواسته که تواتر هر یک از آن اخبار را از اهل سنت و جماعت اثبات بفرماید پس خبر را نقل میکند و از طبقه اصحاب تا تابعین و تابعی تابعین اشخاصی که آن را روایت کرده اند و آن مینماید پس از آن انچه از رجال عامه در توثیق آن رواة وارد شده ذکر میفرماید بعد اسماء محدثینی که آن خبر را در کتب معتبره خود نقل کرده اند بترتیب قرون و طبقات با اثبات عبارات ایشان از کتب قوم بنحویکه احدی بروی سبقت نگرفته مینوید .

## ( وانچه از مجلدات عبقات بنظر احقر رسیده )

و از مطالب انها انتخاب در مجلد دوم منتخب المقاصد ثبت شده بدین قرار است :

**مجلد منزله** در مطبع مطلع نور لکهنو سنه ۱۲۹۵ هجری طبع شده و در آن کتاب تواتر حدیث أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي را از هشتاد و نه تن از محدثین مشاهیر و اساطین نحاریر اهل سنت باسمائهم و القابهم و کناهم و بلادهم و اسامی کتبهم و توثیقهم و نقل عبارات مؤلفاتهم من طرقهم نقل فرموده .

**مجلد طیر** در مطبعه بستان مرتضوی سنه ۱۳۰۶ سال وفات انمرحوم طبع شده و در این مجلد در دفع شبهات صاحب تحفه زیاده از هشتاد تن از عظماء علماء ایشان بنام و نشان که در کتب خود ذکر کرده اند و هفت نفر از انها که مجلد مخصوص در بیان طرق حدیث طیر تصنیف پرداخته اند نقل فرموده .

**مجلد ثانی غدیر** زیاده از دویست و ده تن از محدثین و مورخین و مفسرین قوم را با ذکر تراجم و تقریظ مؤلفین و تقریض کتب ایشان از اکابر و فضلاء عامه مشروحا و مفصلا ذکر فرموده که حدیث شریف غدیر را نقل نموده اند .

**و در اثبات تواتر حدیث مذکور گوید** : که زیاده از یکصد صحابه آن را روایت کرده اند .

**و در جواب صاحب تحفه** عبد العزیز دهلوی که اماد مولی بمعنی اولی را انکار کرده زیاده از چهل



نفر از اعاظم و اکابر و معروفین و معتبرین علماء عامه را بنام و نسب و لقب شمرده که تصریح کرده اند براینکه مولی بمعنی اولی الامر است .

**و تا بیست و دو نفر** از علماء اعیان و محدثین جلیل الشان ایشان را نقل کرده که نزول آیه يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ را در واقعه غدیر خم روایت کرده اند .

**و اشعار حسان بن ثابت را** از هشت تن از اکابر علماء قوم .

**و قصه حارث بن نعمان را** از هیجده نفر از اعاظم علماء و فضلاء ایشان نقل کرده که تفصیل همه اینها بما لا مزید علیه در عبقات مضبوط و مقدار وافی در منتخب المقاصد مذکور است .

**و مجلد نور** از هشت نفر صحابه و هشت تن از تابعین و چهل نفر از علماء و فضلاء قوم روایتکرده که حدیث نور را نقل کرده اند .

**و مجلد تشبیه** از سی و شش نفر از طبقه ماته ثانیه تا مرتبه ماته ثالث عشر همان اسلوب نقل فرموده

**و مجلد ولایت** از شصت و پنج تن از اجله ارکان و ائمه اعیان همین طریق ذکر کرده .

**و مجلد مدینة العلم** ایضا بهمان نحو از کتب معتمده قوم اثبات فرموده .

## ( موضوع کتاب استقصاء الافحام )

اما کتاب استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام در نقض منتهی الکلام است از تالیف مولوی حیدر علی فیض ابادی از متعصبین اهل سنت و جماعت معاصر صاحب استقصاء و کتاب فارسی مبسوطی است مشتمل بر ده مجلد که بعض اجزاء آن در مطبعه مجمع البحرین لودیانه هندوستان سنه ۱۳۱۵ در سه جلد بطبع رسیده و در این کتاب مستطاب در اثبات وجود مقدس حضرت حجة عجل الله فرجه از کتب قوم استقصا نموده و کثیری از احوال و تراجم علماء و رجال اهل سنت و توثیق ایشان و مراتب اعتبار کتب شان از مؤلفات معتمده قوم و مصنفات متقنه اکابر انها چنانچه طریقه حسنه آن علامه روزگار است مانند عبقات الانوار شرح داده و در بعضی از اصول دینیه و فروع عملیه تکلم نموده و در همه انها انچه حق است اثبات فرموده .

**و بفضله تعالی و حسن توفیقه** مجلد اول آن کتاب شریف که مشتمل بر هزار و صد و بیست و دو صفحه رحلی در کاغذ رقیق هندی بخط جلی است بنظر حقیر رسیده و تا نصف آن که تقریبا زیاده از ششصد صفحه است مطالعه و از مقاصد جلیله و فوائد نفیسه آن بقدر صد و شصت و پنج صفحه خشتی انتخاب و در مجلد اول منتخب المقاصد و منتجب الفوائد که محتوی بر هشت مجلد است درج کرده ام فلله در مؤلفه و جزاه عن الدین و اهله

خیر جزاء الصالحین وحشره مع اجداده الطاهرین .

ومرحوم علامه نوری نور الله مرقده در نجم ثاقب کثیرے از روایات همین استقصاء الافحام نقل فرموده (دو نجل محترم مترجم معظم) .

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۰۸) صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان را دو نجل عالم بارع جلیل معاصر هست یکی شمس العلماء سید ناصر حسین ایده الله که عارفست برجال وحدیث واسع التتبع کثیر الاطلاع دائم المطالعه واحد مراجع اهل هند است ۱۹ جمادی الاخره سنه ۱۲۸۴ هجری متولد ودر خدمت والد ماجدش وسید محمد عباس ره تحصیل کرده واز اخیر روایت میکند .

**واز مؤلفاتش** نفحات الازهار فی فضائل الائمة الاطهار واثبات حدیث رد الشمس ودیوان الخطب وکتاب المواعظ ومسند فاطمه بنت الحسین علیه السلام وایضاً مشغول است باتمام کتاب والد بزرگوارش عبقات الانوار وچند مجلدے از تالیفش درآمده زاده الله توفیقه وجعل التقوی رفیقه ودیگرے عالم سید ذاکر حسین که خواشیے بر عبقات والد ماجدش دارد .

**هدیة الاحباب** (ص ۱۷۷) بعد از نقل وفات صاحب ترجمه میفرماید لکن بمفاد :

| | | | |
|---|---|---|---|
| زنده است کسیکه در دیارش | | باشد خلفی یادگارش | |

جناب میر سید ناصر حسین خلف آن بزرگوار در جمیع کمالات وآثار وارث آن پدر وثانی آن بحر زخار ومصداق این بیت است : ان السری اذا سرى فبنفسه ✱ وابن السری اذا سرى اسراهما

وگویند چند مجلدهم از تتمیم عبقات از تالیف سید ناصر حسین تا بحال طبع شده ادام الباری برکات وجوده الشریف واعانه لنصرة الدین الحنیف .

## (برادر مکرم صاحب ترجمه)

**مآثر وآثار** (ص ۱۵۴) میر غازی حسین لکهنوی برادر میر حامد حسین است در علم وعمل وفنون تصنیف وترویج مذهب امثال ذلک با برادر برابر بود بچندین سال از این پیش هر دو ایشان معاً از هندوستان بزیارت عتبات متعالیات عراق عرب آمده با علماء عظام ملاقاتها مخابراتها فرموده وبموجب مشرب شریف ومذهب لطیف خود از علماء ایران شریعتمدار حاج میرزا حسین نوری طبرسی را پسندیده اند واز او نوقت باز ابواب مکاتبه در ما بین ایشان مفتوح گردید . ولی میر غازی حسین چند سال است که برحمت ایزدی پیوسته (قدس الله لطیفه) .



(۲۵) (حاج سید محمد ابرهیم هندی لکهنوی ره)

## (المتوفی : سنه ۱۳۰۷)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۱۳) عالم جلیل کامل نبیل حاج سید محمد ابرهیم بن سید محمد تقی بن سید العلماء سید حسین بن سید دلدار علی نقوی هندی آن بزرگوار بنا بانچه حفیدا وسید علینقی در رساله که در تراجم علماء هند از وی نقل میکنیم نوشته عالم فقیه حاوی صنوف کمالات بود ودر بلاد هند باعباء ریاست روحیه ونشر تعالیم دین حنیف بعد از رحلت والد ماجدش سید محمد تقی نهضت فرمود ودر اعلاء کلمه اسلام مجاهده وکمال تحمل ومشاجره بعمل آورد ودر آن دیار در بث روح اسلام ودعوت شرع مقدس جد خود سید انام صلی الله علیه وآله الکرام باطریقه وشنشنه اسلاف طیبه هاشمیه خود مشیء ودعا نمود

**ولادتش :** سنه ۱۲۵۹ تحصیلش خدمت پدر بزرگوارش ودر حداثت سن باریکه افتاء واستنباط قرار گرفت واو را مقامات معروفه که مثل میزدند ومشاهد معلومه در حمایت دین که حاضر وغایب شنیده ودیده بودند داشت ودر نظر خاصه وعامه صاحب هیبت وابهت بوده سلطان واجد علی شاه آخر ملوک شیعه در لکهنو او را ملقب به سید العلماء کرد وچون بعزم زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثناء بایران تشریف آورد سلطان ناصر الدین شاه رحمه الله نهایت اکرام وتعظیم فرمود واو را ملقب به حجة الاسلام نمود ودر حکومت بریطانیه (انگلیس) ملقب به شمس العلماء بوده بزیارت حج بیت الله الحرام ومشهد حضرت رضا ومشاهد ائمه هدی علیهم الصلوة والسلام کراراً مشرف شد .

**مؤلفاتش :** ۱ املّ الآمل فی تحقیق بعض المسائل فی الکلام ۲ تکملة ینابیع الانوار لوالده فی تفسیر القرآن ۳ البضاعة المزجاة الی غیر ذلک .

**مشایخ او در روایت :** ۱ شیخ فقیه علامه حاج شیخ زین العابدین مازندرانی ۲ فقیه مؤتمن شیخ حسن کاظمی نجل محقق اسد الله شوشتری صاحب مقابس وکشف القناع ۳ حجة الاسلام سید ابو القاسم طباطبائی حائری وغیر ایشان علیهم الرحمة والرضوان .

**وفاتش :** چنانچه نبیره وی در رساله مذکوره نوشته در ۲۰ جمادی الاولی سنه ۱۳۰۷ واقع شد .

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۱۲۷) البضاعة المزجاة تالیف سید ابرهیم بن سید محمد تقی نصیرآبادی لکهنوی حفیدش سید علینقی در ترجمه اش ذکر کرده .

ودر (ج ۲) (ص ۳۵۰) املّ الآمل فارسی فی حل بعض المسائل المعضلات الکلامیة .

ودر (ج ۴) (ص ۴۱۹) تکملة ینابیع الانوار تالیف سید ابرهیم لکهنوی متوفی سنه ۱۳۰۷ واین کتاب

امل الآمل نزد حضرت سید علینقی نقوی بن ابی الحسن بن المؤلف موجود است و ینابیع تفسیر سہ جزو از قرآن عظیم است در سہ مجلد ۔

## (۱۶) آقا شیخ محمد حسین کاظمینی رہ
## (المتوفی سنہ ۱۳۰۸)

**مآثر و آثار** (ص ۱۲۸) شیخ محمد حسین کاظمینی اصلاً و نجفی مسکناً منفقہ اعظم است و مجتہد اکبر المسلمین مسلم شہرت جلالت قدر و علو مقام و درجہ زہد و ورع و وثاقت و تقوی وی تمام آفاق را گرفتہ

**احسن الودیعہ** (ج ۲) (ص ۱۹) فقیہ اہل عراق بلکہ کافہ آفاق محقق علی الاطلاق شیخ محمد حسین بن شیخ ہاشم کاظمی منشأ نجفی مسکناً و مدفناً در سنہ ۱۲۳۰ متولد شدہ و او عالمی بود مناظر و فقیہ ماہر و بحر علمی کہ ساحل نداشت و بتحقیق کہ اعتراف کردہ بفضلش افاضل و فائق آمدہ بر اقران و اماثل و جبا رت کردہ مرجعیت عظمی و وثاقت کبری را برای مؤمنین متواضع و متورع و زاہد متقی و بر متکبرین متکبر و منیع بود و آواز وطنی بود از بلد کاظمین علیہما السلام در معقول و منقول محقق بود بلا کلام و نائب پسندیدہ امام علیہ السلام و آیت عظمی بر تمام انام و حجت کبری بر خاص و عام ۔

و در خدمت صاحب الجواہر و شیخنا الانصاری قدس سرہما تلمذ کردہ و از این دو بزرگوار روایت نمودہ و در اوائل عمر و مبادی امر خدمت شیخ الفقہاء و استاذ الفضلاء الامام المؤتمن شیخ محمد حسن آل یٰس الکاظمی تحصیل کردہ

**مؤلفات ابن آیۃ اللہ العلامۃ** : ۱ ہدایۃ الانام فی شرح شرایع الاسلام بطریق استدلال بوجہ بسط تمام و مشتملست بر مجلدات کبار تا شرح اقاموا جواست ۲ بغیۃ الخاص و العام از شرح مذکور تلخیص و لفظ بذکر فتاوی اقتصار فرمودہ و آن رسالہ عملیہ ایست برای مقلدین خود و نزد ما نیز نسخہ از آن موجود ۳ حاشیہ بر رسائل شیخنا الانصاری رہ ۴ حاشیہ بر قوانین ۔

و در مادۂ تاریخ وفات او گفتہ اند : (مذ توفی انحوہ ثلم الاسلام ثلمۃ) ۔

و مترجم معظم را دو نجل عالم و فاضل بود یکی شیخ احمد کہ از اہل فضل و کمال و معرفت و فضل و جلال و معروف بین الخاص و العام بفضل و منظومہ در علم کلام دارد ۱۴ صفر سنہ ۱۳۲۸ برحمت حق رفت و دوم شیخ محمد جواد کہ عالم فقیہ و مجتہد نبیہ بود و شرحی بر کتاب بیع از بغیۃ الانام والد ماجد خود نوشتہ و جمعی از مجتہدین عظام تقریظاتی بر وی نگاشتہ اند کہ در پشت شرح ثبت است و در سنہ وفات برادر مذکور او نیز در گذشت (اعلی اللہ مقامہما فی دار السرور) ۔



**الذریعہ** (ج ۳) (ص ۱۳۱) بغیۃ الخاص و العام متنی است در فقہ و احکام مجرد فتوی بدون استدلال از اول طہارت تا آخر قضاء و شہادات تصنیف شیخ محمد حسین بن شیخ ہاشم کاظمی متوفی در نجف ۲۲ محرم سنہ ۱۳۰۸ آنرا استخراج کردہ از کتاب کبیر خود موسوم بہ ہدایۃ الانام و مرتب فرمودہ او از اصل ترتیب شرایع الاسلام بر چہار باب و اول آن در عبادات تا آخر خمس سنہ ۱۲۹۷ در بمبئی طبع شدہ و نسخۂ از آن کہ توقیع شیخ مؤلف بخط و خاتم خود دارد آن بود در خزانہ کتب شیخ فقیہ حاج محمد حسن کبہ و قسم دوم در معاملات و نسخہ ناقصہ تا بیع اما سے در ضمن مجموعہ در کتب شیخ طاہر بن شیخ عبد علی بن شیخ طاہر حجامی نجفی متوفی ۷ ع ۲ سنہ ۱۳۵۷ دیدہ و شرح لبغیۃ شیخ جواد بن المصنف در حرف شین میاید انشاء اللہ تعالی ۔

**مؤلف گوید** : در جلالت و وثاقت این فقیہ اعظم و مجتہد افخم ہمین بس کہ در حکایت حاجی علی بغدادی کہ در جنۃ الماوی ص ۲۸۳ و نجم ثاقب ص ۳۰۰ و مجلد اول وقایع الایام ص ۵۰۰ مشروحا مذکور است وارد شدہ کہ حاجی مذکور گوید در ذمہ من ہشتاد تومان مال امام علیہ السلام جمع شد پس رفتم بنجف اشرف بیست تومان از آن را دادم بجناب شیخ مرتضی و بیست تومان بجناب شیخ محمد حسین مجتہد کاظمینی و بیست تومان بجناب شیخ محمد حسین شروقی و باقی ماند در ذمہ من بیست تومان کہ قصد داشتم بدہم بجناب شیخ محمد حسن کاظمینی آل یٰس و چون بین بغداد و کاظمین بحضور حضرت حجۃ عجل اللہ فرجہ رسیدہ بآن تفصیلی کہ در کتب مذکورہ مسطور است گوید دیدم سید جلیلی از طرف بغداد رو بمن می آید چون نزدیک شد سلام کرد و دستہای خود را گشود برای مصافحہ و معانقہ و فرمود اہلاً و سہلاً و مرا در بغل گرفت و معانقہ کردیم و ہر دو یکدیگر را بوسیدیم و بر سر عمامۂ سبز روشنی داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاہ بزرگی بود تا آنجا کہ گوید پس گفتم ای سید من در نزد من از حق شما چیزی ماندہ بود رجوع کردم در امر آن بجناب شیخ محمد حسن برای آنکہ ادا کنم حق شما یعنی سادات را باذن او پس در روی من تبسمی کرد و فرمود آری رساندی بعضی از حق ما را بسوی وکلاء ما در نجف اشرف پس گفتم آنچہ ادا کردم قبول شد فرمود آری (الحکایۃ) ۔

## (۱۷) آقا شیخ محمد حسن آل یٰس الکاظمی رہ
## (المتوفی ایضاً سنہ ۱۳۰۸)

**احسن الودیعہ** (ج ۲) (ص ۱۹) شیخ الفقہاء استاذ الفضلاء الامام المؤتمن مولانا شیخ محمد حسن آل یٰس الکاظمی از اعاجیب دہر و نوادر عصر بود از فضائل و علوم بمقامی حائز شد کہ احدی نرسیدہ و از سجایای باہرہ و اخلاق کریمہ بدرجۂ فائز آمد کہ کسی موفق نگردیدہ و جمعی از علماء عاملین در خدمت او تلمذ و تلمہ از افاضل مجتہدین از محضر او استفادہ نمودہ اہالی بغداد و نواحی آن در فتاوی

واحکام بوی مقلد بوده اند واگر بگویم که آن بزرگوار اعلم علماء بلد خود واعرف ایشان بنکات وفروع فقه بود جزافی وخلافی نگفته ام واما زهد وورع وتقوی وی اشهر از آن است که مخفی ماند الا اینکه بعد از تحصیل در خدمت استاد اعظم خود صاحب جواهر چون در ارض کاظمین اقامت نمود کما هو حقه اشتهار پیدا نکرد چنانچه از خود او منقولست که فرموده از زمان مرحوم بحر العلوم طباطبائی صاحب الدره الی عصرنا الحاضر انظار اهالی امصار واقطار متوجه است بآن عالمی که در ارض نجف شرف اقامت ومجاورت گزیند با اینکه بلد ما کاظمین از بلدان شریفه واماکن معظمه است وجمعی از اکابر علماء فحول ونبلاء فقه واصول مثل صاحب مقابس محصول از زمان قدیم الی یومنا هذا از این مکان شریف بیرون آمده اند .

ومترجم معظم سنه ۱۳۰۸ برحمت حق پیوست .

**الذریعه** (ج ۲) (ص ۵۳) کتاب الاسرار الفقهیة تصنیف شیخ مشایخنا الفقیه شیخ محمد حسن آل یس الکاظمی متوفی در رجب سنه ۱۳۰۸ کتاب کبیری است در چند مجلد ومجلد بیع وخیارات را در خزانه کتب شیخنا شیخ الشریعة الاصفهانی دیدیم وفهرست سایر مجلدات را سید مشایخنا الحسن صدر الدین در تکملة الامل در ترجمه او این طور فرموده مجلد فی صلوة الجماعة مجلد فی الزکوة مجلد فی الخمس وبعد از تعداد نه مجلد گوید وهمه مجلدات این کتاب شریف نزد اولاد اعلام اجلاء او موجود است .

## (۱۸) ( حاج شیخ زین العابدین مازندرانی ره )

## ( المتوفی سنه ۱۳۰۹ )

**مآثر وآثار** (ص ۱۵۰) حاج شیخ زین العابدین مازندرانی مجاور حائر شریف امروز بعلو مقام فقاهت بسیار کم نظیر است گروهی عظیم از شیعه عراق وایران وهندوستان او را تقلید میکنند فتاوی وی غالبا قرین سهولت است فرزندان این رئیس اعظم وفقیه افخم را نیز شیخ اکبر که از اجله علماء است وجله فقهاء

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۱۷) عالم فقیه ربانی وفاضل وجیه صمدانی مولینا شیخ زین العابدین بن کربلائی مسلم مازندرانی حائری از اکابر علماء عصر خود واعاظم فقهاء دهر بود با تقدم فضل بر اماثل واقران معروف وبحسن تقریر وبیان بین فضلاء عصر خود مشهور بود .

**آن مرحوم در کتاب ذخیرة المعاد** بعد از حمد وصلوة گوید وبعد اینکه چون احقر عباد زین العابدین ولد مرحوم کربلائی مسلم بعد از فراغ از تحصیل در بار فروش خدمت جنت مکان سعید العلماء عازم عتبات شدم در سنه ۱۲۵۰ ومدتی خدمت سید استاد آقای سید ابراهیم قزوینی مشغول تحصیل فقه واصول بودم وبعد از مجاورت عتبات وابتلاء ما وسایر سکنه آن بلیات بعد از چند ماه





مهاجرت بنجف اشرف علی مهاجرها الاف التحیة والتحف نمودم ودر آنجا مدتی در خدمت باسعادت شیخ استاد شیخ محمد حسن اعلی الله مقامه صاحب الجواهر بتحصیل فقه نمودم وبعد از فوت آن مرحوم دوباره مجاور عتبات شدم انتهی واهل هند وایران وعراق در امور دین بوی تقلید مینمودند ودر امصار بغایت اشتهار مشهور گشت وجمعی از علماء عظام وسادات فخام از وی روایت میکنند وما از وی روایت میکنیم بواسطه والد ماجد .

**مؤلفاتش** : ۱ ذخیرة المعاد معروف بسؤال وجواب در ایران وبمبئی طبع شده وآن شاهد عدلیست بتبحر تام وی در فقه اهل بیت علیهم السلام ۲ زینة العباد در بمبئی سنگی طبع شده . ۳ رساله در مناسک حج الی غیر ذلك از کتب فقهیه واصولیه .

**مشایخ آن عالم فرید در قرائت وروایت** : علامه سید مشایخنا سید محمد ابراهیم صاحب الضوابط الاصولیة وعلامه شیخ فقهاء الاسلام مولینا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام بودند واز غیر ایشان نیز روایت میکند ولی در اغلب اجازات روایتی خود اسناد نمیدهد مگر باین دو بزرگوار .

**وفات آن مرحوم** : ۱۶ شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۰۹ هجری چنانچه نبیره او عالم معاصر شیخ احمد سلمه الله ساکن خابرطاهر مکاتبة بما ذکر فرموده واقع شده .

**اولاد آن حبر اعظم** : این مولی الهمام چند اولاد داشت اول شیخ علی صاحب فهرست جوهر متوفی سنه ۱۳۴۵ در کربلاء مشرفه ثانی شیخ محمد ثالث شیخ عبد الله که الآن ساکن طهران واز اکابر مشایخ صوفیه است واو در طریقه پدر وبرادرانش بود ولی اخیرا مصداق قوله تعالی انه لیس من اهلك انه عمل غیر صالح شد وپدر وبرادرش حاج شیخ محمد حسین منکر او بودند .

چهارم شیخ عالم فقیه وفاضل وجیه حجة الاسلام المتحلی بکل زین مولینا حاج شیخ محمد حسین و آن بزرگوار اعلم وافضل برادران خود بود بلکه بین او وایشان نسبتی نداشت چه که بدرس وکرمشتمل بر تحقیق وتدقیق بود از هر راه دوری حاضر میشدند واستفاده میکردند ودر ثورت عراقیه بمساعی جمیله خود وجوه شیعه را سفید کرد وکرارا بنجف مشرف شده ام ومحبت وافری در حق من داشت وخوش خلق وصاحب همت عظیمی بوده بلکه آیتی بود در اخلاق وبعد از وفات والد ماجدش مرجعیت تقلید بدو مفوض گشت وبالجمله عامل نبیل وزاهد جلیل ومجتهد اصولی بود وچون در حائر طاهر مریض شد کسان او فورا بارض کاظمین علیهما السلام نقل دادند برای معالجه نزد اطباء بغداد ودو روز در اینجا مانده بعد بدعوت حق اجابت نمود واین قضیه چنانچه بخط خودم تاریخ کن اشترام دو روز وفاتش صباح روز چهارشنبه ۱۲ شوال سنه ۱۳۴۹ بسن شصت وشش واقع گردید وبازارها بسته وهمه مسلمانان

وطبقات مردم برای تشییع جنازه بخارج شهر بیرون رفتند بعد فوراً بواسطهٔ اتومبیل بکربلا نقل شد و اهالی آنجا بطبقاتهم تا چهار فرسخ راه با گریه وناله جنازه را استقبال وبفوت او با تمام حزن اظهار تاسف کردند وسه روز بازارها بسته اقامهٔ عزا نمودند ودر حجره که جانب چپ باب قاضی الحاجات صحن مقدس حسینی علیه السلام واقع است جنب والد ماجدش دفن کردند وتمثال وی وتمثال پدر بزرگوارش نیز در اینجا است . اعلی الله مقامهما ورفع فی الخلد اعلامهما .

**مؤلف گوید** : واز جملهٔ آثار نفیسهٔ اعلام شریفهٔ مترجم معظم آن تقریض مفصل وفصیح بلیغی است که در وصف کتاب عبقات الانوار مرحوم آیة الله العلامه میر حامد حسین هندی قدس سره مرقوم فرموده ونظیرش دیده نشده ودر ترجمهٔ آن مرحوم مذکور شد که حقیر تمام آنرا در حواشی مجلد چهارم وقایع الایام از ص ۴۹ الی ۸۸ درج کرده ام .

## (۱۹) (حاج میرزا محمود آقا شیخ الاسلام تبریزی ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۱۰)

**(انمرحوم) رسالهٔ مبسوطی** : درشرح حال خود نگارش داده که جملهٔ از آن بدین نحو است کمیفرماید : عبد احقر فانی محمود بن علی اصغر طباطبائی تبریزی گوید که حقیر در بلدهٔ تبریز شب ۱۴ شهر رمضان سنه ۱۲۴۰ متولد وچون بسن رشد وتحصیل رسیدم صرف میر وعوامل وشرح کافیه ومطول را خواندم وبعد از آنها معالم وشرایع وقوانین را تعلم نمودم پس از آن بتالیف شروع کردم .

**مؤلفات صاحب ترجمه** : (۱) کتاب مفتاح البسملة ودر علم نحو (۲) کتاب منتهی المقاصد در هیجده سالگی نوشتم سپس بمباحثهٔ کشاف مشغول شده وحواشی جیده تعلیق کرده موسوم به (۳) کاشفة الکشاف نمودم وچون در بیست وپنج سالگی از این امر فارغ شدم با جمعی از طلاب که زیاده از سی تن بودند بمباحثهٔ معالم وشرح لمعه شروع کردم تا امر رسید بمقامی که از تبریز مهاجرت وبارض اقدس نجف اشرف علی مشرفها الفداء مسافرت کردم وبعد از ورود بارض مقدسه تقبیل عتبهٔ مطهره مشغول تحصیل فقه واصول از اساتید متبحرین جزاهم الله عنی خیراً مثل شیخ اجل شیخ مرتضی الانصاری قدس سره وشیخ محسن خنفر ره وشیخ مذکور وشیخ مهدی آل کاشف الغطاء اطال الله بقاه وآخوند ملا محمد ایروانی سلمه الله تعالی شدم و(۴) رسالهٔ در اخذ اجرت بر امور واجبه موسوم به عجب العاجب فی اخذ الاجرة علی الواجب (۵) تعلیقاتی بر کتاب قوانین موسوم به حقایق القوانین که در دو مجلد منتشر شده و(۶) رسالهٔ در تقیه موسوم به الوقیه و(۷) رسالهٔ مبسوطی در قضاء موسوم به ذکر القضاء



نوشتم وجل این رسائل را با سایر تصانیف عظام خودم عرضه داشتم بغایت تحسین فرمودند ولی بجهت نرسیدن وجه از وطن وکثرت دین بطهران نزد برادر خود رفتم وبعد از اقامت مدتی در آنجا در سنه ۱۲۷۱ بارض مشرفه عتبات عالیات مراجعت کردم وپس از ورود وتقبیل اعتاب مقدسه مشغول اتمام آنچه در دستم بود از استنباط مسائل اصولیه وفقهیه وتحریر کراریس علمیه ومترصد انجاز وعد اخ ماجد در اصلاح معاشم گشتم ولی زمان محدود منقضی شد واز موعود چیزی نرسید پس دانستم که نیست این امر مگر بتوفیق خدا زیرا که وسعت مراتب علمیه بضیق مدارج عیشیه ورباضات نفسیه است (ونعم قول القائل) رتبة الشرف لاتنال بالترف والسعادة امر لایدرک الا بعیش بفرک وطیب بترک ونوم بطرد وصوم بسرد وسرور غازب وهم لازب ومن عشق المعالی الف الغم ومن طلب اللئالی رکب الیم ومن قنص الجبان ورد النهر ومن طلب الحسان نقد المهر .

| | | | |
|---|---|---|---|
| لله تحت قباب العز طائفة غبر ملابسهم شم معاطسهم | اخفاهم فی رداء الفقر اجلالا جروا علی الفلک الخضراء اذیالا | هم السلاطین فی اطمار مسکنة هذی المناقب لا ثوبان من عدن | استبعدوا من ملوک الارض اقیالا خیطا قمیصا فصارا بعد ابوالا |
| | هذی المکارم لا قعبان من لبن | شیبا بماء فصارا بعد ابوالا | |

**وبالجمله** قریب دوازده سال در نجف اشرف مشرف بودم تا والد ماجدم مرا به تبریز احضار ودر مخالفت بعقوق تحذیر فرمود ناچار به تبریز آمده زیارت والد وارحام واخوان را مغتنم شمردم ودر آنجا بصحیفهٔ سجادیه صلوات الله علیه انس گرفتم وبشرح سید سند صدر حسینی قدس الله نفسه مراجعه میکردم .

## (وصف ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علیه السلام)

ودیدم آنرا شرح وافی کافی مشتمل بر جمیع مطالب علوم از لغت ونحو وصرف وبیان واصول حکمت وعرفان الی غیر ذلک از آنچه ملاحظه بصیر بر آن واقف میشود حتی کثیری از الفاظ که در کتب لغت موجود یا در اصطلاحات علمیه مذکور میشود در آن شرح بذکر چیزی از مطالب علمیه مبین شده لذا کثیری از الفاظ آنرا از قبیل کلمه و کلام بترتیب حروف هجاء اخذ کرده عنوانی وفهرستی بر آن قرار دادم .

## (اثبات جامعیت مجمع البحرین در لغت ودفع اعتراض صاحب لؤلؤة البحرین)

تا مسافرت طهران اتفاق افتاد ودر آنجا در مراجعهٔ کتب علمیه مطالعه کتاب مجمع البحرین میکردم دیدم مصنف در ذکر هر یک از مواد لغات خلیجی بلغت دیگر واز ینبوع یک کلمه چشمه ها بکلمهٔ علیحده منفجر نموده مثلاً در مادهٔ ثمد چیزی از صالح نبی علیه السلام ذکر کرده ودر مادهٔ صلح چیزی از ثمود ودر مادهٔ رمن از رمان ودر ثم ایضا چیزی وهکذا وباین تحقیق مندفع میشود اعتراض شیخ فاضل محدث بحرانی در اینکه مصنف مجمع البحرین استقصاء تتبع ننموده پس حواشی در این باب بکتاب مجمع البحرین نوشتم وجمعی از افاضل استحسان واستنساخ نمودند .

**تفسیر قوله تعالی** تتخذون منه سکرا ورزقا حسنا روزی در مجلس فاضل از من سؤال کردند از این آیهٔ شریفه که مثاق سوا بوان امنان بذکر نعم است پس چطور میشود ذکر خمر در این خریطه گفتم چون ماق امنان است پس این کلمه سوق است برای تعبیر بر تغییر نعمت از حسن بقبیح و از حل بحرام نظیر قوله تعالی فجعلتم منه حلالا وحراما گفتند احسنت وحق الافادة ادیت نیکو گفتی وحق افاده بلادا کردی . ✲

**زهر الربی** از مرحوم آیة الله آقا شیخ حسن مامقانی قدس سره منقولست که واقف شد بعضی از تالیفات مرحوم حاج میرزا محمود شیخ الاسلام تبریزی ره و فرموده من کتابی در تحقیق شبه این تالیف ندیده ام و از شیخ الشریعة الاصفهانی منقولست که بعد از مطالعه کتابی از کتب صاحب ترجمه از روی تعجب فرموده که قدر مرد از علمش معلوم میشود . ✲

**وفات وصد فنش - ایضا - زهر** در اخر عمر تشرف بحج کرد و در انجا برحمت حق پیوست وقبل از مسافرت در نامهٔ که به ناصر الدین شاه قاجار نوشته بود از مرگ خود خبر داد و در حج نیز شبی قبل از موت ببعضی از حجاج گفته بود . و یکی از مشتغلین نجف اشرف او را در خواب دید گوید داخل شدم بروضهٔ در غایت نضارت وطراوت وگفتم این باغ از آن کیست گفتند برای علامه مجلسی بعد نظرم افتاد بزمین پر درختی که خوشتر از روضهٔ اول بود مشرف بان ودری داشت از بلور ودر آن زمین قصری دیدم که در طاق فوقانی آن دو مرد نشسته صحبت میدارند پس من پرسیدم که صاحب این زمین وقصر کیست گفتند از آن حاج میرزا محمود است گفتم بچه چیز باین مرتبه رسیده گفتند بمقام علی رفیع خود دیجهت آن مجرد توهینی که در تبریز باو وارد شد وهر وقت بخواهد در این باغ با کسی محاوره وصحبتی بکند کسی میفرستد بخدمت مجلسی والان هر دو در این قصر عالی نشسته صحبت میدارند . ✲

**وایضا گوید** : در عزیمت حج بقرآن مجید تفال کرده این آیهٔ کریمه آمد (فرددناه الی امه کی تقر عینها) ✲ پس در ام القری وفات کرده در قبرستان معلی مقابل مقبرهٔ ابوطالب علیه السلام در مقبرهٔ ما در شخد یجه ام المؤمنین سلام الله علیها مدفون گردید . ✲

**مؤلف گوید** : در پشت کتاب مجمع البحرین در نسخهٔ که مرحوم مترجم معظم بخط شریف خود مقدمه در پشت لوحهٔ صفحهٔ اول وحواشی تا اخر کتاب در توضیح لغات مشکله نوشته چنانچه اشارت رفت از متملکات مرحوم جنت مکان سید سند فقیه علامه حاج سید محمد آقا الشهیر بمولینا رضوان الله علیه بخط خود ایشان دیدم که مرقوم فرموده بودند اقل محمد بن عبد الکریم الموسوی التبریزی شهیر بمولینا تاریخ یکهزار وسیصد وتر مجریه باتفاق والد مرحوم واهل بیت با حضرت حاج میرزا محمود شیخ الاسلام اعلی الله مقامه بنجف اشرف حرکت کردیم وآن مرحوم در سال یکهزار سیصد وده عازم بیت الله الحرام شده بعد از فراغ از اعمال برحمت حق پیوست واز وقایع اینکه در همان سال که باتفاق آن مرحوم بنجف اشرف حرکت کرده بودیم مادر کربلا وایشان در نجف اقامت نموده والد مرحوم بعنوان مهمانی



(حاشیه) تفسیر تتخذون منه سکرا ورزقا حسنا

(حاشیه) رفعت مقام شیخ الاسلام تبریزی در بهشت

(حاشیه) تفال شیخ الاسلام مرحوم بقرآن مجید



باتفاق اقل بنجف دعوت فرموده بودند حسب الامر رفته در خدمت آن مرحوم تفرج باده روز مهمان بودیم در همان ایام یکی از ارحام آن مرحوم که بعنوان تحصیل در نجف مشرف بود بمناسبت مولود جدید مغفور مزبور را بولیمه دعوت نموده بود گرچه خودش حدیث السن بود لکن کاغذ دعوتی بعنوان شیخوخت بود آن مرحوم در جواب بعنوان تادیب بدین نحو مرقوم داشت :

فرزند بتحصیل ادب بپوند تدین در همین فرموده خالق چنین وهدایت خلایق بر این تشیخ صبی موجب زیان حرمت وباعث ندامت است این چه عنوانیست نوشته وچه ریسمان مناعتیست که رشته من بیچاره که مهاجر گشتم گمان داشتم که رستم والغافل از اینکه طوق ابتلائی دیگری بگردن بستم بمرقد شریف امیر المؤمنین علیه السلام قسمت که مرا بکلی از انتساب دور واز ضمایر بالمره مهجور مرسازید کان لست شیئا مذکورا حتی اقول قرب بر رب الکعبة

**مؤلف گوید** کلمات این عالم معتمد وفقیه مؤید باین عبد متوغل افتاد محض برای تذکر محصلین مبتدئین مناسب دیدم که در این مقام فصلی از فضل ادب گفته اید (قوله تعالی) اذهبا الی فرعون انه طغی فقولا له قولا لینا (وقوله عز وجل) ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی احسن

**مجمع البحرین** در حدیث وارد است ذلک بالادب قلبک فنعم العون الادب ودر حدیث والدعاء للوالد واعلم انک مسئول عما ولیته من حسن الادب ایضا خیر ما ورث الاباء لابنائهم الادب وایضا علی علیه السلام باصحاب خود تادیب میکرد یعنی علم ومحاسن اخلاق تعلیم میفرمود وبهترین تادیب انست که بضرب وغلظت نباشد بلکه برفق ولطف بشود . ✲

**سفینة البحار** (ج ۱) (ص ۱۶) قال امیر المؤمنین علیه السلام ما هلک امرء عرف قدره وقال کفی بک ادبا لنفسک ترکک ما کرهته لغیرک . ✲

**الظرائف واللطائف** (ص ۳۹) بزرجمهر گوید لیت شعری ای شیئ درک من فاته الادب وای شیئ فات من ادرک الادب وقیل الادب وسیلة الی کل فضیلة وذریعة الی کل شریعة . ✲

**( ونعم ما قیل : )**

| | | |
|---|---|---|
| العلم زین وتشریف لصاحبه | فاطلب هدیت فنون العلم والادبا | کم سید بطل اباؤه نجب |
| کانوا الرؤس فامسی بعدهم ذنبا | ومقرف خامل الاباء ذی ادب | نال المعالی بالاداب والرتبا |

**( ایضا )**

| | | |
|---|---|---|
| خیر ما ورث الرجال بنیهم | ادب صالح وحسن ثناء | هو خیر من الدنانیر والار- |
| -واق فی یوم شدة ورخاء | تلک تفنی والدین والصا | لح لا یفنیان حتی اللقاء |



(حاشیه) مرحوم حاج میرزا محمود شیخ الاسلام از تحصیلات ابن شیخ ...

(حاشیه) آیات واخبار در ادب

(حاشیه) اشعار عربی در ادب

اشعار فارسی در حسن ادب

## ( عارف رومی گوید : )

| | | | |
|---|---|---|---|
| از خدا خواهیم توفیق ادب | بی ادب محروم ماند از لطف رب | بی ادب تنها نه خود را داشت بد | بلکه آتش بر همه آفاق زد |
| از ادب پر نور گشته این فلک | وز ادب معصوم و پاک آمد ملک | هر که گستاخی کند اندر طریق | گردد اندر وادی حیرت غریق |

## ( شمس تبریزی گوید : )

| | |
|---|---|
| پیش ارباب خرد مایهٔ ایمان ادب است | لاجرم پیشهٔ مردان سخندان ادب است |
| بی ادب را بسموات بقا منزل نیست | در سموات بقا منزل مردان ادب است |
| دامن عقل و ادب گیر که در راه یقین | بر سر گنج وجود تو نگهبان ادب است |
| آدمیزاده اگر بی ادب است آدم نیست | فرق در جنس بنی آدم و حیوان ادب است |
| کردم از عقل سؤالی که بگو ایمان چیست | عقل در گوش دلم گفت که ایمان ادب است |
| عاقبت هر چه کند خواجه پشیمان گردد | آنکه از وی نشود هیچ پشیمان ادب است |
| چشم بگشا و ببین جمله کلام الله را | آیه آیه همگی معنی قرآن ادب است |
| گر تو خواهی که قدم بر سر ابلیس نهی | با ادب باش ببین قاتل شیطان ادب است |
| چند روزی که در این خانهٔ تن مهمانی | با ادب باش که خاصیت مهمان ادب است |

## ( ونیکو گفته این بیت را : )

| | |
|---|---|
| ادب بهتر از گنج قارون بود | فزونتر ز ملک فریدون بود |

مؤلفات مترجم معظم غیر آنچه مذکور شد - الذریعة - (ج ۱) (ص ۶۴)

( ابداء البداء فی حقیقة القدر والقضاء وتحقیق مسئلة البداء ) تصنیف سید اجل حاج میرزا محمود شیخ الاسلام میرزا علی اصغر طباطبائی تبریزی متوفی بوباء در مکهٔ معظمه سنهٔ ۱۳۱۰ طبع شده .

مؤلفات شیخ الاسلام تبریزی ره

## ودر پشت کتاب همین ابداء البداء مسطور است : که از جملهٔ تألیفات آن مرحوم

معلقاتی است بر دیباچه و مقدمات تفسیر صافی که موسوم کرده بر منهل الصافی .

واز انجمله کتابی است که موسوم کرده بر تمییز الصحیح من الجریح فی التعادل والترجیح ومن جمله کتاب مواقع النجوم که از مشکلات آیات وادعیه و روایات در آن جمع کرده و به بیانات انیقه و تحقیقات رشیقه بنحوی آنها را حل نموده که احدی بر او سبقت نگرفته و از ابواب و فصول بترتیب حروف هجاء مثل مجمع البحرین مشتمل نموده الا آنکه او محتوی بر مجلداتی است که هر مجلدی مانند مجمع البحرین است زید عمره خداوند توفیق طبع این کتاب شریف را عنایت فرماید تا نفعش عمومی و همه اهل علم از آن استفاده و استفاضه بنمایند .





مؤلفات حاج میرزا محمد حسن زنوزی ره

## (۳۰) ( حاج میرزا محمد حسن زنوزی تبریزی ره )

## ( المتوفی ایضاً سنهٔ ۱۳۱۰ )

**ریحانة الأدب** (ج ۱) حاج میرزا محمد حسن بن ملا صفرعلی ... فقیه اصولی ادیب ریاضی حکیم طبیب از اجلاء علماء تبریز المسکن زنوزی الاصل از تلامذهٔ شیخ مرتضی الانصاری و فاضل ایروانی و شیخ مهدی کاشف الغطاء و کتاب لما بین فی الامامة علی نمط الالفین از تألیفات اوست و رساله‌های متفرقه در فقه واصول و کلام وغیره دارد و در شب شنبه ۲۶ شوال سنهٔ ۱۳۱۰ هجری در تبریز وفات و جنازه‌اش بنجف نقل گردید .

**واعقاب او** : آقای میرزا ابو الحسن زنوزی که او نیز از اجلاء علماء تبریز بوده و چند سال پیش فوت کرده و آقای میرزا رضی که او نیز از اکابر علماء وقت بوده و فرزند دیگرش میرزا عبد الحسین خان ثقة الدوله است .

مؤلفات فاضل مراغی ملا احمد ره

## (۳۱) ( فاضل مراغی ملا احمد )

## ( المتوفی ایضاً سنهٔ ۱۳۱۰ )

**ریحانة الأدب** (ج ۳) فاضل مراغی ملا احمد بن علی اکبر مراغی الاصل تبریزی از نقباء علماء عصر خود و از تلامذهٔ شیخ مرتضی انصاری بوده و حاشیه بر رسائل و شرح شمسیه و صمدیه و قوانین و مطول و نهج البلاغه و حواشی تفسیریه متفرقه بر قرآن و تفسیر قرآن و رساله در علم قیافه و کتاب تحفهٔ مظفریه در رد بر حاج کریم خان کرمانی از تألیفات او بوده و در پنجم محرم سنهٔ ۱۳۱۰ هجری در تبریز بوباء وفات یافته و اخیراً جنازه‌اش بنجف اشرف نقل داده و در وادی السلام مدفونش ساختند و برادرش آقا شیخ علی معروف به بنابی نیز از افاضل عصر خود و از تلامذهٔ شیخ انصاری است .

## (۳۲) ( شیخ لطف الله مجتهد مازندرانی ره )

## ( المتوفی سنهٔ ۱۳۱۱ )

**مآثر و آثار** (ص ۱۵۴) شیخ لطف الله مجتهد مجاور نجف اشرف از اهل اسک لاریجان است در فقاهت وعلم اصول تبحری بهم رسانیده از محصلین وطلبهٔ این دو علم گروهی هم روزه در محضرش فراهم شده مستفید میگردند بنیان تقدس و ورعش هم محکم است اشتهار نام و صیت فضل و غزارت مادهٔ اجتهادش بمراتب افتاده و در حرکت آمده است سلمه الله تعالی .

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۷) فقیه نبیه محقق مدقق اواه محبوب قلوب ممدوح افواه

مولانا آخوند ملا لطف الله املی مازندرانی نجفی از اکابر علماء عصر خود و اعاظم فقهاء دهر بود اسم سامی او در امصار مشهور و ذکرش در دیار شایع و از مشایخ روایت مرحوم علامه سید ابو تراب خوانساری بوده و او را تحقق و امتیازی بی نهایت در حضرت شیخ داشت بنحویکه هر وقت یکی از این دو بزرگوار بحرم شریف حضرت امیر صلوات الله علیه مشرف میشد و مشغول نماز میگشت دیگری میآمد و اقتدا میکرد و سید مرحوم وصی شیخ و کفیل اهل و عیالش بود و جمعی از موثقین مرا نقل کردند که مرحوم شیخ سید را در شب وفات طلبید از اول شب تا آخر چشمش بروی سید بود تا بدعوت حق یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة اجابت نمود و فوتش در سنه ۱۳۱۱ هجریه و مؤلفاتی در فقه و اصول دارد که نزد وصی خود سید مرحوم بود (رضوان الله تعالی علیه) .

## (۲۳) حاج میرزا محمد حسن شیرازی ره

### (المتوفی سنه ۱۳۱۲)

**مأثر و آثار** (ص ۱۳۲) حجة الاسلام نایب الامام مجدد الاحکام حاج میرزا محمد حسن شیرازی امروز یعنی سنه ۱۳۰۶ در نظر اهل نظر اعلم مجتهدین است کافه مقلدین شیعه فتاوی وی را مناط صحت عمل قرار داده اند باریکی نظر و نازکی فکر او را در فقاهت میگویند کسی از معاصرین ندارد بحسن خلق و مجاهدت نفس ضرب المثل میباشد زمانی بعد از رحلت شیخ الطائفه استاد الکل حجة الحق مرتضی الانصاری مقام تقدم این بزرگوار ظهور و بهر رسانید کافه افاضل عراق و مجتهدین آفاق در حق او ببراعت و رجحان از علماء اذعان ورزیدند و بموجبی از نجف اشرف بسر من رای رفته آنجا را دار الهجرة قرار داد و در جوار مشهد مبارک عسکریین در آن مقدس مجاورت اختیار فرمود و بافاضه و ترویج اشتغال گرفت السید السند والفقیه المؤید جناب میرزا محمد فرزند نامدارش در مزایای صوری و معنوی پدر بزرگوارش همی تاسی مینماید اقتداء میفرماید الحاصل شار البیه در جمیع فنون و فضائل پیشوای است کامل لهذا اهل تحقیق آن بزرگوار را مجدد فن فقه بر سر مایه رابع عشر میشناسند مد الله ظله علی رؤس المسلمین .

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۵۹) حجة الاسلام آیة الله فی الانام مولانا میرزا محمد حسن شیرازی الاصل اصفهانی التحصیل نجفی التکمیل سامرئی المسکن نجفی المدفن اعلی الله مقامه و ضاعف فی الجنان اکرامه عاقلترین اهل زمان و مشهورترین علماء اوان و عارفترین بامور ریاست و صاحب حزم و عزم و کیاست بود و در عصر او دنیا بر نگ اقبال و طلاب بوی توجه نمودند پس سامراء مرکز علم و از طلاب مملو گردید پس از آنکه خالی بود .



اقتداء سید ابوتراب و شیخ لطف الله

اخلاق کریمه میرزای شیرازی ره



و عمده تلمذش مرحوم معظم در اصفهان نزد جمعی از علماء عظام بوده و بر بحث سید اجل سید العلماء سید حسن مدرس اصفهانی ره حاضر میشد و از وی روایت میکند و چون در آنجا بمقامی رسید تهیأ حرکت بر عتبات عالیات کرده در ارض نجف اشرف اقامت کزید و بر بحث شیخنا الانصاری ره حاضر شد و پس از وفات استاد اعظمش مدتی مدید و سنین عدیده در نجف مشغول تدریس گردید و در آن ایام ریاست عامه و مرجعیت تامه بر معاصر اقدم اعلم او سید حسین کوه کمری قدس سره بود تا بر سامراء مهاجرت فرموده مشغول بحث و تدریس گشت و از طلاب کسانیکه باوی مهاجرت و مصاحبت کرده بودند حاضر میشدند پس اسم سامی آن بزرگوار یوماً فیوماً در اقطار عالم اشتهار یافت و بر فتار از اشهر مراجع امامیه در بلاد اسلامیه گردید و آن بزرگوار در عصر مرحوم سلطان ناصر الدین شاه قاجار بود و منافرت شدیدی بین ایشان واقع شد بواسطه آنکه شاه مذکور مال الجزیه از خارجه گرفته امتیاز عمل تنباکو و اجاره زراعت و تجارت آنرا در بلاد ایران بدیشان داده بود پس صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان رد نمود و بحرمت شرب تنباکو حکم فرمود و کافه مردم آنرا ترک کردند .

**مؤلف گوید** : این منافرت بین سلطان ناصر و آیة الله شیرازی در باب تحریم شرب تنباکو در سنه ۱۳۰۹ هجری بود و این یک کلمه حکم فرموده بود (الیوم استعمال تنباکو و توتون حرام و محاربه با امام زمان است) و در همه بلاد و نقاط ایران موقوف و تمام قهوه خانها بسته حتی در حرمخانه شاه هم صرف نکردند و در آن تاریخ نابز یارت عتبات عالیات مشرف میبودیم بین راه این قضیه را شنیده پس از چند روزی بزیارت عسکریین علیهما و سرداب مطهر مشرف شدیم و شب در ساعت چهار با دو نفر از علماء تبریز بسعادت لقاء آیة الله نایل گشتیم و پس از قدری صحبت و استفتاء مسائل چندی خادم آقا گفت که حضرت آیة الله چندان حالی ندارد و آقا خودش در مقام معذرت فرمود بلی سر ساعت بعد از این هم کار دارم ما اجازه خواسته مرخص شدیم .

**الکنی والالقاب** (ج ۱) (ص ۱۸۴) آیة الله مجدد المذهب حاج میرزا محمد حسن بن سید محمود جماعتی ترجمه او را ذکر کرده و کتبی در این باب تالیف داده اند از انجمله تحفة الرازی الی المجدد الشیرازی تالیف شیخنا الفاضل المتتبع شیخ آقا بزرگ الطهرانی دام علاه و از بعض افاضل نقل کرده که در ۱۵ ج ۱ سنه ۱۲۳۰ متولد شده و بدرس محقق سید حسن مدرس و بحث کلباسی حاضر گشته و در حدود سنه ۱۲۵۹ قصد عراق نمود و بمجالس علیه حاضر شد حتی صاحب جواهر ره مکتوبی بکربلا بوالد فارس مرقوم فرموده بود باجتهاد وی نص و تصریح نمود و در و تلمذ و حضور ابحاث محقق انصاری چنان تخصص و امتیازی پیدا کرد که بین تلامیذ آن مرحوم شاد البه گردید تا شیخ رحمة الله علیه درگذشت بیشتر مردم در تعیین مرجع تقلید تفتیش کردند .

وقوع منافرت میان میرزای شیرازی ره و ناصرالدین شاه

تشرف مؤلف بخدمت میرزای شیرازی ره

## ( اشخاصیکه اعلمیت میرزای شیرازی را تصدیق کردند )

جماعتی از تلامید شیخ نص بتعیین او برای مرجعیت کبری نمود من جمله حاج میرزا حسن آشتیانی و علامه حاج میرزا حبیب الله رشتی و آقا حسن طهرانی و میرزا عبد الرحیم نهاوندی رضوان الله علیهم اجمعین و اینها اعیان تلامذه مرحوم شیخ و وجوه اصحاب وی بودند .

## ( ذکر چندی از اکابر تلامید میرزای شیرازی ره )

وجمع کثیری از فحول علماء از وی اخذ علوم کرده اند از انجمله ابن عمش علامه حاج میرزا اسمعیل شیرازی و حاج آقا رضا همدانی و میرزا محمد تقی شیرازی و حاج شیخ فضل الله نوری و فاضلان کاظمان و سید عبد المجید گروسی و حاج شیخ حسنعلی طهرانی و میرزا ابرهیم شیرازی و سید ابرهیم دامغانی و ملا علی نهاوندی و شیخ اسمعیل ترشیزی و حاج میرزا ابو الفضل طهرانی و حاج میرزا حسین سبزواری و حاج سید حسین قمی و ملا محمد تقی قمی الی کثیری از امثال ایشان که کتب و آثار مخطوطه و مطبوعه شان بمقام و کمال اینها دلیل و شاهد است و ایشان اشخاصی بودند که صاحب ترجمه خود مربی و مهذب نمود ایشانرا پس پیشوایان مردم شدند و علم جم و فضل باهر او را در رؤس منابر و تضاعیف کتب دفاتر نشر و درج کردند .

## ( اخلاق کریمه و سجایاء عظیمه صاحب ترجمه ره )

در حسن اخلاق و اصالت رأی و قوت عارضه و سداد ذاکره و اصابت حدس و حدت تفرس و حصافت قول و وفور عطاء و قضاء حوائج و تواصل عبادت و زهد بالغ با توجه دنیا بروی مقاماتی بلکه کراماتی داشت که هیچ تاریخ نشان نداده که همه اینها در یک شخصی جمع باشد ولیکن :

( لیس علی الله بمستنکر ✻ ان یجمع العالم فی واحد )

و با تمام این صفات جلیله و سمات جمیله متقلد ریاست کبری گردید که کسی غیر او متمکن نشد و امور قاطبه بروی منقاد و وجوه بروی منعطف و علماء بر او اذعان و ملوک از وی ترسان بودند و از اقطار معموره عالم اموال کثیره و وجوهات و غیره میآوردند و او بر طلاب و فقراء و مشاهد مقدسه قسمت میفرمود ( قدس الله سره اللطیف )

## ( کرامت عظیمه برای میرزای شیرازی ره )

صدیقنا الاعظم العلامة آقا میرزا محمد علی اردوبادی ایده الله تعالی مرا نقل فرمود که عالم فاضل آقا میرزا مطلب اردوبادی تربیل رومیه موسوم فعلا برضائیه در ۳ ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۵۰ از حاج محمد جعفر اصفهانی قطین تبریز روایت کرد که مرحوم تاجری بود که در اول امر تجارت میکرد بعد کارش تنزل نمود و بی تنگدستی در افتاد پس بنجف اشرف آمده مجاور آن مشهد مطهر گردید و در نجاح امر خود بقبر شریف ملتجی گردید





ملتزم اعمال و دعوات شد تا آنکه باو گفتند که التزام بمسجد سهله در هر شب چهارشنبه تا چهل هفته موجب فوائد کثیره است و مشهور است که هر که بدین عمل مداومت نماید حضرت حجت صلوات الله علیه را می بیند پس بدین عمل مشغول شد و بلیالی اربعین تمام کرد و از نجف بسامراء عازم شد که شاید در آنجا بمقصد نایل آید پس شتری کرایه کرده سوار شد در اثناء راه بجهت ادرار پایین آمد و مکاری سوار شد تا او برگردد گوید چون بول کردم و براه افتادم دیدم شخصی که آثار جلالت از وی هویدا بود نزد من حاضر شد هیبت او بر من غلبه کرد و او در زی عرب بود پس شروع کرد بحرف زدن با من و فهمید که من عازم سامرا هستم فرمود قل للمیرزا یقول لک الرجل الفلانی لم غفلت عن السید الفلانی فان قال من ذا قال لک هذا فقل له الذی عطاک الخاتم لیلة النصف من شعبان بگو بمیرزا ( یعنی امام مجدد شیرازی ) که فلان شخص بتو میگوید که چرا از فلان سید غفلت کردی اگر بگوید که گفته این را بتو بگو آن کس که ترا در شب شعبان انگشتر داد گوید من گرسنه بودم چیزی نداشتم که بخورم بجهة آنکه وقت حرکت از نجف بواسطه ضیق وقت نتوانستم اذوقه تهیه کنم پس فرمود کانک جائع و اعطانی قرصین هما حدیث عهد بالخبز فیهما من حرارة النار گویا تو گرسنه و مرا دو قرص نان گرم تازه عطا فرمود و من از این امر تعجب کردم که در این بیابان قفر همچنین چیزی عادتا ممکن نیست و بخاطرش القا شد که این بزرگوار امام عصر عجل الله فرجه است در این حال از نظرم غایب شد پس در حسرت و تاسف ماندم که با آن همه اشتیاق تمام که داشتم بعد از شناختن از نظرم غایب شد با آنکه بیابان وسیع بود و آنحضرت نزد من بود و رجاء و اثق در نجاح امر خود مرا حاصل شد تا بسامراء آمده خانه میرزا رفتم گفتند بحمام تشریف برده من رفته از اندرون بمسلخ میآید و چون روی جامه خود نشست من نزدیک رفته دست او را بوسیده شرح حال گفتم تا رسید بقول حضرت حجت عجل الله فرجه که فرمود الذی اعطاک الخاتم لیلة النصف من شعبان مرا در بر کشید و از پیشانی من بوسید و فرمود بیا بخانه من رفتم در سامراء ماندم و در آن طول مدت که در آنجا بودم مرا یومیه میداد انقدر یکه یومیه من کفایت میکرد پس برگشتم ببغداد و مشغول تجارت شدم و وسعت معاش مرا حاصل گردید .

**مؤلف گوید** : بعد از نقل این کرامت بنده خود با جناب حاج محمد جعفر آقا اصفهانی وفقه الله تعالی در تبریز ملاقات کرده این تفصیل را استفسار نمودم فرمود بلی صحیح است و مطلب همانطور است که جناب میرزا مطلب دام فضله العالی از من روایت کرده اند .

## ( اولاد امجاد مترجم معظم )

**فرزندان آن عالم بی نظیر** از اکابر علماء و فضلاء وقت بوده اند از انجمله فرزند ارشد اکبرش حاج میرزا محمد که در ۵ ذی القعده سنه ۱۲۷۰ در نجف اشرف متولد و در سنه ۱۲۹۱ در خدمت والد ماجد خود

بسامراء رفته و در طراز اول تلامذه وی معدود و در حال حیات پدر در ۱۳۰۷ در موقع وفات و جنازه اش را بنجف نقل دادند و در قوم عالم فقیه میرزا علی آقا قدس سره که از سامراء بکاظمین علیهما السلام مهاجرت فرمود و پس از چند سالی اقامت بنجف حرکت کرده مرجع تقلید گردید و ترجمه اش مذکور خواهد شد ان شاء الله و عمده اشتغال و تحصیل ان مرحوم نزد تلمیذ پدر بزرگوارش حجة الاسلام میرزا محمد تقی شیرازی حائری ره بود .

## وفات و مدفن معظم له

در ۲۴ شعبان سنه ۱۳۱۲ هفت ساعت از شب چهار شنبه رفته واقع شد و جنازه مبارکش پیش از دفن از سامراء تا نجف که چهل فرسخ راه است بر سر دوش مردم با نهایت تعظیم و تکریم نقل گردید و بازارها بسته و مجالس ترحیم در اکثر بلاد اقامه شد و شعراء با قصائد عربیه و فارسیه رثا گفتند من جمله سید جعفر حلی و قصیده اش در دیوان وی ص ۴۲۸ مذکور و سید ابراهیم طباطبائی نیز بقصیده طویله رثاء گفته و صاحب مستدرک مرحوم علامه نوری نیز این بزرگوار را ذکر فرموده و بغایت توصیف و ثنا گفته (قدس الله سره و اجزل بره) .

## (۲۴) حاج میرزا حبیب الله رشتی ره
## (المتوفی ایضا سنه ۱۳۱۲)

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۴) حاج میرزا حبیب الله مجتهد رشتی از اجلاء تلامذه مرحوم شیخ مرتضی الانصاری است صیت تبحرش در فقه و اصول ممالک عرب و عجم را فرا گرفته بچند سال قبل از این بر نیت زیارت مشهد مقدس رضوی بدار الخلافه عبور داد از جانب دولت و ملت تشریفات عظمی در حقش بظهور رسید و هم در جمیع شهرهای بزرگ و مراکز ایالات واقعه در خط عبوری زنها باوا ابا با محض تعظیم شعائر شریعت کافه طبقات متنوعه شیعه از خواص و عوام بپذیرائی و بدرقه او از ازدحام تمام کردند امروز از مجلس تدریس و تحقیق و افاضت او در علم اصول فقه کافه طلبه مجاورین نجف اشرف منتفع میگردند .

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۶۲) حجة الاسلام و آیة الله فی الانام الفقیه المخالف لهواه حاج میرزا حبیب الله رشتی خداوند روح او را مقدس و در بهشت برین شاد و مسرور بفرماید عالم فاضل و زاهد عابد و محقق مدقق و فقیه نبیل و مجتهد جلیلی بود بعد از مرحوم آیة الله حاج سید حسین کوه کمری ریاست بحث و تدریس در نجف اشرف بوی منتهی گشت و در تاسیس تحقیقات و افاده آنان میمنود و اکثر علماء عراق بل جمیع آفاق نزد وی تلمذ نموده بر بحث حاضر میشدند و مؤلفات ایشان اقوی شاهد و اعظم برهانیست بر آنچه گفتیم و ادعا نمودیم و در تحقیق نمودن مبانی بود دقت و حسن نظر و تحقیق و اعجوبه در تفریع فروع بر اصول و لعمری بی نظیر بود در زمان خود در نجف





ن و بیدیل بود در اقران خویش .

**مؤلفات او** : ۱ بدایع الاصول سنه ۱۳۱۳ در طهران در قطعه سنگی رحلی مشتمل بر چهار صد و شصت و سه صفحه طبع شده و آن کتاب لطیفی و سفر شریفی است که دلالت میکند بر تبحر مؤلف استاد و مصنف عماد ۲ کتاب الاجاره مشتمل بر مسائل معاطاة و فضولی و آن تصنیف شریف مثل بدایع الاصول از بدایع فقه است سنه ۱۳۱۰ در طهران سنگی محتوی بر سیصد و پنجاه و هشت صفحه طبع شده ۳ کتاب الغصب در طهران نیز طبع شده ۴ رساله تقلید الاعلم ایضا در طهران طبع شده ۵ تعلیقه مختصری است بر مکاسب شیخ خود انصاری ره که در پشت تعلیقه معاصرش مرحوم آقا شیخ حسن مامقانی طبع شده و غیر ذلک از رسائل عملیه عربیه و فارسیه و حواشی بر کتب سنیه .

**وفات و مدفنش** : سنه ۱۳۱۲ در نجف اشرف سال وفات معاصرش علامه شیرازی قدس سرهما اتفاق افتاد و سید جعفر حلی ره قصیده مفصلی که در دیوانش ص ۹۶ ثبت است در رثاء او گفته که مطلعش این است

(علی م دموع اعیننا تصوب — اذ الجیبه اشان الحبیب)

و در حجره واقع از یمین خارج از باب ساعت مرتضوی صلوات الله علیه مدفون شد .

**الذریعه** (ج ۱) (ص ۱۲۲) کتاب الاجاره تصنیف علامه کبیر میرزا حبیب الله بن میرزا محمد علی رشتی نجفی متوفی شب پنجشنبه ۱۴ ج ۲ سنه ۱۳۱۲ در ایران طبع شده و آن کتاب یکی از مجلدات شرح مبسوط وی است بر شرایع و بیع فضولی و معاطات نیز در آن مجلد مذکور است و کتاب الغصب از آن شرح نیز مستقلا بطبع رسیده .

**ایضا** (ج ۳) (ص ۶۳) بدایع الافکار فی اصول الفقه تصنیف علامه کبیر میرزا حبیب الله رشتی ره مجلد کبیری است در مهمات مباحث اصول .

**مؤلف گوید** : سنه ۱۳۱۲ تاریخ وفات صاحب عنوان علیه الرحمة و الرضوان بنده در طهران بودم بعزم زیارت حضرت رضا علیه السلام که بازارها کلیة بسته و مجالس ترحیم منعقد گشته و علم عزا برافراشته اهالی با نهایت تفجع و سوگواری با ازدحام تمام نوحه کنان و سینه زنان در کوچه و بازارها میگشتند و مطلع نوحه ایشان این بود :

(باز خاکستر غم ریخت فلک بر سر ما — رفت از دار فنا نایب پیغمبر ما)

و چون بارض اقدس رضوی سلام الله علیه وارد شدیم خبر وفات مرحوم آیة الله میرزای شیرازی رسید و ضریح شریف را سیاه پوش کرده بودند متعدد مجالس ترحیم در مسجد گوهرشاد و اطراف مساجد شبستانها اقامه شد و مرحوم حاج سید جواد هندی خارجی که محدث واقعی بی نظیر بود و از کربلا مشرف شده بود در تمام مجالس ترحیم ختم منبر با ایشان بود و پس از چند روزی که ماه مبارک رمضان رسید هر شب در مسجد شبستان حاج میرزا حبیب الله خراسانی در ساعت چهار بمنبر میرفت و در ساعت شش پایین میآمد و بعد دو ساعت صحبت و ذکر مصیبت میکرد و قصاید

عربیه شجیه با صوت و لحن عربی میخواند و هر شب بین العشائین از منبر فرود می آمد و بطریق عرب مجلس را میگشت و شور قیامت بر پا میشد و اهل مشهد و زوار را بطوری مجذوب کرده بود که از دحام تمام میشد و از خطبه های مفصل و سلسل بیان میفرمود شبی خطبه حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها را که تمام خطب احتجاجات حضرات معصومین علیهم السلام و خطبه و احتجاجی بان تفصیل نیست مگر خطبه حضرت رسول صلی الله علیه و آله در غدیر خم که در عرض دو ساعت بیان فرموده اند بالتمام از حفظ خواند و شبی اشعار: یا ناقتی لا تذعری من زجری ✳ و امضی بنا قبل طلوع الفجر بخیر فتیان و خیر سفر ✳ آل رسول الله آل الفخر ✳ که طرماح در پیش روی حضرت حسین علیه السلام در قرب کربلا خوانده با نغمه حلقی خواند که مردم متحیر ماندند حقیر هم در عرض مدت این شصت و پنج سال از اول بلوغ در بلاد ایران و عتبات عالیات محدثی نظیر او و واعظی مثل مرحوم حاج محمد رضا واعظ همدانی صاحب هدیة النملة الی مرجع الملة و السیف المسلول که بجهة تعرض ببعضی مذاهب علنی در منبر در کرمانشاه مسموم کردند و فی ۱۳۰۹ او را در کربلا دیدم ندیده ام (رحمة الله و رضوانه علیهما) و از عالم موثقی شنیدم که فرمود حاج سید جواد ذاکر در ابتداء امر مکتبدار بود و مرحوم آیة الله میرزا علی آقا شیرازی فرمود که من در خدمتش درس خوانده ام تا از فضل خدا و جد و جهد خود بدان مقام عالی رسید . ✳

## (۲۵) (آقا سید علی محمد تاج العلماء هندی ره)

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۱۲)

**احسن الودیعة** (ج ۱) (ص ۲۰۱) عالم جلیل و عارف نبیل سید علی محمد بن سید محمد سلطان العلماء بن سید دلدار علی المشتهر به تاج العلماء بنا بانچه سید جلیل سید علینقی در رساله که بما ارسال داشته اینست بود در تحقیق و تدقیق و جامعیت علوم علمی نبود که او در آن تصنیفی و استنباطی نباشد پس او فقیه اصولی متکلم منطقی حکیم طبیب محدث رجالی مفسر شاعر ادیب باحث مناظر بود با اهل ادیان و ملل مختلفه و در لغت عبرانیه و سریانیه مهارتی داشت و کتب و بنقل عبارات توریة و انجیل عبرانیین بحجج

**ولادت و نشو و نمای او** : ۴ شوال سنه ۱۲۶۰ متولد و در حداثت سن در خدمت والد ماجد خویش تحصیل و در بلد خود مشغول تالیف و تدریس گردید و زیاده از صد کتب و رسائل تصنیف کرده . ✳

**ذکر بعضی از تالیفاتش** : ۱ عماد الاجتهاد فی الفقه الاستدلالی ۲ احسن القصص فی تفسیر سوره یوسف علیه السلام باسلوب لطیفی که قدیما در عظیم آباد هند طبع شده ۳ فصل الخطاب فی حلیة شرب الدخان ردا علی الاخباریین بالعربی ۴ الخطاب الفاصل ترجمه رساله سابقه بفارسی ۵ سلسلة





الذهب شرح کبیری است بر وجیزه شیخ بهائی ره در دو رابطه ۶ الجوهرة الحزیة شرح وسیط وجیزه ۷ شرح صغیر وجیزه ۸ التحقیق العجیب فی عدم ضمان الطبیب ۹ کتاب الطرایف و الظرایف ۱۰ الموعظة العظیم آبادیة فی شرح زیارة الناحیة ۱۱ کوهر شبچراغ فی فضل صلوة اللیل بالفارسی ۱۲ ترجمة القرآن فی مجلدین ۱۳ الزاد القلیل فی علم الکلام و تلمیذ او سید ابو الحسن بن سید نقی شاه کشمیری او را شرح و موسوم به سواء السبیل فی شرح زاد القلیل نموده اصل کرا را طبع و شرح نیز مطبوع است ۱۴ خلاصة الدعوات ۱۵ فرائد الفوائد فی آداب التعلیم و التعلم ۱۶ الجوهر الفرد فی المنطق ۱۷ ارشاد الصائمین فی احکام الصوم ۱۸ هزار مسئله ترجمه الفقیه شهید علیه الرحمة ۱۹ لحن داودی فی الرد علی کتاب نغمه طنبوری للنصاری ۲۰ رساله فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام بعد از تعداد ۳۱ کتاب گوید و غیر ذلک از کتب و رسائل و جواب مسائل . ✳

**مشایخ او در روایت** : فاضل اردکانی و علامه شیخ راضی نجفی و علامه حاج میرزا علینقی طباطبائی حائری و فقیه ربانی شیخ زین العابدین حائری و مفتی سید عباس موسوی شوشتری از آل محدث علامه سید نعمة الله جزائری . ✳

**تلامیذ او در قرائت و روایت** : سید علی نجفی نور الله مرقده و آن عالم عامل مصنفی است کرد بعد ممتاز العلماء سید محمد تقی رحمه الله صاحب عنوان و مفتی سید محمد عباس قرائت و از اول اخیر روایت نیز میکند از مؤلفات او لسان الصادقین فی شرح الاربعین عربی مطبوع و دلیل العصاة علی سبیل النجاة عربی و ذخائر در احکام کائنات و ترجمه رساله سابقه بفارسی و جلاء البصر در قصص آدم ابو البشر و منازل قمری فی سوانح سفر تبریز و آن مسافرت اوست بمشاهد عراق و تذکرة المتعلمین و تبصرة المنادبین و الحجة البالغة فی حجیة ظواهر الکتاب و الثمرة فی الاحادیث الخمسة و غیر ذلک از کتب و رسائل ۲ از تلامیذ صاحب عنوان سید کلب باقر جارچوی حائری صاحب تالیفات ممتعه ۳ سید مکرم حسین از علماء اعلام و غیر ایشان از علماء این زمان نیز از صاحب عنوان روایت کرده اند

**وفات و مدفنش** : ۴ ربیع الثانی سنه ۱۳۱۲ برحمت حق پیوست و در حسینیه جد خود غفرانمآب مدفون گردید . حشره الله مع اجداده الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین . ✳

## (۲۶) (میرزا محمد باقر خوانساری ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۱۳)

**مآثر و آثار** (ص ۱۶۱) میر محمد باقر صاحب روضات الجنات از رؤساء دار السلطنه اصفهان و برادر میر محمد هاشم در فقه و حدیث و تراجم علماء سلف و خلف و فنون فضائل دیگر بر اقران ترجیح دارد

کتابخانهٔ این خانواده را با اهمیت عظیمی مشاهده در کتاب نامهٔ دانشوران ناصری هر جا که عنوان میر معاصر است مقصود این خداوند معالی و مآثر است (سلمه الله تعالی) .

**مجلة المرشد** (ج ۱) (ص ۶۵) میرزا محمد باقر خوانساری صاحب روضات الجنات فی اعیان العلماء والسادات .

## (ذکر جملهٔ از کتب مؤلفه در تراجم علماء خاصه و عامه)

جملهٔ از کتب مؤلفه در تراجم علماء خاصه و عامه

اشهر کتبی که در تراجم علماء اعلام تصنیف شده وفیات الاعیان[1] ابن خلکان است و امل الآمل[2] محمد بن الحسن الحر العاملی و تکملهٔ امل الآمل[3] شیخ عبد النبی قزوینی یزدی و تکمیل التکمله[4] حسن بن هادی صدر الدین موصلی کاظمی و کشف الظنون[5] حاجی خلیفه و مستدرک کشف الظنون[6] المسمی بعقود الجوهر فی تراجم من لهم خمسون تالیفا فاکثر جمیل بک المعظم و لؤلؤة البحرین[7] شیخ یوسف بحرانی و ریاض العلماء[8] میرزا عبد الله اصفهانی معروف بافندی و تذکرة العلماء[9] سید عبد الکریم خبری و سفینة العلماء[10] حاجی میرزا محمد حسن خان بن علی اکبر خان شیرازی و قصص العلماء[11] میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی و روضات الجنات[12] میر محمد باقر خوانساری و آثار الشیعة الامامیة[13] شیخ عبد العزیز جواهری و الفوائد الرضویة[14] فی تراجم العلماء الامامیة حاجی شیخ عباس قمی و کتاب شیخ محمد محسن معروف به شیخ آقا بزرگ طهرانی نزیل سامراء و بعض این کتب خطی است . احسن و انفع این مؤلفات کتاب روضات الجنات است و اگرچه یک قدیم تالیف میبود ذوق عصری بر رغبت نمی‌نمود و تراجم بعضی از علماء از وی فوت شده علاوه بر اغلاط مطبعیه که محاسن کتاب را زشت کرده .

**(ایضا المرشد - ولادت و نشو و نمای صاحب روضات)** در چاشتگاه روز دوشنبه ۲۲ صفر ۱۲۲۶ در قصبهٔ خوانسار که اهلش صاحب فطانت و ذکاوت عجیب و آب و هوایش بسیار صاف و نیکو است متولد شده و در آنجا مقیم بود تا جد امجدش سید ابو القاسم جعفر بن الحسین ۱۲۴۰ برحمت حق پیوست والد ماجدش ورا با اصفهان آورده و در آنجا نشو و نما کرده بدرس تحصیل علوم شروع کرد و در خدمت جمعی از اکابر علماء اعلام مثل شیخ محمد تقی بن عبد الرحیم رازی المتوفی ۱۲۴۸ و سید محمد شهشهانی و حاجی محمد ابراهیم کرباسی و حاجی سید محمد باقر رشتی معروف بحجة الاسلام و غیر ایشان از علماء ربانیین تلمذ و تحصیل نمود و در سفر زیارت عراق نیز حضور جماعتی از علماء عظام از جمله سید ابراهیم بن سید محمد باقر قزوینی صاحب ضوابط تلمذ کرده .

اساتید صاحب روضات در اصفهان و عراق

**مؤلفاتش** : علامه مترجم را تالیفات رشیقه و تصنیفات انیقه دارد ۱ روضات الجنات مشتمل بر چهار مجلد و تدوین و تنقیح او زیاده از ده سال طول کشیده و در سنه ۱۲۸۷ باتمام رسیده ۲ احسن العطیه فی شرح الرسالة الالفیة للشهید الاول ۳ شرح مبسوط منظومهٔ فارسیه در اصول عقاید بطریق استدلال





مؤلفات صاحب روضات

موسوم به قرة العین و سرور الناظرین ۴ رساله در تفصیل ضروریات دین و مذهب و بیان حد ضروری لغة و اصطلاحا و بیان آنچه در کلام فقهاء و اهل شرع از ضروری مراد است و این رساله ظریف و کثیر الفوائد است در مسائل خود ۵ رساله در امر بمعروف و نهی از منکر بدیع الوضع کثیرة النفع ۶ رساله در اقسام بلاهای نازله در این عالم بر شقی و سعید ۷ کتاب تسلیة الاحزان بر نهج مسکن الفؤاد شهید ثانی ره الی ۱۴ رساله و تعلیقات شمرده .

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۲۶) امام ائمه و موضح مشکلات مدلهمه فقیه امت حجة الاسلام آیة الله العظمی و نعمته الکبری نور زاهر و سحاب هامر مولانا و عم والدنا آقا میرزا محمد باقر ابن علامة العلماء علی الاطلاق المشتهر فتاویه فی الآفاق حاجی میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اصفهانی از اکابر فقهاء مجتهدین و افاضل اعاظم علماء محققین بود ایام باتیان مثل او بخیل و اعوام از انتاج شکل وی عقیم است آنمرحوم در فروع و اصول مجتهد و در معقول و منقول استاد و بمذاهب عامه معرفت تامه داشت عدیم النظیر جید التقریر والتحریر کرم و سعهٔ صدر و علو همت و مخالفت او بر هوای نفس و عزت و توکل و حیا و عفت و غیر اینها از خصال جمیله و اخلاق حمیده او اشهر از آنست که مذکور و مسطور نمایم اقلام از تحریرش عاجز و اوهام از تصورش قاصر ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و ریاست امامیه در زمان خود بوی منتهی و علماء و فضلاء بحضر او وارد شده استفاده میکردند و در بلدهٔ اصفهان اقامهٔ جماعت مینمود و تا حین وفات مشغول تدریس و حل معضلات و قضاء حوائج مؤمنین بوده و اورع و اعبد و اتقای اهل زمان خود بود .

اخلاق و [illegible] صاحب روضات

**مؤلفات شریفه و مصنفات منیفهٔ او** : علاوه بر ۱۴ تالیف و تصنیف منقول در مجلة المرشد چهار تالیف دیگر نیز در احسن الودیعه مذکور است

## (اجازهٔ اجتهادی صاحب روضات الجنات ره)

مصرحین باجتهاد صاحب روضات

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۳۵) چهار تن از اکابر علماء باجتهاد صاحب روضات تصریح فرموده اند اول آنجمله امیر سید حسن اصفهانی که اجازه نوشته و در آن تصریح کرده که صاحب عنوان بدرجه اجتهاد مطلق علی الوجه الاتم الالیق نائل شده دوم شیخ محمد بن علی بن جعفر صاحب کشف الغطاء در سنه (۱۲۴۱) که مترجم معظم بزیارت امیر المؤمنین علیه السلام اجازه داده و نص فرموده بر اجتهادش سوم شیخ قاسم بن شیخ محمد تقی نجفی صاحب شرح شرایع در چند مجلد در همان سفر مبارک باجتهادش تنصیص نموده چهارم جد ما حاجی زین العابدین برای این نجل زکی خود کتابی بطرز نیکی در تنصیص باجتهادش و بعبارات لطیفه رشیقه نوشته که فی الحقیقه سحر بلاغت نادر آن اظهار فرموده .

## ( تلامیذ او در قرائت و روایت )

**ایضاً گوید** : جمع کثیری در خدمت ابن عم اکرم فاالمتن وتحصیل وجم غفیری از اساطین دین واساتید شرع مبین از جناب ایشان روایت کرده اند از الجمله سیدنا الاستاد الاعظم سید ابو تراب موسوی خوانساری صاحب شرح مبسوط بر نجاة العباد وسید الاستاد والمولی العماد سید محمد کاظم طباطبائی یزدی وعلامه شیخنا الحاج فتح الله شیرازی اصفهانی نجفی المشتهر بشیخ الشریعة ومیرزا محمد بن عبد الوهاب همدانی کاظمی المتوفی سنه ۱۳۰۳ واین شیخ از اجلاء علماء کاظمین علیهما السلام وصاحب مؤلفات کثیره است ومترجم معظم کتاب لطیفی وخطاب شریفی برای او نوشته که سحر بلاغت را در آن اظهار داشته وسایر اولاد کرام صاحب عنوان میرزا محمد مهدی ومیرزا عطاء الله صاحب فهرست کتاب پدرش روضات الجنات ومیرزا هدایت الله وعالم متتبع نحریر شاهزاده فرهاد میرزا وعلامه معاصر سید محمد باقر اصفهانی که سید جلیلی وزاهد عابدی بود ومرجعیت تقلید در این اواخر باو رسید

**وفات ومدفنش** : المرحوم قدس الله سره وبحظیرة القدس سره در بلدهٔ اصفهان در سنه هفتم شب دوشنبه هشتم جمادی الاولی سنه ۱۳۱۳ وفات یافت وچهار روز ایام مرض ایشان بود وبرادر ابوینی او مرحوم آیة الله العلامة الفقیه میرزا محمد هاشم موسوی خوانساری بروی نماز گذارده ودر مقبرهٔ تخت فولاد مدفون گردید چنانچه نجل زکی علامه اش میرزا هدایت الله ره وقت تشرف بزیارت عتبات عالیات برما نقل فرمود .

وشعراء در تاریخ وفاتش مراثی عربیه وفارسیه گفته اند .

### (من جمله شاعر ادیب حاج میرزا فتح الله بن میرزا کوچک گوید :)

| | | | |
|---|---|---|---|
| سلام الله ما مر الزمان | علی من صار مدعوا فهاجر | پیام ار جعی از حق چو بشنید | که تو اسلام را مصداق مظهر |
| زعالم صاحب روضات چون رفت | بنار بخشد دعا گوئی خوشتر | جزاه الله من روض الجنان | در این مصرع بود مقصود مضمر |

| | | |
|---|---|---|
| در برگرفت خاک چو انجم پاک را | و دیگری گفته : | کردند انجمن پی تاریخ او عموم |
| آمد یکی برون وبگوش خود سروش | | قل حبذا بو فدک یا باقر العلوم |

ومترجم معظم ترجمه خود ووالد ماجد وجد امجد شرا در روضات ص ۱۲۶ مشروحاً مرقوم فرموده .

**مؤلف گوید** : در سفر دوم بحج بیت الله الحرام در مراجعت برای تحصیل بعضی از کتب نفیسه خطیه باصفهان رفتم وچهل روز در آنجا توقف کرده بخدمت علماء عظام ومحققین کرام رسیده وزیاده از وصف از محبت وعاطفه ایشان امتنان ومسرت حاصل گشت وبفضله تعالی چند نسخ قدیمه خطیه که سالها تفحص میکردم بدست آمد وروز جمعه از ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۵۸ باتفاق عالم فاضل آقا شیخ محمد تقی مرندی اصفهانی سلمه الله تعالی بزیارت قبور علماء تخته فولاد رفتیم وبعد از زیارت قبر مرحوم ابو المعالی اصفهانی ودو فرزندش وحاج میرزا جمال وحاج





میرزا مهدی که از زهاد وعلماء عصر خود بودند ودر تکیه وسیعی تحت قبه مدفونند وزیارت قبر آخوند ملا محمد کاشانی از اجلاء حکماء زمان خود که در تکیه مرحوم حاج محمد ابراهیم ملک التجار اصفهانی میباشد وزیارت قبر مرحوم فاضل هندی ومرحوم آقا شیخ اسمعیل خاجوئی وزیارت قبور چندی از اعاظم علماء که هر یک در تکیه علیحده مدفونند گفتند که زیاده از چهار صد عالم در آن مقبرهٔ شریفه آسوده اند رفتیم بزیارت قبر صاحب روضات الجنات تخته فولاد ره .

**در تذکرة القبور (ص ۶۳) گوید** : برای قبر مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی که این اوقات مرحوم شده تکیه بزرگ عالی طرح ریخته وبنا میکنند واین بزرگوار از رؤساء علماء اصفهان بلکه سید العلماء مطلق ودر احترام مقدم بر کل بود وعمر ایشان قریب بنود سال وفات او سنه ۱۳۱۳ رجب وصیت خود نمرحوم در این محل جلو قبر مرحوم آقا حسین جیلانی که از اعاظم علماء وصاحب تصنیفات است چون جد اعلای او بوده مدفون گردیده وآقا میرزا محمد باقر از شاگردان مرحوم شیخ محمد تقی وآقا میر سید محمد شهشهانی اعلی الله مقامهما بوده واجازه های کثیره از علماء نجف وکربلا واصفهان از مشایخ وبزرگان داشتند وفضل وتبحر وفقاهت وجلالت ایشان بیدکر کتابهای پر فایده که تصنیف نموده اند اولی است روضات الجنات که معروف بر جال آقا میرزا محمد باقر است در این اوقات هر کتابی از علماء چاپ خورده بیان حال مصنف از این کتاب مبارک ثبت میشود واینهم خوبی است برای اهل علم وفوائد رجالیه هم بسیار دارد ودر امر انشاآت وخطب ونوشتجات مسجع ومقفی مجدی بود که بنای قلم بر آن بود حتی جواب استفتاء وحکم که می نوشتند منشیانه بود .

**مؤلف گوید** : در ایام توقف چهل روز در اصفهان بسعادت ملاقات چند تن از احفاد امجاد صاحب روضات اسکنه الله فی الجنة فی اعلی الدرجات نایل شدم محله چهار سوق شیرازیان در اصفهان محله بزرگیست که اولاد واحفاد آن مرحوم نسلاً بعد نسل اناثاً وذکوراً آنجا ساکنند واز چند نفر موثقین شنیدم که گفتند نسل او محققاً از هزار تن گذشته وهمه در آن محله میباشند ومعروف باولاد روضاتی هستند از قدرت خداوند احدیت بمقتضای وعده خود **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ** از نسل یکنفر سید عالم در عرض صد و پانزده سال تقریباً این قدر اولاد بوجود آمده آقای سید صدر الدین روضاتی فرزند آقا سید علی بن آقا سید مهدی بن آقا میرزا محمد باقر صاحب روضات وآقای میرزا محمود روضاتی فرزند آقا میرزا هدایت الله بن آقا میرزا محمد بن صاحب روضات ایدهما الله تعالی حقیر را دعوت فرمودند وبا جمعی از حضرات آقایان روضاتی که همه از علماء وائمه جماعت ومحدثین وارباب محراب ومنبر بودند مفصلاً ملاقات واقع گردید .

## (۲۷) حاج سید علی مجتهد یزدی میبدی ره

### المتوفی ایضاً سنة ۱۳۱۳

### در پشت کتاب بدیع اللغة که تازه از طبع در آمده مسطور است

هذا کتاب بدیع اللغة تألیف سید افضل اکمل عماد فقهاء راسخین علامه علماء شامخین مستخرج لئالی الاخبار و کنوز آثار آنکه در عصر خود فریدی برای و بیدا نشد در ترویج دین واحیاء شریعت سید المرسلین بتصنیف و تالیف دائم و همی و قمع معاندین از اهواء و بدع سیما فرقه ضاله نصیریه معتدین السید الفقیه المحقق المدقق الورع التقی الزکی حاج سید علی یزدی میبدی اعلی الله مقامه ونور الله مرقده ۰

**واین سید اجل را تصانیف کثیره هست** از جمله کتاب کشکول وکتاب بهدایة النعیم و رساله در اثبات حرمت حلق لحیه و رساله در فقه و رجیزه در نحو و غیره ۰

**وتاریخ وفات این سید مکرم والمولی المعظم** بخط بجل زکی تقی عالم عامل کامل فاضل نجیب سید العلماء والمجتهدین حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا محمد یزدی میبدی نزیل بلده کرمانشاه اینطور است ( بسم الله الرحمن الرحیم ) وفات مرحوم مغفور عالم ربانی وفاضل صمدانی حجة الاسلام والمسلمین سیدنا الفقیه النبیه آقای حاج سید علی مجتهد یزدی میبدی اعلی الله مقامه الشریف سلخ محرم الحرام سنة ۱۳۱۳ هجریه واقع شد تلمذ کرده نزد عالمین علمین ابنین عاملین مرحومین مغفورین فاضل اردکانی وشیخ عبد الحسین طهرانی الملقب بشیخ العراقین اعلی الله مقامهما ۰

**تولد ونشو ونما وتحصیل آنمرحوم :** تولد ونشو ونمای او در میبد بوده وبعد از آن در جوانی هجرت بکربلای معلی نموده و در خدمت فاضل اردکانی فقه واصول را تلمذ نموده واجازه از آنمرحوم داشتند وجامع علوم وفضائل وصاحب تصنیفات وتالیفات بوده اند حشره الله مع اجداده الطاهرین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین ۰

## (۲۸) شیخ ابراهیم لنکرانی ره

### المتوفی سنة ۱۳۱۴

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۲۱۹) عالم جلیل وقدوه ارباب فهم وتحصیل مولانا شیخ ابراهیم لنکرانی عالم فاضل وفقیه کامل وزاهد عابد ومحقق مدقق وجامع علم معقول ومنقول بارع درفن فروع واصول بود ۰

( مؤلفات او )



**مؤلفات او :** ۱ کتاب فی الاصول در ضمن دو مجلد ضخیم ۲ کتاب مناجر حاری جمیع ابواب آن ۳ رسالة فی قضاء الفوائت ۴ رسالة فی قاعدة لا ضرر ۵ رسالة فی العدالة ۶ رسالة فی قاعدة المیسور ۷ رسالة فی حمل فعل المسلم علی الصحة ۸ رسالة فی علم الدرایة ۹ کتاب الطهارة ۱۰ کتاب الصلوة ورساله در سهو ملحق باوست ۱۱ شرح بیع کتاب شرایع ۱۲ شرح طهارت شرایع تا باب جاری ۱۳ کتاب فی الدلیل العقلی والملازمة العقلیة ۰

**مشایخ وی در قرائت وروایت :** در مبادی امر خود در کربلا، مشرف بخدمت عالم ماهر شیخ علی یزدی ره که از ائمه جماعت بود در آنمکان شریف در نجاه مرحوم فاضل اردکانی بعد از وفاتش تلمذ نمود پس از آن بنجف اشرف منتقل شده ببحث فاضل ایروانی وعلامه حاج میرزا حبیب الله رشتی قدس سرهما ودرس مرحوم فاضل شرابیانی نیز حاضر گردید ومجتهد مطلق بارع مشار الیه طلاب بود ودر جمیع مجالس ومجامع اورا معظم میداشتند ۰

**وفاتش :** در نجف اشرف بعد از ظهر روز پنجشنبه در شهر ربیع الثانی سنة ۱۳۱۴ هجریه واقع شد ودر صحن شریف در یکی از حجرات مبارکه سمت قبله مدفون گردید رحمة الله علیه ) ۰

## (۲۹) حاج میرزا محمد حسین شهرستانی ره

### المتوفی سنة ۱۳۱۵

**مآثر وآثار** (ص ۱۷۹) حاج میرزا محمد حسین شهرستانی بفنون چندانه معقول ومنقول از فحول است شهرستان فضائل را این چنین در هیچگاه ندیده ایم ودبستان معارف را اینگونه آموزگار هرگز نشنیده ایم بر مسند افادت چون محیط موج میزند ودر عرشه افاضت از سپهر اوج میستاند دائره سخن در تعریف این استاد چندین فن از کلمه جامعه خالیست کیف لا که علو درجه اجتهاد :

| | من علاه احدی المعالی | | وعلی هذه فقس ما سواها | |
|---|---|---|---|---|

**سادات شهرستانیین :** مجاورین حائر شریف منسوبند بقریه شهرستان اصفهان علوی نسب این سلسله در هر شجره مبسوط مضبوط است تا بین صاحب این عنوان وحسین اصغر که پسر حضرت ابو محمد علی بن الحسین صلوات الله علیه میباشد سی پدر فاصله است وهر که تاریخ طبرستان خوانده باشد جلالت شأن سلسله سادات مرعشیه را نیک میداند بعضی از سلاطین صفویه نیز اُمّاً باین بزرگواران منسوبند خواندمیر در حبیب السیر از مشاهیر ایشان جماعتی را مذکور ساخته بتخصیص میر قوام الدین را که بمیر بزرگ اشتهار گرفته ودر شهر آمل مملکت مازندران مزار پر انوار و در عهد صفویه بارگاهش با اهتمام تمام پرداخته وقبه عظیم بر آن افراخته

( شده )

شده و انتحار این دو دمان را قاضی نور الله شوشتری و میرزا محمد مهدی شهرستانی و خداوندان ترجمه بسنده است
سعادت ولادت این بزرگوار یکهزار و سال و دو دهه تمام بعد از تولد مبارک حضرت حجت علیه السلام روی داده از بطن کریمه
قدوة العلماء العظام آقا احمد بن آقا محمد علی کرمانشاهانی بن الوحید البهبهانی و عمده تحصیلش در منقول و معقول
بر علامه ثانی ملا حسین معروف بفاضل اردکانی طاب رمسه شده . ✳

## وتصنیفات بسیار کرده است :

بدین تفصیل : غایة المسؤل فی الاصول غاصی خاشیة قوانین شوارع الاعلام فی شرح شرایع الاسلام تحقیق الادلة فی الاصول لباب الاجتهاد زلة الفوائد فی المتفرقات من فنون شتی لئالی فی مسائل متفرقة من الاصول والفقه الصحیفة الحسینیة فی ادعیة سید الشهداء ارواحنا له الفداء ترياق فاروق بين المتشرعة والشيخية تنبيه الانام على ارشاد العوام تلويح الاشارة فی تلخیص شرح الزیارة شرح الاربعین حدیثا المهجة على البهجة خاشية السبزواری للالفية الكوكب الدری فی التقويم مواقع النجوم فی الهیئة اللباب فی الاسطرلاب تلخيص الفصول الی مسائل العام والخاص سبیل الرشاد شرح نجاة العباد جنة النعيم فی الامامة الحجة البالغة فی اثبات وجود الامام المنتظر عجل الله فرجه والنضید فی نكاح الاماء والعبید الموائد فی المتفرقات الى غیر ذلك من الرسائل واین بزرگوار فی التاریخ دو طهران است و در ماه رمضان امسال ۱۳۰۰ محراب و مقام حجة الاسلام حاج ملا علی کنی قدس سره با وی بود

## تذییل :

از فوائد نسخه اصل دیده شد از اعداد و اوفاق و ادعیه و حساب و هیئت جدید و اشعار و اخبار و آثار و مکاتیب و کرامات از ائمه علیهم السلام و تراجم از علماء عصر و سؤالاتی از فقه بجوابهایشان و بعضی از حوادث عالم و ما یلحق بها از آن بنظر رسید از فوائد یکه با این باب بی ارتباط دارد از مؤلف نقل گردید « یکی آنکه در ترجمه آقا محمود کرمانشاهانی مقیم طهران » خلف آقا محمد علی صاحب مقامع الفضل میفرماید چند رساله از تالیفات او دیده ام تنبیه الغافلین در رد صوفیه و معجون الهی و شرح دعاء سمات و فوتش در سال ۱۲۶۹ هجریست و قبرش در کربلا در رواق پائین پا » و دیگری در ترجمه شیخ الفقهاء رئیس الکل

### ✳ ( حجة الحق مرتضى الانصاري الششتري ) ✳

منویسد وی مردی بلند قامت ریش سرخ ابله در بود ولی نورانی و ملیح و خوش محاوره و شوخ . ✳

**مؤلف گوید :** شنیدم تصویر قلمی شیخ الطائفه الانصاری ره را در اصفهان در منزل فاضل معاصر ادیب شاعر ماهر حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ایده الله تعالی دیدم فرمود مرحوم ناصر الدین شاه مصور مخصوص را بنجف فرستاده و دویست تومان انعام داده این تصویر را درست کرده حقیقتا خیلی زحمت و استادی کرده بود و قطعا بهتر از عکس بود مطابق همین روایت مرحوم شهرستانی سرخ ریش و رنگ رخسارش





لیها و ملاحت چهره شریف را عینا حکایت کرده بود . ✳

## نوعا مراجع تقلید

و مجتهدین طراز اول و فقهاء طبقه اولی از اواسط قرن سیزدهم هجری الی یومنا هذا از تلامذه آن آیت الله العلامه بوده اند بعضی بلاواسطه و برخی مع الواسطه . ✳

## یکی از علماء اعلام شفاها فرمود :

که بعد از وفات مرحوم آیت الله رئیس الملة والدین علامه زمان شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی صاحب جواهر قدس سره چهار صد تن مجتهد مسلم اعلمیت شیخ مرتضی الانصاری ره را تصدیق کردند . ✳

## و مرحوم آقا شیخ محمود مجتهد عراقی

در فصل پنجم از خاتمه دار السلام گوید که کرامات و مقامات شیخ الطائفة الانصاری قدس سره زیاده از حصر و شمار است و مخالف و موالف را بر آن اعتراف و اقرار است چگونه چنین نباشد و حال آنکه در عبادت در عصر خود عدیل نداشت و در زهد و ورع او را نظیر نبود با آنکه در هر سال زیاده از صد هزار تومان از وجوه بسوی او متوجه میگردید وفات کرد و درهم و دیناری نگذاشت رحمة الله علیه

## مجلة المرشد (ج ۲) (ص ۳۸۱)

سید میرزا محمد حسین شهرستانی عالم کبیر و علم شهیر و مجتهد محقق و اصولی مدقق و حکیم ماهر و ادیب لوذعی جلیل القدر عظیم الشان علی تقوی و ورع شهیر در غایت ذکاوت و فطانت و جودت فهم و سرعت انتقال و کثرت حافظه و حدت ذهن و وصول بمطالب با قصر وقت الی آنکه زبان بود

## ولادت آن بزرگوار :

سنه ۱۲۵۶ هجریه در مدینه کرمانشاه از مدن عراق بوده و در کربلاء مشرفه نشو و نما یافته و بر طلب علم و کسب فضل توجه و اقبال کرده تا حظ اوفی و نصیب معلی برای او حاصل گشت علی التخصیص از وقتیکه بر تالیف و تصنیف در علوم دینیه از عربیه و ریاضیه و غیر هما شروع کرد که تحقیقات ابکار و خرائد افکار و از او الهام ..

## کتب و آثار مطبوعه و مخطوطه آن علامه دهر :

صاحب ترجمه در دوازده سالگی چنانکه خود در کشکول خویش تصریح کرده بتالیف و تصنیف ابتدا نموده و تا ۳۰ کتب و رسائل با اسامی معینه در موضوعات مختلفه تعداد فرموده

## صفات و اخلاق آن علامه دهر :

از خود در جمیع حالات خود صاحب اخلاق حسنه و اطوار طیبه بوده در شب و روز مواظب و راد و عبادات نفس خود را در طلب مرضات پروردگارش بتعب انداخته از اجابت دعوات مؤمنین و قضاء حوائج ایشان و فصل خصومات در منازعات شان هرگز ملول نمیشد با آنکه جمیع اوقات شریفش مستغرق مشاغل تالیف بوده پس حق جایش را ادا و بر سائل عطا میفرمود و همین طور بود سیره مرضیه آن علامه عصر با کافه انام با اختلاف طبقات مردم در ذوق و مشرب شان تا زمان رحلتش

## وفات آن حبر اعظم :

روز سیم شوال سنه ۱۳۱۵ هجریه در کربلا بعد از داء عضال الارزمه در مدت طویله نزدیک به پنجاه و نه سال از عمر شریفش که در تالیف و تصنیف صرف کرده بود برحمت حق پیوست و نابود و اجداد دش در مقبره

مختصر یا ایشان در رواق شریف حسینی مدفون گردید .

**تشرف صاحب ترجمه بمشهد مقدس :** سنه ١٣٠٠ از عراق بقصد زیارت حضرت ثامن الائمة علی بن موسی الرضا علیهم الصلوة والسلام بایران تشریف آورد وپس از عودت از خراسان مدتی بیرون در طهران اقامت فرموده ملتزم وعظ وارشاد ونماز جماعت در اوقات خمسه در جامع کبیر شهیر بجامع حاج ملا علی کنی گردید وچندان طول نکشید تا بوطن ومسقط راس خود مراجعت فرمود .

**زهر الربی** ضیاء الدین حاج میرزا محمد حسین بن الامیر محمد علی شهرستانی ره وبعد از نقل اجازه اجتهاد از فاضل اردکانی سنه ١٢٨٧ از والد ماجدش سنه ١٢٨٢ در حق صاحب ترجمه در تعداد کتبش علاوه بر ٣٠ مجلد منقول از مجلة المرشد گوید النور المبین فی اصول الدین طبع سنه ١٣٠٧ فارسی النور المبین ایضا رسالة عملیة فارسیة طبع سنه ١٣١٢ دمع العین فی خصائص الحسین علیه الصلاة الی غیر هذه که زیاده از هشتاد تالیف میشود واو در کربلاء مشرفه مرجعیت در ریاست دینیه داشت .

**وبعد از او نجل وی حاج میرزا علی آقا ابن ریاست کبری مرجعیت تقلید بود وبیت شهرستانیین** در حائر شریف از بزرگترین بیوت اصیلند در مجد وشرف .

**الذریعه (ج ٤) (ص ١٧١)** تریاق فاروق فارسی است در رد شیخیه تالیف سید محمد میرزا محمد حسین شهرستانی حائری المتوفی سنه ١٣١٥ ودر سنه ١٣٠١ از تالیفش فارغ شده وبطبع رسیده ونسخه خط مولف در سنه ١٣٠٧ موقوفه ولدش حاج میرزا علی است در سنه ١٣١٧ ودر خزانه رضویه موجود است چنانکه در فهرست او ضبط شده .

**ایضا ذریعه (ج ٤) (ص ٤٤١)** تنبیه الانام علی مفاسد تالیف الکرمانی الموسوم بارشاد العوام فارسی است مثل ارشاد ودر هند وتبریز طبع شده وبیان کرده در آن فساد صد مطلب معین را با ارائه مواضع آنها از آن دو کتاب مطبوع وبعد از ذکر فساد صد مطلب گوید محل فساد آن کتاب لا تحصی است ولی ما اکتفا کردیم بصد تا وآن تالیف سید محمد میرزا محمد حسین شهرستانی است ونسخه اصل خط مولف در خزانه کتبش موجود است ودر ١٩ صفر سنه ١٢٩٢ از وی فارغ شده ونسخه دیگر در مکتبه شیخ محمد سماوی در نجف دیدم .

---

**(٣٠) ( حاج ملا محمد اشرفی ره )**

**( المتوفی ایضا سنه ١٣١٥ )**

**مآثر وآثار (ص ١٤٣)** حاج مولی محمد اشرفی مجتهد از مفاخر مذهب جعفری ومرجع فرقه حقه میباشد کرورها از اهالی ایران از او تقلید میکنند این بزرگوار در میان علماء عصر جامع مابین شریعت وطریقت اختصاص یافته است از درون وبیرون دلها همه کس بجان ودل ارادت میورزند واز فحول علماء عصر ما بر منبر او ذکری نداده مد الله تعالی ظلاله





**مؤلف گوید :** از این فاضل کامل وعالم متبحر که مراتب علم وفضل وتبحر وتبحش از تالیفات وبیانات وعبارات او روشن ومبرهن است خیلی بعید وجای شگفت وتعجب است که بعد از لفظ شریعت باصطلاح صوفیه بکلمه طریقت تفوه فرماید چه که طریقت وحقیقت همان شریعت مطهره نبویه صلی الله علیه وآله است که در قرآن مجید در آنها وارد است که اهدنا الصراط المستقیم خدا یک راه زاده واین راه راست که شرع مقدس است ثابت بدانند منتهی ایمان مراتب ودرجاتی دارد یکی ورع یعنی اجتناب از حرام ودیگر زهد یعنی احتراز از حلال که نفس مشغول وغافل از پروردگارش نباشد وهمه این مراتب ودرجات در آیات کریمه واحادیث متواتره وارد وما ثورات دیگر ما هیچ بطریقت وحقیقت علیحده احتیاج نداریم قوله تعالی الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا وقوله عز وجل وان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله طریق حق را بلفظ مفرد وطرق ضلالت را بلفظ جمع ذکر فرموده .

**قصص العلماء** حاج ملا محمد بن محمد مهدی اشرفی ساکن بار فروش عالم بی نظیر وفقیه بی بدیل واز مشاهیر علماء ابرار وانقیاء اخیار واو را با من مودت ومحبت بی اندازه است وصاحب کرامات است وجمله از کیفیت وعبادت وکرامات او را ذکر فرموده ( فاطلب من هناك ) .

**احسن الودیعه (ج ١) (ص ١٢٤)** عالم جلیل وفاضل نبیل مجاهد در مذهب جعفری باذل نفس خود در ترویج دین حنیفی مولانا حاج ملا محمد اشرفی عالم فاضل مجتهد کامل وورع تقی وزاهد نقی صاحب کرامات ومقامات مشار الیه در زمان خود ماهر در روایت ودرایت مرشد مردم بطریق هدایت رافع رایت اعظم شریعت اعلی الله مقامه ورفع فی الخلد اعلامه .

**مؤلفات آن مرحوم :** بر مؤلفات او واقف نشدم مگر بر رسالة عملیه در عبادات وبعض از معاملات که در ایران سنگی طبع شده وکتاب کبیر شهیر سؤال وجواب موسوم به شعائر الاسلام فی مسائل الحلال والحرام که سنه ١٣١٢ هجریه در طهران سنگی در قطعه رحلی مشتمل بر ٨٦٤ صفحه طبع شده ولعمری که آن کتاب شریف شاهد عدل است بر تبحر او در مسائل فقه وفروع آن .

( جزاه الله عن الاسلام واهله خیر جزاء المحسنین ورفع درجته فی اعلا علیین )

**ریحانة الأدب (ج ١) (ص ٧٥)** حاج ملا محمد اشرفی از شاگردان سعید العلماء مازندرانی واز تصنیفات اوست ١ اسرار الشهادة بزبان پارسی که در سال ١٣٢٢ در طهران چاپ شده ٢ شعائر الاسلام ودر سال ١٣١٥ عازم جنان گردید .

**مؤلف گوید :** کتاب مستطاب شعائر الاسلام از جمله کتب نفیسه امامیه مشتمل بر تحقیقات مهمه

تشقیقات متنوعه سفرنامات متفرقه و محتوی بر اخبار طریفه است محض برای ادای بعضی از حقوق این علامه فهامه خواستم یک حدیث طریف از آن کتاب شریف در این وجیزه منیفه ثبت نمایم :

## اسم اعظم بودن اسم علی صلوات الله علیه

در ذیل جوابی میفرماید : مستفاد میشود از روایتی که اسم شریف ائمه علیهم السلام اسم اعظم است و ملخص آن حدیث این است که روزی امیر مؤمنان علیه السلام از راهی میرفتند و شخص کافر خیبری همراه ایشان بود رسیدند بنهری پس شخص خیبری تکلم کرد بکلامی و از آب گذشت و بعد از گذشتن ندا کرد بحضرت که اگر تو هم میدانستی آنچه را که من میدانستم مثل من از آب میگذشتی حضرت فرمود یا خیبری مکانک ثم اوما الی الماء فجمد الماء و مر علیه ای خیبری بجای خود باش پس اشاره کردند باب و آب جامد سخت شد پس گذشت حضرت بر روی آب سخت شده پس خیبری افتاد بر روی پای آنجناب و بوسید و عرض کرد ای جوان چه گفتی که آب روان مانند سنگ سخت شد فرمود تو چه گفتی گفت انا دعوت الله بالاسم الاعظم قال و ما هو قال سئلته باسم وصی محمد صلی الله علیه و آله قال علی علیه السلام انا وصی محمد من اسم اعظم الهی را خواندم فرمود چیست آن گفت اسم وصی محمد را خواندم حضرت فرمود منم وصی محمد پس خیبری فوراً ایمان آورد و گردید از موالیان خاص آن بزرگوار علیه صلوات الله الملک الجبار .

## (۳۱) (سید محمد بن سید احمد کاظمینی ره)

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۱۵)

احسن الودیعه (ج ۱) (ص ۲۵) عالم اوحد و فقیه مسدد مولینا آقا محمد بن سید احمد کاظمینی از آل سید حیدر قاطنین ارض کاظمین علیهما السلام عالم کامل زاهد عابد عارف باخبار و آثار منطیق متکلم مهاب و نبیه مقدم بر اقران بارع در زمان خود بود و در حسینیه که بعض امراء بامر او بنا کرده بود بمنبر شریف میبر آمد و خطبه میخواند و موعظه کرده مردم را بطریق حق و رشاد هدایت وارشاد میفرمود و علی رؤس الاشهاد حق میگفت و از کسی باک نمینمود و بر اهل علم تعظیم و تکریم و در مجالس و محافل برای ایشان قیام و در این طریقه حسنه تابعی بر گذشتگان میکرد و در کاظمین علیهما السلام بکرم و اخلاق او مردم ضرب المثل میکردند و والد ماجد او ادام الله ایامه ثنای جزیل و مدایح جمیلی بروی میفرمود و بین ایشان خلطه عظیمه و محبت جسیمه داشت

**تحصیل و ترویج مؤلفات او :** در خدمت شیخنا المحقق الانصاری و علامه میرزا محمد حسن شیرازی در ایام اقامت او در سر من رای تلمذ کرده و در زمان وی بارض کاظمین منتقل گشته مشغول ترویج شرع مبین و نشر سنن سید المرسلین گردید کتابی در اخبار و حاشیه بر معالم و منظومه در اصول موسوم به در نظیم و کتابی در موالید ائمه اطهار علیهم السلام و کتابی در وفیات ایشان سلام الله علیهم نوشته .





**مسافرت مترجم معظم بمشهد مقدس :** و در عصر والد مرحومش با برادر خود علامه سید مرتضی سنه ۱۲۸۰ مسافرت بمشهد مقدس رضوی صلوات الله علیه نموده بعد از چهار سال اقامت بسوی بلد خود مراجعت نمود و در کاظمین در محرم سنه ۱۳۱۵ برحمت حق پیوسته و در مقبره که برای خود قبل از حلول اجل مهیا کرده بود مدفون گردید و پیش از وی برادرش سید مرتضی نیز در آنجا مدفون بود و اعظم آثار وی آن حسینیه ایست که بامر او مشیر الملک شیرازی بنا کرده و شاعر کبیر و ادیب شهیر (شیخ جابر کاظمی) بعد از ابیاتی چند در تاریخ آن بنا گفته :

| مشیر الملک شیدها فارخ | هی لفردوس شیدها المشیر ۱۲۹۷ |
|---|---|

و مرحوم علامه نوری در نجم ثاقب (ص ۲۰۰) در مقدمه حکایت حاج علی بغدادی گوید وارد کاظمین شدم و خدمت جناب عالم عامل و فقیه کامل سید سند و حبر معتمد آقا سید محمد بن العالم الاوحد سید احمد بن العالم الجلیل و المتوحد النبیل سید حیدر کاظمینی ایده الله رسیدم و او از تلامذه خاتم المجتهدین و فخر الاسلام و المسلمین استاد اعظم شیخ مرتضی اعلی الله تعالی مقامه است و از اتقیاء علماء آن بلد شریف و از صلحاء ائمه جماعت صحن و حرم شریف و ملاذ طلاب و غرباء و زوار و پدر و جدش از معروفین علماء و تصانیف جدش سید حیدر در اصول و فقه و غیره موجود .

## (۳۲) (ملا محمد باقر فشارکی اصفهانی ره)

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۱۵)

ریحانة الادب (ج ۱) مولی محمد باقر بن محمد جعفر فشارکی اصفهانی از اجلاء علماء قرن خامس عشر هجری مؤلف عنوان الکلام که چاپ شده و کتاب آداب الشریعة که در آداب و سنن و بفارسی است در چهارده باب مرتب و گویا تلخیص حلیة المتقین علامه مجلسی است و یکمرتبه در ۱۲۹۵ و یکمرتبه هم در ۱۳۳۵ چاپ شده و در ۱۳۱۵ هجری وفات یافت .

## (۳۳) (آقا سید علی شرف الدین تبریزی ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۱۴)

ریحانة الادب (ج ۱) آقا سید علی شرف الدین سید الاطباء ابن حاج سید محمد منجم تاجر تبریزی حسینی مرعشی از اجلاء علماء و فقهاء طراز اول آذربایجان که نسب او از طرف پدر بخاندان سلاطین مرعشیه موصول و از مادر از سادات خاتون آباد که نواده های دختری علامه مجلسی هستند میباشد و از تلامذه صاحب جواهر و صاحب ضوابط و شیخ مرتضی انصاری بوده و از هر سه بزرگوار اجازه اجتهاد داشته

پس از تحصیل مراتب علمیهٔ فقهیه و اصولیه و دیگر علوم دینیه و مقامات انها به تبریز مراجعت کرده و بجهة پاره حرکات ناهموار و زشت و ناشایست و ناباب بعضی از متقدسین بی حقیقت از عملی کردن تحصیلات چندین ساله خود دل سرد و منصرف بوده و **بتحصیل طب کمر بسته** در حدود پانزده سال در اصفهان و غیره بتکمیل مراتب علمی و عملی ان فن شریف پرداخته و مدتی هم در سبزوار در حوزهٔ درس فیلسوف اعظم حاج ملا هادی سبزواری تمامی فنون فلسفه را از طبیعیات و الهیات و غیرها تکمیل و به تبریز مراجعت و با کمال درستکاری مشغول طبابت و مرجع اسایش عموم اهالی بوده تا در ۱۳۱۶ هجری در ۱۱۴ سالگی در همانجا بدرود جهان گفته و جنازه اشرا بنجف نقل و در مقبرهٔ مخصوص باین خانواده از وادی السلام دفن نمودند .

**و تألیفات متنوعهٔ بسیاری** از قلم میمنت شیم خود براورده است که بعضی از انها را ثبت اوراق مینماید ۱ قانون العلاج در معالجهٔ طاعون و وبا که بخواهش شاهزاده حمزه میرزا والی اذربایجان تالیف و در تبریز چاپ شده ۲ حاشیه بر شرح نفیسی ۳ شرح طب الائمه ۴ شرح طب النبی ابو العباس المستغفری ۵ رسالهٔ در زکام ۶ رسالهٔ در جدری و ابله و این هر دو رساله را بخواهش مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد تبریزی تالیف داده ۷ زاد المسافرین در ادعیه و ادویهٔ مسافر که در تهران چاپ شده و ان غیر از زاد المسافرین ملا مهدی نراقی است ۸ حاشیه بر شرح منظومهٔ سبزواری ۹ و ۱۰ دو رساله در جفر و رمل ۱۱ تاریخ تبریز ۱۲ سفرنامهٔ هندوستان ۱۳ سفرنامهٔ اسلامبول ۱۴ شرح الغاز و معمیات شرف الدین علی یزدی ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ حاشیه بر جواهر و حاشیه بر مناجر شیخ مرتضی انصاری و حاشیه بر شرح لمعه و شرح تشریح الافلاک و شرح دعاء سمات و شرح انوار الملکوت علامه حلی ۲۱ رسالهٔ در مناظرهٔ ایشان با سید حسین رفاعی در اسلامبول ۲۲ رسالهٔ در تعلیم خط کوفی و کیفیت نوشتن ان ۲۳ کتابی در طلسمات و مثلثات و مربعات ۲۴ کتابی در تعیین قبله ۲۵ رسالهٔ در کیفیت پر کردن صد انک صد عددی و غیر اینها از رسائل و کتب و حواشی متفرقه که در ادوار تحصیل و طبابت خود تالیف داده و تالیفات نامبرده در اثبات تبحر و تنوع و تفنن و کافی و پسند است

**(۳۴) ( حاج میرزا ابو الفضل طهرانی ره )**

**( المتوفی سنه ۱۳۱۷ )**

**ریحانة الادب** (ج ۱) حاج میرزا ابو الفضل عالمی است فاضل کامل ادیب اریب شاعر ماهر فقیه اصولی حکیم کلامی ریاضی رجالی که از تواریخ و سیر و تراجم احوال علماء نیز با خبر و مستحضر و بسیار نیکو محضر بوده و در عصر مرحوم میرزای شیرازی در سامره اقامت داشته و از خاصترین حوزهٔ درس وی بوده و بعد از وفاتش بطهران امده و در انجا اقامت داشته تا در سال ۱۳۱۷ هجری در همان بلد وفات یافته و جنازه





اشرا بنجف اشرف نقل داده و در وادی السلام دفن کردند و کتاب شفاء الصدور در شرح زیارة العاشور و مطول میزان الفلکیات در هیئت و کتابی در احوال علماء و دیوان شعر عربی از تالیفات او بوده .

**( در توسل بحضرت حجت عجل الله فرجه گوید : )**

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| یا رحمة الله الذی لذنا ببیتك طائفین | عم الانام تطولا تخصیصا و تدللا | | و ابن الذی فی فضله فعنی نفوذ بحمه | نزل الکتاب مرتلا من ربنا رب العلا |
| | مولای یا باب الحوائج انتی لا ارتجی احدا سواك لحاجتی | ایضا | بك لائذ و الی جنابك ارتجی احدا سواك لحاجتی لا ارتجی | |

**(۳۵) ( میرزا محمد هاشم خوانساری ره )**

**( المتوفی سنه ۱۳۱۸ )**

**ماثر و اثار** (ص ۱۴۵) میر محمد هاشم مجتهد چهارسوقی اصفهانی اصلا از خوانسار است و فعلا در اصفهان ریاست عظمی دارد خاندان ایشان بعلم و عمل مشهور است اسلاف عظامش از دوران صفویه تاکنون بفقاهت و اجتهاد اراسته اند لذا با اجازه روایتی این سلسله گروهی از علماء عصر نایل میباشند مجتهد بزرگ ادراك کرده

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۴۱) ناشر اعلام رشد و هدایت و کاسر اصنام ضلالت و غوایت موسس مبانی اصول و محیی مندرس اصول ال الرسول مبین احکام ایمان و منقح دروس ایات قران شارح روضات الجنات بمصابیح انظار و فاتح کنوز اسرار بمفاتیح افکار قطب سماء العلم و مرکز دائرة الحلم ایة الله العظمی و محجته الکبری مروالدنا اقا میرزا محمد هاشم نجل ایة الله العلامه حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اصفهانی اعلی الله مقامهما و رفع فی الخلد اعلامهما .

**و گوید** : ملاقات صاحب ماثر و اثار با مترجم معظم در سال تشرف بزیارت حضرت رضا علیه الاف التحیة و الثناء بوده و مرحوم ناصر الدین شاه امر فرمود که اهالی طهران او را استقبال کنند پس علماء و وزراء و رجال دولت و تجار و سایر طبقات مردم باستقبال او شتافتند و چون داخل دار الخلافه گردید بحضور انورش رسیده از علوم سرشار ری اکتساب و علماء اعلام از ایشان استجازه روایت نمودند .

**ولادت و نشو و نمای این عالم ربانی** : چنانکه خودش در جزوه که در ترجمهٔ خویش نگاشته و در کتاب مبانی الاصول طبع شده در بلدهٔ خوانسار سنه ۱۲۳۵ اتفاق افتاده و چون قریب بلوغ از تکمیل علوم عربیه و منطق و معانی و بیان فارغ گردید از خوانسار باصفهان منتقل شده مشغول تحصیل علم فقه و اصول و معقول و منقول گشت و از علماء بارعین و فقهاء مجتهدین فوائد کثیره و قواعد غفیره اخذ نمود تا بمبلغ رجال و نهایت کمال نائل

ادام علامهٔ مطلق و مجتهد مقلّد مسلّم شد برای آن بزیارت ائمهٔ عراق علیهم السلام مشرف و در ضمن آن بنظر بابحاث علماء اعلام آن اعتاب مقدسه مشتاق گردید و با بحاث بعضی از ایشان حاضر و فوائد کثیره حاصل نمود.

**مؤلفات جمیله و مصنفات جلیلهٔ این علامهٔ فحل** ۱ اصول آل الرسول کتاب بزرگیست که مثل آن تالیف نشده قریب پنج هزار حدیث که فروع جلیله بر آنها متفرع میشود بترتیب مانوس مذکور داشته و هر باب ببیان محتاج است توضیح داده و مدارک بکی از اخبار منصوصهٔ ائمهٔ هدی علیهم السلام که در مقام تاسیس اصول لازم است فحص و تفتیش فرموده ۲ الغرة فی شرح الدرة تصنیف بحر العلوم علامهٔ طباطبائی قدس سره ۳ سؤال و جواب مسائلیکه اهالی بلاد و فضلاء امجاد از وی سؤال کرده و ایشان جواب فرموده اند و آن کتاب طبعی است از اول طهارت تا آخر دیات بعد رجامع الشتات فاضل قمی رحمة الله تعالی علیه ۵ رسالهٔ عملیهٔ بزرگی موسوم باحکام الایمان که اشارهٔ اجمالیه با دله کرده در طهران سنگی سنة ۱۳۱۶ طبع شده که مرحوم ناصر الدین شاه طلب نموده و ایشان تالیف فرموده ۶ مبانی الاصول که سنة ۱۳۱۸ در طهران سنگی طبع شده بعد شش رساله در مقاصد متعدده اسم برده که در طهران با مبانی الاصول چاپ خورده و شش رسالهٔ دیگر در مجموع واحد ایضا مطبوع گردیده ۱۹ رسالهٔ بزرگی در احوال مشایخ خود که اجازه ایست برای بعضی از اعاظم علماء عصر سلمه الله نظیر لؤلؤة البحرین و الروضة البهیة ۲۰ حاشیه بر قوانین و حاشیه بر شرح اللمعة و حاشیهٔ بزرگی بر معالم و حاشیه بر اسفار ملاصدرا الی غیر ذلک من الکتب و الرسائل و اجوبة المسائل.

**مشایخ او در قرائت و اجازهٔ اجتهاد:** اول سید صدر الدین محمد عاملی ره است که نخستین شخصی است که بمترجم معظم در اوائل بلوغ اجازه داده و اجتهاد و استنباط او را تصدیق فرموده دوم سید سند و فاضل معتمد حجة الاسلام میر سید حسن بن علی حسینی اصفهانی الشهیر بالمدرس است که قریب ده سال بمجلس شریف او مواظبت فرموده و از تحقیقات او فوائد کثیره اخذ نموده و او نیز بصاحب عنوان اجازه داده و در عنفوان شباب باجتهاد آنجناب تصریح فرموده سیم آیة الله العلامة والد ماجد ایشان و جد اعلای ما حاج میرزا زین العابدین است که برههٔ از زمان در خدمتش تلمذ کرده و از فوائد و علومش اخذ نموده و باین فرزند ارجمندش شفاها اجازه داده و بر پشت کتب و مؤلفات صاحب عنوان تقریضها نوشته و در آنها تصریح فرموده که این نجل ارجمند باعلی درجات اجتهاد نائل شده چهارم آیة الله فی العالمین الشیخ مرتضی الانصاری قدس سره است پنجم عالم علامه شیخ مهدی بن علی بن جعفر النجفی صاحب کشف الغطاء است.

**و جمعی از طبقهٔ اولی از اکابر مجتهدین** از وی روایت اخبار دارند از جمله سیدنا الاستاذ الاعظم آیة الله العلامة سید ابو تراب خوانساری و آیة الله العلامة سید کاظم طباطبائی یزدی و آیة الله شیخنا الشریعة





الاصفهانی قدس الله اسرارهم و این دو نفر بزرگوار مدت مدیده و سنین عدیده در اصفهان خدمت او تلمذ کرده اند و از وی روایت اخبار دارند و من جمله نجل زکی برادرش صاحب روضات سید مهدی و فرزند برادر دیگرش میرزا محمد ابراهیم نجل میرزا صادق و فقیه محقق میرزا جعفر طباطبائی حائری و علامهٔ متبحر سید مرتضی بن مهدی الکشمیری النجفی الحائری و شیخ محمد تقی و شیخ محمد امین دو نجل علامه حسن بن الشیخ اسد الله الشوشتری صاحب المقابس قدست اسرارهم و عالم جلیل شیخ اسد الله زنجانی اطال الله بقائه و فرزند صاحب عنوان آقا جمال الدین.

**وفات آن عالم بی بدیل:** در نجف اشرف در سفریکه از اصفهان بقصد حج بیت الله الحرام آمده بود در ساعت چهارم روز چهارشنبه هفدهم شهر رمضان المبارک سنة ۱۳۱۸ هجریه اتفاق افتاد و شیخ فقیه علامه حاج شیخ محمد طه نجف بر وی نماز گذارده حسب وصیتش در مقبرهٔ وادی السلام دفن کردند و والد ماجد ما بر قبرش قبهٔ بزرگی بنا نهاد و الیوم قبرش معروف و مشهور است و جمعی از اقرباء و مقلدین او حسب وصیت ایشان در جنب و حوالی قبر آنمرحوم مدفونند.

**و شعراء قصاید فاخرهٔ عربیه و فارسیه** در رثاء وی گفته اند من جمله عالم ادیب شیخ محمد حسن نجفی ره قصیده در رثاء او و تعزیت دو فرزند ارجمندش آقا جمال الدین و آقا ضیاء الدین و استاد اعظم آیة الله العلامة الخوانساری شارح نجاة العباد و والد ماجد ما انشاء کرده که چند بیتی از آن بدین قرار است:

| | |
|---|---|
| هی الرزیة ما الارزاء تحکیها | انت جمیع رزایا ما دوا هیها |
| عمت طباق الثری حزنا و طبقت | السبع السموات قاصیها و دانیها |
| هو الامام الذی تهدی الانام به | مصباحها فی الدجی اذ عم داجیها |
| علامة قد حوی فی فضله حکما | لذی البریة قد رقت معانیها |
| علم و حلم و احسان و مکرمة | عمت بنائلها الدنیا و ما فیها |

**(۳۶) سید محسن بن سید حسین از احفاد بحر العلوم المتوفی ایضا سنة ۱۳۱۸**

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۵۳) سید محسن بن سید حسین بن سید رضا بن سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبائی ره از علماء اعلام بوده و در خدمت شیخ محقق مرتضی الانصاری و عم اجل خود سید علی صاحب برهان قاطع و علامه میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ نموده و چند جزوه در فقه و اصول تصنیف فرموده و در ۲۱ شهر محرم سنة ۱۳۱۸ در سن هفتاد و دو برحمت حق پیوسته و در جوار اسلاف کرامش مدفون گردید و از دختر عمش سید علی مذکور فرزند خلفی دارد و آن سید مهدی است که عالم کامل فاضل صاحب فهم

و قاد و فکر قوی بوده و نزد علامه سید محمد صاحب بلغه و شیخ عبد الهادی بن شیخ جواد همدانی نجفی و محقق خراسانی صاحب الکفایه تلمذ نموده و در علم و فضل و کمال معروف و مشار الیه بود و حاشیه بر معالم و منظومه در اصول و شرحی بر آن دارد در عشر اول شهر محرم سنه ۱۳۲۵ در سن زیاده از سی سال در گذشت و در مقبره آباء و اجداد خود در نجف اشرف مدفون گردید ۔

## (۳۷) سید ابراهیم بن سید حیدر کاظمی ره

## المتوفی ایضاً سنه ۱۳۱۸

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۲۱) سید ابراهیم بن سید حیدر بن سید ابراهیم بن سید محمد حسنی بغدادی کاظمی سنه ۱۲۵۰ هجری متولد و سنه ۱۳۱۸ در کاظمین وفات و در مقبره آل سید حیدر در صحن کاظمین مدفون گشت کتاب هدایة المسترشدین الی معرفة الامام المبین و کتاب هدایة العباد لیوم المعاد و کتابی در اعمال اشهر ثلاثه رجب و شعبان و رمضان از تالیفات اوست و شیخ او لاد ذکوری داشت که مشهور ایشان سید عالم جلیل سید مصطفی ره بود و ترجمه او در سنه وفاتش ۱۳۲۹ مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی

معرفی تالیفات سید ابراهیم کاظمی ره

## (۳۸) حاج میرزا محمد حسن آشتیانی طهرانی ره

## المتوفی سنه ۱۳۱۹

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۱) میرزا محمد حسن آشتیانی سلمه الله در تاریخ جمع این تالیف از رؤسای بزرگ دار الخلافه است تحصیل و تکمیل وی در خدمت استاد الکل شیخ الطائفه حجة الحق شیخ مرتضی شوشتری انصاری رضوان الله علیه شده از وقتیکه این بزرگوار بطهران آمده است تکمیل اصول الفقه را برسیاق جدید و سیاق عظمی پدید شده بعد از مرحوم حاج ملا هادی عمده تلمذ طلاب و مستعدین در دار الخلافه بر این دانشور یگانه است و سالها میگذرد که زحمات حکومات شرعیه کلیة بر عهده وی قرار گرفته (ادام الله ایام افاضاته)

**ریحانة الادب** (ج ۲) حاج میرزا محمد حسن آشتیانی طهرانی عالم محقق فاضل مدقق از اعیان علماء و مجتهدین ایران که با فضل و دیانت و وثاقت معروف و از تلامذه شیخ مرتضی انصاری بوده و اخیراً بطهران مراجعت فرموده و حوزه درس و مرجع استفاده بسیاری از اجلاء عصر خود بوده و حاشیه بزرگی موسوم به بحر الفوائد فی شرح الفرائد بر رسائل استاد خود نگاشته که در سنه ۱۳۱۵ هجری در طهران بطبع رسیده و کتاب الاجاره و کتاب احیاء الموات و کتاب الاجزاء از تالیفات او بوده و در ۱۳۱۹ هجری در طهران وفات یافته و جنازه اش را بنجف نقل داده و در مقبره شیخ جعفر شوشتری مدفون گردید ۔

میرزا محمد حسن آشتیانی ره
تحقیق رجال الطاهر





**الذریعه** (ج ۱) (ص ۱۲۲) کتاب الاجاره و کتاب احیاء الموات را در یک مجلد از تالیف علامه کبیر مرحوم میرزا محمد حسن آشتیانی که از تقریر بحث استاد خود علامه انصاری ترتیب داده در کتب علامه سید محمد بن العلامه سید ابراهیم لواسانی نجفی دیدم ۔

**ایضا** (ج ۳) (ص ۴۴) بحر الفوائد فی شرح الفرائد فرائد الاصول معروف برسائل تصنیف شیخ امام علامه انصاری للشیخ الحجة میرزا محمد حسن آشتیانی طهرانی المتوفی سنه ۱۳۱۹ آن مرحوم از اعاظم تلامید شیخ انصاری و مقرر درس او در عصر وی بود و این شرح را در زمان تشرف خود بنجف اشرف نوشته ولی در طهران اوان القاء دروس با فاضل تلامید اعلام خود که از بلاد بعیده شد رحال میکردند تهذیب و تنقیح نموده و در طهران در یک مجلد کبیر در سنه ۱۳۱۵ بطبع رسیده ۔

**ایضاً الذریعه** (ج ۱) (ص ۵۲۷) ازاحة الشکوک فی حکم اللباس المشکوک تصنیف علامه حجت شیخ میرزا محمد حسن آشتیانی متوفی در طهران و محمول بنجف سنه ۱۳۱۹ در طهران سنه ۱۳۱۳ طبع شده ۔

معرفی تالیفات آشتیانی ره

## (۳۹) حاج میرزا حسین نوری ره

## المتوفی سنه ۱۳۲۰

**مآثر و آثار** (ص ۱۵۵) حاج میرزا حسین طبرسی از عظماء علماء میباشد بجلالت قدر و علو شان از اقران ممتاز است ترویج اصول مذهب جعفری و تشیید بنیان طریقه اثنی عشریه و نشر اخبار و آثار اهل بیت عصمت علیهم السلام را کمر بقدر او موفق شده اند در علم حدیث و تفسیر و معرفت احوال رواة و طبقات رجال اسناد و تراجم علماء اسلام همانا امروز نخستین دانای ایرانیان است پدر جلیل الشانش میرزا محمد تقی مانند ذاتی از فحول مجتهدین و مشاهیر رؤساء عهد خاقان مبرور فتحعلی شاه رحمه الله بود تعرفه نام و اظهار مقام او تحصیل حاصل است مقام تقوی و ورع و عبادت و تقدس این فرزند هنرمندش مسلم مسلمین میباشد و هم از تبحر تام و تتبع عام در مصنفات علماء اسلام باعلی مقام رسیده و صیت فضل و وثاقت و درجه استعداد و لیاقتش برای هرگونه تعظیم و اکرام و توقیر و احترام تا همه جا کشیده است تصنیفات سودمند دارد و کتابی خافل که در استدراک وسائل تصنیف کرده از جلائل آثار این عهد همایون است فی الحقیقه بجمع و استخراج و تتبع و استقصاء ان احادیث و اصول احیاء سنت رسول صلی الله علیه و آله نموده و در درجه توفیق و تایید و رتبه احاطه و تبحر خویش را برهانی قاطع آورده است ۔

**وجناب مولوی سید محمد مرتضی جونپوری هندی گوید** که آنمرحوم در نشر احادیث و

علامه نوری ره
شیخ و اسماء الرجال
و مصنف مستدرک الوسائل
نوری ره

اخبار اهل بیت اطهار علیهم السلام جد و جهد بلیغ داشتند و روز و شب در جمع آنها مشغول بودند و کسی از علماء زمان و فقهاء دوران در این باب بر آن جناب سبقت نگرفته و کتب نفیسه و مجامیع لطیفه در احادیث و اخبار تالیف فرموده اند از آنجمله است کتاب نفس الرحمن فی فضائل سلمان و معالم العبر فی تتمة البحار السابع عشر و رسالة الجنة الماوی فیمن فاز بلقاء الحجة فی زمن الغیبة الکبری و کتاب دار السلام فیما یتعلق بالرؤیا والمنام و صحیفه ثانیه علویه که جمع فرموده در آن بکصد و هشت دعا از ادعیه امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه و ابنائه المعصومین علاوه بر آنکه علامه محدث شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی قدس الله روحه صحیفه علویه نقل فرموده صحیفه رابعه سجادیه و جمع فرموده در آن هفتاد و هفت دعا از ادعیه جناب سید الساجدین صلوات الله و سلامه علیه علاوه بر آنکه از ادعیه آنجناب در صحیفه کامله و در صحیفه ثانیه محدث حر عاملی و در صحیفه ثالثه علامه میرزا عبدالله اصفهانی رحمهما الله مذکور است و کتاب مستطاب مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل در سه مجلد در آن جمع فرموده احادیثی را که از علامه محدث حر عاملی عطر الله مضجعه در وسائل الشیعه فروگذاشت شده و این کتاب اجمع و احسن و افضل تالیفات جناب محدث است که مثلش دیده نشده و کسی از علماء زمان در این باب مثل آنجناب در جمع و تالیف آن زحمت نکشیده و رساله کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار در رد قصیده بعض مخالفین بغداد که استبعاد در طول عمر امام زمان عجل الله فرجه و عدم ظهور آنجناب با وجود مملو شدن دنیا از ظلم و جور کرده و اما کتب فارسیه آن مرحوم پس از جمله آنها کتاب نجم ثاقب در احوال امام غائب است و کتاب کلمه طیبه که مشتمل است بر مضامین کثیره و مذکور است در آن عنایت هر مذهبی در ترویج دین و آنچه نافع است در لزوم احترام علماء و مؤمنین و ذکر صفات موجوده در اهل علم و مدح صدق و شروط و آداب و فضل اغاثه سادات و شرح حال فقراء و مساکین و رساله لؤلؤ و مرجان در شرط پله اول و دوم منبر روضه خوانان است که حسب استدعای حقیر تالیف فرمودند و عنوان را از نام این گمنام ابتداء فرموده بالفاظیکه لایق آن نبودم یاد فرمودند و بتاریخ جمادی الاولی روز چهارشنبه سنه ۱۳۲۰ هجری در نجف اشرف برحمت حق پیوستند.

## وعالم جلیل جناب شیخ محمد سراج الدین التیمی الیمانی گوید:

که آن عالم ربانی با مشایخ کثیره مصاحبت کرده و از ایشان استفاده علوم و معارف نموده است ولی از پنج نفر استجازه نمود و ایشان اجازه دادند اول فقیه نبیه شیخ عبدالحسین طهرانی دوم خاتمة المحققین شیخ مرتضی الانصاری سیم سید فقیه سید مهدی قزوینی چهارم فقیه زاهد حاج ملا علی کنی پنجم سید جلیل میرزا محمد هاشم خوانساری رضوان الله علیهم اجمعین بودند و سه مرتبه بزیارت مشهد مقدس حضرت رضا علیه السلام و چهار مرتبه بزیارت بیت الله الحرام موفق شدند و کراماتی از ایشان چندی که در آخر خاتمه مستدرک هم مذکور است نقل فرموده.

---





**مؤلف گوید:** علاوه بر صحیفه رابعه سجادیه مترجم معظم سید اجل علامه ملاذ الامامیه سید محسن امین عاملی شامی ایده الله تعالی صاحب اعیان الشیعة فی تراجم علماء الامامیه که از سنه ۱۳۵۴ بطبع آن شروع کرده و تا حال چند مجلد ضخیم از طبع در آمده صحیفه خامسه سجادیه نیز تالیف فرموده و همه این صحف خمسه در یک مجلد ضخیم طبع شده و حقیر نسخه از آن نزد مرحوم میرزا علی اصغر صدر المعالی دیدم.

## وایضاً از مؤلفات مرحوم علامه نوری ره

علاوه بر آنکه مذکور شد کتاب الفیض القدسی فی ترجمة المجلسی است که با جلد اول و دوم بحار الانوار در یک مجلد در طهران سنه ۱۳۰۲ طبع شده و تحیة الزائر که در مجلد سیم ذریعه ص ۴۸۸ گوید تحیة الزائر شیخنا العلامة النوری از استدراک تحفة الزائر علامه مجلسی قرار داده از آن زیارات مخصوصه و غیر آنها که بسند آنها اعتماد نکرده و نقل نفرموده شیخ ما با سانید آنها واقف شده و وجه اعتماد بر آنها را اثبات و آنچه را از آداب زیارات و نکات دیگر از آن فوت شده استدراک نموده است و این آخر تصانیف آن مرحوم است که ایام شریفه عمرش قبل از اتمام ختام این کتاب ختم شده و تلمیذش محدث معاصر حاج شیخ عباس قمی خاتمه از اتمیم و در ایران بطبع رسیده و کتاب شاخه طوبی که معاصر قمی ره در کتاب الفصول العلیه فی المناقب المرتضویه حکایت حاج جواد قصیده خوان حلی را از آن نقل فرموده و حقیر در مجلد تتمه محرم الحرام از کتاب وقایع الایام ص ۳۳۴ الی ۳۴۲ مفصلاً ذکر کرده ام.

## (۴۰) آقا شیخ هادی طهرانی نجفی ره

### (المتوفی سنه ۱۳۲۱)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۶۶) عالم ربانی و فاضل محقق صمدانی ابن محمد امین شیخ هادی طهرانی مولداً و نجفی مسکناً و مدفناً عالم نحریر و فاضل خبیر و فقیه نبیه و محقق وجیه صاحب تحقیقات انیقه و تدقیقات رشیقه بود در طهران متولد و در آنجا نشو و نما و نزد علماء اعیان و حکماء ارکان تحصیل علوم عقلیه و معارف الهیه نمود پس بدار السلطنه اصفهان منتقل شده در خدمت دو علم مجتهدین ابتین صاحب روضات و صاحب مبانی الاصول در تفسیر و رجال و فقه و اصول تلمذ نمود بعد بمشاهد عراق مهاجرت کرده برهه در نجف اشرف و مدتی در حائر طاهر بر بحث علامه عصر شیخنا المحقق الانصاری و شیخنا العلامه شیخ عبدالحسین الطهرانی حاضر شد و بعد از وفات شیخ العراقین در نجف اشرف ساکن شده مشغول بحث و تدریس و تالیف و تاسیس و تصنیف و قیام بحق تکلیف خویش گردید.

**تالیفات زاهره و تصنیفات باهره این عالم یگانه:** ۱ ودایع النبوة فی الاحکام الشرعیة مشتمل بر اکثر کتب فقه است ابتدا کرده در آن بکتاب طهارت ۲ رسالة فی مباحث الالفاظ ۳ رسالة

فی البرائة ٤ رسالة فی الاستصحاب ٥ حجیة العلماء فی حجیة القطع والظن والکتاب والخبر الواحد والاجماع در طهران سنگی طبع شده ٦ رسالة فی حکم المسافر فی القصر والاتمام ٧ رسالة فی الصوم ٨ رسالة فی مناسک الحج علی طرز عجیب و اسلوب غریب ٩ کتاب فی البیع الخیارات ١٠ رسالة فی الصلح سمّاها الرضوان ١١ رسالة فی تفسیر آیة النور ١٢ رسالة فی اصول الدین ١٣ رسالة فی النحو ١٤ منظومة فی النحو ١٥ منظومة فی الکلام الی غیر ذلک از رسائل واجوبهٔ مسائل . ✻

**الذریعه** (ج ٢) (ص ٢٥) الاستصحاب تالیف شیخ محمد هادی بن المولی محمد امین طهرانی نزیل نجف متوفی سنة ١٣٢١ بطبع رسیده ومن یک نسخه خطی در مکتبه سید محمد باقر حجت طباطبائی حائری دیدم .

**ایضاح** (ج ٣) (ص ١٩٣) کتاب البیع المبسوط والخیارات تصنیف فقیه شهیر شیخ هادی بن مولی محمد امین طهرانی نجفی متوفی ١٠ شوال سنة ١٣٢١ در طهران سنة ١٣٢٠ طبع شده وآن شرح شرایع واز اجزاء کتاب کبیر اوست در فقه که موسوم بودائع النبوه نموده . ✻

**مؤلف گوید** : عمدهٔ از تلامیذ مترجم معظم آیة الله العلامة حجة الاسلام آقا میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی قدس سره است که در عصر خود از اعاظم مراجع تقلید بود و ترجمهٔ ایشان در سنهٔ وفاتش ١٣٥١ مفصلاً مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی . ✻

## (٤١) آخوند ملا علی نهاوندی ره
## (المتوفی سنة ١٣٢٢)

**احسن الودیعه** (ج ٢) (ص ١٤٣) عالم محقق ربانی وفاضل مدقق صمدانی شیخ ملا علی بن فتح الله نهاوندی که از فقهاء ابرار وفضلاء اخیار محقق مدقق صاحب ذهن وقاد وفهم نقاد بود واورا در اصول فقه مسلک خاصی داشت واَفاضل عصر بفضل او اذعان واعتراف کرده بودند که دریای علمی بود بی پایان پس از آن مرحوم شیخ اسلام وبهاء آن ومصباح افق حکم وضیاء آن راس صاحبان ریاست ورتب امام فن اصول وفقه ورجال ولغت ونحو وادب شهور بلاد وامصار سالک مناهج ائمة اطهار علیهم السلام بود . ✻

**فهو کما قیل :**

| | |
|---|---|
| فقت کل الوری فکنت وحیدا | فلوی خاضعا لک الدهر جیدا |
| لک فی فنک الاصول اساس | هو باق مدی الزمان جدیدا |
| ان من فضلک المبرز شعری | ولئن [illegible] اخذت فیه لبیدا |





**مشایخ این عالم فرید** : عمده تلمذ او خدمت شیخنا الانصاری وتلمیذ رشید وی میرزا ابو القاسم مشتهر بکلانتر صاحب التقریرات فی مباحث الالفاظ که مکرر در ایران طبع شده بود واین شیخ از اعظم علماء مشاهیر وافاضل فقهاء نحاریر ومقرر درس استاد اعظم خود شیخ مرتضی الانصاری ووالد ماجد عالم کامل حاج میرزا ابو الفضل صاحب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشوراست . ✻

**مؤلفات صاحب عنوان** : مرحوم علامه نهاوندی را مؤلفات جلیله ومصنفات جمیله هست من جمله تشریح الاصول که در فن خود بمنزله ربیع فصول است شطری وافی از آن مطالعه کردم واورا مشتمل بر ابکار افکاری دیدم که محققین علماء مثل آنها را اتیان ننموده ومحتوی بر تحقیقات معانی یافتم که سابقین بر آنها سبقت نگرفته واز آن کتاب شریف غایت فضل وتمام مهارت او در اصول واحاطهٔ وی در معقول ووفور تتبع اقوال علماء فحول ظاهر میشود در طهران سنة ١٣٢٠ سنگی طبع شده ونسخهٔ از آن نزد ما موجود است ومن جمله رسالة فی الاعمال الی غیر ذلک از رسائل واجوبهٔ مسائل . ✻

**الذریعه** (ج ٤) (ص ١٨٥) تشریح الاصول الصغیر تصنیف علامه مؤسس شیخنا ملا علی بن ملا فتح الله نهاوندی نجفی متوفی قریب هشتاد ساله در داول ع ٢ سنة ١٣٢٢ در حال اشتداد وباء وبدین جهت ممنوع شد که در صحن شریف مدفون گردد ودر وادی السلام در مقبرهٔ که مخصوص باو بود دفن شد وبعد تعمیر کردند واین تشریح صغیر را اولاً تا آخر مبحث مطلق ومقید تالیف فرموده که نسخهٔ خطی از آن که تاریخ تحریرش سنة ١٢٩٩ بود در خزانه کتب حاج علی محمد نجف آبادی دیدم واخیراً با مشارق الاصول سنة ١٣١٢ طبع شده ومؤلف معظم بعد از تشریح صغیر تشریح الاصول الکبیر را تالیف فرموده ومستقلاً مطبوع گشته ومن خصوص اصول اربعه کافی وفقیه وتهذیبین را حسب اجازهٔ او که دو سال قبل از وفاتش در حال عجز از تدریس استیلاء امراض عدیده که اهون آنها ارتعاش بود بمن داده روایت میکنم . ✻

**مؤلف گوید** : عمدهٔ از تلامیذ مترجم معظم آیة الله العلامة حجة الاسلام حاج میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی اعلی الله مقامه بود وترجمهٔ ایشان در سنهٔ وفاتش ١٣٢٧ مشروحاً مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی

## (٤٢) آقا رضا همدانی ره
## (المتوفی ایضاً سنة ١٣٢٢)

**احسن الودیعه** (ج ١) (ص ١٧٩) شیخ عالم فقیه وفاضل نبیه ومحقق وجیه حجة الاسلام وملجأ الانام مولانا آقا رضا بن عالم فاضل محمد هادی همدانی از افاضل علماء مشاهیر واعاظم فقهاء نحاریر

محقق مدقق زاهد عابد تقی نقی ثقه نقه حسن الاخلاق کریم الاعراق عالی الطبع والهمة صاحب التواضع والمروة بود واورا هیبت ووقاری وعفت واقتداری داشت .

**مؤلفات او :** ۱ مصباح الفقیه آن شرح شرایع است وکتاب طهارت وصلوة وخمس وبعض اداب زکوة آن تصنیف شده ودراین اواخر در نجف اشرف طبع گردید ونهایت مهارت او در فقه وحسن سلیقه اش در تفریع فروع بر اصول از آن کتاب شریف ظاهر میشود .

۲ حاشیه بر رسائل شیخنا الانصاری که موسوم بالفوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة نموده ودر طهران سنه ۱۳۱۸ سنگی طبع شده مشتمل بر ۱۴۱ صفحه وسنه ۱۳۰۸ هجری از تالیفش فارغ گشته .

۳ حاشیه بر بیع رسائل .

۴ رساله کوچکی در فقه وغیر ذلک از کتب مختصره . ✳

**مشایخ وی :** عمده تلمذ آن بزرگوار خدمت ایشین متعاصرین عم والد نامیرزا محمد هاشم خوانساری ومیرزا محمد حسن شیرازی قدس سرهما بوده . ✳

**وفات آن علامه دهر :** در سر من رای سنه ۱۳۲۲ هجری چنانکه در ص ۱۰۵ از خاتمه رسالة الروض الاریض تالیف سید عالم متتبع معاصر سید محسن عاملی سلمه الله صاحب مؤلفات کثیره مطبوعه مذکور است اتفاق افتاده . ✳

**مؤلف گوید :** در پشت کتاب طهارت مترجم معظم که طبع شده مسطور است که ترجمه مؤلف قدس الله سره را جماعتی از اکابر متاخرین مثل علامه فقیه اوحد وعلم شهیر مفرد حجة الاسلام والمسلمین سید حسن صدر در کتاب تکملة الامل وشیخ علامه اوحد شیخ علی آل کاشف الغطاء در حصون منیعه فی طبقات الشیعة وشیخ فاضل نحریر شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة وشیخ عبد العزیز جواهری در تاثار الشیعه ضبط کرده اند . ✳

## (۴۳) ( فاضل شرابیانی ره )

## ( المتوفی ایضاً سنه ۱۳۲۲ )

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۰۷) عالم علم علامه وحبر فاضل فهامه شیخ محمد بن فضلعلی بن عبد الرحمن بن فضلعلی المشتهر بالفاضل الشرابیانی یکی از مراجع امامیه ورؤساء عظام که بریاست تقلید ومرجعیت قیام نمودند در بلاد اسلامیه بعد از حجة الاسلام شیرازی بود وآن مرحوم عالم عامل





وفقیه کامل ومحدث فاضل عارف برجال واصول بارع در معقول ومنقول بود . ✳

**مولد ومنشأ آن عالم فرید :** سنه ۱۲۳۸ هجریه متولد ودر بلد ومحل تولد خود مشغول تحصیل وقرآن مجید را قرائت وتعلم کتابت ونحو وصرف ومنطق ومعانی وبیان را در ده سالگی خواند وبعد از فراغ از آنها بتبریز منتقل شده فقه واصول در خدمت جماعتی از علماء وفحول اخذ نمود پس از آن در سنه ۱۲۷۳ بنجف اشرف مهاجرت فرمود برای فوز مراتب عالیه راقیه ووصول مقامات سامیه . ✳

**مؤلفاتش :** ۱ کتاب کبیره در اصول فقه که بیشتر از قوانین است ۲ کتاب فی الصلوة ۳ کتاب المتاجر ۴ تعلیقه بر مکاسب شیخنا الانصاری ره ۵ تعلیقه بر رسائل آن مرحوم ۶ رساله علمیه وغیر ذلک الشرح

**مشایخ آن مرحوم در قرائت وروایت :** وچون صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان بنجف اشرف منتقل شد ریاست عامه ومرجعیت تامه در آن زمان با شیخنا الانصاری ره بود پس ملازم درس خارج بحث انجناب گردید وبعد از وفاتش حاضر درس عالم محقق سید مشایخنا سید حسین کوه کمری ره گشت وسید مرحوم اورا تعظیم مینمود واجازه مرحمت فرمود که کاشف از علو مقام وسمو قدر ورفعت شان او بوده بعد سید نا الاستاد الاعظم انجناب بزرگتر بن مقربین استاذ اخیر خود آیة الله العلامة الخوانساری شارح نجاة العباد قدس سره بود وپس از وفات استاد اخیرش در بحث وتدریس مستقل گردید وعده تلامیذ ومحصلین بصد وپنجاه نفر بالغ شد وصدیقنا الفاضل العلامة آقا میرزا محمد علی اوردبادی اطال الله بقائه گوید که مترجم معظم پس از انتقال از شرابیان بتبریز خدمت میرزا مهدی آقا قاری مجتهد وآقا غفار مجتهد مرندی وحاج میرزا باقر آقا مجتهد تلمذ نمود . ✳

## ( تحریم مترجم محترم طریق حائل را برای حجاج )

**ایضاً علامه اوردبادی دام فضله میفرماید :** حجاج از طریق عراق که مسمی بحائل میشود بحج بیت الله الحرام میرفتند ومدینه منوره آن ایام در تحت حکومت آل رشید بود وایشان اجرا تطاول وتعدی کرده از حجاج میکشتند واموال ایشانرا غارت میکردند وانواع هتک حرمت واذیت بعمل میآوردند تا اتفاقاً در سنه ۱۳۲۰ کرد علامه کبیر زعیم حاج شیخ فضل الله نوری شهید سنه ۱۳۲۲ مشرف شدند ودر راه رسید بایشان آنچه رسید از انواع ایذاء واذیت وبعد از مراجعت آنچه دیده بودند بحضرت آیة الله الشرابیانی اخبار نمودند پس حکم صادر شد بتحریم طریق مذکور وعلماء عصر نیز بایشان تاسی کرده حکم تحریم را ظاهر وامضا نمودند واز آن روز طریق مذکور مهجور گردید تا آنکه شر آل رشید زایل واز منصه امارت نازل گشتند وحجاج در تحت حکومت عراقیه دو جهانیه بحج رفتند وآل رشید باز شورش کردند ولی آیة الله هیچ وجه اعتنائی نکرده مانند شیر دلیر بطلان حکم خود ایستاد تا

تا شرآن قوم بالمرة قلع وقمع گردید . ✳

## — ✳ ( اشتهار وفات حضرت فاطمه علیها [السلام] بتعیین مترجم معظم ره ) ✳ —

( در نجف اشرف در باب وفات حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها )

تا عهد صاحب عنوان معروف روایت اربعین بود ولی در نظر شریف ایشان قول هفتاد و پنج روز بعد از پدر بزرگوارش که مؤید باخبار صحیحه و اسانید معتبره است قوت گرفته حکم فرمودند به بستن بازارها و خروج دسته‌ها با بازار و کوچه‌ها پس صحن مقدس آن روز از مواکب حسینیه مملو شد و در منزل شریف خود نیز مجلس عزا برپا نموده و مردم از هر طبقه ازدحام کرده عزاداری و سوگواری نمودند و این سنت حسنه هر سال در نجف اشرف معمول و مرسوم گردید و سایر بلاد عراق و ایران نیز در هر نقطه بآن یاقعه عصر و نادره دهر تاسی و تبعیت کرده در ایام البیض شهر جمادی الاولی اقامه عزا نمودند و این توسل فاطمیه و تذکار ابدیه برای ایشان باقی ماند و روایت اربعین مهجور گردید

**مؤلف گوید :** تاریخ وفات مسجع مخصوصه حضرت زهراء سلام الله علیها مختلف فیه نسبت تا شانزده روایت (١) (٢) (٣) (٤) (٥) (٦) در غایت بحار بنظر رسیده خمسة عشر یوما یوم الاربعین شهرین ثلثة عشرة من ٢ع اثنین و سبعین یوما خمسة و (٧) (٨) (٩) (١٠) (١١) (١٢) (١٣) سبعین یوما خمسة و تسعین یوما مائة یوم ثلثة اشهر ستة اشهر ثمانیة اشهر لعشر بقین من ج٢ لثلث خلون (١٤) (١٥) (١٦) من شهر رمضان اربعة اشهر الحادی و العشرین من رجب المشهور من کون وفاتها فی ثلث ج٢ مرحوم علامه مجلسی قدس الله سره در هیچ یکی از این شانزده روایت ادعای شهرت نکرده مگر در سیم جمادی الاخرة بعض بین اخبار ائمه علیهم السلام و اقوال علماء رضوان الله علیهم این روایت مشهور است و باین قول مؤیدات مخصوصه و شواهد مهمه هست یکی ادعای شهرت این خریت صناعت اخبار و نقاد آثار ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین است دیگر آنکه روایت خمسه و تسعین مطابق است با سیم جمادی الاخرة و دیگر روایت خمسه و سبعین را بعضی حمل به تسعین نموده که در خط عرب غالبا اعراب و نقطه نمیشود و یک دلیل قوی آنکه جمعی از فحول علماء و اکابر محدثین فقط این روایت را نقل کرده اند و بروایات دیگر هیچ وجه متعرض نشده اند . ✳

**شیخ اجل مفید علیه الرحمة در مسار الشیعه میفرماید :** جمادی الاخرة الثالث سنة احدی عشرة من الهجرة کانت وفاة سیدة النساء فاطمة الزهراء بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و هو یوم یتجدد فیه احزان اهل الایمان . ✳

**وشیخ الطائفه محمد بن الحسن الطوسی ره در مصباح المتهجد فرموده** جمادی الاخرة یوم الثالث منه کان فیه وفاة فاطمة بنت رسول الله صلی الله علیه و آله سنة احدی عشرة . ✳

**وسید اجل رضی الدین علی بن طاوس الحسنی الحلی ره در اقبال الاعمال فرموده :**






ان وفاة فاطمة الزهراء صلوات الله علیها کانت یوم ثالث جمادی الاخرة فینبغی ان یکون اهل الوفاء محزونین فی ذلک الیوم علی ما جری علیها من المظالم الباطنة و الظاهرة . ✳

**وشیخ بهاء الدین عاملی ره در توضیح المقاصد میفرماید :** جمادی الاخرة الثالث فیه وفاة فاطمة سیدة النساء علیها السلام . ✳

**وشیخ تقی الدین ابرهیم بن علی عاملی کفعمی ره در مصباح میفرماید :** که وفات حضرت زهراء سلام الله علیها در سیم جمادی الاخرة واقع شد . ✳

**وشیخ عماد الدین محمد بن جریر طبری امامی ره** از اجلاء علماء و اساتید بعد در دولت امامیه که از مدارک متقنه و معتمده امامیه است در احوال حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها میفرماید و قبضت فی جمادی الاخرة یوم الثلثاء لثلث خلون منه سنة احدی عشر من الهجرة . ✳

**این است روایات و عبارات شش تن** از اعاظم مجتهدین طبقه اولی و اواخر محدثین قرون اول امامیه رضوان الله علیهم که تنها ثالث جمادی الاخرة را نقل فرموده و اسمی از روایات دیگر نبرده اند و مرحوم علامه طبرسی روز هفته را نیز معین فرموده که سه شنبه بوده . ✳

**پس بر قاطبه مؤمنین و متدینین لازم و متحتم است** که در ایام البیض جمادی الاولی که معروف و سیم جمادی الاخرة که مشهور و معین کرده این علماء کرام و مجتهدین عظام است بساط جلالت این خاتون معظمه متوسل و دامن شفاعت این بانوی مکرمه سلام الله علیها متمسک بشوند . ✳

**تشرف مترجم معظم بزیارت حمزة بن العباس و قاسم بن موسی الکاظم علیهم السلام**

**ایضا علامه اوردبادی میفرماید :** که صاحب عنوان علیه الرحمة و الرضوان [illegible] زیاده فرمود زیارت حمزه که یکی از علماء اهل البیت و از اولاد سیدنا العباس بن امیر المؤمنین علیهم السلام و سید عالم عظیم قاسم بن الامام موسی بن جعفر الکاظم علیهم السلام را که هر دو تربت پاک حله عراق مدفونند و این یکی از عادات او گردیده بود بواسطه آن حقاوت و تجلیلیکه از اهل حله و عشایر طریق نسبت بانجناب بوقوع پیوست که عزت امت و شعار مذهب گشت . ✳

## ✳ ( رفعت مقام و تجلیل این عالم فرید ره ) ✳

**ایضا گوید :** صاحب ترجمه علیه الرحمة نزد امت مطاع بود و نظر مردم مهیب بود دولت عثمانی [illegible] نزد دولت نیز این تعظیم و اقبال او را امتثال مینمود و سلطان عثمانی بوسیله و شاه خوشنودی او را تحصیل و از او امور اجابة او مینمود بهمه روز جمله کلمه بتوسط تلگراف با سلطان مکالمه

نرهاید پس شفاعت و وساطت نمیکرد احدی را مگر آنکه مقبول و مطالبه امری نمیفرمود الا آنکه ماموله منجز میگشت

## نوادر مترجم معظم در اخلاق کریمه :

تفرد حسن خلق و کرم نفس و غناء طبع و قضاء حوائج و انجاز مطالب و ابضال الجود و کثرت عطاء آن بزرگوار خارج از حد بیان و بیرون از عد بنان است فلذا فایق و فایض بود مردم را بعلم و بخشش و اخلاق کریمه خود و با وجود کثرت اموال و حقوق الهیه و وجوهات شرعیه که از اکناف عالم بخدمت ایشان حمل میشد و تمام بعلماء و طلاب و ارباب استحقاق بذل میکردند چیزی برای خود ذخیره ننمود و منزلی از برای سکنای خویش علاقه نفرموده تا برحمت حق پیوست و از برای اولاد خود نیز چیزی کم و بیش میراث نگذاشت جزاه الله عن الاسلام و اهله خیر الجزاء ✳

## ذکر کرامات باهره برای مرحوم آیة الله الشرابیانی قدس سره

ایضاً علامه اوردبادی اطال الله بقائه میفرماید از جمله غرایبی که در این ایام مشهود افتاد این است که در سنه ۱۳۵۷ حکومت عراق اراده کرد که مشهد اقدس حضرت امیر صلوات الله علیه را تعمیر بنماید پس خلل و فرجی که تحت حجرات رواق شریف که در اطراف حرم مطهر برای دفن اموات معد شده مسدود بنماید که مبادا در اثر از بنای دیوار رواق و حرم منهدم و متزلزل گردد پس در این بین قبور و ابدان چندی پیدا شد از آنجمله جسد شریف حجة الاسلام آیة الله الشرابیانی نمودار گشت که در سنه ۱۳۲۲ در ۱۷ شهر رمضان المبارک وفات یافته بود پس دیدند بهمان حالتیکه دفن شده تمام کفن در بدن بدون اینکه چیزی از آن پوسیده و عضوی متلاشی بشود در قبر موجود است و حال آنکه میان دفن و آن تاریخ سی و پنجسال فاصله بود و چون هوای خارج بکفن رسید تغییر یافت بدون اینکه در بدن شریف تغییری پدید آید پس کفن را تجدید کردند و قبر شریفش را بنا نمودند و مقتضای این مدت آن بود که از بدن بجز استخوان پوسیده چیزی باقی نماند ولیکن نزد خداوند متعال از برای اولیاء خود مقام منیع و شان رفیعی هست که عقول مردم از معرفت کنه آن عاجز و قاصر است . ✳

## (۴۴) آقا شیخ حسن مامقانی ره

## (المتوفی سنه ۱۳۲۳)

احسن الودیعه (ج ۱) (ص ۱۶۹) عالم فاضل ربانی و فقیه وجیه صمدانی محمد حسن بن مرحوم ملا عبدالله مامقانی نجفی از کبار مراجع امامیه در اقطار اسلامیه بود مدرس او مجمع علماء و محط رحال فضلاء زاهد عابد و ورع تقی و متواضع سخی محب اهل علم و سادات مواظب عبادات و طاعات بالجمله آیة الله العظمی بلا کلام و نایب مرتضی امام علیه السلام بود و اگر بخواهیم باخلاق فاضله و اوصاف جمیله این عالم فر...





کاملی وقوف و اطلاع پیدا بکنی برساله مخزن المعانی که در پشت کتاب مقباس الهدایه که در نجف اشرف سنه ۱۳۴۵ طبع شده و تالیف نجل فقیه مترجم معظم حاج شیخ عبدالله مامقانی سلمه الله است مراجعه بنما . ✳

**مولد و منشاء آن مرحوم :** در مخزن المعانی از خط جد خود مسمی باسم خویش که در پشت کتاب نوادر الخاتون ثبت است نقل فرموده در مامقان ۲۲ شهر رمضان سنه ۱۲۳۸ هجری متولد شده و چند ماه بوده که بکربلاء مشرفه منتقل گشته و چون والد ماجدش ملا عبدالله وفات یافت سن مترجم محترم هشت سال و چند ماه بود و وصی والد مرحومش تا وفات یافت صاحب فصول قدس سره در کربلا قیمی از برای او نصب فرمود و آن شخص باحسن وجهی تربیت داد و صاحب فصول مواظبت فرموده تا او را بتحصیل و اشتغال علم تحریض نمود و چون آن مرحوم سنه ۱۲۵۵ با عده برحمت حق پیوست صاحب عنوان بنجف اشرف منتقل شده مشغول تحصیل گردید و آن وقت زمان ریاست صاحب جواهر بوده تا وقعه هائله نجیب پاشا در سنه ۱۲۵۸ واقع شد که با عساکر خود با دولت خویش بلده طیبه کربلا هجوم آورده کثیری از اهل آنجا بکشت و مترجم معظم در این وقعه در نجف اشرف بود و چون آتش فتنه خاموش گشت بعضی از اهل مامقان از صاحب جواهر خواهشمند شدند که امر فرمایند صاحب عنوان بمامقان تشریف آورد پس بامر حضرت معظم له از نجف بمامقان آمده قریب یکماه آنجا ماند و چون دید در آنجا تحصیل علم ممکن نیست بتبریز منتقل شده مشغول تحصیل گردید تا از فضلاء مبرزین گشت و بعد از توقف چند سالی در تبریز مقروض شد لاجرم بجهت اداء دین بیلاد روسیه مسافرت فرمود و از آنجا چیزی تحصیل نکرده باز به تبریز مراجعت نمود ولی با وجود این دین نظر شریفش رجوع بعتبات عالیات بوده تا در این بین یکی از تجار بتبریز وارد شد و از سبب عدم انتقال بعتبات برای تکمیل تحصیل استفسار نمود ایشان اظهار نکردند تا آن شخص فهمید که سبب آن بودن قرض و نبودن خرج راه است پس وقت مقدار قرض و خرج راه او را آورده التماس نمود که بعتبات عازم بشود و ایشان تقریبا چهار سال بعد از وفات صاحب جواهر وارد نجف شد و در بحث اصول و فقه بدرس شیخ محقق انصاری و در بحث اصول بدرس سید محقق کوه کمری حاضر شد و چون شیخ برحمت حق پیوست به بحث فقه سید حاضر شده از خواص حضرتش گردید . ✳

**مشایخ آن بزرگوار** و در خلال این احوال بحث جماعتی از ارباب فضائل و افضال حاضر میشد مثل علامه و رع حاج ملا علی نجل حاج میرزا خلیل طهرانی المتوفی سنه ۱۲۹۰ و شیخ مهدی آل کاشف الغطاء و شیخ راضی نجفی قدس سرهم و در اواخر عصر استاد خود سید کوه کمری به بحث و تدریس و تصنیف مستقل شد تا آنکه از کبار مراجع امامیه گردید . ✳

**تالیفات و تصنیفات مترجم معظم :** ۱ بشری الوصول الی اسرار علم الاصول در هشت جز

جمله از آنها از تقریرات بحث شیخ خود انصاری و جمله دیگر از تقریرات بحث استاد خویش کوه کمری و بعضی از آنها از تقریرات بحث آن هر دو بزرگوار تحریر شده ۲ غایة الآمال تعلیقه ایست بر مکاسب شیخ خود انصاری و بیع و خیارات آن در طهران سنة ۱۳۱۷ مشتمل بر ۵۲۱ صفحه سنگی در قطعه رحلی طبع شده و نسخه از آن نزد ما موجود است .

۳ ذرایع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام چهارده مجلد از آن تصنیف شده و بعضی از مجلدات مطبوعش نزد ما حاضر است و غیر ذلک از حواشی و رسائل واجوبه مسائل و تقریرات بعض افاضل و کثیری از رسائل جمله از علماء رضوان الله علیهم را استنساخ کرده که فرزندش در مخزن المعانی مفصلا ذکر فرموده .

**وفات و مدفنش** : در روز بیستم محرم سنة ۱۳۲۳ در نجف اشرف بجنان جاوید خرامید و در مقبره که الان مسکن فرزند مذکورش است در محله عماره که یکی از محلات نجف و مقابل آل کاشف الغطاء و استاد او کوه کمری و سید مهدی قزوینی وغیرهم در آنجاست مدفون گردید و تشییع عظیمی در جنازه اش واقع شد و فرزند مذکورش ماتم عظیمی و مجلس ترحیمی در مسجد جامع مشهور بمسجد هندی سه روز اقامه کرد و سر مجلس دیگر نیز هم بلکه سه روز در ذیل آن ادامه یافت و شعراء و ادباء در رثاء و تاریخ وفاتش قصاید فاخره بعربی و فارسی که جمله از آنها در مخزن المعانی مذکور است منظوم داشتند .

**اولاد ارجمندش** : دو پسر دارد یکی جناب عالم المعی شیخ ابو القاسم سلمه الله تعالی که از اجلاء عصر ماست و دیگری جناب عالم فقیه حاج شیخ عبد الله سلمه الله تعالی .

**الذریعه (ج ۳) (ص ۱۲۰)** بشری الوصول الی اسرار علم الاصول تصنیف شیخ محمد حسن بن عبد الله مامقانی المتوفی سنة ۱۳۲۳ در هشتاد و پنج سالگی کتاب کبیری است در چند مجلد و بعدا از زبان فهرست هشت مجلد گوید بعضی از ثقات مرا خبر داد که این کتاب مرجع استاد صاحب ترجمه سید حسین کوه کمری بود در اواخر تدریس خود و بزرگ اعتمادی داشت چه از تقریر دروس سابقه آن مرحوم بود و من نسخ متفرقه از دو یا سه مجموعه این مجلدات را چنانچه وصف کردم در نجف اشرف در کتب سیدنا المعاصر الشهیر السید محمد حجت نزیل قم ابن سید علی ابن سید علینقی برادر سید حسین کوه کمری مذکور دیدم .

**وجناب عالم جلیل آقا میرزا علی اصغر رضائیه** تخلص به طغیان نوه حاج میرزا علی سید الذاکرین متخلص بوالد صاحب دیوان توان روان که در سنة ۱۳۳۵ در تبریز بطبع رسیده در رثاء مرحوم آیة الله آقا شیخ حسن مامقانی قدس سره گوید :

| | |
|---|---|
| سالک موعود ای البور اغتدی | منها بناء سلوتی مهد دا |
| والدمع فی عینیه کالغیث ودی | ذلک من نعاه قال العالم النبیه |
| انه جاء فی الیوم البرید ناعیا | والشیخ الفقیه المقتدی |





| | | |
|---|---|---|
| یموت فی الدین ثلمة بدت | فلا تری سدا لها و سددا | والله فی کل صباح ومسا |
| سقا ثراه بشأبیب الندی | وبعض اهل العلم من احتجی | تاریخ ذاک الخطب ارخ قد جدی |
| | ورخته من قول جبرئیل وقد | هدمت والله ارکان الهدی ۱۳۲۳ |

**ریحانة الادب (ج ۳)** بعد از وصف مقامات او گوید حوزه درس و مجمع علماء امصار و قبله افاضل هر دیار بوده و نسبت باهل علم و سادات محبتی مفرط داشته و پس از وفات مرحوم آیة الله حاج سید حسین کوه کمری بتدریس و تصنیف اشتغال داشته تا آنکه در احکام دینیه مرجع تقلید اکثر شیعه بوده و رفتار و اطوار او بعد از ریاست تامه از هر جهت مانند ایام پیش از ریاست بوده و اصلا تغییر نکرده و نسبت بمال دنیا بسیار بی رغبت و چیزی از ظلمه قبول نکردی و با ورع و تقوای تمام امرار حیات نموده .

**و در مرثیه و تاریخ وفات او گفته اند :**

| | | | |
|---|---|---|---|
| هدمت ارکان الهدی | ثلت بمسک یا زمن | ودککت اطواد الهدی | وذوی المکارم السنن |
| وفجعت قلب الشرع فی | یوم قضی فیه الحسن | ذاک الذی کان الحمی | للعالمین لدی المحن |
| ذاک الامام العالم ا | لعلم التقی المؤتمن | لله من یوم قضت | فیه الفرائض والسنن |

**(۴۵) شیخ محمد طه نجف النجفی التبریزی**
**(المتوفی ایضا سنة ۱۳۲۳)**

**احسن الودیعه (ج ۱) (ص ۱۷۴)** عالم جامع و فقیه بارع زین المجالس والمجامع شیخ محمد طه تبریزی نجفی حیا و میتا از افاضل علماء مجتهدین و اکابر فقهاء مبرزین بود بعد از وفات میرزای شیرازی ره مرجعیت تامه نزد عرب بوی مفوض گشت و در اواخر عمر مکفوف شد و بالجمله وحید عصر و فرید دهر خود و زاهد عابد عارف برجال و حدیث بود .

**ولادتش سنة ۱۲۴۱ و مؤلفاتش** : ۱ حاشیه بر جواهر که موسوم بالانصاف فی مسائل الخلاف نموده و در طهران سنة ۱۳۲۴ مشتمل بر ۲۲۴ صفحه سنگی طبع شده ۲ حاشیه بر رسائل شیخ انصاری ره ۳ حاشیه بر معالم در طهران سنة ۱۳۱۵ محتوی بر ۲۵۶ صفحه سنگی چاپ خورده ۴ اتقان المقال فی احوال الرجال در نجف سنة ۱۳۴۰ مشتمل بر ۳۹۱ صفحه سربی طبع شده ۵ الفوائد السنیة والدرر النجفیة سنة ۱۳۱۴ سنگی بطبع رسیده ۶ کشف الحجاب فی استصحاب الکر و مطلق الاستصحاب در پشت کتاب الفوائد السنیة طبع شده ۷ رساله عملیه بالعربیه و غیر ذلک از حواشی و رسائل و اجوبه مسائل .

**مشایخ او در قرائت** : عمده تلمذ صاحب ترجمه بر علامه شیخ محسن خنفر بعد از آن بر شیخنا المرتضی الانصاری پس بر محقق سید حسین کوه کمری قدست اسرارهم بوده . ✻

**مشایخش در روایت** : در آخر کتاب اتقان المقال اسناد بمد هد روایت را مکرر بر علامه مولانا شیخ ابو الحسن علی بن الخلیل الرازی ره . ✻

**وفات آن عالم فرید** : در روز سیزدهم شوال سنه ۱۳۲۳ بسرای جاوید خرامید رضوان الله علیه

**الذریعه** (ج ۱) (ص ۸۳) اتقان المقال فی احوال الرجال تالیف شیخنا العلامة الفقیه شیخ محمد طه بن شیخ مهدی بن شیخ محمد رضا بن خاج نجف تبریزی الاصل نجفی المولود سنه ۱۲۴۱ متوفی در ان ۱۳ شوال سنه ۱۳۲۳ آنکتاب را بعد از مقدمه در رموز مصطلحه بر سه قسم مرتب کرده ثقاة وحسان وضعاف سنه ۱۳۲۲ از وی فارغ و سنه ۱۳۴۱ در نجف طبع شده واین کتاب را در اوان ذهاب بصرش در لیالی شهر رمضان نزد وی میخواندند واو تجدید نظر وتصحیح میکرد ومن هم از اشخاصی بودم که حاضر قرائت میشدم نزد او وآن کتاب را اولا باحیاء الاموات من اسماء الرواة موسوم کرده بود ودر نسخه اصل بخط خود این طور نوشته بود ولی شنیدم که آن مرحوم از این اسم عدول کرده او را باتقان موسوم نموده چنانچه در مطبوع هم این طور است . ✻

## (۴۶) (خاج آقا رضا واعظ همدانی ره)

## (المتوفی ایضا سنه ۱۳۲۳)

**الذریعة** (ج ۲) (ص ۳۵۴) انارة الناسق باشراق وجه الصادق علیه السلام تالیف الواعظ الشهیر میرزا محمد رضا بن میرزا علینقی بن محمد رضا همدانی نزیل طهران در مقدمه کتاب خود الانوار القدسیة تصانیف خویش را ذکر کرده از انجمله این کتابی است که بامر حضرت صادق علیه السلام در عالم رؤیا تصنیف نموده . ✻

**وایضا در** (ج ۲) (ص ۴۳۲) گوید الانوار القدسیة فی الحکمة الالهیة والعقاید الدینیة تصنیف واعظ شهیر خاج آقا رضا بن علینقی همدانی در ایران حدود سنه ۱۳۲۴ طبع شده ودر مقدمه مترطبعش ترجمه احوال وتصانیفش ذکر شده وبعد تاریخ وفاتش که نوشته بعد سنه ۱۳۲۰ اتفاق افتاد غلط مطبعی واقع شده لعل صحیحش سنه ۱۳۲۳ است ودر آخرش قصیده فارسیه در مدح حضرت امیر علیه السلام مذکور است . ✻

**مؤلف گوید** : نظیر کتاب انارة الناسق که صاحب ترجمه بامر حضرت صادق علیه السلام در عالم رؤیا تالیف نموده کتاب کمال الدین وتمام النعمة شیخ صدوق علیه الرحمة است که بامر حضرت حجت عجل الله فرجه در عالم رؤیا تالیف فرموده چنانکه در مقدمه کتابش گوید که شیخ نجم الدین ابو سعید محمد بن حسن قمی ادام الله توفیقه از من مسئلت نمود که کتابی در احوال حضرت حجت علیه السلام تصنیف نمایم ومن وعده کردیم که بعد از عودت از بلده قم بوطن خود در رتی ملتمس او را

اساتید شیخ محمد طه نجف ره

تفصیل از اتقان المقال

تالیف انارة الناسق بامر حضرت صادق ع

تالیف تکملة الدین بامر حضرت حجت ع





اجابت بکنم پس شبی در مفارقت اولاد وارحام خود متفکر ومتالم بودم که خوابم برد ودر رؤیا دیدم که گویا در مکه هستم وحول بیت الله الحرام طواف مینمایم در شوط هفتم که بحجر الاسود رسیدم استلام وتقبیل میکردم ومیگفتم اماناتی ادیتها ومیثاقی تعاهدته لتشهد لی بالموافاة دیدم حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه در باب کعبه ایستاده پس با خاطر پریشان وخیال متفکر نزد آنجناب رفتم آن بزرگوار از فرط پریشانی که مرا از رخسارم تفرس فرمود پس سلام کردم وجواب سلام رد نموده فرمود لم لا تصنف کتابا فی الغیبة تکفی ما قد همک چرا کتابی در غیبت تصنیف نمیکنی که بهم واضطراب تو کفایت بنماید عرض کردم یا بن رسول الله در غیبت اشیائی تصنیف کرده ام فرمود لیس علی ذلک السبیل امرتک ان تصنف ولکن صنف الآن کتابا فی الغیبة واذکر فیه غیبات الانبیاء علیهم السلام این طور نمیگویم که تصنیف بکنی ولی الآن کتابی در غیبت تصنیف بنما وغیبت های انبیاء علیهم السلام را در آن ذکر کن پس آن بزرگوار از نظرم غایب شد ومن هراسان از خواب بیدار شده مشغول دعا وبکاء وتضرع گشتم تا طلوع صبح وچون روز شد مشغول تالیف این کتاب شدم وامتثال نمودم بامر ولی الله وحجت خدا مستعینا بالله ومتوکلا علیه ومستغفرا من التقصیر . ✻

## (۴۷) (سید ابو القاسم قمی لاهوری ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۲۴)

**الکنی والالقاب** (ج ۱) (ص ۱۳۵) ابو القاسم بن حسین رضوی قمی لاهوری عالم جلیل مفسر متبحر بود مصنفات عدیده دارد من جمله کتاب برهان شق القمر ورد النیر الاکبر که از برای نواب ناصر علی خان سنه ۱۲۹۶ نوشته واز انجمله لوامع التنزیل در تفسیر فارسی وکتاب کبیر طاسات الی غیر ذلک . ✻

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۹۶) برهان شق القمر ورد النیر الاکبر تالیف مولوی سید ابو القاسم قمی لاهوری صاحب لوامع التنزیل متوفی در ۱۷ محرم سنه ۱۳۲۴ ولوامع سنه ۱۳۰۳ طبع شده وبرهان عربی برخلاف تصانیف فارسیه واو در دو بیاض است ومرتب است بر مقدمه ودو مقصد وخاتمه ودر آن کتاب اثبات کرده اعجاز شق القمر ورد شمس دو مرتبه برای امیر المؤمنین علیه السلام وتکلم شمس را با آنجناب بآن نحو یکه در احادیث شریفه وارد شده . ✻

**مؤلف گوید** : تفسیر لوامع التنزیل وسواطع التاویل تفسیر مفصل مبسوطی است مشتمل بر سی مجلد ومحتوی بر تحقیقات شریفه ومطالب مهمه واقوال علماء اخبار واخبار ائمه اطهار علیهم الصلوة والسلام ودر تضاعیف مطالب وبیانات بتالیفات خود اشاره فرموده منها کتاب ناصر العترة الطاهرة وکتاب معارف الملة الناجیة والناریة در صفحه ۲۴ وکتاب الصراط المستقیم ص ۶۰ ورساله نفی الاجبار عن الفاعل المختار ص ۶۰ در مجلد اول ذکر کرده

### (نقل دو کلمه از مجلد اول لوامع التنزیل) . ✻

**در قسم بودن باران** (ص ۱۲۵) گوید در در ترمنثور مرویست که باران نیکه از آسمان است از آن

تالیفات سید ابو القاسم قمی لاهوری ره

تفصیل از تفسیر لوامع التنزیل

نگاه میرسید و آنچه از دریای شور ابر برمیدارد حرکت آن و ابر و رعد و برق شرح میدهد و از آن سبزه نمو رسید .

دو قسم بودن باران

**مروارید شدن آب از باران آسمان** : گوید در کتاب المطر ابو الدنیا از ابن عباس روایت کرده که خدا آفریده مروارید را در اصداف از باران آسمان دانهٔ بزرگ از قطرهٔ بزرگ و دانهٔ کوچک از قطرهٔ کوچک .

## (۴۸) سید ابو القاسم اشکوری نجفی ره
## (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۲۴)

مؤلفات اشکوری ره

**ریحانة الادب** (ج ۱) (ص ۷۹) سید ابو القاسم ابن سید معصوم حسنی گیلانی اشکوری الاصل نجفی المسکن و المدفن از اکابر فقهاء و مجتهدین امامیه و از شاگردان حاج میرزا حبیب الله رشتی بوده و تألیفات او : ۱ بغیة الطالب فی شرح المکاسب که شرح کتاب شیخ مرتضی انصاری و از اول کتاب بیع تا مسئلهٔ تعارض مقومین است در طهران چاپ سنگی شده ۲ جواهر العقول فی شرح فرائد الاصول که شرح رسائل شیخ مرتضی انصاری است و در سال ۱۳۲۴ هجری یا ۱۳۲۵ در نجف وفات یافت اشکور بکسر الف و فتح کاف و او نام یکی از دهات گیلان است .

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۱۳۳) گوید مترجم محترم و دو برادرش سید مرتضی و سید جعفر که قبل از وی وفات کردند از تلامیذ علامهٔ استاد کبیر شیخ میرزا حبیب الله رشتی بودند .

## (۴۹) حاج سید علی آقا ایروانی ره
## (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۲۴)

**حسب استدعای حقیر** نجل زکی صاحب عنوان علیه الرحمة و الرضوان عالم متبحر علامه آقا میرزا محمد دامت افاضاته این جمله را در ترجمهٔ والد ماجد خود مرقوم فرموده اند .

سلسلهٔ نسب مترجم حاج سید علی آقا ایروانی ره

**سلسلهٔ نسب شریف ایشان** : حضرة العلامة الورع و العالم التقی الزاهد الحاج سید علی آقا ابن العلامة التقی سید عبد الله ابن العلامة التقی سید محمد ایروانی قدس الله اسرارهم و رفع فی الخلد اعلامهم سلسلهٔ نسبش بچند واسطه بحضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منتهی است و جد اعلایش در خسرو شاه متوطن بوده و از آنجا بایروان منتقل شده و تمام سلسله اش از مشاهیر علماء و مبرزین عصر خود بوده و بزهد و کرامت معروف و مقبرهٔ اجدادش از کثرت ظهور و بروز کرامات مزار و مطاف اهالی آن قطر و برای قضاء حوائج خویش نذورات بآنجا میبرند .

**تولد و تحصیل مترجم معظم** : بتاریخ ۲۶ شوال سنة ۱۲۵۸ در ایروان متولد تا سنة ۱۲۸۰ نزد والد ماجد خود تلمذ کرده و در جوانی از جهت قوهٔ حافظه و فطانت نابغهٔ محصلین بوده و در اوقات تعطیل تواریخ و کتب سیر مطالعه مینموده و در سال مذکور از حضور والد محترمش مرخص عزم عتبهٔ مقدسه علویه صلوات الله





علیه نموده قریب هشت سال درک فیض حضور و مباحثات علیه حضرت غوث الفقهاء و المجتهدین آیة الله العلامة شیخ مرتضی الانصاری قدس الله تربته و چندی هم در حضور حضرت آیة الله حاج سید حسین آقای کوه کمری رضوان الله علیه استفاده و در این مدت بواسطهٔ جودت ذهن و قوت حافظه که از اعظم نعم الهی است بمدارج عالیهٔ علم نائل و از آیة الله السید و سایر اعلام عصر خود مجاز شده سنة ۱۲۹۰ بایروان مراجعت فرمود .

وصف منبر و خطابهٔ صاحب ترجمه

**وصف منبر و خطابهٔ صاحب ترجمه ره** : و در مسجد معروف بتخته بند با بیانات وافیه و مواعظ شافیه بتبلیغ احکام دینیه و ترویج شعائر اسلامیه اشتغال و مراقبت تامه و رزید و از لطف خداوند آن بزرگوار صاحب قریحهٔ صافیه و نقیبهٔ زاکیه و در لسان وعظ و فن خطابه وحید عصر خود بود و بر خصوصیات و مزایای تواریخ و اخبار اطلاع کامل داشته و در تمام کتبی که بنظر شریفش رسیده فوائد نفیسه ثبت فرموده است .

مهاجرت حاج سید علی آقا ایروانی بتبریز

**مهاجرت مترجم معظم بتبریز** : ماه جمادی الاخرة سنة ۱۲۹۴ تمام قوم و خویش و قبر اجداد خود را وداع و از ایروان که مسقط الرأس خود و پدرانش بود مهاجرت و در ۲۵ شهر مذکور وارد تبریز گردید رشتهٔ تبلیغ و اصلاح عامه را از سر گرفت تا در ۱۱ رجب ۱۲۲۵ خواهر حضرت حجة الاسلام الشیخ الورع الزاهد آقا رضا التبریزی که از مفاخر آذربایجان و مرجع تقلید مسلمین و در فقه متضلع و در نجف اشرف پس از چهل سال افاده و استفاده در مقبرهٔ شیخ انصاری ره مدفون شده بحبالهٔ نکاح در آورد و در عرض چند سال مرجعیت عامه و مقبولیت تامه پیدا کرده منزل شریفش مطاف علماء و امراء و اشراف گردید و در خلال این احوال کرارا بزیارت ائمهٔ اطهار علیهم الصلوة و السلام مشرف و در نجف اشرف در دار الشرف آیة الله العظمی فاضل ایروانی که خال مفضال و بود وارد میشد و در تمام دورهٔ زندگانی خود از فاطبهٔ حجج الاسلام باجازات عالیه مفتخر شده است که همهٔ آنها موجود است .

ملاقات حاجی علی بغدادی

**ملاقات صاحب ترجمه با حاجی علی بغدادی** و در یکی از سفرهای عراق بدلالت آیة الله حاج میرزا حسین نوری حاجی علی بغدادی را که بحضور مقدس حضرت ولی عصر حجة بن الحسن عجل الله فرجه مشرف شده ملاقات کرده و قصهٔ ملاقات حضرت را با تمام خصوصیاتش مشافهة شنیده پس از مراجعت بزبان عربی و فارسی در ذیل حدیث شریف کساء طبع و نشر فرموده .

کتابخانه و مؤلفات

**کتابخانهٔ جامع صاحب عنوان ره** و از آثار نفیسه اش کتابخانهٔ جامعی است که از خود بیادگار گذاشته و در آذربایجان کم نظیر دارد .

**مؤلفات شریفه اش** : از مؤلفات ایشان آنچه موجود است رسالهٔ احتیاطات و در علم جفر مجموعه بخط خود دارد و کتاب تنبیهات در سواقط اخبار و بعضی دیگر چون از مسوده بیرون نیامده اسم خاصی ندارد .

**وفات آن عالم فرید** : سنه ۱۳۲۴ بعزم زیارت عتبات عالیات بنجف مشرف ودر آنجا داعی حق را اجابت وحسب الوصیه در وادی السلام مدفون شد پس از آنکه تمام وجوه اهل نجف تشییع جنازه نموده و آقا رضای تبریزی نماز خواند ودر لیله وفات صلحاء در حق وخوابهائی که بر عظم شان وقرب او بحضرت حق شاهد بوده دیده بودند وقبل از وفات بیک شب مکاشفه هم بعالم باطن برا و شده بود .

وفات آن عالم یگانه

**مؤلف گوید** : حسن بیان وطلاقت لسان مترجم معظم ضرب المثل ومعروف ومسلم است سالها در تبریز بخدمتش مشرف شدم عالمی را باآن وقار وتمکین وابهت ندیده بودم وبارها در پای منبر او نشستم نظیر تقریر او را از واعظی نشنیدم در مسجد درب خیابان در ماه مبارک رمضان بمنبر تشریف میبردند ازدحام عام از طبقات انام واقع میشد ومرحوم مظفر الدین شاه قاجار ارادت کامل در حق وی داشتند ودر زمان ولیعهدی غالبا در ایام صیام با اعاظم امراء واکابر اعیان بمجلس وعظ او حاضر میشدند ودر ایام سلطنت خود در سفر فرنگستان در ایروان که صاحب عنوان هم در آنجا تشریف داشتند و حسب الامر ملوکانه برای ملاقات علماء بلد را در مسجد کبود ایروان که مؤلف کتاب نیز در مسافرت مشهد مقدس بدیدن ایشان مقرر فرموده بودند وبعد از تشریف فرمائی با صاحب ترجمه ملاقات نموده وزیاده از وصف تکریم وتبجیل بجا آورده هزار تومان که زیاده از ده هزار تومان این زمان میباشد تقدیم فرموده بودند . ✻

تشرف مرحوم مظفر الدین شاه بحضور صاحب ترجمه

**وورقه مطبوعه** در باب حکایت حاج علی بغدادی نزد حقیر موجود است . ✻

**وکتابخانه عامره مذکوره** : از آثار جمیله ومآثر جلیله آن نادرة الدهر وباقعة العصر یادگار وحاوی کتب نفیسه خطیه وطبعیه ومحتوی بر اصول معروفه امامیه ومحل استفاده واستفاضه اهل علم ومنبر و درآذربایجان نزیر النظیر است وحقیر قریب چهل سال است که از درر لامعه ولآلی ساطعه آن نسخ شریفه وصحف منیفه التقاط وانتخاب نموده ودر مجلدات ثمانیه منتخب المقاصد ومجلدات اربعه وقایع الایام قسمت کثیره وشطر وفیره نقل کرده ام جزاه الله عن الاسلام واهله خیر الجزاء . ✻

تفصیل کتابخانه مرحوم آقا

**وبحمد الله تعالی** بمقتضای آنچه گفته اند : زنده است کسی که در دیارش ✻ باشد خلفی بیادگارش

فرزند ارجمند آن عالم سعادتمند حضرة العالم العامل والفاضل الکامل الفقیه العلامة آقا میرحجت اطال الله بقائه در جمیع کمالات وآثار وارث آن مجد وفخار ومصداق این بیت است : ✻

✻ ان السری اذا سری فبنفسه ✻ وابن السری اذا سری اسراهما ✻

احوال فرزند صاحب عنوان ره

بعد از وفات والد ماجدش برای تتمیم تحصیل بعتبات عالیات مهاجرت وپس از توقف سنین کثیره و تکمیل فقه واصول وعلوم عربیه در محضر اساطین عظام واساتید فخام بتبریز مراجعت وفعلا در مسجد





مدرسه حاج صفر علی با جمع کثیری از موثقین اقامه جماعت ومشغول وعظ وهدایت میباشند واهالی بلد در حق معظم له عقیده راسخه وارادت کامله دارند . ✻

## (۵۰) ( حاج شیخ جواد طارمی زنجانی ره )

## ( المتوفی سنه ۱۳۲۵ )

مشایخ طارمی ره

**علامه اوردبادی از انیس الطلاب** تالیف ملا محمد حسن بن ملا قنبر زنجانی ره نقل کرده که حاج شیخ جواد بن ملا محرم طارمی ابهری زنجانی ره در ۲۳ ذی القعده یوم الجمعه سنه ۱۲۶۳ متولد وقبلی در زنجان تحصیل بعد سنه ۱۲۷۷ بقزوین مهاجرت ودر خدمت علامه سید علی اخذ علوم وپس از آن مسافرت بعراق ودر نجف اشرف نزد آیتی الله کوه کمری وایروانی وآقا محمد شیرازی تلمذ نموده ومجازا از ایشان بزنجان مراجعت نمود وعمر خود را صرف تدریس وافاده وتالیف ونسخ ومقابله وارشاد وهدایت بنمود طلاب بحوزه شان

مؤلفات حاج شیخ جواد طارمی زنجانی ره

**تالیفات او** : ۱ حاشیه بر قوانین طبع شده ۲ حاشیه رسائل ۳ الاصول الجعفریه فی العقائد ۴ ربیع المتهجدین ۵ مشکل الرجال فی منتهی المقال ۶ افضل المجالس فی المواعظ والمصائب ۷ شرح الاحتشام علی نهج بلاغة الامام شاید باتمام نرسیده . ✻

**وفاتش** : در اواخر عمر دو سال بمرض سل وضیق نفس مبتلا شد ولی او را از تدریس وتالیف باز نداشت تا در ۲ شوال سنه ۱۳۲۵ برحمت ایزدی فائز شده درجوار سید ابراهیم مدفون گردید . ✻

**قوله ره** شرح الاحتشام چون باشد عاء شهزاده احتشام السلطنه قاجار والی زنجان تالیف فرموده لذا بدین اسم موسوم نموده است . ✻

**الذریعه** (ج ۲) (ص ۱۷۹) الاصول الجعفریه فارسی فی اصول الدین تصنیف شیخ جواد بن ملا محرم طارمی متوفی در زنجان سنه ۱۳۲۵ در ایران طبع شده . ✻

**ایضا** (ج ۲) (ص ۲۵۹) افضل المجالس مقتل فارسی است تالیف شیخ جواد طارمی در ایران طبع شده

## (۵۱) ( حاج میرزا ابراهیم خوئی شهید )

## ( سنه ۱۳۲۵ )

**ایضا اوردبادی** سلمه الله تعالی گوید : العلامة الاکبر حاج میرزا ابراهیم خوئی شهید الانقلاب نحو سنه ۱۳۲۵ از تلامید شیخ الطائفه حجة الحق شیخ انصاری وآیة الله العظمی حاج سید حسین کوه کمری

اساتید شهید خوئی ره

**از تالیفات او** : ۱ حاشیه بر رسائل شیخ قدس سره نسخه از آن در مکتبه رضویه در خراسان

موجودات ۲ شرح نهج البلاغه ۳ کتاب الاربعین حدیثا و شرح متقن و مبسوطی بر آن نوشته ۴ کتاب الرجال ۵ کتاب فی الدعوات و همه این کتب غیر از اول بطبع نرسیده .

**شهداء الفضیله** (ص ۳۳۲) مرحوم حاج میرزا ابراهیم خوئی متولد سنه ۱۲۴۷ از طراز اول راسخین در علم و متضلعین مشارکین در فنون فقه و اصول و کلام و حدیث و حکمت و عرفان و رجال بود و اما اخلاق پس او قدوهٔ ارباب اخلاق بوده و مردم باید بوی اقتداء و تبعیت بنمایند و در ذکر کتبش علاوه بر مذکور گوید و رسالة فی الاصول که دو کتاب اجمال ذکر فرموده و شرح نهج البلاغه مسمی بالدرة النجفیة است .

**ایضاً گوید :** و ایده الله سید میرزا علی آقا شیرازی نقل فرمود که علامه مترجم در یکی از سفرهای خود باعتاب مقدسه عراق در جلسه با والد معظم امام مجدد شیرازی مناظرهٔ در فرع فقهی واقع شد سید معظم هم بر خلاف قول علامه خوئی فتوی داد پس شیخ بکاظمیه حرکت کرد و سید دوباره بمسئله مراجعه فرموده دید که حق با علامه خوئی بوده فوراً آدم فرستاد بکاظمیه و خبر داد که حق با شیخ و سید از رأی اول خود عدول فرموده .

**و از شیخ مهدی نجفی** ابن شیخ علی آل کاشف الغطاء و شیخ محمد حسین کاظمی صاحب کتاب هدایة الانام فی شرح شرایع الاسلام روایت میکند .

## معالی صفات و مجاری حالات مترجم معظم

**و ایضاً گوید :** صاحب ترجمه را در جود و کرم و علو طبع و مناعت نفس و انفاق فی سبیل الله مقامات و مواقفی بود که تاریخ ناطق و تذکرها گویا است چنانچه فواید علمش مدی الدهر باقی و سرمدی است و او را ثروت مهمی بود و در محلیکه خدا راضی و دوست میداشت صرف میکرد کسی بر چشمهٔ احسانش وارد نمیشد مگر آنکه سیراب بر میگشت و احدی با مید خضر تش را قصد نمینمود الا آنکه روضهٔ آرزویش با ابر جودش سبز و خرم میگشت و از عایدات خود با کثرت آن صرف نمیکرد بر نفس خود مگر نصف عشر آنرا و همین طور بذل و عطا میکرد و اقامهٔ عمود دین و تعظیم شعائر الله مینمود .

## تاریخ شهادت آن حبر اعظم

**تا اینکه در صبیحهٔ ششم شعبان سنه ۱۳۲۵** در سن هفتاد و هشت سالگی در صحن خانه خود بضرب گلوله دزد راه دین بار شد و عقل و مجد شرف طاهر از دنس بدرجهٔ شهادت فایز گشت و فقدا و طامهٔ کبری گشت که چشمها خون گریست و دلها از عظم خطب فادح و کرب شدید منفطر گردید سوگند باخدای که آن مصیبتی بود که خسارتی بر اسلام وارد آورد که هیچ جبر جبران آن نمیشود و بر اسلام بن ثلمه رسید که سد و التیام نمیپذیرد .

**و علامهٔ بارع آقا میرزا محمد علی اوردبادی در رثاء او گوید :**

| | | |
|---|---|---|
| لله رزء هد ارکان الهدی | فانصاع بر قل مقعداً و مقیماً | فذوت حدائق علمه و تناثرت |





| | | |
|---|---|---|
| منه جواهر نظمت تنظیماً | والعدل الکل والشریعة اعولت | والمجد قد اشجی الهدی المهضوما |
| والفقه یعنی منه کافل امره | و بذیل شجوا دمعه المسجوما | و فروعه جنیت و نالت اصوله |
| لجنت بابدی الظالمین جدودها | یا راحلا و الصبر ما نقف به | خافت کربا فی القلوب جسیما |
| اودی الحمام بمفرد عن مثله | فی فضله کان الزمان عقیما | |

و جنازهٔ مبارکه اش بعد از مدتی از شهادت او بنجف اشرف نقل و در محلیکه خودش معین فرموده بود از برای خود در مقربه از بقعهٔ علامه حاج ملا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی مدفون گشت .

**مؤلف گوید :** اینکه از بعض مجامیع نقل شده که تاریخ شهادت مترجم سعاد تمند سنه ۱۳۲۴ بوده اشتباه محض است حقیر سنه ۱۳۲۵ مشغول تالیف مجلد اول وقایع الایام بودم که خبر شهادتش رسید و عینا در ص ۱۸۳ ضبط کردم چنانکه صاحب شهداء الفضیله نیز ثبت فرموده و شرح نهج البلاغه موسوم بالدرة النجفیة از تالیفات مترجم محترم با مر مؤلف ثانیا بطبع رسیده و در آن سال صورت اتمام پذیرفت و کتاب ملخص المقال را در سی سالگی تالیف فرموده چنانچه در خاتمهٔ کتاب گوید تتمیم در مجمل احوال مؤلف هذا الکتاب و ان عبد ذلیل محتاج رب جلیل ابراهیم بن حسین بن علی بن غفار دنبلی خوئی الاصل نجفی المسکن اعلم اطال الله بقائک که سنه تالیف این کتاب مسمی بملخص المقال فی تحقیق احوال الرجال سال هزار و دویست و هفتاد و هفت است و اینکه من این کتاب را تصنیف کردم اگرچه من اقل علماً و عملاً و اکثر خطاء و زللا هستم ولی خواستم که خود را در جمله جبلهٔ ایشان منظوم بدارم تا اسم من در ذکر اسامی شریفه جلیله داخل بشود فاقول در فتنهٔ علم بسوی التماس خودم و علوم عربیه را در بلد خوی خواندم و خود را در سلک مشتغلین و محصلین قرار دادم و حال آنکه من از اهل این مراتب نبودم الا آنکه وارد شده من تشبه بقوم فهو منهم هر کسی خود را بقومی تشبیه بکند پس از ایشان است تا خداوند منان از برکت دعوات شافیه و شفعاء کافیه بمجاورت روضات سامیه و عتبات عالیه موفق بداشت و نزد عالم نحریر شیخ مرتضی الانصاری که چشم روزگار مثل و نظیر او را ندیده در فقه و اصول تلمذ نمودم و از روز هیجده سالگی تا بیست سالگی بودم و الان نزدیک سی سال هستم پس از برکات ایشان علیهم السلام بتصنیف علوم شروع کردم .

**مؤلف گوید :** صاحب ترجمه دارای ثروت مهمه و حشمت کامله بود حقیر که او را در تبریز دیده و از محضر مبارکش استفاضه حاصل کردم و کثیر الزیاره بود از خوی میآمد و از تبریز عازم عتبات عالیات میشد و در ایران و عراق نزد علماء و امراء بسی محترم و معظم بود و اولادی نداشت و همه کتب خود را وقف کرده حقیر در مسافرت خوی در ضابطه سنه ۱۳۵۲ بکتابخانه اش وارد شدم در جای مخصوصی بود و همه کتب و را تفحص کردم اغلب از کتب فقه بود عاش سعیداً و مضی شهیداً رحمة الله و رضوانه علیه .

## (۵۲) (حاج میرزا محمد حسین نجل حاج میرزا خلیل طهرانی) رحمهما الله

## (المتوفی سنة ۱۳۲۶)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۹۶) علامهٔ بارع حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسین نجل مرحوم میرزا خلیل طهرانی نجفی ره از اکابر علماء عصر خود و افاضل فقهاء دهر بود ریاست امامیه و مرجعیت عامهٔ تامه در عصر وی باو منتهی و منحصر شد و این امر بعد از سنین عدیده و مدت مدیده پس از وفات شیخ مرتضی الانصاری ره بود و شعراء عهدش او را مدح و در قصاید خود با مامت او اقرار و اعتراف کرده اند . در شوال سنة ۱۳۲۶ برحمت حق پیوست و بالغ بنود سال بود و او را آثار نافعه از مدارس و غیرها هست و عمدهٔ اشتغال و تحصیل او نزد برادرش علامه حاج ملا علی ره بوده و از وی روایت میکند و اجازهٔ او را بخط خود برای صاحب عنوان دیدم و صورت آنرا در رسالة المتقین نقل کرده ام و تاریخش ۱۰ ذی الحجه سنة ۱۳۱۳ است .

## (۵۳) (نظام العلماء آقا سید میرزا رفیع الدین طباطبائی تبریزی ره)

## (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۲۶)

**ریحانة الأدب** (ج ۱) نظام العلماء، سید میرزا رفیع الدین بن میرزا علی اصغر طباطبائی تبریزی از اکابر شهر تبریز دارای مؤلفات بسیاری میباشد (۱) آداب الملوک در شرح عهدنامهٔ امیر المؤمنین علیه السلام که بمالک اشتر نوشته (۲) انیس الادباء و سمیر السعداء (۳) مقالات نظامیه (۴) دستور حکمت (۵) و مجالس نظامیه و در سال ۱۳۲۶ هجرت در تبریز درگذشت .

**دانشمندان آذربایجان** (ص ۳۷) نظام العلماء حاجی میرزا محمد رفیع طباطبائی خلف میرزا علی اصغر مستوفی از جملهٔ ادباء تبریز بوده در تاریخ ۱۳۲۷ پس از مراجعت از سفر مکهٔ معظمه در تبریز مرحوم شده چندین کتاب تألیف کرده است انیس الادباء و سمیر السعداء آداب الملوک تحفة الامثال مقالات نظام مجمع الفضایل مصابیح الانوار و دیوان رضویه از جملهٔ آنهاست که در ۱۳۰۱ در مشهد حضرت رضا علیه السلام مقتن ساخته .

**مؤلف گوید** : قوله در تاریخ ۱۳۲۷ پس از مراجعت از سفر مکهٔ معظمه در تبریز مرحوم شده در این دو کلمه اشتباه عظیمی واقع شده یکی آنکه گوید پس از مراجعت از سفر مکه سفر مکهٔ مترجم مرحوم پانزده سال قبل از تاریخ مذکور است و مجالس کثیره بعد از مراجعت از حج در منزل شریف ایشان صحبت و ملاقات اتفاق افتاده و در منزل ما تشریف آورده استفاضه حاصل کرده ایم و در منزل خود مجلد اول وقایع الایام را ارائه نمود که خود



اجازهٔ حاج ملا علی برادر حاج میرزا محمد حسین
مؤلفات نظام العلماء تبریزی ره
تاریخ وفات نظام العلماء تبریزی ره



مرقوم فرموده بود و اینکه گوید در تاریخ ۱۳۲۷ در تبریز مرحوم شد ما خاطر وقعه بودیم سنة ۱۳۲۶ در انقلاب تبریز از شهر به باسمنج دو فرسخی شهر منتقل و در آنجا مریض شده بجنان جاوید خرامید و صاحب ریحانة الادب و صاحب ذریعه نیز همین طور ضبط کرده اند .

**الذریعه** (ج ۲) (ص ۴۵۱) انیس الادباء و سمیر الشعراء کشکول فارسی مشتمل بر فواید متفرقه در ایران سنة ۱۳۱۵ طبع شده تألیف نظام العلماء تبریزی طباطبائی سید میرزا رفیع بن میرزا علی اصغر و نسب خود را مفصلاً در آخر مجالس نظامیه نوشته .

**ایضاً** (ج ۳) (ص ۴۲۱) تحفة الامثال تألیف سید میرزا رفیع الدین طباطبائی نظام العلماء تبریزی المتوفی سنة ۱۳۲۶ سنة ۱۳۱۱ طبع شده و آن ملمع مرتب بر سه قسم است ۱ الآیات ۲ الکلمات المنوره ۳ الامثال المنظومه

## (۵۴) (سید محمد آل بحر العلوم طباطبائی ره)

## (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۲۶)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۹۹) سید محمد ابن سید محمد تقی بن الرضا بن العلامة سید محمد مهدی بحر العلوم طباطبائی نجفی ره از اکابر علماء و مجتهدین و اعاظم فضلاء و محققین ماهر در علوم عربیه کامل در فروع فقهیه جامع قواعد اصولیه بارع در مسائل عقلیه مشهور در بلاد و امصار مانند اشتهار شمس بود در رابعة النهار است .

**ولادتش** : شب یکشنبه ۲۴ محرم سنة ۱۲۶۱ در نجف اشرف و چون بیست سال از سنش گذشت و حدّ رشد را احراز نمود از علوم عربیه و مقدمات فقهیه فارغ گردید شطری از معقول را خدمت مرحوم ملا باقر شکی و اصول فقه را نزد سید مشایخنا سید حسین کوه کمری و فقه را در حضور عم اکرم خود علامه سید علی صاحب برهان قاطع تحصیل نمود تا در بحث و تدریس مستقل گشت و در تنقیح مسائل فقه بغایت مجد بود و رسائل نافعه تألیف فرموده که بر قدرت تامه و احاطهٔ کاملهٔ او بابواب فقه و اصول دلالت میکند و پیوسته با این حال بود تا ضعف بر قوه باصره اش طاری گردید و شیئاً فشیئاً شدت کرد و بفقد دو فرزند عالم فاضل مبتلا شد و اظهار تفجع در فراق آنها میکند و میگوید کنت ارتجی ان یکونا خلفین عن اکرم سلف یستکملان تلید الفضل والطریف و یرفعان قواعد الدین الحنیف امیدوار بودم که آن دو نفر فرزندم خلفی از اکرم سلف خود خواهند بود و قدیم و جدید علم و فضل را تکمیل و قواعد دین حنیف را مرتفع خواهند نمود .

| فکان غیر الّذی اقدرت من امل | | ما کلّ ما یتمنّی المرء یدرکه |
|---|---|---|



تألیفات سید محمد آل بحر العلوم
ولادت سید محمد آل بحر العلوم
تحصیلات سید محمد آل بحر العلوم
صاحب ترجمه ناقلم
صاحب بلغة الفقیه

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| وکنت نفسی لما یجری القضاء به | ✻ | رضا بما یفعل المولی ویشکره | ✻ | ✻ |

پس غیر مأمول من معمول شد و همه تمنی مرده مبتر و مفقود و نخشود پس توطین نفس کرده بتقدیر و قضاء مولای خود رضا داده صبر کردم بالجمله قوه باصره اش عاطل گردید و از جمله مؤلفاتش بلغة الفقیه است که تا آخر ولایات در سنه ۱۳۱۶ تبریز طبع شده و در طهران نیز مع زیاده بعض الرسائل الفقهیه مطبوع گشته و صاحب عنوان نجاة در ۱۱ رجب هجری برحمت حق پیوست و در نجف اشرف مدفون گردید اعلی الله مقامه وحشره مع اجداده فی دار الکرامة ✻

**مؤلف گوید**: مرحوم فیلسوف الدوله میرزا عبد الحسین خان صاحب کتاب مطارح الانظار و تاریخ تبریز که از افاضل عصر ما و از اطباء طراز اول ایران بود و مدتی ریاست صحیه آذربایجان بدو محول و مرجوع گشت شفاهاً از او نقل فرمود که وقتی که بزیارت عتبات عالیات مشرف شدم در نجف اشرف بخدمت این سید معظم رسیدم در حالتیکه مکفوف بود ولی با آن حال نیز حوزه درس مفصلی داشت من تعجب کرده از خود ایشان استفسار نمودم که شما با این حال چه طور تدریس میکنید فرمود صبیه من مجتهده است شبها از متون کتب فقه میخواند و من مهیا و مستعد میشوم برای تدریس صبح . ✻

## (۵۵) ( حاج شیخ فضل الله نوری طهرانی ره )

## ( شهید سنه ۱۳۲۷ )

**مآثر و آثار** (ص ۱۵۱) شیخ فضل الله نوری افضل و اکمل تلامذه سرکار حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی مد ظله العالی است و در فقه و اصول و حدیث و رجال و انواع فضائل دیگر امتیازی بین دارد اهالی دار الخلافه را با این بزرگوار اعتقادی است راسخ مجلس درس و افادت و افاضتش نیز امروز بسی عامر و بوجود کافه مستعدین مدارس طهران دائر میباشد از شرائف آثار قلمیه وی صحیفه قائمیه است اطال الله تعالی ایام افاداته المحققه

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۹۱) حاج شیخ فضل الله نوری طهرانی ره عالم کامل سعید و فقیه نبیه سدید فائز بدرجه شهادت و حائز مرتبه علم و سعادت از کبار علماء مجتهدین و اجلاء فقهاء محدثین و از ربانیین عاملین و نبلاء جامعین و ناصرین دین مبین بود آن مرحوم جمله از کتب علمیه را وقت طبع آنها تصحیح فرموده و در طهران مدرس شهیر و در ایران مرجع کبیر بود خدمت حجة الاسلام شیرازی طاب ثراه تحصیل و تلمذ کرده بود بامر فرقه اشرار آن قدوة اخیار را پیرم ارمنی لعنه الله در طهران در ملأ عام بدار زده و بجرم و تقصیر مصلوب و مقتول نمود و کسی حرفی نزد ولی بحمد الله قاتلش بجزای خود رسید و در وقعه شاهزاده سالار الدوله بدست یکی از شجعان ایران با آتش نیران واصل شد و این قضیه هائله در سنه ۱۳۲۷ هجری واقع شد در تاریخ شهادتش گفته اند ( الشهید فضل الله ) ۱۳۲۷





**شهداء الفضیلة** (ص ۳۵۴) العلم الحجة حاج شیخ فضل الله نوری ابن المولی عباس شهید الانقلاب الدستوری در طهران ۱۳ رجب سنه ۱۳۲۷ و والد ماجدش از علماء افاضل بود و مترجم معظم شیخ الاسلام والمسلمین و علم العلم والدین و اکبر زعیم روحی بود در طهران فضل از جوانبش ریزان و علم از دل و زبانش جریان مینمود . همشیره زاده علامه نوری و داماد او بود سنه ۱۲۵۸ متولد و در ریعان شباب بنجف اشرف مهاجرت و در خدمت فقیه شیخ راضی ابن شیخ محمد آل الشیخ خضر نجفی قرائت و پس از آن با خال مفضال خود سنه ۱۲۹۱ بعد از حرکت امام مجدد شیرازی بسامراء در اول مهاجرین که ملا فتحعلی سلطان آبادی نیز با ایشان بود بسر من رای مهاجرت فرموده سالها بحث امام مجدد حاضر و تقریر دروس آن استاد ذاخر فرمود تا بعد از سنه هزار و سیصد هجری بطهران مراجعت کرده امام و قائد روحی و زعیم دینی مشغول تعظیم شعائر الله و نشر مآثر دین و اعلاء اعلام حق و اظهار کلمه حقیقت گردید تا بواعث فساد پیدا شده بدست ظلم و عدوان در راه دین و حمایت شرع مبین و بسبب نهی از منکر بدرجه شهادت فائز شده در دار المؤمنین بلده قم مدفون گردید از تألیفات او صحیفه مهدویه است که ادعیه امام منتظر عجل الله فرجه را در آن جمع کرده و اشعار و نظم که خود را متخلص به نوری کرده دارد و جمله از آن را در کتاب ریاض الانس ذکر کرده ام و سید اجل شهاب الدین سید احمد رضوی شهیر بادیب نیشابوری نزیل طهران و علامه میرزا محمد علی اوردبادی و ادیب فاضل دیگر هر یک قصیده قصیده طویله در رثاء این عالم ربانی منظوم داشته اند که در شهداء الفضیله مذکور است . ✻

## (۵۶) ( آقا شیخ محمد تقی شوشتری کاظمی ره )

## ( ایضا شهید سنه ۱۳۲۷ )

**مآثر و آثار** (ص ۱۸۲) شیخ محمد تقی بن الشیخ حسن ابن المرحوم شیخ اسد الله التستری از علماء کاظمین فی التاریخ یعنی سنه ۱۳۰۶ جانشین پدر نامور است . ✻

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۱۱) شیخ محمد تقی نجل نبیه شیخ حسن فرزند افضل المحققین شیخ اسد الله شوشتری کاظمی طاب ثراهم است و این بیت شریف از کبار بیوتات علم است در کاظمیه جماعتی از علماء اعلام قدست اسرارهم که معروف به بیت شیخ اسد الله صاحب کشف القناع والمقابس تدبیرون اهله اند و این طائفه محترم پس از زمان جد ایشان صاحب مقابس در ارض کاظمین علیهما السلام ساکن هستند و احدی را در نجابت این بیت طهارت ذیل ایشان شکی ندارد و محله مسکونشان بمحله القطانه بالفتح والتشدید بر وزن حنانه معروف است چه که اول علماء ایست که علماء و سادات در آنجا ساکن شده اند و اما صاحب عنوان از اکابر علماء مجتهدین و اعاظم فقهاء عاملین و افاضل دنیا و دین در علم و فضل و ورع و دیانت در زمان خود عدیم المثیل و در عقل و حلم و تواضع و فهم و ذکاوت

دوا وان خویش فاقد البدیل وکعمرے آیة الله الکبرے دوانام ونایب برحق امام علیه السلام بود واهل هند وکاظمین بغداد در فتاوے واحکام بوے تقلید کرده بودند ورسالۀ عملیۀ مطبوعه دارد ومؤلفات ورسائلے که هنوز از سواد خارج نشده اوزاهست ومنزل او مجمع فضلاء واعیان بلد بود ودر سنۀ ۱۳۲۷ تقریباً در کاظمین مسموماً در فتنۀ مشروطه کز اهل حزب ایشان وشرایت نعل شان شد برحمت حق پیوست وتشییع عظیمی در جنازه اش واقع شد وبازارها بسته ومجالس درس وبحث چند روز تعطیل ودر مقبره که در کاظمین با ایشان متعلق است مدفون کردید ووالد صاحب ترجمه علامه شیخ حسن نیز از اکابر علماء کاظمین علیهما السلام معاصر سمی خود شیخ محمد حسن آل یس کاظمینے بود وبین ایشان مودت بوده چنانکه در کثیرے از از منه بین عالمین متعاصرین میبوده اعلی الله مقامهما ورفع فی الخلد اعلامهما واین دو بزرگوار مصداق قول خداوند متعال شدند که فرموده ونزعنا ما فی صدورهم من غلٍّ اخوانا علی سرر متقابلین .

## (۵۷) حاج ملا علی مجتهد العلیاری ره

## (المتوفی ایضاً سنۀ ۱۳۲۷)

**حسب خواهش حقیر** عالم کامل فاضل آقا میرزا علی نجل ارکت آقا میرزا محسن بن حسن بن علی العلیاری این جمله را در ترجمۀ جده الامجد الاعلی مرقوم فرموده :

**تولد وتحصیل مترجم معظم** : روز پنجشنبه پنجم شهر رمضان سنۀ ۱۲۳۶ در قریۀ سرد رود دو فرسخی تبریز متولد وبعد از بلوغ بحد تمیز در تبریز خدمت جمعی از علماء اعلام من جمله میرزا احمد آقا مجتهد تبریزے وفرزند ارجمندش حاج میرزا لطفعلی آقا ومیرزا محمد آقا مجتهد والد مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقا وغیرهم رضوان الله علیهم تحصیل علم نمود .

**بعد برای تکمیل تحصیل** نجف اشرف مهاجرت وبحث پنج تن از مشایخ عظام از جمله شیخ الطائفه شیخ مرتضے الانصاری وسیدنا العلامة حاج سید حسین کوه کمرے ومرکز الاجتهاد والفقاهة میرزا محمد حسن شیرازی والآیة والحجة شیخ راضے ومرجع الفرقة الحقة شیخ مهدی قدست اسرارهم حاضر واز این اساتید خمسه اجازه اجتهاد مطلق واجازه هائیکه درحق وے صادر کردید واگر بخواهی مطلع بشوی مراجعه بفرما بمجلد دوم بهجة الآمال تا حقیقت حال برتو منکشف بشود .

**مؤلفات آن عالم فرید** ۱ بهجة الآمال فی علم الرجال پنج مجلد حسن الطرز عجیب الاسلوب لم یؤلف مثله وحقیر مؤلف کتاب هذا آن مجلدات خمسه را دیده ام ولمع الاسف که این سفر جلیل واثر جلیل تا حال بحلیۀ طبع نرسیده ۲ مشکوة الوصول فی علم الاصول شش مجلد ۳ مناهج الاحکام فی اصول الفقه شرح مزجے







برمعالم پنج مجلد ٤ وافیه فی شرح اللغز الشافیه ٥ منهاج الملة فی تعیین الوقت والقبلة ٦ ریاض المقاصد فی شرح قصیدة الحسن بن راشد الحلی فی مدح صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه .

٧ المطرز فی شرح اقسام اللغز ٨ دلائل الاحکام فی شرح شرائع الاسلام پنج مجلد ٩ ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض لم یؤلف مثله بهذا الطرز والاسلوب ایضاً چاپ خورده ١٠ هدایة الطالبین رسالۀ عملیه .

**ومنها تعلیقات** علی الریاض والقوانین والرعایة فی علم الدرایة والفصول والمعالم والرسائل والمکاسب وفی شرح الباب الحادیعشر وشرح المطالع والروضة ونهج المسترشدین وشرح یاقوت نوبختی والزبدة وشرح التجرید والمطول والحاشیة والمختصر وشرح چغمینی والتذکرة وشرح الاشارات والاسفار وتشریح الافلاک وخلاصة الحساب وغیرها من الکتب المؤلفة فی العلوم الاجتهادیة وغیرها من الریاضیة الی ما شاء الله

**مسافرت وزیارت مترجم معظم** : سنۀ ۱۳۰۸ بحج بیت الله الحرام وسنۀ ۱۳۲۱ بزیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیهما الصلوة والسلام مشرف ودر اثناء حل وارتحال این قصیده را بر سبیل ارتجال که مطلعش این است : نحوت نحوک یا بن المرتضی لیعفو ربی کل ذنبی ما مضی انشاء فرموده با قصاید دیگر در مدح حضرت امیر صلوات الله علیه که مرحوم حاج میرزا شفیع خان مخابر الملک بطبع رسانید .

**وفات آن عالم نحریر** : روز پنجشنبه چهارم رجب الاصب روز رغائب سنۀ ۱۳۲۷ در سن نود ودو سالگی برحمت حق پیوست قدس الله سره وکمل بره .

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۱۵۹) بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال ومنتهی الآمال فی علم الرجال تالیف حاج ملا علی بن عبد الله العلیاری القراچه داغی التبریزی المولود سنۀ ۱۲۳۶ والمتوفی سنۀ ۱۳۲۷ کتاب کبیرے است در پنج مجلد سه جلد شرح منظومۀ زبدة المقال فی الرجال از نظم سید حسین بن سید رضا بروجردی المتوفی سنۀ ۱۲۷۶ ودو جلد شرح منظومۀ خود شارح در تتمیم زبدة المقال که بمنتهی الآمال موسوم فرموده وولد مولینا میرزا محمد حسن العلیاری این پنج مجلد را در یک جلد نظم فهرست مختصر نموده وموسوم بمختصر المقال فرموده ونسخۀ از آن بخط شریف خود سنۀ ۱۳۳۹ بما هدیه فرستاده .

**ایضاً** (ج ۲) (ص ۴۹۶) ایضاح الغوامض فی تقسیم الفرائض کتاب مبسوطی است در وارث وحدان مفصلا ترتیب داده که انحاء اجتماعات وورثه از آن استخراج میشود وجلد وافرم از ارجوزه اعثم در میراث در آن شرح داده تصنیف حاج ملا علی العلیارے التبریزی وسنۀ ۱۳۱۸ از تالیفش فارغ وسنۀ ۱۳۲۴ طبع شده ومرتب بر یک مقدمه وسه باب وخاتمه است .

## (٥٨) (میرزا محمد صادق فخر الاسلام رحمه الله)

## (المتوفی حدود سنه ١٣٣٠)

مرحوم داعی الاسلام جناب حاج سید محمد علی اصفهانی در جریده دعوة الاسلام گوید

جناب فخر الاسلام آقا میرزا محمد صادق جدید الاسلام رضوان الله علیه

در ابتداء از قوم سریانی نصاری بوده پدرش از اهل ارومیه ایران که فعلاً برضائیه موسوم است بوده وچون در صفحات ارومیه کشیشان ودعاة مذاهب نصاری را کلیساها ودار الفنونهای عمده است اورا در مدارس ودار الفنونها پذیرفتند وا وتحصیل علوم مینمود تا بدرجه کشیشی رسید .

## اسلام فخر الاسلام وتحصیل علوم اسلامیه

بعد از نقل قبول اسلامیت این شخص سعادتمند گوید : که او در شهر ارومیه برگشته اسلام خود را اظهار کرده مشغول تحصیل علوم اسلامیه گردید وبعد از مدتی تحصیل در ایران بنجف اشرف سفر نمود ومدت شانزده سال در آنمکان مقدس بتحصیل علوم عقلیه ونقلیه اسلام بسر برد تا از علماء اعلام اجازه اجتهاد گرفت وبایران مراجعت نمود ودر سنه ١٣٠٥ وارد طهران گشت ودر همان سال شرفیاب حضور پادشاه فردوس شاده ناصر الدین شاه قاجار گردید ومورد مراحم ملوکانه گشت وپادشاه اسلام از ایشان از سبب مسلمان شدن پرسید وهمی ادله محقه وکلمات نورانیه شنید پس امر نمود این کتب در حقیت اسلام وفضیلت آن بر تمام ادیان عالم کتب فراوان در السنه مختلفه چون عربیه وفارسیه وفرانسه وانگلیسی وسریانی تصنیف میکند .

## تقریظ فخر الاسلام ره

صاحب جریده دعوة الاسلام در شماره ١٥ سال اول سنه ١٣٢٥ گوید :

عالمی که در این قرن اخیر در مقام مجاهده در راه دین آمده وقلم وزبان خود را وقف رد حملات واعتراضات کفار کرده فقط جناب فخر الاسلام است آن هم که اول کشیش بوده واین رسم را از ایام نصرانیت داشته است خداتعالی نعمت وجود مبارکش را بر ما مستدام فرماید وعمر طولانی ومزید توفیق بایشان کرامت نماید

| بایدش روز وماه وسال وایام | اسلام کند فخر بفخر الاسلام |
| --- | --- |

## تقریض کتاب انیس الاعلام مرحوم فخر الاسلام ره

ایضاً در شماره ١٥ گوید : از جمله مصنفات جناب آقای فخر الاسلام متع الله المسلمین بطول بقائه کتاب مستطاب انیس الاعلام فی نصرة الاسلام است که سوانح است در ایران بزبان فارسی طبع ومنتشر است





این کتاب در مجلدات است مقصدش اثبات حقیت اسلام ورد نصاری ودهریها است آنچه دلیل در این کتاب برای حقیت اسلام ورد نصرانیت آورده تمام از کتب مسلمه نصاری است چشم روزگار چنین کتاب ندیده وچنان حسن تألیف بکار برده که با آنکه مطالب کتاب علمیات ومطالب عالیه است هر عامی بخواند وبرایش بخوانند میفهمد آقای فخر الاسلام در این کتاب بسیار از کتب نصاری را که در رد بر اسلام نوشتند عنوان وصحیحا رد نمودند .

**الذریعه** (ج ٢) (ص ٤٥٢) انیس الاعلام فی نصرة الاسلام والرد علی النصاری فارسی ودر ایران در دو مجلد طبع شده تصنیف کشیش نصاری موفق بشرف اسلام ومسمی بعد از قبول اسلامیت بمیرزا محمد صادق وملقب از سلطان ناصر الدین شاه بفخر الاسلام ومتوفی قبل سنه ١٣٣٠ وشرح حال وکیفیت اسلام واستبصار خود را در بعض تصانیفش مثل بیان الحق وبرهان المسلمین وتعجیز المسیحیین وغیرها ذکر فرموده .

## وصف کتاب تعجیز المسیحیین فخر الاسلام ره

ایضاً در دعوة الاسلام گوید : ونیز از جمله تصنیفات فخر الاسلام تعجیز المسیحیین است که در جواب مصنفات تبریزی کشیش مبلغ بزرگ عیسوی نوشته وتبریزی الآن موجود است وبسیاری از السنه اهل عالم را میداند وکتبی چند بخیال خود در رد بر اسلام وقرآن نوشته است کتاب تعجیز المسیحیین تاکنون بطبع نرسیده ودو زبان ...

**الذریعه** (ج ٤) (ص ٢١٠) تعجیز المسیحیین فی تایید برهان المسلمین تألیف میرزا محمد صادق فخر الاسلام مؤلف انیس الاعلام وغیره المتوفی حدود ١٣٣٠ در آخر مجلد چهارم بیان الحق مطبوع در سنه ١٣٢٦ گوید که از جهت تأیید کتاب خود برهان المسلمین تألیف کردم ودر دو مجلد طبع شده .

## رساله برهان المسلمین

وایضاً صاحب دعوة الاسلام گوید : ونیز از جمله مصنفات آقای فخر الاسلام رساله برهان المسلمین است که مشتمل بر سؤال وجواب مجلسی با مبلغان عیسوی در طهران است .

**الذریعه** (ج ٣) (ص ١٠١) برهان المسلمین فارسی در رد نصاری تألیف میرزا محمد صادق وارد نزیل طهران قبل من مشرف باسلام صاحب انیس الاعلام وبیان الحق وتعجیز المسیحیین وغیرهاست وهمه این کتب در ابطال مسیحیه ومطبوع است .

## بیان الحق والصدق المطلق

دعوة الاسلام ونیز یکی از مصنفات فخر الاسلام کتاب مبارک بیان الحق والصدق است که ده جلد است وجلد اول آن بطبع رسیده این کتاب در رد کتبی است که دعاة ومبلغان عیسوی در مصر بر رد اسلام پاک ترتیب وطبع کردند، کتب مذکوره که از مصنفات آقای فخر الاسلام نام بردیم اغلب در زبانهای دیگر هم ترجمه شدند علاوه

برای کتب دیگر هم تصنیف کردند که هر یک در زبان مخصوصی است .

الذریعه (ج ۳) (ص ۱۸۰) بیان الحق والصدق المطلق فارسی در اثبات حقیقت کتاب اسلام قران و نبی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و رد بر کتاب الهدایة و غیره از کتب نصاری تالیف قسیس ایشان موفق بشرف اسلام مسمی به محمد صادق و ملقب بفخر الاسلام است و بیان الحق کتاب کبیر مشتمل بر ده مجلد است چهار در اثبات قران و پیغمبر به بمعجزات و غیرها جلد اول و چهارم بر نفقه صدر اعظم ملقب بهاتابک میرزا علی اصغر خان و بعضی از تجار سنه ۱۳۲۲ طبع شده و هشت جلد هنوز بطبع نرسیده و اینها در رد کتاب الهدایة و منار الحق و ابحاث المجتهدین و غیرها از کتب نصاری است چنانچه خودش در آخر مطبوع تصریح فرموده .

**مؤلف گوید** : کتاب الهدایة از نصاری همان است که مرحوم آیة الله العلامة الشیخ المجاهد المجتهد آقا شیخ جواد بلاغی نجفی قدس سره و کتاب الهدی الی دین المصطفی را در رد این کتاب و کتاب دیگر از نصاری وضع فرموده چنانکه در مقدمه کتاب مذکور گوید ثم وقفت علی کتاب اخر استعیر له اسم الهدایة قد تکلف فیه للرد علی کتاب اظهار الحق والسیف الحمیدی فوجدت الکتابین الاولین علی طریقة بنکرها شرع التحقیق فی البحث والادب فی الکلام الامانة فی البیان ولا یرتضیها خدام المعارف المحافظون علی فضلهم و رواج بضاعتهم المتحذرون من وبال الانتقاد و وصمة ظهور الزیف والزیغ وقد احببت ان اشیر الی بعض ما فیهما مما حاد عن الامانة او تاه فی الغفلة خدمة منی للمعارف واحقاقا للحق وانتقادا للزیف پس از این واقف شدم بکتاب دیگر که اسم هدایت را بر آن استعاره نموده و خودرا در رد بر کتاب من اظهار الحق والسیف الحمیدی بتکلف انداخته و آن دو کتاب اول ایشان را بطریقه یافتم که در بحث و ادب در کلام و امانت در بیان را شرع تحقیق و طریق انصاف انکار و خدام معارف که حافظ فضل و مروج بضاعت خود و مجتنب از وبال انتقاد و عار حرف نارو او سخن مایل از حق میباشند نمی پسندند پس دوست داشتم که بر بعضی از آنچه در آن دو کتاب از طریق امانت منحرف و در راه غفلت منسلک شده اند برای خدمت بمعارف و احقاق حق وانتقاد حرف ناسره اشاره بنمایم .

## کتاب خلاصة الکلام فی افتخار الاسلام فخر الاسلام ره

در ردعوة الاسلام گوید : و نیز یکی از مؤلفات فخر الاسلام کتاب مستطاب خلاصة الکلام فی افتخار الاسلام است کتاب کوچکی است در اصول عقاید سکنه زمین چون اصول اسلام و اصول دین نصاری و اصول دین یهود و اصول دین زند شتیها و اصول برهمه و هنود و اصول دین بودائیها و اصول دین وفوح وطاعوکما انجمله اند چاپانیها این کتاب که در زبان فارسی است برای درس دادن باطفال در مدارس بسیار خوبست تا از طفولیت از فضائل اعتقادات اسلام باخبر شوند و در هنگام شنیدن شبهه از ملل در جواب باز





نمانند این کتاب مطبوع و منتشر است .

## ایضا از مؤلفات فخر الاسلام ره رسالهٔ وجوب الحجاب و حرمة الشراب است

این رساله در ردعوة الاسلام مذکور نیست ولی آن هم طبع و نشر شده و نسخه نزد ما موجود است و مفاسد و مضار شراب را از آن کتاب در مجلد صیام از کتاب قایع الایام در صفحه ۳۴۰ الی ۴۰۸ مشروحا نقل کرده ام و در خاتمه رساله مذکوره مسطور است : ( تمت علی ید مؤلفه احقر الانام محمد صادق المنعوت بفخر الاسلام حفظه الله عن الاثام فی دار الخلافة الطهران صانها الله عن الحدثان ) .

## تشرف مؤلف کتاب بحضور فخر الاسلام ره

حقیر در ایام تحصیل در مدرسه طالبیه که مرحوم فخر الاسلام به تبریز تشریف آورد در مقصد الغدیر میرسیدم و مکرر بموعظه اش در مسجد جامع حاضر شده و از مؤلفاتش استفاضه و استفاده حاصل کرده ام الحق وجود ایشان مایه افتخار قاطبه اهل اسلام بود جزاه الله عن الاسلام و اهله خیر الجزاء .

## (۵۹) آقا شیخ محمد تقی اصفهانی الشهیر بآقا نجفی ره
## ( المتوفی سنه ۱۳۳۱ )

**ریحانة الادب** (ج ۳) ملاذ الانام مرجع الخاص والعام آقا شیخ محمد تقی ابن شیخ محمد باقر معروف بآقا نجفی ره از اجله علماء و فضلاء و صاحب تالیفات بسیاری بوده و از آنجمله است کتاب اسرار الاحکام و کتاب جامع الانوار و کتاب اسرار الزیارة و برهان الانابة و بحر الحقایق و تاویل الآیات الباهرة فی فضل العترة الطاهرة و آداب الصلوة و آداب العارفین .

وایضا در (ج ۱) (ص ۲۶) گوید و ترجمة الالفیة والنفلیة ترجمة توحید الصدوق ره ترجمة ثواب الاعمال ترجمة عقاب الاعمال ترجمة السماء والعالم اسرار الشریعة اصول الدین الافاضات المکنونة انیس الزائرین جامع الادعیة جامع الاسرار فی الحکمة والکلام جامع السعادات فی استخراج العلوم والدعوات شرح الاسماء الاجتهاد والتقلید و غیر اینها .

**و گوید** : در اصفهان وفات یافته و نزدیکی امامزاده احمد بن علی بن امام محمد باقر علیه السلام در بقعهٔ عالیه مدفون است و سند علی پدر همین امامزاده از اعاظم اولاد حضرت باقر علیه السلام و قبر شریفش در حوالی کاشان بوده و حکایات بسیاری در کرامات این بزرگوار منقول است .

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۵۲) شیخ متفقه شیخ محمد تقی نجل شیخنا الفقیه الماهر شیخ محمد باقر اصفهانی قدس سرهما المشتهر بآقا نجفی صاحب کتب کثیره در فقه و اصول و اخبار که اکثر آنها بنفقه خود

مؤلف در ایران بطبع رسیده و او والد ماجد شیخ محمد باقر صاحب فهرست روضات الجنات است .

**الذریعة** (ج ۲)(ص ۳۸) اسرار الایات تالیف شیخ محمد تقی بن شیخ محمد باقر معروف بآقا نجفی اصفهانی متوفی سنه ۱۳۳۲ مؤلف در آخر کتاب خود موسوم بجامع الانوار مطبوع در سنه ۱۲۹۷ این کتاب را نیز از تصانیف خود شمرده و ظاهر میشود از آن که این کتاب در تفسیر آیات قران کریم است .

**ایضاً** (ج ۲)(ص ۴۵) اسرار الزیارة وبرهان الانابة تالیف آقا نجفی شیخ محمد تقی متوفی ۸ شعبان سنه ۱۳۳۲ شرح فارسی زیارت جامعه است که در حاشیه شرح عربی آن موسوم بحقائق الاسرار ومطبوع در سنه ۱۲۹۶ تالیف او ثبت است .

**مؤلف گوید** : صاحب ترجمه مرحوم آقا شیخ محمد تقی الشهیر به آقا نجفی قدس سره را در ارض اقدس رضویه صلوات الله وسلامه علیه که بزیارت مشرف و در شبستان مرحوم حاج میرزا حبیب الله خراسانی نماز جماعت میگذاردند ونجل زکی ایشان آقا شیخ محمد باقر صاحب فهرست روضات را سنه ۱۳۵۸ در اصفهان دیدم وچند از کتب نفیسه خطیه امانة مرحمت فرمود وحقیر در مدت اقامت چهل روز قدر وافی انتخاب واستفاده نمودم وفهرست مذکور محتوی بر پنجاه وهشت صفحه رحلی بخطی جامع وباحسن ترتیب در روز یکشنبه ۲۳ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۴ از تالیفش فارغ شده ادام الله ایام افاداته الشریفة .

## (۶۰) (سید ناصر بن سید احمد بحرانی بصری ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۳۲)

**احسن الودیعة** (ج ۲)(ص ۸۳) سید ناصر بن سید احمد بحرانی بصری عالم فاضل وفقیه کامل ومجتهد عادل ونحریر جامع وادیب بارع عارف برجال وتاریخ وعلوم ریاضیه ولغت عربیه کامل در علوم دینیه بود واو حافظه عجیبه داشت که کم یافت میشد در ابناء عصر خود وآن جناب با آن جلالت ومکانت وعظمت ورفعت شانیکه داشت با مبتدئین طلاب مباحثه وبقضاء حوائج اخوان واحباب قیام مینمود ومرکزیت غریبه در قلوب اهالی بصره وحوالی آن از برای او حاصل شد حتی ملوک وحکام تحت اوامر ونواهی او بودند ودولت عثمانیه غایت احترام در حق او مبذول میداشت واوامرش نزد ایشان نافذ ومجری بوده وآن بزرگوار حسن الملبس والماکل والمشرب بود وخلاف نظافت وخشونت عیش را اهل ازامکر ومبدلشت «لا تاخذه فی الله لومة لائم» واهل نفاق را مبغوض میگرفت واهل معاصی را زجر میکرد حتی ملوک وحکام را واحکام شرع مقدس را چنانچه از امثال او مطلوب است قائم مینمود وبالجمله آیتی بود از آیات وحجتی از حجج مثل او را از اقرانش از علماء این بلاد نیافتیم وسید جعفر حلی ره بقصاید فاخره که جمله از آنها در دیوانش مذکور است مدح فرموده فلاحظ .



**مولد ومنشاء او** : در بحرین متولد وبعد از بلوغ بنجف اشرف مهاجرت ودر خدمت شیخ فقیه علامه شیخ راضی آل الشیخ خضر الجناحی وعلامه شیخ مهدی آل کاشف الغطاء تحصیل واز این دو عالم علمین باجازه نیز روایت میکند پس از آن ببصره مهاجرت ودر آنجا اقامت گزید وبمعاش فقراء آن بلد قیام وبطلاب مجلس خود مال کثیری انفاق میفرمود .

**واو را رسائلی در فقه هست** ولی بواسطه کثرت مشاغلش بامور عامه چیزی از آنها بروز نکرده . ودر سنه ۱۳۳۲ برحمت حق پیوست واو را اشعار کثیره هست که چندی از آنها در احسن الودیعه منقول است

## (۶۱) (اخوند ملا محمد علی خوانساری ره)

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۳۲)

**احسن الودیعه** (ج ۲)(ص ۷۴) اخوند ملا محمد علی خوانساری نجفی ابن حاج محمد حسن خوانساری ره آباء کرام او همه از اهل فهم وادب بودند وصاحب عنوان در جمیع تحریرات خود از کتب اجازات وانشاءات اسم اسامی خویش را با ماء خوانساری امضاء فرموده بواسطه آنکه آباء او در زمان قدیم در قصبه خوانسار مشهور بامامیه بوده اند چنانکه نجل او عالم جلیل آقا محمد حفظه الله ما را نقل کرد ومترجم معظم جامع شتات معالی وعلامه زمان ووحید عصر واوان خود واز علوم رتبه شامخه فائز وبر معارف الهیه باقدام راسخه واقف بوده اگر فنون علم را تعداد بکنی او منار آنها بود که مردم بنور او هدایت می یافتند واگر آداب ذکر بنمائی پس او موئل ومنبع آنها بوده واو را در فنون عدیده مهارت تامه ودر علوم عقلیه ونقلیه شیخ کبیر واستاد شهیر صدر مجالس علماء ونور مقابر فضلاء در فقه واصول وحدیث وتفسیر عالی متضلع ودر حکمت وکلام وحسن تقریر کامل ماهر در علوم ریاضیه واعمال رصد متبحر عارف بعلم صنعت واعداد وطلسمات واقف بر علم حروف وجفر وانحاء بسط وتکسیر ومعرفت میزان الحروف الا اینکه اشهر علوم واکثر مفهوم ومعلوم او علم فقه بود وبمنطوق ومفهوم عرب هم بصیرتی داشته واما علم ادب حامل رایت واستاد روایت ودرایت آن بوده ودر آن فن ارتقاء جسته تا بمنتهی سماء سهاء شرسید واما حدیث باع طولی در آن دراز کرده مشکلات معانی آنرا حل نمود واما علم معقول پس قلوب را در آن حیران واز هر باب مغلق داخل شد واز حقیقت ومجاز قران وتفسیر وعلوم ومفصل وموجز آن واقف ودر فقه واصول علامه زمان خود ودر هیئت وهندسه حساب اولوا الالباب از مهارتش در حیرت بودند وبالجمله فنی نبود که او در آن قدح معلی ومورد عذب محلی نبوده لطیف المحاورة ظریف المعاشرة از اخبار سلف مستحضر وبه نیکوترو وجهی بیان میفرمود در غایت ظرافت طبع وشرافت نبع وملاحت وضع وجلالت قدر وسعه صدر ومتانت رای

وعظمت منزلت بود واما خط شریفش در نهایت حسن وضبط بود کتب جماعتی را از رجال سلف بخط خود استنساخ کرد ومجلس درس وی را جمع کثیر وجم غفیر از افاضل اعلام وعلماء فخام حاضر میشدند واما زهد وورع اش اظهر از این است که مذکور واین از آن است که مسطور گردد وهر سال در شهر رمضان بعد از نماز جمعه بمنبر تشریف برده مجلس وعظی فراهم میکرد ومردم برای استماع ازدحام میکردند وقلوب را ولع المنکر از ذکر وتحدید او ترسان ومؤمنین از مواعظ حسنه ونقل اخبار خوف ورجاء مستفید ومستفیض میگشتند وحال او بدین منوال بود تا برحمت حق پیوست . ✻

## مولد ومنشأ وکیفیت تحصیل وی :

ولادتش سنه ۱۲۵۴ درخوانسار وتا شانزده سال در آنجا بوده پس ببلدهٔ بروجرد ارتحال نموده مشغول علوم ابتدائیه گردید وشرح لمعه وقوانین را نزد عالم نحریر آخوند ملا محمد علی قراجه داغی خواند آنگاه ببحث علامه حاج سید شفیع چاپلقی صاحب الروضة البهیة حاضر گشت ودر فهم وادراک واطلاع بر انحاء علوم برامثال واقران فایق آمد وچون بمبلغ رجال رسیده واز قشید مقدمات کمال فارغ گردید در سنه ۱۲۸۳ در سن بیست وسه سالگی بنجف اشرف منتقل ومشغول فنون وعلوم گشته در علوم متعدده وفنون متبدده کتب شریفه تالیف ورسائل لطیفه تصنیف بنمود وبحضور جماعتی از اساطین علم ورجال دین خاضر شده بمنتهی تمنی خود نایل وبفضل خداوند متعال بموهبت عظمی فایز گشت پس صیت وعظیم وقدر وی رفیع وبر صدر افادت قرار گرفت ولیکن اشتهار تام نیافت بلکه شهرتش بین الخواص بود بواسطه تقبل درام هندیه در نجف اشرف که اسم سابق او قرین افول وذات زکیه وی در زاویه خمول ماند بجهة کثرت انظار طبقات مردم باین درام چنانچه همین سبب انحطاط جماعتی از علماء عظام شده والا اشکالی در حلیت این درام هندیه نیست زیرا که از جانب زنی بامر همه متمول با ثروتی بتوسط دولت بریطانیه عظمی برای انفاق بر مجتهدین کربلا ونجف فقط مقرر شده . ✻

## مشایخ صاحب ترجمه در قرائت وروایت :

۱ سید محمد مهدی قزوینی حلی ۲ سید علی آل بحر العلوم صاحب البرهان القاطع فی الفقه ۳ سید حسین کوه کمری ۴ میرزا محمد حسن شیرازی ۵ حاج میرزا حبیب الله رشتی ۶ حاج ملا علی کنی ۷ حاج ملا حسین اردکانی حائری ۸ حاج شیخ زین العابدین مازندرانی حائری ۹ آخوند ملا محمد ایروانی ۱۰ شیخ راضی نجفی آل کاشف الغطاء ۱۱ الشیخ محمد حسین کاظمی رضوان الله علیهم اجمعین . ✻

## روایت کنندگان از وی :

جمع کثیری از فضلاء اصحاب اخبار از وی روایت کرده اند که بجمل مذکورش پنجاه نفر از ایشان در جزوه که در احوال والد ماجد وضع کرده نوشته وچندی از ایشان در احسن الودیعه





مذکوراست فراجع . ✻

## مؤلفات او :

تا ۲۳ کتب ورسائل وحواشی تعداد فرموده که شطری از آنها بدین قرار است : ۱ کتاب فی اصول الفقه فی مباحث الالفاظ والادلة العقلیة ۲ شرح التبصرة خرج منه مجلدا الطهارة ۳ حاشیة علی شرح المنظومة فی الحکمة للسبزواری ۴ کتاب الطرائف والنوادر ۵ کتاب المجالس فی المواعظ ۶ رسالة عملیة فی الفقه بالفارسیة وضعها للمقلدیه ۷ حاشیة علی نخبة الکرباسی ۸ حاشیة علی نجاة العباد وغیر ذلک از رسائل وحواشی که در احسن الودیعه مسطور است .

## وفاتش :

در نجف اشرف لیلة الجمعة لیلة الرغائب ثالث شهر رجب سنه ۱۳۳۲ اتفاق افتاد .

## (۶۳) آقا میرزا ابو القاسم مجتهد اوردبادی ره
## (المتوفی سنه ۱۳۳۳)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۶۸) شیخ محمد قاسم ابن محمد تقی بن محمد قاسم الاوردبادی عالم فاضل وادیب کامل بود ودر ذکاء وحدت فکر وسرعت انتقال وکثرت اطلاع باحوال رجال ایقی واکثار حافظ اخبار حسن المحاورة لطیف المعاشرة حسن السلیقة جید الطریقة جلیس او از در الفاظش بطول می نشست

## ولادت او :

ماه جمادی الاولی سنه ۱۲۷۴ . ✻

**ریحانة الادب** (ج ۱) ابو القاسم بن محمد تقی اوردبادی الاصل تبریزی المولد نجفی المسکن والمدفن عالم فاضل ادیب کامل فقیه اصولی رجالی از اجلاء فقهاء اثنی عشریه اوائل قرن چهاردهم هجری ودر عهد خود از مراجع تقلید شیعه بوده ودر معرفت رجال مهارتی بکمال داشته ودر فقه واصول بفاضل ایروانی وشیخ محمد حسین کاظمی تلمذ کرده واصول را از ملا علی نهاوندی هم فرا گرفته ومدتی از فاضل اردکانی اخذ مراتب نموده پس بسامراء مهاجرت فرموده ودر حوزه درس میرزا محمد حسن شیرازی حاضر سپس در کاظمین از شیخ محمد حسن آل یاسین کاظمی استفاده ها نموده وپس از آنکه بذروهٔ فلک علوم دینیه ارتقاء جسته ودر مضمار مسابقه معارف اسلامیه حاوی قدح معلی گردید به تبریز مهاجرت فرموده ودر حوالی هفت سال با تمام عزت وکمال مناعت در آنجا اقامت یافته وبتدریس علوم دینیه پرداخته پس بعد از تشرف بزیارت حضرت ثامن الائمة علیه الاف الثناء والتحیة باز بنجف اشرف مراجعت فرموده وبتدریس وتالیف در موضوعات مختلفه اشتغال یافته

## تالیفات منیفه آن عالم یگانه :

در طهارت وصلوة وخمس وانفال وصوم واعتکاف وحج وجهاد وامر بمعروف ونهی از منکر ومتاجر وصید وذباحة واطعمه واشربه وقضا وقصاص ومواریث ودیات وسایر ابواب فقهیه وعلم کلام واصول وفقه وغیرها با تالیفات بسیاری در حدود پنجاه مجلد بوده وکتاب الشهاب المبین فی اعجاز القرآن والشهب الثاقبة فی رد القائلین بوحدة الوجود والسهام النافذة فی رد

البابیة و تبیان التاریخ فی رد الفجار نیز از تالیفات منیفه او بوده .

**اجازهٔ روایتی و اجتهادی** صاحب ترجمه از شیخ محمد طه نجف اجازهٔ روایت و از فاضل شرابیانی و شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ لطف الله مازندرانی و حجة الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی اجازهٔ اجتهاد داشته .

**وفات آنمرحوم :** در ۵ شعبان سنهٔ ۱۳۳۳ هجری در اثنای مسافرت دوم مشهد مقدس در حوالی شصت سالگی در شهر همدان وفات یافته و بفاصلهٔ چند سال فرزند ارجمندش آقا میرزا محمد علی او را در بادیه نجف اشرف نقل داده و در یکی از حجرات صحن مقدس علوی مدفونش ساخت قدس سره و طاب رمسه .

**ایضاً احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۸۶) از جملهٔ مشایخ صاحب عنوان علیه الرحمة و الرضوان که تلمذ نموده در اخلاق نزد وی علامه ملا حسینقلی همدانی بوده که احد مراجع امامیه بود در زمان خود و آیتی در اخلاق و کرامات کثیره از وی منقولست .

**و در باب تالیفات و تصنیفات او گوید :** و آنچه از قلم شریفش ظاهر شده شاهد عدل و قول فصل است بر سمو فضل و علو مقام او و در عداد کتب و رسائل او گوید و حواشیه بر رساله های عملیه مثل جامع عباسی و نخبه و رسالهٔ فاضل شرابیانی و رسالهٔ شیخ محمد حسین کاظمی نوشته و مناهج الیقین فی النبوة و غیر آن بزرگوار در آن کتاب نقض بر کتاب هدایة بعض نصاری است و مجلد اول از آن و شطری از مجلد ثانی تالیف شده و سر کتاب در طهارت که هر یکی ابسط از اولی است تصنیف فرموده ولی نسخهٔ اخیره باتمام نرسیده و کتاب منهج السداد فی العبادات و مناسک حج فرموده تا بطبع رسیده .

## (۳۰) حاج سید ابو محمد شیخ الاسلام ساوجی

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۳۳)

**الذریعة** (ج ۱) (ص ۲۲) آداب صلوة اللیل تالیف عالم عامل مصباح المتهجدین حاج سید ابو محمد بن العالم حاج سید اسمعیل الحسینی المدعو بشیخ الاسلام الساوجی المتوفی بالنجف الاشرف فی ۲۵ ذی الحجة سنه ۱۳۳۳ این کتاب را نزد ولد فاضل او حاج میرزا علی دیدم .

### ذکر چند کتب در آداب صلوة اللیل و فضلها

**ایضاً در همان صفحه :** آداب صلوة اللیل و فضلها تالیف حجة الاسلام اصفهانی حاج سید محمد باقر بن محمد تقی موسوی شفتی جیلانی المتوفی باصفهان سنه ۱۲۶۰ در فهرست کتبش مذکور است .

**ایضاً** آداب صلوة اللیل تالیف علامه مجلسی مولی محمد باقر اصفهانی المتوفی سنه ۱۱۱۰ رسالهٔ فارسیه





مختصری است بیشتر از صد و پنجاه بیت و در آن گوید بعبارتش این است و تفصیل احکام نماز شب و دعاهای رسالهٔ کبیر مرحوم والد قدس سره مذکور است و نسخهٔ خط مصنف نامفاتیح الغیب آن مرحوم در نجف اشرف نزد سید محمد رضا بن حاج میرزا یوسف تبریزی موجود است .

**ایضاً :** آداب صلوة اللیل و اعمالها تالیف مولی علی اکبر بن محمد باقر الایجی الاصفهانی صاحب بدء المعارف و الراد علی القادری فی الاخباریه و الاحسائی و المتوفی سنه ۱۲۳۲ در روضات الجنات گوید که در این کتاب کیفیت نماز شب و ثواب و فضائل و آداب آنرا بیان کرده لم یکتب مثله و از آن کتاب ظاهر میشود که او قائم اللیل دائم التهجد کثیر البکاء عظیم الخوف لطیف المناجات مستجاب الدعوة مقضی الحاجات بوده انتهی (و در ایران طبع شده .)

## (بیست و شش خاصیت بودن در نماز شب)

**رسالهٔ منهج الرشاد** (ص ۲۲۳) نصیبات نماز شب زیاده از حد وصف است و مجمل خواص آن این است که جمیع فواید دنیا و آخرت در آن جمع است و اکتفا میشود بدو این بیان حدیث که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که همهٔ آنها در آن بیان شده فرمودند قال رسول الله صلی الله علیه و آله صلوة اللیل مرضاة الرب[1] و حب الملائکة[2] و سنة الانبیاء[3] و نور المعرفة[4] و اصل الایمان[5] و راحة الابدان[6] و کراهیة الشیطان[7] و سلاح علی الاعداء[8] و اجابة للدعاء[9] و قبول للاعمال[10] و برکة فی الرزق[11] و شفیع بین صاحبها و بین ملک الموت[12] و سراج فی قبره[13] و فراش تحت جنبه[14] و جواب مع منکر و نکیر[15] و مونس و زائر فی قبره الی یوم القیمة[16] فاذا کان یوم القیمة کانت ظلاً فوق رأسه[17] و تاجاً علی رأسه[18] و لباساً علی بدنه[19] و نوراً یسعی بین یدیه[20] و ستراً بینه و بین النار[21] و حجة بین یدی الله تعالی[22] و ثقلاً فی المیزان[23] و جوازاً علی الصراط[24] و مفتاحاً للجنة[25] .

حاصل این حدیث شریف که بیست و شش خاصیت است جامع منافع دنیا و صفات مطلوبه آخرت و خلاص از همهٔ عقبات و حصول اسباب نجات و فوز بهشت که منتهای مطالب است دیگر خواص و ثمرات عمل زیاده از این تصور نمیشود حتی اینکه خانه که در آن نماز شب میشود نور میدهد برای اهل آسمانها مثل اینکه ستاره ها نور میدهد برای اهل زمین و در بعض خصوصیات آن تاثیر طول عمر و توسعهٔ معیشت علاوه بر آنها وارد شده است .

**و علی بن ابراهیم قمی قدس سره** در تفسیر خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود ما من عمل حسن یعمله العبد الا وله ثواب فی القرآن الا صلوة اللیل هیچ عمل نیکوئی نیست مگر اینکه از برای ثوابی در قرآن مذکور است مگر نماز شب که خداوند بجهت بزرگی قدر و منزلتش نزد خود ثواب آنرا بیان نفرموده و گفته : تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً و طمعاً و مما رزقناهم ینفقون فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین جزاء بما کانوا یعملون یعنی چون پردهٔ شب فرو گذارند پهلو از بستر گرم و فراش نرم برداشته بر قدم نیاز بایستند و در شب دراز با حضرت کریم کارساز راز گویند و از آنچه روزی داده ایم

ایشانرا نقه میکنند در دو جوه خبر پس بمیاند هیچ نفسی نه ملك مقرب و نه پیغمبر مرسل آنچه پنهان داشته شده است

برای ایشان از روشنی چشمها جزا دادنی با نچه بودند که با خلاص نیت عمل میکردند .

در روضة الواعظین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود وقتیکه بنده از فراش نرم خود

برمیخیزد در حالتیکه خواب در چشمهای اوست برای تحصیل رضای پروردگار خود بنماز شب باهی الله به الملائکة

حق سبحانه با آن بندهٔ خود بملائکه مباهات میکند و میفرماید آگاه باشید که این بندهٔ من از خوابگاه لذیذ خود

برخاست برای نمازیکه من بر او واجب نکرده ام شاهد باشید از جانب من که امرزیدم اورا .

وقاضی بیضاوی در تفسیر انوار التنزیل واسرار التاویل از حضرت رسول صلعم روایت کرده که فرمود چون روز

قیامت خداوند احدیت اولین و آخرین را محشور کند منادی ندا مینماید بآوازیکه همه خلایق بشنوند سیعلم

اهل الجمع الیوم من اولی بالکرم امروز اهل محشر خواهند دانست که کدام کس اولی بکرم است آنگاه برگردد و ندا کند

که برخیزند کسانیکه از خوابگاه خود برخاسته نماز شب گذارده اند پس جمع قلیلی برخیزند بعد ندا میرسد برخیزند

کسانیکه حمد کرده اند خداوند را در شدت ونعمتی باز جمع قلیلی برخیزند پس همهٔ انهارا بسوی بهشت میبرند

آنگاه از دیگر مردم حساب میخواهند . ( هر که ندا این خانه شبی اد کرد — خانهٔ فردای خود آباد کرد )

خلاصة المنهج در وصیت نامهٔ که امام حسن عسکری بعلی بن حسین بابویه قمی ره نوشته مذکور است

که بر تو باد که نماز شب بپای داری پس بتحقیق که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وصیت کرد امیر المؤمنین علیه السلام را

و گفت علیك بصلوة اللیل ومن استخف بصلوة اللیل فلیس منا .

(۶۴) ( اخوند ملا محمد علی نخجوانی ره )

( المتوفی سنه ۱۳۳۴ )

احسن الودیعة (ج ۱) (ص ۲۲۰) عالم ربانی و فقیه صمدانی شیخ محمد علی بن حاج خداداد

نخجوانی ره از مشاهیر اهل فضل و کمال عارف بفقه و اصول و حدیث و رجال حسن السیرة صافی السریرة

بوده انمرحوم از اشخاصی بود که سلامتی صدر و حسن ظن بر مردم بواسطهٔ شدت توجه و اقبالش بسوی آخرت

و اعراض از دنیای فانی غلبه کرده بود ودر محبت عترت طاهره لاسیما جدنا الحسین علیهم الصلوة والسلام

فانی بوده و نقل شده که آن بزرگوار هر روز بعد از نماز صبح مصائب حضرت حسین علیه السلام را وانچه در روز

عاشوراء بر او جاری شده ذکر میکرد و گریه و صیحه مینمود بنحویکه صدایش بلند میشد و کفایت میکند

در این امر آنکه رسالهٔ در جواز شبیه و ضرب قمه بر سر و نحوهما در عزاء حسینی علیه السلام تالیف فرموده .



که تمامی شب تا بامداد نماز گزاردن بخشایش خداوند عالم

وطاعت و رقت خنجوانی ره

عشق حسین علیه السلام



مولد و منشا و مشایخ آن مرحوم : سنه ۱۲۶۸ در نخجوان متولد و قرآن شریف و بعض

کتب فارسیه را تا پانزده سالگی خواند آنگاه با والده اش بزیارت عتبات عالیات مشرف گردید پس زوار از

اهل نخجوان از شیخ مرتضی الانصاری استدعا کردند که بر سر او عمامه بگذارد پس مرحوم شیخ او را بتاج عمامه متوج

فرمود و بعد از مراجعت در بلد خود بتحصیل علوم عربیه و منطق و معانی و بیان و بعض کتب اصول مشغول پس

به تبریز منتقل شد حاضر بحث اکابر اهل فضل و کمال گردید و در هفده سالگی بنجف اشرف برگشته متون فقهیه

و اصولیه را نزد فاضل شرابیانی و بحث خارج را نزد او و فاضل ایروانی و علامه شیخ محمد حسین کاظمی و علامه حاج

میرزا حبیب الله رشتی قدس الله اسرارهم تلمذ نمود و از مقربین بحث استاد خود ایروانی بود و بعد از فاضل شرابیانی

در فتاوی و احکام مرجع اهالی قفقاز و آذربایجان و جملهٔ از بلاد اسلام گردید .

مؤلفاتش : ۱ حاشیه بر مناهج شیخنا الانصاری از اول بیع الی بیع ام الولد در هفت مجلد

۲ حاشیه بر خیار العیب ۳ شرح جملهٔ از کتب شرایع ۴ شرح طهارة ریاض از اول الی حکم ماء الحمام ۵

رسالهٔ در مقدمهٔ واجب ۶ رسالهٔ در اجماع منقول ۷ رسالهٔ در اجتماع امر و نهی ۸ دعاة الحسینیة در سنه

۱۳۳۰ سنگی مشتمل بر ۱۹۲ صفحه طبع شده و نسخهٔ از آن نزد ما حاضر و کتب دیگر نیز برای اوهست که نزد

اولاد او موجود است .

وفات و مدفن آنمرحوم : سنه ۱۳۳۴ هجری شب جمعه هفدهم ربیع الثانی در شصت و شش

سالگی در کربلاء مشرفه برحمت حق پیوست و جنازه اش بنجف اشرف حمل شده در حجرهٔ ملاصق بمسجد عمران

در صحن مرتضوی علیه السلام مدفون گردید و جنازه او را جمع کثیری از اهل کربلا مشایعت و کافهٔ اهل نجف

استقبال نمودند رضوان الله تعالی علیه .

(۶۵) ( شیخ محمد امین آل شیخ اسد الله کاظمی ره )

( المتوفی ایضا سنه ۱۳۳۴ )

احسن الودیعة (ج ۲) (ص ۱۳۳) شیخ محمد امین آل شیخ اسد الله کاظمی برادر شیخ محمد

تقی عالم بارع علامه و جامع کامل فهامه مولع بجمع کتب عارف باسماء و احوال مؤلفین انها بلکه بمقاصد

مندرجه در انها نیز بود واز عادت پسندیده و دأب حمیدهٔ او آن بود که هر کتابیکه میدید انرا از اول تا آخر

حرفا بحرف مطالعه میفرمود بطوریکه چیزی در آن نمیگذاشت که مطالعه نکند و در اثناء مطالعه در حواشی

آن کتاب عناوین متعلقه بآن توضیح بعض عباراتش و بیان آنچه سهوی از مؤلف واقع شده می نوشت



مشایخ نخجوانی از اعلام النجف

در فقه و اصول

مؤلفات آخوند ملا

محمد علی نخجوانی

اطلاع شیخ محمد امین کاظمی ره

بر کتب و مؤلفین انها

واز والد ماجد سلمه الله تعالی کتب چندی استعاره نمود وبخط خود در حواشی آنها عناوینی نوشت وکتب عتیقه وجزوهای متشتته از کتب شتی که اوائل واواخر آنها ساقط شده بود واسامی آنها واسماء مؤلفین و مقدار ساقط معلوم نبود بروی نشان دادند اسامی کتب ومؤلفین ومقدار ساقط از آنها را بیان فرمود. واین فضیلت در حق احدی از علماء نقل نشده که جدّنا الاعلی آیة الله العلاّمة حاج سید میرزا زین العابدین خوانساری والد صاحب روضات وفاضل بارع علاّمه میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض العلماء رضوان الله علیهم

**وفات صاحب عنوان:** در ارض کاظمین علیهما السلام سنه ١٣٢٣ واقع شد ✻

**مؤلف گوید:** سید جلیل علاّمه سید عبدالله سبط سید محدث علاّمه سید نعمة الله جزائری قدس سرهما در اجازهٔ کبیره بر علماء حویزه گوید میرزا عبدالله اصفهانی مشتهر به تبریزی افندی فاضل علاّمه محقق متبحر کثیر الحفظ والتتبع مستحضر باحکام مسائل عقلیه ونقلیه بود دیدم او را در خانهٔ که صغیر السن بودم ووالد ماجدم وعلماء بلد ما از او سؤال واستفاده میکردند وما از کتب عتیقه وجزوهای متشتته از کتب متفرقه بود که اوائل واواخر آنها ساقط وما اسامی آنها واسماء مصنفین آنها را نمیشناختیم والد بزرگوارم آنها را بروی نشان داد پس او اسماء آنها واسماء مصنفین آنها ومقدار ساقط از اول واخر هریک از آنها را بیان فرمود واشباه از اشباه آنهاست صاحب امل الامل اخراج کرد وبخط خود در حواشی نسخهٔ ما که الآن موجود است نوشت ودر اقطار دنیا کثیراً سیاحت کرده بود رحمة الله علیه. ✻

## (٤٩) ( میرزا محمد علی رشتی چهاردهی نجفی ره )

## ( المتوفی ایضاً سنه ١٣٣٤ )

**احسن الودیعه** (ج ٢)(ص ١٢٩) فقیه ربانی وعلاّمهٔ ثانی وعالم زاهد مولینا میرزا محمد علی رشتی چهاردهی نجفی ره از اکابر علماء محققین واعاظم فضلاء راشدین واز اکابر مدرسین سطوح بود در نجف اشرف واغلب فضلاء نجف ببحث او حاضر میشدند وتذکر کرده بود که تدریس سطوح را مثل شرح لمعه وقوانین وفصول ترک نکند ودر آن تسلط تامی داشت واحد مراجع امامیه گشت وحاشیه بر قوانین ورسائل در شرح وقت وقبلهٔ شرح لمعه ورسالهٔ در اصول دین تصنیف فرموده که همهٔ آنها سنه ١٣٢٤ در طهران بطبع رسیده ورسالهٔ عملیه نیز دارد. ✻

**وفاتش:** روز چهارشنبه سلخ محرم سنه ١٣٣٤ چنانچه در سنگ مزارش ثبت است اتفاق افتاد ودر حجرهٔ اخیره از طرف قبله صحن مقدس مرتضوی علیه السلام مدفون گردید. ✻





## (٦٧) ( سید محمد قزوینی حلی ره )

## ( المتوفی سنه ١٣٣٥ )

**ریحانة الادب** (ج ١) سید محمد بن سید مهدی بن سید حسن بن سید احمد قزوینی الاصل حلی المولد وکنیه‌اش ابو المعز نسبش بمحمد بن زید شهید ابن السجاد علیه السلام موصول وجد او سید احمد اولین کسی است که از قزوین بعراق رفته ودر نجف اقامت گزید وجد دیگرش امیر ابو القاسم نیز در عهد صفویه امیر حاج بوده وخود صاحب ترجمه در کودکی ودر بلوغ با دو برادرش میرزا جعفر وسید حسین متوفی در سنه ١٣٢٥ بنجف مهاجرت کرده ومعقول ومنقول را متقن داشته وبرعکس پدر خود تالیفاتش کم وهرچه را که تالیف میکرده بعد از مراجعه وتجدید نظر بتعمیرش مبادرت داده است ونفط منظومهٔ در ارث ورسالهٔ در تجوید ودیوان شعری از او باقی و(هم) نهر حله وتعمیر قبور علماء حله نیز از آثار او بوده وعاقبت در نتیجهٔ اصرار اهل حله باز در سال ١٣١٢ هجری بحله رفته ومورد اکرامات بی‌نهایت تمامی طبقات مردم گردیده تا در سنه ١٣٣٥ هجری در همانجا وفات یافته وجنازه‌اش را بنجف نقل ودر مقبرهٔ آل قزوینی مدفون گردید. ✻

## (٦٨) ( آقا سید مصطفی مجتهد کاشانی ره )

## ( المتوفی سنه ١٣٣٦ )

**مآثر و آثار** (ص ١٦٠) آقا سید مصطفی مجتهد سلمه الله خلف الصدق حاج سید حسین کاشانی ساکن دار الخلافهٔ طهران متوفی سنه ١٢٩٦ فاضلی کامل است وعالمی عامل واز حاج شیخ محمد باقر مجتهد اصفهانی تصدیق اجتهاد دارد ودر ادبیات وفضائل دیگر نیز نزیر النظیر است. ✻

**احسن الودیعه** (ج ١)(ص ٣٠٥) عالم عامل وفاضل کامل زبدة المحققین واسوة الادباء الماهرین مولینا سید مصطفی ابن العالم الفقیه سید حسین کاشانی مولداً والغروی منشأً وتحصیلاً والکاظمی خاتمةً ومدفناً از اکابر علماء متتبعین واعاظم علماء بارعین وافاخم فضلاء ماهرین ودر بین خدا از جملهٔ ناصرین عارف لغهٔ عربیه وفقه ورجال وحدیث بود واو اشعار لطیفی دارد من جمله قوله مخاطباً لامیر المؤمنین علیه السلام: ( نص غدیر خم )

| | |
|---|---|
| انت مولی الوری بما نص خیر الرّ | سل یوم الغدیر فیک جهارا |
| ملاء الخافقین فضلک حتی | لم یجد منکر له انکارا |

**اشتغال وتحصیل او:** عمدهٔ اشتغال او در نجف اشرف نزد اکابر فضلاء بوده ودر آن مکان

شریف ساکن واحد مراجع امامیه بود تا در حرب عظمی با جماعتی از طلاب وجمله از فضلاء اصحاب برای جهاد بارض کاظمین علیهما السلام مهاجرت فرمود وبعد از مراجعت در کاظمین ع ساکن ومرجع اهالی آنجا گشته اقامه نماز جماعت شد واهالی کاظمین ع بر جلالت او مطبق ومتفق بودند . ✳

**ولادت ووفاتش** : درحدود سنه ۱۲۰۰ متولد شده ودر کاظمین علیهما السلام در عشر ثانی شهر رمضان سنه ۱۳۲۴ برحمت حق پیوست ودر یکی از حجرات کشوانیه صحن کاظمین ع که واقع در طرف صحن قریش است مدفون گردید وتمثال شریفش بدینجا است ودر جمال شریفش تشییع عظیمی بعمل آمد حشره الله مع اجداده الطاهرین

---

## (۶۹) ( امام جمعه تبریزی حاج میرزا عبد الکریم آقا )

( اظلمت الارض لقتل امره ) ( شهید سنه ۱۳۳۶ ) ( اخشانه قد ملأ الخافقین )

**انمرحوم** مطابق اسم شریف خود کریم الطبع حسن الاخلاق ناسك متعبد غیور بر حفظ نوامیس شرع وترویج اسلام مجد در قضاء حوائج مؤمنین وکشف کرب ضعفاء وملهوفین در رفع نکبات از طبقات مردم غایت جهد مبذول ودر ازاحه ابتلاآت کافه فقراء ومساکین نهایت سعی معمول میداشت تفرنج وتشبه بر کفار نزد آن بزرگوار مکروه ترین چیزی وتمکین بر بدعت وتسلیم بر ضلالت مبغوض ترین امری الی الصبح که هرگز تحت غاد حکم مسلم وکافری نرفت وبالاخره باعزت وشهامت بسعادت شهادت فایز گردید

**جلالت ومقام رفیعش** : ریاست کبری در تبریز منتهی بمترجم معظم گردید ودر نظر ملوك وامراء مهاب ودر نزد عامه طبقات مردم مطاع بود علاوه براین خصال حمیده وصفات کریمه اولین شخصی بود در ترویج شعائر دینیه ومواکب حسینیه صلوات الله علیه که هرساله در ایام محرم مفصلا ۱۲ روز اقامه عزاء و ۲۲ شب احسان واطعام بر کافه طبقات انام مینمود وبحمد الله تعالی این سنت حسنه وشیوه مرضیه کما هی در احفاد امجاد وخانواده کریمه آن شهید سعید الی یومنا هذا استمرار ومستقر است . ✳

**شهادتش** : یوم پنجشنبه ۸ جمادی الاخره روز نوروز چند ساعت بتحویل مانده سنه ۱۳۳۶ اورا ونجل زکیش بیوك آقا که جوان کریم لایق منصه رفیع ومقام منیع پدر بزرگوارش بود در شارع عام ومنظر خاص وعام با گلوله آتشین از پای درآوردند وجنان یاس وحزن واسف والم برای طبقات مردم وکافه ناس خاصه برای علماء رخ نمود که اعظم از آن مشهود نیفتاده دیگر عیدی ودیدی بعمل نیامد ومردم برحال آن دو مظلوم پدر وپسر گریه وناله نموده بنهایت اظهار تاسف وتاثر کردند . ✳

### ( ومرحوم فقیه اکبر آیة الله العلامة )

آقا میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی قدس سره قصیده نضیده مفصله که مشتمل بذکر اخلاق جمیله ومکارم جلیله



ولادت ووفات کاظمینی علیه الرحمه

وترجمه نجل زکیش حاج سید ابو القاسم کاشانی (ص ۱۱۱) مذکور است ✳

صفات کریمه امام جمعه شهید ره

رفعت مقام وجلالت مرحوم امام جمعه

شهادت امام جمعه ونجل کریمش



ومفاخر حمیده آنمرحوم وفرزند ارجمندش است در رثاء ایشان منظوم داشته اند که کثیری از ابیاتش بدینقرار است :

| | | | |
|---|---|---|---|
| اکذا یهد الکفر دین محمد | والمسلمون بمنظر وبمشهد | ویعیث بالاسلام طارق غده | ادلاح یرمی بالامام الاوحد |
| اودی بمنبع المکارم والهدی | وسلیله الفرع الکریم المحتد | من بیت علم شیدت ارکانه | بمعالم موروثة من احمد |
| ومفاخر قد عانقت صدر السما | فی طلعة کالکوکب المتوقد | یوم السماحة فی انامله الندی | امواج بحر بالنبائل مزبد |
| یا دهر الزمان بطله ذلاکما | بادی الحجج الدجی لتهجد | الدین والدنیا الفتلهما غدا | قفرا کریم المنزل المتابد |
| لله اتی ومن زنیه رزئی الانام | بها بعید بل بوم انکد | من للارامل والیتامی بعده | امر من یقوم بحاجة المستنجد |
| من ذا یعظم للاله شعائرا | فی ارضه ویصونها من ملحد | من ذا یناجی الله فی الظلماء او | من ذا لمحراب الصلوة ومسجد |

## (۷۰) ( آقا سید کاظم آقا طباطبائی یزدی ره )

### ( المتوفی سنه ۱۳۳۷ )

**ریحانة الادب** (ج ۱) وحید العصر علامة الدهر قدوة المحققین والمدققین شمس الفقهاء والمجتهدین عماد الملة والدین حجة الاسلام والمسلمین نبراس حقائق العلوم والمعالم بحر علم متلاطم ودارای فضل متراکم ابو المکارم والمفاخر سید العلماء الافاخم واستاد الاساتید الاعاظم آقای سید محمد کاظم بن عبد العظیم الطباطبائی الیزدی المولد والمنشأ نجفی التحصیل والمسکن والمدفن از طراز اول علماء امامیه عصر حاضر ما که مرجع تقلید اکثر مسلمین اثنی عشری مذهب ورئیس مذهب فرقه محقه وبالخصوص علم فقه جعفریه که سرآمد اکابر فقهاء عصر حاضر ما بوده وحوزه درس ودر نجف اشرف اجمع واوسع وانفع حوزه های مراکز علمیه که محل استفاده فقهاء وافاضل بلاد بعیده بوده ومراتب عالیه فقهیه را با بیانات سهل وساده وعبارت فصیحه بسمع حاضرین درس میرسانیدی . ✳

### شرح حال آن آیة الله العلامة

**ولادت وتحصیلش** : در یکی از دهات یزد متولد وبعد از بلوغ باصفهان رفته ومدتی از آقای شیخ محمد باقر پسر حاجی شیخ محمد تقی ( صاحب حاشیه بر معالم ) واز سید محمد باقر خوانساری صاحب روضات الجنات وبرادر والاگهرش سید محمد هاشم خوانساری صاحب مبانی الاصول که از اجلاء فقهاء وقت بوده اند تلمذ کرده اجتهادا از محل تصدیق ایشان بوده سپس بنجف اشرف رفته واز اکابران ارض اقدس تحصیل مراتب عالیه علمیه دینیه نموده تا آنکه بعد از وفات میرزای شیرازی حاج میرزا محمد حسن سید رئیس جمعی از طلاب علوم دینیه پرداخته ومیبود تا آنکه در قضیه مشروطه قتل اورا تصمیم لیکن رؤساء وشیوخ اعراب نجف خانه اورا محاصره کرده ومساعی جمیله در حفظ وحراست وی بکار بردند وعاقبت



رثاء مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا صادق آقا

مقام فقاهت ورفعت رتبه آقا سید کاظم آقا ره

شرح حال آن آیة الله العلامة

ریاست مذهبی فرقهٔ محقه بطور اکمل بوی مفوض ومسلم عامه گردید .

**تألیفات آن بزرگوار :** ۱ حاشیهٔ مکاسب شیخ مرتضی انصاری که انفس وانفع شروح وحواشی آن کتاب است ودو مرتبه در طهران چاپ شده ۲ رسالهٔ در منجزات مریض ۳ رسالهٔ در احکام ظن در افعال و عدد رکعات نماز واین هر دو نیز در اواخر همان حاشیهٔ مکاسب در طهران چاپ شده ۴ رسالهٔ عروة الوثقی که در رشتهٔ خود بی نظیر ومشهور آفاق در بغداد وطهران وبمبئی ونجف چاپ وخاتم شیخ عباس قمی بفارسی ترجمه کرده وغایة القصوی نامیده است وآن هم در بغداد وبمبئی چاپ شده وعروة الوثقی محل توجه واهتمام هر طبقه بوده وحواشی بسیاری از مراجع تقلید وقت بر آن نوشته اند ۵ رسالهٔ در تعادل وتراجیح که در ۱۳۱۶ در طهران سنگی چاپ شده ۶ کتاب السؤال والجواب که در ۱۳۴۰ در نجف سربی چاپ شده ۷ صحیفهٔ کاظمیه که در ۱۳۳۲ در بغداد سربی چاپ شده ۸ بستان نیاز وگلستان راز که در بغداد سربی چاپ شده وغیر اینها از حواشی و رسائل متفرقه .

**واز آثار خیریهٔ آن عالم ربانی** مدرسهٔ بزرگیست در نجف که احسن مدارس آن بقعة الشرف بوده وتلمیذ عزیز او شیخ علی نازند لانی در تاریخ آن مدرسه گفته :

| تاریخها الابجد ما ابتدا | وفی بیوت اذن الله ان<br>۱۳۲۵ | محمد الکاظم من آل طبا | اسسها بحر العلوم والتقی |
|---|---|---|---|

یعنی حرف واو از جملهٔ وفی بیوت اذن الله .

**تاریخ وفات وترجمهٔ اولاد امجاد آن مرحوم :** در ۲۸ رجب ۱۳۳۷ در نجف وفات ودر صحن مقدس مرتضوی علیه السلام در حجرهٔ در طرف جلوی در طوسی مدفون ودر اکثر بلاد اسلامی مجالس ترحیم وتعزیت اقامه نمودند وسید محمد وسید احمد وسید محسن اولاد امجاد صاحب ترجمه نیز از اجلاء فقهاء بودند ودر عهد والد معظم شان فوت شدند وفرزند ارجمند دیگرش فقیه نبیل آقای سید علی که از کبار علماء شیعه بلکه خود از اعلم علماء امامیه میباشند در جمیع امورات والد معظم خود خلف وی گردید وفعلاً در شمار مراجع شیعه میباشد .

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۱۰۹) بستان نیاز در مناجات فارسیهٔ سیدنا الحجة سید محمد کاظم بن عبد العظیم طباطبائی یزدی نجفی متوفی سنه ۱۳۳۷ انشاء کرده ودر همان سال طبع شده .

## (۷۱) (آقا میرزا یوسف آقا مجتهد تبریزی ره)
## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۳۷)

آن مرحوم عالم فاضل فقیه ورع زاهد ابن الفقیه العالم العابد وحید عصره وفرید دهره میرزا علی آقا ابن العلامة مولی محمد علی قراجه داغی صاحب شرح تبصرة علامه حلی ره مجتهد زاهد تارک دنیا طلق



مصنفات مرحوم آقا سید کاظم آقا

ملک مدرسهٔ نجف وتاریخ بنای آن

تاریخ وفات مرحوم آیة الله یزدی وترجمهٔ اولاد امجادش



اللسان حسن السیرة مرضی النقیبة بوده در علم وعمل وفضل وورع بر اکثر اهل زمان خود فائق وشاعر مجید بوده دیوان شعری در مراثی ومدایح حضرت رسول صلی الله علیه وآله وعترت طاهرهٔ معصومین سلام الله علیهم اجمعین وندبه واستنهاض حضرت حجة عجل الله فرجه ومواعظ ونصایح که بالغ بر هزار بیت میشود دارد .

**تولد وتحصیلش :** سنه ۱۲۷۹ در تبریز متولد وبعد از رشد وتمیز بتحصیل علوم دینیه مولع ودر مدارس علمیه مشغول وبعد از تکمیل علوم عربیه ومنطق وادبیه وجملهٔ از اصول فقهیه سنه ۱۲۹۹ هجریه بروضهٔ علویه علی ساکنها الاف الثناء والتحیة که مرکز علوم دینیه ومجمع مشایخ عظام امامیه بود برای تکمیل تحصیلات خود مهاجرت فرمود وبرههٔ از زمان که بالغ بر دوازده سال وچند ماهی بود در آن مکان شریف اقامت نمود .

**مشایخ مترجم معظم :** از جمله شیخ فقیه ورع ماهر استاد الکل ملا محمد فاضل ایروانی نور الله مضجعه وشیخ فقیه عالم زاهد استاد الاساتید نحریر کامل مؤسس در هر فن شیخ محمد هادی طهرانی صاحب ذخائر النبوة فی الفقه ومحجة العلماء فی اصول الفقه قدس الله تربته الزکیة وجل تحصیلاتش از وی بوده واغلب مؤلفات آن استاد را واستاد عماد را در اصول وفقه وغیرهما را نزد او قرائت نمود تا از هر یکی حقیقت ولب آنرا اخذ فرموده بر قاطبهٔ اقران فائق واز علم بمقصد مرام خویش نائل گردید پس در سنه ۱۳۱۱ به تبریز مراجعت داده مشغول ترویج دین ونشر احکام شرع مبین بتدریس وتالیف گشت .

**اخلاق حمیده وخصال پسندیدهٔ آن مرحوم :** صاحب الترجمه قدس الله روحه شدید الذکاء بعید الغور مفرط الادراک عجیب الفطرة غواص معانی دقیقه بحر علم جبل ادب وحلم مناظر محجاج بود ودر وعظ وارشاد عباد وتخویف وتهدید از عقوبات یوم معاد ید طولی داشت وبا اینکه آن بزرگوار افقه اقران وامام اهل زمان خود ومسابق میدان علم واجتهاد بود واین حرفیست که موافق ومخالف بر آن شاهد ومعاند ومؤالف بحقیقت آن معترف هستند واعظی بود که گوش مستمعین از شنفتن تحذیرش منفلق و فرائص حاضرین در مجالس تذکیرش مرتعد میبود .

**وفات ومدفنش :** سنه ۱۳۳۷ بعزم زیارت مشاهد مشرفه از تبریز بعتبات عالیات مهاجرت فرمود ودر طریق مریض شده یوماً فیوماً شدت کرد تا شب ۱۷ شهر صفر سنهٔ مذکوره ببقعهٔ مقدسهٔ کاظمیه علی ساکنیها الاف الثناء والتحیة وارد شد ودر روز ۱۷ شهر مذکور برحمت حق پیوسته در رواق شریف در حضرت کاظمیه علیه السلام در پنجاه وهشت سالگی مدفون گردید رحمه الله وحشره مع الائمة الطاهرین .

**مؤلفات آن عالم عامل :** کتب ومصنفات متعدده در فنون متفرقه غیر آنچه در فقه تالیف فرموده دارد من جمله کتاب لسان الحق او مظالم المسیحیین فی رد النصاری والتثلیث المطبوعه سنه ۱۳۳۶ ۲ کتاب



تولد وتحصیل مرحوم

مشایخ مرحوم میرزا یوسف آقا مجتهد تبریزی ره

خصال حمیدهٔ صاحب عنوان علیه الرضوان

مؤلفات میرزا یوسف آقا مجتهد تبریزی ره

فی کشف بعض ما یعتقده الکرامیة ٣ کتابی در اینکه بچه جهت علماء اقدام نکرده اند بترجمهٔ قرآن مجید بلغات مختلفه وبیان اینکه این امر غیر مقدور است ٤ کتابی در ابتلاء ائمه علیهم السلام بطرز مخصوصی که احدی در این موضوع بر وی سبقت نگرفته ٥ دیوان مذکور سابقا وغیر ذلک از رسائل دیگر وبندی از کتاب ابتلاء الائمه علیهم السلام ودیوان مزبور در مجلهٔ محرم وقایع ص ٧٠ و ٣٨٠ و ٤٢٣ و ٤٢٤ منقولست فراجع .

واین اشعار را درمنع بعضی از محصلین از انشاء اشعاری که نظم غیر موزون ردی اللفظ سخیف المعنی بجد مش فرستاده منظوم داشته وباین قطعه اورا تنبیه نموده :

| | | | |
|---|---|---|---|
| تلك شعرا ولیته کان نثرا | وقلبت لا الفاظ بطنا وظهرا | لو یکن ذاك فی کلامك نظما | لیت شعری ما کان عندك نثرا |
| یا الذی مقاصد فاخرات | افسدتها الالفاظ ظلما وقهرا | رب بیت فاللفظ مرتحل عنه | الی غیره ومن فر خسرا |
| والمعانی قرن من کثرة الالفاظ | حتی سلکن برا وبحرا | حیث شاهدن انهن من اللفظ | لا یتقین بردا وحرا |
| ما رأت هذه المفاهیم بدا | فغدت تطلب المصادیق نصرا | اذ رأت عرصة المعانی خلیا | ضال بعض علی سواه وفرا |
| غر لفظ منه علی فوق لفظ | فجرین المعنی من التحت جرا | امن العدل منك تبدیل عالی | مستکین بالقاف قد جئت نکرا |
| کیف سقطت تاء باهرة | جئت بالباهر المذکر جهرا | لو تمسکت بالضرورة فی الحذف | فلا تنشئن من بعد شعرا |
| فلما ذا تقول شعرا وتلغی | النفس بالعنف فی الضرورة فخرا | تدعی کلما تخالف حسا | واعتبارا بل الضرورة نثرا |

## (٧٢) حاج میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی ره

## المتوفی ایضا سنه ١٣٣٧

انمرحوم در عهد خود بزرگترین رئیس دینی ودر علم وتقوی وذکاء وفطنت ودقت نظر وکثرت حافظه وسرعت انتقال بی نظیر علاوه بمراتب اجتهاد که مسلم تمام مراجع تقلید عصر خود بود شبههٔ اعلمیت نیز در حق آن بزرگوار مذکور شده که ورقه وسند حکم شرعی صبود که مطالعه بفرماید ایراد واشتباهی در آن ذکر نماید در جرح وتعدیل اهل علم بدون قید وملاحظهٔ قرابت ورفاقت اهل ونا اهل را معین میفرمود گذشته از مقام فقاهت ورتبهٔ اجتهاد حظ وافر ومهارت کاملی در فنون ادبیه وشئون عربیه ومعرفت تواریخ اسلامیه داشت منبر فصیح وبلیغ ومفیدی داشت که فوائد مهمه در بیان عقاید دینیه وآداب شرعیه القاء میفرمود بالجمله نظیر او در قوهٔ حافظه ونقد اخبار وضبط آثار ندیدم جزاه الله عن الاسلام واهله خیر الجزاء وحشره مع اصحاب الکساء .

مشایخ او : آن مرحوم آیة الله کوه کمری وامام مجدد شیرازی ومؤسس ملا علی نهاوندی





رضوان الله علیهم اخذ علوم کرده .

تألیفاتش : تشریح الاصول در تبریز طبع شده رسالة فی مقدمة الواجب کتاب الطهارة رسالهٔ عملیه مطبوع

وفاتش از عالم بی بدیل : در ماه ج ٢ سنه ١٣٣٧ برحمت حق پیوست .

## (٧٣) حاج میرزا مصطفی آقا ابن حاج میرزا حسن آقا مجتهد مذکور قدس سرهما المتوفی ایضا سنه ١٣٣٧

انمرحوم از اعاظم علماء عصر واقاخم فضلاء دهر صاحب مجد اثیل وشرف اصیل کریم النفس رضی الطبع طیب الاعراق زکی الاخلاق در فنون ادبیه وعلوم عربیه خاصه در علمی عروض وقافیه استاد ودر مراتب فضل وکمال وذکاوت کسی از عرب وعجم داد نبود .

زعیم کبیر آیة الله العلامة آقا شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء دامت برکاته در تقریظ او گوید وچندی از ابیاتش بدین قرار است :

| | |
|---|---|
| ترکت سیوف الهند دونك فی الفتك | علی العرب العربا وانت من الترك |
| تبرزت من تبریز دون فصاحة | بها مدنیا قد حسبناك اومکی |
| فکم لك من نظم ونثر تزینت | بنفحهما المسکی کافورة المسك |
| لباب معان یبهر اللب لفظها | فیحسب نظم اللئالی بلا اسلاك |
| ولکن ای المصطفی آیة العلی | اثارت فاثرت الیقین علی الشك |
| فتی زاد ایام الصبا سمك رفعة | تقاصر شأو الشیب عن ذلك السمك |
| وتلقاك قبل الاختبار مهذبا | مخائله تغنی اللبیب عن المسك |

## ( ومترجم معظم در رثاء یوم الطف گوید )

| | | |
|---|---|---|
| رزیة قوم یمموا ارض کربلا | فعاد عبیرا منهم ذالك الترب | اذا نزلوا الاعداء اقفر ربعها |
| وان نزلوا فی بلدة عمها الخصب | اما خوالها والمجد ملاء دروعهم | وکل علی رغم العدی للعلی ترب |
| بکلفهم ابناء هند مذلة | وبوصیهم بالعز هندیة تضب | فاضحی امام المسلمین مجردا |
| وجد افلا آل للدین ولا صحب | فیا لهفة الاسلام فی آل هاشم | مباح علی الرواد منهلة العذب |
| وجسمك مطروحا فترب بالسلب | ووا حربا للدین تما جن حرب | بنفسی یا مولای خدك عافرا |
| | فان جعلوا الخیل صدرك مرکضا | فقد علموا ان المجال لها رحب |

| فان فنیوا تلك الخیام بکفرهم<br>وان برزت تلك الوجوه فانما | فوفرك قدما بین اهل الرجا هب<br>علیها عن الابصار من هیبة نقب |
|---|---|

**مؤلفاتش** : حاشیه بر کفایه در اصول ولی با تمام نرسیده رساله در لباس مشکوك رسائل فقهیه مختلفه ارجوزه در دو علم عروض وقافیه که علامه ابو المجد شیخ آقا رضا بن علامه شیخ محمد حسین اصفهانی او را شرح کرده رساله در عروض رساله در قاعده خطئین حواشی بر لسان الخواص علامه رضی الدین محمد بن الحسن القزوینی رحمه الله رسائل مختلفه در فلکیات وریاضیات . ☼

**وفاتش** : در سال وفات والد ماجدش سنه ۱۳۳۲ برحمت حق پیوست (رضوان الله علیهما) .

## (۷۴) ( شیخ محمد حسن آل کبه ره )

## ( المتوفی ایضا سنه ۱۳۳۷ )

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۲۱۳) علامه کبیر وفقیه شهیر ابو الهادی محمد حسن بن محمد صالح آل کبه وبیت کبه در بغداد از کبار بیوتات قدیمه عریقه در شرف بوده که بیت ادب وعلم وتجارت بود واین شیخ از کبار علماء ما بود که ایشان را درك کردیم ودیدیم واگر بعد از استادش مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد تقی شیرازی ره میماند هر آینه ریاست دینیه با ومنتهی میگشت . ☼

**تولدش** : در شهر رمضان سنه ۱۲۶۹ در کاظمین علیهما السلام واقع شد که پدر رضا الحشر هر سال از بغداد بکاظمیه می آمد مشغول عبادت میشد وصاحب ترجمه بعد از نشو ونما در بغداد تعلم علوم عربیه ومنطق ومعانی وبیان نموده با اشتغال بتجارت ودر سنه ۱۲۹۹ تجارت را ترك کرده بنجف اشرف مهاجرت فرمود وفقه واصول را در خدمت علامه آقا رضا همدانی ره خواند وبرهه از زمان در کاظمین علیهما السلام مانده علم از محقق شیخ عباس حصانی ره اخذ نمود سپس در سنه ۱۳۰۴ با همه اهل بیت خود بسامراء هجرت کرد ودر آن ایام ریاست دینیه بجناب علامه میرزا محمد حسن شیرازی ره مفوض بود پس ببحث ودرسش خاص وملازم گردید پس از آن بملازمت خلیفه اعلم واورع میرزا محمد تقی شیرازی ره قیام نمود وبعد از مهاجرت استاد معظمش باورض کاظمیه او نیز با همه اهلبیت خود مراجعت وزاویه خمول اختیار کرده ومشغول مطالعه تصنیف وتدریس عبادت گردید در فقه واصول وغیرهما کتب کثیره تألیف فرمود وبا این حال بود تا در اوائل شهر رمضان سنه ۱۳۳۶ بنجف اشرف مهاجرت وبعد از چند روزی از ورود مریض شده بعالم بقا شتافت وتشییع عظیمی در جثمان شریفش بعمل آمد ودر عراق ماتم عدیده اقامت شد واشعار کثیره منظوم داشته که بسیاری از آن در دیوان معاصرش علامه سید محمد سعید حبوبی در کتاب عقد مفصل سید حیدر حلی مذکور است ومترجم معظم را مکتبه جیده کبیره عظیمه بود مشتمل





بر انواع کتب خطیه ومطبوعه که ورثه اش بعد از وفات او فروختند وجمله از آنها را ما اگر فتیم که در پشت آنها خط شریفش بود وانمرحوم از علامه حاج میرزا حسین نجل عبد صالح حاج میرزا خلیل طهرانی واو از برادرش علامه حاج ملا علی از مشایخ عظام قدست اسرارهم روایت میکند . ☼

**مؤلف گوید** : چندتن از اکابر فرقه امامیه دارای مکتبه کبیره عظیمه بوده‌اند . ☼

ما در اینمقام بجهة رعایت اختصار اقتصار بذکر یکی از آنها مینمائیم : ☼

**آثار الشیعة الامامیة** کافی الکفاة ابو القاسم اسماعیل بن حسن بن عباد طالقانی اول کسی وزیری است که بصاحب ملقب شده است زیرا از هنگام طفولیت با مؤید الدوله دیلمی مصاحب بوده وبدینجهة بصاحب ملقب گردید واو دارای کتابخانه بسیار عالی نفیسی بوده که از انواع کتب نفیسه نافعه نادره تشکیل بیافت چنانچه خود صاحب در وصف کتاب اغانی راجع بکتابخانه خویش اظهار میداده که در کتابخانه یکصد و هفده هزار مجلد کتب نفیسه موجود میباشد . ☼

**مجلد دوم نامه دانشوران ناصری** از خود صاحب روایت کرده که گفت ولقد اشتملت خزائنی علی مائتی الف مجلد وسبعة عشر الف مجلد خزانه کتب من شصت وسیصد هزار مجلد وهفده هزار مجلد سمیر وانیس من کتاب اغانی است . ☼

**مقدمه مدینة المعاجز** : ویحکی عن الصاحب بن عباد ان کتبه تحتاج الی سبعمائة بعیر والصاحب بن عباد نقل شده که کتبش محتاج بهفت صد بار شتر بود تا این هذه الکتب وعالموها واین آثارها ورسومها یعنی کجاست این کتب وعلماء آنها وکجاست آثار ورسوم ایشان . ☼

**روضات الجنات** الصاحب الکافی والمحب الصافی حمید الوزراء وحید النظراء صدر الشرف وتاریخ المجد وغرة الزمان وینبوع العدل والاحسان کانت ایامه للعلویة والعلماء والادباء والشعراء وحضرته محط رحالهم وموسم فضلائهم ومترع آمالهم . ☼

| وان قبیصا خیط من نسج تسعة | وعشرین حرفا من معالیه قاصر |
|---|---|

عون بن حسین تمیمی گوید روزی در خزانه خلعت صاحب بودم در دست حساب کاتب خزانه که صدیق من بود دیدم که در آن زمستان هشتصد وبیست عمامه خز از برای علویین وفقهاء وشعراء داده بود ودر لیالی ماه صیام هر شبی خانه او خالی نبود از هزار روزه دار که افطار کنند در آنجا وکسی نبود که در ماه رمضان بعد از عصر بمنزل صاحب داخل شود مگر آنکه بعد از افطار بیرون میآمد کانتمن کان وصلات وصدقات وقربات او در تمام ماه مقابل صلات سایر شهور سنه بود وجمله از اکابر فضلاء معتمدین

مثل سید رضی الدین بن طاوس در کتاب کشف الیقین بتشیع رجالات قد رحمن اعتقاد صاحب بن عباد در حق ائمہ طاهرین سلام الله علیهم اجمعین نص فرموده اند و بعضا معالم العلماء اورا از شعراء مجاهرین اهل بیت علیهم السلام شمرده و ملا محمد تقی مجلسی بر حواشی نقد الرجال اورا وصف کرده بکونه من افقه فقهاء اصحابنا المتقدمین والمتاخرین .

## (۷۵) (آقا میرزا فضلعلی مجتهد تبریزی ره)

## المتوفی ایضا سنة ۱۳۳۷

**مطارح الأنظار** (ص ۱۵۴) جامع المعقول والمنقول آقا میرزا فضلعلی مجتهد تبریزی ولد مرحوم العالم النحریر حاج میرزا عبد الکریم ملاباشی آذربایجان است ولادتشان در سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت و بعد از تکمیل مقدمات در تبریز عمده فقه و اصول را در محضر والد ماجد ابن بند مؤلف میرزا محمد حسن مجتهد زنوزی اعلی الله مقامه تحصیل نموده بعد بعتبات عالیات مشرف شد و در آن بلاد رنجها برده و بمرتبه اجتهاد رسیده و از شیخ زین العابدین مازندرانی و شیخ محمد حسین کاظمینی و ملا محمد مشهور بفاضل شرابیانی و شیخ علی یزدی حائری مجاز گردیده عالمی است بی بدل و مجتهدی بی تکلف و خالی از خلل محفلش مرجع انام است و مجلس افادتش فیض بخش فضلای اعلام . ✳

**مؤلفات مترجم معظم** : از اخبار در معقول و منقول تالیفات زیاد است که بعضی از آنها اکتفا میرود ۱ شرح قصیده عینیه حمیریه ۲ مصباح الهدی فی حقیقة التقیة والبداء ۳ رساله در احکام وبا و بعضی تجربیات آن ۴ کلید دانش در صرف بفارسی ۵ ریاض الازهار که جاری مجرای کشکول است در دو مجلد ۶ رساله در امر با علم بانتفاء شرط ۷ رساله در منجزات مریض ۸ حدائق العارفین و غیره گاهی که شعر میگویند صفا تخلص مینمایند . ✳

## (از اوست در وصف حضرت امیر صلوات الله علیه)

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ✳ | خواهی که اگر ببینی آیینهٔ ذات<br>اندیشهٔ عقل کی بکنهش برسد | ✳ | بنگر ز علی ظهور اسماء صفات<br>هیهات از این خام خیالی هیهات | ✳ |

**مؤلف گوید** : نسخهٔ شرح قصیدهٔ عینیهٔ حمیری بخط شریف خود مؤلف مرحوم نزد حقیر موجود است و در مجلد ضیام از کتاب وقایع الأیام قسمت کثیری در حواشی از ص ۴۸۲ نقل کرده ام . و مجلد اول حدائق العارفین الجامع لما فی الکافی و من لا یحضره الفقیه والتهذیب والاستبصار والوافی والبحار والوسائل و مستدرک الوسائل من الاخبار باسانیدها والبیانات والآیات المناسبة للأبواب بتمامها مع تفسیرها





و فوائد اخری بزیور طبع متحلی گشته ✳

**دانشمندان آذربایجان** (ص ۲۹۸) میرزا فضلعلی تبریزی خلف حاج میرزا عبد الکریم ایروانی الأصل تبریزی المسکن از علما و فضلاء آذربایجان بوده در سنه ۱۲۷۸ در تبریز تولد یافته و در سنه ۱۳۳۷ داعی حق را لبیک گفته است تالیفات زیادی دارد من جمله حدائق العارفین بجامعیت آیات و اخبار باتفاسیر و شرح آنها که در ابواب کتاب کافی و من لا یحضره الفقیه و تهذیب استبصار و وافی و بحار و وسائل الشیعه و خاتمه حاوی مقدمات کتب مزبوره با بحثی در ذکر کتب اسلامیه خاصه شیعه و امامیه در چند مجلد ولی نسبت مجلدات راجع بابات ناتمام مانده و ریاض الازهار که سفینه و کشکول مانند است در سه جلد و سفرنامه اروپا و دیوان اشعار عربی و فارسی میباشد . ✳

## (۷۶) (آقا میرزا محمد تقی شیرازی رحمه الله)

## (المتوفی سنة ۱۳۳۸)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۲۳) عالم محقق و فقیه مدقق مولینا و شیخنا میرزا محمد تقی شیرازی قدس الله سره الشریف و نور مرقده المنیف فقیه کامل و زاهد عابد و ورع تقی و مهذب نقی و مجتهد احتیاط بود ریاست عامه بعد سیدنا العلامة الطباطبائی صاحب العروة الوثقی در عراق بلکه در کثیری از بلاد شیعه

**مؤلفاتش** : بتالیفی از وی واقف نشدم مگر بتعلیقه کبیره بر مکاسب شیخنا الانصاری در دیوان که در طهران سنگی مشتمل بر ۲۱۵ صفحه طبع شده . ✳

**مشایخ او در قرائت** : غالب تلمذش در فقه و اصول خدمت علامه میرزا محمد حسن شیرازی بوده و بعد از استادش در سامرا برای طلاب مدرس و حید و برای جمعی از مردم مرجع موثق گردید سپس با تلامیذ خود از سامرا به کاظمین علیهما السلام هجرت فرموده و برهه از زمان در آن مکان شریف اقامه جماعت و تدریس بعد بارض حائر طاهر مشرف و در آنجا اقامت تا در ایام ثوره عراقیه بداعی حق اجابت بنمود . ✳

**تلامیذش** : جمع کثیری از علماء مجتهدین و فضلاء مبرزین در خدمتش تلمذ نموده اند من جمله علامه کبیر شیخ محمد حسن آل کبة بغدادی که انتقال نمود کور شد از جمله سیدنا الاعظم میرزا هادی نجل عالم ربانی حاج سید علی حسینی خراسانی حائری ادام الله بقاه و من کل مکروه وقاه و تلامذه دیگر غیر از این دو نفر برای صاحب عنوان هست . ✳

**الکنی والألقاب** : (ج ۳) شیخ اورع حجة الاسلام میرزا محمد تقی بن غارف کامل حاج میرزا محبعلی شیرازی در شیراز متولد و در حائر شریف نشو و نما و نزد مولی محمد حسین الشهیر بالفاضل الاردکانی بحث

کمال و براعت رسیده و در اوائل مهاجرین با صدیق و شریک بحث خود علامه سید محمد فشارکی اصفهانی بنا بر اراء مهمه واراء عاظم تلامیذ آیة الله الشیرازی بلکه از ارکان بحث او گشت پس در عسکریین مجاور و بوظائف افتاء قیام و ترتیب علماء اهتمام فرموده و از مجلس بحث و جمله از مجتهدین عظام بیرون آمد ✳

**تالیفات این عالم فرید** : برای او کتب کثیره هست از آنجمله شرح منظومه رضاعیه سید صدر الدین عاملی وقصائد فاخره در مدایح عترت طاهره سلام الله علیهم سید اجل سید ابو محمد حسن صدر صاحب تکملة امل الآمل گوید من بیست سال با وی معاشرت کردم زلتی از وی ندیدم وخصلتی از وی انکار نکردم دوازده سال با وی مباحثه نمودم بجز انظار دقیقه وافکار عمیقه وتنبیهات رشیقه چیزی ندیدم ✳

**رجال اوردبادی** آقا میرزا محمد تقی ابن الحاج میرزا محمد علی متخلص در شعر خود به گلشن ۱۲۵۶ در شیراز متولد و در سنه ۱۲۷۱ باپدر و برادرش علامه میرزا محمد علی بکربلاء مشرفه مهاجرت و ساق الکلام بمثل ما ذکر

**وفات مترجم معظم** : میفرماید در ۳ ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۳۸ در حائر شریف بعد از هجرت از سامراء برحمت حق پیوست وقبر شریفش در صحن حسینی مقدس نزد لف زاوین است وکثیری از مباحث فقه و در شان درخلال رساله در صلوة جمعه شرح منظومه رضاعیه وحواشی بر مکاسب نوشته ومتقلد ریاست دینیه عامه گردید شکر الله الدین والعلم والسیاسة ✳

**احسن الودیعه** در کربلاء تشییع عظیمی بر جنازه اش واقع شد و بازارها بسته ورایات واعلام عزاء بلند گشته وضجه از خاص وعام برخاسته ودسته ها سینه زنان بیرون آمدند وشیخ فقیه ربانی شریعتنا اصفهانی قدس سره درحین وفات مترجم مرحوم در نجف اشرف بود فوراً بواسطه اتوموبیل بفاصله دو ساعت تقریباً اورا آوردند بر جنازه اش نماز بگذارد اعلی الله مقامه ورفع فی الخلد اعلامه ✳

**مؤلف گوید** : درباب تاریخ وفات مرحوم آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی اشتباه عظیمی بر صاحب احسن الودیعه آیة الله تعالی واقعشده زیراکه فرموده وفاتش در عشر اول ذی الحجة سنه ۱۳۳۹ واقع شد ومرحوم آیة الله شریعت اصفهانی از نجف آمد بر جنازه اش نماز بگذارد وحال آنکه آقای شریعت در شب یکشنبه ۸ ع ۲ سنه ۱۳۳۹ برحمت حق پیوسته پس صحیح آنستکه علامه اوردبادی وصاحب ذریعه فرموده اند که وفات مرحوم شیرازی در سنه ۱۳۳۸ واقعشده چنانکه نقل کردیم ووفات مرحوم اصفهانی در سنه ۱۳۳۹ چنانچه مذکور میشود انشاء الله تعالی .

## (۷۷) (آیة الله شریعت اصفهانی ره)

### (المتوفی سنه ۱۳۳۹)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۲۱۱) مولینا وشیخنا حاج شیخ فتح الله بن محمد جواد اصفهانی





المشتهر بشیخ الشریعة از اعیان اهل فضل وکمال واکابر ارباب معرفت وافضال کثیر الاطلاع در فنون عدیده واسع الباع در علوم متفرقه عظیم الحافظه بود بحیثیتی که قوه حافظه اش از خوارق عادات وعجایب اتفاقات شمرده میشد لطیف المحاوره جید المحاضره عارف برجال وتفسیر وفقه واصول وکلام بود وعلامه در اصول ومحقق در معقول ومنقول بود واصلش از شیراز از طایفه که معروف بنمازیه بودند ومنسوب است باصفهان که در آنجا نشو ونما یافته ✳

**مولد ومنشأ آن عالم یگانه** : در سنه ۱۲۶۶ متولد وجل تحصیلات واشتغالش در دار السلطنه اصفهان نزد علامتین اعلمین ابنین شیخین عمی ووالد ماجدم صاحب روضات ومبانی الاصول بود پس منتقل بعتبات عالیات ومشغول بحث وتدریس گردید وبعد از علامه میرزا محمد تقی شیرازی ریاست تقلید ومرجعیت مطلقه بوی مفوض گشت ولی باتمام نرسید وبعد از شش ماه برحمت حق پیوست ✳

**مؤلفاتش** : ۱ رساله در قاعده طهارت ۲ رساله در تفصیل جلود سباع وغیرها ۳ رساله در ارث زوجه از ثمن عقار الی غیر ذلک از رسائل فقهیه واصولیه ورجالیه وحواشی بر رسائل علمیه وکتب

**مشایخ او در روایت** : دو عم معظم مذکور ووالد ماجدم واجازات او برای علماء عصر خود مشحون ومملو است بذکر واسم این دو بزرگوار وحجت کبیر سید مهدی قزوینی رضوان الله علیهم . ✳

**وفات ومدفنش** : در سنه ۱۳۳۹ در نجف اشرف وفات یافته ودر یکی از حجرات مقدسه مرتضویه علیه السلام مدفون گردید ودر بلاد اقامه عزاء ومجالس ترحیم برپا وکافه عباد بفقدانش تأسف خوردند اعلی الله مقامه وحشره مع الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین . ✳

**رجال اوردبادی** آیة الله شیخ الشریعه در اصفهان نزد علمین مولی محمد علی اصفهانی ومولی عبد الجبار خراسانی که هر دو از حسنات دهر بودند ومولی احمد سبزواری ومولی محمد صادق تنکابنی ومدتی خدمت علم کبیر شیخ محمد باقر بن شیخ محمد تقی صاحب الحاشیه تلمذ کرد . ✳

**مشایخ اجازه آن عالم فرید** : از صاحب روضات وار از پدرش میرزا زین العابدین از حجة الاسلام رشتی اصفهانی وسید الضوابط وشیخ محمد قاسم بن محمد نجفی شارح الشرایع رحمهم الله روایت میکند واز اصفهان بنجف اشرف مشرف شده خدمت آیة الله شیخ محمد حسین کاظمی قدس سره تحصیل وتکمیل کرد . ✳

**مؤلفاتش** : علاوه بر سه رساله مذکوره ۴ رساله فی قاعدة الضرر ۵ صیانة الابانة عن وصمة الرطانة ۶ رساله فی المتمم کراً ۷ انارة الحالك فی قرائة ملك ومالك ۸ رساله فی مناظرته مع محمود شکری افندی الالوسی ۹ رساله فی الصحاح الست ۱۰ رساله فی قاعدة الواحد البسیط ۱۱ رساله فی العصیر العنبی ۱۲ تعالیق علی الفصول . ✳

**وفاتش** : منقلد زعامت دینیه عظمی گردید ولی آخر عمر کلمه منحصر با و گشت ولی طولی نکشید قضاء حتمی در رسید و در شب یکشنبه ۸ ع ۲ سنه ۱۳۳۰ بجنان جاوید خرامید وانمرحوم از اول امر حوزه بحث عامر مشحون از چند صد فاضل علماء داشت ❋

## سفر حج ومناظرهٔ او با سید محمود شکری الوسی بغدادی

در سنهٔ ۱۳۱۳ ارادهٔ حج بیت الله الحرام و زیارت قبر رسول الله وائمهٔ اطهار علیهم السلام نمود و در خلال این احوال با جماعتی از اعاظم علماء جمهور از اهل سنت و جماعت اجتماع ومباحثه با ایشان در جملهٔ از مسائل اتفاق افتاد و تعجب کردند از احاطهٔ او بمسائل تا برگشت بنجف اشرف واو در امنزلت عظمی در روایت ونقد شعر و مکانت کبری در محاضرات داشت ومناظرات او با سید محمود شکری الوسی بغدادی معروف واو رسالهٔ در رد مذهب شیعه بدو فرستاد بلی انمرحوم برگردید نمود والوسی دوباره برد رد کرد ومترجم معظم باز برد رد نوشت جزاه الله عن الاسلام واهله خیر الجزاء ❋

**الذریعه** (ج ۲) (ص ۳۵۳) انارة الحالك فی قرائة ملك ومالك در سورهٔ فاتحه وترجیح اول بر دوم بیست وازده وجه بعد از طی ده مقدمه تصنیف شیخنا الاستاد میرزا فتح الله بن محمد جواد شیرازی نمازی الشهیر بشیخ الشریعة الاصفهانی النجفی المتوفی بها سنه ۱۳۳۹ کتاب مبسوط جلیلی است قریب دو هزار و سیصد بیت اولش الحمد لله الذی انا اظهر بینات وابهر حجج واودع فینا قرآنا عربیا غیر ذی عوج ودر قم صفر سنه ۱۳۲۳ از وی فارغ شد وخاتمه برای قرار داده که ذکر فرموده در آن آنچه که اهل سنت در کتب خود اخراج کرده از احادیث تحریف بعض تنقیص آیات نازله قرآن ودر آن خاتمه ذیلی مشتمل بر پنج فایده که هر یکی محتوی بر فواید علمیه مفیده که اغلب آنها مبتکر انست پرداخته ❋

## (۷۴) (حاج شیخ محمد حسین مازندرانی رحمه الله)

### (المتوفی ایضا سنه ۱۳۳۹)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۱۹) مولینا حاج شیخ محمد حسین نجل زکی مرحوم آیة الله حاج شیخ زین العابدین مازندرانی قدس سرهما اعلم وافضل برادران خود بود بلکه او با ایشان قیاس نمیشود زیرا که در مدرس او که مشتمل بر تحقیق وتدقیق بود علماء وفضلاء از هر فج عمیق وقریب وبعید بحث او حاضر میشدند والحق در غورت عراقیه علامی جلیل خود در وجوه شیعه سفید کرد ومن مکر بنجف مدتی ومشرف شدم ام وان بزرگوار حسن الخلاق والخلق وعظیم الهمة بلکه آیتی بود در اخلاق وبعد از وفات والد ماجدش مرجعیت تقلید بوی رسید واو عالم نبیل وزاهد جلیل ومجتهد اصولی حسن المشرب الماکل ...ی وجون در حایر طاهر مریض شد کاه





او فوراً برای معالجه اطباء بغداد بکاظمین علیهما السلام آوردند و در روز دوم آنجا ماند بداعی حق اجابت نمود و در دو روز وفاتش بخط خود تاریخ گذاشتم که صباح روز چهارشنبه دوازدهم شوال سنه ۱۳۳۹ در سن شصت و شش سالگی بود وبازارها بسته ومردم با اصنافهم وطبقاتهم تا خارج بلد به تشییع جنازهٔ او بیرون رفتند وجنازهٔ او بواسطهٔ اتوموبیل بحایر طاهر نقل واهالی کربلا بطبقاتهم تا چهار فرسخ با ناله وشیون وفغان استقبال کرده ودر حجرهٔ که در پیشاروی باب قاضی الحاجات صحن مقدس حسینی علیه السلام واقع است دفن کردند و تمثال او وتمثال والد ماجدش نیز در آنجاست اعلی الله مقامهما ورفع فی الخلد اعلامهما ❋

## (۷۹) (آقا سید مصطفی کاظمی ره)

### (المتوفی ایضا سنه ۱۳۳۹)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۲۳) سید عالم جلیل سید مصطفی نجل زکی سید ابراهیم کاظمی الحیدری رضوان الله علیهم سید جلیل وورع نبیلی بود کرارا باوی مجالست ومرارا ملاقات کردم کتابی در علائم ظهور امام غائب عجل الله فرجه موسوم به بشارة الاسلام تالیف ودر مطبعة الآداب بغداد سنه ۱۳۲۲ طبع وایضا در سوریا بحذف الاسانید طبع شده ❋

**وفاتش** : چنانچه بخط خود در پشت کتاب بشارة الاسلام نوشته ام ظهر روز جمعه یازدهم شهر رمضان سنه ۱۳۳۶ واقع ودر مقبرهٔ الحیدر که در صحن مقدس کاظمی علیه السلام است مدفون گردید ❋

**الذریعه** (ج ۳) (ص ۱۱۵) بشارة الاسلام فی علامات المهدی علیه السلام واحواله تالیف سید مصطفی بن سید ابرهیم بن علامه سید حیدر الحسنی الحسینی الکاظمی در دو جزء جزء اول که در علائم ظهور است سنه ۱۳۲۱ طبع شده وجزء دوم را که در سیرهٔ واحوال واصحاب حضرت حجة علیه السلام است نزد مؤلف بخط او دیدم ❋

**مؤلف گوید** : در باب تاریخ وفات مترجم معظم برای صاحب ذریعه سلمه الله تعالی اشتباهی واقع شده که فرموده سنه ۱۳۳۶ است زیرا که صاحب احسن الودیعه اطال الله بقائه که اهل ولایت وجلیس صاحب عنوان است میفرماید که وقت وروز وماه وسال وفاتش را بخط خود نوشته ام که سنه ۱۳۳۹ است ❋

## (۸۰) (شیخ مهدی جرموقی کاظمی ره)

### (المتوفی ایضا سنه ۱۳۳۹)

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۱۸۳) عالم ربانی وفاضل صمدانی مولینا وشیخنا شیخ مهدی بن مرحوم حاج ابراهیم جرموقی خراسانی کاظمی وجرموق قریه ایست از قرای خراسان واین شیخ از کبار علماء کاظمین علیهما السلام

ماهر در علوم عربیه کامل در فنون عقلیه مجتهد در قواعد فقهیه واصولیه بود بمنزل ما غالبا تشریف می آورد
ومن فوائد کثیره ازوی اخذ کرده ام سنه ۱۲۷۲ در کاظمیه متولد و فجأة ظهر روز چهار شنبه دوازدهم شهر ذی الحجه
سنه ۱۳۳۹ برحمت حق پیوست و فورا بواسطهٔ اتوموبیل بنجف اشرف نقل گردید و در مقبرهٔ وادی السلام مدفون شد
واز علماء واعیان وکبراء آن بلدهٔ طیبه تشییع عظیمی برجثمان شریفش واقع گردید . ☼

**مؤلفاتش :** شرح کفایة الاصول ورسالهٔ کبیره فی ان المتنجس ینجس اولا ورد برسالهٔ مسمی خود حاج شیخ
مهدی خالصی ره نوشته ونسخه ازآن نزد ما موجود است وهنوز طبع نشده ودیوان شعری از نظم خود وآن مرحوم در نظم
شعر والغاز مجد بود واوراغیر از این کتب حواشی سنیه برکتب علمیه هست که هنوز تدوین نشده . ☼

## (۸۱) (حجة الاسلام حاج میرزا علی آقا مجتهد تبریزی ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۴۰)

آن مرحوم قطین مشهد الرضا علیه الاف التحیة والثناء ودفینه وعالم محقق بصیر وفاضل مدقق خبیر
بود بدر سماء الافاضة وشمس فلك الافادة درة بحر الفضائل وغرة اصل الدلائل نادرة العصر وباقعة الدهر
صدیقنا الاعظم الاکرم وسمینا الأجل الأفخم نفسا ووالدا ومولدا الحاج میرزا علی آقا مجتهد تبریزی ابن
المولی عبد العظیم رضوان الله علیهما عالم کامل فاضل عامل متتبع جامع متبحر بارع تقی نقی مترفق متواضع
صاحب خلاق زکیه رضیه واعراق طیبه بهیه بوده این شرح بی نهایت کرحسن روی گمم خریست از هزاران کاندر عبارت آمد

**مجاری احوالش :** بعد از تکمیل مقدمات ومبادی بفضل خداوند تعالی نعم وابادی از تبریز
بنجف اشرف علی ساکنها الاف التحیة والتحف مهاجرت فرمود وپس از آنکه بتصدیق اساطین عظام واجازه
اساتید اعلام بمرتبهٔ اجتهاد بالغ وبملکهٔ استنباط نایل گردید به تبریز مراجعت نمود وبرهه از زمان در وطن
مالوف وقوف کرده پس بتوفیق شامل حال سعادت مآل آن عالم فرید گردید بارض اقدس رضویه علی ساکنها الاف
الثناء والتحیة هجرت فرمود وسنین کثیره در آن مکان شریف مشغول تدریس وتبلیغ احکام گشت . ☼

**وحقیر** در آن مشهد مقدس شریف کرارا بخدمتش رسیدم فوجدته بحرا المطاما لا تدرك سواحله وبرا
واسعا لا تطوی مراحله متفننا فی العلوم ومتبحرا فی الفنون ما من علم الا وقد حل فی احماقه ولا من فن الا وقد شرب
من عذب رموز غاقه واورا دریای بی پایانی دیدم که موج میزد وبیابان وسیعی که مراحلش پیدا نبود در هر علم و
فنی ماهر وبرهر موضوع ومحمولی قادر بود ویلوح تبحره فی علم الکلام وتضلعه فی فن الحکمة من تصنیفه النفیس
الموسوم بذخیرة المحشر فی شرح الباب الحادی عشر خصوص در علم کلام وحکمت که تبحر وتضلعش در این دو علم شریف
از تصنیف منیف دموسوم بذخیرة المحشر که صاحب ریعه بین در ذیل شروح باب حادیعشر در جلد ۱۳ ص ۶



مؤلفات شیخ مهدی ... جمع و کاظمی
اجتهاد صاحب ترجمه
وصف کتاب ذخیرة المحشر



ذکر فرموده معلوم میشود در حقیر نسخهٔ اصل وبخط شریفش در تبریز دیده وبنده ای از غرر فوائد مهمه اش انتخاب
وشطری از درر فرائد بهیه اش التقاط نموده ام وآن کتاب ظریف نفیسی است محتوی بر مقاصد جلیله کلامیه
وفوائد مهمهٔ اصولیه والآن در خزانهٔ کتب صدیقنا الاکرم العالم النحریر العلامة آقا میرزا محمد علی اوردبادی
اطال الله بقائه در نجف اشرف موجود است اوله الحمد لله الواجب وجوده الواصل لکل موجود جوده وزسنه ۱۳۳۰
از تالیفش فارغ شده وله قریحة ساجیة فی نظم الابیات العربیة ونفیسة صافیة فی تنضید الاشعار الفارسیة
واورا طبع روشنی در نظم ابیات عربی وذهن صافی در عقد اشعار فارسی داشت وحقیر کثیری از آنها را در ارض اقدس
رضویه علی ساکنها الاف الصلوة والسلام در مکتبهٔ آن مرحوم نوشته ام من جمله این مخمس است :

| | |
|---|---|
| یا زائر الرسول الله بضعته | وقاصد الغریب الطوس تربته |
| ان جئت قل اذا شاهدت قبته | یا قبر طوس سقاك الله رحمته |
| یا ذا ضمنت من الخیرات یا طوس | |
| یا بقعة نور رب العرش غاب بها | ووفدها کل خیر قد اصاب بها |
| وربنا دعوة الداعی استجاب بها | طابت بقاعك فی الدنیا وطاب بها |
| شخص ثوی بسناء اباد مرموس | |
| شخص اضاء علی الافاق مبهجه | شخص انار علی الاقطار منهجه |
| شخص عظیم علی الایام مفجعه | شخص عزیز علی الاسلام مصرعه |
| فی رحمة الله مغمور ومرموس | |
| الله طهره قدما ومکنه | من کل رجس وللتفضیل عینه |
| وللهدی قبل خلق الخلق کونه | یا قبره انت قبر قد تضمنه |
| علم وحلم وتطهیر وتقدیس | |
| یا مشهد الاذن المولی لرفعته | وشارع الملاء الاعلی لخدمته |
| واستغفرت جبهة العلیا بتربته | فخرا بانك مغبوط بجثته |
| وبالملائکة الأطهار محروس | (الابیات) |

**ومرحوم فیلسوف الدوله** میرزا عبد الحسین خان زنوزی الاصل تبریزی المسکن مشهدی
الدفن که بمخمس برکن الحکماء ملقب از اعاظم الحکماء عصر خاصه صاحب کتاب مطارح الانظار طاب ثراه در تاریخ تبریز
در ترجمهٔ ملا ابهر علی تبریزی خوئی متخلص به فدوی گوید انقصایهٔ مشهوره عربیه او آن قصیده ایست که در مدح میرزا بشیر



مهارت و رضا حسن عنوان در نظم اشعار عربی و فارسی

علیه السلام ساخته ومطلعش این است : ما علی بشر کیف بشر ربه فیه تجلی وظهر

معروفست که بعد از ساختن قصیده نامبرده حضرت رسالت صلی الله علیه وآله را در خواب دید که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هم در حضور مبارکش ایستاده پس حضرت رسول بملا مهر علی فرمودند مدیحه که در مدح پسر عم من گفته بخوان ملا مهر علی شروع بخواندن کرده وهمینکه مصرع اول را فرو خواند آنحضرت نیز سه مرتبه فرمودند کیف بشر کیف بشر کیف بشر .

(ولهُ ایضاً فی تخمیس قصیدة ملا مهر علی الخوئی رحمهما الله تعالی)

| | | | |
|---|---|---|---|
| فی علی حار عقلی وحسر | فی علی طار قلبی ونفر | فی علی ضل قوم وکفر | ما علی بشر کیف بشر |
| | ربه فیه تجلی وظهر | | |
| اولضوء الشمس شأن وبهاء | اولنور البدر قدر وعلاء | قال من غیر جدال ومراء | هو والمبدء شمس وضیاء |
| | هو والواجب نور وقمر | | |
| هو وجه الله للابرار | ولسان الله فی الاسرار | هو جنب الله فی الاسحار | اذن الله وعین الباری |
| | یا له صاحب سمع وبصر | | |
| اقرب الخلق الی الله ولا | یشبه القرب بما قد مثلا | قال فی التمثیل قولا اکملا | ما هو الله ولکن مثلا |
| | معه الله کنار وحجر | | |
| جوهر القدس عظیم العظماء | معدن الفیض کریم الکرماء | خلق الحق بارض وسما | علة الکون ولولاه لما |
| | کان للعالم عین واثر | | |
| نعم کان لارباب الصلاح | نعم کان لاصحاب الفلاح | عجب فی شانه الضدان لاح | اسد الله اذا صال وصاح |
| | ابو الایتام اذا جاد وبر | | |
| جبل الهدی منه علوم | وسحاب لعطایاه عموم | وسماء فیضها الخلق بدوم | فلک فی فلک فیه نجوم |
| | صدف فی صدف فیه درر | | (الابیات) |

ودر سنه ۱۳۰۰ در ارض اقدس رضوی صلوات الله علیه بروضه رضوان خرامید نور الله مضجعه بانوار رحمته وسقاه بشآبیب لطفه ومغفرته .

## (۷۸) (ملا محمد حسن بن ملا قنبر علی زنجانی ره)

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۴۰)

زهر الریاض : مولی محمد حسن بن ملا قنبر علی زنجانی المتولد فی ۱۷ ع ۱ یوم الخمیس سنه ۱۲۵۶







والمتوفی فی حدود سنه ۱۳۴۰ مؤلف کتاب انیس الطلاب که شطری از تراجم علماء زنجان را از وی نقل کردیم او را غیر از این کتاب مؤلفات دیگری نیز هست من جمله لوایح الادلة فی نوایح العدلیة تبیان البیان فی قواعد القرآن روشن ضمیر فی شرح دعاء جوشن صغیر قسطاس المقادیر ومقباس المعاییر فی الموازین الشرعیة توضیح المشکلات فی النحو والصرف والعروض منهج الرشاد فی شرح ارشاد المفید ره قنوان صنوان فی شرح نصاب الصبیان فرائد محمدیه فی التجوید منظومه تصریف الزنجانی ۳۰۰ بیت ودر باب علم جد اکید وکد شدید بعمل آورده وکرارا مشاهد مشرفه عراق را زیارت وابراز اسباحث بنمود رحمة الله علیه .

**الذریعة (ج ۲) (ص ۴۰۶)** انیس الطلاب تالیف مولی محمد حسن بن مولی قنبر علی زنجانی مجلد کبیر فارسی است که تراجم کثیری از علماء زنجان وغیر ان من جمله سید ابو الله مجتهد شهیر از پدر زاده آن ذکر کرده که در زهر الریاض از آن نقل مینماید .

**مؤلف گوید :** مناسب بدیدم در این مقام که ترجمه ملا علی قارپوزآبادی زنجانی که از اکابر مجتهدین زنجان بود ودر فقه واصول واخبار ومواعظ وادبیه کتابهای با تحقیق نگاشته ویادگار گذاشته مذکور آید.

**ایضا در زهر الریاض** از انیس الطلاب زنجانی نقل کرده که حجة الاسلام العلامة ملا علی قارپوزآبادی در سنه ۱۲۱۹ متولد ومدتی نزد علماء قزوین تحصیل وبر اصفهان مهاجرت کرده نزد شیخ محمد تقی صاحب حاشیه بعمر پانزده سال تکمیل تا او را اجازه داده بقزوین عودت نمود ودوازده سال نزد ملا عبد الکریم ایروانی تا او نیز اجازه داده از حضور مجلس بحث وی امتنع نمود وگویند که او گفت من اعلم اهل عصر نیست ملا علی بن کوریکه از آن جا بر است نقاب حاج ملا محمد تقی نیز تکرار آن بند درس وتالیف وافتاء وارشاد اشتغال ورزیده سنه ۱۲۴۹ بتالیف معدن الاسرار ابتداء کرده تا سنه ۱۲۵۳ در پنج مجلد مدون نمود سپس بزنجان مهاجرت فرموده تدریسا ومفیدا ومرشدا الی الدین در آنجا ماند وپس از اشتغال نائره بابیه سنه ۱۲۶۵ بکربلا مهاجرت فرموده تا سنه ۱۲۶۷ اقامت گزیده مشغول تدریس وتالیف بود تا شر قوم از زنجان رفع وریشه ایشان قطع گشته بدانجا مراجعت نموده قاضیا ومفتیا ومدرسا ومؤلفا اقامت فرمود ودر سنه ۱۲۸۴ مدرسه ومسجد بزرگی مشتمل بر چهل ستون بنا نهاد وشش سال در آن مسجد نماز گذارده تا روز شنبه ۸ محرم سنه ۱۲۹۰ براه جاوید خرامیده در بقعه خود در مقبره سید ابرهیم علیه السلام مدفون گشت .

**مؤلفات ملا علی زنجانی ره :** نظام الفرائد فی شرح القواعد ۷ مجلد جوامع الاصول ۳ مجلد نوامیس الاصول ۲ مجلد معدن الاسرار فی المواعظ ۵ مجلد دو جلد در تبریز طبع شده در حاشیه گوید الکن چهار جلد مطبوع است صیغ العقود مطبوع رسالة الصید والذباحة در طهران مطبوع الخ



زهر الریاض

انیس الطلاب

مختصر ترجمه ملا علی قارپوزآبادی

مؤلفات ملا علی زنجانی

والجوب من الطهارة الى الدیات رسالة فی اصول الدین وفروع سؤال وجواب رسالة المناهج وسیلة النجاة رسالة عملیة من الاصول والفروع الى الصوم طبع مناسک الحج تفسیر القرآن من سورة یس الى آخر کتاب العزیز شرح قصیدهٔ دعبل وشرح تصریف الزنجانی وشرح عوامل المولی محسن این دو کتاب را بنام پسرش ملا حسن نوشته الی غیرها من الحواشی والتعلیقات . ✳

تاریخ بروز فرقهٔ بابیه

**مؤلف گوید** بعد از بروز فرقهٔ ضالهٔ بابیه در تاریخ مذکور ۱۲۶۵ علماء وفضلاء طائفهٔ حقهٔ امامیه در رد مزخرفات وابطال اباطیل ایشان کتب ورسائل بسیار تألیف وتدوین کرده اند برای اطلاع مؤمنین یکی از آنها که بهترین کتبی است در این موضوع گفته آید : ✳

**مرحوم داعی الاسلام** حاج سید محمد علی اصفهانی در شمارهٔ ششم جریدهٔ دعوة الاسلام گوید : جناب میرزا مهدیخان زعیم الدوله رئیس الحکماء که سنوات بسیار است در قاهرهٔ مصر جریدهٔ فریدهٔ فارسیه حکمت را طبع میفرمایند کتاب مفصلی در رد وتاریخ دین بابیه نوشته مفتاح باب الابواب نامیده اند تا کنون طبع آن بانجام نرسیده است سپس از آن کتاب کتاب مختصری در تاریخ دین بابیها انتخاب فرموده مفتاح باب الابواب نامیده اند ودر زبان عربی بسیار فصیح بطبع رسانده منتشر ساخته اند هر کس طالب است از مطبعهٔ جریدهٔ حکمت در قاهره طلب نماید چون جناب معظم له علاوه براینکه در علوم وفنون کاملند از دیان واوضاع عالم خبرت تامه دارند وبا میرزا حسینعلی مدعی الوهیت ملقب ببهاء که رئیس عمدهٔ مرتدین جدید ایران است ملاقات فرموده گفتگوها داشت

**ایضاً در شمارهٔ ۱۴ دعوة الاسلام (ص ۱) گوید** : حکمت وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا . ✳ بحکمت حل هر مشکل توان کرد ✳ بحکمت کام دل حاصل توان کرد ✳ جناب دکتر میرزا مهدیخان زعیم الدوله رئیس الحکماء مدیر ومنشی جریدهٔ فارسیهٔ حکمت علاوه براینکه مدت پانزده سال است جریدهٔ حکمت را مینگارند ویکی از احیاکنندگان دولت وملت ایران میباشند هر کس یک شماره از جریدهٔ جلیلهٔ حکمت را دیده باشد از مراتب علم وفضل وغیرت وحرارت حب وطن معظم له اطلاع میابد کتابی در زبان فارسی در اصول وفروع هفت دین عالم نگاشته ودر آن کتاب تاریخ دین بابی ورد آنرا مفصل نوشته واثبات نموده که دین حق اسلام قابل نسخ وزوال نیست ومدعیان شریعت تازه از قبیل بابی وغیره باطلند . ✳

وصف مفتاح باب الابواب فارسی

## (۸۳) حاج میرزا محمد مجتهد قمی (ره)
## (المتوفی سنه ۱۳۴۱)

**تحفة الفاطمیین فی احوال القم والقمیین (ج ۱)** مرحوم حاج میرزا محمد صاحب اربعین





الحسینیه از آیات الهیه واز براهین فاطعهٔ طریقهٔ حقهٔ جعفریه در فقاهت واجتهاد مقامی بسیار بلند، ورتبهٔ بس ارجمند داشت بمقام بزرگواری بسط ید ونفاذ حکم وقبول عامه که داشت کمتر کسی رسیده است در حفظ حمای شریعت مصطفوی دقیقهٔ فرو نگذاشته ودر این باب اقدام واهتمام او را دیگری نداشت در اوایل جوانی از این بلد شریف رخت بعتبات عالیات کشیده ودر محضر حجة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی استفاضه واستفاده نموده وعمده تلمذ وی در فقه واصول در خدمت حاج میرزا حبیب الله رشتی وملا کاظم خراسانی بوده تا آنکه بعد از تحصیل وتکمیل علوم دینیه بقوهٔ قدسیهٔ اجتهاد فائز آمده ومجاز شده بوطن مراجعت نموده ریاستی عامه وشهرتی تام پیدا کرد صیت فقاهت وفضیلت وبهجار رسیده ومقروع اسماع خاص وعام گردید مجلس درس افادت وافاضتش دائر وبرقرار بود منبری داشت شیرین ومتین ومحضری بس نمکین در نهی از منکر ومنع اهل فجور قلبی قوی داشت ودر حفظ حدود شرعیه دقیقهٔ فرو نگذاشت مادام الحیات بتدریس وترویج وافاضت امامت وحکومات شرعیه اشتغال داشت وساحت محکمهٔ آن بزرگوار هیچ توهم مشوب نشد ودامن اعتصاب باتباعش هرگز بتهمتی نیالود جماعت علماء در حضور وی خویشتن را خرد میشمردند وبزرگان دین ودنیا نام مبارکش را بحرمت تمام میبردند . ✳

الاربعین الحسینیه تألیف صاحب ترجمه

**واز شرایف آثار قلمیهٔ وی کتاب اربعین الحسینیه است** وجلالت قدر وعظمت شأن آن بزرگوار در این مختصر نگنجد باختصار کوشیدیم . ✳

جلالت قدر وعظمت صاحب ترجمه

**وفات آن عالم بی نظیر** : سنین عمر آنجناب شصت وپنجسال در سنهٔ یکهزار وسیصد وچهل ویک مهر سکوت برلب زده وعالم آخرت را منزل ساخت وگاهی بگفتن شعر میل مینمود وقدری از اشعار در بار آنجناب در این کتاب برنگاشتم وچندی از قصاید واشعار عربیه وفارسیه اش را ثبت کرده . ✳

## فضیلت بلدهٔ طیبهٔ قم

فضیلت بلدهٔ طیبهٔ قم

**ایضاً در تحفة الفاطمیین گوید** : فاضل معاصر جناب حاج میرزا محمد قمی عطر الله مرقده در کتاب اربعین الحسینیه که در سنهٔ یکهزار وسیصد وبیست وهفت از تألیف نموده میفرماید که بلدهٔ شریفهٔ قم از ایام قدیمه معدن علوم اهل بیت علیهم السلام ومسکن دوستان این دودمان شرافت بنیان بوده واز بلاد مستحدثهٔ اسلامیه است واز اول مردم این بلد غیر تشیع طریقه از اسلام را نشناختند ودر سنهٔ بیعت احدی بگردن ننهاده اند وبر شخص متتبع خبیر بسی واضح است که اکثر اصول شیعه از علماء قم تدوین شده وبیست ازاز ایشان محفوظ مانده وقم را خاک فرج میخوانند وتربتی بس مبارک دارد چه مشهور است که چهار صد وچهل وچهار ولی وامامزاده دارد که در آن خاک پاک آسوده اند . ✳

مدفون بودن چهار صد وچهل وچهار ولی وامامزاده در قم

## (۸۴) (سید ابوبکر عبدالرحمن بن محمد حسینی ره)
## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۴۱)

مؤلفات سید ابوبکر عبدالرحمن حسینی

**ریحانة الأدب** (ج ۱) سید ابوبکر عبدالرحمن بن محمد بن علی شهاب الدین علوی حسینی از اجلاء علماء قرن ۱۴ هجری در سنه ۱۳۴۱ در ۸۰ سالگی درگذشت .

**تالیفات او** : کتاب افامة الحجة علی التقی بن حجة که در رد ابن حجت حموی بوده و در ۱۳۰۵ در بمبئی چاپ شده وکتاب سغاف الطلاب ببیان مساحة السطوح و ما یتوقف علیه من الحساب در ۱۳۰۹ درهند چاپ وکتاب الترياق النافع بایضاح وتکملة مسائل جمع الجوامع که در علم اصول بوده و در ۱۳۱۷ در حیدرآباد چاپ وکتاب الشهاب الثاقب علی النسّاب الکاذب وکتاب فتوحات الباحث بشرح تفریح المباحث در احکام ارث الوارث که در ۱۳۱۷ در حیدرآباد چاپ وکتاب وجوب الحمیة عن مضار الرقیة که در ۱۳۲۸ در سنغاپور چاپ شده وان رد کتاب الرقیة الشافیة لمن تولی معاویة تالیف سید حسن بن علوی است وکتاب نوافح الورد الجوری بشرح عقیدة الباجوری که در ۱۳۱۷ درهند چاپ شده (ص ۱۴۰) معجم المطبوعات

ایضاً مؤلفات سید ابوبکر رحمه الله

**وایضاً گوید** : که در الکنی والالقاب گفته که سید ابوبکر صاحب ترجمه نسبش بمحمد نقیب بن علی عریضی ابن امام جعفر علیه السلام میپوندد وشیعی امامی وعالم جلیل ادیب شاعر وحاوی فنون علمیه بوده ودر اکثر انها تالیفاتی داشته ونسبت باهل بیت عصمت علیهم السلام محبت بی نهایت داشته ودرسال مزبور در حیدرآباد دکن درگذشته وکتاب رشفة الصادی فی فضائل اهل البیت علیهم السلام وکتاب نزهة الألباب فی ریاض الانساب وارجوزه در اداب نوان ودیوان شعری هم از تالیفات اوست وبعضی از تالیفات نامبرده را هم مذکور داشته واز اشعار او

| | | | |
|---|---|---|---|
| علی اخو المختار ناصر دینه | وملته یعسوبها وامامها | واعلم اهل الدین بعد ابن عمه | باحکامه من حلها وحرامها |

**الذریعة الی تصانیف الشیعة** (ج ۲) (ص ۹۵) الاسعاف تالیف سید ابوبکر عبدالرحمن بن محمد بن شهاب الدین العلوی الحسینی الحضرمی المولود سنه ۱۲۶۲ والمتوفی سنه ۱۳۴۱ که سید محمد بن عقیل صاحب النصایح الکافیة در اخر دیوان مصنف که سنه ۱۳۴۴ طبع شده اورا ترجمه کرده وکتاب الاسعاف وغیر او از تصانیف کثیره او ذکر نموده .

اثبات تشیع صاحب الترجمه

**مؤلف گوید** : بعد از اینکه صاحب ذریعه وصاحب الکنی والالقاب وصاحب النصایح الکافیة بر تشیع مترجم معظم تصریح کردند دیگر اعتنائی باشتباه صاحب معجم المطبوعات که گفته او مذهب شافعی داشته نمود وصاحب الکنی والألقاب گوید هو الشیعی الامامی وگفته که صاحب اعیان الشیعة اورا ترجمه کرده .

وبرای اثبات مطلب سطری از رشفة الصادی منقول میشود که از عبارات وبیانات آن بر تشیع وقطع





حاصل میگردد علاوه بتصریح چهار تن از اکابر علماء که منقول شد . اول کتاب این است : رشفة الصادی من بحر فضائل بنی النبی الهادی والمسمی ایضاً الشاهد المقبول بفضل ابناء الرسول تالیف السید ابی بکر بن شهاب الدین العلوی الحسینی الحضرمی .

تحقیق آیهٔ تطهیر

## در تحقیق آیهٔ تطهیر گوید

قال الله تعالی اِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا رجس قذر ودنس ومراد در اینجا اثم مدنس قلوب است وقیل رجس شک وقیل سوء وقیل عمل شیطان وعموم اولی است ودر استعاره رجس برای اثم وترشیح بروی بتطهیر تنفیر بلیغی است از نسبت اثم مطلقا وبعد از نقل سه قول از عائشه وزید انها گوید والذی قال به الجماهیر من العلماء وقطع به اکابر الأئمة وقامت به البراهین وتظافرت به الأدلة وانچه جمهور علماء بران قائل واکابر ائمه قاطع وجازم وبراهین قائم وادله متظافر است انست که مراد از اهل بیت در ایه شریفه سیدنا علی و فاطمه ودو فرزند ارجمند ایشانند زیرا که در تفسیر ایه شریفه اخذ قول آن کسیکه قران مجید بروی نازل شده متعین است .

| | | |
|---|---|---|
| دعوا کل قول غیر قول محمد | | فعند بزوغ الشمس ینطمس النجم |

رد قول صاحب روح البیان

وان بزرگوار صلوات الله وسلامه علیه وآله اهل بیت مذکورین در ایه شریفه را تفسیر فرموده باینکه ایشان علی و فاطمه ودو پسر کریمین ایشانند بنص احادیث صحیحه وارده از ائمه حدیث که قول ایشان معتمد به ومعول است در روایت ودرایت وهیچ وجه اعتنائی نیست بدانچه صاحب روح البیان ذکر کرده که تخصیص اهل بیت بخمسة النجباء علیهم السلام از اقوال شیعه است زیرا که این محض تهور ومقتضی عجب است وبدانچه گذشت از احادیث وانچه در کتب اهل سنت سنیه مذکور است صبح روشن میشود بکسیکه دو چشم بینا دارد .

در فضل ذریهٔ حضرت رسول

## ودر فضل ذریهٔ حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل کرده

| | |
|---|---|
| فاقوا الانام وهم منهم ولا عجب | من الحجارة الماس والیاقوت |

## وگوید امام اعظم محمد بن ادریس شافعی گفته

| | |
|---|---|
| یا اهل بیت رسول الله حبکم | فرض من الله فی القران انزله |
| یکفیکم من عظیم القدر انکم | من لم یصل علیکم لا صلوة له |

## وموافق این کلام است انچه از شیخ اکبر محیی الدین ابن العربی نقل شده :

| | |
|---|---|
| رأیت ولائی آل طه فریضة | علی رغم اهل البعد یورثنی القربا |
| فما سأل المختار اجرا علی الهدی | بتبلیغه الا المودة فی القربی |

## (۸۵) ( سید محمد تقی هندی ره )

### ( المتوفی ایضاً سنه ۱۳۴۱ )

احسن الودیعه (ج ۱) (ص ۱۵) عالم صفی سید محمد تقی ابن الحاج سید محمد ابراهیم نقوی هندی از احفاد سید دلدار علی رضوان الله علیهم عالم متتبعی بوده .

**تالیفاتش :** او را کتب جلیله هست مثل رساله در صلوة جمعه و تفسیر سورهٔ حمد و کتابی در مواعظ و کتابی در اد عیه سنه ۱۲۹۳ متولد و سنه ۱۳۴۱ در ۶ محرم الحرام برحمت حق پیوست .

## (۸۶) ( آقا منیر الدین بروجردی رحمه الله )

### ( المتوفی سنه ۱۳۴۲ )

ریحانة الادب (ج ۱) (ص ۶۶) آقا منیر الدین بروجردی نوادهٔ دختری میرزای قمی صاحب قوانین از اجلاء علماء امامیه و از شیخ محمد تقی صاحب هدایة المسترشدین اجازهٔ روایت داشته و کتاب فروق ما بین فریضه و نافله که بیشتر از دویست فرق در آن ذکر کرده از اوست و در سنه ۱۳۴۲ در هشتاد و یک سالگی وفات یافت .

## (۸۷) ( حاج شیخ مهدی خالصی رحمه الله )

### ( المتوفی سنه ۱۳۴۳ )

احسن الودیعه (ج ۲) (ص ۱۲۳) حاج شیخ مهدی خالصی ابن الشیخ حسن بن الشیخ عزیز الخالصی اصلاً الکاظمی مسکناً والخراسانی خاتمة و مدفناً آنمرحوم از اکابر علماء مجتهدین و افاضل فقهاء بارعین و ناصرین دین مبین بود و بامامان غایت شفقت و محبت داشت و دو مرتبه با ایشان از کاظمین علیهما السلام بزیارت حضرت حسین علیه السلام مشرف شدیم و او را در ترویج اهل علم و دین و قمع آثار ملحدین و نشر معارف سید المرسلین همت عالی داشت و منکر را نهی و زجر و بمعروف امر و بر بلاء صبر مینمود و در ایام حکومت عثمانیه با جمعی از علماء مجتهدین مجاهده و از بین امثال و اقران بوظایف اسلامیه و شئون دینیه قیام و نهضتها با حکومت عراقیه نمود و بدین واسطه کدورت شدیده بینهما واقع و در ساعت ششم شب سه شنبه دهم شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۴۱ او را گرفته بسوی حجاز روانه کردند و بعد از اداء حج و زیارت حضرت رسول و ائمه بقیع علیهم الصلوة والسلام حسب خواهش دولت علیه ایران بطرف بندر بوشهر متوجه و اهالی آن ولایات باصنافهم استقبال و پذیرائی شایانی نمودند و پس از ایامی باصفهان مسافرت و مردم آنجا نیز بطور تمام استقبال و بعد بلدهٔ قم را عزیمت فرمود و بواسطهٔ اتصال بعلامتین متعاصرین سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا محمد حسین نائینی دامت برکاتهما اکرام شایانی



سید محمد تقی از اخیار و از احفاد سید دلدار علی هندی

آقا منیر الدین بروجردی نوادهٔ دختری میرزای قمی

خالصی در ترویج دین نصب و نصاب



نیز با جمعی از اعلام علماء که بسوی ایران از نجف اشرف گسیل داده بودند پس از آن صاحب عنوان از قم بخراسان حرکت فرموده و در آنمکان شریف اقامت و بوظایف دینیه خود از تالیف و تدریس و امامت و افتاء و حکم اشتغال فرمود

**مولد و منشاء و مشایخ مترجم معظم :** در پانزدهم ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۷۶ در کاظمیه متولد و در میان طائفهٔ خود خالصی نشو و نما و علومش در کاظمین و نجف و سامراء بعلماء مشهورین شیخ عباس حصانی و شیخ محمد حسین کاظمی و حاج میرزا حبیب الله رشتی قدس الله اسرارهم نشر کردید .

**زهد و تقوایش :** زندگانی را برخود حقیر و دنیا را موهون و دوران زهدا اختیار فرموده تا الیکه بجد متش مبا آوردند اذن میداد که بیرید بمستحقین برسانید که مبادا نفس غالب شود و برخود صرف نماید بالجمله مجتمعهٔ اخلاق فاضله و نعوت ممتازه و قلیل الکلام و در اغلب اوقات متبسم بود و هر جبلی او را وصف بکنی آن بزرگوار فوق از آنست و لعمری او مصلح کبیر و مجتهد نحریر فقید امت اسلامیه و خادم شریعت محمدیه بود

**مؤلفاتش :** ۱ القواعد الفقهیه در خراسان سنه ۱۳۴۲ سربی طبع شده ۲ رسالة فی تداخل الاغسال ایضا در خراسان سنه ۱۳۴۲ سربی چاپ خورده ۳ عناوین الاصول ۲ جلد هر دو را در بغداد سنه ۱۳۳۲ در مطبعهٔ دار السلام بطبع رسید ۴ حاشیه علی الکفایه با اصل در سنه ۱۳۲۸ در بغداد چاپ شده ۵ الدراری اللامعات فی شرح القطرات والشذرات و آن حاشیه است بر کتاب طهارت و وقف و رضاع محقق خراسانی و در بغداد طبع شده ۶ رسالة فی ان المتنجس الجاف لا ینجس هنوز طبع نشده ۷ المنحة الالهیة فی رد مختصر ترجمة التحفة الاثنی عشریة در هشت جلد نزد بعضی از اولاد برادران صاحب الترجمه علیه الرحمة براهها واقف شده و هنوز چاپ نخورده ۸ تلخیص رسائل شیخنا الانصاری که آنرا در چهار جزوه تلخیص کرده ۹ الشریعة السمحاء از اول طهارت تا آخر حج تصنیف فرموده ۱۰ رسالهٔ عربیهٔ عملیه در ایام ریاست خود نوشته منحصر بفتوی است خالی از قول احوط بالکلیه ۱۱ رسالة فی الارث در بغداد چاپ خورده ۱۲ حاشیه علی اللمعة الشهید در بغداد طبع شده الی غیر ذلک من الرسائل واجوبة المسائل .

**و از جمله آثار شریفه اش :** مدرسهٔ بزرگیست در کاظمیه در محلهٔ جدیده بنا و موسوم بمدرسة الزهراء و کتب کثیره برای طلاب در آنجا وقف نموده و اگر آن بزرگوار الی یومنا هذا باقی میماند هر آینه کاظمین از اکبر مراکز علمیه شیعه میبود ولی حساد مهلت ندادند بتکمیل آنچه مراد آن استاد زاد بود و من میگویم بدیشان آیا نشنیده اید ان ربک لبالمرصاد .

**وفات آن عالم فرید :** روز دوازدهم شهر رمضان سنه ۱۳۴۳ بعد از غروب برحمت حق پیوست و در مشهد مقدس رضوی علی ساکنها الاف التحیة والثناء مدفون شد و تشییع عظیمی در جنازه اش واقع و فواتح



اخلاق مترجم عالم رضوان الله علیه

مؤلفات شریفهٔ خالصی علیه الرحمه

مدرسة الزهراء در کاظمین از بناهای معظم له

و مجالس ترحیم در اکثر بلاد مسلمین لاسیما در کاظمین و بغداد برپا و بدون مبالغه الی شهرین متتابعین مآتم ادامت و اقامت یافت و از مردم ضجه و ناله بلند گردید و اکثر ایشان لباس سیاه پوشیدند و اظهار اسف بفقدان نمودند لاسیما طلاب مدرسة الزهراء زیرا که آن مرحوم قائم بامور ایشان بود و شعراء بقصاید کثیرهٔ عربیهٔ فصیحه و غیرها بروی رثاء گفتند و بعضی از ایشان آن قصاید عربیه را در مجموعه تدوین و در بغداد طبع و موسوم بذکری الخالصی نمودند و رسم و تاریخ حیات آن مرحوم نیز در آن ثبت است و کتاب نامه این است که مثل این تجلیل در حق احدی از اقران مبرزین وی اتفاق نیفتاده و در این امر تعجبی نیست چه که آن مغفور آثار حسنهٔ باقیه بگذاشت که ذکر جمیل او در صفحات تاریخ الی یوم النشور مخلد و مذکور خواهد بود اعلی الله مقامه . ✻

## (٨٨) (شیخ احمد آل کاشف الغطاء ره)

### (المتوفی سنهٔ ١٣٤٤)

آثار شیخ احمد آل کاشف الغطاء

**احسن الودیعه** (ج ٢) (ص ١٠٥) شیخ احمد آل کاشف الغطاء نجل عالم بارع متتبع شیخ علی بن رضا بن موسی بن جعفر کاشف الغطاء نجفی المولد والمنشأ والتحصیل والمسکن والمدفن آن مرحوم عالم فاضل فقیه کامل مجتهد عادل کعبهٔ علومی بود که شد رحال بسوی بیتش و بیت شرف منطوق و مفهومی که طواف میکرد رجال باطرافش عمده اشتغال و تحصیلش در خدمت فقیه محقق آقا رضا همدانی بوده سپس بحث شیخنا المحقق الخراسانی حاضر گردید تا فتنهٔ مشروطه ظاهر شده منقطع و ملتزم حضور سیدنا العلامة الطباطبائی صاحب العروة گردید و یکی از اوصیاء او بود بمالش و آن مرحوم مردم را برجوع بسوی او و ارشاد در اخذ فتاوی و احکام از وی امر میفرمود و در حال حیات خود احکام او را امضا مینمود و صاحب عنوان را مؤلفات جلیله و مصنفات جمیله در فقه و اصول هست که بر علو مقام و وفور فضل و علمش شهادت میدهد و چرا اینطور نباشد زیرا که آن بزرگوار از خاندانیست که بعلم و تقوی تأسیس شده و جمع کثیری از اهل معرفت و فضل و حجی از آن دودمان بیرون آمده اند .

مؤلفات صاحب الترجمه علیه الرحمه

**مؤلفات شریفه اش** : ١ قلائد الدرر فی مناسک من حج او اعتمر در مطبعهٔ دار السلام بغداد در سنهٔ ١٣٤٢ محتوی بر صد و نود و سه صفحه طبع شده ٢ احسن الحدیث فی احکام المواریث در نجف سنهٔ ١٣٤١ سربی مشتمل بر صد و شصت صفحه طبع شده ٣ سفینة النجاة دو جلد جلد اول در عبادات و دوم در عقود و ایقاعات جلد اول در نجف در مطبعهٔ حیدریه سنهٔ ١٣٣٨ سربی محتوی بر سیصد و نود و هشت صفحه چاپ خورده و جلد دوم نیز در مطبعهٔ مذکوره در سنهٔ مزبوره محتوی بر ٣٠٤ صفحه طبع شده و بعضی از طلاب مجلس مترجم معظم از ایقاد بسوی ترجمه و موسوم بر عین الحیاة فی ترجمة سفینة النجاة نموده و این ترجمه در بمبئی سنگی در دو جلد سنهٔ ١٣٣٠ طبع شده الی غیر ذلک من الکتب والرسائل واجوبة المسائل . ✻





**وفات آن عالم بی بدیل** : در شهر ذی الحجة الحرام سنهٔ ١٣٤٤ در بغداد بجنان جاوید خرامید . که مریض بوده بجهت معالجه نزد دکترهای بغداد آمده بود و جنازه اش را بنجف نقل کرده در مقبرهٔ معروفهٔ ایشان دفن کردند و جثمان شریف او را کافهٔ مسلمین از اهل بغداد و کربلا و نجف تشییع عظیمی شایان کرده مجالس ترحیم اقامت گردید و شعراء بقصاید کثیره رثاء گفتند . ✻

**الذریعه** (ج ١) (ص ٢٨٦) احسن الحدیث فی احکام الوصایا والمواریث تصنیف علامه شیخ احمد بن الشیخ علی بن الشیخ محمد رضا آل کاشف الغطاء النجفی المتوفی فی ١٩ ذی الحجة سنهٔ ١٣٤٤ و سنهٔ ١٣٤١ طبع شده .

## (٨٩) (حاج میرزا جواد آقا ملکی ره)

### (المتوفی ایضاً سنهٔ ١٣٤٤)

اسرار الصلاة مرحوم ملکی

**الذریعه** (ج ٢) (ص ٤٧) اسرار الصلاة تصنیف شیخ میرزا جواد آقا الشهیر بملکی تبریزی نزیل قم و متوفی در آنجا سنهٔ ١٣٤٤ و آن مرحوم علوم و معارف را سالها در نجف اشرف تکمیل و نفس خود را بمصاحبت جمال السالکین مولی حسینقلی همدانی تهذیب و در حدود سنهٔ ١٣٢٠ بایران مراجعت و مجاورت حضرت سیده فاطمه سلام الله علیها را در قم اختیار و این کتاب اسرار الصلاة را در آنمکان شریف تالیف و سنهٔ ١٣٢٨ بطبع رسانید

## (٩٠) (آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی ره)

### (المتوفی سنهٔ ١٣٤٥)

آثار سید محمد فیروزآبادی

**احسن الودیعه** (ج ٢) (ص ٩٧) آقا سید محمد فیروزآبادی یزدی نجفی ره از اجلاء علماء عاملین و افاخم فقهاء مجتهدین و یکی از مراجع امامیه بود مرارا بخدمتش مشرف و کرارا با ایشان ملاقات کردم و ندیدم از جناب شان الا سکون و وقار آن بزرگوار حسن الاخلاق کریم الاعراق جامع بارع و زاهد عابد بود عمده تلمذش در خدمت علامتین متعاصرین آقا سید کاظم یزدی و محقق خراسانی بوده و اخیرا ملتزم حضور سید مرحوم گردید و او را کتب حواشی و رسائلی هست مثل ازاحة الشکوک فی حکم لباس المشکوک و رسالة فی مناسک الحج والعمرة و کتاب الطهارة والصلوة و غیر ذلک من المؤلفات آن مرحوم از کربلا بکاظمین مریض برای معالجه آمد من با والد ماجد سلمه الله تعالی برای تفحص حالش بخدمتش رفتیم و باصرار وی زیاده از دو ساعت نزد او نشستیم و کیفیت مرض خود را بیان فرمود و روز سه شنبه هفدهم ربیع الاول سنهٔ ١٣٤٥ باصرار مسافرت و بجهت کثرت حرکت سیاره مرضش شدت کرده صبح روز جمعه آخر شهر ربیع الاول سنهٔ ١٣٤٥ برحمت حق پیوسته و فورا بواسطهٔ سیاره بکاظمین نقل و در همان روز بعد از ظهر وارد و سه ساعت قبل از ورود جنازه خبر وفاتش تلگرافا

بمار سید پس طبقات مردم باستقبال جنازهٔ او و ما نیز با ایشان بیرون آمده و بنجف نقل شده در آن مکان شریف دفن گردید و در اکثر بلاد مجالس ترحیم اقامت یافت رحمة الله علیه و فیروزآباد که صاحب عنوان منسوب باوست قریه ایست از قرای یزد نه فیروزآباد شیراز (فلیتفطن ولا یغفل) .

## (۹۱) (شیخ فضل الله بن محمد حسن نوری مازندرانی ره)

## (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۴۵)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۹۴) شیخ فضل الله بن محمد حسن نوری مازندرانی حائری از کبار علماء معتبرین عالم کبیر و فاضل نحریر و فقیه شهیر بود و او را حافظهٔ عجیبه داشت و علماء عصر و فقهاء دهر بعلم و فضل و اجتهادش اذعان و اعتراف داشتند مرا با وی مجالست و کرارا مصاحبت کردم حسن السیرة صافی السریرة سلیم الصدر یافتم مجاور مشهد حسین علیه السلام و منزلش در سوق العباس علیه السلام بود .

**مؤلفاتش** : او را مؤلفات جلیله و مصنفات جمیله که دلالت بر مهارت تامهٔ او میکند در فقه هست من جمله فضیلة العباد لذخیرة المعاد و کتاب الطهارة و رسالة فی مناسک الحج در بمبئی طبع شده و حواشی علی کثیر من الرسائل العملیة و غیر ذلک .

**مشایخش** : از جماعتی از مشایخ عصر خود اخبار روایت میکند من جمله فقیه ماهر شیخ راضی نجفی و علامه سید حسین طباطبائی آل بحر العلوم نجفی که بیک واسطه از وی روایت مینماید و فقیه اعظم شیخ زین العابدین مازندرانی حائری و علامه حاج ملا یوسف استرابادی که عالم فاضل فقیه مشهور و در مآثر و آثار ص ۱۸۲ مذکور است

**و جماعتی از کبار علماء** از صاحب عنوان روایت میکنند من جمله علامه سید مهدی زاهد خراسانی حائری سلمه الله

**وفاتش** : در کربلاء مشرفه شب جمعه پانزدهم جمادی الاولی سنة ۱۳۴۵ بسرای جاوید خرامید و در حرم شریفش تشییع عظیمی واقع شد والحق اهالی کربلا را همت غالبه در امثال این گونه امور و ترویج علماء و حضور جماعات و اقامه تعزیه و روضات هست وفقهم الله تعالی لاقامة الشعائر الاسلامیة وشیخنا المذکور در حجرهٔ ملاصق بمدرسه که در صحن صغیر حسینی علیه السلام واقع است مدفون گردید و تمثالش نیز در آنجا است .

**اولاد کرام صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان** : اول علامهٔ اصولی مولانا شیخ علی که آیتی در علم و فهم و مجتهد مسلّمی بود در جنات والد مرحومش در گذشت و اگر تا حال زنده بود از کبار مراجع امامیه میشد دوم شیخ احمد در کربلا ساکن و آن مرد عابد صالح سلیم الصدر معروف بصفاء باطن است وفقه الله سوم علامه شیخ محمد صالح در مازندران ساکن نزد محقق خراسانی صاحب الکفایه تحصیل نموده در زمان والدش بمازندران منتقل و الیوم مرجع وحید است در آنجا مؤلفات جلیله دارد که بوفور فضل و سعهٔ اطلاع و کثرت علمش شهادت





سید محمد و والد مرحومش مرا بمنظومهٔ ولد مشار الیه خود واقف فرمود که نظم کفایة الاصول است و در ایران سنگی طبع شده سلمه الله تعالی و جعله خلفاً عن السلف من آبائه الامجاد و عالم کامل ادیب شیخ محمد حسن سلمه الله تعالی

## (۹۲) (سید ابوتراب خوانساری رحمه الله)

## (المتوفی سنة ۱۳۴۶)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۳) سید ابوتراب خوانساری ابن العلامة سید ابو القاسم محط رحال طالبین و موئل ذوی الهمم الراغبین بزرگواری بود که امت بفضل و اجماع و بحری بی پایان و حبری که اعباء شرع مقدس در دوش وی نهادیم در میان علماء کسیکه شرایط اجتهاد در وی جمع آید او را و نیافتم بین اشخاصی که معاشرت کردم با ایشان افضل از وی احدی را او بحری بود درر فاخره اش علوم وی و سمائی که نجوم زاهره اش فوائد یکه عالم وجود از پرتو او روشن مشکلات و سؤالات مردم را جواب میداد

| | | | |
|---|---|---|---|
| ابداً علی طرف اللسان جوابه | ✳ | فکانما هی دفعة من صیب | ✳ |

اجازات طبقه ساخره با اسم او مشحون و صاحبان فضل با حضور مجلس درس او مفتخر در آغوش علم پرورش یافته و از پستان فضل شیر خورده اساتید امجادش او را بمهر متبحر نقاده مقدم میداشتند و باجتهاد مطلق او بوجه اتم البلغ علی رؤس الاشهاد تصریح میکردند .

| | | | |
|---|---|---|---|
| وما اری احداً فی الناس یشبهه | ✳ | وما اخاشی من الاقوام من احد | ✳ |

من هر وقت بمجلس او حاضر شده از مسائل معضله و مطالب مشکله سؤال میکردم جواب میفرمود و او را معرفت تامه بمذاهب عامه و ید طولی در حساب قدیم و جدید و هندسه و جغرافیا و علوم عدیده داشت و در اصول و فروع استاد و مشهور در بلاد بود و مجمع خصال جمیله و صفات جلیله بود .

| | | | |
|---|---|---|---|
| لیس علی الله بمستنکر | ✳ | ان یجمع العالم فی واحد | ✳ |

## (و قول ابی الطیب)

| | | | |
|---|---|---|---|
| ذکر الانام لنا فکان قصیدة | ✳ | کنت البدیع الفرد من ابیاتها | ✳ |

پس آن اشهر من ان یذکر و ابین من ان یسطر و جای انکار نیست هر سال عمل ام داود را در ماه رجب بجای آورده و دعاء سمات را در روزهای جمعه خوانده و کثیراً اعتکاف در مسجد کوفه و مسجد سهله بعمل میاورد

**واما کرم و سخایش** : جل اموال خود را بارامل و ایتام و مساکین بذل فرمود و شهریه برای طلاب مجلس و فضلاء درس خود معین فرموده بود .

**واما کرامات آن عالم بی بدیل** : از آنجمله خود معظم له مشافهة فرمود که روزی در حرم حضرت امیر

صلوات الله علیه بعد از فراغ از دعاء واستغاثه بحضرت حجة عجل الله فرجه پس از نماز صبح از حضرت ولایت علیه السلام ساعتی که بر بعضی خصوصیات مشتمل باشد که در نجف یافت نشود خواستم چون قریب طلوع آفتاب با جمعی از طلاب نجوم بیرون آمده وبمنزل خود رسیده وطلاب رفتند بغرفه بالا رفتم که مطالعه نمایم وچون خواستم که بنشینم خادم آمد وساعتی که من اراده کرده بودم بمن داد گفتم این ساعت مال کیست که بخرم گفت مردی آمد وداد وگفت این را بمولای خود سید بده وبگو این را آن شخصیکه در حرم جد خود از وی خواسته بودی فرستاده سید مرحوم فرمود آن ساعت نزد من است ابداً خراب نشده واز حرکت نایستاده وآنرا بمن نشان داد ولی من ندانستم که بعد از وفاتش چه شد.

**وازجملهٔ کراماتش** : تشرف اوست بلقاء حضرت حجة عجل الله تعالی فرجه در ایامیکه بمسجد کوفه ومسجد سهله میرفت مراراً.

**مولد ومنشأ وکیفیت تحصیل آن بزرگوار** : تولداو چنانچه خودش مرا ذکر فرمود شب پنجشنبه هفدهم شهر رجب سنه ۱۲۷۱ در بلدهٔ خوانسار اتفاق افتاده وبعد از قرائت قرآن عظیم واتقان کتابت عربی وفارسی بتحصیل علوم عربیه وفقهیه واصولیه وغیر آنها از علوم عقلیه ونقلیه نزد فضلاء اعیان علماء ارکان اشتغال فرمود پس از خوانسار باصفهان منتقل شده بحث جمعی از علماء مشاهیر وفقهاء نحاریر حاضر واز فوائد ایشان تلقی نموده بمبلغ رجال واصل ومنتهای کمال نایل گردید بعد از آن بارض غری سری مسافرت فرموده بحث سید مشایخنا الکوه کمری حاضر شد وبعد از وفات آن مرحوم بحث وتدریس مستقل و در فتاوی احکام مرجع خاص وعام گشت وحسب التماس مؤمنین رسالهٔ عملیه وتعلیقهای فتوائی بر نخبهٔ مرحوم حاج کرباسی ونجاة العباد نوشت.

**مؤلفات ممتازه وتصانیف فاضلهٔ مترجم معظم** : ۱ سبل الرشاد فی شرح نجاة العباد مشتمل بر ده مجلد کبار مثل او در کتب اصحاب تصنیف نشده واحدی در این باب بر وی سبقت نگرفته چه که جمیع است جمیع نصوص متعلقه بهر مسئله وجمیع اقوال وفروعیکه مرتبط بهر مسئله است وشرح کتاب صوم وکتاب ارث در طهران سنگی بقطعه رحلی سنه ۱۳۲۲ مشتمل بر ۳۵۲ صفحه طبع شده واز شرح کتاب صوم سنه ۱۳۰۳ واز شرح کتاب ارث سنه ۱۳۰۴ فارغ گشته وباقی مجلدات آن نزد شارح در نجف دیدم واین شرح را در ایام اقامت در غری باجماعتی از اخوان در منزل شریف شارح معظم سنه ۱۳۲۲ خواندیم که عنوان بحث خارج قرار داده بودند ۲ سلالة المرتضی فی حواشی نجاة العباد سنگی در نجف طبع شده ۳ رسالة فی تحقیق بعض مسائل الحج ومعنی محاذات را در آن بیان فرموده وقائل شده براینکه محل احرام جده است چنانکه بعضی از فقهاء عصر نیز بر این تابع شده ونسخهٔ از آن



تحصیل مترجم در خوانسار و اصفهان

مصنفات سید ابوتراب خوانساری



بخط خودم که مصحح است بخط مؤلف نزد ما موجود است وسنه ۱۳۰۳ از وی فارغ شده ۴ رسالة فی مناسک الحج ودر آن احکام حج وفروع آنرا مبسوطاً ذکر فرموده وآن مستغنی از توصیف است ۵ جواب مسائلیست که اهالی بحرین از وی سؤال کرده اند زیرا که علماء آنجا از تلامیذ او واهالی آن مکان از مقلدین ایشان بودند وآن را بالمسائل البحرانیه موسوم نموده ومشتمل بر جملهٔ از علوم است ۶ قصد السبیل فی اصول الفقه ودر آن ابکار افکار که عقول اهالی ادراک نکرده وافهام فحول بآنها نرسیده ودیعه نهاده ۷ المسائل الکاظمیه وآن جواب مسائلیست که فاضل فقیه معاصر شیخ مهدی جرموقی کاظمی از وی سؤال کرده ونزد ما نسخهٔ اصلی که صاحب عنوان بخط خود نوشته موجود است ۸ الدرر الفرید فی شرح التجرید واین کتاب دلالت میکند بر کثرت تبحر او در علوم عقلیه ومعارف الهیه ۹ الفوائد الرجالیه وآن قریب پانصد فایده است که متعلق بحل مشکلات مسائل رجال است ۱۰ النجوم الزاهرات فی اثبات امامة الائمة الهداة بطریق العقل والنقل من کتب الفریقین ۱۱ البیان فی تفسیر القرآن بطرز جدید که موافق مذاق عصر حاضر است در مجلدات عدیده ولیس البیان کالعیان ومصنف قدس سره آنرا بمن نشان داد وقت اشتغال با برکت ۱۲ التنبیه فیما الخطأ التبس فیه وآن رسالة لطیفه در رد مسئله که بعضی از معاصرین بشذوذ فتوی داده ولی خطا نموده ۱۳ المسائل الخوانساریه وآن جواب مسائلی است که اهالی خوانسار از وی سؤال کرده ۱۴ السؤال والجواب از اول طهارت تا آخر دیات بطریق استدلال که اهالی افطار وامصار از وی سؤال کرده اند ۱۵ لب اللباب فی تفسیر احکام الکتاب ۱۶ رسالهٔ عملیهٔ فارسیه در طهارت وصلوة وصوم وزکوة وحج وبسیاری از ابواب معاملات کثیر الفروع آنرا برای مقلدین خود وضع کرده ۱۷ رسالة در حکم مهر وقتیکه احد زوجین قبل از دخول بمیرد وآنرا موسوم کرده به بغیة الفحول ۱۸ رسالة در اصول دین موسوم بمصباح الصالحین ۱۹ رسالة در احوال ابوبصیر راوی واسحق بن عمار وجملهٔ از قواعد رجالیه را در آن بیان نموده ۲۰ رسالة در حکم صلوة جمعه در زمان غیبت ۲۱ الحواشی علی رجال ابی علی ۲۲ الصراح فی الاحادیث الحسان والصحاح جمع کرده در آن هر حدیث حسن وصحیح که عملکرده بآن وفتوی داده بمضمونش وآن کتابی است نافع برای مجتهدین در دو مجلد کبیر قریب تمام وسائل محدث حر عاملی ره بیان کرده در آن وجود دلالت هر یک از آن احادیث را وحال رواة آنها را بر سبیل اختصار بیان ازآن ذکر فرموده کسانی را که بآنها عملکرده وآنهائیکه عمل نکرده اند واو را کتب کثیره ورسائل وفیره در موضوعهای مختلفه وعلوم متفرقه هست که هنوز از سواد به بیاض بیرون نیامده وبا للأسف که اجل او را مهلت نداد برای اتمام عمل خود.

**ومشایخ مترجم معظم بر دو صنف است**

صنفی که نزد او تلمذ کرده واز وی روایت نموده وصنفی فقط روایت کرده وتلمذ ننموده.



مصنفات سید ابوتراب خوانساری

ایضاً مصنفات سید ابوتراب خوانساری

**اما صنف اول** : ۱ آیة الله العلامة عم والد ما سید محمد باقر موسوی خوانساری اصفهانی ره که در اصفهان مدت مدیده و سنین عدیده تلمذ نموده و از او استجازه روایت اخبار کرده پس آن مرحوم اجازه داده و بر نایل شدن او باعلی درجات اجتهاد تصریح فرموده و در حیات خود مردم را برجوع بروی و اخذ احکام از وی امر فرموده دوم آیة الله فی العالمین شقیق صاحب الروضات میرزا محمد هاشم موسوی خوانساری ره که ابتداءً مدتی در خدمت او تلمذ کرده و او را مثل برادرش اجازه داده و براجتهاد مطلق او علی وجه الاتم الابلغ تصریح فرموده و مثل صاحب روضات مردم را برجوع بوی و اخذ فتاوی و احکام از وی ترغیب نموده سیم آیة الله العظمی فقیه ماهر فخر الاوائل والاواخر ابن الاعلم الافضل شیخ محمد تقی صاحب الحاشیة المشهورة علی المعالم مولینا حاج شیخ محمد باقر اصفهانی چهارم افضل المحققین آیة الله فی العالمین مولینا آقا سید حسین تبریزی کوه کمری ره و آن بزرگوار زیاده از مشایخ دیگر بمقامات صاحب عنوان تصریح فرموده و مترجم معظم از اکبر مقربین درس سید مرحوم و حامل اسرار و مطلع ضمیر و ملازم حضر و سفر او بود ☼

**صنف ثانی از مشایخ صاحب عنوان** : ایضاً جماعتی از اساطین دین بوده‌اند اول شان عالم فاضل محقق و فقیه وجیه مدقق حبر ماهر علی مولینا شیخ عبد العلی اصفهانی منشأ و نجفی مسکناً و مدفناً دوم فقیه نبیه محقق مدقق مولینا آخوند ملا لطف الله اسلی مازندرانی نجفی ره سیم فقیه اهل العراق بل کافة الآفاق المحقق علی الاطلاق محمد حسین بن شیخ هاشم کاظمی منشأ نجفی مسکناً و مدفناً چهارم ابن عم الاعلم الافضل آیة الله المؤید مولینا حاج میرزا محمد نجل العلامة سید محمد صادق پنجم عالم محقق و فاضل مدقق مولینا محمد علی بن محمد صادق صاحب الصراط المستقیم فی اصول آل ابرهیم و حاشیه بر مکاسب شیخنا الانصاری که قلیلی از آن در حاشیه خود مکاسب در ایران طبع شده و سید استاد صاحب العنوان قلیلی اند زمانی نزد وی تلمذ کرده و او اول کسی است که بر سید الاستاد الاعظم اجازه داده ☼

**تلامید صاحب عنوان در قرائت و روایت** : جمع کثیری از افاضل دین و فقهاء مجتهدین است که اگر بخواهیم ذکر بنمائیم محتاج بوضع کتاب مبسوطی خواهیم بود زیرا که جل فقهاء لحسا و قطیف و بحرین و جبل عامل و هند و ایران از وی روایت و از زلال فضل او سیراب و از علوم او استفاده نموده‌اند و ما در اینمقام جماعتی را از ایشان ذکر میکنیم از انجمله پسر خواهر او علامه بارع میر محمد حسین نجل علامه سید محمد ره و استاد نا الاعظم باجتهاد او در اجازه اش تصریح فرموده و من جمله پسر خواهر دیگرش شقیق میر محمد حسین مذکور علامة العصر و فقیه الدهر امام مؤتمن سید محمد حسن که نزد او تلمذ کرده و در طبع شرح نجاة العباد در طهران سعی و ترجمه احوال خال خود را در پشت کتابش درج کرده و از انجمله علامه کبیر شقیق ذالدنا میرزا محمد ابرهیم که در وقتی آمدن بعتبات عالیات



مشایخ اجازه اجتهاد سید ابوتراب خوانساری ره

مشایخ اجازه روایت سید ابوتراب خوانساری ره

تلامید سید ابوتراب خوانساری ره



نزد وی تلمذ نموده و من جمله عالم ربانی دنور رشتمانی و علامه ثانی سید ریحان الله بن سید جعفر دارابی طهرانی که صاحب مآثر و آثار در ص ١٥١ او را ذکر کرده و منهم العلامة شیخ محمد رضا نجل کاظمی سلمه الله تعالی و منهم ابن اخته العلامة الربانی والفاضل النورانی المعاصر سید ابوالقاسم بن سید محمود و فعلاً در نجف اشرف و منهم العلامة الربانی والفاضل الصمدانی حاج شیخ فضل الله ابن ابوالقاسم الخوئی که در آنجا معروف بحجة الاسلام است سلمه الله تعالی و من جمله عالم فقیه و فاضل وجیه حجة الاسلام و ملجاء الانام سید ناصر بن سید هاشم موسوی احسائی اطال الله بقاه که الیوم در آنجا از اکابر علماء معاصرین است و از انجمله مؤلف این کتاب شریف عبد فقیر المحتاج المعفو ربه الغنی ابن محمد بن محمد صادق ... مهدی موسوی اصفهانی کاظمی غفر الله له و من حاضر شدم بر بحث سیدنا الاستاذ الاعظم ره فقهاً و اصولاً و حدیثاً و رجالاً و غیر ذلک دو غره سره علی مشرفه سلام الله الملک العلی و شفاهاً مرا در روایت کتب اخبار از الاربعة السبعة المشهوره اجازه داد ☼

**وفات مترجم معظم** : روز شنبه ۹ شهر جمادی الاولی سنه ١٣٤٦ بجنان جاوید شتافت و الآن مرهد بر تشییع جنازه اش حاضر و سیدنا الفقیه الاعظم حجة الاسلام سید ابوالحسن الاصفهانی اطال الله بقاه بروی نماز گذارده حسب وصیتش در وادی السلام مدفون گردید و شاعر ادیب سید شاکر موسوی بغدادی و شیخ محمد علی بن حمیدان مرهف بقصیده نضیده مفصله بروی رثا گفتند که در احسن الودیعه (ج ٢) ص ٣٠ بصورت مذکور است ☼

**الذریعة** (ج ٣) (ص ١٧٣) البیان فی تفسیر بعض سور القرآن تالیف سیدنا ایسید عبد علی المعروف بالسید ابو تراب ابن السید ابی القاسم جعفر مؤلف ... العلامة الخبیر فی ترجمة ابی بصیر الموسوی الخوانساری النجفی المولود ١٧ رجب سنه ١٢٧١

## (٩٢) (حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی ره)

### (المتوفی ایضاً سنه ١٣٤٦)

**احسن الودیعه** (ج ٢) (ص ١٠١) حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی ابن محمد تقی از احفاد مرحوم فیض کاشانی از علماء صدور و صاحب خزانه کتب و فضل مشهور و عارف بمسائل فقه و فروع مطلع بر اخبار و اصول

**مولد و منشأ و مشایخش** : تولد او در بلده کرمانشاه سنه ١٢٨٧ واقع و علوم عربیه و جمله از سطوح را نزد فضلاء و علماء مسقط رأس خود تحصیل پس از آن سنه ١٣١١ بنجف اشرف منتقل و سطوح را خدمت جماعتی از فضلاء آن مکان شریف تکمیل سپس حاضر بحث علامتین حاج میرزا حسین طهرانی و محقق خراسانی صاحب الکفایه و بعد از فراغ از بحث ایشان سنه ١٣١٩ بوطن خود مراجعت فرمود و استاد او علامه حاج میرزا حسین طهرانی باهالی کرمانشاه امر فرموده که در نماز باو اقتداء و در رفع خصومات بروی رجوع و احکام از وی اخذ



تلامید سید ابوتراب خوانساری ره

وفات سید ابوتراب خوانساری ره

تحصیلات آقا محمد مهدی کرمانشاهی علیه الرحمه

بنمایند و ریاست دینیه در کرمانشاه باو منتهی گشت و او زاید طولی در موعظه و ارشاد داشت و بمنبر تشریف میبرد و مردم را هدایت میفرمود .

**سفر او بحج بیت الله الحرام :** سنه ۱۳۴۱ از کرمانشاه بکاظمین آمده وطایا و الد ماجد بزیارت او رفتیم و بعد از فراغ از حج بکاظمین برگشت و دو فرزندش حاج آقا نور الدین و حاج آقا ضیاء الدین در آن سفر با والد ماجد خود بودند .

**وفات و مدفنش :** روز یکشنبه سیم جمادی الاخره سنه ۱۳۴۶ برای جاویدخرامید و جنازه اش قبل از دفن ببلده طیبه قم نقل و در مقبره محقق قمی صاحب القوانین ره المعروفه بالشیخون مدفون گردید و در جمیع شهرهایش تشییع عظیمی واقع و مجالس ترحیم در کرمانشاه و نجف اشرف اقامت شد ( رحمة الله علیه ) .

## (۹۴) شیخ راضی خالصی ره
### ( المتوفی سنه ۱۳۴۷ )

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۲۶) شیخ راضی خالصی برادر حاج شیخ مهدی خالصی رضوان الله علیهما در جمیع امور رفاقت مقام شقیق بزرگوارش بود و از جمهرات اکابر علماء عراق مشهور آفاق و احد مراجع امامیه در دیار عراقیه بود و در این اواخر نور بصرش رفته و کتاب نزد او میخواندند او بذهن وقاد و فکر نقاد خود معضلات از احل میفرمود و بر لغت عربیه عارف و در فنون عقلیه و نقلیه ماهر بوده و حافظه عجیبه و قوه غریبه داشت و صاحب هیبت و وقار و ورع و عز و اقتدار بود و پیوسته امر بمعروف و نهی از منکر و تنبیه غافل نائم میکرد ولا تأخذه فی الله لومة لائم بر غنی تواضع و بر فقیر تکبر نمینمود علوم منتفره را جمع کرده قدرش از نجوم زاهره مرتفع و بحرها از مغاصات از برکات کلامش مرتفع گشت فصیح اللسان بلیغ الکلام ودیع اللسان حسن المحاضره حلو العبارة حاضر البدیهة ناظم الشعر بلا کلفة و منشی الرسائل المطولة بلا مشقة بوده در کاظمین بلکه در جمیع عراق ناصر سنة سید المرسلین و ساعی در حفظ عقاید مسلمین بنحویکه آثار آن باقی باشد الی یوم الدین بود .

**وفات او :** روز پنجشنبه پانزدهم جمادی الاخره سنه ۱۳۴۷ برحمت حق پیوست و تشییع عظیمی در جنازه اش واقع شد که مثل آن را در کاظمین از اول عمر ندیده بودیم و فواتح اقامت و شعراء بقصاید کثیره مراثی و رثاء گفتند ( اعلی الله مقامه ) .

فضائل کریمه شیخ راضی خالصی ره

## (۹۵) شیخ شعبان رشتی ره
### ( المتوفی سنه ۱۳۴۸ )

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۹۹) شیخ شعبان رشتی نجفی ره احد مراجع امامیه عالم و کامل





عارف عاقل فقیه نبیه فاضل بود و او زاید طولی در فقه و اصول و معرفه تامه باحکام آل رسول صلی الله علیه و آله داشت احدی را در علو مقام و جلالت قدر وی شکی نبود حسن السیره صافی السریره قائم بامور جمعی از طلاب رشت و امام جماعت در صحن حضرت امیر علیه السلام بود .

مشایخ شیخ شعبان رشتی ره

**مولد و منشأ و مشایخش :** در قریه که در هشت فرسخی رشت واقع است متولد در سنه ۱۲۸۷ برای تحصیل علوم عربیه بلاهیجان که در شش فرسخی رشت است منتقل و علوم عربیه را نزد مرحوم میرزا حسین مدرس خوانده سپس در سنه ۱۲۹۲ برای قرائت سطوح بقزوین رفته حاضر بحث محقق سید علی صاحب الحاشیه بر قوانین و فاضل حاج میرزا عبد الوهاب المعروف بالبهشتی گشته و شش سال نزد ایشان تحصیل و اشتغال نمود پس در سنه ۱۳۰۱ بنجف اشرف مسافرت و ده سال حاضر بحث مرحوم حاج میرزا حبیب الله رشتی فقها و اصولا و در آن ایام ببحث فاضل ایروانی ره نیز حاضر و بعد از وفات علامه رشتی ره با بحاث فضلاء شرابیانی و مامقانی و مازندرانی قدس سرهم حاضر و پس از وفات فاضلین شرابیانی و مامقانی ملازم بحث حاج شیخ عبد الله مازندرانی گشته و از اخص اصحاب و اکبر تلامیذ وی گردید و در آن وقت مجتهد مطلق و در سن هفتاد و دو سالگی بود

مؤلفات صاحب الترجمه علیه الرحمه

**مؤلفات مترجم محترم :** کتاب صلوة المسافر کتاب القضاء کتاب فی احکام الخلل کتاب المتاجر مجلد فی مباحث الالفاظ مجلد فی القطع و الظن و البرائة و الاستصحاب و التعادل و التراجیح رسالة فی تزویج الصغیر بالکبیر و بالعکس بالعقد الانقطاعی رسالة فی عدم وجوب الترتیب فی فوائت المیت رسالة فی الانعزال و عزل الولاة المنصوبین من الائمة علیهم السلام رسالة فی الطلاق بعوض رسالة فی انتقال الترکة الی الوارث مع الدین المستغرق للترکة الی غیر ذلک من الرسائل العلمیة و الحواشی السنیة .

**وفات او :** در نجف اشرف روز سه شنبه چهاردهم شوال سنه ۱۳۴۸ اتفاق افتاد .

## (۹۶) شیخ حسین رشتی نجفی کاظمی ره
### ( المتوفی ایضا سنه ۱۳۴۸ )

شیخ حسین رشتی ره دارای علم و فضل

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۳۸) شیخ حسین رشتی نجفی کاظمی احد الائمة المجتهدین و اعلام المسلمین و هداة المؤمنین الجامع بین الفقه و الاصول و الکلام و الحدیث و الورع و التقوی و الدین امام جلیل و فقیه عدیم المثیل زاهد عابد بود اغلب اوقات یوم او ذکر و اشتغال بعلم و فکر و غالب لیل او تهجد و تلاوت کثیر البکاء در دل شب و سریع الدمعه بوده بالجمله از کبار علماء عراق بالاتفاق و فرید الزمان و نادرة الاوان و فائق اماثل و اقران انسان العین و عین الانسان بود قرائت کردم نزد او مجلد ثانی از شرح اللمعه و قوانین تا آخر مباحث عام و خاص و مجلد اول و دوم کفایة الاصول از اول تا

اخر بنحو تحقیق و تدقیق در مدت سه سال وایضا در این مدت رسائل و مکاسب شیخنا الانصاری و طهارت ریاض را و خارج شدم ببحث خارج و که عنوانش از کتاب جواهر بود و بحث دیگرے نیز داشت که عنوانش از کفایه بود و لعمری کندیدم در بین اقران او که دیده ام کسی را که از وے اوسع فکرا و احسن رایا و ادق نظرا باشد ان بزرگوار مطالب جلیله و فوائد نفیسه بما القاء میفرمود که فهم ذوی الافهام باو نرسیده و زبر سالفین و حاضرین از انها خالے بوده و اهل کاظمین بلکه علماء و طلاب و معاریف ایشان بجلالت و وفور فضل و غزارت علم و سعه صدر و کثرت عقل و ثبات ایمان او مطبق و متفق هستند . ☼

## کیفیت تحصیل و سبب امدنش بکاظمین علیهما السلام

: عمده اشتغال وے در نجف نزد افاضل مشاهیر و فقهاء نحاریر بود در فقه نزد سیدنا العلامة الطباطبائی الیزدی و در اصول نزد شیخنا المحقق الخراسانی تلمذ کرده و بعد از ایشان مدرس کبیری شد در نجف تا اینکه وارد امد بر وے بعضی از مصائب از فقد احبه و اولاد و کثرت دیون و تواردامراض و شجون پس بخاطر شریفش الهام شد که ببلد کاظمین علیهما السلام رحلت بکند و در قضاء حوائج و رفع بلیات بان دو بزرگوار توسل جوید پس در عاشر ذی الحجة سنة ۱۳۲۹ از نجف مهاجرت فرمود و پس از مدتی وقوف اراده مراجعت بغری سرمدی بنمود چون علامه حاج شیخ مهدی خالصی ره که در ان وقت رئیس مشهور بود مطلع گردید رسولی از جانب خود فرستاد که باید در کاظمین اقامت بنماید برای تدریس طلاب پس حسب مراد او و مساعد نبودن هوای نجف با مزاجش در کاظمین اقامت فرموده مدرس کبیری شد و مرحوم علامه خالصی مردم را بسوے ارشاد و بقبول او و وثوق و اعتماد میفرمود تا بسوے حجاز حرکت فرمود و جمع کثیرے از اشراف و اخیار بلد کاظمین علیهما السلام از صاحب عنوان التماس کردند که نماز جماعت اقامت بنماید و جناب ایشان قبول فرمود . ☼

**مؤلفاتش** : خلاصة الفقه کتاب کبیر است لا لیت که بوفور فضل و احاطه تامه او و بادله و اقوال دلالت میکند و حاشیه علی الکفایه که کثیرے از مطالب نوادر و بدایع شیخنا الانصاری افاده فرموده ناپید مینماید و حواشی و فوائد برکثیرے از رسائل عملیه الی غیر ذلک از تحریراتیکه هنوز از سواد به بیاض در نیامده نوشته است .

**وفات او** : روز شنبه ۳ ذی الحجة سنة ۱۳۴۰ برحمت حق پیوست و حسب وصیتش در حجره چهارم صحن مقدس کاظمین ع واقع در طرف قبله مدفون گردید و خبر وفاتش در جریده النور بغداد نشر و مجالس ترحیم از برایش اقامت گردید .(اعلی الله مقامه) . ☼

## (۹۷) (شیخ راضی کاظمی ره)

## (المتوفی سنة ۱۳۴۹)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۳۳) شیخ راضی ابن شیخ محمد کاظمی ره از اکابر علماء کاظمین





بود و علماء فریقین بفضل او اقرار نموده و ان بزرگوار در جانب عظیمی بود از زهد و ورع و علم و علوم عربیه و منطق و معانی و بیان و فقه و اصول را تدریس مینمود و از تدریس علوم عربیه با جلالت قدر و کبر سنش بر اخذت طلاب علوم امتناع نمیفرمود قرائت کردم نزد او شرح الفیه سیوطی و شرح جامی و مغنی و مطول و حاشیه ملا عبدالله را در منطق و شرح شمسیه را و ابدا از تدریس منقطع نمیشد و با حسن تقریر و الطف بیان تدریس علوم میکرد و خدمت علامه خالصی ره تحصیل کرده بود و قبل از وفاتش بده سال تقریبا وجوه اهل کاظمین و سدنه روضه مطهره بخدمتش امده برای نماز جماعت او را مقدم داشتند و او بعد از امتناع شدید و اصرار اکید ایشان قبول فرمود و خلق کثیرے بوے اقتدا کردند تا مرض بوے عارض و ضعف غالب شده جلیس فراش خود گردید و روز شنبه ۱۷ شوال سنة ۱۳۴۹ برحمت حق پیوست و فورا بنجف نقل و در جنب والدش علامه شیخ محمد که از اکابر علماء کاظمین بود مدفون گردید .(اعلی الله مقامهما) . ☼

## (۹۸) (سید حسین جیلانی نجفی رحمه الله)

## (المتوفی ایضا سنة ۱۳۴۹)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۳۰) سید حسین جیلانی اشکورے نجفی ره در نجف اشرف از اکابر علماء شیعه و احد مروجین شریعت بود در یکی از دهات گیلان متولد و چون بچهارده سالگی رسید بقزوین مهاجرت کرده علوم ابتدائیه و فقه و اصول را تحصیل کرد سپس حاضر بحث رئیس المحققین سید علی قزوینی ره گردید پس از آن بنجف اشرف مسافرت نموده خدمت علماء اعیان انمکان شریف مثل علامه حاج میرزا حبیب الله رشتی و علامه سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و محقق خراسانی صاحب الکفایه و امثالهم تلمذ نمود و بعد از وفات ایشان در بحث و تدریس مستقل گردید و در حرم مولینا حضرت امیر علیه السلام در بالا سر مقدس نماز جماعت بجای میاورد و در خلال این احوال مولفات نفیسه که امروز از احسن آثار شمعد و داشت تالیف فرموده من جمله حاشیه علی المکاسب و حاشیه علی بعض مباحث الکفایه که هنوز از سواد به بیاض در نیامده و در این اواخر مرضی بروے عارض شد قصد مهاجرت بارض کاظمین متوسلا بهما علیهما السلام کرد و بعد از ایامی بعد از نماز ظهر در حالت نوم او را مرده یافتند و این فاجعه روز سه شنبه سیزدهم شوال سنة ۱۳۴۹ اتفاق افتاد و روز چهارشنبه بکربلا بعد بنجف نقل و تشییع عظیمی در جنازه اش واقع و در حجره اخیره صحن مقدس حضرت امیر علیه السلام از طرف قبله در جنب علامه میرزا محمد علی رشتی ره مدفون گردید . (اعلی الله تعالی مقامه) . ☼

## (۹۹) (شیخ مرتضی آل کاشف الغطاء ره)

### (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۴۹)

رجال اوردبادی. العلامة شیخ مرتضی بن شیخ عباس بن شیخ حسن بن الشیخ الاکبر کاشف الغطاء در شب اول شهر صیام سنة ۱۲۸۴ متولد ودر شهر صیام سنة ۱۳۴۹ در نجف اشرف برحمت حق پیوست مؤلفات عدیده دارد من جمله فوز العباد فی العقاید والتقلید والطهارة والصلوة دو قسم اول از آن طبع شده اسنی التحف فی شرح قصیدة الشیخ محمد طه نجف فی الامامة منظومة فی الخلل منظومة فی الزکوة حاشیة المکاسب و شعر جید متین لیس بالنزر الیسیر وبعداز نقد چندی از طرق اجازه روایتش گوید بهمین طرق مرا اجازه روایتی داده در ۱۰ ع ۲ سنة ۱۳۴۲ در منزل خود در نجف اشرف. ❋

مؤلفات حیات فوز العباد

## (۱۰۰) (آقا شیخ علی نجفی آل کاشف الغطاء ره)

### (المتوفی سنة ۱۳۵۰)

احسن الودیعة (ج ۲)(ص ۱۰۷) شیخ فقیه متتبع آقا شیخ علی آل کاشف الغطاء ره از کبار علماء متتبعین عارف باحوال علماء بود ودر این باب کتاب کبیری تالیف فرموده ومرا بران واقف نمود واو را خزانه کتبی در نجف اشرف هست که انواع کتب مخطوطه ومطبوعه در آنجا موجود است ومحبت عظیمی بجمع کتب داشت وحسن خلق وزهدش مستغنی از بیان است ومرا اجازه روایت اخبار دادند ودر غرهٔ محرم سنة ۱۳۵۰ بجنان جاوید خرامید وسنش از نود گذشته بود ودر مقبرهٔ آل کاشف الغطاء که در محله عماره از محال نجف واقعست مدفون گردید اعلی الله مقامه ورفع فی الخلد اعلامه. ❋

کتابخانه آل کاشف الغطاء

مؤلف گوید: بخدمت مترجم معظم رسیده وبکتابخانه اش وارد شدم وتفصیل قضیه اینست که سنه مذکوره در ایام تشرف وتوقف در نجف اشرف یکی از اقوام ما را دعوت کرد واز حسن اتفاق آیة الله العلامة آقا شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء نجل زکی آقا شیخ علی مذکور نیز تشریف داشتند صاحب خانه خواهش کرد که حقیر بمنبر بروم وچون اکثر حاضرین از اهل تبریز بود ترکی حرف بزنم امتثالا بمنبر رفته حدیث طریفی نقل کردم بعد از اتمام آقا شیخ محمد حسین مرا نزد خود خواند وفرمود آنچه بر ای من فارسی بیان کن بنده نقل کردم خیلی تحسین کرد گویا نشنیده بودند وچون از مجلس برخاستیم بنده عرض کردم که حقیر شایقم بخدمت والد ماجد برسم فرمود بسم الله یکی از طلاب رفت وبآقا خبر داد وفیکر وارد شدیم فرمود بکتابخانه برو چون وارد شدیم (بنده هیچون کتابخانه مفصلی ندیده بودم) آقا شیخ علی آقا برخاست ومعانقه

ترجمه مؤلف بخدمت آل کاشف الغطاء







نمود گویا از کتابهای بنده بنظر مبارکش رسیده بود وزیاده از حد که حقیر لایق آن نبودم لطف فرمود وگفتند که من طبقات شیعه را مینویسم تو هم پس از مراجعت به تبریز ترجمهٔ تاریخ حیات خود را برای من انفاذ بکنید تا درج کنم من عرض کردم که بنده هرگز در عداد آن اشخاص نیستم فرمود باید آنچه من تو امیگویم قبول بکنی حقیر امتثالا لامرهم المتبع چیزی نوشته از تبریز ارسال داشتم وآیة الله العلامة آقا شیخ محمد حسین به پسرش فرمود بروازمؤلفات من آنچه بطبع رسیده از هر یکی مجلدی بیاور رفت وشش جلد آورد وکتاب آیات بینات وکتاب اصل الشیعه واصولها را نیز بعداً از نجف تحصیل کردم واز آن وقت باز ابواب مکاتبه بینی وبینهم ادام الله ایام افاضاتهم مفتوح گردید وچندی را در اواخر مجلد صیام از کتاب فایع الایام ثبت کرده ام. ❋

## (۱۰۱) (آقا شیخ علی خوئی رحمه الله)

### (المتوفی ایضاً سنة ۱۳۵۰)

حضرت العالم المتبحر العلامة آقا میرزا محمد علی الغروی الاوردبادی سلمه الله تعالی در کتاب رجال خود گوید شیخ علی بن علیرضا الخوئی الخاکمردانی در حدود سنة ۱۲۹۲ متولد ودر ۹ شهر صیام سنة ۱۳۵۰ در قریه شرفخانه واقعه در ساحل بحر شاهی بعالم بقا رفت آن مرحوم بعد از مراجعت از نجف اشرف ومسافرت ببلاد وقری بادرومیه وهوسی برضائیه آمد بعد بخوی پس از آن شبستر ثم طهران سپس خراسان پس به تبریز بعد ثانیاً ثم رضائیه آمد ومشغول تالیف شد وبسیار نوشت. ❋

مشایخ آقا شیخ علی خوئی

مؤلفاتش: ۱ تشریح الصدور فی وقایع الایام والدهور مجلد اول در وقایع شهر الصیام ج ۲ در وقایع شوال ج ۳ وقایع ذی القعده ج ۴ وقایع ذی الحجه ج ۵ وقایع محرم ج ۶ وقایع صفر الی ۱۲ ربیع وبقیه شهور زائد بودم وظاهر اینست که آنها را تالیف نکرده وآن از انفع کتب است که مشحون نموده از اجناس از مسائل معقول وفقه وحدیث وتاریخ ومحاسن ۲ حل الاعضال فی جواب وسؤال الشرح کرده در آن حدیث حضرت رضا علیه السلام را با مامون در آیهٔ مباهله ۳ وسیلة القربة فی شرح دعاء الندبة ۴ لسان التکملة فی جواب الاسئلة ۵ شرح القصیدة العینیة ۶ الرسالة الطیبة ۷ تذکرة العارفین وآن تکمله کتاب خود تشریح الصدور واست که ده مجلس در آن ثبت کرده ۸ و ۹ دو جزء آن فی الرد علی الوهابیین عربیه وفارسیه ۱۰ عقد الفرائد فی شرح الفصائد وآن پنج قصیدهٔ بی نقطه است نظم علامه میرزا محمد حسن اورومی در اهل البیت علیهم السلام که مترجم محترم نیز بی نقطه تخمیس کرده واصل وتخمیس را با این شرح شرح داده در ۴۳۷ صفحه با تمام رسانیده وآن کتابیست غریب المادة که از فضل کثیر وباع طویل مؤلف خبر میدهد ۱۱ شرح دعاء الصباح

مؤلفات آقا شیخ علی خوئی ره

مؤلفات ومنظومات آقا شیخ علی خوئی

لامیر المؤمنین صلوات الله علیه ١٢ تعدیل الاوج والحضیض فی نفی الجبر والتفویض ١٣ رسالة فی التعادل والتراجیح وهی تعلیقة علی ذلک المبحث من المعالم ١٤ رسالة فی عقد النکاح والقول فی الانشاء والاخبار والشرط ضمن العقد مجلد کبیر فیه ابواب شتی من الفقه واصوله من تعالیق وافادات وتقریرات ١٥ رسالة فی الجواهر والعرض فارسیة ١٦ رسالة فی التناقض بین القضیتین ١٧ شرح قواعد الشهید قدس سره غیر تام واورا کتابات کثیره دو فقه شرح بعض متون در ابواب طهارت ومنتخب الاشعار مشتمل بر بعضی از شعر فارسی وترکی مع الحاقات من الشعر والنثر العربی وغیره ومثنوی فارسی نظم شطری از تاریخ حیات وتحولات وسوانح خود در بلاد وبعضی از فجایع یوم الطف مع الحاق قصاید کثیره از عربیه وفارسیه در موضوعات متفرقه که مثل بوستانی است برای او ومشت الغیر هذه از فوائد وتعالیق ونوادر وظرف وشعر ونثر که کسی نمیتواند ضبط بکند وهمه این کتب را بخط او دیدم ٭

وتلمذ او : نزد محقق خراسانی وشیخ هادی طهرانی در نجف اشرف بوده قد تم بالخیر بفضل الله ومنه فی ٢٠ ربیع الثانی سنه ١٣٥١ ٭

مؤلف گوید : همه این کتب مذکوره را سنه ١٣٥٢ بخط مؤلف نزد وصی مترجم در رضائیه دیده ولازم میبینم در این مقام که بعضی از تخمیسات آن عالم بارع علامه اعلی الله مقامه ذکر نماید :

تخمیس قصیده ابیات قبر طوس

٭( تخمیس ابیات علی بن ابی عبد الله الخوانی رحمه الله تعالی )٭

یا من اناخ بارض الطوس ناقته — قد استشم بطیب العطر تربته — مهما تفحت تجاها نادبقعته — یا قبر طوس سقاک الله رحمته

ما ذا ضمنت من الخیرات یا طوس

بدت سنا بسنا باد فغاب بها — کم من بروج تجلیات اصابها — فاحل دارک من ذاح فغاب بها — طابت بقاع فی الدنیا وطاب بها

شخص ثوی بسنا باد مرموس

ابن الرضا دین الاحکام شرعه — برج لمن سنی فی الافاق مطلعه — فاللا ذامل والایتام تجزعه — شخص عزیز علی الاسلام مصرعه

فی رحمة الله مغمور ومغموس

فضل وما هو فضل قد نبینه — خیر الوری فقط بل والله عینه — یتلو الکتاب بفضل الطهر قرینه — یا قبر انک قبر قد تضمنه

علم وحلم وتطهیر وتقدیس

تخلص ناظم اک

هذا من الملجی عرض تجد منه — تخمیس نا قبل نظما فی مدیحه — فرتلت یا طوس عن اجل تربته — فخرا بانک مغبوط بجثته

وبالملائکة الاطهار محروس





من کان ینصب بغضا من جفا عدی — ای الشفاعة یرجو للنجاة غدا — لم تترکوا فقط ایانا بجال سدی — فی کل عصر لنا منکم امام هدی

فربعه آهل منکم ومانوس

او هبتمو للنبی الطهر نا فلة — کنتم شموس هدی بالنور کافلة — من فقد کم صار الاکوان سائلة — امست نجوم سماء الدین آفلة

وظل اسد الثری قد ضمها الخیس

یا سادتی فیکم الاسرار مودعة — فالله رحمته فی الارض واسعة — انتم کواکب فی الافاق طالعة — غابت ثمانیة منکم واربعة

یرجی مطالعها ما حنت العیس

طال الزمان لتونیر بکم — هذا الذی دلنا الرب الخبیر بکم — ان الذی وعد انا نسر بکم — حتی متی یظهر الحق المنیر بکم

والحق فی غیرکم داج ومطموس

از تخمیس قصیده بلا نقطه در مدح حضرت ثامن الائمه علیهم السلام

ولله ایضا از تخمیس قصاید خمسه بی نقطه در مدح حضرت ثامن الائمه علیهم السلام

امام همام دار علم مکمل — وار حام طهر حاصل ومحصل — وداع الی الاسرار هاد موصل — ووالده موسی الامام المؤمل

لا طوار اوطار لطرد المعاسر

وعم الوری طولا دوام سمائه — اری الدهر کلا دار حول کمائه — وحاء صدر صدها الرواثه — علا همها الوسال مور عطائه

علی موسم الامال مهلاک موسر

هو الاس علام علی کل عالم — هو الراس للاسلام صدر المعالم — مدار علوم العلم وسالم — ودار العلی ما دار مولی العوالم

علی محود دور السماء ودائر

هو الطهر معصوما وسلما ورعا کالا — ولا رام سوء لا حسودا وواد لا — وما حام حول المکرما صار حاسدا لا — اره طه حلم الرسول معادلا

از تخمیس قصیده بی نقطه در مدح حضرت جعفر ع

وله ایضا از قصاید بی نقطه — لاهمال رهط الحسود وماکر — در مدح جعفر ع

امام الهدی لله ساع وصادع — عدو لعدو الله هو ولا دع — علی الصدر اسرار العلوم مواسع — هو الصارم المسلول لله رادع

لا هواء رهط اللاهو هاد لهائل

لدآء الحصی لو رام درّ و لولو — سواء لدآء الکل للعدل کالئ
و انصار اسلام مع العدل مالئ — هو الحکم المأمول عدواه دارئ

وساوس مکار و نحلا لما علی رحمن

مرهی لورید و الراح معطی کوسها — هو المصلح الماحی الردی و عکوسها
و مردی لئام الدهر حصد رؤسها — مطرئ احکام و دآء دروسها

لاعمد اسلام کرایس و سامك

و ما اکمل العلم اعلی کلامك — و ما اعدل الحکم اعلی مرامك
و هی لامر للاعداء ظهر امامك — و سل ردآء البتر و اسلل حسامك

المحدد از دآء اللئام کدوسك

و له ایضا از تخمیس قصیده ابو الفتح البستی طاب ثراه در نصایح مهمه شریفه

لاذل القوی اسم الله بنیان — تحامد العبد للرحمن شکران — تجاهل الشخص للنعماء کفران — زیادة المرء فی دنیاه نقصان

و ربحه غیر محض الخیر خسران

مصانع الخیر حی لا اممات له — سعادة العلم عز لا افوات له — جها له المرء موت لا حیاة له — و کل وجدان حظ لا ثبات له

فان معناه فی التحقیق فقدان

من کان غمض عن الم یجد کربا — مهما تزد من لقاء للوری طربا — عاشر برفق و لا تبد الرضا غضبا — من عاشر الناس یلقی منهم نصبا

لان سوسهم بغی و عدوان

کل عبید لهوی دزهم حلقهم — غمض عن العین ذلم تر من خلقهم — لا تکشفن من ذوی التسویل ارفقهم — و من یفتش عن الاخوان یلقهم

لاسیما اهل هذا الدهر خوان

و لا تقف بمقام مولد الاسف — و لا تبت بمکان غیر ذی شرف — هذا کلام حکیم شاع من سلف — من استشام الی الاشرار نام و فی

قمیصه منهم صل و ثعبان

مدارج الحلم صعب للصعود کم — من الوری فی ارتقاء زل منه قدم — فجانب الخرق لا عن حیرة و ندم — و ذاق الرفق فی کل الامور فلم

یذمم رفیق و لم یذمم انسان





من کان ذا شرف عظم جلالته — و احفظ لنسل کریم خفر ذمته — خالف هواك اقم بالعز حالته — فمن جرح وجهك لا تهتك غلالته

فکل حر لحر الوجه صوان

من لم یدع سره فی غیر ذی لحظ — لم یلقه حادثات الدهر غیظ — ذاك الذی قلبه من شامخ الوعظ — لا تنشر غیر ذی خادم یقظ

قد استوی فیه اسرار و اعلان

ادلو الحجی ناصحوا و قد محضوا — مشایعوا قومهم اهل الهوی رفضوا — فلم یزل حلمهم ان شاوروا فرضوا — فلا تقد ابر فرسانا اذا رکضوا

فیها ابروا کما للحرب فرسان

لو لا بغیض لخلق خالق وجدا — لم تلق فی فرح و نعم احدا — قد قل منه سرور و بلی کمدا — لا تحسبن سرورا دائما ابدا

من سره زمن سائته ازمان

## (۱۰۲) (آیة الله آقا میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی ره)

## (المتوفی سنة ۱۳۵۱)

**اسم جو** از کبار علماء ایران و احد مراجع امامیه در این زمان بود ریاست نافذه و مرجعیت تقلید عامه او را داشت و اعلم و افقه و ادق نظرا و جمیل الخلق حسن الخلق حلیم کریم حکیم دقور شدید العزم قوی القلب بصیر در امور صبور در شدائد و ملمات متصلب در دین و شرعیات طیب المحاورة مرتقی در محاضره ادیب منشأ شاعر مجید جید الخط حسن الربط بالجمله خالق البریه جلت عظمته نعم خود را در این وجود مسعود باتمام رسانیده بود .

**نسب شریفش** میرزا صادق بن غالم فقیه مجتهد متکلم علامه حجة الاسلام میرزا محمد بن غالم مجتهد مولی محمد علی قراجه داغ صاحب شرح تبصرة علامه حلی رضوان الله علیهم آباء کرام او قاطبة نادر عصر خویش و اخوان فخامش کلهم علماء فقهاء و جلهم مجتهدین عظام طراز اول و در درجه علیا بوده اند .

**مولد و منشأ و کیفیت تحصیلش** : در حدود سنة ۱۲۷۴ در تبریز متولد و در وطن مألوف صادقا القول نشو و نما کرده تا بتحصیل بتحریر شروع و در مدت یسیر تکمیل و پس از آن بمقدمات فقه و اصول مشغول و در زمان قلیل بامثال و اقران فایق آمد . و چون سن شریفش به نوزده سال رسید در مصاحبت برادر اکبرش عالم فقیه حجة الاسلام حاج میرزا محسن آقا مجتهد قدس سره بنجف اشرف زادها الله شرفا که محط اساطین امامیه و مهبط اسانید اثنی عشریه بود سنة ۱۲۸۸ مسافرت فرمود و مدت اقامتش در آن

مکان شریف بیست و چهار سال بود و در آنجا احد مشایخ عظام و اساتید کرام بوده که فضلاء و منتجبین طلاب بحث و حاضر میشدند بعد بواسطه عدم تمکن قیام و مساعدت نکردن ایام چنانچه عادت اوست با ارباب فضل و کمال و اصحاب عزت و افضال مسئله اغریب مراجعت بتبریز نمود . ✻

مکارم اخلاق و محاسن صفات

**صیت فضل و اخلاقش** : و بواسطه انتشار فضل و غزارت علم و حسن اخلاق که متحلی بحظ وافر از جمیع محاسن بوده در انظار مردم عظیم و مقبول خاص و عام و محسود رؤساء و محفود منتحلین علم چنانچه بیچیره اهل زمان و شهره اهالی آن گردید . ✻ اما آن بزرگوار بواسطه علو مقام و جلالت و سمو مکانت ابداً بآنها ملتفت نمیشد و اصلا اعتنا نمینمود و در قبال بدگوئی و حسد ایشان محبت و احسان و ذکر حسن در حق شان میکرد کأن لم یکن شیئاً مذکورا زیرا که آن حبر اعظم وافر العقل حدید النظر عدیم النظیر عمیق الفکر بود بفرموده مکتوب لغد من عنوان الیوم والمؤمن ینظر بنور الله پیش بینی و پیشگوئی بود که از امور نفیسه قوانین مبتدعه قبل از وقوع بفکر ثاقب نظر صائب خود خبر میداد و همان طور میبود حتی بعضی از اشخاص را معین میفرمود که بفلان امر متصدی خواهد شد و همان طور میشد و چنان صاحب حزم بود که احدی نمیتوانست در امری بر ایشان خالت و غلبه نماید و نطق نمیکرد مگر بچیزی که نفع ببخشد برای مردم در دین و دنیای ایشان و کبر از کرنمیکرد مگر بچیزی خیر . ✻

و آنمرحوم متصدی درس افاده و وعظ و خطبه ارشاد مردم بود و منبر موثر مفیدی داشت و مفصلا مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام را با بیان نکات و دقائق آن ذکر میفرمود . ✻

مسافرت ایشان بکردستان و تکریم علمای سنندج

**مسافرت آن فقیه اعظم بکردستان** : بنا بموجب بلده سنندج مفرح کوشکر دستان مسافرت فرمود و اهالی آنجا با اینکه از جماعت عامه و اهل سنت شافعیه هستند بزیارت او آمدند و تکریم و تجلیل بجای آوردند و علماء ایشان مریدو نیامدند بلکه و مریدو بلد شان افتخار مینمودند حتی شیخ اجل شیخ شکر الله نام جمعه سنندج گفت که اگر ذبح ولد شرعی بود من یکی از اولادم را در مقدم شما ذبح میکردم و جداً تو طن آن بلده را از دعا شد غا میکردند بجهة آنکه مقام علم و مکان فضل و مکارم اخلاق و مجاهده او در دین و علو شأن و جاه و کمال و ادب میدانستند . ✻

**مهاجرت صاحب عنوان به بلده طیبه قم** : و بعد از اقامت بیشتر از بیست روز در سنندج از طریق همدان و عراق ببلده قم المحمیه علی ساکنها الاف الثناء والتحیة مهاجرت فرمود و در آن مکان شریف اقامت گزید غائله خود را احضار فرمود و دیگر بتبریز باز نگشت و بعد از چهار سال بزیارت حضرت رضا علیه الصلوة والسلام مشرف و پس از سه ماه توقف و تشرف بقم مراجعت فرمود و در حالیکه سینه اش درد ناک بود و سابقاً





هم معلول بود و در شب عید فطر بمرض ذات الریه مبتلا گردید و بهبودی حاصل نشد تا شب جمعه ششم ذی القعده ۱۳۵۱ دو ساعت و نیم از شب گذشته روح ریحان و جنت و رضوان خداوند رحمان بشتافت . ✻

وفات معظم له و تجهیز ایشان

**تجهیز آنمرحوم** : در صبح جمعه علماء و طلاب قاطبة و اهالی قم و غیرهم از مجاورین و زوار بتشییع جنازه اجتماع نمودند و عالم ورع تقی شیخ مهدی محدث واعظ در منزل او در آب جاری غسل داده و طبق آداب شرعیه کاملا تکفین و تجهیز نموده و در زیر پرچم حضرت سلام الله علیها بحرم مطهر حمل دادند و تقریباً پانزده هزار تن تشییع خاص و مردم مثل ایام عاشوراء گریه و ناله میکردند و کتیبه عزائیه حسینیه که در بلاد اسلامیه مرسوم است بیت ترنم مینمودند : رفت از دار فنا سوی بقا سرور ما خاک غم بر سر ما . بعد جنازه را بالای سر حرم مطهر گذارده امام اورع ازهد حجر فقیه وحید آقا شیخ ابو القاسم شیخ علماء قم و مرجع تقلید ایشان نماز گذارد جنازه را بر دوش ازجاج حمل دادند و چون حفار خشتی از زمین برداشت دانند که از زمین حفر کرده قبر و سیع مسیل لحد بخصوص معلی پیدا شد تمام مردم و خدام حرم از این مرتجب کردند چه که هرگز احتمال نمیرفت که در آن و اطراف حرم چنین قبر حاضر خالی باشد پس در همان قبر دفن کردند نور الله مضجعه بانوار رحمته و سقی تربته بشآبیب لطفه و مغفرته . ✻

مجالس ترحیم معظم له

✻ **مجالس ترحیم در بلاد ایران و نجف اشرف و مشهد مقدس** ✻

( در بلده قم ( اولاً ) مجلس عزاء و ترحیم از طرف اولاد کرام آنمرحوم در مسجد بالا سر حرم در روز منعقد و تمام بازار و دکانها را بستند . ✻

( ثانیاً ) از طرف حضرت علامة الانام حجة الاسلام آیة الله حاج شیخ عبد الکریم آقا حائری یزدی در امان مسجد

( ثالثاً ) از طرف اهل بازار در مسجد امام قرب بازار . ✻

( رابعاً ) از طرف جمعیت قراء و حفاظ جلیله قمیین . ✻

( خامساً ) از طرف شریف اعظم و عین تراکم ذات اجل اقدم آقای ناظم الملک . ✻

( و هکذا ) تا مجلس سابع و همه مجالس مملو بود از مردم . ✻

( در طهران : ( اولاً ) در مسجد سپهسالار از طرف دولت سنیه با اطعام مردم . ✻

( ثانیاً ) در مسجد شاه از طرف علماء اعلام و حجج الاسلام . ✻

( ثالثاً ) در مسجد آذربایجان از طرف اهل تبریز قاطنین طهران . ✻

( در مشهد مقدس ) : اولاً در مسجد گوهرشاد از طرف علماء و اهالی شهر و صاحب عزاء حضرت حجة الاسلام آیة الله حاج آقا حسین قمی و در آنجا درس میدیدند و علم الحد و حبر اعظم سید صدر الدین

عالم اصفهانی بودند . ✳

(وثانیاً) در مسجد پاچنار از طرف اهالی آذربایجان که مجاور مشهد شریف بودند . ✳

**در تبریز** (اوّلاً) در مسجد ترحیم مرحوم از طرف اخوان کرام و عشیرهٔ فخام دو روز و تمام بازار را

بستند مثل عاشوراء حتی ارامنهٔ ساکنین تبریز . ✳

**وبعد از انعقاد مجالس عدیده** بواسطهٔ کثرت ازدحام مردم و انقلاب احوال و تشتت امور

وخوف حدوث فتنه ترحیم ممنوع شد . ✳

**و در نجف اشرف** علی ساکنها الاف التحیة والتحف (اوّلاً) از طرف رئیس الملة وزعیمها الحجة

آیة الله آقا سید ابو الحسن اصفهانی . ✳

(**ثانیاً**) از طرف علماء وطلاب ساکنین نجف . ✳

(**وهکذا**) مجالس ترحیم اقامت یافت در بلدهٔ همدان در مسجد جامع و بلدهٔ زنجان و سایر بلاد آذربایجان

از اردبیل و مراغه واهر وارومیه موسوم برضائیه ونحو آن با اطعام فقراء ومساکین مفصلاً سه روز وغیرها از

قصبات وقرای آن کشور زیرا که آن مرحوم قدس الله سره مرجع تقلید وملجأ امور شرعیهٔ ایشان بود . ✳

**ومعلوم است** که این تأثر خاص از عوام وخواص نیست مگر از لطف خداوند متعال واز محامد کریمه

ومکارم جبلهٔ انعام ربانی رضوان الله علیه ✳ الناس اکیس من ان یمدحوا رجلا ✳ حتی یروا عنده آثار احسان

لقد ثلمت فی الاسلام ثلمة عظیمة لایسدها شیٔ . ✳

| | | |
|---|---|---|
| تمضی اللیالی ولاتفنی مآثره<br>یستنشقون نسیم الخلد قد فجما | یبقی علی صفحة الایام مارسما<br>این الذی بسط الاحسان منبسطا | والعاکفون علی اطراف مضجعه<br>قد عم فیض نداه العرب والعجما |
| ✳ | این الذی فسر الاحکام محکمة | این الذی هذب الاحکام والحکما |

**ومبلغ عمر شریف آن فقیه اعظم** تقریباً هفتاد و هفت سال بوده . ✳ رحمة الله علیه

**وتاریخ وفاتش بعربی** : قد انجاه الله تعالی من ایدی الظلمة . ✳

**وبفارسی** : قوام ملک ودین بوده مقتدای انام . ✳

**وچهار نفر از علماء وفضلاء** در رثاء وقصاید ذائقه وابیات فائقه بعربی وفارسی انشاء

کرده اند ولی بواسطهٔ رعایت اختصار اقتصار بتاریخ جانش شد . ✳

**وخود آن مرحوم نیز** قصائد نفیسه در مقاصد عدیده هست من جمله قصیده در استشهاد

ونوائب عاشوراء . وقصیده در رثاء علی اکبر علیه السلام که بخط شریف خود نوشته از سال ذاشته بودند

(حاشیه: انعقاد مجالس ترحیم در بلاد دیگر)
(حاشیه: تاریخ وفات وبعض اشعار)





وحقیر در مجلد محرم الحرام از کتاب وقایع الایام ص ۴۱۷ و ص ۴۹۵ نقل کرده ام وقصیدهٔ در کرامت باهره

اردبیل که در خاتمهٔ کتاب مذکور منقول است وقصیدهٔ در فاجعهٔ فتنهٔ روس بقبهٔ حضرت رضا علیه الاف

التحیة والثناء وقصیدهٔ در رثاء مرحوم امام جمعه حاج میرزا عبد الکریم آقا که در این وجیزه در ترجمهٔ

او ثبت کرده ام نظم فرموده اند . ✳

**اساتید صاحب عنوان ره** در غرهٔ سن بدین چندین از مشایخ عظام واساتید کرام حاضر

میشد من جمله شیخ فاضل اردکانی وفاضل محقق مولی محمد فاضل ایروانی وفاضل شرابیانی وشیخ مامقانی قدس

الله اسرارهم الزکیة واستاذیکه در اخذ از وی مبالغه واعتقاد کثیری در حق وی داشته علامهٔ فرد وحید

فائد فرید محقق آیة الله شیخ هادی طهرانی صاحب خاتم النبوة قدس الله سره بود پس از آن خودش در عداد

محققین از اساتید منسلک گردید که علماء وفضلاء محصلین از نظریات صائبهٔ عمیقه او استفاده مینمودند

تا عنان قضا در سنهٔ ۱۳۱۱ او را بسوی بلدهٔ تبریز کشید بوطن مألوف خود مراجعت فرمود . ✳

**مصنفات نفیسهٔ آن مرحوم** که مشتمل بر تحقیقات انیقه وابکار افکار دسد بدیه است که

شاهد علو فهم ووفور علم وکثرت تبحر واحاطه تامهٔ اوست بر علوم منها المقالات الغریة ورسالة فی المشتق

ورسالهٔ مختصره که در قم نوشته ورسالهٔ موسومه بالفوائد فی المسائل المتفرقة الفقهیة اینها همه طبع شده وکتاب

الصلوة فی الفقه من اولها الی آخر باب الامامة والاقتداء فی اربعة اجزاء وکتاب شرح تبصرة العلامة قدس سره

فی الطهارة من اولها الی آخر احکام السلس ورسالة فی شرائط العوضین والربا وانتصاف المهر بالموت ورسالة

فی بعض مسائل الصلوة ورسالهٔ فارسیهٔ عملیه طبعت سنهٔ ۱۳۲۳ محتویه علی اصول الدین مفصلا ومسائل الاجتهاد

والتقلید الی آخر مصارف الخمس ورسالهٔ فارسیهٔ عملیه موسومه بواجبات الاحکام طبعت سنهٔ ۱۳۳۵ من اول

باب الطهارة الی آخر باب الذبایات وحاشیه علی رسالهٔ وسیلة النجاة که بخط شریفش در تبریز نزد یکی از احباب

دیدم وحاشیه علی رسالهٔ منهج الرشاد ودر پشت رسالهٔ واجبات الاحکام بروی اشاره رفته . ✳

**وصدیقنا الاعظم حضرة السید السند العلامة** آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمی دام

افاضاته ابن الحاج میرزا محمد موسوی خوانساری در مجلد دوم احسن الودیعة ص ۱۱۰ جمله از ترجمهٔ او را در خاتمهٔ

ضبط فرموده گوید میرزا صادق آقا تبریزی نزیل قم الیوم از کبار علماء ایران واحد مراجع امامیه در این زمان

ریاست عامه ومرجعیت تامه در تبریز او را بوده حکومت ایرانیه در ثورت مشهوره که در تبریز واقع شد او را

ببعض بلاد ایران انفاذ داشت خلاصه کلام در این مقام این است که این بزرگوار الیوم در بلدهٔ طیبه قم

زاویه خمول اختیار کرده زیرا که میداند اصلح در این عصر بحال فحول همین است وبرای اجتناب از مصائب طرد شد

(حاشیه: اساتید معظم له)
(حاشیه: مصنفات آن مرحوم)

انچه بهیچ کس مخفی نیست پس وی مجهول القدر وصابر برشد اید دهراست وبین او ووالد ملاقات در سفرا بخراسان ومرحومش بقم مشرف واقع شده وخلطه تامه بینهما حاصل گردید ووالد ماجد او را بسیار توصیف بفرمود در اسلامی بادی اتفاق فتاده که بعض مکاتیبش نزد ما موجود است ادام الله بقاه ورزقنا لقاه بحق البیت ومن بناه

## (۱۰۳) (حاج شیخ عبدالله مامقانی رحمه الله)

## (المتوفی ایضا سنه ۱۳۵۱)

**ریحانة الأدب** (ج ۳) حاج شیخ عبدالله بن شیخ محمد حسن مامقانی قدس سرهما از اجلاء علماء عصر حاضر ما که بسیار متتبع واز مراجع تقلید شیعه وداری مصنفات بسیاری میباشد واز انجمله است کتاب اجابة السؤول فی انتصاف المهر بموت احد الزوجین قبل الدخول که غایة السؤول نیز گویند ودر سنه ۱۳۲۲ بطبع رسیده وکتاب الاثنی عشریة الموسوم بمجمع الدرر که حاوی دوازده مسئله فقهیه بوده ودر سنه ۱۳۴۴ طبع شده وکتاب تنقیح المقال فی احوال الرجال وکتاب منتهی مقاصد الأنام فی نکت شرایع الاسلام ومقباس الهدایة فی علم الدرایة وازاحة الوسوسة عن تقبیل الاعتاب المقدسة وغیرانها که در اول کتاب تنقیح المقال شرح نگارش یافته وبعض آنها فراغت نداشته است ودر ۱۶ شوال سنه ۱۳۵۱ وفات یافت ودر مقبرهٔ والد معظم خود مدفون گردید (جزاه الله عن الاسلام خیر الجزاء).

## (تفصیلی در تنقیح المقال)

**الذریعة** (ج ۴) (ص ۴۶۶) تنقیح المقال فی علم الرجال این کتاب مبسوطترین کتبی است که در رجال نوشته شده زیرا که تراجم جمیع صحابه وتابعین وسائر اصحاب الأئمه علیهم السلام وغیر ایشان از رواة تا قرن رابع وقلیلی از علماء محدثین را در سه مجلد کبیر درج کرده ومجموع مدت جمع وترتیب وتهذیب وطبع آن سه جلد زیاده از سه سال طول نکشیده واین امر از خوارق عادات وخاص تاییدات شمرده میشود فلله در مؤلفه من مصنف فاق سابقیه مصنفوا الرجال ومن تنقیح ما اتی بمثله الامثال پس خداوند خیر کثیر بر این مؤلف ان عنایت فرماید که کسی از مصنفین رجال بنحو این تصنیف سبقت نگرفته واحدی از اقران وامثالش تنقیحی مثل آن نپرداخته وآن علامه معاصر شیخ عبدالله بن علامه شیخ محمد حسن مامقانی است که در حدود سنه ۱۲۸۷ در نجف متولد ودر نصف شوال سنه ۱۳۵۱ وفات یافته وتالیف این کتاب را اواخر صفر سنه ۱۳۴۸ چنانچه بخط خود در پشت کتابش نوشته شروع کرده وتالیف وتصحیحش در کمتر از دو سال تکمیل یافته وتمام مجلدین وچهل مجلد ثالث در حیات خود از طبع درآمده مگر چند جزوه که بعد از وفاتش در سنه ۱۳۵۲ چاپ شده ودر استعجال وبا این نحو در این نالیف





منبغی که محتاج بتکرار مراجعات وبحث وتفحص در کتب ومکتبات وتکثیر مذاکرات با مشایخ فن است در خلال سنوات واسراع در طبع آنچه ترتیب وتالیف داده برای خوف فوت وقت وغیر آن از دیگر امور همه اینها سبب شده برای او که جمله از زلات قلم در مواضع کثیره که محتاج به تنقیح است برای دفع آنچه متوجه است بروی از اعتراض ونقد بروی واقع شده فلذا شیخ محمد تقی بن شیخ محمد کاظم حفید علامه شیخ جعفر شوشتری جمله از انتقادات وارده بروی را در مجلد کبیری موسوم بتعلیقات تنقیح المقال جمع فرموده واز جمله آنچه جمعی از معاصرین بروی انتقاد کرده اند اکثار اوست در تراجم رجال که گفته مجهول است لاستبعاد در فهرست تنقیح المقال بلکه مستقلا طبع وسمی به نتیجة التنقیح نموده که هر کس بروی نگاه کند نه بیند مگر مجاهیل را با اینکه محقق داماد در راشحه سیزدهم از کتاب رواشح درصدد بیان واثبات فرموده که جایز نیست اطلاق مجهول اصطلاحی را مگر بر کسیکه ائمه علم رجال بجهالت وحکم نمایند ولکن آنچه این اعتراض را از وی دفع مینماید آنست که او جاهل بکلام محقق داماد نبود ولذا در مجلد اول در اواخر ص ۱۸۴ تصریح کرده باینکه اگر متتبع بجمیع مظان استعلام حال رجلی مراجعه نماید ومع ذلک بچیزی از ترجمه احوالش اطلاع نیابد ابدا جایز نیست که بجهالت وحکم نماید بواسطه وسعت دایرهٔ این علم وکثرت مدارک معرفت رجال پس با علم وتصریح او بدین امر چیزی حاصل میشود باینکه مرادش از قول خود (مجهول) نیست که علماء فن بجهالت او حکم فرموده اند تا بدین جهت حدیث او ضعیف باشد بلکه مرادش این است که نزد من مجهول است ومن بترجمه مبینهٔ احوال او مطلع نشده ام بلی بایستی که در مقدمات کتابش باین مراد خود تصریح بنماید ولی غفلت کرده.

**مؤلف گوید:** مرحوم شیخ الشریعة حاج شیخ عزیز بنابی که از اول علماء عصر خود مطلع وکرارا بزیارت عتبات عالیات مشرف ونزد مراجع تقلید معروف وموثق بود شفاها فرمود که حاج شیخ عبدالله مامقانی هشتاد جلد تالیف دارد. (رحمة الله علیه).

## (۱۰۴) (حاج میرزا محسن آقا مجتهد تبریزی ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۵۲)

**انجوم:** قدس الله سره دکلمیره از اعاظم مجتهدین عصر وافاخم فقهاء دهر آیة الله فی الانام ونایب مرضی امام علیه السلام رجل الفقه بطل التقی کاشف المجمه والابهة والحجة الفقیه المعظم والرئیس المقدم العالم الحبر البحر الآخذ بعضادتی الشرف والفخر حامی الملة والدین وقامع بدع الملحدین آیة الله العالم الأوحد آقا میرزا محمد الشهیر بالا مجتهد قدس سرهما بود.

**ولادت و تحصیلش** : سنه ۱۲۶۷ متولد و پس از تحصیل مقدمات و متون فقه و اصول در تبریز و اعتراف والد ماجدش بارتقاء وی بمقام شامخی از علم برای تکمیل مراتب و معارف خود سنه ۱۲۸۸ بنجف اشرف مهاجرت و چند سال بر بحث ساطین عظام و اساتید فخام حاضر و بعد از تصدیق و اجازه اجتهاد از مراجع تقلید سنه ۱۲۹۲ بموطن و مسقط راس خویش مراجعت فرموده مشغول تدریس طلاب و محصلین و ترویج دین مبین گشته در مسجد پدر بزرگوارش اقامه نماز جماعت و در منزل خود مشغول مرافعه و محاکمات و قطع خصومات بین المسلمین گردید و زیاده از چهل سال باین وظایف دینیه و امور شرعیه در این بلد تا تبریز که اخلاق و حسن ایشان معلوم و مشهور داشت قیام و اقدام بنمود و بواسطه دقت و اهتمامیکه در تحقیق محاکمات داشت پس از حکم او کسی ارادی اعتراض باحکامش نکرد و از این روی نهایت وجهه و آبروی بین خواص و عوام و افراد ملت و اجزاء دولت داشت .

**مترجم معظم** بزرگترین پنج برادر بود و باقی آیة الله آقا میرزا صادق آقا و حاج میرزا عبد العلی آقا و حاج میرزا عبد الحسین آقا و حاج میرزا احمد آقا قدست اسرارهم بودند . و بین ایشان چنان محبت و وداد و اتفاق و اتحاد داشت که در میان سایر سلسله های عظیمه و خانواده های کریمه ضرب المثل و محل غبطه بودند تشبیه که در قضیه شرعیه یا عرفیه میان ایشان اختلافی و مجادله رو دهد ایشان مصداق این آیه شریفه بودند و نزعنا ما فی صدورهم من غل اخوانا علی سرر متقابلین .

**صاحب عنوان** (علیه الرحمة والرضوان) بعد از مراجعت مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقا قدس سره از نجف اشرف محراب و منبر را با ایشان واگذار فرموده و پس از مهاجرت ایشان بقم مشرفه مرحوم حاج میرزا احمد آقا بنماز تشریف میبرد و بعد از رحلت معظم له نجل زکیش عالم و عامل بقیة السلف و قدوة الخلف آقا میرزا کاظم آقا ایده الله تعالی در مسجد مذکور جانشین والد ماجد و اعمام کرام و جد امجد خود میباشد .

**اسفار صاحب ترجمه** : سنه ۱۳۱۲ بحج بیت الله الحرام مشرف و ۱۳۲۰ بزیارت مشهد مقدس موفق گردید و احقر نیز در آن تاریخ هم سفر و در رواق مطهر با ایشان نماز کذارده بمنبر رفتم و والی تبریز نظر آقا بحاکم مشهد خبر داده بود که در احترام و تجلیل معظم له هیچ وجه اهمال و فروگذار نه نمایند و زیاده از پنجاه سال است که با اخوان خمسه علیهم الرضوان والرحمة ربط تام و رفاقت خاصه دارم بجز عدل و حسن خلق و تواضع در فوق چیز دیگری ندیدم . (رضوان الله تعالی و رحمته علیهم) .

**تألیفات شریفه اش** : (۱) تعیین المحجة الی تعیین الحجة چهل حدیث از نصوص صریحه در تعیین حضرت حجة عجل الله فرجه با استشهاد در طی هر حدیث باحادیث دیگر در نص امامت آن بزرگوار بالخصوص نقل







نموده در طهران سنه ۱۳۴۶ طبع شده و محتوی بر ۴۱۸ صفحه خشتی است اولش الحمد لله البالغة حجته السابغة نعمته التامة قدرته العامة رحمته الخ و مقدمه مبسوطه مشتمل بفصول چندی در مباحث امامت مطلقه که تقریبا بقدر ثلث کتاب میشود قرار داده و خاتمه در نصوصیکه از جد بزرگوارش حضرت ابو الحسن علی هادی و پدر عالیمقدارش ابو محمد الحسن العسکری علیهما الصلوة والسلام در تصریح و تعیین آنجناب قبل از ولادت تا حین آن یا بعد از آن وارد شده بآن ملحق فرموده و در ایام تالیف این کتاب مستطاب بود که حقیر روز غدیر بحضورش شرفیاب شدم نزد خود خوانده فرمودند من کتابی در امامت جمع میکنم آنرا ببر نگاه کن اگر چیزی بنظرت آید در حاشیه بنویس من عرض کردم آقا چه احتیاج دارد بنظر ما اگر ما کتاب شما را بفهمیم اسباب افتخار ما است فرمودند قبول کن آنچه گفتم بنده امتثالا امر ببیت آنکه مقداری مرقوم فرموده بود آوردم و بواسطه محرم و ادای وظایف منبری فرصت تصفح و مطالعه تمام نسخه نشد مگر پاره اضافاتی در حواشی حسب الامر نوشته رد کردم بعد فرزند ارجمندش مرحوم حاج میرزا محمد آقا طاب ثراه که عالم کامل و سالها در نجف اشرف تحصیل و تکمیل کرده بود فرمود که مخصوصا آقا مرا فرمود که حواشی فلانکس را داخل متن کرده طبع نمائید نیک نفسی و تواضع ایشان اینطور بود .

(۲) (کتاب ایمان ابو طالب) که ایمان آنجناب را اثبات و احوال و اشعارش را نقل کرده و نسخه نزد اولاد امجادش موجود است و صاحب ذریعه طال الله بقائه ۳ کتاب در ایمان ابو طالب استقلالا او ضمیمة از خاصه و عامه در (ج ۲) ص ۵۱۰ نقل کرده .

**وفات صاحب ترجمه** سنه ۱۳۴۴ بضعف بصر و ثقل سامعه مبتلا شده در اثر آنها سنه ۱۳۵۲ چهارم محرم الحرام بدار بقا رحلت فرموده و پس از زمانی جنازه اش بنجف نقل و در مقبره والد ماجدش در وادی السلام دفن گردید . (رحمة الله و رضوانه علیه) .

---

## (۱۰۵) (آقا شیخ جواد بلاغی نجفی ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۵۲)

**حضرة العالم النحریر العلامة** صدیقنا الاعلم الزکی آقا میرزا محمد علی اوردبادی الغروی دام الله بقائه در ترجمه او میفرماید آیة الله العلامة شیخ محمد جواد بن شیخ حسن بن شیخ طالب بلاغی در حدود سنه زیاده ۱۲۸۰ متولد و نزد شیخ محمد طه نجف و حاج آقا رضا همدانی و آخوند خراسانی در نجف اشرف تلمذ بعد مهاجرت بسامرا و ده سال در عهد آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی در آن مکان شریف اقامت و در تغلب جیش بریطانی بکاظمین علیهما السلام مراجعت و بعد از دو سال بنجف اشرف مسافرت فرمود .

مؤلفات آن عالم بی نظیر ۱ کتاب الهدی الی دین المصطفی دو مجلد است مختوم ۲۹۷ع رد علی النصاری ۲ الرحلة المدرسیة سه مجلد است مباحثه مع الادیان کلها ۳ رسالة التوحید والتثلیث ۴ البلاغ المبین فی اثبات الصانع ۵ نصایح الهدی رد علی البابیة ۶ انوار الهدی ورد علی المادیین ۷ اعاجیب الاکاذیب ۸ المصابیح فی الرد علی القادیانیین ۹ اجوبة المسائل البغدادیة فی اصول العقاید ۱۰ تعلیقة علی کتاب البیع للشیخ الانصاری الی اول بیع الوقف ومعها ۱۱ رسالة فی اللباس المشکوک فیه ۱۲ رسالة فی تنجیس المتنجس ۱۳ رسالة فی قاعدة علی الید ۱۴ رسالة فی بعض فروع العلم الاجمالی . ✳

ابنها کتب مطبوعه مترجم معظم است الی الآن در نجف وبغداد وعماره وهند وسوریا وترجمة اعاجیب الاکاذیب بفارسی وشطری قریب بنصف از ترجمه رحلة المدرسیة در ۳ جلد در نجف اشرف طبع شده وایضا ترجمه دیگر بلغت اوردو در لکهنو هند در مجلة واعظ طبع میشود . ✳

اما کتب غیر مطبوعه اش : ۱۵ اجوبة المسائل الحلیة ۱۶ اجوبة المسائل التبریزیة ۱۷ رسالة فی حرمة مس المصحف علی المحدث ۱۸ رسالة فی منجزات المریض ۱۹ رسالة فی اقرار المریض ۲۰ رسالة فی الرضاع ۲۱ رسالة فی قولهم علیهم السلام الزموهم بما الزموا به انفسهم وکثیری از فروعش در ابواب فقه است ۲۲ رسالة فی الغسالة ۲۳ رسالة فی المتمم کرا ۲۴ رسالة فی التقلید ۲۵ رسالة فی صلوة الجمعة لمن سافر بعد الزوال ۲۶ رسالة فی حرمة حلق اللحیة ۲۷ رسالة فی الاوامر یسیرة فی الجهاد ۲۸ رسالة فی ذبائح اهل الکتاب ۲۹ رسالة فی ابطال العول والتعصیب ۳۰ رسالة فی الرضاع علی مذهب الامامیة والمذاهب الاربعة ۳۱ کتاب فی الاحتجاج لکل من انفرد به الامامیة من احادیث اهل السنة فی ابواب الفقه من المسند والصحاح بروال البیاض الی اواخر کتاب الصلوة ۳۲ حاشیة علی شفعة الجواهر ۳۳ تعلیقات علمیة علی العروة الوثقی ونبذی از شعر او با تعلیقه بدیع که از آنها است قصیده رائیة کبیره در حق حضرت حجت عجل الله فرجه ردا علی ابن الالوسی در قصیده معروفه رائیه اش وقصیده دالیه دیگر وقصیده عینیة اخری فی النفس بناضل قصیدة ابن سینا در آن بطبع رسیده واز شعر وی در دیوان سید محسن عاملی وغیره یافت میشود ولی متفرقه است وتدوین نشده . ✳

## ( تقریظ وتوصیف آن خادم دین حنیف : )

فهو العلم الفرد العلامة المجاهد آیة الله وحبر فلاسفة الشرق وصدر من صدور علماء الاسلام فقیه اصولی حکیم متکلم محدث محقق فیلسوف بارع وکتبه الدینیة هی التی ابهجت الشرق وزلزلت



مؤلفات آقا شیخ جواد بلاغی

علیه الرحمه ... فضائل ...

تقریظ آقا شیخ ... بلاغی ...



الغرب واقامت عمد الدین الحنیف فهو حامیة الاسلام وداعیة القرآن رجل البحث والتنقیب والبطل المناضل والشهم الحکیم . ✳

## کتب بینه آن آیة الله العلامة :

شرق را مبتهج وغرب را متزلزل وعمود دین حنیف را برپا نمود پس آن بزرگوار حامی اسلام وداعی قرآن رجل بحث وتحقیق وبطل نبرد آورسخن ومرد تیزفهم دانشمند است . ✳

## واما اخلاقه الکریمة :

فلیس فی وسع البلیغ وصفها فما عسی ان یقول المتشدق فی وصف خلقه غیر ان یقول انه دمث سمح حسن حمید مرضی لکن الرجل فوق ذلک کله فلنضرب عنه صفحا واما اخلاق کریمه اش پس در وسع وطاقت شخص بلیغ وصف آن ممکن نیست وچه تواند کسی که دهانش فراخ وفصیح است در وصف خلقش چیزی بسراید مگر آنکه بگوید خوش رفتار ونیکو کردار وبرگزیده خصال پسندیده صفات است ولی او فوق همه اینها است پس باید از این خیال منصرف بود . ✳

## واما بسط یده شریفه :

پس اوست آن کسیکه شاعر عرب در این معنی گفته :

| | |
|---|---|
| علم الغیث کیف یهمی ومنه | علم البحران فیه نضوبا |

## ( وقلت للکتابة علی رسمه المیمون )

علامه اوردبادی گوید من این ابیات را گفته ام که بر تمثال مبارکش بنویسند :

| | |
|---|---|
| ما ان یقم دین الهدی مائلا | الا وهذا عرقه النابض |
| فلیهن شرع المصطفی ان منه | فی فناه اسد رابض |
| فان دنوا عنه فسلما | یصول هذا البطل الناهض |

## ( وازجمله مؤلفات آن عالم بی نظیر )

تفسیر لیست که وقت تالیفش تفصیل آنرا بتلمیذ رشید خود علامه اوردبادی سلمه الله تعالی که در آن تاریخ در تبریز تشریف داشتند بدین عبارت مرقوم فرموده اند :

واعرض لحضرتک انی بتوفیق الله ولطفه وعونه شرعت من ذی الحجة یعنی من ۱۳۴۹ فی کتابة تفسیر للقرآن الکریم علی اصول العلم ومذهب الشیعة بحضرت شما عرض میکنم که من بتوفیق خدا ولطف وعنایت او از ذی الحجه ۱۳۴۹ بتالیف تفسیری برای قرآن کریم موافق اصول علم ومذهب شیعه شروع کردم زیرا که من دیدم اهم تفاسیر نزد ما مثل تبیان ومجمع البیان در لغت وصرف کلمه وقراءات وتفاسیر امثال عطا ومجاهد ومقاتل وعکرمه واشباهم بسیار بیانات کرده اند وسید هاشم بحرانی در تفسیر برهان



اخلاق کریمه بزرگوار

اشعار در تمثال ...

تفسیر ... بیان ... مجمع البیان

احادیث را بدون تحقیقی درانها نقل میکند و در مزایای قرآن شریف بنا نامی نمینماید پس مقدمه مشتمل بچند فصول قرار دادیم الاول فی وجه دلالة المعجز وحکمة تنوعه وکونه لرسول الله صلی الله علیه وآله القرآن ای المعجز العام وامتیازه عن سائر المعجزات وجهات تفوقه وجهات اعجازه .

**فصل اول** در وجه دلالت معجزه بحقیقت نبوت وحکمت تنوع آن ومعجزه عام بودن قرآن مجید از برای حضرت رسول الله وامتیاز وتخصص آن از سایر معجزات آن بزرگوار وجهات تفوق وجهات اعجازش .

**فصل دویم** در تواتر وجمعش وبیان فساد آنچه از روایات عامه در نقصان او گفته اند وتعرض بر حاج نوری در آنچه در کتاب فصل الخطاب نوشته ورد آنچه از روایات در آنجا فراهم آورده وذکر روایات کثیره معتبره داله کاشفه از اینکه روایات او بتحریف دلالت نمیکند بلکه مراد از لفظ وقت نزول ایشان مفعات وبدین مطلب از روایات شواهد صریحه هست .

رد بر فصل الخطاب حاج نوری ره

**فصل سیم** در قرائت وبیان متواتر ومتسالم علیها آن واثبات صحت آنچه در مصاحف مرسوم است واما قراءات سبع یا عشر پس اینها روایات احاد ضعیفه متعارضه است که رواة قرائت آنها از جرح سالم نیست نزد عامه فضلا عن طریقتنا .

**فصل چهارم** در شئون تفسیر قرآن وآنچه سزاوار است در آن وبیان اغلاط لغویین و مفسرین جمهور من حیث العربیة واضطراب ایشان در معنی واینکه از ایشان بعضی هست که قصص تفسیر میکند بآنچه اخذ مینماید سطحیا از افواه یهود ونصاری وبیان جرح مفسرین از کتب جمهور وآنچه سزاوار است اعتماد بآن در غیر آنچه لفظ ایه بآن دلالت میکند واینکه منحصر ومتعین است که رجوع بکنیم بآنچه معلوم شده از حدیث حضرت رسول صلی الله علیه وآله یا از حدیث کسی که آنحضرت در حدیث ثقلین عدل قرآن قرار داده هداة وایشان عترت واهل بیت آن بزرگوار علیهم الصلوة والسلام است وبتواتر حدیث مذکور اشاره کردیم واز اسماء صحابه که حدیث شریف را باسانید مختلفه از آنحضرت روایت کرده اند نحو از بیست ذکر کردیم ودر محال روایات ایشان اشاره نمودیم .

بر نظرات شیخ محمد عبده مفسر عامه وتحلیل

ودر اخر این **فصل** بیان کردیم که مقتضای تشریح وآنچه مناسب بآن است این است که ادراک و تعقل ونحو ذلک از قلب است نه از دماغ چنانچه جدیدیون میگویند واعجاز قرآن نیز بر این است ودر تفسیر سوره فاتحه تحقیقاتی در معنی عبادت واستعانت وشفاعت وبقاء نفس ومباحثاتی برای وهابیین مذکور است واسئل الله ان یوفقنی للاتمام وییسره لی ویعیننی ویسدد فیه .

**مؤلف گوید:** تفسیر مذکور موسوم بالاء الرحمن فی تفسیر القرآن باتمام نرسیده فقط تا اخر سوره





آل عمران محتوی بر ۳۸۴ صفحه جمع وطبع شده وتفصیل مطالبی که مکتوب شریف در مقدمه آن مشتمل بر ۴۹ صفحه وفهرست مصنفات مفسرین شرح حال ۴۳ کتاب وفهرست مقاصد الاء الرحمن الی ۸ صفحه در خاتمه مسطور است .

## ( تفصیل بعضی از مصنفات مترجم معظم )

تفصیل اعاجیب الاکاذیب

**الذریعة** (ج ۲) (۲۲۰) اعاجیب الاکاذیب در رد نصاری وکشف از اکاذیب ایشان تالیف شیخ محمد جواد معاصر متوفی سنه ۱۳۵۲ ابن الشیخ حسن ابن الشیخ عباس البلاغی النجفی صاحب تنقیح المقال که ترجمه جدش شیخ محمد علی بلاغی متوفی سنه ۱۰۰۰ نیز در آن مذکور است واعاجیب در نجف سنه ۱۳۴۶ وترجمه آن بفارسی نیز مسمی به شگفتها ور دروغ بطبع رسیده .

**ایضا** (ج ۱) (ص ۳۸) الاء الرحمن فی تفسیر القرآن تصنیف علامه اجل معاصر شیخ محمد جواد بلاغی نجفی طاب ثراه است واز برای آن مقدمه مشتمل بر سه فصل قرار داده فصل اول در اعجاز قرآن ودویم در جمع آن در مصحف واحد وسیم در قرائت آن .

تعریف موق لفا بلاغی ره وتوصیف بیان وطریق استدلال او

**وایضا** (ج ۳) (ص ۱۴۰) البلاغ المبین فی اثبات الصانع تعالی بطرز جدید مانوس باذهان صافیه تصنیف شیخ مجاهد حجت محمد جواد بلاغ نجفی ره وآن مثل سایر تصانیفش در مواضع خود یاد کرده بعنی نوباوه است ومشتمل بر ۴۷ صفحه در مطبعه عمادیه بطبع رسیده .

**وایضا** (ج ۲) (ص ۴۴۷) انوار الهدی فی الرد علی المادیین تالیف علامه مجاهد حجت شیخ محمد جواد بلاغ نجفی واول تالیفی که از قلمش بروز ونشر گردیده کتاب الهدی ثم تضایع بعد این انوار و سایر تصانیف کثیره با سلوبیکه مخصوص باو است از وضوح بیان وتفریر حجت وابتکار در طریق استدلال پس همه تصانیفا ودر مواضع خود یاد کرده است ولو بعضا دیگر انها غیر از سبقت گرفته وانوار سنه ۱۳۴۰ طبع شده

## ( وفات آن عالم یگانه )

تاریخ وفات بلاغی ره وتجلیل الشیخ ... بن

**صدیقنا الاعظم العلامة الاوردبادی دام الله توفیقه در رجال خود گوید** در شب دوشنبه ۲۲ شعبان سنه ۱۳۵۲ شیخنا الاستاذ فیلسوف الشرق آیة الله العظمی سیف الاسلام الشاهر شیخ محمد جواد بلاغی نجفی صاحب تالیفات ممتعه برحمت حق پیوست واهل نجف ناله کنان وسینه زنان بر تشییع جنازه اش اجتماع وعلماء خاضع شدند وسید الطائفه آیة الله العظمی سید میرزا علی آقا شیرازی بعد از امت افاضانه سه روز در جامع هندی وسه روز عصرها در صحن مقدس مجلس ترحیم اقامه گردید فالی رضوان الله ویجوحته جنانه مبارک ایها الوافد الی ربه الکریم .

وقال سلمه الله تعالى فی مدح استاذه واشار الى بعض مصنفاته قدس سره

بطل الدین وفی راحته
فل منه ظبة البیض الصفاح
من سبوق (للهدى فی رحلة)
ومعالیه افاویق النجاح
ولکم بث (الاعاجیب) من ال
نح) لایالف عنها بمزاح

علم الاسلام منشور الصلاح
صدع الباطل منه مقول
بخطی العلیا الا البزل الطلاح
(وبلاغ) منه (انوار الهدى)
علم حلاها باخلاق سجاح
(ومصابیح) بمشکاة العلی

شحذ العلم حساما قاضبا
لم یزل یصدع بالحق الصراح
عمر الامة من (الائه)
اشرقت فیه (بتوحید) الفلاح
مصلح اغرق نزعا (بنصا
او قدت من کلم منه فصاح

## (۶۰) حاج شیخ محمد باقر بیرجندی ره

## المتوفی ایضا سنه ۱۳۵۲

**رجال علامه اوردبادی**: حاج شیخ محمد باقر بن ملا محمد حسن بیرجندی ره مادرش کریمه مولی محمد حسین قاینی واجدادش همه از طرف پدر ومادر از علماء معروفین بزهد وتقوی وتجنب از ظلم وتشدید بر ایشان بودند واخوند ملا محمد باقر از اجداد مادری وی از علماء عهد نادری که کتابخانه جامع مهمی از کتب قیمه داشت افاغنه سوختند ودو حمل از آنها ببخارا وهرات وغیرهما نقل دادند وبقیه بین که باقی مانده بود نزد سبط او مترجم محترم صاحب کبریت احمر موجود داشت. ✻

**مشایخ او**: در خراسان نزد علامه حاج شیخ محمد تقی بجنوردی وعلامه سید مرتضی یزدی قاطن نزیل مشهد مقدس ودر نجف اشرف خدمت اعلام زواهر وعیالم زواخر چون آیات فاضل ایروانی ومحقق رشتی وحاج میرزا حسین خلیلی ودر رجال ودرایه نزد علامه نوری صاحب مستدرک تلمذ کرده وعمده مشایخش سید امام مجدد آیة الله العظمی شیرازی نزیل سامراء بوده واز کثیری از مشایخ خود اجازه روایتی واجتهادی دارد (اجازة العالمیة). ✻

**مؤلفات صاحب عنوان ره**: آنمرحوم را ۳۴ تالیف هست آنچه از آنها طبع شده: (۱) اکفاء المعاندین فی الرد على الصوفیة (۲) فالکهف الذاکرین فی الدعوات المختصرة ودر آن کتاب فوائد ونوادر علمیه هست (۳) الرسالة الرجبیة فی الحث على زیارة المشاهد المقدسة فی رجب وبیان اینکه زیارت مشاهد افضل است از عمره رجبیه که متداول بود بین مسلمین ودر آن رساله است شرح زیارت رجبیه وجامعه صغیره (۴) الکبریت الاحمر فی شرائط المنبر دو مرتبه در ایران سنگی ویکمرتبه هندیه ترجمه شده در هند طبع شده (۵) وثیقة الفقهاء



اشعار معاصر بلده وایشان بعض تصانیفش

سلسله واجداد برجندی ره

مشایخ برجندی ره

مؤلفات صاحب الترجمه علیه الرحمه



فقد اسند لا لیست تا آخر موسوم در دو مجلد ایضاح الطریق فی المحاکمة بین الاصولیین والاخباریین وابن کتاب را در سن دوازده سالگی تالیف نموده وبر استاد خود امام مجدد شیرازی نشان داده آنمرحوم هم ونیکو پسندیده دو مرتبه یاسه مرتبه فرموده آکتب اکتب بنویس بنویس (۷) الصمصام المهدی فی الرد على رسالة الفاضل الهروی فی الامامة (۸) شرح الفوائد الغرویة فی فنی الرجال والدرایة (۹) نور المعرفة فی المعارف الخمسة والاخلاق وآن از کتب کلامیه است (۱۰) حواشی على الریاض (۱۱) الفوائد الکاظمیة فی اثبات حاجة المستنبط الى الرجال والدرایة سیما فی باب العلاج والتراجیح وعدم الاکتفاء بالنقل لکثرة الاشتباه فیه ومراجعة اصول الفن تایید للمحقق القمی فی هامش الغنائم ورد اعلیه فی جامع الشتات سماها وجیزة المقال فی شدة الاحتیاج الى الرجال ودر آن بیان فرموده حاجت از فحص شهرات واجماعات منقوله وعدم اکتفا بمجرد نقل بجهت کثرة اشتباه در آن چنانچه در کشف القناع ودر رسالة صلوة الجمعة شهید ثانی وغیرهما مذکور است الى غیرهما من الکتب والرسائل والحواشی واجوبة المسائل الواردة من الآفاق وغیر این کتب مذکوره از کتب ورسائل وحواشی واجوبه مسائل وارده از آفاق واطراف (۱۱) اجوبة المسائل الواردة من ماوراء النهر (میفرماید): هذا مما تخصه مما کتبه دام ظله الى من ترجمته الکریمة فی کتاب منه الى این جمله تلخیص از مکتوبی است که از ترجمه که خود نوشته وبمن فرستاده بعد فرموده وله کتاب (۱۲) بغیة الطالب فیمن رای الحجة الغائب بفارسی طبع شده (۱۳) کتاب عین الباصرة فی شرح التبصرة (۱۴) وآیات الاحکام (۱۵) ولب الخطاب فی رد اهل الکتاب (۱۶) وذخیرة المعاد (۱۷) ورسالة فی السیر والسلوک (۱۸) وبدایة المعرفة فی المعارف الخمسة (۱۹) والدرة البیضاء فی اصحاب العباء (۲۰) والعوائد القرویة فی شرح الفوائد الغرویة (۲۱) وجامع الفقه (۲۲) ودیوان شعره (۲۳) وکتاب الکشکول فی مستطرفات المعقول والمنقول (۲۴) وکتاب وقایع الشهور والایام (۲۵) ورسالة موسومة بالاجازة الوجیزة للدرة الفاخرة العزیزة وآن اجازه کبیره عامه ایست مشتمل بر جمیع طرق اجازاتش واو برای سید شهاب الدین مدعو بالنجفی الحسینی المرعشی نزیل قم المشرفة نوشته. ✻

**واز این شیخ علامه** جمعی از علماء روایت کرده اند من جمله شیخ ابو الحسن مشکینی صاحب حاشیه کفایه وسید علی نقی هندی وسید شهاب الدین نجفی وسید ابو القاسم شیرازی وحاج علاء الدین کرمانشاهانی آل الوحید البهبهانی وحاج شیخ محمد حسین شیرازی نزیل قم المحمیة آل الوحید البهبهانی ونجل المترجم حاج شیخ محمد حسین البیرجندی المتخلص بضیائی المصدق من قبل الآیات تا نیف واصفهانی وعراقی صاحب کتاب دیوان الحسین علیه السلام که جمع کرده در آن آنچه از اشعار بآن جناب منسوبست ولی باتمام نرسیده. ✻

**الذریعه** (ج ۲) (ص ۲۸۰) اکفاء المکائد فی اصلاح المفاسد والرد على فرق الصوفیة تالیف شیخ معاصر ملا محمد باقر بن محمد حسن البیرجندی القائنی المتوفی سنه ۱۳۵۲ فارسی است ۱۳۲۶ در ایران



ایضا معاصرین الترجمه علیه

شدة احتیاج بعلم رجال ودرایه

علماء راوی از برجندی

تفصیل الکفاء المکائد وبغیة الطالب

طبع شده قریب چهار هزار بیت است .

ایضاً (ج ۳) (ص ۱۳۳) بغیة الطالب فیمن رای الامام الغائب علیه السلام تالیف المولی المعاصر شیخ محمد باقر بیرجندی المولود ۱۲۷۶ والمتوفی ۱۳۵۲ فارسی واخبار حجت علیه السلام و علائم ظهور و نواب آنجناب و کثیری از اشخاصیکه بلقائش فائز شده و ذکر آن مذکور است در مشهد رضوی ۱۳۳۲ طبع شده و فصلی در ذکر علماء قائلین بامامت آنحضرت از اهل سنت بعد از آن علماً نیکه بمحمد باقر موسوم اند و فوائد دیگر قرار داده

ایضاً (ج ۱) (ص ۴۳) آیات الاحکام تالیف علامه معاصر حاج شیخ محمد باقر بیرجندی ره از او در آخر کتاب خود نور المعرفة ذکر کرده و از تصانیف نفیس کبریت احمر و اکفاء المکائد و بغیة الطالب غیرها طبع شده

ایضاً (ج ۳) (ص ۵۹) بدایة المعرفة فی المعارف الخمسة الاصولیة تالیف حاج شیخ محمد باقر بیرجندی المتوفی روز پنجشنبه ۱۲ ذی الحجة الحرام ۱۳۵۲ از او در آخر کتاب خود نور المعرفة که سنه ۱۳۱۴ تالیف نموده ذکر فرموده .

## (۱۰۷) حاج میرزا حسین سبزواری ره

## المتوفی ایضاً سنه ۱۳۵۲

ریحانة الادب (ج ۱) حاج میرزا حسین بن حاج میرزا محسن سبزواری علوی النسب فقیه محدث حکیم متکلم شاعر ماهر ادیب اریب و از مشایخ اجازۀ علامه نسابه معاصر آقای سید شهاب الدین مرعشی و از تلامذۀ فاضل اردکانی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی و در معقول هم بملا هادی سبزواری تلمذ نموده و کتاب الارجوزة فی الفلسفة العالیة از تالیفات اوست که مطلعش این است :

| وبعد یا سالک نهج المعرفة | لاعلم فی العلوم مثل الفلسفة |
|---|---|

و در ۲۳ شوال ۱۳۵۲ هجری در ۸۴ سالگی درگذشت .

الذریعة (ج ۱) (ص ۴۹۱) ارجوزة فی الفلسفة العالیة منظوم العلامة الحجة سید میرزا حسین بن میرزا محسن علوی سبزواری المولود سنه ۱۲۶۸ اولها : سبحان من الهم اسرار الحکم لنفس الانسان وابدع العلم الی قوله وبعد یا سالک الخ .

## (۱۰۸) حاج سید ابوالقاسم حسینی هکردی ره

## المتوفی ایضاً سنه ۱۳۵۲

ریحانه (ج ۱) حاج سید ابوالقاسم حسینی هکردی ره از اجلاء علماء امامیه عصر حاضر





ما و از تلامذه میرزا محمد حسن شیرازی و شیخ زین العابدین مازندرانی و حاج میرزا حسین نوری و شیخ راضی نجفی بوده و کتاب الوسیلة در سیر و سلوک و رساله در قبض و حاشیۀ بر وافی فیض و حاشیه بر تفسیر صافی از تالیفات اوست و از مشایخ روایت علامه نسابه معاصر آقا نجفی سید شهاب الدین دامت افاضاته بوده و در سنه ۱۳۵۲ هجری درگذشت .

## (۱۰۹) حاج سید مرتضی معروف به حاج سید حاجی آقا ابن مرحوم آقا سید احمد میلانی تبریزی اعلی الله مقامهما

## المتوفی ایضاً سنه ۱۳۵۲

آن مرحوم از اعاظم علماء تبریز و افاخم فضلاء عصر حاضر ما عالم عادل فاضل کامل فقیه نبیه شریف وجیه طود العلم الشامخ وعماد الفضل الراسخ اسوة العلماء الماضین وقدوة الفضلاء الباقین در قوت عقل و سعۀ خلق و صفاء نظر و اتقان عقیدت و لطف قریحت بسیار کم نظیر و در زهد و ورع و تقوی و عفت نفس و سماحت بی عدیل مواظبت تامه در اقامۀ جماعت و مراقبت کامله در ادامۀ تهجد و عبادت داشته مخصوصاً بین امثال و اقران به نیک نفسی و خیرخواهی و نوع پروری و دستگیری معروف نگارنده از روی صدق و حقیقت نه من باب حدس و مبالغت میگوید که حسن اخلاق و صفات و خصائلش مردم را مجذوب و در نظر قاطبۀ طبقات اهالی محبوب بودند حتی طبیب مسیحی که بواسطۀ طبابت ارتباطی پیدا کرده بود اظهار ارادت نموده صلاحیت و را بمقام روحانیت تصدیق میکرد

**تحصیلات صاحب ترجمه علیه الرحمة** : از هفت سالگی در تبریز مشغول تحصیل و پس از تعلم مقدمات و تلمذ در خدمت اساتید عظام برای تکمیل علوم دینیه بنجف اشرف مهاجرت و بدرس مرحوم آیة الله آقا شیخ حسن مامقانی قدس سره که مرجع طلاب و اهل علم خاصه در حق سادات و علویین ترویج و ارادت مخصوصی داشتند حاضر و مدت پنجسال در خدمتش اخذ فقه و اصول و محل اعتماد و وثوق و وکیل خاص حضرت معظم له بوده و در علم فقه احاطه و امتیاز معتد به داشتند .

**تالیفاتش** : بواسطۀ کثرت مشاغل و اهتمام امور عامه و اشتغال بوظایف و عبادات ایام متبرکه جز یکجزوه در سیرت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مواعظ شافیه تالیف دیگر از ایشان در دست نیست

**وفاتش** : در هفتاد و سه سالگی ۱۱ شوال سنه ۱۳۵۲ برحمت حق پیوست رضوان الله تعالی علیه

## (۱۱۰) آقا سید حسن صدر عاملی کاظمی ره
### المتوفی سنه ۱۳۵۴

حضرة العالم الفاضل الجلیل آقا شیخ مرتضی آل یس الکاظمی دامت افاضاته در حال حیات آن فقیه اعظم آیة الله العلامة مفصلاً ترجمه او را در مقدمه کتاب الشیعة و فنون الاسلام ضبط فرموده و حقیر مشروحاً بعبارتها در خاتمه مجلد سوم از کتاب وقایع الایام نقل کرده ام ولی در این وجیزه بنحو تلخیص و اجمال بدین منوال است . ✻

**تولد آن عالم یگانه** در بلده کاظمیه روز جمعه ۲۹ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۲ هجریه اتفاق افتاد

**رسم و نسبش** : ابو محمد الشهیر بالسید حسن صدر الدین بن السید هادی الی ابراهیم الاصغر ابن الامام ابی الحسن موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام ذکر فرموده . ✻

**نشو و نمایش** : نه فقط باقتضاء فطرت سامیه باین مرتبه عالیه نایل آمد بلکه بمساعدت و حسن تربیت والد ماجدش سید علامه که در حسن تربیت اولاد کم نظیرش یافت میشود بوده پس مؤلف مکرم نزد والد معظم پرورش یافته بمبلغ فرزند صغیر رسید نفس شریفش بطلب علم و تحصیل فضل مایل و شایق گردید و در تحصیل و اشتغال چنان اهتمام و اجتهاد مبذول داشت که در حکم امروز فقید النظیر و عدیم المثل گشت . ✻

**اجتهاد صاحب عنوان «میفرماید»** : اجتهاد چنان نیست که کثیری از اهل علم فهمیده و لقب مجتهد در لسان مردم مثل کیل مناع گشته و ارباب نفوس صغیره باطلاً آنرا بر خود بسته و فضل مجتهد صادق از بین رفته ولی در این مقام صاحبان نفوس کبیره و رجال جد و جهد هستند که بمقتضای همم عظیمه فقط باسم قناعت ننموده بتحصیل حقیقت کوشیده اند . ✻

**و از آن نفوس شریفه** نفس سیدنا المؤلف الکبیر است که مصداق واضح این مفهوم مشکل بوده و از خود آنجناب شنیدم که در ایام شباب شب برای تحصیل بیدار و روز قیلوله مینمودم ولی من عوض اینکه کیفیت زمان جوانی او را بشنوم باین دو چشم خود دیدم که در این اوان پیری شب و روز در کتابخانه خود قلم در دست راست و کاغذ در دست چپ مشغول تالیف است و حقاً اقول که آن بزرگوار ربع عمر شریفش را خفته و باقی بیدار بوده ولی اکثر مردم ربع از عمر بیدار و باقی در خواب بوده اند . ✻

**علوم و معارف آن فقیه اعظم** : در میان علماء دین رجل متفننی که بین علم احکام



نسب شریف آقای صدر کاظمی ره

حسن و نشر علوم و معارف



و غیر از اجمع بکند بسیار قلیل است و من سبب مقبولی که صالح اعتناء از همه اشیاء باشد در مقابل کسیکه بر این اعتراض بکند نمینمایم زیرا که علم احکام اگرچه عمیق الغور و بعید الطرفین است ولی صعابش مؤثر در کار نفوس سهل واشان است و شاید این مؤنه دعوت و استنهاض مواد راسیه مضطر بکند ایشان را بتفتیش علوم و معارف نادر غیر ادخاف متناهلین باشد علاوه بر اینکه توسع در معلومات و تنوع در علوم در حکم امروز واجب عینی شده چه که علم واحد صالح ترویج دین دیانت نیست در هیچ زمانی ابداً و حال دینیه امروز غیر حال دینیه دیروز است و امید است که جماعت علماء ببعض نظریه ملتفت این امر باشند چنانچه شرذمه کبیره قبل از این نهضت باعتناء دین و قیام بواجبات اسلام و مسلمین نموده اند . ✻

**و از این شرذمه مبارکه** حضرت سیدنا المؤلف الکبیر ایده الله است زیرا که آن بزرگوار همت خود را فقط مصروف در علم احکام ننموده بلکه کثیری از علوم متنوعه را که علماء دینیه استغراب مینمایند بر خود ضم فرموده مثل صرف و نحو و منطق و معانی و بیان و بدیع و هیئت و حساب و تفسیر و رجال و تاریخ و حکمت و کلام و اخلاق و حدیث و فقه و اصول فقه . ✻

**اساتیدش در قرائت** : اول کسیکه صرف و نحو را نزد او خوانده شیخ ثقه شیخ باقر حجة الاسلام شیخ محمد حسن آل یس پس از آن نزد سید فاضل سید باقر بن سید حیدر و علم معانی و بیان و بدیع را نزد شیخ احمد عطار و منطق را خدمت شیخ محمد بن حاج کاظم و میرزا باقر سلماسی و در چهارده سالگی از این علوم فارغ شده مشغول خواندن متون فقه و علم اصول فقه گردید نزد علماء کاظمیه تا از قرائت شرایع و روضه در فقه و معالم و قوانین در اصول فراغت حاصل کرد و آن اوان هجده ساله بوده پس نفس شریفش بر نجف اشرف مشتاق شده بدانجا مهاجرت فرمود و حکمت و کلام را نزد فاضل شکی و ملا محمد تقی کلپایکانی و خارج فقه را نزد فقهاء نجف از تلامذه شیخ محمد حسن صاحب الجواهر و خارج اصول را از افاضل تلامذه شیخ مرتضی الانصاری و علم حدیث را از جمله از علماء حدیث در نجف تحصیل و تکمیل فرموده تا سنه ۱۲۹۷ در آنمکان شریف اقامت گزید آنگاه از نجف بسامراء که محل وقوف اکبر اساتید عظامش که در خدمتش و تلمذ نموده و اخذ فرموده حجة الاسلام شیرازی میرزا محمد حسن متوفی سنه ۱۳۱۲ بود مهاجرت فرمود و در آنجا مجد و مجتهد و مدرس و مؤلف بود تا سنه ۱۳۱۴ دو سال بعد از وفات استادش سید شیرازی پس بمسقط راس خود کاظمیه مراجعت فرموده الی یومنا هذا غره جبین و قره عیون اهل کاظمین علیهما السلام و ملاذ مسلمین و مفزع مؤمنین در امور دنیا و دین هستند . ✻

**مشایخ او در روایت** مشایخش در روایت بر دو صنف است از ایشان بعضی که بطرق



توسع در علوم و تنوع در معلومات عصر حاضر

اساتید آقای صدر
حجة علیه [illegible]

سماع و قرائت فقط روایت میکند بدون اجازه و بر خی بطریق اجازهٔ عامه ٭

**اما صنف اول**: اجل ایشان حجة الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی و از آنها شیخ محقق مؤسس حاج میرزا حبیب الله رشتی صاحب کتاب بدایع الاصول و شیخ فقیه شیخ محمد حسین بن هاشم کاظمی نجفی شارح کتاب الشرایع و فاضل متبحر ملا محمد ایروانی نجفی و شیخ الاسلام شیخ محمد حسن آل یس الکاظمی صاحب کتاب اسرار الفقاهة و والدش سید شریف سید هادی رضوان الله علیهم ٭

**و اما مشایخش از صنف ثانی**: جماعتی از علماء بودند از جمله میرزا خلیل رازی غروی و سید متبحر مهدی القزوینی الحلی الغروی صاحب تصنیفات کثیره و محقق متبحر میرزا محمد هاشم بن زین العابدین اصفهانی و تراجم ایشان را بطرز مبسوط در اجازات مطولهٔ خود ذکر فرموده و جمیع مشایخ خود را بما لامزید علیه استقصاء نموده ٭

**مصنفات و مؤلفات آن بحر زخار**: از علماء مصنفین نادر بوده چنانچه آن مصنفین علماء نادرند زیرا ایشان یا عالم غیر مصنف یا مصنف غیر عالمند اما عالم و مصنف معاً بسیار نادر است و آن نیست مگر کسیکه بین دو فضیلت علم و قلم را جمع بنماید و علم نافع آن نیست که در صدور محفوظ باشد بلکه آن است که در سطور مرقوم گردد زیرا که محفوظات معانی مجرده اند که هنوز در قوالب الفاظ داخل نشده اما علم مدون بصاحب خود ذکر را حافظ و امر او را بعد از موت مخلد میدارد بسا از علماء احیاء هستند کانهم قوم میتون که گویا قومی میتند و بسا از علماء اموات هستند کانهم احیاء یرزقون که گویا زنده و مرزوقند ٭

**و ما سیدنا المؤلف الیوم** و سیدنا المؤلف در حکم امروز نیست مگر واحد از خوارق که اعجوبه قرن رابع عشر گشته و این امر شگفت نیست چه که او رب علم و صناعت و سلطان قلم و براعت هست و اینک آنچه از نفثات قلمش الی یومنا هذا صادر شده که زیاده از پنجاه مصنف ما بین ضخم کبیر و مختصر صغیر خواهد بود

**در فقه**: سبیل الرشاد فی شرح نجاة العباد بطریق البسط (۱) سبیل النجاة فی فقه المعاملات بطریق المتن و التفریع لعمل المقلدین (۲) تبیین مدارک السداد للحواشی والمتن من نجاة العباد (۳) و کتاب طهارت و صلوة از وی بیرون آمده و مراد از حواشی خصوص حواشی شیخ مرتضی و استاد خود سید شیرازیست (۴) الدر النظیم فی مسئلة التتمیم ای تتمیم ماء الکر بالماء النجس (۵) رسالة تبیین الاباحة فی مشکوک ما لا یؤکل لحمه للمصلین (۶) رسالة ابانة الصدور فی موقوفة ابن اذینة الماثورة فی مسئلة ارث ذات الولد من الرباع (۷) رسالة لزوم صوم ما فات فی سنة الفوات (۸) رسالة کشف الالتباس عن قاعدة الناس یعنی قاعدة الناس مسلطون علی اموالهم (۹) رسالة الغرر فی قاعدة نفی

مشایخ اجازه معظم رحمه الله

فنون علمی مخصوص و علم مدون

مرحوم مصنف خودش در اجازهٔ آقا شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجانی دامت برکاته که نزد حقیر موجود است میفرماید اجزت له روایة کل مصنفاتی التی تنیف علی ... و دام ظله ... ترجمه معظم له ... منسوب ... منه

مصنفات زیاد از پنجاه مصنف و کتاب





الضرر (۱۰) رسالة تبیین الرشاد فی لبس السواد علی الائمة الامجاد (۱۱) رسالة فارسیة (۱۲) رسالة فی حکم الشکوک غیر المنصوصة (۱۳) رسالة فی حکم الشک فی الافعال و سید مؤلف را غیر از اینها رسائلی هست که در اجوبهٔ بعض مسائل نوشته

**و در اصول فقه** (۱۴) رسالة فی تعارض الاستصحابین (۱۵) اللباب فی شرح رسالة الاستصحاب للشیخ العلامة المرتضی ره (۱۶) کتاب الحواشی علی فرائد الاصول للشیخ المرتضی ره (۱۷) حدائق الوصول الی علم الاصول هنوز باتمام نرسیده ٭

**و در اصول دینیه** (۱۸) الدرر الموسویة فی شرح العقائد الجعفریة جمیع اصول دین را در آن تضمین کرده ٭

**و در تاریخ** (۱۹) تاسیس الشیعة الکرام لسائر فنون الاسلام (۲۰) الشیعة و فنون الاسلام و آن مختصری از اول و این کتاب است ٭

**و در علم رجال** (۲۱) کتاب مختلف الرجال و آن کتاب جلیلی است که علم رجال را در آن تدوین کرده مثل سایر علوم مدونه از ذکر تعریف و موضوع و غایت و مبادی تصوریه و مبادی تصدیقیه و مطالب دیگر (۲۲) الحواشی الرجالیة علی منتهی المقال فی احوال الرجال (۲۳) الحواشی علی تلخیص الرجال (۲۴) الابانة عن کتب الخزانة (۲۵) الحواشی علی امل الآمل (۲۶) نکت الرجال (۲۷) حاشیة علی رجال ابی علی الحائری (۲۸) بغیة الوعاة فی طبقات مشایخ الاجازات (۲۹) رسالة فی النصوص الماثورة فی الحجة صاحب الزمان علیه السلام (۳۰) انتخاب القریب من التقریب لابن حجر (۳۱) ذکری المحسنین (۳۲) رسالة فی احوال السید المحقق السید محسن الاعرجی المقدس البغدادی صاحب المحصول و شرح الوافیة فی الاصول ٭

**در علم الاخلاق** (۳۳) احیاء النفوس بآداب السید ابن طاوس (۳۴) سبیل الصالحین فی السلوک و بیان طریق العبودیة مختصر ٭

**متفرقات فی الحدیث** (۳۵) نهایة الدرایة فی اصول علم الحدیث و ادابه (۳۶) رسالة فی اثبات الجمع بین الصلوتین فی الحضر من طریق اصحاب الصحاح الستة (۳۷) رسالة فی مناقب آل الرسول من طریق الجمهور (۳۸) رسالة اخری فی المناقب ایضاً علی ترتیب الحروف مستخرجة من الجامع الصغیر (۳۹) مجالس المؤمنین فی وفیات الائمة المعصومین علیهم السلام (۴۰) تعریف الجنان فی حقوق الاخوان (۴۱) نزهة اهل الحرمین فی تواریخ تعمیرات المشهدین ای النجف و کربلا (۴۲) فصل القضاء فی الکتاب المشتهر بفقه الرضا کشف فیه حال هذا الکتاب بما لامزید علیه و اثبت انه کتاب التکلیف المعروف للشلمغانی و اوضح فی ذلک وجه الاشتباه بما لم یسبقه الیه احد سواه (۴۳) قاطعة اللجاج فی ابطال طریقة اهل الاعوجاج یعنی بهم الاخباریة المنکرین للاجتهاد و التقلید فی الفروع و سید مؤلف را نیز کتاب ضخمی در بیان آنچه احمد بن تیمیه از علماء اسلام در آن منفرد شده و کتاب دیگر اسمش (۴۴) مفتاح السعادة از ادعیهٔ یوم و لیلة و شهر و سنة و عمل مشاهد مشرفه هست ٭

**و لع عجیب داشتن مترجم معظم باقتناء کتب**: «میفرماید»: و سید مؤلف را

اسامی مؤلفات معظم در علوم متنوعه

ایضا مصنفات ایشان کاظمی ره

و لع عجیب معظم باقتناء کتب

ولوع عجیبی در اقتناء کتب و مؤلفات دارد حتی با تباع کتاب واحد را بر اهم حوائج معاش ضروریه خود مقدم میدارد چنانچه آن بزرگوار نیز نقاد خبیر است در معرفت کتب که کتاب مجهول از وی فوت نمیشود مگر آنکه اسم مؤلفش را استخراج معین میفرماید والیوم در کتابخانه شریفش زیاده از هزار مجلد از کتب نفیسه موجود و از اکبر مکتبات عراقیه است که جم غفیری از مخطوطات عزیزه و مطبوعات مهمه و شطری هنوز بطبع نرسیده حاضر است خداوند متعال سید مؤلف را فضیلت علم و بیان و طلاقت وجه و لسان را جمع فرموده پس آن عالم ربانی ثمره آن شجره طیبه است که منتسب نمیشود بآن درخت مبارکه مگر عالم یا فاضل فحقا لهم ان یصبحوا مصادیق قول القائل پس سزاوار است که ایشان مصادیق قول این قائل بشوند .

( علماء ائمة حکماء ✻ یهدی النجم باتباع هداها )

**مؤلف گوید** : حضرة العالم النبیه الفقیه آقا شیخ مرتضی آل یس الکاظمی از کثرت کتب آقای صدر عاملی شگفت گرفته میفرماید در کتابخانه اش زیاده از هزار مجلد کتاب موجود است و حال آنکه در تبریز و مشهد مقدس و طهران مکتبات عدیده محتوی بر هزاران مجلد کتب هست .

**حقیر** سنه ۱۳۵۸ بعد از عودت از مسافرت حج دوم بیت الله الحرام که حسب عودت جمعی از احباب کرام بدار الخلافه مراجعت کردم بکتابخانه عمدة الاعاظم والاجلة حاج حسین آقا ملک التجار تبریزی که از طراز اول ایران و متمولین طهران است وارد شدم دو طاق بزرگ مملو از کتب نفیسه خطیه و طبعیه و شطر وافری از خطوط علماء متقدمین و متأخرین که بنده نیز میشناسم مثل خط علامه حلی ره که ابدا اعراب و نقطه نمیگذارد و خط مرحوم شیخ بهائی که بسیار جید و خوانا است و مفتاح الفلاح را که در بلده گنجه تألیف فرموده بخط او دیده ام و خط مرحوم علامه مجلسی که را را بنظر رسیده از این خطوط شریفه در آن مکتبه کثیره موجود است جناب معظم له فرمود که ۲۵ جلد بحار بخط خود مرحوم علامه مجلسی در این مکتبه موجود و زیاده از چهل و شش هزار مجلد کتاب حاضر است و غیر از این دو طاق که از سطح تا سقف و طاقچه ها همه مملو از کتب است در دو بیت صندوق نیز مخزون است و از سنه ۱۳۵۸ تا حال تحریر ۱۳۶۶ هرچه ابتیاع کرده علاوه بر آن ما خذ است حقیر اکیدا توصیه کردم که البته این اثر جمیل و عمل جلیل را عمومی و ملی قرار دهید و فهرست روشنی بتوسط چند عالم متتبع مهیا بفرمائید بحمد الله تعالی باین سعادت کبری و فیض عظمی موفق آمده چند سال است که در بحبوحه طهران قرائتخانه ترتیب داده که علماء و محدثین از آن منبع فیض استفاده و استفاضه مینمایند ادام الله عزه فی الدارین واجزل اجره فی النشاتین بمحمد و آله الطیبین الطاهرین





( تاریخ وفات مترجم معظم و تفصیل بعضی از مؤلفاتش )

**الذریعه** (ج ۳) (ص ۲۹۶) تأسیس الشیعة الکرام لفنون الاسلام تألیف سید مشایخنا آیة الله سید حسن صدر الدین الموسوی العاملی الکاظمی المولود سنه ۱۲۷۲ والمتوفی ۱۳۵۴ موضوع ابتکار و سید و بی تخصص در آن امر بدیع بغایت ابداع اظهار فرموده و از تواریخ و سیر صحیحه مقرر و معین نموده تقدم علماء شیعه را بر سایر علماء اسلام در تأسیس انواع علوم اسلامیه از نحو و صرف و علوم بلاغت و عروض و لغت و کلام و معقول و فقه و اصول و تفسیر و اخلاق و غیر اینها و سبقت ایشان را در تصنیف و تألیف این انواع علوم بر دیگران اثبات فرموده و تراجم و احوال مؤسسین و بعض قدماء مصنفین و تصانیف ایشان را ذکر نموده و در حدود سنه ۱۳۲۹ از وی فارغ شده و با وجود اینکه در همه اینها بر بسیار از کثیر اکتفاء کرده این کتاب مجلد ضخم کبیری در آمده پس اختصار این کتاب شریف را سید عالی کردند لباب مقال را در کتابی موسوم به الشیعة و فنون الاسلام که طبع شده استخراج نمود و من مختصری از تراجم رجال مذکورین در آن کتاب استخراج موسوم به الدر النفیس فی تلخیص رجال التأسیس نموده ام

**ایضا** (ج ۳) (ص ۱۲۷) بغیة الوعاة فی طبقات مشایخ الاجازات تألیف سید مشایخنا سید ابو محمد حسن بن سید ابوالحسن هادی ابن اخ سید صدر الدین موسوی عاملی کاظمی المولود سنه ۱۲۷۲ والمتوفی سنه ۱۳۵۴ و آن اجازه مبسوطه ایست که برای سید محمد مرتضی حسینی جنفوری المتوفی حدود سنه ۱۳۳۲ صاحب تصانیفی که شیخنا علامه نوری لؤلؤ و مرجان را باسم او تألیف فرموده نوشته است و مشایخ اجازات را بر ده طبقه مرتب نموده ۱ طبقه وحید بهبهانی ۲ علامه مجلسی ۳ والد ماجدش ملا محمد تقی ۴ شیخ زین الدین شهید ثانی ۵ شیخ شمس الدین محمد بن مکی شهید اول ۶ علامه حلی ۷ محقق حلی ۸ شیخ ابو علی بن شیخ طوسی ۹ شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ۱۰ ثقة الاسلام شیخ کلینی و در روز عرفه سنه ۱۳۲۶ از وی فارغ شده .

## (۱۱۱) ( آقای میرزا علی آقا شیرازی رحمه الله )

## المتوفی سنه ۱۳۵۵

**ریحانة الادب** (ج ۱) آقا میرزا علی آقا شیرازی در سنه ۱۲۸۷ متولد و در پنجسالگی در خدمت والد ماجد بسامره رفته و از سید محمد فشارکی اصفهانی و میرزا محمد تقی شیرازی و دیگر اکابر تلامذه والد خود تحصیل مراتب علمیه نموده تا آنکه شایسته حوزه خود والد معظم گردیده و در حدود بیست سالگی اجتهاد وی از طرف قرین الشرف آن منبع فیوضات الهی گواهی شده و بعد از وفات پدر بتدریس و افاده اشتغال یافته

وبا وجود این باز هم در اوقات خصوصی حاضر استفاده از درس میرزا محمد تقی شیرازی بوده واجتهاد او از طرف استادین مذکورین وآخوند خراسانی ودیگر اجلاء وقت تصدیق شده وبعد از وفات میرزا محمد تقی در سال ١٣٣٩ آوازه اش در اطراف عالم منتشر ومرجع تقلید شیعه بوده وبا تبحری که در فقه واصول وعلم منقول داشته در کلام وحکمت وطب وتاریخ وفنون ادبیه نیز متبحر واما زهد وورع وتقوی واخلاق کریمه ومجاهدات نفسیه و احتیاطات دینیة او زاید بر وصف واز اکابر فقهاء مراجع عصر حاضر ما بوده ودر اوائل شب چهارشنبه ١٨ ع ٢ سنة ١٣٤٣ هجری در نجف اشرف در ٧٥ سالگی وفات یافت ومدائح ومراثی بسیاری درباره او گفته اند

**الکنی والالقاب** (ج ١) علامه وورع سید میرزا علی آقا خلف آیة الله المجدد وساق الکلام الی ان قال احتضنته حجور علمیة من تلمذة ابیه حتی حکی عن العلامة السید محمد الفشارکی قال انه تربی فی حجر خمسین مجتهد میفرماید در سامره پرورش یافته وحجور علمیه تلامذه والد ماجدش او را حضانت نمود حتی علامه سید محمد فشارکی فرموده که او در حجر علمی پنجاه مجتهد تربیت یافته من جمله خود این عالم نحریر وعلامه میرزا محمد تقی شیرازی ناشر الویهٔ علم وتحقیق وغیرهما الخ . ✳

## ✳( تشرف صاحب الترجمة بزیارت حضرت رضا علیه الاف الثناء والتحیة )✳

**ریحانة الادب** (ج ١) وسید میرزا علی آقا شیرازی در حدود سنه ١٣١٧ هجری بزیارت حضرت ثامن الائمة علیهم التحیة ولتسلیم ودر بلاد ایران مورد تکریم وتعظیم تمامی طبقات بوده ومظفر الدین شاه قاجار در بلده حضرت عبد العظیم با وی ملاقات کرده واز کثرت علو همت وشهامت هاشمیه که داشته با آن همه احتیاجات دنیویه دینار ازکسی قبول نکرد وتمامی تحف وهدایای سلطان وصدر اعظم ودیگر طبقات را رد نمود وعزت شهامت وقناعت را بر تمامی دنیا ترجیح داد . ✳

## ✳( تصنیف صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان )✳

**الذریعة** (ج ٣) (ص ١٩٣) بیع المبهم تصنیف آیة الله سید میرزا علی آقا ابن آیة الله المجدد سید میرزا محمد حسن شیرازی رسالهٔ مبسوطه ایست بخط او . ✳

## (١١٢) ✳( حاج شیخ عبد الکریم آقا یزدی حایری ره )✳

## ✳ المتوفی ایضا سنة ١٣٥٥ ✳

**ریحانة** (ج ١) ص ٣٢ آیة الله حاج شیخ عبد الکریم بن محمد جعفر یزدی حایری از اجلاء علماء طراز اول عصر حاضر ما میباشد ودر سال ١٢٧٦ متولد وپس از آنکه تکمیل مقدمات عربیه وادبیه





ودروس عالیه سطحی موفق آمد برای ادامهٔ تحصیلات علمیه از یزد عزیمت عتبات عالیات داده وبحاج میرزا محمد حسن شیرازی وآقای میرزا محمد تقی شیرازی وشیخ فضل الله نوری وآخوند ملا کاظم خراسانی وآقای سید کاظم یزدی تلمذ نموده وقسمت عمده تلمذ او از آقای سید محمد اصفهانی فشارکی بوده وپس از وفات آخوند خراسانی بحایر شریف مشرف وبنای تدریس گذاشتند تا آنکه در سال ١٣٣٢ از کربلا بسلطان آباد ایران مراجعت ودر ١٣٤٠ بقم مشرف وحوزه علمیه آن بلدهٔ طیبه را تشکیل داده تا آنکه در اثر اهتمام تمام آن علامه ثانی شمارهٔ طلاب ومحصلین علوم دینیه در حدود پانصد تن بوده وتمامی وسائل لازمه ایشان از برکت توجهات آن وجود مقدس فراهم وهریک از ایشان بفراخور علمی وعملی خود وظیفه مقرری داشته است بالجمله صاحب ترجمه از مراجع تقلید شیعه وحامل لواء ریاست دینیه بوده ودر نشر علوم اسلامیه ومعارف الهیه مساعی جمیله بکار برده تا آنکه شب شنبه هفدهم ذی القعده سال ١٣٥٥ در آن بلدهٔ طیبه قرین رحمت الهی گردیده ودر مقبرهٔ مخصوص سمت بالای سر حضرت معصومه علیها سلام مدفون وعد فتش مزار صغار وکبار میباشد وآقای سید صدر الدین که اکنون از مراجع این بلد میباشد در ضمن چند بیتی که در وفاتش گفته در تاریخ وفاتش فرماید : لدی الکریم حل ضیفا عبده (١٣٥٥) ✳

**وتالیفات او** : ١ تقریرات که تقریرات استاد خود سید محمد فشارکی را در چند جزو آورده ٢ درر الفوائد فی الاصول که سه مرتبه در ایران چاپ شده وآنرا از تقریرات نامبرده استخراج کرده است ٣ کتاب الرضاع ٤ کتاب الصلوة که در طهران چاپ شده ٥ کتاب المواریث ٦ کتاب النکاح . ✳

**تاسیسات آثار خیریه** : ١ بیمارستان قم ٢ قبرستان تازهٔ قم که در کنار رودخانه ٣ غسالخانهٔ قبرستان مذکور ٤ تعمیرات مدارس قم وساختمان مرتبهٔ فوقانی مدرسه دار الشفاء ومدرسهٔ فیضیه وچراغ برق آنها ٥ کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیه بارهٔ صاحب ترجمه از حاج میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل اجازه داشته که اکثر اکابر عصر نیز از وی اجازه دارند . ✳

**الذریعة** (ج ٤) (ص ٣٧٨) التقریرات تالیف آیة الله شیخ عبد الکریم بن محمد جعفر مهرجردی یزدی المولود ١٢٧٦ والمتوفی بقم شب شنبه ١٧ ذی القعدة ١٣٥٥ استخراج کرده از وی کتاب درر الاصول را از آن تقریرات بحث استاد اجلش سید محمد بن میر قاسم طباطبائی فشارکی اصفهانی المتوفی بالنجف ١٣١٦ از اجل تلامیذ سیدنا آیة الله المجدد الشیرازی ومرجع تدریس بود ودر سامراء درجات مرحوم میرزا وبعد از وفاتش بنجف اشرف مهاجرت فرمود وکتاب اصالة البرائة وکتاب الفروع المحمدیة در فقه از تصنیفات او است . ✳

## (۱۱۳) حاج میرزا ابوالحسن آقا انگجی ره

## المتوفی سنة ۱۳۵۷

**المرحوم** از طراز اول مجتهدین ایران و احد مراجع احکام این زمان و مراتب اجتهادش مسلم امثال و اقران محقق مدقق فقیه اصولی و صاحب وقار و تمکین و متانت و ابهت کثیر العلم و فیر الفهم ولی بسیار قلیل الکلام بود کراراً حقیر مسئلهٔ مهمی میپرسیدم که شاید تفصیلی و شرحی بیان فرمایند فقط بجواب مسئله اکتفا میفرمودند با اینکه حافظهٔ عجیبی داشتند و حاضر الفتوی بودند غالباً جواب مسئله را بدون مراجعه کتباً بالفاظ تحریر و تقریر میفرمودند وقتی در محضر شریفش دو بیتی از قصیدهٔ غیر معروفی از خواص حیوانی از کتاب حیوة الحیوان دمیری خواندم ابیات عدیده از آن قصیده خواندند و منقول شد که در ایام تحصیلش در خدمت آیة الله حاج میرزا حبیب الله رشتی شرکاء درس او از علماء بکربلا مشرف شده بودند پس از مراجعت خواهش کرده بودند که شما تقریرات درس این یکهفته را که نوشته اید مرحمت بفرمائید تا ما هم ملحق بکنیم تا تقریرات بحث ناقص نباشد اتفاقاً آقا را نیز موانعی پیش آمده ثبت نکرده بودند . آقا تقریرات یکهفته را کاملاً از حفظ نوشته بر فقا دادند . ✳

**از صفات کریمه** مرحوم معظم : در امر بمعروف و نهی از منکر زاید الوصف متصلب در تبلیغ احکام متعصب و لایخاف لومة لائم و خشن فی ذات الله و هیچ وجهی در اداء وظایف شرعیه و حفظ حدود الهیه و ردع بدع مستحدثه مداهنه و مسامحه نداشت سالی در هلال شوال اختلاف شد نزد آقا بثبوت نرسیده اند دولت و ملت افطار کردند ولی آقا بدون اعتناء در عین استیلاء و استعلاء دولت فردای آن روز را نماز عید نکرده اند و در منزل شریف خود نشسته اهالی بدیدن آمدند . ✳

## ذکر مجاری احوالش :

سنة ۱۲۸۲ متولد و پس از بلوغ بحد رشد و تمیز در تبریز مشغول تحصیل علوم عربیه و ادبیه و حساب و نجوم گشته و فقه و اصول را از مرحوم حاج میرزا فتاح سرابی و آقا میرزا محمود اصولی اخذ کرده و از خودش نقل است که جلدین قوانین را از اول تا آخر نزد مرحوم اصولی خوانده ام و سنة ۱۳۰۴ برای تکمیل تحصیل بنجف اشرف مشرف و تا آخر سنة ۱۳۱۰ در محضر چندی از مراجع عصر من جمله فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و آقا شیخ حسن مامقانی قدست اسرارهم مشغول استفاده بوده . ✳

**مصنفات شریفه اش :** ازاحة الالتباس عن حکم المشکوک من اللباس سنة ۱۳۱۳





تألیف و طبع شده شرح کتاب حج شرایع و حاشیه بر کتاب ریاض . ✳

**و سنة ۱۳۴۲** بواسطهٔ فتنهٔ تبریز از شهر حرکت کرده و بعد از توقف زمانی در خارج موفق بزیارت حضرت ثامن الائمه علیهم الصلوة والسلام گردیده تقریباً یکسال مجاور آن آستان مقدس بودند بعد از آن بخواهش دولت به تبریز مراجعت فرمود . ✳

**وفاتش :** ۱۸ ذی القعدة الحرام سنة ۱۳۵۷ بجهان جاودان خرامید و حقیر در آن تاریخ بعزم زیارت بیت الله الحرام در نجف اشرف بودم تجار تبریز در مسجد عمران متصل بصحن مقدس مجلس ترحیم اقامه نمودند و حضرت آیة الله آقا سید ابوالحسن آقا اصفهانی دامت برکاته تشریف آورده نماز مغرب و عشاء را اداء فرموده بواسطهٔ ضعف تشریف بردند و آقایان حجج الاسلام چند ساعتی بودند بنده بمنبر رفته بعد از صحبت مجملی و ذکر مصیبت ختم کردیم . ✳

**جلالت والد ماجد مرحوم معظم :** پدر بزرگوار صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان حاج میرزا محمد آقا الشهیر بشیخ الشریعة علیه الرحمة از اشراف و اجلاء تبریز بود و این لقب شریف را مرحوم مظفر الدین شاه قاجار با اعطاء یکحلقه انگشتر الماس و انفاذ فرمان شهریاری برای تجلیل معظم له مقرر فرموده بود و فعلاً فرمان رقم موشح بمهر اشرف همایونی نزد اولاد امجاد آن مغفور و مبرور موجود است . ✳

**الذریعة (ج ۱) (ص ۵۲۶)** ازاحة الالتباس عن حکم المشکوک فیه من اللباس تصنیف العلامة الحجة سید میرزا ابوالحسن بن سید میرزا محمد تبریزی الشهیر بالانگجی در ایران سنة ۱۳۱۶ طبع شده ✳

---

## (۱۱۴) میرزا ابوالحسن مشکینی ره

## المتوفی سنة ۱۳۵۸

**ریحانة الادب (ج ۱)** میرزا ابوالحسن بن عبد الحسین اردبیلی مشکینی آذربایجانی عالم محقق مدقق مدرس فقیه اصولی معقولی منقولی از اجلاء علماء طراز اول عصر حاضر ما و از مشایخ روایت علامه نسابه معاصر آقا نجفی و از تلامذهٔ آخوند خراسانی و آخوند ملا علی قوچانی و فقیه علامه آقا سید کاظم آقا یزدی و شریعت اصفهانی بوده و حاشیه بر مناجر شیخ مرتضی انصاری و حاشیه بر شرح منظومه سبزواری و حاشیه بر کفایة الاصول استاد خود آخوند خراسانی از تألیفات او است و جلد اول این تألیف اخیر او که متعلق بمباحث الفاظ است در سنة ۱۳۴۲ در نجف اشرف چاپ شده است و صاحب ترجمه در ۱۳۵۸ در بغداد وفات و جنازه اش را بنجف نقل دادند و این ترجمه از خود همین کتاب چاپ شده و از تقریظ علامه نسابه معاصر نگاشته آمد

## (۱۱۵) (آقا میرزا حسن علیاری ره)

## (المتوفی ایضاً سنه ۱۳۵۸)

اساتید آقا میرزا حسن علیاری ره

**عالم فاضل زکی آقا میرزا علی** ابن مرحوم آقا میرزا محسن حسب خواهش حقیر این جمله را در ترجمه جد امجدش صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان نگارش داده « **میفرماید** » : جدنا الامجد الحجة الآیة آقا میرزا حسن آقا قدس الله نفسه الزکیة در روز یکشنبه ۲۲ جمادی الاخرة سنه ۱۲۶۴ در قریه علیار دوازده فرسخی تبریز متولد شده وبعد از اینکه بعضی از علوم عقلیه ونقلیه وریاضیه ورجال و درایه وغیرها از سطوح لازمه نزد حضرت العلامة الحجة والد ماجدش حاج ملا علی مجتهد علیاری قدس سره تحصیل کرد نظر شریفش باقتناء ذخایر بواقی منعطف گردیده بنجف اشرف مهاجرت فرمود ودر خدمت هفت تن از مشایخ عظام واساتید فخام علوم دینیه را تکمیل نمود من جمله آیة الله فاضل ایروانی وفاضل شرابیانی وآقا میرزا محمد علی رشتی حجة الاسلام وحاج ملا احمد شبستری وحاج میرزا ابو القاسم خابری نجل آیة الله آقا سید علی صاحب ریاض وآقا میرزا لطف الله مازندرانی وآقا میرزا محمد علی حکیم الهی مرندی الشهیر بالبکاء در علوم عقلیه قدس الله اسرارهم آنگاه عزم مراجعت به تبریز فرموده از بعض این اعلام استجازه نمود وایشان اجازات مفصله مشتمل بر اجازه اجتهاد وروایتی که در کتابش مذکور است نوشتند فراجع کتابه از جمله فاضل شرابیانی وحاج ملا احمد شبستری وحاج میرزا ابو القاسم خابری وآقا میرزا محمد علی رشتی وآقا شیخ ضیاء الدین عراقی رضوان الله علیهم وزعیم الشیعة استادنا العلامة آقا سید ابو الحسن اصفهانی متع الله المسلمین بطول بقائه

مشایخ اجازه اجتهاد وروایتی مرحوم علیاری

**الذریعة** (ج ۱) (ص ۱۴۰) اجازة العلامة المولی احمد الشبستری النجفی للمولی المعاصر میرزا محمد حسن بن العلامة المولی علی العلیاری التبریزی فی حدود سنه ۱۳۰۴ مختصرة یروی فیها عن العلامة الانصاری والسید حسین الکوهکمری . ✻

**ایضاً فی الذریعة** (ج ) (ص ۱۳۰) اجازة السید العلامة میرزا ابو القاسم الشهیر بالحجة ابن السید حسن بن العلامة المجاهد السید محمد بن میر سید علی صاحب الریاض الطباطبائی الحائری المتوفی بالکاظمیة فی سفره بها سنه ۱۳۰۹ وحمل الی الحائر للعالم الفاضل المعاصر میرزا محمد حسن بن العلامة المولی علی العلیاری التبریزی مختصرة تاریخها سنه ۱۳۰۳ . ✻

مصنفات آقا میرزا حسن علیاری ره

**مصنفات شریفه ومؤلفات نفیسه** صاحب الترجمه علیه الرحمه از جمله منها (۱) لطف النجاة و (۲) مجمع البیضا و (۳) مواهب السنیة ۲ جلد (۴) احقاق الحق و (۵) نظم البرهان فی تفسیر القرآن و (۶) مجمع المعارف فی تعیین المواقف ۲ جلد





ایضاً مصنفات محدث قمی ره

وار بعین وشمس المضیئة وحبل المتین وجامع السعادة ۳ جلد وزلال المقال ۲ جلد بدائع الاسلام فی شرح شرایع الاسلام ودلائل الشهادة ۳ جلد ولآلی فخریه فی شرح انا اعطیناک الکوثر ومشکوة الانوار فی اصول الدین ۲ جلد ومشکوة الوصول فی علم الاصول ۳ جلد وعقاید الایمان فی شرح غایة العدلیة وکنز الغرائب ومصائب الابرار ۳ جلد ومنتخب المراثی وتعلیقات علی الریاض والرسائل و المکاسب وعلی المجلد الثانی من القوانین . ✻

**وفات صاحب عنوان** علیه الرحمة والرضوان شب سه شنبه ۱۹ ع ۱ سنه ۱۳۵۸ اتفاق افتاد ✻

## (۱۱۶) (حاج شیخ عباس قمی ره)

## (المتوفی سنه ۱۳۵۹)

حسب تقاضای حقیر این جمله را در ترجمه خود از ارض اقدس رضوی صلوات الله وسلامه علیه انفاذ داشته الله

(بسم الله الرحمن الرحیم)

تاریخ ولادت صاحب مفاتیح الجنان

الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی عبد آثم عباس بن محمد رضا ابن ابی القاسم عفی الله عنهم گوید سؤال کردی از من ایدک الله تعالی که احوال وترجمه خود را برای شما بنویسم اینک مسئلت ترا اثبات میکنم انشاء الله وملخصاً می نگارم : ✻

کمن در حرم اهل البیت علیهم السلام قم المحمیه در عشر اخر از مائه ثالثه بعد الالف متولد شده ام ودر بلده مذکوره الی سنه ۱۳۱۶ بتحصیل علم اشتغال ورزیده بعد بنجف اشرف مشرف شدم پس خداوند متعال بمن منت گذارد بملازمت شیخنا الاجل الاعظم وعمادنا الارفع الاقوم صفوة المتقدمین والمتأخرین خاتم الفقهاء والمحدثین سحاب الفضل الهاطل وبحر العلم الذی لا یساحل مستخرج کنوز الاخبار ومحیی اندرس من الآثار ذو الفیض القدسی ثقة الاسلام النوری الطبرسی انار الله تعالی برهانه واسکنه بحبوحة جنانه وخاتمه مستدرک الوسائل را برای او استنساخ میکردم که بفرستد بایران برای طبع ودر خدمت او بودم تا سنه ۱۳۱۸ پس خداوند متعال حج بیت الله الحرام وزیارة قبر حضرت سید الانام علیه وعلی آله الاف التحیة والسلام مرا عنایت فرمود وپس از اداء حج وفراغ از زیارت از طریق فارس ببلد خود قم برای زیارت سیده تنا فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهم السلام که وعده بهشت در زیارت او وارد شده وتجدید عهد با والدین مراجعت کردم وایام قلیله مانده بمشهد مولای امیر المؤمنین علیه السلام مسافرت نموده ملتزم خدمت شیخی العلامة النوری نور الله مرقده گشته در مقابله مستدرک وکشف الاستار واستنساخ لؤلؤ ومرجان وتصنیف تحیة الزائر وغیر ذلک

زیارت شیخ تشرف حج صاحب عنوان

ساعدت نمودم تا در این بین که از جنابش استفاده میکردیم غراب البین آواز داد و روزگار بساط زندگانی
آن عالم ربانی را از بسیط ارض برچید ۱۳۲۰ ستة برحمت حق پیوست .

استجازه صاحب الترجمه از علامه نوری علیه الرحمة

استجازه صاحب مفاتیح الجنان از علامه نوری ره

ودر خلال استفاده من از آن بزرگوار استجازه نمودم که مرا بروایت مؤلفات اصحاب رضی الله عنهم اجازه مرحمت فرماید پس این منت گذارده و در اواخر ایام حیاتش مسئلت مرا قبول فرموده اجازه دادند که مؤلفات اصحاب قدیما وحدیثا در تفسیر وحدیث وفقه واصولین وغیرها از آنچه اجازه دارد و روایت آنها بطرق معهوده او از مشایخ عظام که در خاتمه مستدرک مشروحا مذکور است برای او صحیح است از برای من نیز اجازه دادند که روایت بکنم وبعد از وفاتش دو سال در نجف اشرف مانده بعد بدار الایمان قم مهاجرت کرده تا سنه ۱۳۲۹ آنجا بودم پس دوباره بحج مشرف شده بقم برگشتم وتقریبا دو سال آنجا مانده بعد بمشهد مولانا الامام المعصوم ابو الحسن الرضا علیه السلام مهاجرت کرده تا امسال سنه ۱۳۴۶ در این مکان شریف هستم ودر خلال این حال مکرر بزیارت ائمه عراق علیهم السلام وسیم بار بزیارت بیت الله الحرام مشرف شدم وعمرم از پنجاه گذشته وکثیری از زندگانیم در اسفار وانقطاع از کتب وصحف گذشته با وجود این کتب کثیره از من بروز کرده . وختم میکنم کلام را بتمثل باین ابیات

تأسف از رفتن جوانی و توجه بدرگاه الهی

| | | | |
|---|---|---|---|
| از دو رش این فلک سبز فام | عمر فزون گشته ز پنجاه عام | در سر هر سالی از این روزگار | خورده ام افسوس خوشیها بار |
| باشدم از گردش گردون شگفت | کانچه مرا داده همه پس گرفت | تو فرا از زانو و بازو برفت | آب ز روی رنگ هم از مو برفت |
| عِقد ثریای من از هم گسیخت | گوهر دندان همه یک یک بریخت | آنچه بجا ماند نیابد خلل | بارگاه آمد طول امل |
| بانگ رحیل آمد از این کوچگاه | همسفران روی نهاده براه | او زِ بی زادی روز معاد | زاد کم و طول مسافت زیاد |
| بار گران بر سر دوشم چو کوه | کوه هم از بار من آمد ستوه | ای که بَرِ عفو عظیمت گناه | در جلو سیل هبا راست کاه |
| فضل تو کرد نگیرد مرا | عصمت ار باز گذارد مرا | جز بجهنم نرود راه من | دو سقر انداخته بنگاه من |
| بنده شرمنده نادان منم | غوطه زن لجه عصیان منم | خالق بخشنده احسان توئی | فرد و نوازنده بغفران توئی |

کتبه بیمناه الواززه عباس بن محمد رضا القمی عفی عنه سنه ۱۳۴۶ .

**ودر مجلد دوم الکنی والالقاب (ص ۴۰۳) گوید** : صاحب مستدرک الوسائل شیخ الاسلام والمسلمین مروج علوم الانبیاء والمرسلین علیهم السلام الثقة الجلیل والعالم الکامل النبیل المتبحر الخبیر والمحدث الناقد البصیر صاحب التصانیف الکثیرة الشهیرة والعلوم الغزیرة الباهرة بالروایة والدرایة والرافع لخمس المکارم اعظم رایة وبرکات انفاس شریفه اش بمن رسید واز پرتو چراغ نورش اخذ کردم فما یبلغ قلمی انما هو من فیض بحاره وما ینبغ بها کلمی هو من نسیم اسحاره پس آنچه از قلم من میچکد از رشح بحار وی وآنچه از کلم من میوزد از نسیم





اسحار او است .
مرموی که از مشک وفر فلفل شوی ☼ از دولت آن زلف چو سنبل شوی
در اواخر ج ۲ سنه ۱۳۲۰ بجنان جاوید خرامید ودر جوار حضرت امیر علیه السلام در صحن شریف مدفون گردید وآن مرحوم ترجمه خود را در آخر مستدرک نوشته .

ملاقات مؤلف با مرحوم علامه

**مؤلف گوید** : با مترجم محترم مکرر در نجف اشرف وارض اقدس وقم المحمیة ملاقات اتفاق افتاده وزیاده از سی سال است که فیما بین مکاتبات ومراسلات واقع شده وحسب الامر ایشان وچندی از احباب نفس المهموم ونفثة المصدور والانوار البهیة ومنتهی الامال را دو مرتبه ومفاتیح الجنان و الباقیات الصالحات را شش مرتبه در تبریز وطهران تصحیح ومقابله کرده ام والان دو نسخه مصححه بخط صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان با علامت سرخ کرار وطبع موجود است واخر ملاقاتم سنه ۱۳۵۸ در مراجعت از سفر دوم حج بیت الله الحرام در نجف اشرف بود که مشغول تالیف کتاب الکنی والالقاب بودند وچند مجلس صحبت واستفاده حاصل گشت ومجلد دوم سفینة البحار را که تازه از طبع در آمده بود هدیة مرحمت فرمودند واز تالیفات خود سفینه را بسیار وصف نمود که در عرض بیست سال تالیف کرده ام ودخل بکتب دیگر ندارد والحق چنین است سفینه یک ذخیره نفیسه ایست برای اهل علم ومحدثین مملو از جواهر ثمینه ویواقیت بهیه جزاه الله تعالی خیر جزاء المحسنین وحشره مع محمد وآله الطاهرین وبرای حقیر اجازه روایتی که از مرحوم علامه نوری اخذ کرده مرحمت فرموده ودر مجلد چهارم وقایع الایام ص ۳۴۰ مذکور است .

مؤلفات مطبوع صاحب مفاتیح الجنان

**ودر پشت کتاب هدیة الاحباب مسطور است** : کتاب هدیة الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی والالقاب والانساب لخادم اهل العلم والحدیث عباس بن محمد رضا القمی عفی عنهما وقد طبع بحمد الله تعالی من مؤلفاتی ما یزید علی العشرین وهذه اسامی المشهورات منها (۱) الفوائد الرجبیة (۲) الدرة الیتیمة (۳) مختصر الابواب فی السنن والاداب (۴) هدیة الزائرین (۵) نزهة النواظر فی ترجمة معدن الجواهر (۶) سبیل الرشاد (۷) ذخیرة الابرار فی تلخیص نبس النجاد (۸) رسالة فی الصغائر والکبائر (۹) الفصول العلیة فی المناقب المرتضویة (۱۰) حکمة بالغة ومأة کلمة جامعة (۱۱) اللئالی المنثورة فی الاحراز والاذکار المأثورة (۱۲) دستور العمل (۱۳) نفس المهموم فی مقتل الحسین المظلوم (۱۴) نفثة المصدور (۱۵) الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیة (۱۶) تحفة طوسیة (۱۷) نفحة قدسیة (۱۸) المقامات العلیة (۱۹) مفاتیح الجنان (۲۰) الباقیات الصالحات (۲۱) منتهی الامال فی ذکر مصائب النبی والآل (۲۲) منازل الآخرة (۲۳) ترجمة مصباح المتهجد (۲۴) ترجمة جمال الاسبوع (۲۵) الکلمات الطریفة الی غیر ذلک واما غیر المطبوع من کتبی فکثیر منها (۱) سفینة بحار الانوار (۲) تتمیم العقبی (۳) تحفة الاحباب (۴) والفوائد الرضویة فی احوال العلماء الامامیة (۵) وغایة المنی فی المعروفین بالالقاب والکنی (۶) وتتمة المنتهی فی وقایع ایام الخلفاء (۷) وکحل البصر فی سیرة سید البشر (۸) بیت الاحزان فی مصائب سیدة النسوان

کتب غیر مطبوع صاحب الترجمه علامه

ونقد الوسائل وغایة المرام فی تلخیص دار السلام وشرح الوجیزة وفیض القدیر فیما یتعلق بحدیث الغدیر الی غیر ذلک انتهی سفینة البحار ومدینة الحکم والآثار ۲ جلد وکتاب الکنی والالقاب ۳ جلد طبع شده .

**ایضا در هدیة الاحباب** (ص ۱۵۷) در ترجمه سیوطی جلال الدین عبد الرحمن شافعی گوید : مصنفاتش بسیار است لکن بسیاری از کتب واسم بزرگی دارد واصلش بقدر یکجزو یا کمتر باز یاد دارم که در اواخر ایام عمر شیخ خود مرحوم ثقة الاسلام نوری نور الله مرقده در خدمت ایشان در کوفه حمام رفته بودم واین در اوقات کسالت ایشان بود که ظاهرا بعد از آن دو هفته نگذشت که برحمت الهی منتقل شد در حمام مشغول تنظیف بدن کشند ودر آنحال از احوال خویش برای من نقل مینمودند تا آنکه سخن منتهی شد بانکه فرمودند کتاب در منثور سیوطی را تازگی برای من آورده اند من چون اسم سیوطی را شنیدم کثرت مصنفات اورا ذکر کردم فرمود چیز یکه حاصلش این است که گول اسامی کتب اورا نخوری که غالب آنها چیزی نیست واگر دار السلام من را سیوطی تصنیف کرده بود از اجمل یا پنجاه کتاب مینمود . ✻

**تاریخ وفات صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان** یکی از علماء ورفقاء حقیر از نجف اشرف مرقوم فرموده بود إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ در روز چهارشنبه ۲۳ ذی الحجة الحرام سنه ۱۳۵۹ حضرت آقای حاج شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح برحمت ایزدی پیوست نور الله مضجعه بانوار رحمته وسقاه بشآبیب فضله ومغفرته . ✻

**ونقل کردند** : که در قم مشرفه تا اربعین آنمرحوم مغفور مجالس ترحیم ومحافل تعزیت اقامت وادامت یافت رضوان الله تعالی علیه . ✻

## (۱۱۷) ( سید احمد صفائی اعرجی خوانساری ره )
## المتوفی سنه ۱۳۶۰

**ریحانة الادب** (ج ۱) سید احمد صفائی ابن سید محمد رضای حسینی اعرجی خوانساری ره از اکابر علماء عصر حاضر یا کرفقیه ومحدث ورجالی وبا آخوند خراسانی وعلامه یزدی وشریعت اصفهانی تلمذ نموده واز مشایخ روایت آقای سید شهاب الدین نجفی مرعشی میباشد وکتاب کشف الحجب عن الاسفار والکتب بترتیب کشف الظنون حاجی خلیفه از تالیفات اوست که تا حرف میم از قلم مؤلف برآمده وسه مجلد است ودر سنه ۱۳۶۰ در هفتاد سالگی وفات یافت . ✻





## (۱۱۸) ( حاج میرزا ابو عبد الله زنجانی رحمه الله )
## المتوفی ایضا سنه ۱۳۶۰

**حضرة العالم الفاضل الادیب** حاج میرزا عباسقلی آقا واعظ تبریزی چرندابی سلمه الله تعالی که از آزادتمندان مترجم محترم بوده این جمله را در ترجمه معظم له نگارش داده بعین عبارت منقول میشود :

**فقدان جبران ناپذیر** وفات استاد دانشمند ابو عبد الله زنجانی از قراریکه علامه اکبر آقای میرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجانی در مکتوب مورخه ۱۷ جمادی الاخری از سال ۱۳۶۰ هجری قمری از زنجان بنگارنده مینگارد : ✻

علامه کبیر آقای حاج میرزا ابو عبد الله مجتهد زنجانی روز پنجشنبه هفتم شهریور بود یکساعت بعد از ظهر در زنجان زندگی را بدرود گفته واز این جهان درگذشتند وآثار جاویدان وگرانبهائی از خود بیادگار گذاشتند . رحمه الله رحمة واسعة . ✻

**شادروان آقای زنجانی** دوماه ربیع الاول از سال ۱۳۰۹ قمری هجری در شهر زنجان متولد وپس از آموختن خواندن ونوشتن بتعلم علوم تازه ومبادی فقه اسلامی پرداخت فلسفه وعلم فلک وکلام وا نیز از فلکی معروف زنجان میرزا ابراهیم متوفای (۱۳۵۱ ه) که از کبار شاگردان فیلسوف شهیر میرزا ابو الحسن جلوه متوفای (۱۳۱۶ ه) میباشد یاد گرفت سپس بسمت تهران عازم ومدتی هم در آن صفحات بتکمیل مراتب علوم اشتغال یافت . ✻

در اواخر سال (۱۳۳۰ ه) عنان عزیمت بطرف نجف اشرف معطوف داشته تا سال (۱۳۳۸ ه) در آن سرزمین بسر برد وپس از گرفتن اجازات روایت واجتهاد از محدثین ومجتهدین والامقام آن سامان بسوی زادبوم خویش عازم ورهسپار شد پس از اینکه مدتی در مولد خویش اقامت گزید زیارت خانه خدا را از هر اداء فریضه حج جداً منظور نمود ودر طی مسافت در سوریا وفلسطین وقاهره با بسیاری از مردان علم ومردمان روشن فکر ملاقات واز دیدار وافکارشان بسی خوشوقت وکامیاب شد ودر سال (۱۳۵۴ ه) بار دوم بقطر مصر سفر کرد وپس از ورود از طرف اساتید بزرگ دانشگاه الازهر ودانشگاه مصر واز جانب فضلاء وادباء آن سامان مورد بسی پذیرائی ونوازش گردید وپس از برگشتن از سفر مصر مدتی هم در دانشکده معقول ومنقول تهران مدرس سپهسالار بتدریس تفسیر وفلسفه اشتغال ورزید تا خاک تیره در زنجان آن هیکل فضل ودانش را تنگ در آغوش خود کشید روانش شاد . ✻

فقید سعید آثار پربهائی داشته که بجاست بپاره ای از آنها تعرض و اشاره مینمائیم :

۱ تاریخ القرآن که موقع مسافرت و توقف آن مرحوم دومین بار در خطه درخشان مصر در قاهره
با نفاست کامل بچاپ رسیده و استاتید که سالیان است در مصر بترجمه و نقل دائرة المعارف الاسلامیه
از زبانهای اروپائی بلسان عربی همت گماشته اند مقدمه تقریض نفیسی بزبان انگلیسی بر کتاب نامبرده نوشته اند
و آقای احمد امین استاد ادبیات در دانشگاه مصر و مؤلف فجر الاسلام و ضحی الاسلام و ظهر الاسلام نیز مقدمه
جالبی در صدر کتاب تنظیم داده است و خوشبختانه کتاب به بنور اخیر ابقلم فاضل معاصر آقای ابوالقاسم سحاب کارمند
وزارت فرهنگ ایران بفارسی ترجمه بنام تاریخ قرآن در تهران بطبع رسیده است کتاب نامبرده در موضوع خود
بیمانند و انچه مامیدانیم هنوز نظیر آن تالیف و طبع نشده ۲ اصول القرآن الاجتماعیة عربی خطی .

۳ کتاب الافکار عربی خطی کتابی است فلسفی و اصلاحی که عقیده اسلامی را از جنبه عقل و قرآن روشن
میسازد از انجمله بقاء النفس عربی شرح بسوطی است که در سال ۱۳۴۰ با سلوب عصری انجام یافته و
اصل رساله از آثار نفیسه یگانه فیلسوف اسلامی و فخر توده شیعه خواجه نصیر الدین طوسی متوفای (۶۷۲ هـ)
میباشد که در موضوع مهم بقاء النفس بعد فناء الجسد نگاشته شده و کتاب نامبرده در قاهره طبع گردیده
و از انجمله الفیلسوف الفارسی الکبیر صدرالدین الشیرازی که در تاریخ زندگی و شخصیت و اهم اصول
فلسفه فیلسوف نامبرده بزبان تازی فصیح و روان نگاشته و از طرف اعضای انجمن علمی دمشق که مؤلف
فقید نیز سمت عضویت را نسبت بان انجمن دانش میداشته در دمشق طبع شده از جمله کتاب زندگانی
محمد صلی الله علیه و آله که از کتاب الابطال قهرمانان تالیف فیلسوف و مورخ شهیر انگلیسی توماس کارلایل
متوفای (۱۸۸۱ م) از عربی بفارسی ترجمه کرده و کتاب نامبرده پنجمین بار با مقدمه و حواشی و هشت مقاله
نگارنده که در زمینه های علمی و دینی بزبان عصری و بطرز منطقی انجام یافته با نفاست تمام بخرج کتابفروشی
محمد سروش بطبع رسیده از انجمله کتاب عظمت حسین بن علی علیهما الصلوة والسلام که عوامل حدوث وقعه
تاریخی سال ۶۱ هجری و اسرار خفیه و عظمت نفس حسین بن علی ع با یک اسلوب مطلوب و عصری و با یک
طرز نغز و فلسفی مورد بحث قرار داده و کتاب نامبرده نیز دومین بار با حواشی و اهتمام نگارنده بنفقه کتابفروشی
گرامی سروش بچاپ رسیده است و برخی از مقالات سودمند و مباحث علمی شادروان زنجانی در مهنامه
انجمن علمی دمشق و مجلات گرامی الزهراء مصریه و لغة العرب بغدادیه بزبان تازی طبع و انتشار یافته است
و در پایان ما هم از این پیش آمد اسفناک و فقدان جبران ناپذیر بسی متأثر و بنوبت خود ببازماندگان و
خویشاوندان آنمرحوم بویژه برادر بزرگش علامه خطیر آقای شیخ الاسلام زنجانی از ته دل تسلیت عرضه میداریم

آثار علمیه حاج میرزا عبدالله زنجانی ره

انتشار مؤلفات و آثار فقید زنجانی ره





**الذریعة** (ج ۳) (ص ۱۳۸) کتاب بقاء النفس بعد فناء الجسد و بوار البدن تصنیف محقق
خواجه نصیر الدین محمد طوسی المتوفی سنة ۶۷۲ در مصر ۱۳۳۲ با شرح و تعلیق میرزا ابوعبدالله زنجانی بطبع رسید

**ایضاً** (ج ۳) (ص ۲۷۵) تاریخ القرآن تالیف میرزا ابوعبدالله بن شیخ الاسلام زنجانی معاصر
در مصر سنة ۱۳۵۴ طبع شده مرتب است بر یک مقدمه در سیرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سه باب و هر بابی
چند فصلی دارد و از قرآن از نزول و خط و جمع و ترتیب سور و قراء و اعراب و اعجام و ترجمه اش بسایر لغات *

**مؤلف گوید** : یکی از اقوام ما که هشت سال در اروپا مدرس نظامی بود گفت که هزار و پانصد
تن از اهالی ملل مختلفه بهر لغتی از لغات خارجه قرآن مجید را ترجمه و استفاده نموده اند و گفت که من رفیقی
داشتم هنوز مذهبی اختیار نکرده بود و میگفت که مذاهب را تفتیش و تحقیق میکنم هر یکی موافق عقل و دانش
باشد بعد از اختیار اختیار خواهم کرد من با او عهد کردم که هر وقت مذهبی اختیار کرد بمن بنویس پس از زمانی
نوشت که مذهب اسلام را اختیار نمودم قوله تعالی و عز من قائل وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ
مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ . *

## (۱۱۹) (آقا سید علی آقا کوه کمری رحمه الله تعالی)

## المتوفی ایضاً سنة ۱۳۶۰

### والد ماجد آیة الله آقا سید محمد آقا حجت کوه کمری دامت برکاته

**ریحانة الادب** (ج ۱) آقا سید علی آقا کوه کمری از اجلاء علماء تبریز و از تلامذه حاج میرزا
حبیب الله رشتی و فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی قدس الله اسرارهم بوده و پس از آنکه در نجف فارغ التحصیل
شده و عازم مراجعت ایران میبود مورد تجلیل و تبجیل فوق العاده استاد خود فاضل شرابیانی قدس سره
بود چنانچه با جمعی از طلاب و اکابر علماء از نجف تا کوفه مشایعتش فرموده با جمعی بیشمار بدو اقتداء
کرده و پشت سرش نماز خواندند و این رویه را بجز رضوان مکان حاج میرزا رضا آقا امام جمعه تبریز
طاب رمسه درباره کسی معمول نداشته است باری در تبریز مشغول همه گونه وظایف لازمه خدمات دینیه بود
تا آنکه در ۲۹ محرم الحرام سنة ۱۳۶۰ هجری در آنجا عازم گلزار جنان بوده و جنازه اش را ببلده
طیبه قم نقل داده و در مقبره ای در صحن شریف در جوار حضرت معصومه سلام الله علیها مدفون گردید
طاب رمسه و حشره الله تعالی مع اجداده الطیبین الطاهرین * عاش حمیداً * و مات سعیداً

تجلیل و تکریم از طرف استاد خود

## (۱۲۰) ( آقا شیخ حسین تبریزی توتونچی ره )

## ایضاً المتوفی سنة ۱۳۶۰

بنا بر آنچه بخط زنکنیش عالم فاضل آقا میرزا علی وفقه الله تعالی اجمالی از شرح حالش نگارش داده بدین منوال است که مفرهابد والد ماجد آقای آقا شیخ حسین توتونچی طاب ثراه ابن مرحوم کربلائی عبد العلی توتونچی سنه ۱۲۹۰ هجری متولد و پس از رشد و تمیز بحسب تحریص پدر مرحومش در تبریز مشغول تحصیل گشته و بعد از وفات والد مغفورش سنه ۱۳۱۳ بنجف اشرف مهاجرت و تقریباً ۱۱ سال در آنمکان شریف اقامت و مشغول تحصیل و عمده تلمذش نزد مرحوم آیة الله شریعت اصفهانی و آیة الله نهاوندی قدس سرهما بوده و یکسال در سامراء از محضر درس آیة الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی طاب ثراه حاضر شده و بعد از عودت بنجف سنه ۱۳۲۵ عازم تبریز و پس از ورود مشغول تدریس و مباحثه فقه و اصول و تالیف و تصنیف در باب عقاید و نصرت دین مبین بوده

**از جمله تصنیفاتش** : کتاب هدایة الانام الی حقیقة الایمان والاسلام است که چهار جزء از آن در اثبات صانع و نبوت عامه و رد یهود و نصاری است طبع شده و باقی که در نبوت خاصه و معارف اسلامیه است هنوز بطبع نرسیده . ✳

**وازجمله ازالة الوساوس والاوهام** ( عن قدس ساحة الاسلام ) طبع شده . ✳

**وایضاً بحر الفواید** که چندین جزء است در فوائد و عوائد متفرقه علی طبع نشده و بعضی از نوشته های متفرقه فقهی و اصولی غیر مطبوع نیز دارد . ✳

**وفاتش** : ۱۶ ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۶۰ برحمت حق پیوست رضوان الله علیه . ✳

**الذریعة** ( ج ۱ ) ( ص ۵۱۰ ) ازالة الوساوس والاوهام عن قدس ساحة الاسلام در رد نصاری وابطال اقاویل ایشان تصنیف علامه شیخ حسین بن عبد العلی تبریزی الشهیر بالتتنچی المولود سنه ۱۲۹۰ در ۲۶ صفر سنه ( ۱۳۳۶ ) از تالیفش فارغ و سنه ( ۱۳۵۱ ) در تبریز طبع شده . ✳

**ایضاً** ( ج ۳ ) ( ص ۴۴ ) بحر الفوائد الجاری مجری الکشکول فیه مالذ وطاب تالیف شیخ حسین توتونچی که معاصر او ود بادی در مجموعه خود ( زهر الربی ) او را ترجمه کرده . ✳

**مؤلف گوید** : مترجم محترم از مبرزین علماء تبریز و موثقین فضلاء عصر حاضر ما بود از تبدلات متواتره این چهل سال زمان اختلال هیچ وجه تغییری باحوال الخیرمال خود راه نداد و در ایفاء وظائف شرعیه خویش مستقیم و در اداء مراسم دینیه مقیم بود مخصوصاً طرف وثوق مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق





آقا مجتهد تبریزی قدس سره بودند و وقتی مبلغ مهمی راجع بحضرت معظم له در ایام اقامت قم نزد معظم الیه حاضر بود مرقوم فرمود بقم نفر بشید در تبریز هر که مصلحت بدانید تقسیم بنمائید . ✳

## (۱۲۱) ( آقا شیخ فیاض سرخه دیزجی زنجانی ره )

## ( المتوفی ایضاً سنة ۱۳۶۰ )

در این باب آنچه حضرت مستطاب حجة الاسلام آقا شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجانی دامت برکاته حسب استدعاء حقیر مرقوم فرموده اند این است : ✳

**المرحوم العالم الجلیل** الشیخ فیاض بن المرحوم ملا محمد سرخه دیزجی زنجانی ره در سال ۱۲۸۵ در قریه سرخه دیزج از قراء نواحی زنجان متولد شده و مقدمات را نزد پدر خود آخوند ملا محمد سرخه دیزجی که از جمله فضلاء و از شاگردان مرحوم آخوند ملا علی قاربوز آبادی ساکن زنجان بود تحصیل و بعد از آن در زنجان اغلب متون معروفه در فقه و اصول را نزد بعضی از علماء زنجان قرائت و مسافرت بطهران نموده مدتی هم در آنجا اقامت و بدرس مرحوم میرزای آشتیانی صاحب حاشیه رسائل و درس میرزا ابو الحسن جلوه حکیم معروف حاضر شده بعد از آنجا بطرف نجف اشرف عازم و نزد علماء آن مکان مقدس حاضر و عمده تلمذش در نزد مرحوم آقا شیخ هادی طهرانی معروف ساکن نجف اشرف بوده و بعد از وفات مرحوم آقا شیخ هادی در حدود سال ۱۳۲۶ هجری بزنجان مراجعت و در آن شهر مشغول تدریس و اقامت جماعت بود و جمعی هم از اطراف زنجان مقلد او شده و بفتوای او عمل مینمودند و تا اواخر ایام خویش در زنجان اقامت داشت در روز جمعه ۱۴ شهر ذی الحجة ۱۳۶۰ هجری در خود زنجان وفات و جنازه اش با احترام و تجلیل زیاد تشییع و در نزدیک مقبره مرحوم آخوند ملا علی قاربوز آبادی در طرف شرقی زنجان مدفون گردید رحمه الله . ✳

**از تالیفاتش** ۲ مجلد یکی کتاب الاجازة که دیگری کتاب خمس که هر دو بطبع رسیده و رساله علیه اش هم طبع شده .

**الذریعة** ( ج ۱ ) ( ص ۱۳۲ ) کتاب الاجارة تصنیف شیخ فیاض زنجانی معاصر در سنه ۱۳۴۳ طبع شده و او تلمیذ علامه شیخ هادی طهرانی نجفی است که در سنه ۱۳۲۱ وفات یافته . ✳

## (۱۲۲) ( آقا ضیاء الدین عراقی نجفی رحمه الله تعالی )

## المتوفی سنة ۱۳۶۱

**احسن الودیعة** ( ج ۲ ) ( ص ۱۰۹ ) آقا ضیاء الدین عراقی نجفی ادام الله الباری برکات وجوده

وازهر الزمان بشرف وجوده خداوند متعال برکات بر وجود او را مدام و زمانه را بوجود شریف او منور فرماید از اعاظم مراجع امامیه و اکابر فقهاء و مدرسین علوم دینیه میباشد بیشتر از صد و پنجاه تن از طلاب و محصلین عرب و عجم در فقه و اصول بدرس و حاضر میشوند بلطافت بیان و فصاحت بیان و جودت تقریر و حسن تحریر بعلماء زمان خود فایق آمده بین فحول محققین وقت لزام خصام نادی ایام جامع اشتات علوم و مبرز در منقول و مفهوم دنیا را به پشت سر انداخته و در اشکار و نهان با خداوند خویش بمعامله پرداخته بالجمله آن عالم ربانی امام ملت و فارس میدان سبقت کلمه ایست که موافق و مخالف شاهد و معادی و مخالف مقر و معترف هستند ٭ .

نزد جماعتی که اخرین ایشان محقق خراسانی است تلمذ نموده ٭ .

ورسائل وکتبی که بعضی از آنها طبع و تحقیقات جدیده و ابکار افکار سدیده در آنها ودیعه نهاده تصنیف فرموده ایده الباری وسدده وطول عمره وشدده ٭ .

وفاتش سنه ۱۳۶۱ بجنان جاوید خرامید اعلی الله مقامه ورفع فی الخلد اعلامه ٭ .

## (۱۲۳) ( حاج شیخ محمد حسین اصفهانی نجفی ره )

### ( المتوفی ایضاً سنه ۱۳۶۱ )

ان مرحوم از عمده مراجع تقلید عصر حاضر ما و زبده افراد طراز اول حجج الاسلام و آیات الهیه قطب دائرة العلم والکمال وشمس سماء الفضل والافضال الشیخ البارع الزکی والعالم الجامع التقی استاد المجتهدین العظام وسناد الفقهاء الفخام حجة الاسلام والمسلمین حامی الملة والدین وقامع بدع الملحدین بودند ٭ .

صدیقنا الاعظم العلامه آقا میرزا محمد علی اردوبادی غروی دامت افاضاته در شرح حال وبیان ادوار زندگانی آن عالم ربانی که برهه از زمان در خدمتش تلمذ ولمعه از پرتو علومش اقتباس نموده میفرماید : ٭

حاج شیخ محمد حسین اصفهانی مد ظله العالی نزیل کاظمیه اصلش از نخجوان بعد بعضی از اجدادش وقت سقوط قفقاز بدست روس به تبریز سپس باصفهان هجرت نموده لذا باصفهانی معروف شده اند مترجم معظم در ۲ محرم سنه ۱۲۹۶ در بلد کاظمین علیهما السلام متولد و در آنجا اخذ مبادی علمیه و در نجف اشرف از اساتید بنا تحصیل و زبده مخخ از علوم را از محقق خراسانی اخذ که مدت سیزده سال





فقه واصول را از ایشان ومعقول را در حضور فیلسوف کبیر میرزا محمد باقر اصطهباناتی شیرازی که هر دو از اعاظم تلامیذ امام مجدد شیرازی بودند تلمذ نموده ٭ .

### مصنفات شریفه ومؤلفات منیفه اش :

نهایة الدرایة حاشیة علی کفایة الاصول للاستاذ الخراسانی ج ۲ حاشیة علی المکاسب للامام الانصاری اُرجوزة فی الفلسفة العالیة ارجوزة فی الصوم رسالتان فی المعاد وکتب ورسائل علمیة کثیرة ودیوان ضخم کلها فی اهل البیت علیهم السلام مدحاً ورثاء وقصائد ومقاطیع کثیرة فی العرفان والغزل وشعره فی الطبقة العالیة منه ٭ .

والمترجم مجموعة الکمالات باسرها فهو فقیه الدنیا وعالم الدهر وحکیم العالم ومتکلم العصر وشاعر الوقت وعارف الزمن ٭ . لیس علی الله بمستنکر ٭ ان یجمع العالم فی واحد ٭

ورساله عملیه عربیه اش مشتمل بر مسائل عبادات ومعاملات مفصلاً باطرز واسلوب حسن جدید سنه ۱۳۵۵ عربی در مطبعة الدلیل بغداد در ۳۱۶ صفحه وزیری طبع ونشر شده ٭ .

وفاتش : حسب رقیمه نجف اشرف سنه ۱۳۶۱ پس از زمان یسیری از وفات مرحوم آیة الله آقا ضیاء الدین عراقی قدس سرهما اتفاق افتاده ٭ .

## (۱۲۴) ( حاج سید محمد آقا الشهیر بمولیناره )

### ( المتوفی سنه ۱۳۶۳ )

المرحوم از اکابر مجتهدین تبریز ومرجع احکام وفتاوی محقق مدقق ثقه نقه فقیه اصولی عالم عامل فاضل عادل متواضع متخلق باخلاق حمیده منصف در مقام مباحثه غیر مجادل در مواقع مذاکره نظیر او را در این اوصاف پسندیده ندیدیم مقبول تمام طبقات ناس ومحبوب قاطبه انام با این تفرق آراء وتشتت اهواء وحواس پیوسته مشغول تدریس وتالیف وتصنیف بالجمله عالم حقیقی وفقیه واقعی بود قدس الله سره وکمل بره ٭ .

تولدش در تبریز عشر اول ع ۱ (۱۲۹۴) وتحصیلات مقدماتی را از اساتید عظام اخذ نموده ۲۰ ع ۲ (۱۳۱۲) در حضور والد ماجدش حاج سید عبد الکریم آقا رحمه الله تعالی بعزم تحصیل بنجف اشرف مشرف ودر خدمت اساتید عظام ومشایخ اعلام من جمله آیة الله فاضل شرابیانی وشریعت اصفهانی وآقا شیخ هادی طهرانی وآقا رضا تبریزی بتحصیل مباحث فقه واصول مشغول ودر حوزه

بحث حجة الاسلام حاج میرزا احمد شیرازی رضوان الله علیهم اخذ مشغول نموده و پس از تکمیل و طی
مراحل تحصیل و اخذ اجازات اجتهاد از مراجع تقلید و حجج الاسلام در حضور والد ماجدش بوطن مراجعت
و در شهر صفر سنه ۱۳۲۱ وارد تبریز گردید ✳

**مصنفات نفیسه آن عالم فرید** : براهین الحق در بعضی از مهمات مسائل فقه و اصول
مصباح الوسائل فی شرح الرسائل مصباح السالکین و زاد المسافرین در قبله طریق الهدایة فی علم الدرایة
اینها هم بطبع رسیده ✳ مصباح الاعلام فی مدارک الاحکام فی الطهارة والصلوة رسالة فی الاستصحاب
تعلیقة بر فصول مفتاح المطالب فی شرح المکاسب ۲ جزء ارشاد الانام فی اثبات النبوة المطلقة و رسالة ارشاد
الانام رسالة فی الاجتهاد والتقلید الفوائد الاربعة عشر فی المسائل الکلامیة الحکمیة رسالة اخری کبیرة
مشتملة علی اثنی عشر مسائل مهمة تفسیر مختصر لکلام الله المجید رسالة اخری فی الفرق بین الحق والحکم و غیر
ذلک من الرسائل المختصرة فی مسائل شتی ✳

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۸۳) براهین الفقه مشتمل بر چند رسائل اصولیه و قواعد و مسائل
فقهیه تصنیف حاج سید محمد ملقب به مولینا ابن السید عبد الکریم مؤتمن الشریعة ابن السید محمد بن محمد
تقی الموسوی السرابی التبریزی المعاصر المولود سنه ۱۲۹۴ بیان کرده در آن حجیت خبر و حجیت شهرت و قاعده
ضرر و مسئلة ما لکیت عبد و تعیین کعب تعیین ذکر رکوع و سجود و غیر ذلک را در تبریز سنه ۱۳۳۰ طبع شده انتهی

## ✦ نقل دو رؤیای صادقه در حق مترجم معظم له ✦

**یکی آنکه** شخص موثقی بحقیر نقل فرمود که بکفر حاج حسین نام وفات کرده بود یکی از دوستانش
پیوسته آرزو میکرد که او را در خواب ببیند بعد از پانزده سال شبی پس از وفات مرحوم مولینا او را در خواب
می‌بیند میپرسد که چرا در این مدت برؤیای من نمیآیی گوید من در این مدت پانزده سال معذب بودم شب
گذشته یک سید بزرگواری را آوردند و در قبرستان ما دفن کردند خداوند متعال از برکت آن سید عالی
مقام همه اهل قبرستان را آمرزید و من هم آمرزیده شدم اینک برؤیای تو آمده ام ✳

**مؤلف گوید** : این مطلب هیچ وجهی جای استبعاد نیست چه که نظیرش در اخبار وارد شده :
**چنانکه مرحوم علامه نوری** نور الله مرقده در کلمه طیبه از کتاب اثنی عشریه سید محمد علی شهیر
بابن قاسم معاصر شیخ حر رحمهما الله از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود هیچ عالمی و متعلمی
نیست که بگذرد بقریه‌ای از قریه‌های مسلمین یا شهری از شهرهای ایشان و بخورد از طعام ایشان و بنوشد
از شراب ایشان و داخل شود از خانه و بیرون رود از جانب دیگر مگر آنکه برمیدارد خداوند عذاب قبر ایشان را چهل روز



مصنفات معظم له رحمه الله

نقل دو رؤیای صادقه در حق مترجم معظم له



**رؤیای دوم** : ایضاً همان شخص نقل کرد که بکفر مرحوم حاج علی محمد تاجر کلکتچی طاب ثراه را
که خود و برادر اکرمش حاج محمد باقر آقا از موفقه کرام از اخیار تجار آذربایجان و بهمه قسم مروج شرع مبین
و علماء و محدثین هستند در خواب می‌بیند و از آن مرحوم مغفور احوال میپرسد گوید یکهفته بود که در
خدمت مرحوم مولینا مشغول محاسبه حقوق بودیم صد تومان هم زیادی من شد رحمة الله و رضوانه علیهما

## ( بحمد الله تعالی و لطفه و فضله )

## ✳ مقصد اول که در ذکر ✳

تراجم صد و بیست و پنج تن از مراجع مبرزین علماء معاصرین از عتبات عالیات و ایران و هند و سایر کرد
عرض شصت و پنجسال از سنه ۱۲۹۹ الی سنه ۱۳۶۳ بر رشته تحریر کشیده شد بانجام رسید ✳

## اینک شروع بمقصد دوم میشود :

و آن در ذکر تراجم علماء معاصرین که فعلاً در حال حیات و اقطار عالم مروج احکام و مبلغ شرایع اسلام
و مبین حلال و حرام دامت برکاتهم هستند میباشد ✳ و در این مقصد ترتیب اسامی و ملاحظه درجات و
مراتب مترجمین عظام هیچ وجهی منظور و ملحوظ نیست بلکه فقط مقصود نقل احوال اشخاص مهم مذهبی است که
از کتب رجال و مدارک معتبره یا پس از تقاضای حقیر از خود ایشان از اطراف بلاد که مشتمل بر ترجمه و مناقب آن
تراجم و اساتید و تلامیذ و مصنفات و مؤلفات و مجاری و جزئیات حالات ایشان ایدهم الله الملک
المنان بدست آمده و واقف و مستحضر شده ام « وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب »

## ( ۱ ) آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی دامت برکاته

**آن بزرگوار** اشهر مراجع امامیه در اقطار اسلامیه حامل لواء شیعه و قطب رحی الشریعة حامی حوزه
مسلمین و ماحی آثار مبتدعین صاحب اخلاق نبویه و حیثیات هاشمیه کریم الطبع سخی النفس فائز شئون طلاب
و محصلین مجلس درسش اجمع مدارس فقهاء و مجتهدین حسن السلیقه در مسائل علمیه است ✳

**رساله عروة الوثقی** محشی بفتاوای شریفه اش کراراً ✳

**رساله وسیلة النجاة** در عرض سنین عدیده هشت مرتبه طبع و نشر گردیده ✳

**و این عالم فرید را** : بین مراجع تقلید چند امتیاز و تخصص میباشد یکی آنکه مبالغی
باطراف بلاد عراق نفاذ داشته و وظایف حقوقی مقرریه فرموده اند که اهل سنت و جماعت را بمذهب حق تشیع



اتمام مقصد اول و شروع بمقصد دوم

اقا سید ابو الحسن اصفهانی دامت برکاته

دعوت بکنند ودیگر سنه ۱۳۴۳ برای استخلاص حجاج از مضیقه اذوقه ومالیات مبلغ بسیار وخطیری توسط ابن سعود محو فرمود وجمع کثیری از ایشان بایران مراجعت نمودند . ✳

نگارنده در نجف اشرف وحایر طاهر بخدمتش مشرف واجازه روایت واجازه امور حسبیه مشروحا مرحمت فرموده اند . ✳ ادام الله تعالی برکات بره وجوده واذهر الزمان بشریف وجود

( امین امین لا ارضی بواحدة ✳ حتی اضیف الیها الف امینا )

## (۲) آقای حاج آقا حسین قمی حایری

## دامت برکاته

**آن بزرگوار** از طراز اول مراجع امامیه فخر الفرقة المحقة مصباح الشریعة والایة والحجة ✳ الفقیه المعظم والرئیس المقدم اورع اهل زمانه قولاً مطلقاً بلا اختلاف وازهدهم بلا مراء وجدال مکرر در مشهد مقدس وحایر مطهر بحضورش مشرف شده نظیر قدس وورع او را در کسی ندیدم از اخلاق کریمه اش آنکه مروج مواکب وبساط حسینیه است در روزهای پنجشنبه ودهه عاشوراء وایام وفیات ائمة هدی علیهم الصلوة والسلام مفصلاً اقامه عزا مینمایند حقیر سنه ۱۳۵۰ در کربلاء مشرفه استجازه نمودم پس از تحقیق از اهل تبریز وطهران ودر فقاء سفر اجازه روایت واجازه امور حسبیه با شرایط عدیده کتبا ولفظا مرحمت فرمودند کثرت جماعت ودر نماز در کربلاء برای کسی دیده نشده در چند جا در صحن مقدس تکبیر میگویند تمام مقدسین وموثقین از اهل علم وغیرهم حاضر میشوند ادام الله ایام توفیقه وتاییده وعمده تلمذ او نزد مرحوم آیة الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی بوده وآن مغفور بعد از خود برای مرجعیت واهلیت تقلید او را معین فرموده والیوم در جمیع بلاد اسلام از ایرانی وجمع کثیری مقلدین هست ودو مرتبه از برای بنده رساله چندی انفاذ داشته تقسیم کرده ام ورساله مجمع المسائل را که چند تن از آیات الهیه وحجج اسلامیه حاشیه نوشته اند بعد از درخواست حقیر از مشهد فرستادند واز اول تا آخر نظریات خود را با امضاء بعضی از حواشی معین فرموده اند « اطال الله بقائه » . ✳

## (۳) آقا شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء

## دامت برکاته

**آن بزرگوار** عالم ربانی وزعیم روحانی مروج کبیر ومبلغ شهیر حجة الاسلام والمسلمین





وعمید الایمان والمؤمنین آیة الله العلامة حامل امانت شرع شریف وکافل سدانت دین حنیف ادام الله ایام افاضاته وبرکات افاداته که قریب پنجاه سال است عمر عزیز خود را باعلاء نور وحفظ حدود وثغور دین مقدس اسلامی ومدافعه از هجوم معاندین ومخالفین وقف وتصنیفات بیگانه را از حومه وحوزه این دین پاک قطع نموده است . ✳

**وتصنیفات نفیسه وتالیفات انیقه** که از رشحات قلم میمنت شیم ایشان بروز یافته وچشم روزگار مانند آنها را ندیده وبنجوم ارض وبسیط محیط رسیده شاهد عدل مدعا تواند بود

**۱ الدین والاسلام** که سه جلد است ودو مجلد اول ودوم آن در سنه ۱۳۳۰ در مطبعه العرفان از بلده صیداء چاپ شده ۲ المراجعات الریحانیه ۳ الآیات البینات فی قمع البدع والضلالات که در سنه ۱۳۴۵ طبع شده وآن مشتمل بر تحقیق مواکب حسینیه ونقض فتاوی وهابیه ورد طبیعیه وخرافات بابیه ورد امویه جدیده است ۴ المغنی عن الاغانی که مکررات واسانید ابو الفرج اصفهانی را اسقاط و مطالب عمده را التقاط کرده وفهرست مبسوطی بر آن نوشته ودر حدود سنه ۱۳۳۰ از آن تالیف فارغ شده ۵ التوضیح فی بیان ما هو الانجیل ومن هو المسیح جلد اول آن در مطبعه العرفان سنه ۱۳۳۱ وجلد دوم در بغداد در مطبعه دار السلام سنه ۱۳۴۳ طبع شده ۶ الوجیزة فی الفقه در نجف اشرف طبع شده ۷ اصل الشیعة واصولها در بیان عقاید شیعه در اصول وفروع ایشان در صیداء دو مرتبه طبع شده اولا سنه ۱۳۵۱ وثانیا ۱۳۵۵ ودر طبعه ثانیه زیاداتی بر اول است . ✳

**وآن تجلیل وتبجیلی که در حق این آیة الله** در این جزو زمان مشهود ومسموع افتاد درباره هیچ عالمی از علماء امامیه وفقهاء اثنا عشریه اتفاق نیفتاده وآن این است که در سنه ۱۳۵۰ جمع کثیری از علماء واعاظم فرق اربعه اسلامیه بنجف اشرف آمده مترجم معظم را با اصرار بلیغ واحترام تمام برای اظهار اتحاد فرق اسلام به بیت المقدس برده همه فرق مسلمین از جعفریه وحنفی وشافعی ومالکی وحنبلی در مسجد اقصی بآن وجود محترم اقتداء کرده نماز جماعت اقامت نمودند ودر روز دوشنبه ۴ شعبان سنه مذکوره در جلسه ثانیة عشرة از جلسات مؤتمر اسلامی عام خطبه تاریخیه که در قدس شریف در مطبعه دار الایتام اسلامیه طبع شده القاء فرموده است . ✳

**حسب خواهش یکی از اعاظم احباب** چند جمله از فقرات خطبه شریفه با ترجمه منقول میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله واولئک هم

اولوا الالباب لا ازال منذ تحرکت من العراق فی هذا السبیل الذی لا شک انه من سبل الجهاد فی سبیل الله
بل فی هذه الایام الستة او السبعة التی انعقد فیها هذا المؤتمر المبارک وتداولت البحث اعضاؤه المحترمون
فی مواضیع شتی وقضایا مختلفة اعمل فیه النظر الدقیق والفکرة العمیقة . ✳

**میفرماید :** من از آن وقتیکه از عراق حرکت کرده ام وشکی نیست که این مسافرت از طریق جهاد فی
سبیل الله است بلکه در این شش روز یا هفت که این مجلس مؤتمر مبارک منعقد واعضاء محترمین در موضوعات
متشتته وقضایای مختلفه صحبت ومذاکرات داشته اند با نظر دقیق وفکر عمیق تأمل وتفکر مینمایم . ✳

## فواید اجتماع ومفاسد افتراق :

| ورثنا المجد عن آباء صدق | اسأنا فی دیارهم الصنیعا | اذا الحسب الرفیع تواکلته | بناة السوء اوشک ان یضیعا |
|---|---|---|---|

ما مجد وبزرگواری را از آباء کرام خود بوراثت حیازت کردیم ولی بعد از ایشان بد رفتاری نمودیم وپسران
ودختران نا اهل نازدیک است که حسب شریف ما را ضایع بنمایند . ✳

## تحذیر از عدم ثبات واستقامت در امری

اننا معشر الشرقیین والمسلمین علی الاخص حاشا اخواننا الحاضرین وانما اعنی نفسی وامثالها یعوزنا
الثبات والاستقامة فطالما رأینا المسلم یتوقد فی بعض المواقف الکارثة حتی تحسبه شعلة نار من الحماس
والتهیج ثم لا تجده بعد قلیل الا وقد خمدت تلک الجمرة وانطفأت تلک الجذوة . ✳

ما گروه شرقیین خاصه مسلمین حاشا از اخوان حاضرین بلکه خود وامثال خود را اراده میکنیم از ما ثبات و
استقامت فوت شده بناء ببینیم یکمرد در کاری در بعضی از مواقف صعب چنان متأثر میشود که از تهیج وتغیر
یک شعله آتشی است بعد از زمانی اندک این اخگر آتش وپاره نار بکلی خاموش شد واز آن حال اثری نماند .

## مفاسد عدم ثبات وفواید استقامت وصبر

وعدم الثبات ایها الاعلام هو اقتل ادوائنا واعضل امراضنا والثبات اساس کل نجاح ومفتاح کل
ظفر وما الثبات الا غصن من شجرة الصبر التی ورد ذکره فی القرآن الکریم فی سبعین موردا وبیان ما له من الفوائد
التی لا یلقاها الا ذو حظ عظیم . ✳

وعدم ثبات واستقامت ای اشراف مرهم کشنده ترین دردها ومشکلترین مرضها وثبات واستقامت اساس
بنیان هر نجات وکلید هر ظفر است ونیست ثبات مگر شاخه از درخت صبر یکه خداوند متعال در هفتاد جا در
قرآن کریم خود ذکر فرموده وفوائد برای آن بیحد بیان نموده که نمیرسد بآنها مگر صاحب حظ عظیم . ✳





## تحذیر از تعجیل وترغیب بتدریج :

کان العجلة وعدم الاناة هی التی جبلنا علیها فاذا زاولنا امرا او عملا نرید ان نصل الیه فی یوم واحد
واذا توسعنا فی الصبر ففی بضعة ایام وننسی حکمة التدریج فی خلق السموات والارض من القادر علی خلقها
بقوله کن فیکون . ✳

گویا عجله وعدم آهستگی بر نهاده انسان جبلی است امری وعملی که ما اراده میکنیم مراد ما آنست که در یک
روز باو برسیم وچون بصبر وسعت بدهیم در ایام چندی وحکمت تدریج را در خلقت سموات وارض از قادر متعال
بقوله کن فیکون فراموش میکنیم . ✳

## نقل حکایت طریفی :

گویند مردی پسر خود را نزد معلمی آورد وگفت میخواهم این فرزندم را حکمت وفلسفه وهندسه وسایر علوم تعلیم
بدهی واین یک درهم اجرت تست ومن فردا یا پس فردا بسفری حرکت خواهم کرد آن عالم پسر او را امتحان کرده دید بلید
وکند ذهن مانند یبوار یست با آن شخص گفت یا هذا ما ادری کیف اصل الی بغیتک من اجرتک الکبیرة ام من مدتک
الطویلة ام من ذکاء ولدک . ✳

ای مرد من نمیدانم چطور بمقصود تو برسم آیا از اجرت کثیر تو یا مدت طولانی یا ذکاوت فرزندت . ✳

## مضرات شقاق واختلاف

ان من الغرائز التی استحکمت فی نفوسنا وتوارثناها من قرون بعیدة وهی التی قضت علینا ولم نستطع الی
الیوم ان نقضی علیها غریزة الشقاق والخلاف بیننا از جمله طبایعی که در نفوس ما مستحکم واز قرون بعیده آن
یکی بعد دیگری توارث کرده والی یومنا هذا نتوانسته ایم که از خود دور بکنیم طبیعت یکطرف گرفتن واختلاف کلمه است
خلاف آنچه حق سبحانه وتعالی از اتحاد والفت امر فرموده ودر ذمه ما از اخوت ومحبت لازم گردانیده المؤمنون
بعضهم اولیاء بعض ومعلوم ان اختلاف الآراء وحریة الفکر ناموس من نوامیس البشر وفطرة فطر الناس علیها
سنة الله ولن تجد لسنة الله تبدیلا ومعلوم است که این اختلاف آراء وحریت فکر یک شرعی از نوامیس بشر و
فطری است که قادر ذو الجلال در نهاده انسان ودیعه نهاده وتبدیل آن ممکن نیست ولی در زینت واسباب صحه
این است که ما اختلاف رای را سبب عداوت وآلت قطع علایق اخوت وروابط قرابت قرار میدهیم ✳
ومسلمین در صدر اسلام بواسطه اتفاق واتحاد در نصف قرن بشرق وغرب ارض مالک شدند ✳

## حث بر رویه قبل از عمل وعدم اکتفاء بر قول فقط :

اننا معاشر الشرقیین قد تعودنا فی الغالب علی القول قبل العمل والعمل قبل الرویة وحیث ان هذا

مما یضر بالمصلحة غالباً فان اعمالنا انفع مشلولة وتعود ایدینا مغلولة ٭ ما گروه شرقیین غالباً عادت کرده ایم برقول قبل از عمل و بر عمل پیش از فکر و بدین جهة غالباً از این درد چار ضرر و بخلاف مصلحت مبتلا می شویم و اعمال ما معیوب و دست ما مغلول میشود ولی امید وارم از حق جل شانه که ما را و رجال عاملین ما را در این قضیهٔ مقدسه فعال ما را بیشتر از اقوال و حقایق ما را زیاده از ظواهر ما قرار بدهد و رجال از رؤساء و اعیان نظر در جمیع اعمال ما عنایت فرماید زیرا که سرعت موجب سرعت و عجله واسطهٔ عثرت است ٭

## (موقوف بودن عزت بر بذل جان و ثروت)

ولا تعز الامم الا باحتقار العزیزین المال والحیوة ولا تنهض الامم الا بثلاث: جمع واثب فکر صائب عمل ذائب ٭ امم سلف و خلف عزت و شوکت نیافته اند مگر بتحقیر دو عزیز مال و حیوة ونهضت و ظفر نیافته مردم مگر به سه چیز: جمعیت رشید و فکر درست و عمل دشوار ٭

## ذکر چند جملهٔ با ترجمه از خطبهٔ کوفیه که در مطبعهٔ علویهٔ نجف اشرف طبع شده

پس از مراجعت مترجم معظم از مسافرت بیت المقدس حسب استدعاء والحاح وجوه و اشراف کوفه در مسجد اعظم بمنبر تشریف برده و زیاده از هشت هزار مردم از اطراف عراق و طبقات خلق اجتماع کرده خطبهٔ مرتجلاً زیاده از دو ساعت عصر جمعه ۲۶ شوال ۱۳۵۰ بیان فرموده که بعضی از فقراتش بدین قرار است:

## شوکت عرب در جاهلیت و بوار ایشان بجهت نفاق در تضاعیف کلمات و بیانات خود میفرماید

العرب کانت من اقدم الامم تجاراً واعظمها آثاراً واشدها باساً وابعدها فی التاریخ ذکرا واسماها فخراً وکانت لهم فی الجاهلیة مزایا عالیة واخلاق سامیة ٭ عرب از قدیم ترین طوایف بود از حیث تجارت واعظم ایشان آثاراً واشد باساً واقدم در تاریخ وبلند تر در فخر و برای ایشان در جاهلیت مزایای عالیه واخلاق سامیه که کم یافت میشد مثل آنها در طایفه از طوایف بود مانند وفاء واباء وحمایت عهد و پیمان وحفظ همسایه واکرام ضیف وصدق حدیث وشجاعت و بساطت وامثال ذلک وافضل آنچه از صفات حسنه امتیاز یافته بودند دو صفت بود که از امهات مکارم اخلاق است و آنها عبارت است از جود و شجاعت واگر میخواهی بگو استهانت بدو عزیز جان و مال ولی آیا چیزی از این مزایای فاضله و سجایای کامله بر ایشان نفع بخشید کلا ثم کلا بلکه این باس و قوت وبال ایشان گردید و اکثر مشاغل ایشان حروب مستمره و وقایع شهیره کبیره لا تحصی شد و تفاخر ایشان بنهب و سلب و غارت و خونریزی ناحق بیقاعده و قانون الطوق تصور عقل و آنچه وجدان انسان از جهل و نادانی ملزم زدن دختران از زنده در گور کردن و پسران را کشتن ولا تقتلوا اولادکم خشیة املاق و بت پرستی و سایر اعمالی که بدستهای خود میساختند گشت.



ذکر کسب عزت منوط بر بذل جان و مال و جهد

محمد حسین در مسجد کوفه خطبه فرموده

جاهلیت سبب نفاق و وبال عرب



## (اتفاق و الفت عرب از برکت بعثت و دعوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله)

فهل کانت الشجاعة والکرم نفعتهم شیئاً او جمعت لهم شملاً ٭ آیا شجاعت و کرم بایشان نفعی بخشید و تفرق شان را جمع کرد و اتحاد حاصل گشت کلا برادر برادر را و پسر پدر را میکشت و در یک عشیره حروب کثیره واقع میگشت و همین طور در ظلمات جهالت بودند حسنات ایشان سیئات و ملکات هلکات و فضائل رذائل بود الی ان لطفت بهم العنایة الالهیة ونظرتهم عین الرحمة فابتعث الیهم ذلک المصلح الالهی والطبیب الربانی والناصح الشفیق تا عنایت الهیه و نظر رحمت خداوند شامل حال ایشان گردید و این مصلح الهی و طبیب ربانی و ناصح شفیق مبعوث شد بدعوت حق کلمهٔ ایشان را جمع و قوهٔ آنها را فراهم و از بت پرستی و در جمیع ایشان و بیخ حقد و اضغان ایشان را مطهر و منزه فرمود تا قول خداوند ذو الجلال در حق شان صحیح و صادق آمد وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ٭ و آن پیغمبر رحمت در سبیل اصلاح امت متحمل زحمت شده تا اخلاق و اعمال را توحید نموده روح تازه بر اجساد ایشان داخل شده اتحاد و اتفاق کردند بقسمیکه اگر یکی از آنها المی وارد میشد همه ایشان متألم و متأثر میبودند تا باندک زمانی بسیط محیط مشرق و مغرب عالم را مالک شدند

## (اجمالی از غزوهٔ بدر:)

در غزوهٔ بدر مسلمین سیصد و سیزده تن در مقابل قریب هزار نفر از جبابرهٔ قریش ایستادند با آنکه مالک قوه و سلاح بودند و در لشکر اسلام هفتاد شتر و چند اسب بود با وجود این در یک روز و در یک موقف لشکر قریش با قبح وجهی شکست داده هفتاد نفر کشتند و هفتاد تن اسیر کردند در حالیکه اسلام در آن روز دو سال بود

## (شطری از حرب یرموک)

لشکر مشرکین در آن محاربه از روم انیا و شام هزار هزار نفر و ملوک فرنگ نیز با ایشان بودند و یکنفر از لشکر اسلام با سه هزار تن از ایشان مقابله و مقاتله مینمود تا غالب آمدند و در سنهٔ ۱۳ هجریه در عین همین سنه از طرف شام با قیاصره و از سمت عراق در قادسیه با اکاسره محاربه میکردند قوت و شوکت اسلام اینطور بود زیرا که در روح واحد و برای غرض واحد بود ولی بهمان حال نماند بلکه بواسطهٔ عوامل متفرقه و مسموم قناله کم کم ضعیف شده باین حال رسید که می بینید ٭

## (نتایج و فواید اتحاد و اتفاق مسلمین که حصل آید)

این عالم اسلامی عظیم که نزدیکست نصف کرهٔ ارض را که ششصد ملیون نفوس است پر کند اگر مرتبط و متفق بشوند بحیثیتی که بفهمند بشعور واحد و زندگی بنمایند بروح واحد آیا تصور میشود که قوهٔ مقابل



مفاسد زمان جاهلیت

برکات بعثت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله

ثمرات اتحاد مسلمین در زمان پیغمبر و بعد از آن

این یا غالب بر این باشد کلا و هیهات ولی کو این اتفاق برای ما و حال آنکه ما با برادر خود متفق و با صدیق همسایه خویش همرای نیستیم اجدادنا العرب جاؤا الی الخلیفة عمر بن الخطاب بتیجان الکسری وحلله وعرشه وفیها من الجواهر والیواقیت ما یخطف الابصار ویدهش الافکار ✳ اجداد ما عرب تاج تخت و حلل و جواهر و یواقیت کسری پادشاه عجم را آنقدر بخدمت خلیفه عمر بن خطاب آوردند که دیدهها خیره و دلها مدهوش میشد خلیفه از این امر طرفه تعجب نمود و فرمود ان امة تؤدی مثل هذا ولا تخون شیئا منه لامة امینة یوشک ان تغلب علی سائر الامم امتیکه مثل اینها را ادا کند و خیانت ننماید نزدیک است که بر تمام امم غالب آید ایشان بر این نفایس عظیمه امین بودند ولی ما بعرض و مال اخوان مؤمنین خود امین نیستیم و هر یک از ما به برادر دینی خود امو عظایمی دغطایمی نسبت میدهیم بدون گناه و جنایت ذهب المتاع وبقیت الخصومة والنزاع متاع رفت و خصومت و نزاع باقی ماند.

## ﴿ نزاع دو نفر بر سر خرجینی و بردن دزد خرجین را : ﴾

دو نفر در صحرا برای خرجینی نزاع میکرده یکدیگر را میزدند و دشنام میدادند و خرجین پشت ایشان در زمین بود بین اینکه ایشان مشغول ضرب و شتم بودند دزدی آمد و خرجین را برداشت و گریخت حظ آن دو تن مخاصمه و تضارب خرجین غنیمت دزد گردید همین طور شد ایها المسلمون حال ما که ما مخاصمه و معاندت نمودیم و غنیمت از برای غیر ما حاصل شد. ✳

## ﴿ تحذیر از اسراف و تبذیر و ترغیب بر اقتصاد ﴾

مبادا در مأکولات و مشروبات و آنچه از اجانب جلب میکنید اسراف بنمائید که سعی در هلاکت نفس خود نمان است و از این جهت هر قطرهٔ از اقطار مسلمین در اوطان خود ضعیف و در بلاد خویش اسیر و در عقر دیار خود شان ذلیل شده اند عزت در ثروت است پس وقتیکه ثروت رفت عزت فوت شد. غرب بشرق مالک نشد مگر بصنایع و مکیدن از چشمههای ثروت و دین شریف ما همهٔ مصالحی که مفید ثمرات است بر ما بیان فرموده و ضرورت اقتصاد را بما یاد داده ﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ ﴿وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾ و حضرت سجاد علیه السلام میفرماید اللهم متعنی بالاقتصاد واجعلنی من ادلة السداد ومن صالحی العباد وامنحنی من السرف وحصن رزقی من التلف واقبضنی عن التبذیر وعلمنی بلطفک حسن التدبیر واجر من اسباب الحلال ارزاقی ووجه فی ابواب البر انفاقی ✳ بار الهی متمتع بفرما مرا با اقتصاد و بگردان مرا از ادلهٔ سداد و صلحاء عباد و باز دار مرا از اسراف و حفظ کن رزق مرا از تلف و نگه دار مرا از تبذیر و تعلیم بفرما مرا بلطف خود حسن تدبیر و جاری بنما رزق مرا از اسباب خیر و قرار بده انفاق مرا از ابواب بر. ✳

غنائم عرب از عجم

تحذیر از اسراف و تبذیر





## ﴿ و در خاتمهٔ خطبهٔ شریفه میفرماید : ﴾

ربما تسئلون ماذا کانت النتیجة والغایة من کل تلک الکلمات وصرف ساعتین من الاوقات فالجواب المختصر الکافی ان کل امة لها حس وشعور فهی لا محالة تطلب سعادتها ولا تحصل السعادة الا بوسیلتین ولا تقوم الا علی دعامتین الاتحاد والاقتصاد ✳ بسا از شما میپرسند که نتیجه و غایت از تمام این کلمات و صرف دو ساعت از اوقات چه شد پس جواب مختصر کافی این است که هر امتیکه برای ایشان حس و شعور هست لا محاله سعادت خود شانرا میطلبند و سعادت حاصل نمیشود مگر بدو وسیله و قرار نمیگیرد مگر بر دو ستون و آن عبارتست از اتحاد و اقتصاد ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ فی شهر جمادی الاولی ۱۳۵۱

و مترجم معظم دامت برکاته از مشایخ اجازهٔ مؤلف کتابست و کراراً در زیارت عتبات عالیات و مسافرت حج بیت الله الحرام در نجف اشرف بخدمت و صحبتش مشرف و بکتابخانه اش که مکتبهٔ عالی و عمده است در نجف وارد و در هر مرتبه از کتب مطبوعه اش هدیه فرموده و من باب ابقاء آثار علماء این صورت اجازه را در خاتمهٔ مجلد ششم از کتاب وقایع الایام با دو مکتوب شریف و جواب اینجانب در صفحه ۴۵۵ - ۵۹ درج کرده ام ادام الله ایام افاضاته وافاداته. ✳

## (۴) ﴿ آقا سید محمد علی الشهیر بالسید هبة الدین ﴾
## ﴿ الشهرستانی دامت برکاته ﴾

مرحوم عالم فاضل جلیل آقا سید محمد مهدی علوی نجل زکی شیخ الاسلام حاج سید ابراهیم مجتهد سبزواری سلمه الله تعالی المتوفی شابا فی حیاة ابیه سنة ۱۳۵۰ صاحب تاریخ طوس و کتاب مؤلفو علماء العصر وغیره رسالهٔ مبسوطی در احوال مترجم معظم که جامع کلیهٔ مجاری حالات و معالی صفات آن عالم فرید و موسوم به نابغة العراق یا هبة الدین الشهرستانی میشود تألیف فرموده است خلاصهٔ ترجمهٔ این عالم معظم و فقیه مفخم از آن رسالهٔ شریفه منقول در پشت کتاب مسطور است : هبة الدین الشهرستانی اسم لهذا الکتاب الذی الف خصیصا لترجمة مولانا السید هبة الدین الشهیر بالعلامة الشهرستانی رئیس مجلس التمییز الجعفری ووزیر المعارف الاسبق فی الحکومة العراقیة الجلیلة و در سنه ۱۳۴۸ در مطبعة الآداب بغداد طبع شده. ✳

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم ﴾ « اول الکتاب : »

الحمد لله علی نواله وصلی الله علی خاتم انبیائه محمد وآله وبعد فهذا الکتاب الملحی نابغة العراق او هبة الدین الشهرستانی الذی وضعته لاخدم به العلم والتاریخ ولأفی بعض ما للمترجم من الحقوق واسئل الله

نتیجهٔ خطبه لزوم اتحاد و اقتصاد

رسالهٔ تألیف شده در احوال هبة الدین الشهرستانی

اول رسالهٔ مذکور

بوفقنی لما یحب و یرضی . ✻

**نسب شریف این بزرگوار** : شهرستانیه دودمان جلیلی وخاندان اصیلی است از شهر سلسله های کربلا در عراق در ریاست وعلم که متصل میشود نسب شریف ایشان بحضرت حسین بن علی علیهما السلام .
جد ایشان سید محمد مهدی بن ابو القاسم شهرستانی معاصر سمی خود بحر العلوم المتوفی سنه ۱۲۱۶ از ایران بکربلا در قرن ثانی عشر هجری مهاجرت کرد واین عائله کریمه در کربلا و اصفهان وغیرهما منتشر و اکثر ایشان اشراف صاحب املاک عامره ومزارع واسعه میباشند . ✻

واز این سلسله طاهره سید اسمعیل صدر الدین وزیر در سنه ۹۶۳ در دولت صفویه است که بر علم و دین خدمتی کرده است که تا حال مذکور وتشکر میشود واز آن یکی از اجداد سید محمد مهدی مذکور است واوقاف خطیر عمده در سبیل خیرات وتعمیم فضایل نهاده بالاسف انها طعمه ارباب طمع گشته اکر تا امروز باقی میماند هر سال ملیونها روپیه در سبیل شرع مصرف میشد . ✻

وبرای این اسره کریمه فروع متکثره منتشره در کربلا ونجف وکاظمین از مدن عراق ودر کرمانشاه و همدان وطهران از مدن ایران است . ✻

**ولادت صاحب ترجمه** : سید علامه هبة الدین شهرستانی روز سه شنبه ۲۴ رجب سنه ۱۳۰۱ در سامراء متولد ودر حجر مادر صالحه غالمه اش سلاله مرحوم پدرش سید حسین پرورش یافت ومبادی علوم واداب را نزد بعضی از افاضل در کربلا تحصیل نمود وبعد از وفات والده ماجدش عالم محدث مشهور سید علی نقی کشمیری از نجف اشرف بجهة تعزیت پدر بزرگوارش آمد وهجرت بنجف برای تکمیل ترجیح داد چه که آن مکان شریف عاصمه دینیه وجامع ومدرسه کبری است واقای کشمیری در این باب بقران مجید تفأل نمود این شریفه امد وجعلنا ابن مریم وامه آیة وآویناهما الی ربوة ذات قرار ومعین پس سید هبة الدین مهاجرت بر نجف را اختیار نموده با والده کریمه اش بان بلده طیبه در ۲۱ شعبان سنه ۱۳۲۰ مهاجرت فرمود ودر نجف معزز الجانب نزد کبار علماء اعلام مثل اخوند ملا کاظم خراسانی وشیخ الشریعة الاصفهانی وغیرهما مشغول اخذ علوم گردید . ✻

**تلامیذ مترجم معظم** : ودر این بین بتدریس علوم عربیه وفنون عالیه نیز اهتمام تمام فرموده از مجلس درس وجماعتی از تلامیذش که شهرت وآثار علمیه ایشان افاق عالم را گرفت مثل شیخ جعفر نقدی و شیخ محمد رضا شبیبی وسید سعید کمال الدین وکثیری از مبرزین علماء عصر حاضر که مصابیح علم وامثله نبوغ عصر اسلامی هستند بیرون آمد . ✻







**اجازه روایتی صاحب عنوان** : دامت افاضاته روایت میکند باجازه از شیخ محمد باقر اصطهباناتی شیرازی وسید عبد الصمد موسوی شوشتری آل السید نعمة الله جزایری وامیر سید محمد آل الامیر سید علی کبیر وسید حسن بن هادی شرف الدین کاظمی وغیرهم . ✻

**اجازه اجتهادی این وجود مغتنم** : کثیری از اکابر علماء بسید هبة الدین اطال الله بقائه اجازه اجتهاد داده اند مثل سید مصطفی حجت کاشانی وسید محمد مجتهد کاشانی وسید مولوی هندی وسید محمد مهدی حکیمی وسید محمد حجت فیروزابادی نور الله برهانهم . ✻

**نشو ونمای این بزرگوار** : سید هبة الدین با اطلاع جمیع فنون واداب عصریه وعلوم حدیثه طالب وراغب بوده در سنه ۱۳۲۸ مجلة العلم انشاء فرموده دو سال دوام یافت وبرای متعلمین مجانا تقدیم مینمود ونشر کتابش الهیئة والاسلام سنه ۱۳۲۷ اثر عظیمی در رجال ومجتمعات مسلمین بظهور پیوست ورخنه عظیمی بدین وعلم نمود که باید تاریخ بسطرهای نور ثبت نماید . ✻

**خدمات دینیه این عالم یگانه** : در انشاء مجلة المرشد ببغداد دینیه عامل اکبر بود . ✻
واز رحلت هند تبراش جمع کثیری از وثنیه ومذاهب دیگر در سنه ۱۳۴۱ قبول اسلام نمودند . ✻
خضوری موصلی یهودی سنه ۱۳۳۰ بر دست او مسلمان شد . ✻
وکلمانی مسلم هندی برهمی پس از مباحث کلامیه بینهما سنه ۱۳۲۶ قبول اسلام نمود . ✻

**حیات سیاسیه او** : علماء دینیه غالبا از ملوک عصر وامراء زمان خود تباعد میکردند الا اینکه چون سید هبة الدین بمقتضیات عصر وحاجات قوم خود مطلع بود حب خدمت دین وقوم خود داعی شد که باب مراسله با امراء وحکام وابن مواصلت وسیله خیر بلاد واسایش عباد گردید مثل اغاثه مظلومین ودفع شرور ظالمین واطلاق مسجونین ونفع فقراء ومساکین وترویج مذهب دین وتعزیز جامعه مسلمین . ✻

ودر سنه ۱۳۳۷ محمد سردخان نایب حاکم سیاسی کربلا رجاع محاکمات را بر وی خواهش کرد که بدون قید وشرط متصدی بشود وهر حکمی وقضاوتی که بعمل بیاورد بدون استیناف وتمییز مجری گردد قبول نفرمود . ✻

وبعد از انکه حکومت عراقیه تاسیس شد جلالة الملک فیصل (ملک العراق) او را بوزارت معارف معین نمود بجهة اصرار علماء واشراف متقبل ومتقلد گردید ودر ۲۵ محرم سنه ۱۳۴۰ وبعد بامر ملک فیصل والحاح علماء ونجباء تشکیل محکمه علیا برای تمییز احکام بمذهب جعفری در ریاست محکمه موسوم مجلس تمییز با ودر اول محرم سنه ۱۳۴۱ امد ومحول ومفوض گشت . ✻

**رحلت ومسافرت مترجم معظم** : بطرف هند ویمن وغیرهما ابتداء این مسافرت از نجف اشرف

در شهر رمضان ۱۳۳۰ و عودت بنجف در رجب ۱۳۳۲ واقع شد و در اثنا، این رحلت بر بغداد و بصره و نجع و بحرین و ابوشهر و مسقط و عدن و حدیده و جده و مکه مکرمه و بمبئی و کراچی و کلکته و بطنه و بنارس و الهآباد و لکهنو و فیض آباد و بلهرا و بلاد دیگر عبور نمود و آثار و مآثر بادگار و جمعیات و مدارس انشاء و خطب القاء و با شیوخ زعماء و سادات علماء و اکابر امراء ملاقات فرمود و اینها همه برای تعزیز جامعه اسلامیه و اصلاح شئون اجتماعیه و شرافت علمیه بود . ⁂

**مکتوب عماره :** از عماره نوشته بودند بلده ما بقدوم علامه اکبر سید هبة الدین شهرستانی عالم نجف که از سفر هندوستان مراجعت فرموده روشن شد و رؤساء و رجال حکومت نظر باوامر تلگرافیه وارده از والی بصره و غیره باستقبالش شتافتند و در مستقبلین از تجار و غیرهم بهجت فوق‌العاده ظاهر و با عزت تمام در افخر قصر بلد نازل گردید و معظم له از وعظ مخاطبین و نصیحت مأمورین و اجوبه مسائل و ملاحظه زائرین و حث مردم بر علوم و تمسک بدین متعلقین نیست و قصیده در تهنیت و ترحیب و خوانده شد که اولش این است : ⁂

| | | |
|---|---|---|
| سرهیت و سار النصر قبلک السعد | ⁂ | وابت وابت خلفک الهند والسند |
| ولا عجب ان کنت ترشد مثلهم | ⁂ | فمثلک منه یطلب العلم والرشد |

و گویا در همه‌جا کل مردم از قدوم وی با نشاط روح قوی حرکت کرد و مدرسه حکومت که برای او اقامت شده بود او را دعوت کرده خطبه محتوی بفنون علم انشاء فرموده حضار را بطلب علوم و تکمیل آنها ترغیب نمود و مستمعین خطب تشکر بعربیه و ترکیه خواندند و تلامذه براعت خود را در فنون و دروس در خدمت وی اظهار داشتند . ⁂

**کتابات مترجم محترم :** کتابات او بین کتابات معاصرین در طبقات علیا معدود و اسلوب خاصی دارد که از کتابات دیگران تمیز می‌یابد و ما بعضی از کتاب وی (نهضة الحسین علیه السلام) ذکر میکنیم تا اسلوب عالی و کلام متین او معلوم گردد . ⁂

**شطری از کتاب نهضة الحسین علیه السلام :** این کتاب در سنه ۱۳۴۵ در شرح قضیه سیدنا الحسین السبط علیه السلام بصورت فلسفیه تاریخیه ماخوذه از اوثق مصادر مؤلف قبل از سنه چهارصد از هجرت طبع شده .

گوید : وقتیکه سعادت و فیروزی امت در دست قائد زمام ایشان و اصلاح آنها بصلاح امام شان باشد پس از بدترین خیانات و جنایات است که غیر اهل را بریاست امت و اعمال آنها معین بکنند و بدترین حساب ما کوی است که بقتل امت خود راضی بشوی یا بریاست نااهلی که امام امت فاجری را امام و خائنی را حاکم و جاهلی را رئیس و جبونی را سرکرده و قائد قرار داد در این صورت زود منقرض میشویم و لابد منقرض خواهیم شد این خطری است که محیط است بهر امت اگر تدارک نکنند از ناهضین مصلحین و علماء مخلصین و السنه حقه که امر بمعروف و نهی از







منکر مینمایند پس لازم است که ظالم را در حد خود نگه دارند و بزنند و او را بدست آن امام عادل .

و بتشریع این علاج نبی اسلام صلی الله علیه و آله این خطر دشوار را از امت خود دفع فرمود و بر عاطبه امت امر بمعروف و نهی از منکر را بعد از تهدید بذات مقدس و ضمانت ناهضین فرض نمود و در خبر صحیح از آن بزرگوار وارد شده که فرمود ( سید الشهداء عمی الحمزة و رجل خرج علی امام جائر بامره و نهاه فقتله ) سید الشهداء عم من حمزه است و مردی که بر امام جائر امر بمعروف و نهی از منکر بکند پس او را بکشد . و ایضا در خبر صحیح از آنحضرت که فرمود کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته همه شما شبانید و همه شما از رعیت خود مسئول خواهید شد و این فرمایشات آنجناب برای آن است که بر امت او کسی حاکم و والی نباشد که حال ایشان اصلاح نکند و امر شان را فاسد بنماید و مساعی جمیله پیغمبر صلی الله علیه و آله ضایع بماند و این شعور شریف تا زمان سیدنا الحسن السبط صلوات الله علیه در نفوس مسلمین زنده بود حتی روزی ابوحفص خطبه خواند و گفت ان زغت فقوموني اگر در من لغزشی و خطائی به بینید شما آنرا اصلاح بنمائید فقام احد الحاضرين يعبر في وجهه السيف و بقول یکی از حضار برخاست و شمشیر را در روی او حرکت میداد و میگفت ان لم تستقم قومناك بالسيف اگر مستقیم نباشی ما ترا با شمشیر اصلاح میکنیم . ⁂

**مفاسد و بدع معاویه :** غیر ان امتداد السلطان لمعاویه و احداثه البدع و اماتته السنن و ابادته الابرار و الاحرار بالسیف و السم و النار و بثه الاموال الوفیرة فی وجوه الامة اخرست الالسن و اغمدت السیوف و کمت الافواه و صمت الآذان و حادت بالقلوب عن جادة الحق و الحقیقة مگر اینکه امتداد سلطنت معاویه و احداث او بدع و اماته سنن و کشتن ابرار و جوانان غیرتمند آن و ریختن اموال را بر پیش روی امت زبانهای را لال و شمشیرها را در غلاف خود و دهنها را بند و گوشهای کر و دلهای مردم را از جاده حق و حقیقت برگردانید پس او مردود نزدیک بود که این شعور سامی اسلام بمیرد و کسی از مسئولیت خود از مظلمه برادر دینی اش حس نکند و بحق محاسبه امرین او و معارضه ظالم منهمک اعتراف ننماید و نزدیک بود که این قاعده صادق آید فیلوا انه بد تعجزون عن قطعها بیوسید آن دست را که از بریدنش عاجز باشید محل آیه کریمه فقاتلوا التی تبغی حتی تفیء الی امر الله پس بجنگید با کسیکه ظلم میکند تا رجوع بنماید بامر خدا . ⁂

**آثار الحرکة الحسینیة :** مثال این احوال مذکوره زوال حق و محو معنویات و انقراض ائمه و امت بواسطه انقراض اخلاق و معارف بود . ⁂

اگر فیض خداوند و رحم بواسطه حسین علیه السلام که آیه حق و رایت عدل و رمز فضیلت و مثال اخلاق کریمه

اگر در میزان شهامت نفس مقدس او وادر یك كفه ونفوس همه امت را در كفه دیگر بگذارند بر ایشان سنگین می آمد شامل حال ایشان نمیبود واز این آتش ضلالت انفاذ نمیكرد منقرض ومستاصل میگشتند ٭

پس آن بزرگوار نهضت فرموده اظهار عقیدت واتمام حجت ودفع ظلمت از امت ودفع شبهت از شریعت بعمل آورد وعوضی براین ترویج واجری دراین تبلیغ منظور نداشت وطمع مالی ونظر جاهی ورافت آل وعیال اورا مانع نیامد این حسین علیه السلام است كه تاریخ عالم ومثل اعلی است برای رجال اصلاح كه از نهضت بعض آثار غامرة النفع جلیلة الشان بظهور پیوست . ٭

اولا تولید حركت وبركت نمود در رجال اصلاح ومنكرین امر منكر زیرا كه اقتفاء وتبعیت كرد بحسین السبط علیه السلام ابناء زبیر ومختار وابن الاشتر وجماعت توابین وزید شهید وسپس حسین بن علی شهید فخ واشخاص لا تحصی در ازمنه وامكنه مختلفه پس آمال بنی امیه خائب گردید زیرا كه همچون گمان كرده بودند كه بكشتن حسین علیه السلام شخصیت ودعوت اورا بكشند كلا ثم كلا در قتل حسین اورا احیاء كردند واز هر قطره خون او حسینی بوجود آمد كه بدعوت او نهضت نمود . ٭

آری بود حسین علیه السلام مكر داعی الحق وهاتف الحق ونور الحق لا یخفی ونار الله لا تطفی ویابی الله الا ان یتم نوره ویتم ظهوره . ٭

ثانیا اینكه حسین علیه السلام چون در مقابل جور وفجور قیام نموده مقاتلت كرد این شعور سامی اسلامی را كه در جبات معاویه مرده بازدیك مردن بود احیاء فرمود وبعامه مردم نمایاند كه اگر حب حیات ورغایت لذات وخوف از فوت جاه ورحمت غائلات واحتراز از مصاف ظالمین معتدین از برای اولیاء دین بهتر بود هر آینه حسین علیه السلام از دیگران قادرتر ولایقتر بود ولی از حیات دنیوی اعراض نمود زیرا كه دید منافی ایمان ووجدان ومناقض شهامت وكرامت است پس نهضت او در نفوس مردم روح تدین صادق وعزت در نفوس مؤمنین را تجدید نمود ومتحمل ضیم وظلم نگشت وتحت غار وننك نرفت واختیار عیش هوی وزندگی مثل انعام را ننمود وذمه خود را از اغلال ذلت آزاد بفرمود . ٭

ثالثا این نهضت حسینیه قریحه وجوارح مسلمین را بطرف اخلاص وفداكاری بحركت آورد وپس از جمیع حروب نوحه های سوگواری برای تلبیه دعاة حق واجابت حماة عدل در عالم اسلامی زندگی روح صدق وهواس فضائل بلند گردید . ٭

وبوجه اجمال نهضت حسین علیه السلام چشمه حركات اجتماعیه باقیة الذكر وقائمة الخیر ممالك اسلامیه گشت كه ویلات مسلمین را بتخفیف غلو ظالمین ومعتدین تخفیف داد . ٭

اثار نهضت حسین علیه السلام

احیاء النفوس [illegible]

نتایج نهضت حسین علیه السلام [illegible]





پس كدام خبر است مثل این چشمه سیال ومثال سائر در بطون دهور واجیال باشد . ٭

## آثار نفیسه واسفار جلیله مترجم معظم

سید هبة الدین در پانزده سالگی بنا لیف وتصنیف شروع كرده (آنچه در تفسیر قرآن كریم تالیف فرموده) ۱ المحیط وحجة الاسلام باسلوب عصری جامع لباب علوم اوائل واواخر وخلاصه نظریات وكشفیات حتی یومنا الحاضر ومرتب بترتیب بدیعی برای تدریس مدارس ۲ وتفسیر سورة الواقعة كتابی است مشحون باسرار علمیه در دو جزء ودر مجله المرشد البغدادیه نشر شده

## ٭ (آنچه در علم عقاید واصول دین تالیف نموده :) ٭

۳ الانتقاد والاعتقاد فی شرح تصحیح الاعتقاد تالیف شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان وقسمتی از آن در مجله المرشد نشر است . ٭ ۴ والمعارف العالیة للمدارس الراقیة كتابی است فرید در باب خود كه بحث میكند در آن از مسائل حكمت عالیه واصول فلسفه عامه ونظریات فلاسفه همه اینها ببراهین جدیده وآراء حدیثه ۵ والروحیات او الكتاب المفتوح الی عوالم الروح ۶ وتوحید اهل التوحید كتابی است كه سلمین را بجول قرآن مبین جمع مینماید وثابت میكند در آن اصول عقاید اسلامیه را بآیات قرآنیه وادله عقلیه سنه ۱۳۴۱ در مطبعه الفلاح بغداد طبع شده ووزیر معارف عراق تدریس آن را در مدارس مقرر فرموده ۷ والمرجانیة فی تلخیص المنظومة الاعتقادیة ۸ وفیض الباری او اصلاح منظومة الحكیم السبزواری ارجوزه ایست كه مهذب كرده در آن منظومه حاج ملا هادی سبزواری متوفی سنه ۱۲۸۹ را وسنه ۱۳۴۲ در مطبعه عصریه بغداد چاپ خورده ۹ وفلسفة الاستكمال واصولها در مجله مقتطف وهلال مصریتین نشر وملحق بكتاب فیض الباری است ۱۰ ومواهب المشاهد فی واجبات العقائد ارجوزه لطیفه ایست ودر سنه ۱۳۲۴ در طهران مركز ایران طبع شده ودر صحف عربیه مثل روضه بغدادیه ومقتبس دمشقیه تقاریض آن مشهور واز علماء اعلام دین جمله بر آن تعلیقه نوشته

واشهر ایشان شیخ الشریعة الاصفهانی است كه میفرماید : امعنا النظر فی جل مباحث هذه المنظومة الشریفة والجوهرة المنیفة التی ینبغی للارض ان تفتخر بها على دراری سمائها فما دریت اذ رایت فیما سطر من سلاسة لفظه وصحة معناه ورشاقة تعبیره ومتانة مؤداه وعذوبة بیانه وجلالة مغزاه ان اقرظ العلامة الجلیل الذی املاه واعرف بانه لا یدرك مداه او امدح المقصد الذی حواه ۱۱ وما نشر فیه وطواه ونظم العقاید ارجوزه وجیزه ایست ۱۲ والفاروقی فی فرق الاسلام تمام نیست ۱۳ وحدیث مع الدعاة البروتستانتیین سنه ۱۳۲۹ در مجله المنار المصریه ۱۴ والغالیة فی رد المغالیة ۱۵ والرد على البابیة ودر مجله المنار ومجلد ثانی مجله العلم النجفیة نشر شده ویكی از ادباء شیراز آنرا بفارسی ترجمه كرده . ٭

مصنفات سید هبة الدین [illegible] در علوم مختلفه

مؤلفات در عقاید [illegible]

تالیفات [illegible] در علم كلام

*مؤلفات صاحب ترجمه در احکام شرعیه*

## (واز آنچه در علم فقه و فروع احکام تألیف فرموده :)

الوقوف على احکام الاوقاف وآن اجلّ واجمع کتابی است در فروع عصریه در ابواب اوقاف وصدقات وفیض الساحل فی اجوبة مسائل اهل السواحل ومنهاج الحاج او مناسك آل محمد وهو منسك الامام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام بروایة ولده زید الشهید وسید هبة الدین در مقدمه این منسك حجیت وبحث سند وداء اثبات فرموده سنه ۱۳۳۲ در مطبعة الفرات بغداد طبع شده واصفى المشارب فی حکم حلق اللحیة وتطویل الشارب والتفتیش رسالة وجیزه ایست در مفاسد حلق اللحیة بالفارسیة دو مرتبه طبع شده یکی سنه ۱۳۴۰ در مطبعه علویه نجف ودوم سنه ۱۳۳۳ در تبریز چاپ خورده، والتنبیه فی تحریم التشبه سنه ۱۳۴۰ در بغداد طبع شده وفتح الباب لتقبیل الاعتاب القباب حواشی على الریاض .

## (واز آنچه در علم اصول فقه تألیف فرموده :)

وقایة المحصول فی شرح کفایة الاصول که مشتمل است بر زبده تقریرات استادش ملا محمد کاظم خراسانی ره ...

*وصف کتاب الهیئة والاسلام*

## (واز آنچه در علوم ریاضیه تألیف نموده :)

تذکرة المحاسب فی الاعمال الاربعة وهی الجمع والطرح والضرب والتقسیم وکتاب الهیئة والاسلام فی استخراج مکتشفات الهیئة الجدیدة من ظواهر شریعة الاسلام سنه ۱۳۲۷ در مطبعة الآداب بغداد طبع شده .

وعلماء تقاریض کثیره وشعراء مدایح وغیره بر کتاب الهیئة والاسلام نوشته اند که کاشفست از تقدیر هبات علمیه بر این تألیف بدیع که در باب خود مفرد واز نوع خویش اول است حتی مجلة البرهان که صادر از لاهور هندوستان سنه ۱۳۳۰ شطری از این تقاریض را جمع کرده :

*تقریظ آخوند ملا محمد کاظم خراسانی*

### وازجمله اشخاصیکه بر آن تقریظ نوشته آخوند ملا محمد کاظم خراسانی است که میفرماید

ان من معجزات نبینا الباهر وصدق دیننا الاسلامی ما اودعه فی طیات کلماته وبطون احادیثه وآیاته من الحقایق الجمة والاسرار المهمة ولکن ما برحت الآثار الحاملة لتلك الاسرار بعیدة عن الایدی والافکار غیر مجموعة الشمل ولا محکمة الوصل کما انها لم تکن مشروحة شرحا یبین کل اصغائها ویتخرج لبابها فنهض لشرحها وجمعها وترتیب وضعها مع قلة الاسباب وکثرة الموانع حضرة العالم الکامل فخر الشیعة ومحیی الشریعة سند العلماء المجتهد بنجاح شریعة حجة الاسلام ثقة الاسلام السید محمد علی هبة الدین الشهرستانی دامت افاداته وزید توفیقاته انتهی .

ودر این کتاب الهیئة والاسلام محاسن ومزایای جلیله هست من جمله تفسیر بعض احادیث مشکله که مؤلفش بحل آنها موفق شده ومتقدمین بنا وبلات بعیده آنها تأویل کرده اند که عقل سلیم آنرا قبول نمیکند ومولوی سید محمد هرون سنه ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ آنرا بهندیه ترجمه کرده والبدر التمام فی ترجمة الهیئة والاسلام نام نهاد

وسید



وسید احمد بن ابراهیم هندی بفلسفة الاسلام موسوم کرده وشاهزاده محمد باقر میرزا سنه ۱۳۲۹ آنرا بفارسی ترجمه کرده . **وپس از تعداد کتبی چند گوید :** وزبور المسلمین فی ادعیة القرآن واضرار التدخین او شرب الدخان فی نظر الطب والدین کتاب علمی اصلاحی است که بحث میکند در آن از ضرر تدخین وشهادات الاطباء در سموم آن واضرار وآثارش در نسل واصل وقوای عقل سنه ۱۳۴۳ در مطبعه دار السلام بغداد طبع شده ودر سنه ۱۳۲۸ مجلة العلم را در نجف انشاء فرموده ودو سال ادامت یافت ودر تاریخ انشاء آن مجله جلیله علامة فقهاء العصر شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نجفی منظوم داشته :

*مضرات دخانیات در نفس و نسل و قوای انسانی*

هبة الدین اتانا بعلوم مستفیضه ✻ وله التاریخ «اهدی طالب العلم فریضه»

**الذریعة (ج ۴) (ص ۲۲۹)** تفتیش از مضرات تراشیدن ریش فارسی در بیان مضرات حلق لحیه و تطویل شوارب تألیف سید معاصر شهیر هبة الدین شهرستانی سنه ۱۳۳۲ از وی فارغ شده واضرار التدخین نیز تألیف وست وهر دو بطبع رسیده .

*وصف مجلة العلم شهرستانی*

**ایضا (ج ۴) (ص ۴۸۴)** توحید اهل التوحید در جامعه اسلامیه واصول دینیه ثلاثه توحید نبوت ومعاد تألیف سید محمد علی هبة الدین شهرستانی است .

**مؤلف گوید :** سنه ۱۳۵۸ در مراجعت از مسافرت دوم حج بیت الله الحرام در حایر طاهر وکاظمین علیهما السلام وبغداد بخدمت وصحبت مترجم معظم اطال الله بقائه نایل وفیوضات کثیره در مجالس عدیده حاصل کردم وکتاب ینبابات را از کتابخانه ایشان تحصیل کرده روز وفات حضرت صدیقه صغری زینب کبری سلام الله علیها را در خاتمه مجلد چهارم وقایع الایام نقل نموده ام آن بزرگوار در اخلاق جمیله وصفات جلیله آیتی عظیم است با آن جلالت وشوکتی که در عرب وعجم در نظر همه طبقات مردم دارند نهایت متواضع وبرقاطبه علماء ومحدثین ومحصلین مروج ولحظه از مباحثه علم وتحقیق ومذاکره آیات واخبار فارغ نیست روزی حسب عادت در بغداد خدمتش بودم آیات چندی عنوان کرده تحقیقات ایشان فرمود حقیر نیز بیاناتی که مرحوم آیة الله حاج شیخ جعفر شوشتری در دنیا وبیش تفصیلی ذکر فرموده عرض کردم محرر خود را طلبیده عینا درج کرد نطق وبیانش چنان مؤثر است که در یک جلسه مستمع را مجذوب ومفتون مینماید وبا آن رفاق ولطف ومزاحش که دارند در نظر منیع ومهاب است باشد عامه اشراف واحباب برای استفاده واستفاضه از محضر شریفش بایوان تشریف آورده در تهران لوازم تجلیل وتکریم وکذا در زهاب ایاب معمول وبعراق مراجعت فرموده در موقع وداع از کتب بسنده خواستند از تبریز مجله صیام را انفاذ داشتم وایشان چند کتب نفیسه از مؤلفات خود ارسال فرمودند .

*تشرف مؤلف بحضور مترجم معظم در عراق*

**واز جلایل تألیفاتش کتاب ما هو نهج البلاغه است** که مرحوم سید محمد مهدی علوی سبزواری در رساله

ترجمه اش

اجازهٔ روایتی سید هبة الدین شهرستانی

توجه ایشان ذکر نفرموده، ومشتمل بر تحقیقات مهمه وبیانات نافعه است واز کتاب الدلائل والمسائل شطر وافری در مجلات مجلهٔ المرشد منقول است فراجع .

² الشهیر بالمدرس

**ایضاً اجازهٔ روایتی مترجم معظم** خودشان در اجازهٔ عالم بارع جامع آقا میرزا محمد علی تبریزی جناباً به دام فضله العالی میفرماید سئلنی ان اجزله اجازة ما رویته وتحملته عن شیوخی الکرام بجملة اسانیدهم الی ائمة اهل البیت النبوی علیه وعلیهم السلام فاستخرت الله سبحانه واجزته ان یروی عنی جمیع ذلک عنهم جمیعاً واخص بالذکر خمسة منهم قدس الله ارواحهم .

**اولهم الشیخ الشهید السعید** الالهی محمد باقر بن محمد محسن بن سراج الدین الاصطهباناتی الشیرازی المقتول سنة ۱۳۲۵ هجریه عن مشایخه المشاهیر عطر الله مراقدهم الطیبة وهم المولی علی المقدس الرازی نجل الطبیب المشهور میرزا خلیل الطهرانی والسید میرزا محمد هاشم چهارسوقی الخوانساری الاصفهانی والسید محمد مهدی القزوینی الحلی المتوفی سنة هجریه والشیخ محمد تقی المشهور بآقا نجفی الاصفهانی والشیخ محمد تقی بن حسنعلی الحایری المعروف بالفاضل الهروی .

**وثانیهم مولانا الزعیم** وابن عمنا الکریم الامیر السید محمد الطهرانی المعروف بآیة الله الطباطبائی عن مشایخه المشاهیر وهم جماعة نختص بالذکر منهم والده السید صادق الطهرانی عن ابیه السید مهدی الهمدانی بن الامیر السید علی الکبیر .

**وثالثهم سیدنا الحسن** بن الهادی الکاظمی المعروف بالصدر من آل شرف الدین مؤلف کتاب الشیعة وفنون الاسلام عن مشایخه العظام نور الله ضرایحهم کالشیخ ملا علی المقدس الطهرانی والسید میرزا محمد هاشم الخوانساری السابق ذکرهما الشریف .

**ورابعهم الفقیه البارع الورع** السید اسمعیل الصدر نزیل سامراء والحائر الحسینی ونجل العلامة المشهور السید صدر الدین العاملی الاصفهانی وقد اجازنی فی الروایة شفاهاً واجازنی فی الاجتهاد والفتوی کتباً من دون تسمیة شیوخه الکرام .

**وخامسهم المحقق العظیم** والفقیه الحکیم شیخنا المولی محمد کاظم المعروف بآیة الله الخراسانی روح الله روحه ونور ضریحه مجیزاً فی الروایة عن شیخه السید مهدی القزوینی الحلی الآنف ذکره المنیف .

**وکما اجزت للشیخ المشار الیه اسمه الشریف** ان یروی عنی المرویات اجزته ان یروی عنی المقررات والمصنوعات ومؤلفاتی فی شتی العلوم والتی نشر اسمائها عدة من ولیاتنا الاصفیاء کالسید محمد مهدی العلوی السبزواری والشیخ سراج الواعظین الانصاری فی مقدمة اسلام وهیئت وغیرهما من محبی العلماء الاخیار ومحیی الآثار

**خادم العلم والدین** هبة الدین الحسینی الشهیر بالشهرستانی .

( غرهٔ محرم الحرام سنه ۱۳۵۹ )

اسامی مشایخ اجازه





صورت اجازهٔ اجتهادیه صاحب ترجمه

**صورت اجازهٔ اجتهادی** آقای شهرستانی از آقای صدر عاملی که اشارت رفت .

**مؤلف گوید :** سنه ۱۳۵۸ هجریه در مراجعت از مسافرت دوم حج بیت الله الحرام در بغداد در منزل حضرت آیة الله آقای سید هبة الدین شهرستانی بخط وامضاء مرحوم آیة الله آقا سید اسمعیل بن صدر الدین عاملی قدس سره جد امجد آقای صدر کاظمی نزیل قم المحمیة مد ظله که از مراجع تقلید زمان خود وصاحب حاشیه رساله بیست باب شیخ بهائی علیه الرحمة بود دیدم که سؤال کرده بودند وحضرت معظم له جواب داده بود و عبارت هر دو این است :

**سؤال** حجة الاسلام قبلة الانام ما از جهة این دعاگویان مسائلی رخ میدهد در باب تقلید واز امور حسبیه در صورتیکه دست رس بشما نباشد بجناب ملاذ الاسلام آقای آقا سید محمد علی هبة الدین شهرستانی میتوان رجوع نمود یا نه ؟

**جواب** بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی رجوع نمایید اشکالی ندارد وجناب معظم الیه اجل هستند که نول شود واحکام ایشان نافذ است . الاحقر ابن صدر الدین العاملی

(سجع خاتم شریف :
عبده اسمعیل ابن صدر الدین الحسینی)

ترجمهٔ آقا سید محمد تقی خوانساری مد ظله

## (۵) آقا سید محمد تقی خوانساری نزیل قم دامت برکاته

**حسب تقاضای حقیر** جناب مستطاب عالم فاضل جلیل آقا شیخ محمد علی عراقی فراهانی سلمه الله تعالی این جمله را در ترجمه حضرت معظم له مرقوم فرموده واز قم انفاذ داشته اند :

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین من الآن الی یوم الدین

اما بعد این مختصریست در ترجمه احوال حضرت مستطاب آیة الله آقا سید محمد تقی موسوی خوانساری مد ظله العالی که بنحو ایجاز برشته تحریر در آمد :

**ولادت با سعادتش :** سنه ۱۳۰۵ در بلدهٔ خوانسار واقع وپس از بلوغ بحد رشد وکمال بتحصیل ادبیات وبعض سطوح مشغول سپس سنه ۱۳۲۲ بارض اقدس عتبات عالیات مهاجرت وپس از تکمیل سطوح سال بدرس مرحوم آیة الله خراسانی ومدتی هم بدرس مرحوم آیة الله سید طباطبائی قدس سرهما حاضر وپس از فوت استاد خراسانی بدرس مرحوم شریعت اصفهانی ومیرزای نائینی وآقا ضیاء عراقی ومعقول حاج شیخ علی قوچانی نعمت الله اسرارهم حاضر ودر سنه ۱۳۳۳ ببلاد هند مسافرت وپس از چهار سال اقامت بایران مراجعت وبوطن خود خوانسار رهسپار گردید وبعد از مکث قلیلی ببلدهٔ سلطان آباد عراق متوجه شد در حینی که حضرت آیة الله

اساتید مرحوم معظم له
خصال شریف

آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری اعلی الله تعالی درجته در آن بلده باقامهٔ حوزهٔ علمیه پرداخته حضرتش بتجلیل در آن مدرس شریف حاضر و خود نیز مستقلاً بتدریس و بحث میپرداخته تا در سنهٔ ۱۳۴۰ که حضرت آیة الله حائری برحسب خواهش اهالی قم و طهران ببلدهٔ طیبهٔ قم منتقل گشته باقامهٔ حوزهٔ علمیه پرداخت حضرت آیة الله خوانساری هم برای تزیین حوزهٔ مبارکه همراه خود بقم انتقال داد و حضرتش بطرز سابق در مجلس درس مرحوم حاضر میگردید و خود هم مستقلاً بتربیت عدهٔ کثیره از افاضل مشتغلین میپرداخت تا آنکه در سنهٔ ۱۳۵۵ که آیة الله حائری بجوار رحمت ایزدی پیوست افاضل اهل علم حوزه اطراف وجود شریفش را گرفته ریاست حضرتش را بر خودشان بجان و دل متقبل گردیدند و عدهٔ تلامیذش بیش از پیش گشت بطوریکه میتوان گفت اکثر فضلاء حوزه چه آنانکه باطراف بلاد متفرق شده و سمت مرجعیت پیدا نموده‌اند و چه آنانکه فعلاً مقیم و ساکن این بلدهٔ طیبه میباشند همگی از تلامیذ وی فقهاً و اصولاً سطحاً و خارجاً منقولاً یا معقولاً بشمار میروند تا مراتب فضلش مشهور آفاق و صیت مقام علمش ظاهر علی الاطلاق گشت و عن قریب بیانش هر قریحهٔ قویمه را شیرین و حلاوت لسانش هر سلیقهٔ مستقیمه را اثر ماء معین بخشید .

هرچند بواسطهٔ اشتغال باهم از قلم مبارک شریفش تاکنون در قالب تصنیف ترصیف نیافته لکن تقریرات بعض ابحاث شریفه‌اش بقلم عدهٔ از فضلاء تلامیذش تحریر یافته امید از فضل واسع الهی جلّت الائه چنان است که وسایل انطباع و عموم انتفاع آنها از بروز فراهم فرماید .

واز اطراف بلاد وجوه شرعیه بحضرتش ایصال و بتقسیم شهریه عمومی بر طلاب و اهل علم علی حسب طبقاتهم قیام و در اوقات غلاء اضافاتی بشهریهٔ مقرره اقدام میفرمایند و از برای حضرتش در اطراف بلاد شرقاً و غرباً جماعت بسیاری از مقلدین میباشند .

ورسائل عملیه‌اش باین قرار است : رسالهٔ منتخب الاحکام که جامع جل احکام است و قبلاً آنرا محشی فرموده و منطبع گشته و رسالهٔ ذخیرة العباد که اخیراً محشی شده و جدیداً از طبع بیرون آمده و ابسط از منتخب است و رسالهٔ تقویم الصلوة و مناسک حج مرحوم شیخ انصاری قدس سره و مختصر الاحکام که بهمان حاشیه زده و فعلاً هم مشغول حاشیهٔ عروه و وسیله میباشند .

ومقام زهد و تقوایش بدرجه‌ایست که ارباب علم با کمال ملاقه کردر امر عدالت دارند در جماعت حضرتش نوعاً بدون دغدغه حاضر میشوند و در یوم جمعه باقامهٔ صلوة جمعه در مسجد جامع قیام میفرمایند چون در سنهٔ ۱۳۶۰ نظر شریفش باحتیاط لازم در فعل آن مؤدی گردید و فوق العاده در آن اجتماع میشود و جمعی از ائمهٔ جماعت نیز حاضر میشوند و بعض متدینین طهران با مراکب سریعه خود را بآن میرسانند .



اقامهٔ حوزهٔ علمیه در بلدهٔ طیبهٔ قم

رسائل عملیهٔ صاحب ترجمه

نماز جمعه و جماعت





وبحمد الله تعالی از یمن وجود مسعودش این سنت سنیه و فریضهٔ الهیه از ظلمت متروکیت و استتار سنین متمادیه بیرون گردیده و جامهٔ ظهور و اشتهار در بر نموده و در سائر بلاد هم اقتفاء کرده باقامه‌اش پرداختند .

صلوة مصلای مترجم معظم و در سنهٔ ۱۳۶۲ که خشک سالی اتفاق افتاد اهل بلد از ایشان تقاضای صلوة استسقاء نمودند حضرتش امتناع ورزیده و پس از اصرار زیاد قبول فرموده با هیئت عظیمه از رجال اهل علم و فضل و خلق کثیری از سائر طبقات که تقریباً بالغ بر بیست هزار نفوس بودند حرکت فرموده بمصلای خارج شهر تشریف آورده باقامهٔ صلوة مذکوره پرداختند و طولی نکشید که باران غریب موجب سیل عجیبی ظاهر گردید و بر احدی مخفی نماند که نیست این الا از اثر دعای آن بزرگوار و برکت نماز او و در روزنامجات درج شده در مخابرات دول خارجه مورد مذاکره گردید واتفق الفراغ من تحریره بید مؤلفه الفانی محمد علی العراقی الفراهانی فی یوم الجمعة الثالث والعشرین من شهر شوال المکرم سنه ۱۳۶۵ و تحریر این ترجمهٔ شریفه بید احقر الخلیقه مؤلف این وجیزهٔ منیفه علی بن عبد العظیم تبریزی خیابانی در ۱۱ شهر ذی القعدة الحرام در روز مبارک ولادت باسعادت حضرت ثامن الائمه علیهم الصلوة والسلام از سنهٔ ۱۳۶۵ پس از هجده روز از تاریخ تحریر اصل ترجمه واقع گردید .

اجازهٔ روایتی مترجم معظم : آقای فراهانی دام فضله العالی بعد از تحریر تاریخ ترجمه میفرمایند و حضرتش اجازه دارند از استاد جلیلش آقا ضیاء الدین عراقی و او از محدث شهیر حاج نوری از شیخ الطائفه شیخ انصاری از آل احمد نراقی از بحر العلوم از وحید بهبهانی از والد ماجدش از علامهٔ مجلسی اعلی الله مقامهم بروایت بحار و سایر مؤلفاتش و بسند دیگر از علامهٔ مجلسی از والد ماجدش از شیخنا الشهید الثانی قدس الله ارواحهم بسنده المتصل الی المشایخ الثلاثه ارباب الکتب الاربعة باسنادهم المتصل الی الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین .

واما اجازهٔ اجتهاد حضرتش بر آن مقام برنیامد که از کسی بگیرند ولی آیة الله آقا ضیاء عراقی اعلی الله درجته در مکتوبی که برای ایشان از نجف ارسال داشته بودند اجازه نامه را هم ضمناً مرقوم فرموده‌اند که صورتش این است

اجازهٔ اجتهاد آقای خوانساری دامت برکاته

بسمه تعالی شانه بعد الحمد والصلوة فان العالم العامل والفاضل الکامل سند المحققین وافتخار الفقهاء والمجتهدین مرکز التقوی والسداد ومفتاح کنوز الارشاد السید محمد تقی الخونساری من اعاظم المجتهدین ومن عیون العلماء الراشدین وهو عدل ثقة مجتهد له جمیع وظایفهم من القضاء وغیره من سائر مناصب الفقیه فی زمان الغیبة اللهم کثر امثاله بمحمد وآله الطیبین الطاهرین .

(من الاحقر ضیاء الدین العراقی)

صلوة استسقاء مترجم و استجابت دعای او

تاریخ تحریر ترجمه و تاریخ نقل آن

اجازهٔ اجتهاد مترجم معظم

## (ع) آقا سید محمد آقا حجت کوه کمری دامت برکاته

ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب (ج ۱) المولی الامجد السید السند والحبر المعتمد محمد بن علی بن علینقی بن محمد حسینی کوه کمری الاصل تبریزی المنشأ نجفی التحصیل قمی الافاضة از مبرزین طراز اول علماء عصر حاضر ما که از سادات کوه کمر از مضافات تبریز آذربایجان بصحت نسب شرافت در غایت شهرت و معروف به حجت و نسب عالی ایشان به سید اجل سید محمد مصری ملقب بحجازی از اولاد علی الاصغر ابن الامام السجاد علیه الصلوة والسلام موصول و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و عالم عامل فقیه کامل محدث فاضل و متبحر ماهر محقق مدقق عابد زاهد جلیل القدر عظیم الشان اصولی رجالی دارای کمالات نفسانیه عالیه و حائز مقامات معنویه سامیه که در مضمار مسابقت حاوی قدح معلی بوده و گوی سبقت از اکابر وقت ربوده و مرجع تقلید شیعه و رئیس فرقه محقه میباشد. ※



**ولادت و تحصیلاتش** و خلاصه ادوار زندگانی آن نابغه عصر و یگانه دهر را موافق نتیجه بجسب درخواست اکید این نگارنده مرقوم قلم حقایق شیم خودشان فرموده اند زینت بخش این اوراق مینماید در ۲۹ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۱۰ هجری در شهر تبریز کرسی آذربایجان از ایالات جلیله کشور ایران متولد و پس از تحصیلات مقدمات لازمه و ادبیات معموله مدتی در همان شهر مولد خود حاضر حوزه درس فقه و اصول و ریاضیات و معقول و طب قدیم و جدید و مقدار وافی از علوم جدیده متنوعه اجلاء علماء و اکابر دانشمندان فضلاء بوده و اغلب تحصیلات فقهی و اصولی او نزد والد معظم خود میباشد. ※



**اساتید عظام مترجم معظم در نجف اشرف**: و بعد از تکمیل مقدمات و فنون ادبیه و متون متداوله بنجف اشرف که دار العلم شیعه و مرکز علمیه دینیه فرقه محقه میباشد مهاجرت فرموده و در حوزه درس سید جلیل علامه دهر سید محمد کاظم یزدی که فقیه یگانه بوده تفقه نموده و رجال و حدیث را از سید نبیل آقای سید ابو تراب خوانساری یاد گرفته و اصول و نیز فقه و حدیث و رجال را از وحید عصر خود آقای شریعت اصفهانی فرا گرفته و در حوزه علمیه شیخ مدقق شیخ علی قوچانی صاحب حاشیه کفایه و شیخ علی کنابادی و علامه وقت آقای میرزا حسین نائینی و سید جلیل سید محمد فیروزآبادی و وحید عصر شیخ ضیاء الدین عراقی و دیگر اجلاء طراز اول عصر حاضر رنجها کشیده و گنجها برده و بمقامی بس عالی ارتقاء جسته و مغبوط یگانه و بیگانه گردیده.



**مراجعت صاحب ترجمه به تبریز** تا آنکه در نجف اشرف مریض و حسب الاحضار والد معظم خودشان عازم تبریز و در اوقات اختلال امور نجف در آن بلده اقامت فرموده و بعد از وفات استادین معظمین خود





علامه یزدی و شریعت اصفهانی باز بنجف اشرف مراجعت فرموده و سالها حاضر حوزه دیگر اساتید خود بوده و در خلال این احوال بتدریس و تصنیف اشتغال داشته تا آنکه از حضور مجلس درس حوزه اساتید وقت مستغنی و در مسجد شیخ مرتضی انصاری و مقبره میرزای شیرازی با کمال استقلال تدریس جمعی از افراد فضلاء و مبرزین و اکابر حاضر حوزه آن یگانه وقت بوده و مجلس درس ایشان در عداد مجالس استفاده عظیمه بشمار میرفته سپس شدیدا مریض به یرقان و ورم کبد مبتلا و در نجف و کاظمین و بغداد بلوازم معالجه و مداوا پرداخته تا آنکه تخفیف کلی حاصل و باز هم بحکم ضرورت بقصد مراجعت مسافرت ایران را تصمیم داده و در سال ۱۳۴۹ هجری وارد بلده طیبه قم صانها الله عن فتن آخر الدهر والتلاطم بوده و اقامت گزیده و محل توجه مشتغلین و اکابر افاضل گردیده و بتدریس فقه و اصول خارج اشتغال داشتند تا آنکه رئیس الملة والدین آقای حاج شیخ عبد الکریم آقا یزدی حائری بدرود جهان گفته و صاحب ترجمه را بنماز خواندن در جای خود در مسجد حضرت معصومه و تبابا و در انجام کلیه امور مهمی چندماه پیش از وفات خود تخصیص فرمودند اینک در اقامه حوزه علمیه قم اهتمام تمام مبذول داشته و مساعی جمیله بکار برده و تا حال که اواخر سال هزار و سیصد و شصت تمام هجریست متحمل زحمات لازمه و وظایف مهمه محصلین و طلاب علوم دینیه میباشد اطال الله بقاه و شرفنا بلقاه و وفقه لجمیع ما یرضیه و جعل مستقبله خیرا من ماضیه. ※



**مشایخ اجازه روایتی صاحب الترجمه**: مترجم معظم از شیخ الشریعه اصفهانی و شیخ عبد الله مامقانی و سید جلیل سید حسن کاظمی عاملی و آقای میرزا محمد تهرانی و سید ابو تراب خوانساری و شیخ محمد باقر بیرجندی و از والد معظم خود آقا سید علی آقا قدس سره و جمعی دیگر از اکابر وقت اجازه روایتی دارد. ※



**مشایخ اجازه اجتهادی و روایتی** و از شیخ الشریعه اصفهانی و حاج میرزا حسین نائینی و سید اجل سید ابو الحسن اصفهانی و سید محمد فیروزآبادی و شیخ عبد الکریم حائری و شیخ ضیاء الدین عراقی و غیر ایشان از دیگر اجلاء وقت که بسط اسامی شان بطول می انجامد نیز علاوه بر اجازه روایتی اجازه اجتهاد مطلق دارد

**مصنفات نفیسه و مؤلفات شریفه صاحب ترجمه** در فقه و اصول و حدیث و رجال مصنفات جیده بسیاری دارد ۱ رسالة فی الاستصحاب ۲ کتاب البیع که مبسوط و مفصل و حاوی فروعات بسیار و استدلالیست ۳ جامع الاحادیث والاصول و آن کتابی است نفیس و جلیل القدر و عظیم المنزلة و تمام احادیث شیعه را که در این زمان دسترس فرقه محقه تواند بود جامع و بیان معانی و مقاصد و جمع ما بین متناقضات آنها را مشتمل و مطالب مهمه رجالیه و بیان حال اسانید اخبار را بطور شگفت و طرزی بس عجیب محتوی و از انفع کتب اثنی عشریه بوده و در رشته خود بی نظیر میباشد که تا زمان حاضر ما مانند آن تالیف نیافته و مصنف معظم مد ظله العالی

عموم محصلین و علماء امامیه و طلاب علوم دینیه را رهین منت قلم میمنت شیم خود فرموده است جزاه الله عن الاسلام و مؤسسه خیر الجزاء و وفقه للاتمام بحق سیدنا الانام والائمة الکرام علیهم الصلوة والسلام ۴ حاشیه الکفایه ۵ کتاب الصلوة که استدلالی و حاوی فروعات غیر منقحه است ۶ لوامع الانوار الغرویه فی مهملات الآثار النبویه فی بیان الروایات النبویة المهملة فی کتب الفروع و بیان ما یصح الاعتماد علیه و ما لا یصح ۷ مستدرک المستدرک که استدراکات مافات عن صاحب المستدرک و این دو کتاب نیز در رشته خود بی نظیر و از اهم و انفع کتب اسلامیه بوده ۸ کتاب الوقف و آن نیز مانند کتاب البیع و کتاب الصلوة استدلالی و مملو از جواهر و لآلی بی پایان و مشتمل بر فروع فقهیه بی کرانی است و مصنف معظم را مصنفات بسیاری در موضوعات متنوعه داشته و حواشی و تعلیقات بسیاری بر کتب حدیثیه و رجالیه دارد که شرح و بسط آنها خروج از موضوع این کتاب است .

مؤلف گوید سنه ۱۳۵۰ در مراجعت از سفر حج بیت الله الحرام و زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم الصلوة والسلام چند روزی در بلده طیبه قم در خدمت مترجم معظم اطال الله بقائه بودم از کتب خطیه نفیسه مرحمت فرموده انتخاب نمودم شب و روز مراقب حال طلاب و محصلین است و مجلس درس مفصل مشحون از افاضل مشتغلین دارد و مرجع تقلید جمع کثیری از اهالی تبریز و مضافات میباشد و مرحوم آیة الله حاج شیخ عبد الکریم آقا قدس سره در حال حیاتش برجوع در احتیاطات خود بدو تصریح فرموده و حقیر را اجازه امور حسبیه لطف فرموده . بامضاء و خاتم شریفش موجود است . ادام الله ایام افاضاته و افاداته .

## (۷) آقای صدر الدین نزیل قم مدظله العالی

ریحانة الادب (ج ۱) صدر الدین مکنی بابو الرضا و مشهور بصدر از اجلاء علماء امامیه عصر حاضر که ترجمه اجمالی حالش بنا بر آنچه حسب الخواهش نگارنده نگاشته اند بدین منوال است در رجب سنه ۱۲۹۹ هجری در کاظمین متولد و ادبیات و ریاضیات را نزد استادان فن یاد گرفته تا در سال ۱۳۲۸ برای تکمیل تحصیلات دینیه بنجف مهاجرت و در حوزه درس آخوند خراسانی و علامه یزدی حاضر و در سال ۱۳۳۱ بمشهد مسافرت کرده و چندی توقف نموده و در سال ۱۳۳۷ باز بعراق عرب مراجعت و بفاصله چند ماه والد معظم له خواست بعد از آن باز هم چندی در مشهد و قدری در نجف زیسته اکنون که سال ۱۳۶۱ است در قم مقیم و مدیر حوزه علمیه و مرجع ... میباشد

**از تالیفات اوست** حاشیه کفایة الاصول رساله در حکم ماء الغساله رساله در رد بعض شبهات وهابیه رساله در اصول دین رساله در حقوق مختصر تاریخ الاسلام که دو جلد آن چاپ شده المهدی در اثبات حضرت حجت عجل الله فرجه از اخبار عامه که چاپ شده و قریحه شعریش هم خیلی خوب و اشعار بسیاری در مدح و مرثیت





سروده و از اشعار اوست که در موقع تسلط عبد العزیز وهابی بر حجاز و هدم بقاع متبرکه ائمه بقیع علیهم السلام سروده است

| | | |
|---|---|---|
| لعمری ان فاجعة البقیع<br>اذا لم نصح من هذا الهجوع | یشیب لهولها فود الرضیع<br>فهل من مسلم لله یرعی | وسوف تکون فاتحة الرزایا<br>حقوق نبیه الهادی الشفیع |

و این اشعار در میان ادباء شعراء بین النهرین شهرتی بسزا یافت و زیاده از صد نفر از شعراء عرب آنرا تخمیس نموده و در مجله ها و روزنامه ها درج نمودند تا آنکه حکومت عراق از نشر آن جلوگیری و بتوقیف روزنامه و مجله تهدید نمود .

## (۸) آقا نجفی سید شهاب الدین نزیل قم دامت افاضاته

ریحانة الادب (ج ۱) آقا نجفی ابو المعالی سید شهاب الدین ابن الزاهد العلامه صاحب التالیفات الرشیقه سید محمود شمس الدین المتوفی سنه ۱۳۳۸ ابن العلامه الفقیه الطبیب المتفنن سید علی شرف الدین مشهور بسید الاطباء در صبح روز پنجشنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۸ در نجف متولد و جامع شرافت حسب و فضیلت نسب بوده و از طرف پدر به سید فقیه نبیه عارف عابد زاهد محدث علامه سید قوام الدین مشهور بمیر بزرگ موصول میباشد که از بزرگترین خانوادهای علویین و اشرف و اجل و انبل ایشان بوده و در هر طبقه متحلی بحلیه مزایای دینی و دنیوی و نوعا عالم ربانی و یا متمکن اریکه جهانبانی و یا طبیب حاذق و یا نقیب لبیب و یا وزیر روشن ضمیر و مانند اینها بوده اند و جده پدری صاحب ترجمه نیز شریفه طباطبائیه و جده مادری حسینی دختر شاه عباس صفوی میباشد .

( شرف تتابع کابرا عن کابر — کالرمح انبوب علی انبوب )

بالجمله صاحب ترجمه از اکابر و اجلاء عصر حاضر ما که علامه فهامه نسابه فقیه اصولی محدث رجالی ادیب اریب فاضل کامل مورخ ریاضی حاوی الفروع والاصول جامع المعقول والمنقول بکثرت مشایخ نسبت باهل عصر خود ممتاز و در اخلاق فاضله دارای امتیاز و مرجع سئوالات متنوعه بسیاری از دیگر فرق مسلمین بلکه از علماء نصاری میباشد که پرسشهای گوناگون از بلاد دور و دراز بحضرتش فرستاده و بپاسخ متین و متقن نایل میکردند .

**من جمله سئوالات شیخ عبد السلام کردی شافعی .**

**و سئوالات فاضل متبحر** علی اسکندر معلوف لبنانی است که در عصر حاضر ما از مشاهیر نویسندگان علماء نصاری است **و صاحب ترجمه** علاوه بر مراتب علمی مساعی جمیله علمیه در ترویج دین مقدس اسلامی و اعلاء کلمه حق بکار برده **جمعی از یهود و نصاری** در اثر تبلیغات حقایق سمات وی بشرف اسلام مشرف **و گروهی از بابیه و صوفیه** و دیگر منتحلین اسلام باذعان عقاید حقه جعفریه مستبصر گردیده اند و در ادوار زندگانی خود با فحول رجال و متخصصین هر فنی ملاقات و از هر باغ گلی چیده و از هر بلبلی نوائی

شیده و مرجع افاده و استفادهٔ افاضل وقت خود بوده .

**وازکثرت زهد و ورع خود** پیراهون زخارف دنیویه نگردیده و علاقهٔ قلبی را بالمرة از آنها قطع و فقط و فقط بجمع کتب متنوعهٔ علمیه که آن هم محض آخرت و آخرت محض بوده و ربطی بزخارف دنیویه ندارد میل مفرطی داشته و کتابخانه اش مانند نگارخانهٔ ارتنگ حاوی گلهای رنگارنگ میباشد که هر یک از فقیه و اصولی و حکیم و متکلم و منطقی و رجالی و ریاضی و ادیب و طبیب و متخصصین علوم غریبه و صنایع عجیبه میتوانند از آن گلزار محمدی و بابوستان علوی موافق دلخواه خود گلی چیده و با عطری مناسب مشام خود استشمام نمایند

**اساتید صاحب ترجمه** : مقدمات علوم ادبیه را از شیخ مرتضی طالقانی و والد معظم خود آقای سید محمود حسینی و دیگر مشایخ وقت اخذ و علم تجوید را از شیخ نور الدین شافعی بکاشی که در تلاوت قرآن عالم زمان خود بوده اخذ و علم انساب آل رسول صلی الله علیه و آله را از والد معظم خود و از استاد عماد سید محمد رضا صائغ بحرانی و دیگر اساتید فن تلمذ نموده و علم تفسیر را از والد معظم و عالم زاهد صاحب کرامات شیخ محمد بن محمد خلیل شیرازی عسکری و متون فقه و اصول را از شیخ محمد حسین ملکو و از میرزا محمد علی رشتی صاحب کتاب شرح القبلة و میرزا آقا شیرازی و میرزا محمود شیرازی و شیخ محمد حسین تهرانی قاجاری نجفی و دیگر اجلاء وقت تلمذ نموده و در فقه و اصول استدلالی از خارج حوزهٔ آقای شیخ ضیاء الدین عراقی مقیم نجف و شیخ مهدی نوائی مازندرانی و دیگر اجله حاضر بین بسامرا رفته و بفاصلهٔ سه سال بکاظمین مراجعت و در فقه و حدیث و رجال و درایت خارج حوزهٔ آقای سید حسن صدر الدین و در اصول خارج شیخ مهدی خالصی صاحب حاشیه بر کفایه بوده باز بنجف مراجعت و علم کلام را از شیخ محمد جواد بلاغی و شیخ محمد اسمعیل محلاتی اخذ و در سنه ۱۳۴۲ بطهران رفته و چندی رحل اقامت افکنده و عرفان و علوم عقلیه و ریاضیات و بعض فنون دیگر را از افاضل آن بلده هم اخذ و استفاده نموده تا آنکه حاوی تمام مراتب علمیه و عملیه عقلیه و نقلیه گردیده و الآن که ماه ربیع الثانی سنه ۱۳۶۱ مجری است از چند سال باین طرف مقیم بلدهٔ طیبهٔ قم و مرجع استفادهٔ افاضل وقت میباشد .

**مشایخ روایت او** از علماء امامیه و عامه و زیدیه و فرقهٔ اسمعیلیه در حدود دویست تن بوده از آن جمله است علامه سید حسن صدر الدین و السید نجم الحسن هندی موسس مدرسة الواعظین در هند و السید ناصر حسین ابن صاحب العبقات و السید محسن الامین الشامی و السید ابو القاسم الدهکردی و سید عبد الحسین بروجردی آل کمونه و شیخ علی بن محمد رضا آل کاشف الغطاء و پسر عمش شیخ هادی و پسر عم دیگرش شیخ مرتضی و شیخ جواد بلاغی و شیخ اسمعیل محلاتی و سید جعفر آل بحر العلوم و شیخ الشریعهٔ اصفهانی و میرزا محمد تهرانی و شیخ آقا بزرگ طهرانی .





**ومراجع تقلید وقت** : آقای سید ابو الحسن اصفهانی و آقای سید محمد فیروزآبادی و حاج میرزا حسین نائینی و حاج شیخ عبد الکریم حائری و حاج آقا حسین قمی و حاج آقا حسین بروجردی و سید هبة الدین شهرستانی و دیگر اجلاء وقت که تفصیل ایشان اطناب است .

**تالیفات نفیسه اش** : (۱) حاشیه بر فصول مهمهٔ شیخ حر عاملی و (۲) کتاب الهدایه که حاشیه بر کفایهٔ آخوند خراسانی است (۳) رفع الغاشیة عن وجه الحاشیة یعنی حاشیهٔ ملا عبد الله یزدی در منطق المعقول (۴) فی امر المطول (۵) جذب القلوب الی دیار المحبوب در سوانح (۶) مسارح الافکار فی حل مطارح الانظار که حاشیه بر تقریرات اصولی شیخ مرتضی انصاری است (۷) مشجرات آل الرسول که کتاب بزرگی است در انساب آل رسول در چند مجلد که مشجرات سادات علویین را بشکل مشجری استیفاء نموده (۸) الرسالة الافطسیة در نسب گروهی از سادات عزیز در طهران چاپ شده (۹) رساله در لغات فقه و الفاظ دائره در السنهٔ فقهاء (۱۰) الرحلة الشیرازیة (۱۱) الرحلة الاصفهانیة (۱۲) مزارات علویین در ایران و غیره (۱۳) کتاب المسلسلات الی مشایخ الاجازات در سه مجلد اول در اجازات امامیه که بصاحب ترجمه داده اند دوم در اجازات عامه که باو داده اند سیم در اجازاتی که صاحب ترجمه بدیگران داده و (۱۴) کتاب روض الریاحین نظیر کشکول است و (۱۵) کتاب طبقات النسابین از زمان هجرت تا عصر حاضر ما و (۱۶) کتاب مناسک الحج (۱۷) کتاب در حث اهل علم بمطالعهٔ احادیث و علوم اهل بیت عصمت علیهم السلام (۱۸) و حاشیه دیگری بر فصول (۱۹) و رساله در شرط مناجز (۲۰) و رساله در بیع بشرط (۲۱) و حاشیه بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری (۲۲) و حاشیه بر وسائل (۲۳) و حاشیه و شرح لمعه (۲۴) و حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی (۲۵) و رساله در لباس مشکوک و این نسخ اخیره هنوز با تمام نرسیده است .

**تصدیقات اجتهاد مترجم معظم** : آقای حاج شیخ عبد الکریم آقا حائری موسس حوزهٔ علمیه در قم و آقا شیخ ضیاء الدین عراقی مقیم نجف معروف بآقا ضیاء و آقای سید ابو الحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی و میر سید علی کاشانی و شیخ آقا رضا اصفهانی نجفی و آخوند ملا محمد حسین فشارکی اصفهانی که از علماء اول عصر حاضر ما بوده اند و اکثر شان مرجع تقلید شیعه میباشند اجتهاد و دارای مقام استنباط بودن صاحب ترجمه را تصدیق نموده اند رفع الله قدره .

**وفعلا در قم** مشغول تدریس در ظهر و مغرب در مسجد بالای سر حضرت معصومه سلام الله علیها نماز میخوانند و در اول صبح هم در رواق شرقی حرم مطهر نماز میخوانند . جزاه الله عن الاسلام خیر الجزاء .

## (۹) آقای حاج شیخ علی اکبر نهاوندی مقیم مشهد مقدس (دامت برکاته)

**صدیقنا الاعظم** العالم النحریر العلامة آقا میرزا محمد علی اردوبادی الغروی دامت افاضاته

## حاج شیخ علی اکبر نهاوندی دامت افاضاته

گویند العلامة الکبیر حاج شیخ علی اکبر بن الحسین النهاوندی نزیل خراسان صاحب کتب فقیه و ورع موصوف و علم کثیر در حدود سنه ۱۲۷۷ متولد و بعد از بلوغ بحد رشد و تمیز در نهاوند تلمذ کرده خدمت شیخ جعفر بروجردی و در بروجرد نزد آقا حسین شیخ الاسلام و در خراسان بر علامه حاج شیخ عبد الرحیم بروجردی و در طهران بر میرزا عبد الرحیم نهاوندی و در معقول بر میرزا محمد رضا القمشهی و میرزا ابو الحسن جلوه و در نجف اشرف بر علامه مولی لطف الله مازندرانی و محقق رشتی و شیخ الشریعة و آقا مقانی رضوان الله علیهم . ✻

**مشایخ اجازهٔ روایتی او** روایت میفرمایند باجازه از ثقة الاسلام نوری قدس سره بان طرق خمسه که در خاتمهٔ مستدرک مذکور داشته و روایت مینماید از محقق مدقق شهیر حاج میرزا حبیب الله رشتی و او از شیخ الطائفة علم الهدی حجة الحق شیخ انصاری رحمهم الله تعالی و ایضا روایت میکند از شیخنا الاستاد آیة الله شیخ الشریعة الاصفهانی و او از صاحب روضات از پدرش میرزا زین العابدین از حجة الاسلام رشتی اصفهانی و سید الضوابط و شیخ محمد قاسم بن محمد النجفی شارح الشرایع رضوان الله علیهم و بعد از تعدد طرق اجازات گویند مترجم محترم در مکتوب علیحده مرا اجازه داده که بهمین طرق مذکوره از وی روایت بنمایم . ✻

**مؤلفات شریفه اش:** (۱) خزینة الجواهر فی زینة المنابر مشتمل بر ۱۰۴ باب و در هر باب سه عنوان مذکور اصول و فروع و اخلاق و محتویست بر نکات و دقایق منبریه (۲) گلزار اکبری مشتمل بر ۱۱۴ گلشن بعدد سور قرآنیه و در هر گلشن شعبهٔ از شعب فضیلت هست (۳) وسایل العباد الی مراحل التوحید مجالسی در توحید ذاتی و صفاتی و افعالی و عبادی بر آن مرتب است (۴) راحة الروح فی شرح حدیث مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح بیست و چهار شب بر آن مذکور است (۵) جواهر الکلمات فی النوادر و المتفرقات سیصد و سی و سه جوهره بر آن مخزون است (۶) انوار المواهب فی نکت اخبار المناقب (۷) انهار النواصب فی نکت اخبار المصائب (۸) الفوائد الکوفیة فی مکائد الصوفیة مشتمل بر ۱۲ مجلس (۹) شجرة الندی فی مسئلة البداء در ۳۰ مجلس (۱۰) الیاقوت الاحمر فیمن رای الحجة المنتظر عجل الله فرجه من لدن الی العصر الحاضر ۱۲ باب در هر باب ۳۰ حکایت تقریبا مذکور است هنوز باتمام نرسیده (۱۱) طور سیناء فی شرح حدیث الکساء تدوین نشده (۱۲) عناوین الجمعات فی شرح دعاء السمات تمام نیست . ✻

**تألیفات مطبوعهٔ صاحب ترجمه** (۱۳) لمعات الانوار فی شرح مشکلات الآیات و الاخبار تمام نیست و مرتب نشده (۱۴) مفرح القلوب و مفرج الکروب فی القصص و الحکایات تمام نیست (۱۵) البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع کتاب کبیر تاریخی اخلاقی است (۱۶) الجنة العالیة و جنبة الغالیة فی فنون من تفاسیر الآیات و شرح الاحادیث الشریفة و النکت و النوادر و العظات و الاخلاق و العلاجات و ما یجری مجریها کتاب کبیری است الی غیر هذه من کتب و رسائل تقریبا نحو ایشان . ✻





## آقا شیخ محمد صالح مازندرانی دام فضله

**و در پشت کتاب جنتان مدهامتان** از تألیف مترجم محترم علاوه بر کتب مذکوره مسطور است الفتح المبین فی ترجمة الشیخ محمد الحر بن کشف الغطاء عن وجوه التسمیة جنتان مدهامتان نفحات العنبریة فی بیان ما المبرة

**و ایضا آقای اوردبادی میفرمایند:** که صاحب عنوان در اواخر شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۱۷ بحکم استخاره که برای معالجه از مرضیکه بمزاج شریفش عارض شده بود از نجف بایران مراجعت و در دار السلطنه تبریز رحل اقامت انداخته تقریبا دو ماه و نیم در آن بلده توقف نمود پس از آن بعزم صلهٔ ارحام و زیارت عشیره و اقوام بنهاوند تا نیمهٔ شهر ذی الحجة سنه ۱۳۲۲ در آنجا ماند در غرهٔ محرم ۲۳ منتقل بطهران و الی سنه ۱۳۲۸ اقامت سپس بمشهد الرضا علیه الآف التحیة و الثناء مهاجرت فرموده در آن بقعهٔ مقدسه اقامت گزید و مشغول هدایت و ارشاد و دعوت مردم بسوی خوی گرید محارب بوجود شریفش روشن و منابر بعنصر لطیفش مزین و روزیکه سعادت مرا بتقبیل عتبهٔ مقدسه رضویه مساعدت نمود با جناب معظم له ملاقات و معاشرت نمودم و ندیدم او را مگر مثال تقوی و سمت زهد منبع علم و درمن فهم و دانش و بهاء ایمان و مطابقت قول با فعل ادام الله المولی دعاما للعلم و الاخلاق . ✻

## (۱۰) آقا شیخ محمد صالح مازندرانی دامت افاضاته

**ایضا علامهٔ اوردبادی ایده الله تعالی در زهر الریاض میفرمایند:** الشیخ محمد صالح ابن میرزا فضل الله المازندرانی در سنه ۱۲۹۷ در کربلاء مشرفه متولد و فاضل کریمهٔ علامه ملا محمد یوسف استرابادی صاحب کتاب صیغ العقود و کتاب الرضاع که هر دو در ایران سنگی طبع و کتاب القطرة و القضاء و الشهادات نیز از اوست . ✻

**اساتید و تصانیف مترجم محترم** مقدمات عربیه را در کربلاء خوانده تکمیل شد حتی الفیة ابن مالک را تا باب اضافه تخمیس کرد و دوازده سال در نجف اشرف مکث و حاضر بحث آخوند خراسانی و حاج میرزا حسین الخلیل الرازی گردید . ✻

**و در خلال این مدت** (۱) کتاب سبائک الذهب فی اصول الفقه فی شرح کفایة استاده و (۲) کتاب الخمس و الرضاع و الطهارة و القضاء و الشهادات و کتابین فی الوقف و کتاب الطلاق و الزکوة و منجزات المریض را تألیف فرموده و در سنه ۱۳۲۴ از کثرت سعی در کتابت و تألیف بر باصره اش علتی طاری شد از نجف بایران برای معالجه مغاودت نمود و در طهران از علم کحالین بهبودی حاصل شده مسقط الراس اسلاف خویش مازندران را برای صلهٔ ارحام سیما عمه الزعیم الخطیر المعروف بالعلامة را اراده نمود پس بیار فروش مرکز آن بلاد تشریف برده اهالی آن بلاشتیاق تو طن او در آن مکان گشته ازآنجا تمنا ادو حیا مجلا توقف فرمود . ✻

**تصانیف شریفه اش در بار فروش مازندران:** از تصنیفات تالم بهمت شهرش در آن بلده در اصول فقه تعلیقة

## آقا شیخ محمد صالح مازندرانی سلمه الله

علی الکفایة تعلیقة علی مهمات رسائل الشیخ تلخیص الکفایة ودر فقه تعلیقة علی مکاسب الشیخ حواش اسد لالی الطهارة نجاة العباد العمل الصالح فقه اسد لالی فارسی من الطهارة الی الدیات سیماء ایمان فقه اسد لالی فارسی اخصر من الاول الباقیات الصالحات فی الاحکام المنصوص ایتم رسالة فارسیة استدلالیة فی العقاید الایمان بالله فی استقصاء ادلة اثبات الواجب علی جمیع المذاهب تفسیر سوره الحمد وسوره الحکم بید وآیة الکرسی وآیات متفرقة والصحیفة السادسة السجادیة وحواش علی المقباس شرح دعاء السحر کتاب فی مختاراته من الدعوات وشنیدم که اخیراً در تفسیر قرآن شروع کرده و تا سوره حدید رسیده دیوان فارسی مقصور علی مدائح المعصومین علیهم السلام دیوان عربی المیمیة البدیعیة وشرحها و بند علیخان مدنی بر میمیه و شرح آن سبقت گرفته حواش علی انوار الربیع رسالة فی حل نظم منطق السبزواری الی غیر ذلک من مؤلفاته ومصنفاته فی الفقه والاصول والکلام والتفسیر والحکمة والمنطق والحدیث والدعاء والادبیات والاشعار العربیة والفارسیة .

### ( وله نونیة العجم النبویة صلی الله علیه واله وسلم : )

که مبارات ومعارضه کرده با آن قصیده بابسط ابن التعاویذی که وصف آن در قصیده ایشان که در تاریخ ابن خلکان در ترجمه صلاح الدین یوسف وزیر گذشته مذکور است منظوم داشته در چند ساعت از شش روز در اواخر شهر شوال سنه ۱۳۴۱ .

### ( بندی از آن این است : )

طه رسول الله خاتم رسله ومهیمن الانوار فی التکوین الحجر شیع سحابة البدء بحث ورکابه متمسح بجبین
والشمس عتبة بابه والعرش سقف قبابه بالعز والتمکین والشمس من رضابة المسك بعض ابرالغاه فی دارین
ما السوء ابواته ما النور فی الوانه حتی علی سینین مان الدماء لا مرز ان السماء برمته فعلا عن التحسین
احلا رجحت علی کل الوری امواله خفت علی الشاهین فالکبریاء رداؤه وکذا البهاء ازاره من ظاهر وبطون

### ( فی معراجه صلی الله علیه واله من القصیدة : )

رکب البراق المرجحن برفرف خضر بمنضود الجمان وضین فی عین یاقوت واذن زبرجد وبوجه انسان وذهن فطین
من فوق سرج لشرمنه محفز النور المقدس من علا انبیین حفت بمحمله الوف اربعون من انسانه منوع التکوین
فاذ افرغت حلقا علیه حیننذ کعقود عز الله فی التزیین

### ( فی مکارمه ومعالی اخلاقه صلی الله علیه واله )

الله اکبر من مکارمه التی کبرت معانیها عن التبیین من علمه وحلمه او سلمه اوا لطفه او عطفه کغصون
وخضوعه وخشوعه حیائه ووفائه وخلوصه فی الدین ورضائه وقضائه ومضائه وابائه وجنانه الممنون



*(حاشیه:)* مؤلفات صاحب عنوان ... مازندرانی · مدح حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم · معراج · مکارم اخلاق حضرت · فکل منها بجمعها یعون الف نوریة زهرا زین ومهروزة الانوار حلقا ایضا مدلول الزاویة



## آقا شیخ محمد صالح مازندرانی دام فضله العالی

### ( فی شمائله صلی الله علیه واله : )

وشمائل تملک محاسن زینها حتی تمیز حسن کل حسین حسنا وعین الله تحرس عینه من ان تصاب بحاسد بعیون
بصر لدیه الغاصیات قریبة فیری الفصول بلا تجیر جرون اذن علی ثبات نور صمائها صوت الملائک واذان اذین
هو سامع لصریر اقلام السماء کذا اهل الارض الشاسین ویشم الرحمن من قرنیه انفاس قدس بالهدی مقرون
لله ختم فم علیه ختام سر الله بالیاقوتین قرین بفم ضحکا عن سنا برق له سن بروق عن اسنانه سنون
صدر عریض کالمرایا مستو فیه لسر الله کل دفین ختم النبوة بین کتفیه ابرح تفاح نور باسم مرصون

### ( فی معجزاته وآیاته صلی الله علیه واله وسلم )

عجبا ابدی من عقول الکل بعض قواه باسم الساحر المجنون والبدر شق فضمه فی جیبه والشمس ردفاذنت بدجون
والنخل لما ان دعاه اجابه والجذع حن فسل وغاخیر وازاق فی البئر الوضوء فجرت وردّ بها الغاوخمس مئین
وردّ بعین تبوك بعد جفافها جیشا ومضاء کلکو دفیون وجرت اصابعه عیونا فارتوت الاف ذی عین بعشر عیون
وبه بفات ختام منطق ابکم من طائر او دارج او نون سئلته ام الخشفین ضمانها نوفی لها ووفت له بیمین
عادت الی الصیاد حتی نکبها وکذا النبی یفك کل رهین والضب انطقه بغیر تلجلج والطفل اشهده بغیر لحون

### ( فی تمسك الانبیاء صلوات الله علیهم اجمعین )

والانبیاء بذیل عطف قمیصه متمسکون لیو کشف شجون بقمیصه غفرت خطیئة آدم وبه اجتبی هرون وابن النون
ونجی به نوح ابراهیم من ماء ومن نار کذا ذو النون وبه الی یعقوب ردّ عینه والملك تم لیوسف المسجون

### ( فی وصف امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه )

ولراح عقد الجلیل الخاتمه فی العرش مجموا اجی فرون قد خصه بدخائر ومأثر وسرائر وظواهر وبطون
بدعی امیر المؤمنین بنصه واشد رکن للنبی رکین نفس النبی المصطفی ووزیره فی ملکه یعسوب اهل الدین
میزان اعمال العبا فکم بهم من صالح بولائه موزون وعلیه یوم الدین قاحسابهم والیه کان جزاء کل مدین
بطل علیه کل خطب هین فی العزم لیس بنا کل موهون ان شد فرد این جمع لیوقها بسباطه ذی شفرتین وزین
ذا قوا وقد برقت زبانة سیفه قبل الخطا الها ذو شئون

الذریعة (ج ۴) (ص ۴۲۵) تلخیص کفایة الاصول تالیف شیخ محمد صالح بن میرزا فضل الله بارفروشی حائری معاصر المولود ۱۲۹۷ چنانچه بخط خود بما نوشته .

**مؤلف گوید :** ترجمه میرزا فضل الله مازندرانی حائری والد ماجد مترجم معظم در همین وجیزه در سنه ۱۳۴۵ با شاده باین مجلد کتیش مذکور است فراجع .



*(حاشیه:)* شمائل و معجزات حضرت رسول صلی الله علیه واله · توسل انبیاء بحضرت رسول صلی الله علیه واله · مدح حضرت امیر صلوات الله وسلامه علیه

## (۱۱) آقا شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجانی اطال الله بقائه

(حسب تقاضای حقیر این جملهٔ وافیه را بقلم شریف خود نگاشته و انفاذ داشته اند :)

**شیخ فضل الله معروف به شیخ الاسلام زنجانی** پسر مرحوم میرزا نصر الله شیخ الاسلام زنجانی است اسلاف ایشان تا آن اندازه که اطلاع از حالات ایشان در دست است از اهل علم بوده اند جد اعلای ایشان مرحوم آخوند ملا علی پسر ملا محمد حسین ابن ملا محمد از علماء اواخر عصر صفویه بوده و ترجمه از او در کتاب شهداء الفضیلة (ص ۲۳۴) موجود است پسر آن مرحوم حاج ملا محمد زنجانی از علماء اهل عصر قاجاریه و در هنگام جنگهای ایران و روس با علماء اعلام از قبیل سید مجاهد و فاضل نراقی و غیرهما حسب الدعوة مرحوم فتحعلی شاه در سلطانیه مجتمع و همگی بعزم تحریض سلاطین بطرف آذربایجان حرکت نموده اند که تفاصیل آن خارج از موضوع این ترجمه است

**پسر کوچک آن مرحوم**: حاج آقا نصر الله شیخ الاسلام هم در زنجان ریاست عامه داشته و طرف توجه سلاطین قاجاریه و رجال مهم آن دوره بوده و در اوایل سلطنت ناصر الدین شاه وفات نموده است

**و پسر آن مرحوم حاج میرزا لطف الله مجتهد** از تلامذهٔ صاحب ضوابط و مرحوم شیخ محمد حسن صاحب جواهر و شیخ محمد و شیخ مهدی پسرهای شیخ علی ابن شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء رضوان الله علیهم بوده و از جناب اساتیدش اجازات اجتهاد و روایة داشته .

**والد صاحب ترجمه هم میرزا نصر الله شیخ الاسلام** از تلامذهٔ مرحوم آقا سید علی قزوینی صاحب حاشیهٔ قوانین و جمعی دیگر هم از اساتید از علماء قزوین و غیره تلمذ نموده در ماه ذی الحجة سال ۱۳۲۰ در زنجان وفات نموده .

**تولد صاحب ترجمه**: در روز جمعه ۲۲ شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر زنجان اتفاق افتاده و تحصیلات ابتدائی را در همان شهر نموده و بعد از تکمیل مقداری از علوم عربیه و منطق و غیره و متون فقهیه و اصولیه متداوله مقداری از علوم معقول و کلام و حکمت در نزد استاد فاضل ورع میرزا عبد المجید زنجانی که از فضلاء تلامذهٔ مرحومین میرزا ابو الحسن جلوه و آقا علی مدرس بود تحصیل و مقداری اصول فقه خارج از مرحوم آقا میرزا عبد الله پسر مرحوم ملا احمد زنجانی الاصل که مدتها در عراق عرب متوطن بود و از فضلاء شاگردان مرحوم سید اجل بزرگوار حاج میرزا محمد حسن شیرازی در حوالی سنه ۱۳۱۲ با ایران بقصد زیارت مشهد مقدس آمده بود و مدتی هم در زنجان توقف داشت تحصیل نموده تا در اواخر سنه ۱۳۲۱ هجری بعزم تکمیل تحصیل عازم بطرف





عتبات عالیات گردید و از محضر اساتید کرام و مراجع عظام مستفید و کسب فیوضات نمود عمده تلمذ و استفاده‌اش در نجف اشرف از محضر و درس فقه مرحوم سید اجل آقا سید کاظم یزدی و در درس اصول و فقه مرحوم شیخ الشریعة الاصفهانی اعلی الله درجتهما بود و زمان قلیلی هم در درس مرحوم مغفور آقا میرزا محمد تقی شیرازی که در اواخر زمان خودش در کربلا متوطن و مجلس درس خصوصی داشت حاضر و مستفید گردید اصول مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی را هم در نزد افضل تلامذهٔ آن مرحوم در فن اصول آقا ضیاء الدین عراقی طاب ثراه تحصیل نموده .

در اواخر سنه ۱۳۳۹ بعد از وفات مرحوم آیة الله شیخ الشریعة الاصفهانی قدس سره که بعد از فوت مرحومین سید یزدی و میرزای شیرازی ریاست و مرجعیت عظمی بایشان منتقل شده بود از عتبات عالیات مراجعت بطرف ایران نموده و مدتی در زنجان متوقف و برشتهٔ امور علمیه و وظایف دینیه مشغول و بعد دو سه سال مدتی خلع در امور دنیویه خود را برکنار میدارد

در سال ۱۳۶۳ بزیارت عتبهٔ مقدسهٔ رضویه علی ساکنها الاف الثناء و التحیة مشرف و بعد از مدتی اقامت و ملاقات با علماء مجاور آن بلدهٔ مقدسه مراجعت بزنجان و در اواخر همان سال مشرف بزیارت عتبات عالیات شده و مدتی هم در آن اماکن مقدسه مشرف و تجدید عهدی با علماء مراجع و رجال علم آن بلاد مقدسه حاصل نموده و فعلا هم در خود زنجان متوقف و بهمان رشته وظایف دینیه و علمیه و تحریر بعضی مسائل علمیه اشتغال دارد .

**مترجم از جمعی از علماء مراجع حالیه و سابقین** اجازات اجتهادی و روایتی دارد که بخطوط خودشان محفوظ است در اینجا از اجازات روایتی یکی را که سنداً از همه عالیتر است ذکر میشود و آن اجازه ایست که مرحوم میرزا سید حسن صدر الدین اعلی الله مقامه در پشت یکی از تصنیفات خودش بصاحب ترجمه داده است و صورت آن اینست :

### (اجازهٔ آیة الله سید حسن صدر عاملی کاظمی ره)

(باقای شیخ فضل الله شیخ الاسلام زنجانی متعنا الله بطول بقائه و کثر لقائه :)

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله علی ما اجازنا من تحدیث فضله ونعمته وروایة علمه وقد دتره والصلوة علی خیر خلقه واشرف الرواة عنه بشریعته وعلی الائمة الهداة من ذریته والرحمة والرضوان علی حملة العلم والرواة عن محمد والصلوات الله علیه وعلی آله الطیبین الطاهرین * اما بعد فقد اجزت المولی الامام العلامة الشیخ فضل الله الزنجانی شیخ الاسلام ادام الله تعالی تأییده ان یروی عنی کل ما صح لی فی العلوم الاسلامیة خصوصا الحدیث والفقه والتفسیر

عنی عن مشایخ المذکورین فی اجازتی الکبیرة بغیة الوعاة فی طبقات مشایخ الاجازات علی ترتیب تلک الطبقات العشرة عنهم عن الائمة الهداة علیهم افضل الصلوة والسلام وکذلک اجزت له روایة کل مصنفاتی الثمانین فلیرو دام ظله عنی کیف شاء واحب لمن شاء واحب علی شروط الروایة عند اهل الدرایة وارجوان لاینسانی من الدعاء عند مناجاته وفی خلواته وعباداته زاده الله فی فضله وعلمه . حرره العبد الراجی فضل ربه ذی المنن ابن السید العلامة الهادی حسن المشهر بالسید حسن صدر الدین الموسوی العاملی الکاظمی ۲۵ رجب ۱۳۳۹

*محل خاتم الشریف*

## (صورة اجازة الفاضل العلامة من اعاظم علماء العامة السید محمود الشکری العلوی الحسینی الآلوسی برای مترجم معظم)

چون اجازهٔ مذکوره مشتمل بر فوائد مهمه ومقاصد جلیله وتجلیل مذهب فاخر امامیه وتکریم ائمهٔ دینیه علیهم الاف الثناء والتحیه بود لذا بعین الفاظها وعباراتها وتمام فقراتها منقول میشود :

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی ابدع بقدرته فطرة الخلیقة واولی کلا بحسب قابلیته مما یلیق به من صبغة الحقیقة فعلم آدم الاسماء کلها وفهم الخواص دقیقها وجلیها واصطفی من اکابر ذریته خالص اهل صفوته للبحث عن حقایق الاشیاء والاطلاع علی خال بطون الانباء فغدوا مواضع ودایع اسراره ومطالع طوالع انواره فاستنبطوا وافادوا وصنفوا واجادوا واستضائت من اشعة لمعان قرائحهم الافاق واشرقت الارض بنور ربها کل الاشراق ان سلف واحد منهم تخلفنا وحکی بعدا وحکی ارغاب کوکب طلع بدله بالاشراق سریعا فصار سندهم سلسلة موصولا الی ما هو خیر بالذات وابقی فمن تمسک بحبلهم المتین فقد استمسک بالعروة الوثقی والصلوة والسلام علی من کان سهمه فی العلم فی مقام قاب قوسین مکمل علوم الاولین والاخرین من الثقلین وآله الذین لم یالوا جهدا فی نشر جواهر العلوم بایدی الروایة والدرایة ونظم افراد الائمة الخصوص والعموم فی اسلاک الهدایة والعنایة .

**وبعد** فان فضل الاسناد اظهر من ان یقام علیه دلیل ولذا ترى العلماء قد ضربوا الیه اکباد الابل واکباد الجبال جیلا بعد جیل وقد اخبرنی من اثق به ان حضرة العالم الفاضل والکامل الواصل .

حضرة شیخ الاسلام وعلم الاعلام الشیخ فضل الله الزنجانی ما زال مرتویا بفیض الفضل الربانی کان هاجر الی النجف فی طلب العلوم وتلقی المنطوق منها والمفهوم وحضر علی الاساتذة وقرء علی الجهابذة وقد صمم رایه فی هذه الایام علی العود الی وطنه وقد نال من اجازات المشایخ ما تتوجه مسلمات فطنته واحب نیل



صدر الدین رحمه الله تصنیفاً ثمانین

اجازه سید محمود شکری الوسی برای شیخ الاسلام زنجانی

فضل علم رجال و علم الدرایه

تمجید شیخ الاسلام زنجانی



الاجازة من طرقنا وتلقی ما اسندنا وطلب منی لعلمه بفضل الاسناد الاجازة بما تجوز لی روایته وتحت لدی درایته فاعتذرت عن ذلک وانشدت قول القائل فیما هنالک :

| | |
|---|---|
| ولست باهل ان اجاز فکیف ان | اجیز ولکن الحقایق قد تخفی |
| واصداء فکری قد عرتها حوادث | فاونة تخفی واونة تطغی |

فلما لم یقبل الاعتذار واصر علی ما اراد کل الاصرار اجزته بالعلوم العقلیة والنقلیة والفنون الفرعیة والاصلیة کما اجازنی والدی السید عبد الله بهاء الدین الحسینی الالوسی وهو قد اخذ الاجازة عن والده ذی التصانیف الشهیرة السید محمود شهاب الدین ابی الثناء صاحب روح المعانی فی تفسیر القرآن والسبع المثانی کما اجازه الشیخ عبد الرحمن الکردی عن الشمس الشیخ محمد الکردی عن السید سعد الله الهندی عن السید عبد الشکور عن شاه مسعود الاسفراینی عن الشیخ علی الحسینی عن الشیخ جعفر بن احمد الحسینی عن الشیخ ابراهیم الحسینی عن الشیخ عبد الرزاق عن الشیخ عبد القادر عن ابی سعید المبارک المخزومی عن الشیخ عبد العزیز التمیمی عن الشیخ ابی القاسم احمد بن ابی بکر عن عبد الله الشبلی عن ابی القاسم سعید بن عبید المشهور فی الخافقین بالجنید عن خاله السری السقطی عن ابی محفوظ الشیخ معروف الکرخی عن سیدنا الامام علی بن موسی عن والده سیدنا الامام موسی الکاظم عن والده سیدنا الامام جعفر الصادق عن والده سیدنا الامام محمد الباقر عن والده افضل التابعین سیدنا الامام علی الاصغر زین العابدین عن والده احد الریحانتین وثانی سیدی شباب اهل الجنة الامام الحسین عن والده مظهر العجائب سیدنا الامام علی بن ابیطالب عن ابن عمه وجلاء غمه حبیب الحق ورسوله عز وجل الی جمیع الخلق سید العالم **محمد** صلی الله علیه وسلم وهو من امر ذی النور المبین بواسطة روح الامین المنادین الملائکة برب العالمین الی الانبیاء والمرسلین صلوات الله وسلامه علی نبینا وعلیهم اجمعین .

**وارجو من المجاز** ایده الله ان یدعو لی ولسایر المسلمین بنصرهم علی اعداء الدین لاسیما فی الاوقات الشریفة والاماکن المقدسة المنیفة وحل المقصد والمرام الدعاء بالعافیة وحسن الختام وکان ذلک یوم الاثنین للیلتین خلتا من شعبان سنة تسع وثلاثین وثلثمائة والف من الهجرة النبویة

کتبه الفقیر الیه تعالی شانه محمود شکری العلوی الحسینی الالوسی عفی الله عنه

**وصاحب ترجمه را پارهٔ تالیفات وتحریرات علمیه هم هست که ذیلا بآنها اشاره میشود :**

(۱) حاشیه بر منطق شرح منظومهٔ مرحوم حاج ملا هادی سبزواری .



سلسله اجازات سید محمود شکری الوسی

انتهاء سند روایت ... علیهم الصلوة والسلام

(۲) حاشیه بر اوایل شوارق ملا عبد الرزاق لاهیجی تا مبحث وجود ذهنی که این رساله را در اوایل زندگانی خود نوشته

(۳) رساله در مسئلهٔ الواحد لایصدر عنه الا الواحد که رد قول قائلین باین قول را نموده ✻

(۴) حواشی بر رسالهٔ حدوث عالم ملا صدرا و رد بعضی مطالب آن . ✻

(۵) رساله در اثبات اصالت ماهیة و منشأ قول باصالت وجود و تضعیف آن . ✻

(۶) تاریخ علم کلام در اسلام . ✻

(۷) تاریخ مذهب شیعه و رد مفتریات که بمذهب شیعه نسبت داده اند . ✻

(۸) رساله در مسئلهٔ کر و جمع بین روایات مختلفهٔ وارده در آن مسئله . ✻

(۹) تراجم رواة و رجال مشهور قدیم زنجان . ✻

(۱۰) تعلیقاتی بر کتاب اوائل المقالات شیخ مفید قدس سره که در این اواخر با خود کتاب اوائل المقالات در تبریز بطبع رسید . ✻

متفرقات تقریرات دروس غیره هم هست که فرصت تدوین آنها نشده و انشاء الله خداوند توفیق اتمام آنها را میخواهند

(انتهی ما کتبه النابیه المبارکه آیة الله تعالی) . ✻

## (۱۲) آقا سید محمد آقا بهبهانی طهرانی مدظله العالی

(مجلهٔ جلیلهٔ آئین اسلام — شمارهٔ مخصوص بجای شماره ۱۴ — ص ۲۱)

### (شرح حال حضرت آیة الله — آقا میر سید محمد بهبهانی)

ما در نظر داشتیم که شرح زندگانی حضرت آیة الله بهبهانی را مفصلاً بدست آورده و در این نامهٔ دینی بلحاظ خوانندگان گرامی برسانیم ولی بجهت کثرت مشاغل حضرت معظم له نتوانستیم که بمنظور خود نائل شویم اینک اجمالاً که خود میدانستیم برشتهٔ نگارش آورده و امیدواریم که انشاء الله تعالی در آینده بشرح مفصلی بپردازیم .

**حضرت آیة الله بهبهانی** که امروز زیاست روحانیت تهران را عهده دار هستند فرزند مرحوم آیة الله سید عبد الله بهبهانی است که خدمات دینی و ملی آن مرحوم بر هیچ کس پوشیده نیست و شرح زندگانی و اعمال درخشان و خدمات شایان مرحوم حضرت آیة الله بهبهانی بزرگ که بالاخره بجانفشانی و فداکاری و شهادت آن مرحوم انجامید باید جداگانه نوشته شود و فعلاً در صدد آن نیستیم و تنها چیزیکه در اینجا باید تا گفته نماند آنست که مرحوم آیة الله بهبهانی در تنظیم مواد متمم قانون اساسی از جنبهٔ دینی سهیم و شریک بوده و باین وسیله خدمت بزرگی بعالم





اسلام نموده است . بهر حال فرزند ارجمند آن مرحوم که فعلاً زمام امور دینی مرکز در دست با کفایت ایشان میباشد **نامش میر سید محمد** و در دهم جمادی الاخری سال ۱۲۹۱ قمری هجری در تهران متولد شده و مادرش از اولاد مرحوم سید علی صاحب ریاض بوده است و تا سن دوازده سالگی مشغول تحصیلات مقدماتی بوده و از دوازده سالگی ببعد بآن طرف بتحصیل فقه و اصول پرداخته و مدت شش سال هم از مرحوم میرزا ابو الحسن جلوه درس فلسفه و معقول خوانده و بعد از فراغت از سطح و متون هفت سال هم در محضر آیة الله علامهٔ آشتیانی بتحصیل خارج فقه و اصول اشتغال داشته و پس از فوت مرحوم علامهٔ آشتیانی مراتب تحصیلیهٔ خود را در محضر والد ماجد خود تکمیل و بعد از آن از مراجع بزرگ و اساتید سترگ عراق عرب استفاده ها نموده و بمرتبهٔ عالیهٔ اجتهاد نائل گردیده اند . ✻

**حضرت آیة الله بهبهانی** کاملاً از اوضاع محیط امروزی مستحضر و در راه ترویج دین مقدس اسلام و حفظ نوامیس شرع اقدس با کمال شهامت فداکار میباشند . ✻

**حضرت آیة الله بهبهانی** تاکنون از فیض نماز شب محروم نمانده است آیة الله بهبهانی در محیط متدینین عموماً و بازاریان تهران خصوصاً موقعیت محبوبی دارند حضرت آیة الله مورد اعتماد عموم مراجع تقلید عراق و ایران بوده و میباشند . ✻

**آیة الله بهبهانی** نزد عموم سیاستمداران کشور موقر و محترم است و با همه معروفیت و محبوبیتی که دارند در روش زندگی و زندگانی بسیار ساده و بی الایش میباشند .

**آیة الله بهبهانی** بومیه بیست و چهار ساعت خود را وقف انجام امور عامهٔ مردم نموده و از هر گونه آسایش و استراحت محروم مانده است . ✻

(این بود خلاصهٔ آنچه ما میدانستیم) و ما بقاء توفیق و سعادت را نسبت بحضرت معظم له از درگاه ایزد متعال خواستاریم

## (۱۳) آقای سید صدر الدین شوشتری نزیل طهران مدظله العالی

حسب استدعاء حقیر این جمله را در ترجمهٔ خود مرقوم فرموده انفاذ داشته اند

بسم الله الرحمن الرحیم ولله الحمد این بنده سید صدر الدین الشوشتری ابن السید حسین بن السید محمد علی بن السید عبد الله بن السید علی اکبر بن السید عبد الله بن السید نور الدین بن السید نعمة الله الجزایری الموسوی . ✻

تولدم یوم هفتم ذی الحجه سنه ۱۳۱۳ قمری هجری در نجف اشرف بوده و در حدود چهار سالگی در معیت مرحوم

در باب وسطوح دانشرا ۱۲ سال در طهران نزد اساتید که یکی از آنها مرحوم والدم بود و مرحوم آقا سید محمد تنکابنی
و مرحوم آقا شیخ محمد رضا نوری مقداری از شرح اشارات را خدمت آقا میرزا احمد کاشانی تعلم و تلمذ نمودم . ❋

## تحصیلات مترجم محترم در ارض اقدس و نجف اشرف و حائر طاهر :

شعبان ۱۳۲۵ بمشهد مقدس مشرف قریب هفت سال خدمت جمعی از علماء انجا مثل مرحوم حاج فاضل
و مرحوم آقازاده آقا میرزا محمد و حضرت آیة الله حاج آقا حسین قمی و دیگر آقایان تلمذ نموده از انجا بعتبات عالیات مشرف
ده سال در نجف اشرف خدمت مرحوم نائینی و مرحوم آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی بفقه و اصول اشتغال داشتم
و غالبا در محضر مرحوم آقا سید عبد الغفار مازندرانی مشرف و از کلمات شریفه ایشان که نوعا استفادات معنوی
و اخلاقیات از کتاب ایشان بود مستفید میشدم و بنجاه النهر و حائر مقدس خدمت آقای قمی دام ظله استفاده
فقه و اصول میکردم بعدا برای زیارت والد ماجدم بطهران آمدم و تا حال هفت سال است که در طهران هستم و تمام
جماعت مختصری و درو مدرسه مروی مختصر اشتغالی دارم و از خدای متعال حسن عاقبت تمنا مینمایم . صدر الدین الموسوی

**مؤلف گوید :** صاحب عنوان ایده الله الملک المنان فعلا در طهران از عمده مروجین دین مبین
و مبلغین احکام شرع متین و در مدرسه مروی تدریس طلاب محصلین و تعلیم مستعدین مشتغلین که از بلاد بعیده
ایران شد رحال میکنند راجع بوجود مسعود ایشان است و اخیرا تا مکاتباتی بینی و بینه واقع و از احفاد حقیر در
خدمت حضرت معظم له مشغول تحصیل هستند . ادام الله ایام افاضاته و افاداته . ❋

**محض برای اداء** بعضی از حقوق دینیه این اسره کریمه سلسله جلیله خواستم که شرح حال بعضی از اجداد
امجاد مترجم محترم در این مقام مذکور آید . ❋

## ترجمه مرحوم علامه سید عبد الله حفید فقیه

مرحوم سید نعمة الله جزایری اعلی الله مقامهم . ❋

**خاتمه مستدرک الوسائل** العالم المتبحر النقاد السید عبد الله بن العالم السید نور الدین بن المحدث
النبیل السید نعمة الله الجزایری هو من اجلاء هذه الطائفة وعینها ووجهها وممن اجتمع فیه جودة الفهم وحسن
السلیقة وکثرة الاطلاع واستقامة الطریقة کما یظهر من مؤلفاته الشریفة کشرح النخبة واجوبة المسائل التی اهداها و تذکرته
وغیرها وله اجازة کبیرة فیها فوائد ظریفة ونکات لطیفة . ❋

## ذکر کرامتی از سید شمس الدین از اجداد سید جزایری علیهما الرحمة :

**ایضا در خاتمه مستدرک گوید :** مرحوم سید نعمة الله جزایری در مقامات النجاة گوید جد ما
صاحب کرامات سید شمس الدین روزگاری داشت که در دو دیار خانه ها اجرا میکرد روزی شیر آمد و او را دید و ...





نزدش ایستاد و از وی چیزی بخورد جد ما از خبر دادند آمد و طناب بگردن گاو و بالای آن محکم برداشت و آمد نزد شیر و طناب
بگردنش بسته بمنزل آورد و مردم متحیرانه نگاه میکردند و شب او را نگهداشت و گفت این شیر را بعوض گاو خودم برای زراعت
نگه میدارم همسایگان گفتند این ممکن نیست نامیدند ایشم سید شمس الدین او را خلاص کرد و این کرامت را بعضی از شعراء
منظوم داشته و در خاتمه مستدرک مذکور است . ❋

**روضات الجنات ص ۲۳** السید المحدث الجلیل عبد الله بن السید نور الدین بن علی بن السید المحدث
العلامة النبیل نعمة الله الحسینی الموسوی التستری الجزائری کان من علماء زمان الفترة وطغیان الفتنة بعد اختلال
الدولة الصفویة فی مملکة ایران المحمیة ماهرا فی علم الحدیث والفقه وفنون الادب العربیة وقد ذکره فی اجازته التی
الیها الاشارة بتفصیل احواله واحوال والده المحدث المقدس المبرور واشار فیها الی احوال جملة من مشایخه المعظمین
وافاضل عصره المکرمین مثل المرحوم السید صدر الدین الرضوی القمی والسید نصر الله الحائری والمولی ابی الحسن
العاملی وکثیر من فضلاء سلسلة المجلسی رحمة الله علیهم اجمعین وکانه وضعها تکملة لکتاب امل الآمل وتدارکا لما
فات منه من احوال علمائنا الاخصین الی زمان نفسه وله اشعار رائقة وافکار رائقة وکتب ثمینة وخزائن ثمینة
منها شرحه علی مفاتیح الاحکام وشرحه علی نخبة الفقه لمولینا الفیض وکتابه الموسوم بالذخیرة الباقیة وکتابه الآخر
الموسوم بالذخیرة الاحمدیة والآخر الموسوم بالانوار الجلیة وغیر ذلک . ❋

**الذریعة (ج ۳) (ص ۴۴۲)** التحفة السنیة فی شرح النخبة المحسنیة للسید عبد الله بن نور الدین
بن المحدث الجزایری المولود سنة ۱۱۱۴ والمتوفی سنة ۱۱۷۳ قال فی اجازته الکبیرة التی کتبها سنة ۱۱۶۸ هو کتاب جامع
یشتمل علی خلاصة علم الاخلاق ومهمات الفقه من اوله الی آخره یجری مجری شرح اللمعة فی الدقة والایجاز ویزید
علیه بالاشارة غالبا الی ماخذ الاحکام وعزاها الی خبیر فیها الناظر فیه وهو الآن مطرح انظار علماء هذه الدیار
ومشتغلیهم وبلغت مدارسه باب الشفعة نسأل الله الاتمام وبلوغ المرام وصحح المؤلف ایضا فی تذکرته انه کتبه
بامر المولی علی بن علی النجار التستری الذی کان تلمیذ السید نور الدین والد المؤلف اوله اللهم انا نجعل لک حمدا
یکون لنا وسیلة الیک وذریعة للزلفی لدیک نسخ چندی از آن دیده ام من جمله نسخه عصر مؤلف که خطش
در آن بود که گفته از مباحثاتش با جمعی از طلاب در سنه ۱۱۷۰ فارغ شدم در مکتبه حاج سید نصر الله تقوی در
طهران و در بعضی از نسخ آن مکتوب است که سنه ۱۱۶۳ تا البعفر بوده و در هوامش اوایل کتاب حواشی برای ملا علی بن حاج
میر علی صراف شوشتری معاصر مؤلف و مترجم در تذکره اش بود . ❋

**مؤلف گوید :** بحمد الله و فضله نسخه بخط عالی و قرطاس عالی نزد حقیر موجود در پشت کتاب مسطور است
بسم الله التحفة السنیة فی شرح نخبة المحسنیة حسب المرام قضا نظام نواب کامیاب گردون قباب مالک الرقاب

اسد الله میرزا صاحب اخبار ممالک عربستان حفظهم الله تعالی، سمت اختتام پذیرفت فی رجب ۱۳۴۹ و الحمد لله

خاتمهٔ مختصر

و در خاتمهٔ کتاب مرحوم مؤلف حشره الله مع اجداده الاطیاب گوید: وانا اعتذر الی الله من کل ما طغی به القلم اوزل فیه القدم اوقصر عنه الفهم اوسبق الیه الوهم اوتهافت فیه العبارة اوتخافت به الاشارة اوبحث بما لایلیق افشاءه اوکتمت ما لاینبغی اخفاءه اوعدلت عن سنن السداد اوقصرت فی نظر واجتهاد اوقبضت اوبسطت فی غیر محل اوغیر ذلک من وجوه الخلل . ✻

وایضاً گوید: که این کتاب مستطاب تالیف شد فی عام الف ومائة وثلث وستین من الاعوام الهجریة المنسوبة الی هجرة الرسول صلی الله علیه وآله من مکة الی المدینة قبل وفاته صلوات الله علیه وآله بعشر سنین وهو التاریخ الذی ینسب الیه الوقایع الاسلامیة بارشاد امیر المؤمنین علیه السلام واصله ماخوذ من الوحی الالهی کما ینبه علیه ما فی سند صحیفة سید الساجدین صلوات الله علیه وعلی ابائه وابنائه الائمة الطاهرین . ✻

## ﴿ وصف الاجازة الکبیرة ﴾

وصف اجازهٔ کبیره

**الذریعة** (ج ۱) (ص ۲۶) اجازة السید عبد الله بن السید نور الدین بن السید المحدث نعمة الله بن عبد الله الموسوی الجزائری التستری المتوفی سنة ۱۱۷۳ کبیرة مبسوطة کتبها لاربعة من علماء الحویزة ذکراولاً الشیخ محمد بن کرم الله الحویزی والشیخ ابرهیم بن خاجا عبد الله بن کرم الله ثم شارک معهما فی اخر الاجازة الشیخ ابرهیم بن الشیخ عبد الله بن ناصر الحویزی الهبلی والشیخ محمد بن الشیخ محمد مقیم بن الشیخ درویش محمد الاصفهانی الغروی تاریخها اصیل الاحد ثانی جمادی الثانیة سنة ۱۱۶۸ وعقد فی اخره فصلاً مستقلاً فی ترجمة الشیخ عبد الله التماهیجی یروی فیها عن والده نور الدین وعن السید نصر الله الحایری والامیر محمد حسین الخواتون ابادی و السید رضی الدین بن محمد حیدر المکی والسید صدر الدین بن محمد باقر الرضوی القمی ورایتها بخط الشیخ محمد بن میر علی بن حسین بن علی بن معصوم علی التستری تلمیذ المجیز کتبها فی رجب سنة ۱۱۶۸ . ✻

اجازهٔ سید عبد الله بعلماء حویزه

**مؤلف گوید**: اول اجازهٔ مذکوره این است الحمد لله المتواترة نعماؤه المتظافرة آلائه المسلسة مکارمه المستفیضة مراحمه المتواترة سلطانه القویة برهانه والصلوة والسلام علی نبیه المرسل رحمة للانام وآله ائمة الخاص والعام

**و در این رسالهٔ شریفه** الموسومة بالاجازة الکبیرة بیست کتاب رساله از عربیه وفارسیه در مقاصد وموضوعات مهمه از هر قبیل از مؤلفات شریفه ومصنفات منیفهٔ خود با ذکر تفصیل هر باب تعداد فرموده .

**و در تقریظ والد مرحوم خود** سید نور الدین قدس سره گوید: کان والدی العلامة الامام مقبولة الخاص والعام نور الدنیا والدین تغمده الله بالرحمة والرضوان وروح روحه بالروح والریحان وکان رضی الله عنه حافظاً ذکیاً دقیق الفهم متوقد الذهن مستقیم السلیقة حسن اللهجة فصیح الکلام حلو المنطق





جید التعبیر فطناً للنکات والدقائق غارقاً باسالیب الکلام شاعراً منشیاً ادیباً خطیباً مجیداً مهذب الاخلاق محمود السیرة کثیر المروة متواضعاً هیناً لیناً سهل العریکة مع ما علیه من الوقار وکانت اوقاته مضبوطة موزعة علی مشاغله الدینیة والدنیویة لایدخل شغلاً علی شغل ومن ثم کان فائزاً برکة الاوقات وکان اذا توجه لمطالعة درس اوالتامل فی عبارة مشکلة یقبل علیه بجمیع حواسه وقمته لاینقطع عنه قاطع حتی ینهیه علی وجهه ویستخرج من مکنونه ما لایطیقه غیره وربما کان یدرس دروساً متعددة فکان یراجع شروحها وحواشیها ومتعلقاتها اجمع ویلقی جمیع ذلک وقت التدریس مع الزود والقبول لایعزب عنه حرف واحد . ✻

تقریظ از سید نور الدین

**وبعد از نقل مصنفات شریفه‌اش گوید**: شب ششم ذی الحجه سنة ۱۱۵۸ برحمت حق پیوست ✻

## (۱۴) ﴿ آقا میرزا کاظم طباطبائی تبریزی سلمه الله تعالی ﴾

✻ **حسب خواهش حقیر** این جمله را در ترجمهٔ خود مرقوم فرموده انفاذ داشته اند: ✻

حسب الخواهش آقا کاظم طباطبائی تبریزی

**این بندهٔ جانی** کاظم بن صادق بن عبد الفتاح بن حاج میرزا یوسف طباطبائی تبریزی در ۲ شهر رجب الاصم سنة ۱۲۹۹ هجری متولد ودر مسقط الراس بعد از تحصیل مقدمات مشغول تعلم علوم دینیه گردیده ودر بلوای مشروطه بامر والد ماجد بعتبهٔ مبارکهٔ بلدهٔ طیبهٔ قم مشرف ودر سنة ۱۳۲۶ و ۲۸ در حضور علماء عظام واساتید کرام آن بقعهٔ مقدسه مشغول تحصیل تا مرحوم ابوی طاب مضجعه احضار فرمودند خودشان بعتبات عرش درجات مشرف ودر سنة ۱۳۳۰ در کربلای معلی برحمت ایزدی پیوست وبنده در اواخر سنة ۱۳۳۱ از تبریز بنجف اشرف مشرف وتا اواخر سنة ۱۳۳۲ در آستان ملایک پاسبان حضرت مولی الموالی مدینة العلم در محضر حجج الاسلام فقهاء عظام من جمله علمین ربانیین آیة الله آقا سید کاظم طباطبائی وآقای شریعت اصفهانی وآقای فیروزابادی وغیرهم قدس الله اسرارهم وحضور مبارک حضرت آیة الله آقا سید ابو الحسن آقای اصفهانی مد ظله العالی مشغول تحصیل بودم

**ودستخط مبارکی** که حضرت معظم له در حق بنده بخط شریف خودشان مرقوم فرموده اند محض برای شکر نعمت الهیه من باب خودنمائی عیناً نقل میشود: ✻

دستخط آقای اصفهانی مد ظله العالی

**بسم الله الرحمن الرحیم** الحمد لله رب العالمین بارئ الخلائق اجمعین ومفضل العلماء العاملین والمثنی علیهم فی کتابه المبین بما یغنی عن توصیف الواصفین ومدح المادحین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء و المرسلین وافضل السفراء المقربین محمد خاتم النبیین وعلی آله الطیبین الطاهرین المعصومین سادات الخلق اجمعین

**وبعد** فمن ابین الواضح والجلی اللائح ان العلم اشرف ما یتحلی به البشر وافضل ما یجتنی من عمره من ثمر بل لا شرف الا وهو نظامه ولا کرم الا وهو ملاکه وقوامه به یعرف الله ویوحد ویطاع ویعبد والعلماء ورثة

النبیین وسادة المسلمین والدعاة الی الدین یستغفر لهم کل رطب ویابس حتی حیتان البحر وهوام سباع البر والانعام

**وممن وفقه الله تعالی** بهذا التکریم والتشریف وانفق علی تکمیله عمره الشریف العالم العامل و الفاضل الفاضل الکامل السید السند والحبر المعتمد الحسیب النسیب ذو الحسب الرفیع والنسب المنیع صاحب القریحة القویمة والسلیقة المستقیمة والحدس الصائب والنظر الثاقب عمدة العلماء العظام و الفضلاء الفخام المهذب الصفی الامیرزا کاظم آقا التبریزی دام فضله العالی وزید مجده السامی فقد کد وجد وتعب واجتهد وحضر علی غیر واحد من العلماء الاعیان وعند هذا الضعیف شطراً من الزمان متأملاً فی مدارک الاحکام متدبراً فی غوامض مسائل الحلال والحرام حتی اصبح غارفاً بمهمات مدارک الاحکام الشرعیة خبیراً بجل معاقد من المباحث النظریة فلیحمد الله تعالی علی ما آتاه من الآلاء العظام واولاه من النعم الجسام . ✻

**وقد اذنت له التصدی** للامور التی یرجع فیها الی الحاکم الشرعی من حفظ اموال الایتام والقصر والنظر فی مصالحهم ونصب القیم لهم وتولی الاوقاف التی لا متولی لها بالخصوص والوصایا التی لا وصی لها والصلوة علی الجنائز التی لا ولی لها واخذ الزکوة والمظالم وایصالها الی مصارفها . ✻

بل اذنت له سلمه الله تعالی فی اخذ سهم الامام علیه وعلی آبائه افضل الصلوة والسلام وصرفها فی المصارف اللازمة من اعانة المحتاجین من طلبة العلوم الدینیة والمضطرین من العلویین والعلویات وارسال الزائد الی النجف الاشرف وبالجملة جنابه سلمه الله ماذون فی جمیع ما یرجع فیها الی المجتهد اما لزوماً او من باب الاحتیاط لانه الثقة الامین بل هذا کله من باب الاحتیاط والا فهو اجل من ذلک بل هو اهل لان یجیز لا ان یستجیز و یاذن لا ان یستاذن واوصیه لعدم التعدی عن سلک الاحتیاط الحافظ عن زلل الصراط وارجوان لا ینسانی من الدعوات الصالحات فی حیوتی وبعد الممات کما انی لا انساه ان شاء الله تعالی فی الخلوات وعند مظان استجابة الدعوات وفقه الله تعالی وایانا وجمیع المؤمنین لما یحب ویرضی وکان تحریر ذلک فی ثامن جمادی الاولی سنة ۱۳۳۷ حرره الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی . ✻

( محل خاتم شریف )

**مؤلف گوید** : مترجم معظم از اعاظم علماء تبریز وافاخم فضلاء وقت حائز فضائل نسب و فائز فواضل حسب از اسرهٔ کریمهٔ نبویه وشعبهٔ طیبهٔ علویه حسنی خلق وحسینی عرق میباشد . ✻

| | |
|---|---|
| نسب کان علیه من شمس الضحی | نوراً ومن فلق الصباح عموداً |

آباء کرام واجداد امجاد حضرت معظم له همه از اشراف سادات خطهٔ آذربایجان واکابر علمای آن سامان

| | |
|---|---|
| شرف تتابع کابر عن کابر | کالرمح انبوب علی انبوب |



وخود صاحب عنوان ایده الله الملک المنان در کلیه موجبات تقدم واسباب تفوق ووسائل براعت وادوات رفعت واتقان عقیدت ولطف قریحت دارای حظی وافر وقسطی کامل . ✻

**از عنفوان شباب** با مؤلف کتاب سمت معاصرت ومعاشرت داشتند ودر خدمت مرحوم استادنا الاعظم واستادنا الاکرم العلامة النحریر البارع فی التقریر والتحریر ذی النظر السدید والباع المدید والذهن الوقاد والطبع النقاد علم الاعلام مرجع الاحکام حاج میرزا اسد الله مجتهد تبریزی طیب الله رمسه از شرکاء درس احقر بودند . ✻

**و پس از مراجعت از تحصیل** در تبریز صاحب محراب ومنبر ودر امر بمعروف ونهی از منکر بسی متصلب ودر تبلیغ احکام وحفظ حدود اسلام زاید الوصف متعصب هستند . ( سلمه الله بیانه وبنانه ) .

## (۱۵) ( آقا سید محسن جبلی عاملی نزیل شام ملقب بامین دامت افاضاته )

**ریحانة الادب** (ج ۱) آقا سید محسن امین عاملی در عصر حاضر از اجلاء علماء امامیه ومفاخر شیعه اثنی عشریه صاحب تالیفات جیدهٔ نافعهٔ متنوعه که اکثر آنها چاپ شده وفعلاً در دمشق شام ساکن ومرجع تقلید آن نواحی بوده وجمعی وافر در اثر ارشادات وی مذهب حق جعفری را برگزیده . ✻

واز تالیفات او است اعیان الشیعة که اسمش حاکی از مسمی وکتابی است جلیل واز محاسن عصر ما معدود واز سال ۱۳۵۳ هجری بطبع آن شروع شده وتا این تاریخ دوازده مجلد آن از طبع برآمده وتوفیق اتمام تالیف وطبع آنرا از ته دل از درگاه خداوندی خواستاریم . ✻

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۳۴) سید محسن عاملی نزیل دمشق شام سلمه الله تعالی هم از اجلهٔ علماء معاصرین وبدین خاطر از مناصرین جید التحریر کریم التقریر محبوب القلوب در بلاد خود (اصل) احیاء واضداد بکثرت فضل ووفور عقل معروف . ✻

**مؤلفات لطیفه ومصنفات شریفه‌اش** : او را مؤلفاتی هست که بآنها آثار اجداد طاهرین خویش را احیاء نموده در جانب عظیمی از زهد وورع وقامع اهل ضلال وبدع بوده اهالی دمشق عجماً وعرباً بامرش مطیع وصیت وذکرش در بلاد عالم شرقاً وغرباً منتشر میباشد . ✻

**مولد وکیفیت تحصیلش** در قریهٔ شقراء از قرای جبل عامل در حدود سنهٔ ۱۲۸۲ متولد وقرآن

وکتاب ومبادی صرف ونحو را در انجا تحصیل ومنطق ومعانی وبیان وبدیع ومعالم الاصول را نزد علماء جبل عامل تکمیل واندکی از شرایع با مراجعه بکتب کثیره در علوم مذکوره از متون وشروح وحواشی اخذ فرمود ودر سنه ۱۳۰۸ بعتبات عالیات مهاجرت ودر نصف ذی الحجه بنجف اشرف وارد وتا سنه ۱۳۱۹ در انمکان شریف مشغول تحصیل علوم دینیه وقرائت قوانین ورسائل ومکاسب شیخنا الانصاری وحاضر بحث فحول علماء نجف سطحاً وخارجاً فقهاً واصولاً وایشان شیخ محمد باقر نجم ابادی طهرانی وشریعت اصفهانی ومحقق خراسانی صاحب الکفایه وشیخ آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه وشیخ محمد طه نجف وامثالهم بودند گردید وپس از تکمیل این علوم شریفه در سنه مذکوره ۱۳۱۹ از نجف اشرف بدمشق شام مهاجرت فرموده الی یومنا هذا مشغول تدریس وامامت وافتاء وتالیف ومطالعه ومباحثه میباشند .



**تفصیل مؤلفات مترجم محترم** : ازانجمله کشف الغامض وسفینة الخائض وجناح الناهض وکاشفة القناع ومناسک الحج والبحر الزخار والروض الاریض وضیاء العقول والدرة البهیة وتحفة الاحباب واساس الشریعة لواعج الاشجان ومعادن الجواهر والرحیق المختوم وغیر ذلک .

**مشایخ روایتی صاحب عنوان** ادام الله فضله وایشان جماعتی از اعاظم علماء وافاخم فقهاء بودند ۱ شیخ محمد طه نجف ۲ سید سند ورکن معتمد علامه اوحد وفقیه امجد مولینا سید محمد بن سید هاشم موسوی معروف بهندی خطاب ثراه ولکن سید جلیل از اکابر علماء عصر وفقهاء دهر خود بود روایت میکند از علامه ملا علی بن میرزا خلیل واز معاذ شیخنا الانصاری واز شیخ انصاری بلا واسطه نیز روایت میکند



**الذریعة** (ج ۳) (ص ۴۰) البحر الزخار فی شرح احادیث الائمة الاطهار تالیف سیدنا المحسن الامین ابن السید عبد الکریم الحسینی الشقراوی المعاصر نزیل الشام ذکره فی فهرس تصانیفه .

**ایضاً** (ج ۳) (ص ۴۱۱) تحفة الاحباب مختصر فی آداب الطعام والشراب تالیف سیدنا المعاصر الامین السید محسن العاملی نزیل دمشق سنه ۱۳۲۳ ازو فارغ وطبع شده .

**ایضاً** (ج ۲) (ص ۷) اساس الشریعة فی الفقه الاستدلالی تالیف علامه معاصر سید محسن امین عاملی کما ذکره فی فهرس تصانیفه .

## (۱۶) سید میرزا مهدی صاحب بدایع الأنوار دام فضله العالی

**ریحانة الادب** (ج ۱) سید میرزا مهدی بن مصطفی حسینی تفرشی نزیل طهران که نسبش بر حسن افطس ابن علی الاصغر ابن السجاد علیه السلام موصول است از افاضل عهد ناصر الدین شاه بوده ودر سال





در سال ۱۲۶۹ وتاکنون در قید حیات است واز طرف اشاء لقب بدایع نگار ی داشته وخود را در اشعارش بلاهوتی تخلص میکرده وبفرموده علامه وقت آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی از حاج میرزا حسین نوری وشیخ محمد حسین کاظمی روایت میکرده وتالیفات بسیاری دارد واز انجمله است بدایع الاحکام فی فقه الاسلام که فقه پارسی بوده واقوال ائمه اربعه اهل سنت را حاوی واز تالیف ان در سال ۱۳۱۸ هجری فارغ شده ودر سنه ۱۳۲۴ چاپ شده واین کتاب ترجمه کتاب بدایع المهدویه فی فقه الاثنی عشریه خود مؤلف است که بزبان عربی است وبدایع الاسرار که بزبان پارسی ودر تراجم اخبار ائمه اطهار علیهم السلام بوده وچاپ شده است وبدایع الانوار فی احوال سابع الائمة الاطهار علیهم السلام ودر ۱۳۰۰ تالیف شده وبدایع الحساب فارسی منتخب از خلاصة الحساب بهائی است ودر ۱۳۱۸ تالیف شده وبدایع الوصول الی علم الاصول چاپ تهران که بزبان فارسی ودر اصول فقه است ودر ۲۴ چاپ شده والبدیعیة فی شرح الالفیه الفیه ابن مالک که چاپ شده وبدایع الحکمه در منطق وبدایع الموالید فی ذکر الاقوال الموجودة فی موالید المعصومین ووفیاتهم علیهم السلام مع تعیین مختاره فی الباب ودیوان شعر مفصلی هم دارد .



## (۱۷) حاج شیخ جعفر نقدی دامت افاضاته

**حسب خواهش حقیر** این جمله را در ترجمه خود مرقوم داشته واز کاظمیه انفاذ فرموده اند :

وبعین عبارته العربیة در مجله هبام از کتاب فایع الایام ص ۵۸۱ — ۵۹۷ مذکور است ودر این وجیزه بجهة اختصار اقتصار بخلاصه مطلب میرود بعد از بجمله میفرماید جعفر بن محمد النقدی در شب چهاردهم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۰۳ در بلده عماره که تقریباً نود سال است بین بغداد وبصره تاسیس شده متولد گردید ووالد ماجدش طاب ثراه از کبار تجار وبواسطه صدق او در معاملات وعدم قبول نسیه ملقب بنقدی گشته ودر ظل والد کریمش نشو ونما وقرائت وخط عربی وفارسی را در عماره یاد گرفت وچون والد مبرورش میل او را بتحصیل علوم دید در سنه ۱۳۱۷ بمعاهد اسلامیه کبری در نجف اشرف نقل نمود ودر انمکان شریف جداً مشغول تحصیل ومحافل علم ومجالس استفاده خانه میشد وبعد از اکمال دروس سطحیه ببحث علامه حجة الاسلام سید محمد کاظم طباطبائی فقهاً واصولاً ودر درس محقق مدقق شیخ محمد کاظم خراسانی در اصول حاضر وپس از آن ببحث علامه طباطبائی وشیخ فاضل شیخ احمد کاشف الغطاء قدس سرهما اقتصار نمود ودر سنه ۱۳۲۰ والد مبرورش وفات کرد وزیاده از حد بسبب آن ملول ومحزون گردید ودر خلال این حال جماعت کثیره از اهل عماره نوشته اقامت او را در انجا استدعا نمودند وبخدمت استادش علامه طباطبائی در این باب مکاتبه کردند وانمرحوم از وی استیناس نموده واو قبول نکرده اخیراً

آثار وزندگانی مترجم معظم

متقبل گشت پس در سنه ۱۳۳۴ از نجف بعماره حرکت کرد ومؤمنین از ساکنین آن بلده بخدمتش شتافته واو روح علم ومعرفت را درمیان ایشان منتشر وایشان را بصلاح وتقوی ارشاد نمود وبعجزه وفقراء انجا بمساعدت استاد علامه طباطبائی ومحقق اوحد شیخ احمد خطاب ثراهما از نجف اشرف محبت وارفاق میکرد ودر اثناء اقامتش حکومت فصل خصومات شرعیه را بوی تکلیف کرده وسبب آن بود که هر وقت متخاصمین نزد حاکم سیاسی یا حاکم عسکری حاضر شده شکایت میکردند میپرسید که کدام کس را میخواهید برای فصل قضیه شما محول بکنم ایشان میگفتند نزد عالم شیخ جعفر نقدی پس حاکم مکتوبی بمترجم مینوشت والتماس فصل دعوی ایشان را مینمود وهمه اهل عماره از شیعه وسنی ویهود ونصاری وغیرهم سوای صاحب عنوان کسی را اختیار نمیکردند واگر کسی میپرسید که چرا عالم جعفری را اختیار میکنید. بگفتند ما احدی را اعلی از این مرد ومذهبی را بهتر از مذهب جعفری ندیدیم وبسا بعد از فصل قضاء ندا میکردند فلیحیی الشیخ جعفر فلیحیی المذهب الجعفری زنده باد شیخ جعفر زنده باد مذهب جعفری وپس از وفات استادش علامه طباطبائی اسبل الله علیه سحاب الرضوان عزیمت عودت از عماره بنجف اشرف نمود واشراف ورؤساء ومتدینین از اهل عماره بر وی اجتماع کرده قبول منصب نیابت جعفریه را که حکومت تشکیل آنرا در عماره اراده کرده بود استدعاء واصرار نمودند موافقت ننمود جمعی نزد حاکم محل رفته التماس کردند که او را از سفر منع بکند حاکم سیاسی خودش نزد مترجم آمده التماس فسخ عزیمت بنمود صاحب عنوان معذرت کرد که من اراده حج بیت الله الحرام دارم وتاخیرش ممکن نیست وحاکم باین سخن قناعت کرد ودر این بین جماعتی از اشراف حاضر شده نزد حاکم با وی مکالمه کردند ومجادله ایشان بطول انجامید بالاخره از سفر بلکه از حج نیز فسخ عزم نمود حتی آنکه مسئله دینیه بمسئله سیاسیه منقلب بشود ووظیفه نایب الجعفریه را قبول کرد ودر سنه ۱۳۳۸ بحج بیت الله الحرام وزیارت قبر حضرت رسول وائمه بقیع علیهم الصلوة والسلام مشرف گردید. ✱

**تا آنجا که گوید** : حکومت او را عضو محکمه تمییز شرعیه بغداد قرار داد ✱

مشایخ روایت نقدی دام فضله

**مشایخ روایت صاحب عنوان** : اشهر ایشان آیة الله الطباطبائی قدس سره وحجة الاسلام شیخ محمد رضا دزفولی سلمه الله تعالی وفاضل محقق شیخ احمد کاشف الغطاء طاب ثراه وعالم فاضل سید احمد بهبهانی حفظه الله تعالی ومحدث نسابه سید محمد مهدی ابن سید علی غریفی رحمه الله تعالی بودند. ✱

مؤلفات شیخ نقدی مترجم معظم

**مؤلفات نفیسه اش** : واما آثاره الفاخرة العلمیة وغیرها فمنها شرح علی منظومة العلامة آیة الله الطباطبائی وحاشیة علی معالم الاصول وحاشیة علی زبدة الاصول وحاشیة علی شرایع الاسلام وشرح تشریح الافلاک وشرح خلاصة الحساب وارجوزة عقد الدرر مع شرحها فی الحساب وهی اول آثاره الفاخرة وقد طبعت فی طهران سنة ۱۳۲۴ وحاشیة علی شرح ابن الناظم فی النحو وشرحه علی تصریف الزنجانی وحاشیة علی حاشیة المولی عبد الله





الیزدی علی تهذیب المنطق وحاشیة علی شرح الشمسیة للقطب وکتاب المنتقی بالقوانین المنطقیة وکتاب مواهب الواهب فی فضائل ابی طالب وقد طبع فی النجف الاشرف سنة ۱۳۴۱ وشرح قصیدة الشیخ البهائی المسمی منن الرحمن فی مجلدین طبعا فی النجف الاشرف ایضا وشرح الباقیات الصالحات للعمری تحت الطبع (تنزیه الاسلام که در سنه ۱۳۴۶ تالیف ودر همان سال بر ۷۲ صفحه طبع ونشر شده) وغیر ذلک من الکتب والرسائل المطولة والمختصرة واو را شعر کثیری در فنون متفرقه دارد که مقدار مهمی در مجلدات مجلة العرفان وجریدة الفضیلة وغیرهما از صحف دیگر نشر شده ومقالات دینیه وادبیه هست که ایضا صحف خاصه مجلة المرشد نشر کرده است واگر همه اشعارش تدوین شود دیوان ضخیمی میباشد انتهی ✱

مدایح حضرت امیر علیه السلام از منظومات صاحب ترجمه

**واین اشعار از قصیده ایست که در مدح حضرت امیر علیه السلام گفته**

| | |
|---|---|
| اخ المصطفی الهادی النبی وصهره | ابو الخلفاء الغر والسادة النبل |
| امام هدی لولاه ما شع یوشع | ولا قبلت یوما کفالة ذی الکفل |
| معلم جبریل ولولاه ما دری | جواب نداء جاء من واهب العقل |
| اخو الصارم العضب الذی لحدوده | طعام قریش طالما مفرق الذل |
| اذا ما النصاری بصروا حق وجهه | لما نطقوا بالروح والاب والنجل |

رثاء حضرت حسین علیه السلام از صاحب عنوان

**واز قصیده طویله در رثاء حسین علیه السلام که در مدینه منوره منظوم داشته**

✱ (این چند بیت است :) ✱

| | | |
|---|---|---|
| بابی فریدا والجموع بسیفه | تثنی عن الاصدار والایراد | یسطو فینکص الخمیس بلوه |
| رعبا امام حسامه الوقاد | اضحت تلبیة الرؤس تخشی | الاجناد نافظة علی الاجناد |
| حتی اذا الباری دعاه اجابه | وهو صریعا فوق حر وهاد | وهوی علی وجه الصعید فقد هوت |
| من افقها للارض سبع شداد | بل نکورت فی الثری ولفقده | شمس الضحی لبست ثیاب حداد |
| الله یا خیر البریة صرخة | قد اثرت شجوا بکل فؤاد | هذا حسینک بالعراء وصدره |
| اضحت علیه الصافنات عوادی | خضبت کریمته دماء ودینه | وشفت عداه به لفق الاحقاد |
| ملقی علی حر الهجیر مسلا | بدمائه ظام النقیبة صادی | یبقی ثلاثا عافرا بدمائه |
| والراس یرفع فی القنا المیاد | ونساؤه اسری علی عجف المطی | من بلدة تهدی لشر بلاد |

**مؤلف گوید** : مترجم معظم از اعاظم علماء عصر واز افاخم فضلاء دهر واز جمله مشایخ اجازه احقر هستند طیبة کاطیبة علی ساکنها الاف الثناء والتحیة کرارا بخدمتش رسیده وبمصاحبتش رسیدم ونظیر او را در اخلاق وادب از دانشمندان عرب کمتر کسی دیدم ودر غیاب مکاتبات عدیده فیما بین واقع ومحض بجهت ابقاء

آثار علماء راشدین و احیاء حقوق مروّجین دین مبین و ادامهٔ آداب و اشاعهٔ ناشئه بر مستندین محصلین صورت مکاتیب اجازه در خاتمهٔ مجلد سیّم از کتاب فرائد الأیام مذکور است و صاحب عنوان رهو العالم المعرّف بالتقدی ذو الطبع النقّاد والذهن الوقّاد شمس فلک الافاده و بدر سماء الافاضه درّة بحر الفضائل و لجّة اصل الدلائل ادامه الله للاسلام ملاذاً و للانام ملجأً و معاذاً و پس از تحریر ترجمه مذکوره در ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۶۳ تالیفات عدیده پرداخته و بعد از طبع چند از آنها اهدیهٔ باینجانب انفاذ داشته رفعه الله اعلی معارج الکمال و بلغه اقصی مدارج الامانی و الآمال و الی الله تصیر الامور و هو المرجع المآل

## (۱۸) حاج میرزا باقر آقا قاضی مدّ ظلّه العالی

حضرة السیّد السند و العالم المعتمد نجل زکی صاحب عنوان آقا میرزا محمد علی آقا قاضی ایّده الله تعالی ترجمه والد ماجد خود را باین نحو نگاشته و باینجانب نفاذ داشته :

حاج میرزا محمد باقر قاضی بن میرزا محمد علی قاضی متوفی سنه ۱۳۱۲ بن حاج میرزا محسن قاضی طباطبائی تبریزی تولدش در تبریز سنه ۱۲۸۵ مقدمات و مبادی فقه و اصول و کلام و معقول را از علماء و فضلاء تبریز مثل آقا میرزا محمود اصولی و حاج میرزا محمد علی قراجه داغی و آقا سید علی یزدی صاحب مسائل مظفریه و دیگر معاصرین ایشان تحصیل و در سنه ۱۳۰۸ بعزم تکمیل بعتبات عالیات شد رحال نموده پس از درک حضور امام مجدد شیرازی در سامرا وارد نجف و در حوزه درس آیة الله حاج میرزا حبیب الله رشتی و فاضل شرابیانی و آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی و صاحب الکرامات آخوند ملا اسمعیل قراباغی و در اخلاق در حوزهٔ آخوند ملا حسینقلی همدانی حاضر بودند در جهت بعضی دواعی و پیش آمدها بتبریز مراجعت و بعد از دو سه سال اقامت باز توفیق رفیق گشته عودت بنجف اشرف نموده بمبحث آیة الله آقا سید محمد کاظم یزدی و استاد الکل شیخ شریعت اصفهانی حاضر شدند تا در سنه ۱۳۲۴ به تبریز مراجعت فرمودند .

**واجازهٔ ایشان** از مرحوم آیة الله سید یزدی و فاضل شرابیانی میباشد و نیز روایت میکنند از معاصر خود حضرت آیة الله آقا سید ابو الحسن اصفهانی دام ظلّه العالی .

**تالیفات مترجم معظم** حاشیه بر رسائل شیخ انصاری و حاشیه بر فصول و حواشی بر مکاسب شیخ انصاری و کتابی در اصول که لب تقریرات اساتید خود میباشد و فعلاً نزد نگارنده موجود است و رسائل و منشئات و تقریرات اساتید در فقه و اصول و اخلاق بسیاری دارند که تا حال تنقیح و تهذیب نگشته



اسانید حاج میرزا باقر آقا قاضی

اجازه و تالیفات صاحب عنوان



## (۱۹) آقا شیخ کاظم شیرازی نجفی اطال الله بقائه

احسن الودیعة (ج ۲) (ص ۱۳۱) شیخ کاظم شیرازی نجفی ادام الله بقاء و من کل مکروه وقاه الیوم از اکابر علماء مجتهدین و عظماء فقهاء متبحّرین جمعی از اصحاب و گروهی از طلاب بمبحث او حاضر ند جیّد التقریر لطیف التحریر حسن المعاشرة ظریف المحاورة میباشد سنه ۱۲۹۰ تقریباً متولد و سنه ۱۳۰۰ با ابوین خود از شیراز بعتبات عالیات منتقل و در کربلا ساکن و بعلوم عربیه مشتغل و تا دو سال با والدین خویش در آن مکان شریف متوقف پس از آن والدینش بشیراز مهاجرت و او در کربلا تنها بعلوم ابتدائیه مشغول و بعد از چهار سال او نیز بشیراز مهاجرت و مطوّل و معالم الاصول را نزد عالم کامل حاج سید محمد علی کازرونی که در تدریس مطوّل ماهر بود خواند و پس از دو سال اقامت در شیراز بکربلا حرکت کرده شرح لمعه و قوانین و فصول و ریاض را تا سنه ۱۳۱۰ خواند از کربلاء بسامراء مهاجرت و رسائل و مکاسب شیخ انصاری را خدمت عالم کامل حاج شیخ حسنعلی طهرانی که از اجلهٔ علماء اتقیاء بود خواند و چون از قرائت سطوح فارغ گشت حاضر بحث شیخ علّامه میرزا محمد تقی شیرازی علیه الرحمه گردید و تا روز وفاتش فقهاً و اصولاً ملازم بحث او بود بعد با اهل و عیالش بکاظمین مهاجرت و سنین عدیده در صحن مقدس مشغول تدریس بود تا بالاخره بنجف اشرف مهاجرت فرموده الی یومنا هذا در آن مکان شریف مشغول بحث و تدریس و تالیف میباشد .

**و رسائل عدیده** در فقه و اصول تصنیف فرموده ولی تا حال محرر نشده نسئل الله ان یدیم علی طلاب العلوم فضله و یکثر فی العالم مثله بمحمد و آله صلوات الله علیهم اجمعین .

**مؤلف گوید** : مترجم معظم دام فضله العالی یکی از آن سرتن مجتهدین عظام عصر حاضر ما است که اجازهٔ روایتی و اجتهادی برای عالمه فاضله مجتهدهٔ العصر حجة نسوان الدهر فخر فرقهٔ امامیه حاجیه علویه امینیه صاحبهٔ کتاب الاربعین الهاشمیه بنت حاج سید محمد علی امین التجار اصفهانی ایدها الله تعالی بتوفیقاته الخاصه که فعلاً در اصفهان مشغول تالیف و تصنیف میباشد مرحمت فرموده اند و انشاء الله تعالی در خاتمهٔ این دو جزء ترجمه حالات و تفصیل تحصیلات و اسامی تالیفات با بیان موضوعات آنها و صورت اجازات اجتهادی آن سرتن بزرگوار و اجازهٔ مفصلهٔ روایتی دیگر و اساتید خاصش در تحصیل مقدمات و مبادی علوم عربیه و فقه و اصول سطحاً و خارجاً و حکمت و کلام مفصلاً و مشروحاً با دو رقیمهٔ کریمهٔ آن عالمهٔ مجتهدهٔ مخدره منقول خواهد شد .



احوالات آقا شیخ کاظم شیرازی

اجازه علویه امینیه صاحب کتاب الاربعین

## (۲۰) ( آقا شیخ علی مازندرانی نجفی دامت برکاته )

احسن الودیعة (ج ۲) (ص ۱۲۸) شیخ علی بن ملا عباسعلی الامیرکلائی مازندرانی نجفی دام الله ظله الوارف علی بغاة العلوم والمعارف از اکابر علماء امامیه واحد مراجع اثنا عشریه عصر حاضر ما زاهد عابد ورع (فراخ) تقی سلیم النفس (خلایان) کریم الطبع میباشد .

وعمده تلمذ وی نزد سیدنا العلامة الطباطبائی یزدی بوده و آن مرحوم در حال حیات خود بلیتهما او تصریح ویرا در موارد احتیاطات خود رجوع بوی امر میفرمود وبواسطه کثرت وثوق بروی او را بوصالخود وصی فرمود واهالی مازندران در فتاوی واحکام بوی مقلد هستند .

واو را رسائل عملیه وحواشی سنیه بر کتب علمیه دارد آقا سلطوی در فقه واصول قلم وحید زمان وفرید اوان است مسئله از وی نپرسیدم مگر آنکه بادلیلش جواب داد ودر فرعی باوی مذاکره نکردم مگر آنکه بسبیل تفصیل عنوان فرمود فلله دره وعلیه اجره والآن عمر شریفش از شصت گذشته .

مشایخ روایتی صاحب ترجمه : از دو شخص روایت میکند یکی استاد اعلم اعظم خود سید محمد کاظم طباطبائی یزدی دوم فقیه ربانی وعلامه ثانی زاهد تارک دنیای فانی مولینا میرزا محمد علی رشتی چهاردهی نجفی طاب ثراه که از اکابر علماء محققین واعاظم فقهاء راشدین بود انتهی وما ترجمه او را در این وجیزه در سنه وفاتش ۱۳۳۴ نقل کردیم .

## (۲۱) ( آقا سید محمد مهدی خوانساری اصفهانی کاظمی )
## ( صاحب احسن الودیعة سلمه الله تعالی )

خلاصه آنچه صاحب عنوان در ترجمه خود در کاظمیه سنه ۱۳۵۸ مرقوم داشته مرحمت فرمودند بدین نحو است که میفرماید :

تولد این عبد حقیر محمد مهدی بن مرحوم علامه حاج سید محمد نجل العلامة سید محمد صادق نجل العلامة سید زین العابدین موسوی خوانساری اصفهانی کاظمی در محله قطانه از محلات کاظمیه در ۳ شهر شعبان سنه ۱۳۱۹ هجری اتفاق افتاده وچون بهفت سالگی رسیدم از شمال شناختم قرائت وکتابت را در اندک مدتی یاد گرفتم بعد والد علامه اعلی الله مقامه معلمی در خانه حاضر فرموده وشهریه قرار داده نحو وصرف را بمن درس داد ومن امثله وشرح امثله وصرف وشرح تصریف زنجانی واجرومیه وشرح قطر را بتحقیق وتدقیق نزد او خواندم وبنا در اثنا درس اشکالاتی وارد میکرد



تلمذ آقا شیخ علی مازندرانی نجفی در فقه واصول

احسن الودیعه صاحب



که عاجز میماند والد ماجد معلم دیگر حاضر کرد که بمراتب فاضلتر از استاد اول بود پس نزد وی شرح الفیه سیوطی والکبری فی المنطق را خواندم سپس خدمت بعضی از افاضل کاظمیه حاشیه ملا عبد الله در منطق وشرح شمسیه قطب رازی ومغنی ومطول وشرح کافیه عبد الرحمن جامی ونزد بعضی دیگر معالم الاصول وشرایع ومجلد اول شرح لمعه وقوانین را در حضور علامه میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی طاب ثراه ومجلد ثانی شرح لمعه وقوانین الاصول را تا مباحث عام وخاص ومجلد اول وثانی کفایة الاصول را از اول تا آخر در مدت سه سال ورسائل ومکاسب شیخنا المحقق الانصاری وطهارت ریاض را بقرائت بحث وتحقیق در محضر علامه شیخ حسین رشتی طاب ثراه تحصیل کردم وشرح منظومه سبزواری وشرح تجرید آیة الله علامه را در معقول در کاظمیه خواندم سپس بنجف اشرف مهاجرت وبرهه از زمان در آن مکان شریف اقامت وحاضر بحث سیدنا الاستاد آیة الله العلامة سید ابو تراب خوانساری شارح نجاة العباد فقها واصولا وحدیثا ورجالا شدم ودر این اواخر افضل از آن کسی را ندیدم وبر من لطفی داشت ومجالس خصوصی غیر از مجالس عمومی مرا با وی بود که از فیوضات شریفه وافکار عمیقه ایشان بر من ترشح مینمود وقلیلا بحث شیخنا العلامة الفقیه شیخ علی مازندرانی نجفی طاب ثراه حاضر میشدم ودر این اثناء بتالیف وتصنیف شروع کرده واز نجف بکاظمیه منتقل گشتم وبا وجود قیام بشئون بحث وتدریس مشغول بودم .

### ( مؤلفات شریفه ومصنفات منیفه صاحب ترجمه گوید :

واما آنچه از قلم من تا حال بروز کرده پس اینک اسامی آنها :

(۱) صرف العنایة فی حل معضلات الکفایة (۲) نزهة المرتاض فی شرح طهارة الریاض (۳) القول المقبول فی مباحث الاصول (۴) جامع الشتات فی النوادر والمتفرقات (۵) نفائس الکلام فی شرح اسماء الله العظام (۶) زبدة الکلام فی المنطق والکلام وجزء اول آن ۱۳۴۳ در بغداد طبع شده (۷) بغیة اللبیب وغنیة الادیب فی شرح منطق التهذیب (۸) الانوار الکاظمیة فی احوال السادات الموسویة (۹) احسن الودیعة فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعة در دو مجلد در بغداد طبع شده (۱۰) النقد والبیان فیما یتعلق بکتب الاعیان (۱۱) مطلع النیرین فی الدفاع عن السیدین وموضوع این کتاب آن است که مرحوم محدث نوری ایراداتی که بر این دو صاحب روضات وصاحب مبانی الاصول وارد نموده من رد کرده ام (۱۲) التنبیه علی جواز التبیه (۱۳) البرهان الجلی فی احوال زید بن علی علیه السلام (۱۴) تنبیه اهل الحجی فی بطلان نسبة کتاب الفقه الی الرضا علیه السلام (۱۵) دوائر المعارف (۱۶) مواهب الباری فی ترجمة العلامة الخوانساری (۱۷) منظومة فی النحو (۱۸) الدلائل والشواهد فی ذکر المزارات والمشاهد (۱۹) الحواشی اللامعات علی روضات الجنات وغیرهما مؤلفات دیگر نیز دارم که هنوز از سواد به بیاض بیرون نیامده .

اساتید صاحب احسن الودیعه

مؤلفات مترجم له

مشایخ روایتی صاحب عنوان میفرمایند واما مشایخ اجازه ما پس جمع کثیر اند :

از آنجمله آیة الله العلامة السید الاستاد سید ابو تراب موسوی خوانساری شارح نجاة العباد از مشایخ خود

واز آنجمله علامه میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی ره من جمله علامه شیخ علی مازندرانی ره از جمله علامه شیخ اسد الله زنجانی

رحمه الله وعلامه سید محمد کاشانی حائری ره وعلامه شیخ علی بن الرضا آل کاشف الغطاء النجفی والد العلامتین

شیخ احمد وشیخ محمد حسین وعلامه شیخ علی شاهرودی وعلامه شیخ ضیاء الدین عراقی نجفی وعلامه سید محسن عاملی

مؤلف اعیان الشیعه وعلامه شیخ کاظم شیرازی نجفی وعلامه سید میرزا هادی خراسانی حائری دام الله اعلی الله مقامهم

وجماعتی از افاضل دهر وثلهٔ از علماء عصر از ما روایت میکنند

از جمله سید علامه نسابه سید شهاب الدین نجفی نزیل قم المشرفه ومحدث سید عبد المجید کربلائی مؤلف ذخیرة

الدارین ومحدث خبیر حاج شیخ علی اکبر خراسانی مؤلف الرسالة الفارسیة فی الدرایة وغیرهم .

## (۲۲) سید میرزا هادی خراسانی حائری دامت افاضاته

**احسن الودیعه** (ج ۱) (ص ۲۱۶) از ادیب کامل شیخ محمد صالح کاظمی نقل کرده که در پشت کتاب

دعوة الحق نوشته سید جلیل وعالم نبیل الذی لم یسمح بمثله الدهر ومن هو بحر بلفظ الدر سید سند حجة الاسلام

آیة الله فی الانام اعلم العلماء الاعلام سیدنا ومولانا سید میرزا هادی خراسانی اصلاً حائری مولداً نجل

العلامه حاج سید علی خراسانی حائری است .

**تولد و تحصیل مترجم محترم** شب جمعه غره ذی الحجه سنه ۱۲۹۷ هجری متولد ودر هفت سالگی

بتصمیم او والد ماجدش بمدرسه گذارده قرآن وکتابت وقرائت فارسی را در کمتر از یکسال یاد گرفت بعد از مدرسه بیرون

آورده نزد طلاب مشهد حسین علیه السلام علوم ابتدائیه را از نحو وصرف وغیرهما از مبادی شفاهاً تحصیل کرد پس

از سنین عدیده از علوم مفیده فارغ گشته تدریس نمود سپس به تألیفات سدیده وتصانیف مفیده اشتغال ورزید

واز آن زمان که مشغول تألیف شده الی یومنا هذا جمله از کتب در فنون عدیده تألیف وتصنیف فرموده وبالاتفاق

که واقف شدم مگر بر بعضی از آنها .

**مصنفات مترجم محترم** از آنجمله (۱) حاشیه بر مکاسب (۲) حاشیه بر رسائل (۳) وهدایة الفحول فی شرح کفایة الاصول

(۴) وحاشیه وجیزه بر کفایه (۵) اجوبة المسائل که دوره فقهیه واغلب مسائلش مستدل است (۶) رساله در تقریرات بحث استاد

خود آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (۷) رساله در تقریرات بحث استاد بگانه اش حجة الاسلام میرزا محمد تقی شیرازی (۸) رساله

در استصحاب کلی (۹) رساله در علم اجمالی (۱۰) رساله در لباس مشکوک (۱۱) رساله در تحدید کر بالمساحة والوزن (۱۲) وکتاب غنوه



مشایخ روایتی و اجازه — احسن الودیعه

تاریخ تولد و تحصیل — هادی خراسانی حائری



دار السلام فی معجزات الائمة الاطهار علیهم السلام وان کتابی است که با بزرگیش در باب خود بی نظیر است ودر دار القرآنیه خانشه

ایست بر منظومه سبزواری در منطق وحکمت وکلام کتاب نطق الحق فی الامامة (۱۵) لسان الصدق الآن قال در تحت

عنوان اسانید صاحب ترجمه که او نزد کثیری از صاحبان علم وفضل تلمذ نموده ولیکن عمده ایشان دو نفر است یکی

صاحب الکفایه ودیگری علامه حجة الاسلام میرزا محمد تقی شیرازی است که فاضت بر قواطع البراهین والادلة الجامع

لفنون العلم من نعقد علیه الاجماع علی تفرده فی العلم والتقی مجد یبهر النواظر والاسماع براهین وادلهٔ قاطعه

بفضل او قائم جامع فنون علم واجماع بر تفردش در علم وتقوی منعقد وصاحب مجد وبزرگواری است که چشم وگوش

مردم را حیران مینماید ودلیل بر این مدعا این تلمیذ اوست یعنی صاحب ترجمه که اعظم اثری است از آثار وی زیرا که

می بینی الیوم مثل دو استاد خود است در نکته وتفریع فروع بر اصول ومعظم له اخص واقرب وارفع منزله بود نزد

علامه شیرازی بلکه با وی دوست بود که سفراً وحضراً از وی مفارقت نمینماید وگوش وچشم از وی بر نمیدارد

ودر بعضی از مسائل بروی رجوع میفرماید .

**مشایخ واجازه صاحب ترجمه** : از کثیری از علماء اعلام اجازه روایتی دارد که اشهر ایشان استاد اکبر

حجة الاسلام میرزا محمد تقی شیرازی ره است بعد علامه حاج شیخ محمد حسن کبه ره سپس علامه شیخ عبد الله مازندرانی

واز بعض سادهٔ معاصرین نیز روایت میکند .

**الذریعه** (ج ۱) (ص ۵۲۶) ازاحة الارتیاب عن حرمة ذبایح اهل الکتاب رساله مبسوطه ایست تصنیف علامه

معاصر سید میرزا هادی بن سید میرزا علی بجستانی خراسانی حائری .

## (۲۳) آقا شیخ هادی آل کاشف الغطاء اطال الله بقاه

**رجال علامه اوردبادی سلمه الله تعالی** علامه شیخ هادی بن شیخ عباس بن شیخ علی بن شیخ اکبر

در ۱۷ ع ل در نجف در سنه ۱۲۸۹ متولد شد .

**مؤلفاتش** : (۱) شرح موجزی بر منظومه بحر العلوم هنوز تمام نیست (۲) هدی المتقین متنی است در فقه مجلد

عبادات از وی طبع شده (۳) منظومة فی النحو (۴) المقبولة الحسینیه مقتل منظوم مطبوع (۵) احدهما نقد علی کتاب ایهما البعض الذی

که میگوید ایهما افضل محمد ام المسیح کدام یکی افضل است محمد یا مسیح شیخ در جواب او در کتاب خود میفرماید احدهما

یکی از آن دو تن یعنی محمد صلی الله علیه وآله (۶) جواب فتاوی الوهابیه ودر دم (۷) رساله ممتعه رساله فی جواز اللعن علی یزید

لعنه الله بنازع فیها (۸) الزهرة الاموية الحدیثیه لمحة العین فی حل النبیین (۹) قاموس المحرمات بترتیب حروف تهجی محرمات

شرعیه را موافق افق عصر حاضر تألیف کرده وکسی در این موضوع بر وی سبقت نگرفته وان کتاب بهتری است که امت آن



مؤلفات سید میرزا هادی دام فضله العالی

ایضاً از تألیفاتش کتاب الفین فی دین المصطفین رساله منظومه ایست در تحقیق اصول دین مشتمل بر ۱۴۰ صفحه بطبع رسیده منه

مؤلفات آقا شیخ هادی آل کاشف الغطاء

مسترت وابتهاج مینماید. مستدرک نهج البلاغة رسائل عدیده در رد نصاری واورا اشعار رائقه در طبقه علیا در فنون شعر هست وبعد از تعداد طرق روایت مترجم محترم گوید ومرا اجازه داده . ☀

**مآثر وآثار** (ص ۱۵۳) در ترجمه شیخ محمد مهدی بن الشیخ علی بن الشیخ الاکبر فقیه اهل البیت علیهم السلام جعفر وی وپدر بزرگوار وهم دو عم اکرمش موسی بن جعفر وحسن بن جعفر که بعنوانی مخصوص نیز معنون کوراقتاده از مجتهدین وحفاظ احکام شریعت ودین بوده اند ومشهوراست که شیخ فقیه اکبر کاشف الغطاء عن کل ما خفی واستتر درمحسنه مرا درحق اعقاب رتبه اجتهاد خواسته ونیز این دعا بر نشان نشسته است . ☀

## (۲۴) آقا میرزا محمد علی اُردوبادی غروی اَدام الله ایام افاضاته

**ریحانة الادب** (ج ۲) صدیقنا الاعظم وشفیقنا الاکرم العالم العامل والفاضل الکامل آقا میرزا محمد علی آقا اوردوبادی الاصل تبریزیة المولد فرزند ارجمند حجة الاسلام آقا میرزا ابو القاسم آقا اوردبادی قدس سره ادیب یگانه ودانشمند فرزانه جامع کمالات نفسانیه عالیه وحاوی مقامات معنویه سامیه ودارای قریحه شعریه صافیه که در مضمار مسابقت حاوی قدح معلی بوده وگوی سبقت از همگنان ربوده ودر سخنوری نظیر انوری ودر انشاء وبیان با سحبان همعنان . ☀

وموافق آنچه خودشان بعد از تقاضای این نگارنده در ترجمه اجمالی خویش نگاشته اند : ☀

**تولد وتحصیلش:** ۱۱ رجب سنه ۱۳۱۲ هجری در شهر تبریز واقع وبفاصله چهار سال درخدمت والد معظم خود بنجف اشرف مشرف ومقدمات فنون ادبیه را از اکابر انجا کمال یاد گرفته تا آنکه در سلک حوزه درس استاد الکل والد معظم خود منسلک وبعد از رحلت ایشان در مجالس تدریس آقای شریعت اصفهانی وحاج شیخ محمد حسین اصفهانی وآقای میرزا علی آقای شیرازی حاضر وبیشتر از نابغه عصر خود آقا شیخ جواد بلاغی قدس الله اسرارهم تلمذ نموده

**تألیفات شریفه ومنظومات منیفه اش :** در فقه واصول وتقریرات مشایخ خود ورد بهائیه وحلق اللحیة ونقد براین بلیهد قاضی وهابیه وسبک النضار فی شرح حال المختار والکلمات التامات فی المظاهر الغرائبیة لسید الشهداء علیه السلام ومنظومه در وقعه یوم الطف ومنظومه دیگری در استقبال الفیه آقا میرزا محمد تقی حجة الاسلام تبریزی نیز از تالیفات وی بوده واشعار عربیه ایشان که تا حال برشته نظم آورده از پنجهزار بیت متجاوز واغلب آنها درباره خانواده حضرت خیر البشر صلی الله علیه وآله وبا مقاصد دینیه دیگر وشعر های دیگر گفته

### (مشایخ روایتی مترجم محترم :)

زیاده از سی تن از اکابر مشایخ عصر خود روایت میکند سلمه الله ووفقه للخدمات الدینیة الباقیة انتهی . ☀





تألیفات و منظومات ایشان



## (وآیة الله العلامة آقا شیخ جواد بلاغی قدس سره)

استاد اعظم مترجم معظم در عنوان رقیمه شریفه که از نجف اشرف برای ایشان در ایام توقف در تبریز بعد از عودت از زوار حضرت ثامن الائمة علیهم الصلوة والسلام انفاذ داشته بودند بدینگونه وصف فرموده اند :

بسم الله الرحمن الرحیم وله الحمد وهو المستعان

الحضرة شیخنا العلامة العلم وطود الفضل الاشم علم الاعلام الفائق بمجده والسابق بکماله وفضله المجلی الشیخ الاجل الافخم المیرزا محمد علی المحترم دامت برکاته ولازال علماً فی الدین وموئلا للمستفیدین مؤیداً محبوّاً بحرمة سید المرسلین وآله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین الخ ☀

**مؤلف گوید :** صاحب عنوان ایده الله الملک المنان از احباء روحانی واخلاء جانی حقیر که استفاضه کثیره واستفاضه وفیره از کتب وبیانات ایشان در تبریز ونجف اشرف حاصل کرده در مجلد صیام ومجلد ثمره محرم الحرام واین وجیزه شریفه درج کرده ام ودر حکم امروز از ترک وفرس در انشاء نظم ونثر عربیه بی نظیر هر کس تقریضات اورا در کتب علماء ومحدثین وتقریظاتش را درحق فضلاء ومؤلفین خاصه در مقدمه جزء اول ذریعه الی تصانیف الشیعة وخاتمه مجلد صیام از وقایع الایام را دیده وخوانده شبهه تردید در این باب نمانده تمام انشاءات ومقطعات وقصایدش موافق عصری وبیانات ومقالات انعام یگانه مطابق طرز واسلوب مصری هرکه مولد اورا نداند همچون تصور مینماید که از نژاد عرب واین چه خارقات ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم ☀

**واین اشعار نیز** در مدح حضرت امیر علیه السلام از نتایج طبع نقاد اوست که در باب غدیر خم منظوم داشته :

| لقد وضح الهدی فی یوم خم | ☀ | بنوء بعبائه النبأ العظیم |
|---|---|---|
| فغضت طرفها عنه نمیر | ☀ | کما عن رشده ضلت تمیم |

**واز جمله مؤلفات صاحب عنوان :** رساله ایست که حسب استدعای حقیر در ایام توقف تبریز در رد شیخ طنطاوی جوهری صاحب کتاب الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم که در کتاب تاج مرصع ص ۱۶۵ گفته تعظیم القبور والتماثیل فیها ونحو ذلک کله غلو فی الدین ورجوع الی الوثنیة تعظیم قبور غلو در دین ورجوع ببت پرستی است که عین عقیده ضاله وهابیه است وحال آنکه از حجاج گفتند دیدیم که شیخ طنطاوی خودش حجر الاسود را استلام کرد وبوسید ومترجم معظم از شصت کتب معتبره اعاظم علماء اهل سنت تعظیم قبور محترمه را بانحاء تکریم واقسام تعظیم بالکاکب ومؤلفین آنها نقل فرموده واحقر عین آن رساله را بتمامها بعبارتها در مجلد چهارم وقایع که چندی قبل طبع ونشر گردید از ص ۱۶۱ - ۱۷۵ نقل کرده ام . ☀

**واز مؤلفاتش** علاوه برما ذکرانچه در مجلدات ذریعه منقول است بدین قرار است الحلی تقریر المجتهد و

زهر الریاض وزهر الربی هر سه مادر رجال وکتاب امیر المؤمنین ومولده فی الکعبة منقول از کتب خاصه وعامه و مجموعه حدائق ذات الاکمام که در دو ازکتاب التحفة الجمالیة نیز نقل کرده وکتاب الانوار الساطعة فی تسمیة حجة الله القاطعة واثبات حرمة تسمیة الامام المنتظر علیه السلام الموافق لاسم جده (م ح م د) تالیف شیخ میرزا محمد علی بن شیخ میرزا ابو القاسم اوردبادی است .

**ایضا صاحب ذریعه** در مجلد دوم ص ۴۲۸ میفرماید که مذکور خواهد شد شرعة التسمیة ورسالات دیگر در حرمت تسمیه چنانچه میآید کشف التعمیة فی جواز التسمیة وکذا رسالات فی الجواز .

## (تتمیم فائده فی تایید حرمة التسمیة)

**مرحوم سلطان الحکماء المتالهین** میرزا محمد باقر داماد قدس سره در شرعة التسمیة میفرماید شرعة الدین وسبیل المذهب انه لایحل لاحد من الناس فی زمننا هذا طریق دین وسبیل مذهب این است که جایز نیست باحدی از مردم که در این زمان ما یعنی زمان غیبت تا ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه که آنجناب را باسم و کنیه اش جهاراً در محفلی و مجلسی ذکر کند واصحابنا السالفین واشیاخنا السابقین واخبار ناصه متظافره از ائمه معصومین صلوات الله علیهم بدین مطلب متفق ومطابق اند وانکار نمیکند از آن مگر ضعیف البصیرة بر احکام و اخبار وقلیل الاطلاع بر دقایق واسرار وکسانیکه درجه ایشان در فقه و مرتبه شان از علم قاصر وقسطی از خبر بخفیات مراسم شریعت ومعالم سنت ندارند وبعد از نقل جمله از نصوص باطرق واسانیدها وشطری از اخبار ائمه اطهار علیهم الصلوة والسلام گوید این جمله ایست از اخبار مسنده وغیر آنها نیز اخبار مسند ومرسل هست وهر که اراده استقصا بنماید از مظان متشتته التقاط واخذ بنماید والی الآن بخبری که معارض این اخبار مذکوره بشود نه بسند موثق ونه بسند ضعیف نه مسند ونه مرسل بنا فنیم . وصدوقان فقیهان اقدمان ابوجعفر محمد وپدرش ابو الحسن علی رضی الله عنهما نیز بشدت منع ونهی کرده اند از تصریح بر تسمیه واعلان اسم وکنیه وسنت عاظم اصحاب براین سیر صدر وطریقه ایشان بر این طریقه وصفت بوده انتهی .

وصاحب ترجمه اجازه مفصله مشتمل بر اخبار عشره در فضل ضبط وکتابت اخبار باین جانب مرحمت فرموده وکه در خاتمه مجلد صیام وقایع الایام ص ۴۴ ذکر کرده ام .

## (۲۵) حاج آقا حسین بروجردی مدظله العالی

آن بزرگوار از آیات الهیه وحجج اسلامیه واز مشاهیر مراجع عصر وطراز اول مجتهدین وقت



نقل از کتاب شیخ ... التسمیه

از بیانات محقق ... التسمیه



عماد الاسلام نائب الامام الحبر المعظم الجلیل والبحر الزاخر النبیل المتبحر فی شعب العلوم وفنونها والمتفرد فی انواع الفضل وشئونها الذی تبحث بفیض ابحاثه العلمیة صدور جل الافاضل بقم المحمیة وتبعث من برکات ابکار افکاره الانیقة درجات علوم المستعدین بحضرته الشریفة .

**جلالت قدر** وعظمت شأن این فقیه اعظم در اینگونه اختصارات نمیگنجد فقاهت واجتهاد وتقوی وفضائل ومزایای خاصه اش از عهده بیان بیرون در ترویج شرع واغاثه ملهوفین وقضاء حوائج مؤمنین وفصل خصومات اخوان دین از روی قوانین اسلام وموازین مذهب متین هیچگاه بعمر خویش کوتاهی واغماض نفرموده در نهی از منکر ومنع اهل فجور قلبی قوی وقدم راسخی دارد ودر حفظ حدود شرعیه هیچ نکته فرو نمیگذارد در فنون معقول ومنقول ومراتب فقه واصول از جمله فحول معدود ومیر املاذ اسلام وحافظ احکام گفتن بجا ودرخور است کثر الله تعالی امثاله ومد ظلاله .

**در مجله جلیله نور دانش** سال ثالثه ۱۳۲۶ شمسی هجری مطابق ۱۳۶۶ قمری هجری ص ۳۴۹ میفرمایند مختصری از شرح حال حضرت آیة الله العظمی آقای حاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی :

حضرت آیة الله آقای حاج آقا حسین طباطبائی البروجردی از سادات سلسله طباطبائی و به سی ویک سطر بحضرت امام حسن مجتبی علیه السلام امام دوم شیعیان میرسد امروز معظم له یکی از مراجع تقلید شیعیان جهان پس از فوت مرحوم آیة الله اصفهانی میباشند ودیرهان ومقلدین ایشان در تمام بلاد اسلامی میباشند .

**عم دوم معظم له** مرحوم حجة الاسلام آقای حاج میرزا محمود طباطبائی که از اجله علماء وصاحب تصنیف مجلدات مواهب السنیة که فعلاً مورد حاجت علماء است بوده .

**وعم چهارم ایشان** مرحوم آیة الله آقای آسید مهدی بحر العلوم طباطبائی نجفی است .

**حضرت آیة الله بروجردی** در سنه ۱۲۹۲ هجری قمری در بروجرد متولد ودر سن ۱۲ سالگی در مدرسه بروجرد در نزد علماء آن شهرستان ومرحوم والد خود اشتغال بتحصیل داشته ودر سنه ۱۳۱۰ هجری قمری در سن ۱۸ سالگی برای تکمیل تحصیلات باصفهان عزیمت ودر آنجا نزد مرحوم حجة الاسلام آقای ابو المعالی کرباسی وحجة الاسلام آقای سید محمد باقر درچه وحجة الاسلام مرحوم آقا میر سید محمد تقی مدرسی در مدرسه مرحوم حاج کلباسی ومدرسه صدر اصفهان تحصیل مینمودند وجمله از علوم را هم در نزد مرحوم حجة الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاشانی ومرحوم جهانگیرخان اخذ نمودند ودر ضمن اشتغال بتدریس هم داشتند .

**در حدود سن ۲۸ سالگی** در سنه ۱۳۱۹ قمری برای تکمیل تحصیلات بنجف اشرف عزیمت نمودند



صفات کریمه و اخلاق حمیده مترجم معظم

نسب عالی و اعمام کرام آقای بروجردی

تحصیلات و اساتید ایشان عنوان ابتدای تا ختم

ودر محضر آیة الله آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مجتهداً وارد گردیدند واز شاگردان مبرز حوزهٔ مرحوم آخوند بشمار میرفتند ومرحوم آیة الله خراسانی هم کمال احترام وتوجه خاص درباره ایشان مینمودند ودر آنزمان هم تعلیقاتی بر کفایة الاصول که از بزرگترین کتب اصول است مرقوم داشته اند . ✳

**ودر سنه ۱۳۲۸** با تصدیق علماء آنزمان از قبیل مرحوم آیة الله خراسانی ومرحوم آقای شریعت اصفهانی از نجف اشرف بایران مراجعت نموده ودر بروجرد مدت ۳۳ سال اقامت ومرجع تقلید عامه اهالی غرب وجنوب ایران وقسمتی از خراسان وقسمتی از مملکت عراق شدند ونواب ووکلاء ایشان در اغلب بلاد ایران بودند ودر مدتی که در بروجرد تشریف داشتند تدریس خارج اصول وفقه را عهده دار بودند .

**ودر سنه ۱۳۴۴ قمری** از بروجرد بمکهٔ معظمه مشرف شدند ودر مراجعت مدت ۸ ماه در نجف اشرف متوقف گردیدند ودر سنهٔ ۱۳۴۵ از نجف بایران مراجعت نمودند وبتهران تشریف آوردند وپس از توقف چند ماه بارض اقدس (مشهد) مشرف شدند وپس از چندی به بروجرد مراجعت نمودند . ✳

**ودر سنه ۱۳۶۳** مبتلا بمرض اختناق فتق شدند وپس از عجز اطباء بروجرد بتهران حرکت نموده ودر مریضخانه آقای فیروزآبادی مدت ۷۰ روز بستری وتحت معالجه بودند ودر مدتی که بستری بودند .

**اعلیحضرت همایون شاهنشاهی** بعیادت معظم له تشریف بردند وتمام وزراء واعیان واشراف وعلماء وطبقات مختلف طهران همه روزه بعیادت ایشان میرفتند ودر مدت توقف شان در مریضخانه حوزهٔ علمیهٔ قم وعلماء بواسطهٔ مکاتیب وتلگرافات پی در پی وفرستادن نماینده از ایشان خواهش نمودند که محل اقامت خود را قم قرار دهند لذا پس از معالجه در محرم ۱۳۶۴ بقم مسافرت نموده ودر آنجا متوقف شدند واکنون هم مشغول تدریس حوزهٔ علمیهٔ قم میباشند وطلاب وعلماء از محضر ایشان استفاده مینمایند . ✳

**حضرت آیة الله بروجردی** در ماه رجب ۱۳۶۴ که مصادف با تعطیل حوزهٔ علمیه بود بمشهد مقدس مشرف شدند وما بین ایشان را در آنجا تشریف داشتند وبعد از ماه مبارک رمضان مراجعت بقم فرمودند

**آقای آیة الله** دارای دو اولاد ذکور میباشند که ارشد آنها آقای آقا محمد حسن آیة الله زاده طباطبائی بسن ۳۰ سال میباشد ودر حوزهٔ علمیهٔ قم مشغول بتحصیل واز روشن فکران حوزهٔ علمیه بشمار میروند .

**حضرت آیة الله** دارای یکسلسله کتب ورسالات علمی وعملی میباشد که بیشتر آنها بچاپ رسیده ومورد استفاده قرار گرفته است وبقیه مثل کتب رجال که تصنیف نموده اند در نظر است از طرف ایشان بچاپ برسد . ✳

**واخیراً هم علما وفضلاء نجف اشرف بعد از فوت مرحوم آیة الله اصفهانی از ایشان**





تقاضا نموده اند که برای سرپرستی حوزهٔ علمیه بنجف تشریف ببرند ، وتا بحال معظم له جواب صریحی نفرموده اند ✳

**مؤلف گوید :** واز جمله تدوین وتعلیقات حضرت معظم له در موقع تحصیلات علاوه بر ما ذکر حاشیه بر رسالهٔ عروة الوثقی للسید العلامة آیة الله الذی انتهت الیه الریاسة الامامیة فی زمانه السید محمد کاظم الیزدی وآن حواشی وفتاوی مع فتاوی آقای اصفهانی وآقای حاج آقا حسین قمی وآقا ضیاء عراقی قدس الله اسرارهم در طهران طبع ونشر شده . ✳

**ونیز فتاوی مذکوره مستقلاً** در رسالهٔ علیحده مشتمل بر ۱۰۷ صفحه بقطعهٔ وزیری در سنه ۱۳۵۵ طبع شده وایضاً حواشی مذکوره مستقلاً در این سنه جاریه ۱۳۶۶ در طهران در مطبعهٔ اسلامیه بطبع رسیده وایضاً تعلیقاتی بر رجال نجاشی ومنهج المقال میرزا محمد استرابادی ووسائل شیخ محدث جلیل محمد بن الحسن الحر العاملی وتجرید الاسانید (الکافی والتهذیب) مرقوم فرموده . ✳

**وغرض از تصنیف این تعلیقات** بر رجال وکتب مزبوره معرفت روایات از اختلال واعتلال وپیدا کردن صحیح از سقیم وتمیز دادن مشترکات وغیر ذلک از فوائد نادره ومقاصد مهمه است . ✳

**وحضرت معظم له** اطال الله بقاه اجازهٔ روایتی واجازهٔ امور حسبیه برای احقر مرحمت فرموده اند جزاه الله عن الاسلام واهله خیر الجزاء . ✳

## (۲۶) (آقای حاج سید مرتضی آقا خسروشاهی)
## (تبریزی دامت برکاته)

**حسب خواهش حقیر** نجل زکیش عالم جلیل وفاضل نبیل بقیة السلف وقدوة الخلف آقا میرابو الفضل ایده الله تعالی این جمله را در ترجمه والد ماجدش نگاشته وانفاذ داشته است : ✳

حضرت حجة الاسلام حاج سید مرتضی خسروشاهی مد ظله العالی از اکابر علمای تبریز است . تولدش سنه ۱۲۹۹ هجری شب شوال المکرم در نجف اشرف اتفاق افتاده در خدمت والد ماجدش مرحوم حاج سید احمد آقا قدس سره به تبریز آمد بعد از تحصیل مقدمات علمیه فقه واصول را از والد ماجدش اخذ ودر سن ۲۰ سالگی برای تکمیل تحصیل بنجف اشرف عزیمت وبنزد مرحوم آقا میرزا ابو القاسم جواهری وآقا میرزا رضای معروف به بالا آقا تلمذ نمود

**واجازهٔ اجتهاد** در نجف اشرف از آقای نائینی ودر قم از آقای حاج شیخ عبد الکریم حائری ودر تبریز از آقای حاج میرزا ابو الحسن آقا انگجی دارند . قریب چهل وپنج سال است که در تبریز بوظایف روحانیت از قبیل

تدریس و تألیف و تصنیف و اقامهٔ جماعت و تبلیغات منبریه در مسجد پدرش و اجوبهٔ استفتاءات و امر بمعروف و نهی از منکر قولاً و عملاً مشغول میباشند .

تألیفات و تصنیفات مترجم معظم

## مؤلفات شریفه و مصنفات نفیسهٔ معظم له :

[۱] موائد الانعام فی شرح قواعد الاحکام برز منه مجلد الطهارة فقط قریباً من عشرة الاف بیت [۲] نثارات الکواکب علی خیارات المکاسب قریب سه هزار بیت و رسائل مفرده در مسائل متفرقه منها [۳] ذروة السعادة فی نیة العبادة [۴] امطار الدرر فی مقدار الکر [۵] قمع الشکوک عن لبس المشکوک [۶] مخمص الکلام فی حکم السلام [۷] اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر [۸] حاشیة العروة الوثقی الی غیر ذلک تنها اهداء الحقیر بطبع رسیده .

**الذریعة** (ج ۲) (ص ۴۸۲) اهداء الحقیر معنی حدیث الغدیر الی اخیه البارع البصیر الشیخ محمد صدیق من علماء العامة در قریهٔ حمامیان از قرای آذربایجان تألیف سید مرتضی بن سید احمد بن سید محمد حسینی خسروشاهی تبریزی در سنهٔ ۱۳۵۱ تألیف و سنهٔ ۱۳۵۳ در نجف اشرف طبع شده و هو کتاب جلیل فی بابه ممتاز بقوة الحجة و جودة البیان بتحقیق معنی مولی ابتداء و کلام فخر رازی را در این مقام و مقامات دیگر از تفسیرش انتقاد نموده و باثبات اولویت آنها طریقهٔ امامیه متعرض و نقض اوهام و هفابتین را دفع فرموده و هو من المبرزین و من بیت علم و جدش سید محمد بن علی بن ابی الحسن از تلامیذ علامهٔ انصاری و مؤلف (مشکوة المصابیح) در سنهٔ ۱۲۸۶ و والدش سید احمد نیز از اجلاء علماء بود و در بقیع مدفون است .

صفات کریمهٔ مترجم معظم

**مؤلف گوید** : مترجم معظم از طراز اول علماء و طبقهٔ اولی از فقهاء تبریز میباشد عالم تقی نقی و فاضل ذکی زکی و فقیه بارع جامع در امر بمعروف و نهی از منکر متصلب و در حفظ قوانین دینیه و نوامیس شرعیه و حرمات الهیه متعصب خشن فی ذات الله لایخاف لومة لائم جمع کثیری از تبلیغات منبریهٔ انعام متبحر متنبه و جم غفیری از طلاب محصلین از تدریس و تعلیمات دینی آن فاضل یگانه عالم و متفقه مخصوصاً در صفت کریمهٔ تعفف متفرد و حفظ حیثیت و وضعیت و صیانت نفس خویش نیز بی النظیر است در این مدت چهل سال با این تفرق آراء و تشتت اهواء و اختلافات مسلک که هرگز در اینگونه اختصارات نمیگنجد و عشری از معشارش بیان نمیشود ابداً قدمی از وظیفهٔ شرعیهٔ خود بیرون ننهاده و کلمهٔ حق و طریق قویم دین حنیف را بدون مزاج جوئی و اقتراح مستمعین در منبر بمحض اعلان و ابلاغ فرموده و در هیچ حکمی از احکام و بیان حلال و حرام و توضیح بدعت و سنت و کشف ظلم و عدل بهیچ وجه مبهم و توریه و مسامحه و مداهنه ننموده اند و بسیار کریم النفس و سخی الطبع و عالی همت هستند .

کرم نفس و علو همت ایشان

در سفر اول حج سنهٔ ۱۳۳۱ در مراجعت از مکهٔ معظمه الی تبریز با ایشان بودم و محرم ۳۲ در کشتی نماز





جماعت با ایشان و موعظه و روضه با اینجانب با جمع کثیری از اعیان و تجار تبریز منعقد بود در آن سفر مراتب علم و ورع معظم له بهمه معلوم و مبرهن گردید اید الله تعالی بتاییداته الجلیلة و جزاه الله فی الدارین بمساعیه الجمیلة .

## (۲۷) حاج میرزا کاظم آقا شبستری تبریزی

## (دامت برکاته :)

ترجمهٔ مترجم معظم

**آن بزرگوار** عالم محقق امجد و فاضل مدقق اوحد فخر الشیعة و رکن الشریعة الشیخ الثقة الجلیل و الفقیه العدل النبیل الواصل عواطفه علی الحاضر و البادی و المؤید بنعم الله و الایادی سناد العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ آن عالم یگانه از دعاة دین و ملت و حماة شرع و سنت و حملهٔ اخبار و حفاظ آثار اهل بیت اطهار علیهم الصلوة و السلام معدود میگردد در کلیهٔ موجبات تقدم و اسباب تفوق و وسائل براعت و ادوات رفعت حائز مقام منیع و فائز رتبهٔ رفیع میباشد نه تنها در کسبیات از قبیل فن کلام و اصول عقاید و مهمات معارف و امهات ریاضیات و علم معقول و منقول و قسمت فقه و اصول و معرفت تفسیر و صناعت اعراب و شعب ادب از احاطه داشت بلکه در موهبیات نیز مانند حصافت عقل و حصانت فکر و اصالت رای و اصابت خاطر و مناعت جانب و سعهٔ صدر و ملکهٔ جود از افراد بشمار میرود در ایام جمعه و وفیات ائمه علیهم الاف الثناء و التحیة و مواقف شریفه و اوقات متبرکه مردم از هر طرف و محلات دور دست برای استفاده از بیانات وافیه و تحقیقات کافیهٔ معظم له بپای منبر ایشان اجتماع میکنند و منبر و صحبتش جامع و نافع همه طبقات ناس که هر کس بحسب استعداد خود از انوار کلمات شریفه اش اقتباس مینمایند لازال محروساً بعنایة الرب العلی و محفوظاً من کید کل جاهل غوی بحرمة النبی و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین .

اجتماع مردم برای استفاده

**حقیر** سؤالات چندی کتباً از حضرت معظم له در باب شرح حال ایشان نموده و ایشان اجمالاً جواب مرحمت فرموده اند و هر دو عیناً درج میشود :

**س** ـ تاریخ تولد ؟

تاریخ تولد مترجم معظم

**ج** ـ تولد در سال ۱۳۰۷ والد مرحوم آقا میرزا علی اشرف شبستری که تلمذ نموده بر آیة الله الشیخ الانصاری قدس سره و نایل گردیده مراتب عالیهٔ فضل و تقوی را و حائز ملکهٔ استنباط بوده و مصنفات و مؤلفات غیر مطبوع در فقه و اصولاً دارد .

س ـ اساتید مقدمات علمیه در مسقط الرأس ؟

ج ـ رضوان مقام آقا میرزا محمد آقای شبستری که تلمذ کرده بر آیة الله الشیخ محمد حسن الکاظمی قدس سره واز اجله اهل فضل واکابر اهل نظر وورع بود .

مشایخ فقه واصول صاحب عنوان

س ـ مشایخ دروس فقه واصول در نجف اشرف ؟

ج ـ حضرات حجج الاسلام رضوان مقام آیة الله یزدی آیة الله الشیخ فتح الله الاصفهانی آیة الله فیروزآبادی آیة الله الشیخ محمد حسین اصفهانی آیة الله نائینی آیة الله المیرزا محمد تقی الشیرازی .

س ـ اجازات روایتی واجتهادی ؟

اجازات روایتی و اجتهادی ایشان

ج ـ اجازهٔ روایتی از آیة الله الشیرازی فیروزآبادی الشریعة الاصفهانی اجازهٔ اجتهادی از فیروزآبادی نائینی اصفهانی مدت اقامت در نجف الاشرف وسامراء وکربلاء ۱۸ سال

س ـ تواریخ حج وزیارات ؟

ج ـ درسال ۱۳۴۱ بمکهٔ معظمه مشرف درسال ۱۳۵۵ بعتبه بوسی حضرت ثامن الأئمة علیهم الاف الثناء والتحیة موفق .

س ـ تألیفات وتصنیفات وموضوعات آنها ؟

ج ـ نوشتجات این قلیل البضاعة فقهاً واصولاً تأسیساً وتعلیقاً غیرمطبوع میباشد

س ـ کیفیت تأسیس ووضعیات مدرسهٔ شبستر وتبریز ؟

تفصیل تأسیس مدرسهٔ علمیه در تبریز

ج ـ بکتاب جاطی که بعنوان وقف خاص برای خود وپس از وفات نسلاً بعد نسل بوده ودر تصرف تولیتی اینجانب است حجرات فوقانی وتحتانی تأسیس نموده وبرای حضرات طلاب علوم دینیه که در شبستر حاضر میشدند منازلی مهیا کرده وتقریباً دوازده سال که مزاحمت نمیشد فضلاء ودانشمندان با تقوی وعامل باعلم وعمل که طرز تبلیغ وخصوصیات منبر را کاملا شده اند که چند نفرشان وفات کرده وچندی دیگر بحمدالله درحال حیات باشند از ثمرات همان مدرسه است اخیراً که موانع قوی وپیش آمدهای ناگوار اتفاق افتاده قدرت شرعی منسلب گردید حضرات طلاب که متجاوز از چهل نفر بودند متفرق گردیدند .

پس از مهاجرت به تبریز واشتغال بتدریس حضرات طلاب ووظایف منبر بمقدار میسور مدرسه برای تعلم اطفال مؤمنین بوسیلهٔ معلمین وکارمندان متدین برطبق وظیفهٔ شرعی تأسیس ودائماً مراقبت داشته .

بحمدالله تعالی فعلاً متجاوز از سیصد وپنجاه نفر بتعلم قرآن وفارسی وحساب وشرعیات ویادگرفتن عقاید حقهٔ اثنی عشریه مشغول میباشند .





(حسب تقاضای اینجانب)

مترجم معظم اطال الله بقائه چهار نسخه از اجازات اجتهادی خودشان انفاذ داشتند

بیان اجتهاد مترجم معظم مدظله العالی

(سواد اجازهٔ آقای میرزا حسین نائینی)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وافضل صلواته وتحیاته علی من اصطفاه من الاولین والآخرین وبعثه رحمة للعالمین محمد وآله الطاهرین المعصومین واللعنة الدائمة علی اعدائهم ابد الآبدین وبعد فان شرف العلم لیس یخفی وفضله لیس یحصی وانه لموهبة الهیة خص بها اهله فکان لهم سمو الرتبة ورفعة المنزلة واستوجبوا بذلک جزیل المدح وجمیل الثناء وممن نال هذه الموهبة القدسیة وفاز بشرف العلم والفضیلة هو صاحب القریحة القویمة والطریقة المستقیمة العالم العامل المؤید والفاضل الکامل المسدد ملاذ الانام صفوة الازکیاء العظام غیاث المتقین رکن الاسلام والمسلمین جناب الشیخ الحاج المیرزا کاظم المجتهد الشبستری دامت تأییداته فقد صرف شطراً مهماً من عمره الشریف فی سبیل العلم واقام بالنجف الاشرف عدة سنین باذلاً جهده فی الاستفادة من الاساطین وحضر ابحاثی الفقهیة والاصولیة حضور تفهم وتحقیق وتعمق وتدقیق حتی نال درجة الفضل والسداد وبلغ بحمد الله تعالی وحسن تأییده رتبة الاجتهاد فلجنابه العمل بما یستنبطه من الاحکام علی النهج المألوف بین المجتهدین العظام فلیحمد الله سبحانه علی ما منحه واولاه و

توصیف اجتهاد مترجم معظم

لیشکره علی ما انعم به وحباه وعلی المسلمین ان یغتنموا وجوده الشریف ویقتدوا به ویقتبسوا من انوار علمه وتقاه واوصیه بالاخذ بجانب الحائطة فی جمیع اموره کما هو المرجو من جنابه وان لاینسانی فی صالح دعواته کما انی لاانساه انشاء الله تعالی والسلام علیه ورحمة الله وبرکاته حرر فی جمادی الثانیة ۱۳۵۳ الاحقر محمد حسین الغروی النائینی

سجع خاتم شریف عبده محمد حسین

(شطری از اجازهٔ مرحوم حاج شیخ محمد حسین آقای اصفهانی قدس سره :)

اجازهٔ مرحوم حاج شیخ محمد حسین آقای اصفهانی

بعد از حمد وصلوات وسلام میفرمایند وبعد فان العالم العامل والنحریر الکامل صفوة العلماء الاعلام وقدوة العلماء العظام ورکن الاسلام جناب الحاج میرزا کاظم آقا المجتهد الشبستری دامت افاضاته ممن صرف عمره الشریف فی تحصیل القواعد الدین الحنیف وقد حضر علیّ وعلی غیر واحد من الاعیان شطراً وافیاً من الزمان لتحقیق المبانی الاصولیة وتنقیح القواعد الفقهیة مراعیاً للتأدب بالآداب الدینیة والتخلق بالاخلاق الالهیة حتی فاز ولله الحمد بالمراد وحاز درجة الاجتهاد فله العمل بما یستنبطه من الاحکام الشرعیة من مدارکها فانه خبیر بمسالکها ... تحریراً فی العشرین من ربیع الثانی ۱۳۵۳ محمد حسین النجفی الاصفهانی (سجع خاتم شریف) محمد حسین .

اجازهٔ مرحوم فیروزآبادی

**( ومرحوم آقا سید محمد آقا فیروزآبادی بعد از تسمیه میفرماید )**

الحمد لله الذی جعل العلم علماً للهدی ونجاة من موبقات الردی فرفع مدارج العلماء و معارج الفقهاء واعطاهم مواريث الانبياء وفضل مدادهم على دماء الشهداء وايدهم بدعاء ملائكة السماء والصلوة على سيد الانبياء وخاتم السفراء مشكوة الضياء وذوابة العلياء محمد المبعوث على جميع الانام وعلى آله مصابيح الظلام ودعاة الاسلام ومعالم الحلال والحرام

الى ان صرح باجتهاد صاحب الترجمة بهذه العبارة : فاز بالقوة القدسية والملكة القدوسية التى تمكن بها على استنباط الفروع من الاصول والعروج عن حضيض التقليد الى اوج اعمال ملكة الاجتهاد فله التصدى للامور الشرعية التى امرها الى نواب الامام عليه السلام الخ .

حرره الاحقر محمد الحسينى اليزدى الفيروزآبادى فی ۲۶ محرم الحرام ۱۳۴۰

(محل خاتم مبارك)

اجازهٔ مرحوم حاج شیخ عبدالکریم

**ومرحوم حاج شیخ عبدالکریم آقا حایری این اجازه را باین عبارة امضا فرموده**

بسم الله الرحمن الرحيم

این سواد اجازه است که مرحوم رضوان مقام حجة الاسلام فیروزآبادی اعلى الله مقامه الشریف مرقوم فرموده‌اند برحسب تحقیق والحق انه صدر من اهله ووقع فی محله واسئل الله ان يكثر امثال العالم الفاضل المحقق المعظم له وان يشد به الدين ويشد به ازر المسلمين بجاه محمد وآله الطاهرين حرره الاحقر عبدالكريم الحايرى

( بمحل خاتم شریف ) عبدالكريم بن محمد

**(۲۸) ( آیة الله آقای خالصی زاده آقا شیخ محمد )**

**( دامت برکاته )**

**اجمال از شرح حال آن دانشمند معظم بانفرادیت که آقای علی اکبر اعلم وکیل پایه (۱) دادگستری**

**( میفرماید : )**

صاحب ترجمه خلیل الله ناجی

تولد آقای خالصی زاده در سنه ۱۳۰۸ قمری در شهر کاظمین علیهما السلام در خاندان دینی وعلمی واخلاقی انجا واقع شده است .

پدر بزرگوار مرحوم ایشان آیة الله العظمی مرحوم شیخ محمد مهدی خالصی میباشد که از خانواده‌های بزرگ واشخاص نادر الوجود از قبیل مرحوم شیخ محمد حسین خالصی وسید محسن اعرجی صاحب محصول ووسائل وشیخ





اسد الله شوشتری صاحب مقابیس وشیخ محمد حسین کاظمینی صاحب هدایة الانام بزرگی ومجد وفخر وعظمت سلاله را بارث ونسب وشخصیت واجد میباشد ودر عصر خود بعض ایام جوانی مقلد مسلمین عراق بوده وپس از وفات مرحوم آیة الله میرزا محمد حسن شیرازی مرجعیت عامه وتامه پیدا کرده ومؤلفات دینی ایشان درمیان قاطبهٔ علماء اعلام و مسلمین عالم مشهور ومعروفست .

مؤلفات آقای خالصی زاده

**حاصل اینکه** آقای خالصی زاده درچنین محیط پاك ونورانی تولد یافته وبا دائره زندگانی شروع نموده است ایام طفولیت آقای خالصی زاده بطور عادی در سایهٔ تربیت چنین پدر بزرگواری پایان یافته ودر دوران جوانی وزندگانی دینی واجتماعی توفیق تالیف کتب ومؤلفات مهمی برای ایشان حاصل شده که مقداری از آنرا که مهمتر است بقرار ذیل شرح میدهیم :

۱ المعارف المحمدیة بعربی در ۲ جلد طبع مصر ۲ الشیعة والانقطاع لیوم الطف طبع بغداد ومصر . ۳ الکلمة العلیاء مقایسه بین قوانین فقه وقوانین موضوعه ۴ شرح قواعد علامه در فقه . ۵ معراج خیر الانام بفارسی ( آیینهٔ اسلام طبع تهران ) ۶ نظام عائله بفارسی که در مجلس منفی تالیف شده است ۷ اسرار المعراج بزبان عربی طبع بغداد ۸ الاروبة فی دار البوار که در محبس تالیف شده ودر بغداد ومصر وسوریه منتشر شده است ۹ حاشیه علی بر کتاب کامیل فلاماریون منجم موحد فرانسوی (خدا در طبیعت) طبع تهران ۱۰ الاحتراز عن مغریات حسن الایجاز در اثبات اعجاز قرآن ورد شبهات طبع تهران ۱۱ تفسیر کلام الله مجید بعربی ۲۲ مجلد ۱۲ شرح عناوین مرحوم خالصی در اصول فقه جاشناسی

تحصیلات واطلاعات

تحصیلات شرعی ایشان

**تحصیلات واطلاعات دینی و فقهی معظم الیه** در نزد اساتید معروفی از قبیل شیخ مهدی مراغی وشیخ عبدالحسین نوادهٔ صاحب مقابیس وآخوند ملا محمد کاظم خراسانی ومرحوم آیة الله میرزا محمد تقی شیرازی ومرحوم مغفور آقا شیخ محمد مهدی خالصی بعمل آمده واطلاعات ومعلومات جدیدهٔ عصری ایشان هم در دریاضیات و طبیعیات والسنه از استادان ومعلمین خصوصی که از بغداد ونقاط دیگر استخدام شده بودند اکتساب شده است

**(۲۹) ( آقا میرزا مهدی آشتیانی سلمه الله تعالی )**

حسب تقاضای حقیر این جمله را در شرح حال خود نگارش داده فرستاده اند :

اینجانب مهدی مدرس آشتیانی سنه ۱۳۰۶ هجری در ماه ذی القعدة الحرام در شهر طهران متولد شده والد ماجد مرحوم جنت مکان آقا میرزا جعفر مشهور به آقا میرزا کوچك برادرزادهٔ مرحوم آیة الله حاج میرزا محمد حسن آشتیانی اطاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه که از اعاظم تلامیذ آن مرحوم وبهمین مناسبت بمیرزای کوچك موسوم ودر علم ادب

در زمان خود فائق بر عجم و عرب و در تمام شعب علوم عقلیه و نقلیه نیز دارای رتبهٔ شامخه و مرتبهٔ کامله و از تلامذهٔ
آقا محمد رضا قمشه و آقا علی حکیم و آقا میرزا ابو الحسن جلوه قدس الله نفوسهم الزکیه بوده اند و مادر اینجانب
نیز صبیهٔ آیة الله مرقوم میباشد . ✱

اساتید صاحب عنوان ادام الله الملک المنان

**تحصیلات مترجم محترم** میفرماید پس از مضی پنج سال از سن موفق بتلاوت کلام الله مجید و اشتغال
بتحصیل علوم ادبیه و عقلیه و نقلیه در خدمت والد ماجد و ضمناً از سایر اساتید فنون مذکوره از قبیل آقا شیخ
مسیح طالقانی و آخوند ملا عبد الرسول و آقا سید عبد الکریم و نجم الدوله و میرزا جهانبخش منجم و آقا شیخ محمد حسین
ریاضی و غیر ایشان رضوان الله علیهم گردیدم و در سن ۲۰ در این فنون نایل باجازه از عدهٔ اساتید گشته ولی
قناعت باین مقدار ننموده در خدمت رئیس حکمای وقت مرحوم میرزا ابو الحسن جلوه مشغول تکمیل علوم عقلیه شده
و پس از وفات آنمرحوم خدمت آقا میرزا حسن کرمانشاهانی و آقا میرزا هاشم جیلانی رحمة الله علیهما اشتغال ورزیده
پس سنه ۱۳۲۷ هجری بعتبات عالیات مشرف و مدت قلیلی در حوزهٔ درس مرحوم آیة الله خراسانی حضور بهم رسانیده
ولی بواسطهٔ ابتلاء بامراض حاده موفق بتوقف در آن ناحیهٔ مقدسه نشده بسمت ایران مسافرت نموده و پس از
معالجه ثانیاً سنه ۱۳۲۹ معاودت نموده و در حوزهٔ درس مرحوم آیة الله آقا سید کاظم آقای یزدی حاضر شده
و از آن مغفور بتحصیل اجازه نایل گشته و بایران مراجعت نموده پس از چندی مجدداً باعتاب مبارکه مسافرت
کرده در خدمت آقای فیروزآبادی و آقای نائینی و آقا ضیاء عراقی و آیة الله آقای اصفهانی مشغول و همهٔ آن
بزرگواران اجازات متعدده مرحمت فرموده و مدت یکسال در نجف اشرف مقیم و بتدریس علوم عقلیه و نقلیه
مشغول بودم . ✱

مسافرتهای صاحب ترجمه

**مسافرتهای بعیدهٔ مترجم معظم :** ایضاً گوید قبل از تشرف بعتبات عالیات به بخارا
مسافرت و یکسال در آن بلده اقامت و بتدریس مشغول بودم و دو مرتبه نیز بمصر و اسکندریه مسافرت
و برای معالجه ببلاد خارجه از قبیل برلن و پاریس و روم و هند و بلژیک و غیرها مسافرت نموده و
با فلاسفهٔ وقت ملاقاتی بعمل آمد . ✱

مصنفات مترجم محترم

**مصنفات صاحب ترجمه دامت افاضاته :** و در فنون عقلیه و نقلیه و تصانیف
بسیار نموده از قبیل حاشیه بر شرح منظومه و مجلدات شفا و اسفار و کفایهٔ آیة الله خراسانی رحمه الله تعالی
و رسائل و مناهج علامهٔ انصاری و رساله در قاعدهٔ الواحد لا یصدر عنه الا الواحد و وحدت وجود و غیرها
ولی از جهت فقد وسایل موفق بطبع آنها نگردیده ام . ✱





## (۳۰) (آقا شیخ محسن فقیه شیرازی دامت تاییداته)

**حضرة العالم الجلیل ثقة الاسلام آقا شیخ محسن فقیه شیرازی اطال الله بقائه صاحب مجلهٔ الاسلام**

از اعاظم علماء عصر حاضر ما و از افاخم مروجین و مبلغین فرقهٔ حقهٔ امامیه میباشد سالهای بسیاری است
که بنشر شماره های مجلهٔ جلیلهٔ الاسلام حقانیت دین اسلام را ببطلان ملل و نحل خارجه میرسانند و حجج
اسلام و آیات عظام ترغیب و تحریص میفرمایند حضرت آیة الله آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی دامت برکاته
علاوه بر مرقومات سابقه اخیراً تشویق فرموده اند بعد از عنوان در رقیمهٔ شریفه میفرمایند شکر الله مساعیکم
و زاد الله فی تشییدکم امید آنکه اخوان دینی قدر این نعمت عظمی را بدانند و از هر جهت مساعدت و همراهی خودرا
نمایند اینجانب در مظان استجابت دعا همیشه تایید و تسدید آنجناب را از حضرت باری تعالی شانه مسئلت
دارم و همیشه بشارت سلامتی و مراسلات را منتظرم والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته الاحقر ابو الحسن
الموسوی الاصفهانی

تقریظ صاحب مجلهٔ الاسلام
و تمجید مجلهٔ جلیلهٔ الاسلامی

﴿ و لازم دیدم در این مقام که بعضی از فواید مهمهٔ آن مجلهٔ جلیله مذکور آید ﴾

﴿ در باب فتوحات اسلام میفرماید : ﴾

حدود فتوحات اسلام از شرق و غرب

کتب تاریخیه بخوبی نشان میدهد که تبعهٔ دولت علیهٔ اسلام بعد از اینکه در داخلهٔ ممالک خود که
مدینهٔ منوره باشد محصور بودند عده و عدهٔ نداشتند با آن قلت عدد و کمی نفوس بر هیبت قشون ملی
در تحت سلاح رفته متفقاً با عزمی راسخ و قدمی ثابت با شمشیرهای برهنه از سور مدینه بیرون تاخته باب
عالم شجاعت و رشادت و شهامت با نهایت جوش و خروش و نهایت جوانمردی کمر همت محکم بسته قدم در میدان
جهاد فی سبیل الله که یکی از فرایض و واجبات اسلامیه است گذاردند بفتح بلاد و تسخیر ممالک و خوابانیدن اعلام
کفر و شرک و اعلاء رایات ایمان و اسلام تصمیم عزم دادند در اندک زمانی عالم را مسخر نمودند از طرف مشرق
ما وراء النهر تا بواد چین را بحیطهٔ تصرف بیرون آوردند از طرف غرب از دریای الحجاز (بوغاز جبل
طارق) بخاک اسپانیول و پرتغال داخل شدند و یک قسمت بزرگ از جزایر ایطالیا و حصه از لهستان و
قسمت بزرگ لستان و دوبه را بتصرف خود بیرون آوردند علمهای شرک را سرنگون رایات اسلام و توحید را برپا
نمودند طوری مردم را بحقایق این دین مبین آشنا نمودند که در قلیل مدتی صد ملیون نفوس از مشرکین و نصاری
بالطوع و الرغبة داخل در او شده حقانیت او را تصدیق نمودند و در ثروت و مال الاداره اول نمرهٔ دول عالم
شد تا حتی اینکه پس از اخراج خرج و مصارف لازمهٔ مملکتی و مقررات قشون و ارکان حرب (سیصد ملیون
فرانک) در زمان مامون زیادتی توی کیسه ها کرده در خزانهٔ بیت المال المسلمین میگذاشتند . ✱

اسلام صد ملیون نفوس
در مدت کمی داخل اسلام

## (جمله از علم درایه و ذکر اقسام خمسه اخبار :)

اقسام خمسه اخبار و بیان آنها

در شماره پنجم سال هشتم ص ۲۳ گوید علامه حلی طاب ثراه نظر بطول غیبت امام علیه السلام وخفاء قرائن و تقطیع اخبار وجهات دیگر اخبار را باعتبار حالات وصفات رواة منقسم بر پنج قسمت فرموده : (۱- خبر صحیح) وآن خبریست که سلسله رواة ورجال سند او همگی عدل امامی باشند یعنی علمای رجال آنها را بعدالت تشیع معرفی کرده باشند واگر چنین نباشد یعنی همگی امامی وشیعه اثنی عشری باشند ولی هیچیک را یا بعض آنها را تعدیل نکرده باشند درحالیکه بعض دیگر موصوف بعدالت باشند اورا حسن نامند واین است مراد شیخ که میفرماید وبدونه یعنی بدون المدح وجته بالتعدیل کلا او بعضا مع تعدیل البقیة محسن . ✲

صحیح وحسن وقوی وموثق وضعیف ومقبول

وصاحب معالم ره علاوه براین دو شرط دیگری هم کرده وآن این است که ضابط باشند یعنی رواة آن خبر کثیر النسیان نباشند وقوه حافظه داشته باشند که آنچه از یکدیگر میشنوند ضبط کنند واز خاطر ایشان بزودی محو نشود واگر رجال مذکور در کتب رجال والسنه علمای اصحاب مسکوت عنهم باشند باین معنی که نه آنها را مدح کرده باشند نه قدح (این خبر را قوی نامند) واگر هیچ یک شیعه نباشند یا بعضی شیعه وبعض دیگر غیر شیعه باشند ولی همه آنها را بعدالت موصوف کرده باشند (اورا موثق گویند) لفظ قوی هم براین قسم اطلاق میشود وما سوای این چهار قسم را (ضعیف خوانند) وبسا باشد یک خبر ضعیفی را علمای اعلام تلقی بقبول کرده بمضمون آن عمل کرده باشند (اورا مقبول گویند) مانند مقبوله عمر بن حنظله که مشایخ ثلثه قدس سرهم اورا در کتب خود نقل وتلقی بقبول فرموده اند وشیخنا العلامة الانصاری روح الله روحه درباب تعادل وتراجیح اورا نقل فرموده . ✲

## (بعضی از القاب مسیحیه)

در شماره دوم سال دهم ص ۲۲ گوید : از کنز المدفون فاضل سیوطی نقل شده نصاری قاری انجیل را **شماس** نامند واگر علاوه بر قرائت علم بتاویل ورموز او هم داشته باشد **قسیس** گویند **اسقف ومطران** اسم متعبدین نصاری است واگر علاوه بر مقام عبادت زن گرفتن را ترک گفته باشد نام او **راهب** باشد **جاثلیق** کسی را گویند که علاوه بر جهات روحانیه در امور سیاسیه هم مداخله نماید

## (حکایت دیوانه ظریف ادیبی :)

حکایت دیوانه ظریف مابین او با امیر بغداد

در شماره دوم سال دهم ص ۲۲ گوید : یکی از ادیبان گوید در مجلس یکی از امرای بغداد بودم وطبقی از لوزینه که از شکر وبادام سازند نزد او بود که در این بین دیوانه ظریفی وارد شد گفت ایها الامیر این چیست امیر دانه نزد او افکند دیوانه بخورد وگفت ثانی اثنین اذ هما فی الغار امیر دانه دیگر باو داد پس از خوردن





این آیه را بخواند فعززنا بثالث امیر دانه سیم باو داد پس از خوردن آیه دیگر خواند فخذ اربعة من الطیر امیر دانه چهارمین باو داد این آیه را خواند خمسة سادسهم کلبهم پنجمین را باو داد آنجا آیه را تلاوت کرد فی ستة ایام ششم را گرفت این آیه را بخواند سبع سموات طباقا هفتم را که خورد این آیه کریمه را بخواند : ثمانیة ازواج هشتم را گرفته این آیه را تلاوت کرد وکان فی المدینة تسعة رهط امیر دانه نهم باو داد این آیه را بخواند تلک عشرة کاملة عدد ده را که تمام کرد این آیه را قرائت نمود احد عشر کوکبا یازدهمین را نزد او افکند گفت ان عدة الشهور اثنا عشر شهرا دوازدهمین که خورد گفت ان یکن منکم عشرون صابرون امیر عدد را تا بیست رسانید دیوانه گفت یغلبوا مائتین امیر عصبانی شده امر کرد طبق را برداشته نزد او بگذارند

اشعار در نعمت خدا وغفلت انسان

## (ایضا میفرماید : جامی در نعمت خداوند رحمان وغفلت انسان گوید)

| | | |
|---|---|---|
| ای ملک زاده اقلیم وجود | پدرت خیل ملک را مسجود | سایبان حرمت چرخ برین |
| تختگاه قدمت روی زمین | ای پی مطبخ تو جانوران | گله گله بدر ودشت روان |
| همه بهر تو وتو بهر خدای | یکدم از ربقه غفلت بدرآی | تا بکی بسته هر خس باشی |
| بنده هر کس وناکس باشی | از همه بگسل وبا او پیوند | بند از بند کیش برخود بند |

اشعار در نصیحت پدر بفرزند

## (وله ایضا : «در نصیحت پدر بفرزند :»)

| | | |
|---|---|---|
| بیا ای جگر گوشه فرزند من | بنه گوش بر گوهر پند من | صدف وار بنشین دمی لب خموش |
| چه گوهر فشانم بمن دار گوش | شنو پند دانش بآن باز کن | چو دانستی آنگه بر او یاد کن |

## (۳۱) (آقا شیخ محمد محسن الشهیر بالشیخ آقا بزرگ) (الطهرانی صاحب کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة دامت برکاته)

تقریظ آیة الله آقا شیخ محمد حسین کاشف الغطاء

حضرة العلامة الکبیر آیة الله آقا شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء مد ظله العالی در مقدمه کتاب مذکور گوید : ✲

(بسم الله الرحمن الرحیم)

لله العظمة والکبریاء وخالص الحمد والثناء والصلوة والسلام علی سیدنا محمد سید الانبیاء وآله السادة الاصفیاء **وبعد** فحقا ان لکل شیء من الکائنات میزانا یعرف به قدره ومعیاره وجوهره ونجاره ومیزان کل شیء بحسبه وموازین الرجال التی تعرف بها اقدارها وتشع بها انوارها هی اعمالها وآثارها وشرف مساعیها ونبض ایادیها وسمو هممها وعمیم منفعتها وقیامها بالامر الواجب ونهوضها باداء اللازم

واقدامها علی ما تقاعس عنه الفحول وقفت دونه عزائم اولی العقول . ✲

در حقیقت از برای هر چیز از کاینات میزانی است که قدر و اندازه و جوهر و اصل او با آن شناخته میشود و میزان و معیار هر چیزی بحسب حال اوست و میزان رجال که قدر ایشان با آن معروف و انوار شان با او روشن گردد اعمال و آثار ایشان و مساعی شریفه و کرم و بلندی همت و شمول منفعت و قیام بامر واجب و نهضت باداء لازم و اقدام بآنچه فحول از آن متقاعد و عزائم ارباب عقول نزد آن متوقف است میباشد . ✲

**وبتحقیق** سیزده قرن است که بر طایفه حقه امامیه میگذرد و در هر قرنی از علماء و عظماء مؤلفین ایشان در همه علوم و انواع فنون اصناف تصانیف و الاف تألیف آنقدر در روزگار یادگار گذاشته اند که عدد مؤلفین و حساب مؤلفات آنها را غیر از خالق ایشان کسی نمیداند و سزاوار بلکه لازم بود که در هر عصری کسی باشد که اسماء علماء و مؤلفات ایشان را ضبط بنماید تا سلسله اعصار بعضی بر بعضی متصل و تالیفات اسلامیین این طائفه که مجد و بزرگواری و علوم و آداب و معارف شان و ممکن است که گفته شود نیست در طوائف اسلام طائفه در علوم از حیث آثار و مآثر و قدم و تقدم و اقدام اعظم و در دائره معارف و در دوره عوارف اوسع از ایشان باشد لیکن مع الاسف که مآثر علماء ایشان مجهول مانده حتی برای اهل علم فضلا از عوام و عموم اغیار از سائر مذاهب ملل و کسی در این مدت متطاوله و قرون متمادیه باین خدمت جلیله بر آفاخم امت و اعاظم ملت بلکه برای خدمت علم و تاریخ و ذمه وفا و فضیلت نهضت نکرده . ✲

**بلی در این اواخر** بعضی از فضلاء روم کتابی معروف بکشف الظنون نوشته و آن وافی بضبط کتب علماء طائفه خود فضلا عن غیرهم نیست علاوه بر غرائب اشتباهات و عجائب اغلاطی که در آن واقع است و اهل معرفت و متخصصین باین صفت میشناسند . ✲

**خلاصه این آرزو** اعظم امنیه تألیف کتابی است که متکفل احصاء مؤلفات علماء امامیه رضوان الله علیهم و استیعاب آنچه ممکن است ضبط آن بحسب وسع و طاقت از مؤلفات ایشان و حسرت این امر در نفوس اکابر و علماء اماثل از اشخاصی که ما درک کردیم مانده بود گرچه بعضی از کتبه در اقطار نائیه در این موضوع چیزی نوشتند ولی بواسطه عدم وفایش بر بغیه مقصود و ضالۀ گمشده لا یغنی ولا یسمن من جوع و فرو نمیکند تا پروردگار متعال برانگیخت روح همت و نشاط عزیمت را در نفس عالم علامه حبر جامع علم و ورع و محیی سنت و ممیت بدع برادر ما و دوست ما در راه خدا شیخ آقا بزرگ طهرانی را خداوند بخصوص عنایات و خاصه الطاف خود او را موید و مسدد بدارد پس بازوی همت را تشمیر و بدین خدمت نهضت و در سعی جد و جهد نموده پس از تحمل مشقت اسفار و سیر اقطار و صرف کثیری از عمر شریفش در فحص و تفتیش در مکتبات



تا استغنا از ضبط آنها کردن تألیفات ایشان

اشتباهات صاحب کشف الظنون

فهرست بدیع صاحب ذریعه





مشهوره و کتب دارسه مطموره کتاب جامع حافلی تألیف نمود و ما بعضی از اجزاء او را نظر کردیم پس او را وافی بغرض ملتقط از جواهر خالی از فضول و عرض حاوی آنچه شاذ و نادر و آنچه شایع و مشهور است یافتیم و علو همت و شرف مساعی و جلیل عمل و آنچه در این سبیل از مشاق و تحمل ما لا یطاق قبول نموده بر ما ظاهر گشت و بر حق سبحانه استغاثه میکنیم که او را بر اکمال این مشروع جلیل و موضوع جمیل و عمل نافع که از آثار خالده و حسنات دائمه است اغاثت بفرماید وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا و مامول از سائر مؤمنین علی اختلاف طبقاتهم آنکه بر این خدمت کبری تقدیر نموده در نشر این کتاب و تعمیم انتفاع و ابتهاج بظهور و صدور آن سعی بنمایند و منه جل شانه نستمد المعونة و التوفیق للجمیع انشاء الله .

✲ کتبه بأنامله الداثرة شوال سنة ۱۳۴۱ محمد الحسین آل کاشف الغطاء . ✲

## (ذکر بندی از ترجمه صاحب عنوان ایده الله الملک المنان)

(صدیقنا الاعظم العلامة آقا میرزا محمد علی اوردبادی غروی دامت افاضاته :)

## (ایضاً از مقدمه کتاب مذکور گوید)

**علامه اکبر حجة الاسلام** شیخ محمد محسن رازی نزیل سامراء و حرم الامامین العسکریین علیهما السلام ... ربیع الاول سنه ۱۲۹۳ متولد و در سنه ۱۳۲۹ بتألیف کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة شروع و تا این وقت حاضر سنه ۱۳۵۵ که بیست و شش سال میشود بعزم راسخ و نشاط کامل مشغول است و این کتاب ضخم قیم که انشاء الله طبعش در ده مجلد یا زیاده تمام میشود مستوعب جمیع حروف و وافی بغرض است گرچه متعذر است عادتاً احاطه بجمیع کتب شیعه با تفرق آنها بانحاء مختلفه و اقطار شاسعه لیکن شیخنا المؤلف آنچه را که بعد از فحص شدید و تفتیش اکید بدست آورده فروگذار نکرده فلذا نزد همه امت و ذمه قاطبه مؤمنین حق واجبی دارد که تا دار الملوان باید بر آن تشکر بنمایند . و بحق سبحانه ابتهال و تضرع مینمائیم که تمام مجلدات این کتاب شریف طبع و نشر گردد تا نفع وی عمومی باشد گرچه خواص قبلاً انتفاع و استفاده نموده اند چنانچه علامه امین عاملی آن را یکی از مصادر و مدارک کتاب خود (اعیان الشیعة) قرار داده و همچنین غیر از آن از مؤلفین . ✲

## (مؤلفات شریفه مترجم محترم)

بلی مؤلف کتاب تنها در این تألیف شریف نیست گرچه او در آن خود یگانه و بی نظیر است بلکه برای او بر هر قرنی از قرون هجریه از قرن رابع الی قرن حاضر کتاب منفردی مفرد در موضوع خود هست که تراجم اعیان آن ایام خالیه و مآثر و آثار خالده ایشان را ذکر فرموده و اینک اسامی آنها . ✲

(۱) نوابغ الرواة فی رابعة المآت (۲) ازاحة الحلک الدامس بالشموس المضیئة فی القرن الخامس



الذریعة الی تصانیف الشیعة

تاریخ ولادت مترجم معظم له

مؤلفات معظم له

(۳) الثقات العیون فی سادس القرون (٤) الانوار الساطعة فی المائة السابعة (۵) الحقائق الراهنة فی تراجم اعیان المائة الثامنة (٦) الضیاء اللامع فی عباقرة القرن التاسع (۷) احیاء الداثر من مآثر اهل القرن العاشر (۸) الروضة النضرة فی العلماء المائة الحادیة عشرة (۹) الکواکب المنتثرة فی القرن الثانی بعد العشرة (۱۰) الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة (۱۱) نقباء البشر فی القرن الرابع عشر . ☀

(۱۲) **ولهٗ کتاب مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال** مرحوم علامهٔ مامقانی در تنقیح المقال آنرا مدح نموده و فرموده که عدهٔ مترجمین در علم رجال قریب پانصد تن میشوند و همهٔ آنها حاوی ذکر آنها است که معاجم و کتب ذکر کثیری از آنها خالیست لیکن مؤلف محترم بواسطهٔ فحص متتابع وجهد معلومش بر آنها مطلع گشته وجناب ایدیه برایشان بخشیده . ☀

(۱۳) **ولهٗ کتاب هدیة الرازی الی المجدد الشیرازی** تاریخ جناب امام مجدد علم العلم والدین سید الطائفة وزعیمها المقدس سید میرزا محمد حسن شیرازی نزیل سامراء المتوفی سنهٔ ۱۳۱۲ . (۱٤) وکتاب ضیاء المفازات فی طرق مشایخ الاجازات (۱۵) والدر النفیس فی تلخیص رجال التلخیص (۱٦) ومحصل مطلع البدور فی تلخیص ما فیه من المنثور (۱۷) والیاقوت المزدهر فی تلخیص ریاض الفکر (۱۸) ومشجرة فی الانساب (۱۹) وتنجیز کتاب حدیقة النسب للعلامة ابی الحسن الافتونی . ☀

**تحصیل مترجم معظم در نجف و سامراء** : و صاحب عنوان ایده الله الملک المنان بر این موضوعات مهمه میل و توجه نکرده مگر بعد از تکمیل بعلوم دینیه از فقه واصول وهذب نفس بملکات فاضله و تمرینش بآداب شرعیه از آنوقتیکه قدم بعراق نهاده و در نجف اشرف رحل اقامت انداخت سنهٔ ۱۳۱۳ الی سنهٔ ۱۳۲۹ که در آنسال بسامراء هجرت کرد و در نجف از اساتید اعلام محقق مولی محمد کاظم خراسانی و علامه حبر شیخ الشریعة الاصفهانی و آیة الله سید محمد کاظم طباطبائی یزدی اخذ علم کرده و تقریرات بحث ایشانرا در فقه واصول نوشت و در سامراء تلمذ او مختص بحضور زعیم مقدم آیة الله المجاهد میرزا محمد تقی شیرازی گردید . ☀

**واو را رسائل دیگری تأسیسیه هست** من جملهٔ (۲۰) النقد اللطیف فی نفی التحریف من القرآن الشریف (۲۱) وتعریف الانام فی ترجمة المدنیة والاسلام الی الفارسیة وهذیبه وتبویبه و شطری از آن در مجلهٔ (درة النجف) النجفیة سنهٔ ۱۳۲۷ نشر شده . ☀

**مشایخ روایتی مترجم محترم** : وشیخنا المترجم از جماعتی از حجج الاسلام وعماد الدین وارکانه







روایت میکند که اسامی ایشانرا حسب ترتیب وفیاتشان ذکر میکنیم چنانچه خودش بدینِ نحو در اجازه که برای کاتب داده ذکر فرموده : حاج میرزا حسین نوری ملا علی نهاوندی شیخ محمد طه نجف سید مرتضی کشمیری حاج میرزا حسین خلیلی ملا محمد کاظم خراسانی حاج سید احمد رازی حائری شیخ محمد صالح آل طعان بحرانی میرزا محمد علی مدرس رشتی شیخ علی خاقانی سید محمد علی شاه عبد العظیمی شیخ الشریعة الاصفهانی شیخ موسی بن جعفر کرمانشاهی سید ابو تراب خوانساری شیخ علی بن شیخ محمد رضا کاشف الغطاء سید ابو محمد حسن صدر قدس الله اسرارهم سید ناصر حسین لکهنوی دامت برکاته و برای هریک از ایشان طرق متعدد هست که در مظان خود مذکور است . ☀

**اجازات مترجم برای علماء وفضلاء** صاحب عنوان ایده الله الملک المنان زیاده از سی تن از علماء وفضلاء معاصرین را اجازه داده و ما را اجازهٔ مبسوطهٔ مشتمل بر فوائد کثیره مرحمت فرموده و در دو ترجم با ایران مسافرت کرده در هریک آنچه از کتب بدست آورده استفاده نموده است و ما در این ترجمه استقصاء تمام آنچه باو متعلق است اراده نکردیم بلکه مقصود اعلام قارئین است بجزئی از آنچه متعلق بغرض ما است در این مقام والا فضل صاحب ترجمه بوصف و بیان نگنجد (محمد علی الغروی الاوردبادی) انتهی . وتا حال سنهٔ ۱۳٦۵ پنج مجلد از کتاب الذریعة از طبع در آمده و مجلد ششم نیز زیر طبع است امید که از دیگر مجلدات عشره او بلکه از بیست نیز استفاده حاصل بکنیم انشاء الله تعالی . ☀

**الذریعة (ج ۱) (ص ٤٢٦)** ازاحة الحلک الدامس بالشموس المضیئة فی القرن الخامس جزء دوم از اجزاء وفیات الاعلام بعد غیبة امام الانام است که وفیات علماء وفضلاء امامیه که در مائهٔ خامسه برحمت حق پیوسته اند در آن مذکور است از جمع مؤلف و سنهٔ ۱۳٤٦ بتألیفش شروع کرده ام . ☀

**ایضا (ج ۲) (ص ٤٢۸)** الانوار الساطعة فی المائة السابعة (جزء رابع از یازده اجزاء وفیات الاعلام بعد غیبة امام الانام) علیه السلام است تألیف مؤلف این کتاب است که جمع کرده ام در آن مختصری از تراجم ایشان از اول قرن رابع تا این قرن حاضر و سنهٔ ۱۳٤۵ بدین جزء شروع کرده ام . ☀

## (۳۲) ☀ آقا شیخ محمد سماوی نجفی دامت افاضاته صاحب ابصار العین فی انصار الحسین علیه وعلیهم السلام :

از اعاظم علماء عصر و افاخم فضلاء دهر علم التحقیق وطود التدقیق ثقهٔ ثبت عین صاحب ابصار العین فخر الفرقة المحقة وذخر الطائفة الامامیة مؤلف کتاب الطلیعة فی احوال شعراء الشیعة سماوی مسما

النبالة قدرًا وطلع فی افق الجلالة بدرًا ابن المرحوم شیخ طاهر سماوی اطاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه است .

**ازامارات موفق بودن مترجم معظم** آنکه واقف شده بکتابخانه مبارکه علویه در نجف اشرف وبعضی روایات را از کتب خزینه حضرت امیر علیه السلام بدست آورده ودر مؤلفات خود نقل فرموده وبتصدیق علماء ومجتهدین نجف درآنمکان شریف فاضل فرقه امامیه ومذهب جعفریه است ودر فن شعر شاعر مجید مجید

**الذریعة** (ج ۱) (ص ۴۷۱) ارجوزة فی الخط للعلامة الادیب الشیخ محمد بن الشیخ محمد طاهر السماوی النجفی اسمها نظم النمط فی علم الخط تأتی . ※

**ایضا** (ص ۴۷۳) ارجوزة فی الربع المجیب للعلامة الشیخ محمد بن الشیخ محمد طاهر السماوی النجفی المعاصر المولود ۱۲۹۲ سماها قرط السمع تأتی . ※

**ایضا** (ج ۱) (ص ۴۹۱) ارجوزة فی الفلسفة العالیة للعلامة الشیخ محمد بن الشیخ محمد طاهر السماوی النجفی سماها مشارق الشمسین فی الطبیعی والالهی تأتی اولها یامبدع العقول والنفوس وفاطر المعقول والمحسوس طوالع العقل بطرف الفکر لم تحض حمدک برّ وشکره . ※

## ذکر برخی از تحقیقات وروایات ابصار العین فی انصار الحسین علیه وعلیهم السلام

(گوید ضبط الغریب فی خطبة الحسین علیه السلام بمکة) وخبر کلمه خار الله مصرع ادای اختار ودر بعضی النسخ وبعضی کتب خیّر بالتشدید مذکور است وآن غلط فاحش است عُسّلان الفلوات بضم العین وسکون السین جمع عاسل وهو المهتز والمضطرب یقال للرمح وللذئب امثالهما والمراد هنا المعنی الثانی النواویس جمع ناووس فی الاصل وهو القبر للنصاری واینجا مراد آن قریه است که نزدیک کربلاست جوفا بضم الجیم وسکون الواو جمع جوفاء وهی الواسعة ودر بعضی النسخ بتحریک وتشدید واو مذکور میشود وآن غلط است اجربة سغبا اجربة جمع جراب کاغلمة وغلام ومراد بان شکم است مجازا وسُغبا بضمتین جمع سغبی من السغب وهو الجوع . ※

**بیان الفاظ دیگر** غیر از این خطبه ذوحُسَم بضم الحاء المهملة وفتح السین المهملة والمیم بعدها کوهی است آنجا که نعمان صید میکرد درآنمکان ودر بعضی کتب حسب وخشب وجشم مسطور است همگی غلط است از نساخ ولا اقر اقرار العبید یعنی قرار نمیکنم از شما مانند گریختن غلامان وذلیلانه دست بیعت بشما نمیدهم بلکه باشما محاربه مینمایم حتی یقضی الله ما هو قاض تا پروردگار حکم فرماید بدانچه میخواهد ودر بعضی النسخ اقر اقرار العبید وهو خطاء قد نصل یقال نصل الخضاب من اللحیة زمانیکه اصل وریشه محاسن بعد از سر رفتن خضاب که سیاه بود سفید گردد وبعضی از مردم زعم میکنند که انصل بها الخضاب این غلط وتصحیف است که





لفظ ومعنی عبارت را نفهمیده . ※

### (ودر باب لباس خواستن حضرت حسین علیه السلام گوید :)

ثم عاد الی مخیمه فطلب ثوبا یلبسه تحت ثیابه فاتی بتبان فقال لا هذا لباس من ضربت علیه الذلة فجیئ له ببرد یمانی تلمع فیه البصر ففزره ولبسه تحت ثیابه گوید تبان ثوب قصیر یلبسه الفعلة وامثالهم یلمع فیه البصر ای لایثبت فیه البصر لشدة بیاضه . ※

### (ودر شهادت حضرت ابوالفضل علیه السلام گوید :)

مجلس عند راسه یبکی حتی فاضت نفسه ثم حمل علی القوم فجعل یضرب فیهم یمینا وشمالا فیفرّون من بین یدیه کما تفر المعزی اذا شد فیها الذئب هو یقول این تفرون وقد قتلتم اخی این تفرون وقد فتتم عضدی ثم عاد الی موقفه منفردًا . ※

### (ودر حرکت لشکر بسوی خیام در یوم تاسع محرم گوید :)

ثم قال یا عباس ارکب بنفسی انت حتی تلقاهم الخ ودر بیان معنایش گوید ای فدیتک بنفسی بعد فرمود ای عباس تو سوار شو خدا فدایت گرداند ودر خاتمه کتاب گوید ان بنی تمیم منعت من قطع راس الحر وابعدت جثته عن القتلی علی نحو میل من الحسین علیه السلام قبیله بنی تمیم نگذاشتند که سر حر را قطع کنند وبدن او را ثلث فرسخ راه دور از قتلی برده ودفن نمودند . ※

### (شهادت نه تن که مادر ایشان از خیمه ها بحال آنان نظر میکردند :)

قتل فی الطف تسعة نفر وامهاتهم فی الخیم واقفات تنظرن الیهم واینان عبدالله بن حسین علیه السلام مادرش رباب در خیمه بحال او نظر میکرد وعون بن عبدالله بن جعفر که مادرش زینب عقیله وقاسم بن حسن علیه السلام مادرش رملة وعبدالله بن حسن علیه السلام مادرش بنت شلیل بجلیه وعبدالله بن مسلم مادرش رقیه بنت علی علیه السلام ومحمد بن ابی سعید بن عقیل مادرش دید که او ترسیده بعمود خیمه چسبید لقیط با هانی لعین ضربتی بوی زد وبکشت ومادرش باو نگاه میکرد وعمرو بن جناده مادرش او را بقتال امر کرد وکشته شد ومادر عبدالله کلبی که بروایت سید بن طاوس او وزنش بر جهاد تحریض میکردند ومادرش بحال او نظر میکرد وعلی بن الحسین علیهما السلام که مادرش لیلی در خیمه ایستاده در حق او دعا میکرد چنانچه در بعض اخبار وارد شده ودید که او مقطوع ومقتول گشت . ※

**مؤلف گوید :** پس معلوم شد آنکه بعضی از محدثین انکار کرده وگفته که لیلی مادر علی اکبر علیه السلام

در کربلا نبوده نفی است بی وجه و بی دلیل چه که عدم الوجدان دلیل عدم وجود نیست و در اثبات مطلب همین روایت ابن غانم متبحر و متتبع کافیست .

## استخلاص عیالات اصحاب در کوفه از ابن زیاد لعنه الله تعالی

گوید «فائده» عیالات غیر طالبیین از انصار حسین علیه السلام در کوفه ماندند زیرا که پس از وصول ایشان بکوفه اقرباء آنها از قبایل در نزد ابن زیاد شفاعت و وساطت کرده ایشانرا از اسیری خلاص نمودند و طالبیات را اسیر بشام بردند .

## (عدد شهداء طالبیین و غیر ایشان :)

بعد از خاتمه گوید : شهداء آل ابوطالب بیست و شش نفر بودند میان ایشان هشت تن موالی بودند و بعد از تعداد شهداء طوائف و قبائل گوید فهؤلاء مائة واثنی عشر نفراً من انصار الحسین علیه السلام اینها صد و دوازده نفر هستند از انصار حسین علیه السلام که ترجمه ایشان در این کتاب ابصار العین مذکور است و در آخر کتاب گوید ختمته حامداً لله رب العالمین مصلیاً علی محمد وآله المیامین فی البلد الامین نجف کوفان لثمان بقین من شعبان سنه ۱۳۴۱ و در مطبعه حیدریه نجف اشرف بطبع رسیده .

## (مترجمین ابصار العین :)

**الذریعة** (ج ۱) (ص ۶۵) ابصار العین فی احوال انصار الحسین علیهم السلام تالیف علامه ماهر شیخ محمد بن طاهر سماوی که در اوائل تصاوت خود در نجف تالیف و سنه ۱۳۴۲ طبع و اضافاتی بر آن دارد که هنوز بطبع نرسیده و فاضل سعادت حسین سلطان پوری بلغت اردو او را ترجمه کرده و عنقریب بطبع میرسد انشاء الله .

**ایضاً** (ج ۴) (ص ۷۳) ترجمه ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام بلغت اردو تالیف سید تصدق حسین بن مولوی سید غلام حسین موسوی نیشاپوری کنتوری المتوفی سنه ۱۳۴۸ و احوال خود را در تذکره بی بها (ص ۱۰۶) ذکر نموده .

**مؤلف گوید** : مؤید روایت صاحب ابصار که میفرماید شهداء آل ابوطالب بیست و شش تن و هشت نفر موالی میان ایشان بود که همه سی و دو نفر باشد خبر عبدالله بن سنان است از حضرت صادق علیه السلام که میفرماید چون روز عاشورا نایره حرب فرونشست دیدند وفی الارض منهم ثلثون صریعاً فی موالیهم سبعة من بنی هاشم و موالیان ایشان در میدان قتال بخاک افتاده اند و تمام خبر در مجلد محرم وقایع (ص ۳۲۲) طبع تبریز مذکور است .

## (مؤلف گوید : مناسب دیدم در این مقام که آنچه در عدد شهداء طف علیهم السلام

## بنظر رسیده مذکور آید :)

حقیر سنه ۱۳۵۸ در مراجعت از مسافرت دوم حج بیت الله الحرام برای تحصیل بعضی از کتب نفیسه خطیه





رفته چهل روز در آنجا اقامت گزیدم بحمد الله تعالی چندی از کتب ابتیاع و بعضی را انتخاب نمودم من جمله ثمرات العلوم تالیف حضرة السید المسند والمولی المعتمد ثقة المحدثین ونخبة الواعظین آقای حاج سید محمد علی واعظ مبارکی اصفهانی زید فضله العالی است در کتاب مذکور که بخط خود مؤلف است گوید که در ۱۸ شعبان سنه ۱۳۲۶ در دزداب از بلاد بلوچستان در کتابی که خالی از اعتبار نبود و زبانا فرمود که تالیف یکی از علماء امامیه لکهنوی هند و طبع شده بود دیدم که انّ الذین استشهدوا وقتلوا یوم الطف اشخاصی که روز عاشورا با مولای ما ابو عبدالله الحسین علیه السلام بدرجه شهادت فایز شدند از هاشمیین و غیرهم صغیراً و کبیراً صد و هفتاد و یک تن بودند و اسامی ایشان که در کتاب مذکور دیدم :

۱ حر بن یزید الریاحی ۲ و اخوه مصعب بن یزید الریاحی ۳ و ابنه علی بن حر الریاحی ۴ و غلام له کان مسمی بقره
۵ ظهیر بن حسان الاسدی ۶ بریر بن خضیر همدانی ۷ وهب بن عبدالله کلبی ۸ و زوجته و کان کالاسد فی الشهداء لکن تعدّ فی القتلی
۹ عمر بن خالد الاسدی ۱۰ خالد بن عمرو الازدی ۱۱ سعد بن حنظلة التمیمی
۱۲ عمر بن عبدالله المذحجی ۱۳ محمد بن انس المرادی الخزاعی ۱۴ وقاص بن المالک ۱۵ مسلم بن عوسجه
۱۶ عبدالله بن مسلم بن عوسجه ۱۷ نافع بن هلال البجلی ۱۸ بجیر بن سلیمان الزمانی ۱۹ محمد بن بشر الحضرمی
۲۰ زهیر بن قیس البجلی ۲۱ سلیمان بن سلیمان الازدی ۲۲ بشر بن عمرو الحضرمی ۲۳ مسعود بن الحجاج
۲۴ و ولده عبدالله بن مسعود بن الحجاج ۲۵ بکر بن الرقیط ۲۶ عبدالله بن البکر ۲۷ عبدالله بن بکر بن الرقیط
۲۸ اسلم بن کثیر الازدی ۲۹ جند بن حجر الخولانی ۳۰ زهیر بن بشر الخثعمی ۳۱ ابو ثمامة الصیداوی
۳۲ سعید بن عبدالله ۳۳ زهیر بن القین ۳۴ حبیب بن مظاهر الاسدی ۳۵ عمرو بن قرظة الانصاری
۳۶ جون مولی ابی ذر الغفاری ۳۷ عمرو بن خالد الصیداوی ۳۸ حنظلة بن سعد الشامی ۳۹ سلیمان مولی الحسین بن علی علیهما السلام
۴۰ عبدالله بن یقطر ۴۱ سوید بن العمرو ۴۲ یحیی بن کثیر ۴۳ زهیر بن سلیمان
۴۴ قرة بن ابی قرة الغفاری ۴۵ مالک بن الاوس ۴۶ نعمان بن العمرو ۴۷ سلیمان بن العوان الحضرمی
۴۸ غیلان بن عبدالرحمن ۴۹ عبدالله بن النعمان ۵۰ عطیة بن الوحاد ۵۱ قیس بن المنبة
۵۲ قیس بن عبدالله الهمدانی ۵۳ حجاج بن سعید السعدی ۵۴ عمرو بن ابی کعب ۵۵ عامر بن المالک
۵۶ و اخوه عامر بن المالک ۵۷ جبلة بن علی الشیبانی ۵۸ عمرو بن احدوث الحضرمی ۵۹ قعنب بن عمر النمری
۶۰ عبدالرحمن المزنی ۶۱ مجمع بن عبدالله عائذی ۶۲ عمرو بن کناد ۶۳ قاسم بن حارث
۶۴ مسلم بن کناد الخزاعی ۶۵ منیع بن زیاد ۶۶ قاسم بن زهیر التغلبی ۶۷ کنانة بن العتیق
۶۸ کرش بن زهیر التغلبی ۶۹ شریح بن عبدالله ۷۰ ابو عمار بن ابی سلامة الهمدانی ۷۱ یحیی بن سلیم المزنی

۷۲ قاسم بن حبیب الازدی ۷۳ عمرو بن ضبیعة الضبیعی ۷۴ حوی بن المالک ۷۵ اخو یوسف بن المالک
۷۶ عمرو بن عبد الله ۷۷ زید بن المظاهر ۷۸ عمرو بن جندب الحضرمی ۷۹ عمرو بن عبد الله الصیداوی
۸۰ عامر بن مسلم ۸۱ یزید بن حصین الهمدانی ۸۲ عبد الرحمن بن عبد الله الارحبی ۸۳ عبد الرحمن بن عمیر الکلبی
۸۴ زهیر بن عمیر الانصاری ۸۵ انس بن کاهل الاسدی ۸۶ القارب مولی الحسین علیه السلام ۸۷ السعید مولی عمرو بن خالد
۸۸ الظاهر مولی عمرو الخزاعی ۸۹ السالم مولی بنی مدینة الکلبی ۹۰ زهیر بن السلیم ۹۱ عمار الهمدانی
۹۲ نعیم بن عجلان الانصاری ۹۳ عمار بن حسان بن شریح الطائی ۹۴ حبان بن حارث ۹۵ عمرو بن ابی مناع الجعفی
۹۶ هاشم بن عتبة الملقب بالمرقال ۹۷ فضل بن علی بن ابی طالب علیه السلام ۹۸ حجاج بن مسروق ۹۹ هلال بن نافع بن هلال البجلی
۱۰۰ ابراهیم بن الحصین ۱۰۱ علی بن مظاهر الاسدی ۱۰۲ معلی بن معلی الغفاری ۱۰۳ طرماح بن عدی بن حاتم الطائی
۱۰۴ معلی بن حنظلة الغفاری ۱۰۵ جابر بن عروة الغفاری ۱۰۶ سوار بن عمیر الهمدانی ۱۰۷ السالم مولی عامر بن مسلم
۱۰۸ مالک بن داود ۱۰۹ عبد الله الشهیر بیتیم الابن شیخ الاسدی ۱۱۰ جنادة بن حارث الاسدی
۱۱۱ عمرو بن جنادة الاسدی ۱۱۲ عبد الرحمن بن العروة ۱۱۳ عابس بن شبیب الشاکری ۱۱۴ الشوذب ☼
۱۱۵ عبد الله الغفاری ۱۱۶ عبد الرحمن الغفاری ۱۱۷ القبر و نا المشهور بمحبوب مولی السجاد علیه السلام
۱۱۸ یزید بن زیاد الشعثائی ۱۱۹ ابو عمرو النهشلی ۱۲۰ زیاد بن المهاجر ۱۲۱ سیف بن ابی الحارث
۱۲۲ محمد بن المقداد ۱۲۳ مالک بن عبد الله ۱۲۴ سعد مولی امیر المؤمنین علیه السلام ۱۲۵ ابو الصمصام الطائی
۱۲۶ حارث بن العروة ۱۲۷ بدر بن معقل الاسجعی ۱۲۸ قیس بن مسهر الصیداوی ۱۲۹ قیس بن الربیع ☼
۱۳۰ مسعود بن سعد حداد الکوفی ۱۳۱ صاحب النصرانی ۱۳۲ احمد بن محمد الهاشمی ۱۳۳ مسلم بن عقیل
۱۳۴ محمد الاصغر بن مسلم ۱۳۵ ابراهیم بن مسلم ۱۳۶ عبد الله بن مسلم ۱۳۷ محمد بن مسلم
۱۳۸ جعفر بن عقیل ۱۳۹ عون بن عقیل ۱۴۰ عبد الرحمن بن عقیل ۱۴۱ موسی بن عقیل
۱۴۲ عبد الله الاکبر بن عقیل ۱۴۳ عبد الله الاصغر بن عقیل ۱۴۴ محمد بن سعید بن العقیل ۱۴۵ جعفر بن محمد بن عقیل
۱۴۶ علی بن عقیل ۱۴۷ محمد بن عبد الله بن جعفر ۱۴۸ عون بن عبد الله جعفر ۱۴۹ عبید الله بن عبد الله بن جعفر
۱۵۰ عبد الله بن الحسن الاکبر ۱۵۱ اسد بن ابی دجانة ۱۵۲ مالک بن انس ۱۵۳ فیروزان مولی الامام
الحسن بن علی علیهما السلام ۱۵۴ منجح ☼ ۱۵۵ ابو بکر بن الحسن علیه السلام ۱۵۶ احمد بن الحسن علیه السلام
۱۵۷ عبد الله بن الحسن الاصغر ۱۵۸ حسن بن حسن علیه السلام ۱۵۹ زید بن الامام الحسن علیه السلام ۱۶۰ عمرو بن الحسن علیه السلام
۱۶۱ قاسم بن الحسن علیه السلام ۱۶۲ ابو بکر بن علی علیه السلام ۱۶۳ عمر بن علی علیه السلام ۱۶۴ عون بن علی علیه السلام
۱۶۵ جعفر بن علی علیه السلام ۱۶۶ عبد الله بن علی علیه السلام ۱۶۷ عثمان بن علی علیه السلام ۱۶۸ محمد بن امیر المؤمنین





۱۶۹ عباس بن علی علیه السلام ۱۷۰ علی بن الحسین الاکبر ۱۷۱ علی بن الحسین الاصغر ☼

مؤلف گوید: اگرچه حضور بعضی از اصحاب و نفیان هاشمیه در وقعه طف کرد این روایت مذکور شد مثل هاشم مرقال و عمر بن علی علیه السلام و شهادت برخی از هاشمیین مانند حسن بن حسن علیه السلام و زید بن الحسن و عمرو بن الحسن قطعاً محل نظر و محققاً قابل رد و اعتراض است ولی بجهت پاره از فوائد چنانکه یافتیم نقل کردیم والحمد لله فی کل آن وهو الموفق المستعان وعلیه التوسل والتکلان. ☼

## (۳۳) آقا سید جعفر آل بحر العلوم دامت برکاته

## (صاحب تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم:)

هو العلامة الناقد البصیر والمحقق الفاقد النظیر حجة الاسلام علم الاعلام سناد العلم الشامخ وعماد الفضل الراسخ اسوة العلماء الماضین وقدوة الفضلاء الباقین بقیة نوامیس السلف ومرجع مشایخ الخلف امره فی علو قدره وعظم شانه وسمو رتبته ودقة نظره واصابة رایه اشهر من ان یذکر وابین من ان یسطر لا زال موفقاً ومحروساً بحراسة الرب العلی ومؤیداً ومحفوظاً من کید کل جاهل غبی ومکر عنید غوی. ☼

**مآثر و آثار** (ص ۱۵۲) در ترجمه آقا سید علی مجتهد بحر العلوم خلف الصدق آقا سید رضا ابن السید بحر العلوم المشهور گوید: دودمان ایشان در تمام ممالک شیعه امامیه از بیوتات محترمه قدیمه است فقاهت و اجتهاد و تقوی و فضایل و مزایای دیگر هیچگاه از این دودمان مفارقت ننموده این کرامت است حقیقة سید بحر العلوم بزرگ زاد الله برهانه. ☼

۱۳۵۸ هجری در نجف اشرف بخدمت و صحبتش نایل گشتم و چند سال قبل بدون سابقه خدمت و رابطه الفت محض بمقتضای طیب فطرت و پاکی طویت جلدین تحفة العالم فی خطبة المعالم را هدیه انفاذ داشته بودند که از اداء تشکر آن عاجز و قاصرم. من یفعل الخیر لا یعدم جوازیه ☼ لا یذهب العرف بین الله والناس ودر عالم چیزی بهتر از وسایل علم نیست که شخص برای برادر دینی خود وسیله و هدیه از علم بفرستد

(اولی جمیع الناس بالمعالی ☼ من جاد بالعلم علی الموالی)

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۴۵۱) تحفة العالم فی شرح خطبة المعالم تالیف سید جعفر بن سید محمد باقر بن سید علی صاحب برهان آل بحر العلوم طباطبائی نجفی معاصر مشتمل بر دو مجلد جلد اول در شرح خود خطبه که تواریخ معصومین علیهم السلام از ولادت تا وفات و مشاهد مشرفه و قبور مطهره و تواریخ مشاهد ذاتیه از

تعمیر و تخریب در آنها واقع شده و ساکنین آنها و غیر ذلک و تواریخ اولاد و احوال ایشان را ذکر فرموده و جلد دوم در شرح سی و سه حدیث که در صدد کتاب معالم بعد از خطبه در فضل علم و علماء مذکور است که اولاد و احوال هر یک از رجال سند جداً و تعدیلاً تکلم شده و در دلالت متن و آنچه از وی مستفاد میشود بحث فرموده و این کتابی است علی تاریخ جالی ٢٥ شوال سنه ١٣٣٣ از وی فارغ و نسخه را بخط جید او دیدم بعد در نجف سنه ١٣٥٥ در مطبعهٔ غری بطبع رسیده .

فضل علم ادب

## (ذکر سطری از نوادر کتاب تحفة العالم :)

**فضل علم الأدب** (ج ١) (ص ٣) وقد اشتهر فی عرف المتأخرین ان علم الادب عبارة عن النکت والنوادر من الشعر والتواریخ وذکر الشیء بالشیء بالاستطراد و بالمناسبة مع مراعات مقتضی الحال علم ادب عبارت است از نکات و نوادر اشعار و تواریخ و ذکر چیزی با چیزی بمناسبت و استطراد با مراعات مقتضای حال و بدین معنی اشاره نموده ابو عبید که گفته من اراد ان یکون عالماً فلیلزم فناً واحداً ومن اراد ان یکون ادیباً فلیتسع فی العلوم هر که بخواهد عالم باشد ملتزم یک فن بشود و هر کسی بخواهد ادیب گردد باید در علوم مختلفه توسعه بدهد و بالجمله هر که علم را برای استفاده نفس خویش طلب کند اندکی از وی او را کفایت مینماید و هر که بخواهد بدیگران برساند پس حوائج مردم بسیار است .

فضل علم و قلم

**فضل علم و قلم** (ص ٤) قوله تعالی اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ بقول اکثر مفسرین این سوره قلم اولین سوره ایست که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شده و نخستین روزی است که جبرئیل علیه السلام بطریق وحی بر آنجناب نزول کرده که در کوه حری تشریف داشت پنج آیه از اول این سوره فرود آورد و چون خداوند مجید کلام مجید خود را ابتدا کرد بنعمت ایجاد افتتاح و بعد از آن نعمت علم را ذکر فرمود معلوم شد که اگر پس از نعمت ایجاد نعمتی اعلی از نعمت علم میبود سزاوار بود آنرا ذکر فرماید .

فضل کتابت و ضبط اخبار

**فضل کتابت** قبل که مراد از قول خداوند متعال عَلَّمَ بِالْقَلَمِ کتابت است که امور غائبه با او معروف میشود و اول من خط بید ادریس و اول کسیکه با قلم نوشت حضرت ادریس علیه السلام بود و مفضل بن عمر گوید که حضرت صادق علیه السلام مرا فرمود اکتب وبث علمك فی اخوانك فان مت فاورث کتبك بنیك فانه یاتی علی الناس زمان هرج لا یانسون فیه الا بکتبهم بنویس و علم خود را بر اخوان خویش نشر کن پس اگر بمیری کتب تو برای اولادت ارث بماند و در مقام توجه شوند که زمان فتنه بمردم میآید که انس نمیگیرند مگر بکتب .



اشعار در فضل قلم بر سیف

## (ذکر بندی از نظم و نثر در فضل قلم بر سیف)

(ص ٤٤) وما احسن ما قیل فی فضل القلم علی السیف و هو لابن الرومی

ان یخدم القلم السیف الذی خضعت ... له الرقاب ودانت خوفه الامم
فالموت والموت شیء لا یغالبه ... ما زال یتبع ما یجری به القلم
کذا قضی الله للاقلام مذ بریت ... ان السیوف لها مذ ارهفت خدم

## (ایضاً فی وصف القلم)

وذی عفاف راکع ساجد ... اخو صلاح دمعه جار
ملازم الخمس لاوقاتها ... مجتهد فی طاعة الباری

## (ومحمود بن احمد اصفهانی گوید :)

اخرس ینبیك باطراقه ... عن کل ما شئت من الامر
کعاشق اخفی هواه وقد ... نمت علیه عبرة تجری
یذری علی قرطاسه دمعة (بیت) ... یبدی بها السر وما یدری
تبصره فی کل احواله ... عریان یکسو الناس او یعری
یری اسیراً فی دواة وقد ... اطلق اقواماً من الاسر

نثر بلیغ در فضل قلم

القلم احد اللسانین وهو المخاطب للعیوب بسرائر القلوب علی لغات مختلفة من معان معقولة بحروف معلولة متباینات الصور مختلفات الجهات لقاحها التفکر ونتاجها التدبر وقال ابن المعتز القلم یجهز لجیوش الکلام یخدم الارادة ولا یمل الاستزادة یسکت واقفاً وینطق سائراً علی ارض بیاضها مظلم وسوادها مضیء وکانه یقبل بساط سلطان او یفتح نوار بستان (زهر) وقال علی بن عبید احتم بجمع النجوی (سر) اعیی من باقل وابلغ من سحبان وائل یجهل الشاهد ویخبر الغائب ویجعل الکتب بین الاخوان السنا ناطقة واعینا لاحظة وربما ضمنتها من ودائع القلوب ما لا تبوح به الالسن عند المشاهدة ومن کلام ابی حفص بن برد الاندلسی ما اعجب شأن القلم یشرب ظلمة ویلفظ نوراً قد یکون قلم الکاتب امضی من شباة المحارب (تیر) القلم سهم ینفذ المقاتل وشفرة تطبع بها المفاصل .

ایضاً اشعار بلیغ در فضل قلم

## (تتمیم فائده در فضل قلم)

## (احمد بن عبد ربه گوید :)

یخاطب الغائب البعید بما ... یخاطب الشاهد الذی حضرا
تمج فکاه ریقة صغرت ... وخطبها فی القلوب قد کبرا
تحسب ضئیل لفعله خطر (دشمن) ... اعظم به فی ملمة خطرا
مهفهف تزدهی به صحف ... کانما حلیت به دررا

## (ولابن معتز فی قلم الوزیر القاسم بن عبید الله)

قلم ما اراه ام فلك یجـ ... ـری بما شاء قاسم ویسیر
خاشع فی یدیه یلثم قرطا ... ساً کما قبل البساط شکور

| | |
|---|---|
| ولطیف المعنی جلیل نحیف | وکبیر الافعال وهو صغیر |
| کم منایا وکم عطایا وکم حتف | وعیش تضمّ تلک السطور |
| نفث بالدجی نهاراً فما اد | ری اخطّ فیهنّ ام تصویر |

**(وقال ابو تمام فی قلم محمد بن عبد الملک الزیات)**

| | |
|---|---|
| لک القلم الاعلی الذی بشباته | تصاب من الامر الکلی والمفاصل |
| لعاب الافاعی القاتلات لعابه | واری الجنی اشتارته ایدٍ عواسل |
| له ریقة طلّ ولکن وقعها | بآثاره فی الشرق والغرب وابل |
| فصیح اذا استنطقته وهو راکب | واعجم ان خاطبته وهو راجل |
| اذا ما امتطی الخمس اللطاف وافرغت | علیه شعاب الفکر وهی حوافل |

**(وبفارسی گفته اند:)**

| | |
|---|---|
| حیات دین نبی یک است و ابیاری سیف | که عالمان بقلم کار سیف می‌بندند |

## (اجمالی از جفر و جامعه)

صفات جیّد قلم

اجمالی از جفر و جامعه

ایضاً در تحفة العالم (ص ۲۳۰) درباب علم حضرت امیر صلوات الله علیه گوید : وفی جملة من التواریخ ان المروی صحیحاً ان الجفر والجامع من تصنیفات علی المرتضی علیه السلام ودر جملهٔ از تواریخ مذکور است که در روایت صحیح وارد شده که جفر و جامع از تصنیفات حضرت امیر صلوات الله علیه است وسید شریف علی بن محمد جرجانی در شرح مواقف گوید ان الجفر والجامعة مؤلفان لامیر المؤمنین رضی الله عنه که جفر و جامعه هر دو تالیف حضرت امیر رضی الله عنه است ویمکن استخراج الوقایع والحوادث المتعلقة بالعالم من هذین المؤلفین یعنی ممکن است استخراج وقایع وحوادث متعلق بعالم را از این دو تالیف شریف وگوید من در مصر بکور قرار از آنجمله دیدم که احوال ملوک این مملکت را از آن استخراج کرده بودند انتهی والذی یظهر من جملة من الاخبار انهما من خصائص الائمة علیهم السلام توجدان عندهم ولی انچه از اخبار ظاهر میشود این است که این دو علم از خصایص ائمه اطهار علیهم السلام است ودر احوال حضرت صادق علیه السلام مؤید این مطلب مذکور میشود انشاء الله تعالی .

نقل روایت شیخ شریف در باب جفر و جامعه

## (تتمیم فایده در اخبار جفر و جامعه:)

احتجاج (ص ۱۹۴) وکان الصادق علیه السلام قال علمنا غابر ومزبور ونکت فی القلوب ونقر فی الاسماع وان عندنا الجفر الاحمر والجفر الابیض ومصحف فاطمة علیها السلام وعندنا الجامعة فیها جمیع ما یحتاج الناس الیه فسئل عن تفسیر هذا الکلام فقال اما الغابر فالعلم بما یکون واما المزبور فالعلم بما کان واما النکت فی القلوب فهو الالهام والنقر فی الاسماع فحدیث الملائکة علیهم السلام نسمع کلامهم ولا نری اشخاصهم واما الجفر الاحمر





فوعاء فیه سلاح رسول الله صلی الله علیه وآله ولن یخرج حتی یقوم قائمنا اهل البیت واما الجفر الابیض فوعاء فیه توریة موسی وانجیل عیسی وزبور داود وکتب الله الاولی واما مصحف فاطمة علیها السلام ففیها ما یکون من حادث واسماء من یملک الی ان تقوم الساعة اما الجامعة فهو کتاب طوله سبعون ذراعاً املاء رسول الله صلی الله علیه وآله من فلق فیه وخط علی بن ابیطالب علیه السلام بیده فیه والله جمیع ما یحتاج الناس الیه الی یوم القیمة حتی ان فیه ارش الخدش والجلدة ونصف الجلدة .

در جنّات الخلود

**ودر جنّات الخلود گوید** : که حضرت صادق علیه السلام در اسکات منکری میفرمود که علمنا غابر الخ یعنی نزد ما اهل بیت است علم غابر ومزبور در نسخهٔ جنّات الخلود سه جا مزبور واحتجاج دو جا مزبور وهر دو صحیح است پرسید ند از معنی انها فرمود اما غابر پس علم بآن چیزیست که خواهد شد واما مزبور علم بآن چیزهاست که واقع شده از اول دهر تا حال واما نکت در دلها پس الهام است واما نقر در سماع پس حدیث ملائکه است که ما اما ثمان کلام ایشانرا میشنویم وشخص ایشانرا نمی بینیم واما جفر احمر پس آن ظرفیست که سلاح رسول خدا در آن مضبوط است ونزد هر کس از ما باشد امامت باو مفوض است وبیرون نمیآید هرگز تا قیام قائم ما اهل بیت واما جفر ابیض پس ظرفیست که توریة موسی وانجیل عیسی وزبور داود وصحف ابراهیم وسایر کتب وصحف سماویه در آن مضبوط است واما مصحف فاطمه نوشته ایست که در آن ثبت است هر چیزیکه حادث میشود ونامهای آن کسانیکه پادشاهی خواهند کرد تا قیام قیامت واما جامعه پس کتابی است که طولش هفتاد ذراع است از فلق یعنی از میان دو لب پیغمبر صلی الله علیه وآله واملاء آنحضرت بیرون آمده وخط علی بن ابیطالب صلوات الله علیهما است ودر آن نوشته شده تمامی انچه مردم را بکار آید تا روز قیامت حتی ارش خدش ویک تازیانه ونیم تازیانه در امور حدود شرعیه .

معنی غابر و مزبور و نکت و نقر و جفر احمر و ابیض

تفصیل جفر از سفینة البحار

**سفینة البحار (ج ۱) (ص ۱۶۵)** جفر از الواح موسی علیه السلام اخذ شده که آنجناب او را در کوهی ودیعه گذاشته بود تا زمان حضرت رسول صلی الله علیه وآله پس آن بزرگوار رسید وآنجناب علی علیه السلام را طلبیده باو عطا نمود وامر فرمود که او را زیر سر خود بگذارد پس زیر سر خود گذاشت فاصبح وقد علمه الله کل شیء فیها وفیها علم الاولین والآخرین وچون صبح شد خداوند هر انچه در آن بود بوی تعلیم فرمود وعلم اولین وآخرین در آن بود ورسول خدا صلی الله علیه وآله امر فرمود که استنساخ بنماید وآنجناب در پوست گوسفندی نوشت وجفر اینست

**ودر روایت دیگر** جفر بزغالهٔ چهار ماهه بود در احد پیغمبر صلی الله علیه وآله باو امر فرمود که او را ذبح کند وپوست از وی باز نماید وطرف داخلی را بر گرداند ویکتب فیها بالمداد والقلم اللذین جاء بهما جبرئیل ما یکون فی کل زمان وما یحدث علیه وعلیهم من بعده وبنویسد در آن بآن مرکّب وقلمیکه جبرئیل آورده بود انچه را که در

آنچه در هر زمان واقع خواهد شد و از این کتاب استخراج شده همه احادیث ملاحم یعنی کارزارها . ✱

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرموده ان علی بن ابیطالب علیه السلام سار فی اهل السواد بما فی الجفر الابیض وان القائم ع یسیر فی العرب بما فی الجفر الاحمر حضرت امیر علیه السلام با اهل عراق بموجب جفر ابیض مدارا نمود و قائم علیه السلام با عرب بمقتضای جفر احمر معامله خواهد کرد عرض کردند جعلت فداك قربانت شوم جفر احمر چیست فامر اصبعه علی حلقه فقال هکذا یعنی الذبح انگشت مبارك بر گلوی خود کشید و فرمود اینطور یعنی ذبح خواهد کرد

و در کشف الغمه (ص ٢٨٠) گوید که در سنه ٦٧٠ از مشهد شریف حضرت رضا علیه السلام یکی از خدام آستان مقدس بر ما وارد شد و با وی بود آن عهدی که مأمون بدست خود نوشته و حضرت رضا علیه السلام نیز پشت آنرا مرقوم فرموده بود پس من مواضع قلم آنجناب را بوسیده و وقوف بر آنرا از منن و انعام خداوند متعال شمردم و بعد از نقل صورت خط مأمون خط حضرت رضا علیه السلام را نقل مینماید تا آنجا که آنجناب نوشته وجعلت بذلك علی نفسی عهداً مؤکداً یسئلنی الله عنه فانه عز وجل یقول وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا الی ان قال علیه السلام والجامعة والجفر یدلان علی ضد ذلك بر نفس خود بقبول این امر عهد مؤکدی قرار دادم که خداوند از وی سؤال خواهد فرمود زیرا که خدای عز وجل میفرماید وَأَوْفُوا الآیه بعهد خود وفا نمائید که از عهد مسئول خواهید شد ولی جامعه و جفر بر ضد این امر دلالت میکنند . ✱

منتهی الامال (ج ٢) (ص ١٠٦) ابن قتیبه در کتاب ادب الکاتب گفته که کتاب جفر را امام جعفر صادق علیه السلام نوشته و در آنست آنچه مردم بدانستن آن احتیاج دارند تا روز قیامت و بهمین جفر اشاره کرده ابو العلاء معری در قول خود : ✱

| | | | |
|---|---|---|---|
| لقد عجبوا لآل البيت لما | اتاهم علمهم فی جلد جفر | ومرآة المنجم وهی صغری | تریه کل عامرة وقفر |

یعنی مردم تعجب کردند از اهل بیت وقتیکه آمد ایشانرا علم اهل بیت در پوست بزغاله که جفر باشد یعنی میگویند چگونه میشود این همه علم در پوست بزغاله چهار ماهه جمع شود پس برای رفع استبعاد ایشان میگوید که آیینهٔ منجم که اسطرلاب باشد با آنکه چیز کوچکی است مینماید بمنجم آسمانها و زمین و جاهای معمور و غیر معمور را

## ﴿اجمالی از جعفر بن علی الهادی علیه السلام الملقب بالکذاب﴾

تحفة العالم (ج ١) (ص ٧٠) در ذکر اولاد حضرت هادی علیه السلام گوید و اما جعفر پس او ملقب بکذاب است و معروف بود بحب جاه و طلب دنیا و اکثر عمر خود را با اجامر و اوباش صرف نمود و با طنبور و سایر نامشروع بازی میکرد ولی متظاهر بود بامامت حضرت عسکری علیه السلام و بعد از وفاتش ادعای امامت کرد و مردم را بامامت و اطاعت خود مجبور میکرد و اراده نمود که بر جنازهٔ برادرش نماز بگذارد حضرت حجت عجل الله





فرجه مانع شد و قصه اش معروفست وقیل انه تاب فی آخر عمره فلقب بجعفر التواب و گویند که در اواخر عمرش توبه کرد و به جعفر تواب ملقب گردید بل ورد فی الاخبار تشبیه جعفر باخوة یوسف علیه السلام حیث غفر الله لهم ذنوبهم وعفی عنهم یوسف وقال لا تثریب علیکم الیوم بلکه در اخبار تشبیه جعفر به برادران یوسف وارد شده که خداوند گناهان ایشانرا بخشید و یوسف علیه السلام از ایشان عفو نمود و فرمود هیچ سرزنش بر شما نیست امروز

## ﴿٣٠٤﴾ آقا میرزا محمد طهرانی عسکری دامت افاضاته
## ﴿صاحب کتاب مستدرک البحار ، هو الشیخ الاجل العلامة :﴾

حجة الاسلام والبحر الزاخر القمقام فخر الفرقة المحقة وذخر الشیعة الامامیة استاد الاساطین العصر واستاد فضلاء الدهر العالم المحقق الامجد والفاضل الفقیه الاوحد دام الله ایام افاضاته وافاداته کراراً در سامراء بخدمت و صحبتش نائل و فیوضات کثیره از ایشان حاصل کرده ام ١٣٥٢ اجازهٔ اجتهادی مترجم معظم را بخط و امضاء مرحوم آیة الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره در سامراء دیده و بر قفاء آن نمودم زیاده از شصت سال است که از عنفوان شباب و ریعان زندگانی خود در آنمکان شریف مشغول تحصیل و تدریس و تألیف میباشند سالها است که مستدرك البحار مینویسند ١٣٤٥ در خزانهٔ کتبش شش مجلد کبیر فقط در مستدرک اجازات بحار دیدم و آن کتاب عجیب و طریفی است و در مدت سه روز بنده از دور بجاوش التقاط و غرر جواهرش اختلاس نمودم و در این اجازات مسند ذکر و روایات مسطره آنچه از فوائد و فرائد و طرائف و لطائف و دیعه نهاده در هیچ اجازه و ترجمه یافت نمیشود که از کتب طریفه اسفار نفیسه تتبع و تصفح فرموده . ✱

وحضرة العالم العلامة صاحب کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة در وصف او میفرماید هو العلامة الحجة الشیخ الاجل مولانا میرزا محمد الطهرانی العسکری لا اعدمنا الله وجوده صاحب التصانیف الممتعة التی منها مستدرك البحار فی مجلدات ومنها الصحیفة المهدیة فی ادعیته علیه السلام . ✱

﴿ومناسب دیدکه شرحی از مستدرک بحار در این مقام مذکور آید :﴾

در مجلد اول در ذیل اجازات مجلسی اول ملا محمد تقی مرحوم گوید : ✱

صورة اجازته قدس سره لتلمیذه الاجل ابو المحققین الآقا حسین الخوانساری ثم الاصفهانی

﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾

الحمد لله الذی جعل الروایة درکا لمبین احکامه ووصلة لنیل اعلی درجات جنانه ونورا لهدایة

به الی اتباع هداة صراطه والصلوة علی سید المرسلین وخیر البریة اجمعین محمد والمقدسین من آله وبعد فیقول فقیر عفو ربه الغنی محمد تقی بن مجلسی الاصفهانی انه قد تطابق العقل والنقل علی ان اشرف المآرب وانجح المطالب هو العلم الذی به یفضل علی ملائکة السموات ویلحق باعماله اعلی واعظم الدرجات ویتوسل به الی رضا خالق الارضین والسموات وما هو الا العلم بکتاب الله المجید المأخوذ عن سید الانبیاء وعترته الاصفیاء وهو مبین من حدیث الثقلین وغیره بل جمیع اخبارهم ببیان المراد من الکتاب المبین ولذا کان السلف رضی الله عنهم همتهم ابداً رعایة الاخبار باذهانهم العالیة والفطن الصافیة باوامر ائمتهم الهادیة سلام الله علیهم تارة بالحفظ لما یروونه والفرق بین ما یقبلونه ویردونه والاخری بالجمع والتألیف والاقراء والروایة علی اکمل وجوه الرعایة ثم درست عوائد التوفیق وطمست فوائد التأیید وذهبت معالم الشریعة البیضاء المصطفویة وزالت آثار الطریقة الغراء المرتضویة والله سبحانه لم یخلقهم لهذا التضییع ولم یبعثهم الانهماک فی هذا الحمل الفضیع فانا لله وانا الیه راجعون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم .

بعد شروع کرده بتوصیف آن عالم یگانه واجازهٔ روایتی باشان داده رحمة الله علیهما .

## شیخ بهاء الدین وصاحب تفسیر نور الثقلین :

ودر اجازهٔ سید نعمة الله جزایری از برای شیخ حسین جامع رضوان الله علیهما الی عن شیخنا المتبحر فی فنون العلوم شیخنا الشیخ بهاء الدین محمد العاملی .

( سلام من الرحمن نحو جنابه ✻ فان سلامی لا یلیق ببابه )

واجزته ایضا باجازتی عن شیخنا المحقق صاحب التفسیر الموسوم بنور الثقلین الشیخ عبد علی الحویزی

## اشتباه چند تن از اعاظم علماء در مؤلف احتجاج :

ودر اجازهٔ شیخ عبد الله سماهیجی از برای شیخ یس که در آخر کتاب خود مسمی بمنیة الممارسین فی اجوبة الشیخ یس وهی اجازة کبیرة ذات طرق وفوائد کثیرة گوید : وقد وقع اشتباه علی جماعة من علمائنا فیه یعنی در مؤلف احتجاج که احمد بن ابیطالب طبرسی است که بابو علی طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان نسبت داده اند از آنجمله ابن ابی جمهور احسائی صاحب غوالی اللئالی وصاحب رسالهٔ مشایخ الشیعه وفاضل امین استرابادی صاحب فوائد المدنیة وگوید که کتاب غوالی اللئالی کتاب غیر معتمد وفیه خبط فی الحدیث وخلط بین الصحیح والضعیف الی ان قال ومصنفات السید نور الدین خصوصا الفوائد المکیة فی نقض الفوائد المدنیة وما احسن فیها ولا اجاد ولا سلک سبیل الاقتصاد ودر اجازهٔ دیگر گوید از آنجمله سید علامه هاشم بن سلیمان بحرانی است .





مؤلف گوید : واز آنجمله سید عبد المجید حایری معاصر صاحب خیرة الدارین است که در مقدمهٔ کتاب مذکور در عداد مدارک کتابش گوید وکتاب اعلام الوری باعلام الهدی وکتاب الاحتجاج وکتاب تفسیر مجمع البیان وکتاب نثر اللئالی کلها للشیخ امین الدین ابی الفضل الطبرسی .

## سید هاشم بحرانی قدس سره :

در اجازهٔ شیخ عبد الله سماهیجی بحرانی اخباری صاحب الصحیفة العلویة از برای شیخ ناصر خطی گوید عن السید المقدس السعید الحمید السید هاشم المعروف بالعلامة وکان هذا السید ورعا صالحا متتبعا للاحادیث غایة التتبع بها الخاطر زائدة واطلاع شدید وقد جمع نحوا من اربعین کتابا وکتب وی را تعداد کرده .

## سید نعمة الله جزایری طیب الله رمسه

در همان اجازه گوید : ومنهم السید نعمة الله بن السید عبد الله الجزایری عن الآخوند وغیره من المشایخ الاعلام بطریق الاجازة وکان هذا السید عالما فاضلا محدثا محققا ناکثا بشر اماما للجمعة والجماعة فیها ثقة علامة سمع الحدیث عن العلامة المجلسی وتلمذ علیه وغیره مشایخ تحمل منهم الحدیث وله مصنفات عدیدة تدل علی فضله وشدة اطلاعه بالحدیث .

## شیخ حر عاملی قدس سره

الی ان قال والشیخ محمد بن الحسن بن علی الحر العاملی وکان هذا الشیخ ثقة ورعا صالحا حافظة علامة لا سیما فی علم الحدیث اخباریا ودر اواخر عمرش در مشهد مقدس رضوی علی ساکنها آلاف الصلوة والسلام اقامت گزید بعد از اینکه از جبل عامل مهاجرت فرموده بود ودر آن مکان شریف بر حسب خواهش وبا مورچینه با مر جبری از سلطان عجم بعد از اینکه مرا ابا از قبول منصب شیخ الاسلامی امتناع کرده بود متولی گردید که نفس شریف خود را بدین امر از راه تقیه الزام نمود ودر غایت ورع وحلم وانصاف وامام جماعت بودند ولم یتمکن من صلوة الجمعة لان الاصلی فی وقته کان غیر معتبر لانه انما ام الناس من قبل الجائر ولم یتمکن من الخروج الی حد فرسخ لانه کان شیخا کبیر السن ولی از نماز جمعه متمکن نشد زیرا که در زمان او نماز جمعه میکنند ازو معتبر نبود بجهة اینکه از جانب سلطان جائر امامت مردم میکرد وبرای او ممکن نبود تا حد فرسخ بیرون رود زیرا که شیخ کبیر السن بود له تصانیف کثیرة منها کتاب تفصیل وسائل الی احکام الشریعة ستة مجلدات وهو کتاب نفیس وجامع انیس حسن التبویب عجیب الترتیب جمعه من نحو مائة کتاب من کتب الحدیث المعتمدة برای او تصنیفات بسیاری هست من جمله کتاب وسائل که شش مجلد وکتاب نفیس وجامع انیسی است حسن تبویب وعجیب ترتیب از صد کتاب از کتب معتمدهٔ حدیث جمع نموده واز مرحوم علامهٔ مجلسی استجازه وبروی اجازه داده .

## (شیخ فخر الدین بن طریح النجفی :)

ومنهم الشیخ فخر الدین بن طریح النجفی واز مشایخ اجازه یکی هم شیخ طریحی علیه الرحمة است وابن شیخ فاضل محدث لغوی عابد زاهد صالح متورع ثقه پدرش از اهل نجف اشرف ومادرش عجمیه از ارض اقدس بودند ودر عدّه کتبش گوید از آنجمله کتاب مجمع البحرین فی لغة غریب القرآن والحدیث من طرقنا کتاب مجمع البحرین است در لغة غریب قرآن وحدیث از طرق شیعه که در مشهد مقدس رضوی بتالیف آن مشغول شده الّا انه لم یحط بلغة احادیثنا کل الاحاطة ولم یتتبعها حق التتبع مگر آنکه بلغت احادیث تا اخاطه تمام وتتبع کامل نموده

**مؤلف گوید :** صاحب لؤلؤة البحرین وصاحب روضات الجنات نیز این توهم را کرده اند ولی در همین وجیزه در ترجمه مرحوم حاج میرزا محمود شیخ الاسلام تبریزی المتوفی سنة ۱۳۱۰ مذکور رشد که آن مغفور مبرور فرموده که مصنف مجمع البحرین در ذکر هر یك از مواد لغات خلیجی بلغت دیگر منجر نموده تا آنجا که میفرماید وباین تحقیق مندفع میشود اعتراض شیخ فاضل محدث بحرانی الی آخر ما قال ره . ✻

## (ملا محمد تقی والد العلامة المجلسی قدس سرهما :)

**در تضاعیف اجازات گوید :** مولی محمد تقی بن مقصود الاصفهانی زاهد متورع ثقه محدث مجتهد بود وبطریقه تصوف متهم شده وبعضی ذکرش علامه مجلسی او را از این طریقه تبرئه نموده وهو اعرف بحال ابیه وصاحب البیت ادری بالذی فیه واو اعرفست بحال والد ماجدش وصاحب بیت اعلم است بآنچه در آن خانه است واین مطلب را در شرح رساله پدر بزرگوارش که در مقادیر شرعیه تالیف فرموده ذکر کرده است . ✻

**مؤلف گوید :** این تبرئه وتنزیه را مفصلا در خاتمه رساله اعتقادات خود ذکر فرموده فقط بنقل عبارت بدون ترجمه اکتفا مرحمت میفرمایند وایاك ان تظن بالوالد العلامة نور الله ضریحه انه کان من الصوفیة ویعتقد مسالکهم ومذاهبهم حاشاه عن ذلك وکیف یکون کذلك وهو کان آنس اهل زمانه باخبار اهل البیت علیهم السلام واعلمهم واعملهم بها بل کان سالك مسالك الزهد والورع وکان فی بدء امره یتسمّی باسم التصوف لیرغب الیه هذه الطائفة ولا یستوحشوا منه فیردعهم عن تلك الاقاویل الفاسدة والاعمال المبتدعة وقد هدی کثیرا منهم الی الحق بهذه المجادلة الحسنة ولما رای فی آخر عمره ان تلك المصلحة قد ضاعت ورفعت اعلام الضلال والطغیان وغلبت احزاب الشیطان وعلم انهم اعداء الله صریحا تبرء منهم وکان یکفرهم فی عقائدهم الباطلة وانا اعرف بطریقته وعندی خطوطه فی ذلك . ✻

## (شیخ بهاء الدین مفصلا)

**ایضا در اجازات گوید :** وکان الشیخ بهاء الدین فاضلا کاملا علامة فهامة محققا مدققا





فیلسوفا متفننا فی جمیع الفنون خاتمة العلماء وبقیة الفقهاء العظماء ونیز شیخ در دار السلطنة اصفهان شیخ اسلام بوده ونزد شاه عباس صفوی رحمه الله منزلت عظیم وتقرب خاصی داشت وقد طعن علیه بالتصوف ویمکن حمل کلامه رحمه الله علی ما یدفع الطعن عنه واو را بتصوف نسبت داده طعن کرده اند ولی ممکن است حمل کلام او را بچیزیکه از وی دفع طعن بکند مگر اینکه او را بعض اعتقادات ضعیفه هست مثل اعتقاد باینکه چون مکلف بذل جهد کند در تحصیل دلیل بر روی چیزی نیست اگرچه در اعتقاد خود خطا بکند ودر آتش مخلد نمیشود گرچه برخلاف اهل حق باشد وهو باطل قطعا لانه علی هذا یلزم ان یکون علماء الضلال ورؤساء الکفر غیر مخلدین فی النار واین عقیده قطعا باطل است زیرا که بنا بر این لازم میآید که علماء ضلالت ورؤساء کفر در آتش جحیم مخلد نشوند اگر شبهه وانکار فاسده ایشان بر باطل منتهی بشود بدون تعصب با اهل حق مانند ابوحنیفه وامثال آن . ✻

**ودر اجازه دیگر گوید :** دقیق النظر حسن التقریر بدیع التصنیف انیق التالیف حتی قال فی سلافة العصر وما مثله ومن تقدمه من الافاضل والاعیان الا کالملة المحمدیة المتاخرة عن الملل والادیان جاءت آخرا ففاقت مفاخرا یعنی سید علیخان مدنی شیرازی قدس سره در سلافه گفته که مثل شیخ بهائی ومتقدمین از افاضل واعیان مثل ملت محمد است نزد ملل وادیان که در آخر آمده ودر مفاخر فایق شده . ✻

**ودر اجازه دیگر :** از مرحوم علامه ملا محمد تقی مجلسی قدس سره نقل کرده که در حق وی گفته شیخنا الاعظم بل الوالد المعظم بهاء الملة والحق والحقیقة والدین علامة العلماء وشیخ الطائفة المحققة فی عصره لشریف قرائت کردم نزد وی قسمتی از تفسیر وفقه واحادیث را ومرا جمیع کتب علماء را اجازه داد سیما اجازه کبیره شیخ زین الدین یعنی شهید ثانی که بخط خود برای والد ماجدش نوشته متضمن است ودر آن اجازه گوید که پدر بزرگ حسین بن فاضل صالح عبد الصمد بن شیخ زاهد عابد بدل صاحب الکرامات شمس الدین محمد العاملی از حضیض (... شریف) تقلید باوج استدلال ترقی یافته . ✻

## (ذکر کرامتی برای شیخ الاسلام شیخ حسین بن عبد الصمد عاملی والد ماجد شیخ بهائی قدس سرهما)

**در اجازه نقل کرده :** که شیخ بهائی علیه الرحمة از جمله کرامات والد معظم خود ذکر فرموده که روزی در فصل زمستان برف میبارید ودر منزل چیزی از قوت نداشتیم واولاد واطفال از گرسنگی میگریستند پدر بزرگوارم مرا فرمود که ایشان را ببعضی حیل وچاره ها ساکت کن تا دعا کنیم واستغاثه بجوئیم تا خداوند ما را رو ... عنایت فرماید فاخذت من الثلج واوقعته فی اجانة الخبز یس من جهت اسکات اطفال قدری از برف برداشته در تغار کذاشتم وگفتم ساکت باشید این خمیر است خاضر باشد بشما نان بپزم بعد از زمانی اولاد بسر اجانه رفته گفتند ... 

نان خاضر است چون پدرم آمد دید که برف نان شده پس شکر کردیم بر خداوند پس شیخ بهائی علیه الرحمة فرمود
فهکذا کان حالنا فلما جئنا الی العجم ذهبت تلک الاحوال ثم قرء حال مادر جبل عامل اینطور بود و چون بعجم آمدیم
این احوال از ما فوت شد و این بیت را خواندند :

| | من ملک بودم و فردوس برین جایم بود | آدم آورد درین دیر خراب آبادم | |
|---|---|---|---|



## (صورت اجازة المحدث الفقیه صاحب الحدائق)

الشیخ یوسف البحرانی لمولینا السید العلامة السید محمد مهدی بحر العلوم قدس الله سرهما بعد از بسمله
حمد گوید : اما بعد فیقول الراجی الی عفو ربه الکریم یوسف بن احمد بن ابراهیم الدرازی البحرانی ملکه الله
تعالی نواصی الامانی وذلل له شوامس المعانی حیث کان علم الحدیث من بین العلوم شعاری ودثاری وبه اشتغالی
فی لیلی ونهاری لما انکشف لدی وصار کالشمس فی رابعة النهار انه لا ثمرة لما سواه فی دار القرار وهو الناظم لنفس
مصالح الدارین والقائم باحوال النشأتین وما عداه من العلوم فان رجع الیه فالاعتماد فی الحقیقة انما هو علیه
والا فهو من الهباء المنثور یوم یحصل ما فی الصدور فان آباه من الف الاعتیاد بتقلید کل مشهور
وکان ممن اخذ منه بالحظ الوافر الاسنی وفاز بالنصیب المتکاثر الاهنی الولد الاعز الاجل الاکمل
البهی السنی السید مهدی الخ .



## (وصف کتاب اربعین شیخ بهائی علیه الرحمة)

### (در اجازهٔ علامه سید عبد الله سبط سید نعمة الله جزایری قدس سرهما)

که اجازهٔ مفصلی است برای چهار نفر از علماء حویزه در مؤلفات خود مجیز مذکور داشته رحاشیه مدونه
بر کتاب اربعین حدیث شیخ بهائی علیه الرحمة که بامر والد ماجد یعنی سید نور الدین بن محدث جزایری رضوان الله
علیهم نوشته ام وکان مولعا بمباحثة الاربعین ومطالعته واستصحابه سفرا وحضرا لا یمل منه وپدر بزرگوارم
بمباحثه ومطالعه این کتاب اربعین مولع وحریص بود سفر وحضر نزد او بود که هرگز از ممارستش ملول نمیشد
و غالبا بطلاب ومحصلین وبقرائت وممارست آن امر میفرمود ومشتغلین نزد او بسیار وحضور مجلس درس
او وتبرک بانفاس شریفه او را دوست میداشتند واگر یکی از ایشان طالب درس جدیدی میبود اشاره بکتاب
اربعین میفرمود وبسا در یک روز درسهای متعدد از او بهمین تدریس میکرد ومن ایام اشتغال بتالیف
حاشیه اربعین جزوهای مسوده را یک یک بایشان عرض میکردم وایشان تحریض میکردند وهر جزو را که
مطالعه میفرمودند مواضع زیغ وخلل را نقد واصلاح مینمودند ونمیگذاردند که خودم مبیضه بکنم بلکه برادرم
را امر میفرمود که تنقیح وبه بیاض نقل بنماید وطرا به تتمه امر میفرمود تا خداوند متعال توفیق اتمام عنایت فرمود





وبخط شریف خود انشاء لطیفی که مشتمل بر ثناء وتحسین بود در پشت نسخه مرقوم فرمود جزاه الله خیر جزاء المحسنین



## (ملا محسن فیض کاشانی صاحب تفسیر صافی وکتاب وافی قدس سره :)

در یکی از اجازات در عداد مشایخ میفرماید : ومنهم محمد بن مرتضی المدعو بمحسن الکاشانی
وکان هذا الشیخ فاضلا علامة محققا مدققا محدثا صالحا ثقة او را طعن ونسبت بتصوف داده اند ولی
او بری است از این وکتبش شاهد بخلاف آن است لاسیما الکلمات الطریفة بلی در بعض تصانیفش مثل اصول و فی
وغیره کلمات دقیقه وعبارات عمیقه هست که سزاوار نیست حمل آنها مگر بحسن ظن بروی زیرا که معروف از تتبع
سیرتش آنست که او مردی صالح وورع مرضی عامل باخبار اهل بیت علیهم السلام بود واو روایت میکند حدیث
را از استاد خود سید ماجد بن سید هاشم صادق حسینی بحرانی سید ماجد بحرانی ره کان هذا السید علامة
فاضلا متبحرا کاتبا شاعرا وله شعر فائق بلیغ فی مجاراة ابی البحر جعفر الخطی واو را در مرثیه عظیمه است در حق
حضرت حسین علیه السلام خصوصا قصیدهٔ رائیه اش که مطلعش این است : یکی ولیس علی صبر بمعن ود
که در این قصیده بین بلاغت معنی وفصاحت لفظ ورقت وفخامت را جمع کرده واو اول کسی است که علم حدیث
را در دار العلم شیراز نشر کرد ودر آنجا برحمت حق پیوست ودر جوار سید الساداث سید احمد بن مولینا موسی
الکاظم علیه السلام معروف بشاه چراغ مدفون گردید .



## (ملا خلیل بن غازی القزوینی رحمه الله تعالی)

در بین اجازات گوید : وما رواه العلامة المجلسی عن خلیل بن غازی القزوینی واو فاضل محدث
اخباری متصلب در رد بر اهل اجتهاد بود واو را تحریف کثیره وتصحیف فاحشی بوده در بعض احادیث ودر قزوین
ریاست داشت واهل آنرا از تدریس علم منطق وحکمت وکلام واصول فقه منع کرده بود تا برحمت حق پیوست
ومن العجب با اینکه او اخباری صرف بود بتحریم نماز جمعه در زمان غیبت قائل بوده .

## (شیخ مفید عبد الرحمن نیشابوری خزاعی ره)

در یکی از اجازات گوید : عن الشیخ المفید عبد الرحمن بن احمد بن الحسین النیسابوری الخزاعی الرازی
وکان هذا الشیخ شیخ الاصحاب بالری حافظا واعظا ثقة سافر فی البلاد شرقا وغربا وسمع الحدیث من المخالف
والمؤالف له تصانیف منها سفینة النجاة فی مناقب اهل البیت علیهم السلام والعلویات والرضویات
والامالی وعیون الاخبار .

## (۳۵) حاج میرزا محمود آقا ابن مرحوم آقا محمد حسن دوزدوزانی (تبریزی دامت برکاته)

(مطابق آنچه بحسب استدعای حقیر مرقوم فرموده اند بدین قرار است)

**محل تولد** : دوزدوزان از مضافات سراب ۱۳۱۲ سنه محل اقامت تبریز مدتی از مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقا قدس سره تحصیل پس از آن بنجف اشرف مشرف و تقریبا ۱۲ سال در خدمت مرحوم آیة الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء و علامه آقا شیخ علی اصغر خانی و علامه آقا شیخ مهدی مازندرانی قدس الله اسرارهم تکمیل و آیة الله آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی دامت برکاته و آیة الله حاج شیخ عبد الکریم آقا عراقی و آیة الله آقا شیخ احمد کاشف الغطاء رضوان الله علیهما اجتهاد صاحب عنوان ایده الله الملک المنان را تصدیق فرموده اند

**مصنفاتش** : کتاب لب الاصول فی مباحث الالفاظ والاصول العملیة کتاب طهارة الی آخر مبحث الحیض کتاب منجزات المریض حاشیه علی العروة اینها بطبع نرسیده رساله ذخیرة المعاد طبع شده .

**مؤلف گوید** : صاحب ترجمه دام الله تعالی ایام افاضاته از ثقاة فقهاء عظام عالم ناقد بصیر و محقق فاقد النظیر طود العلم الشامخ و عماد الفضل الراسخ اسوة العلماء الماضین و قدوة فضلاء الباقین لازال محروسا بحراسة الرب العلی و محفوظا من کید کل جاهل غبی و عنید غوی .

مؤلف کتاب قبل از مراجعت مترجم محترم از تحصیل در نجف اشرف شنیدم که اجتهاد ایشان بین علماء معروف و مشهور بود و پس از عودت بوطن مألوف بجز از راستی و درستی و استقامت در وظایف دینیه و تکالیف شرعیه چیزی معهود و مشهود نیفتاد کثر الله تعالی امثاله و بلغه آماله .

## (۳۶) (آقا سید کاظم آقا شریعتمداری تبریزی سلمه الله تعالی)

حسب تقاضای حقیر این جمله را در ترجمه خود نگاشته و انفاذ داشته اند و ملخص مکتوب شریف این است :

**تولد و نسبش** : ۱۳۲۲ سنه در تبریز متولد ابن مرحوم حجة الاسلام آقا سید حسن متوفی سنه ۱۳۳۲ ابن مرحوم آقا سید محمد که اصلا از اهل بروجرد بود و کرامتی از وی منقول است که حکومت با وی بنای مخاصمت گذارده امر میکند که او را گرفتار بکنند مأمورین میآیند نمیتوانند که او را بگیرند شب حاکم مزبور درد دل گرفته فوت میشود و فعلا ابناء اعمام مترجم محترم در بروجرد ساکن و از علماء آن بلاد محسوب میشوند .





در حدود سنه ۱۲۷۰ آقا سید محمد مزبور از بروجرد به تبریز مهاجرت و تا قبل از اخبار کرده آقا سید حسن والد ماجد صاحب ترجمه متولد میشود .

## (تحصیل صاحب عنوان در سه مکان و اساتید عظامش)

در تبریز از اول رشد و تمیز مشغول مقدمات و قبل از بلوغ بدرس مکاسب حاضر و در مجلس ساکن تدریس رسائل و بدرس خارج مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقا و مرحوم آیة الله حاج میرزا ابو الحسن آقا انگجی قدس سرهما حاضر بوده .

**در قم مشرفه** سنه ۱۳۴۲ بقم محترمه مهاجرت و در آن موقع حوزه علمیه آن مکان شریف تازه تأسیس شده و آیة الله مرحوم آقای حاج شیخ عبد الکریم الحائری قدس سره آن حرم اهل بیت علیهم السلام را محط اهل علم و مهبط فضلاء قرار داده بود از تاریخ مذکور تا اواخر عمر آن مرحوم چند دوره اصول و عده از کتب فقه را در محضر حضرت معظم له استفاده و در حضور مرحوم آیة الله حاج میرزا جواد آقا ملکی طیب الله رمسه برخی استفاده اخلاقی و فقهی و علم معقول کلام و عقاید از مصنفات محقق طوسی و ابن سینا و صدرا و حاج ملا هادی سبزواری و علم هیئت و اسطرلاب را نزد مرحوم آقا میرزا علی اکبر یزدی که در این علوم ید طولی و مهارت غریبی داشت اخذ نموده .

**در نجف اشرف** : در خلال این احوال و دوره تحصیل خود در قم دو مرتبه بنجف اشرف مشرف و بدرس آیة الله آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی دامت برکاته و مرحوم نائینی و حاج شیخ محمد اصفهانی و آیة الله آقا ضیاء الدین عراقی حاضر شده .

**تصنیفات معظم له** : رساله در اجتماع امر و نهی رساله در نهی در معاملات و رساله در لباس مشکوک رسائل مختصره در موضوعات متفرقه و مسائل فقهی و اعتقادی و اوراق زیادی که اگر مرتب و مدون باشد بقدر چند کتاب معمولی میشود .

**ترویجش بشعائر دینیه و مآثر شرعیه** پس از مراجعت از قم مشرفه که زیاده از ده سال است که در تبریز اقامت گزیده اند از اول ورود مشغول تدریس و ترویج طلاب و اقامه جماعت و ارشاد و هدایت و موعظه و مراجعات مردم میباشند و در حین ورود در آن زمان فترت علم و تفرق طلاب بود و هر یکی از ایشان در گوشه مشغول کسب بودند بحمد الله و فضله از برکت قدوم ایشان و حسن مراقبت چند نفر از علماء عظام هیئت علم فراهم و در اندک زمانی چند حوزه عمده از تدریس مرتب گردیده عده محصلین بموجب احصائیه صحیح بچهارصد نفر رسیده .

**اجازات صاحب ترجمه** اجازه و تصدیق اجتهادی مترجم محترم از آیات الله و حجج اسلامیه حاج شیخ عبد الکریم آقا حائری و آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی و آقا ضیاء الدین عراقی کتبا موجود و در جواب سؤال

بعضی از آقای اصفهانی و آقای خاریری از اجتهاد مشار الیه کتباً نیز حاضر است .

**مؤلف گوید :** صاحب عنوان ایده الله الملک المنان بواسطهٔ حسن اخلاق و تواضع و وقار و تمکین وحفظ مواقع سیاسی و صیانت حدود شرع و حضانت امور شخصی نزد قاطبهٔ طبقات مردم محترم و وجودش در ترویج طلاب محصلین و رعایت حال ایشان و تفقد مرضی بذل وجوهات بر وجین شرع مبین در نظر اهالی از اغا وادانی بی مغتنم است ادام الله ایام افاضاته و افاداته .

## (۳۷) (آقا شیخ عبدالصمد خوئی تبریزی سلمه الله تعالی)

شرح حال حضرت معظم له مطابق آنچه حسب خواهش احقر نگاشته و انفاذ داشته‌اند بدین نحو است که مرقوم فرموده‌اند :

احقر شیخ عبدالصمد بن مجتبی ادیب خوئی سنهٔ ۱۳۲۶ متولد و پس از بلوغ بحد رشد و تمییز مشغول تحصیل مقدمات علوم تا از مسقط الرأس خود بلدهٔ شبستر مهاجرت و مدت یکسال در محضر حضرت حجة الاسلام آقای حاج میرزا کاظم آقا شبستری مد ظله العالی تلمذ و استفاده نموده بعداً بتبریز آمده و در مدرسه طالبیه بتدریس طلاب و محصلین و تکمیل تحصیلات خود از ابحاث علمیهٔ علماء عظام بودم و درباست علمیه آنوقت با مرحوم آیة الله حاج میرزا ابوالحسن آقا انگجی قدس سره بود و لباس روحانی نیز از زحمات محفوظ میداشتم تا اینکه سنهٔ ۱۳۵۰ هجری که مقداری از رسائل شیخ انصاری قدس سره دیده بودم موفقیت حاصل شد ببلدهٔ طیبهٔ قم المحمیه برای ادامهٔ تحصیل حرکت و از جملهٔ حاضرین حوزهٔ علمیه حضرت آیة الله حاج شیخ عبدالکریم آقا حایری اعلی الله مقامه گشته مدت چهار سال تمام در حوزهٔ قم بتدریس سطوح فقه و اصول و تلمذ از حضرات اساتید قم من جمله حضرت حجة الاسلام آقا میرزا محمد فیض قمی که صاحب رساله و مرجع تقلید بودند و حضرت حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی مازندرانی که استاد حکمت بود اشتغال داشتم و مقداری هم بدرس خارج فقه و اصول حضرت آیة الله آقا سید محمد تقی خوانساری مد ظله حاضر میشدم و بعداً تحصیلات خارج فقه و اصولم از حضرت مستطاب آیة الله آقا سید محمد آقا حجت کوه کمری تبریزی مد ظله که فعلاً مرجع تقلید مؤمنین است میباشد تا اینکه سنهٔ ۱۳۶۴ حضرت آیة الله آقای حجت احقر را بعنوان تبلیغ احکام دینیه بقصبهٔ زنوز اعزام دادند ولی دو (مرند) موقع پیش آمد بتبریز مراجعت نمودم و در آنوقت حضرت آیة الله آقا سید محمد هادی میلانی مد ظله از عتبات عالیات بتبریز تشریف آورده بودند بسمت روحانیت محال اسکو و میلان را با احقر رجوع داشتند حسب الامر بقم حرکت کرده فرمایش آقای میلانی را بحضرات آقایان قم رسانیده تا اینکه تصویب امر حرکت فرمودند و عده از تجار میلانی که از خدام آیة الله میلانی هستند متکفل مخارج احقر شده با اینها





احترامات لازمه بمیلان انفاذ داشتند .

ولی در ورود احقر تصادف نمود با تشکیلات احزاب آذربایجان لذا از طرف احزاب در خطابت زحمت و جانم در خطر بود بحمد الله تعالی از تاییدات سبحانی و توجهات حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در اثر ترویجات دینی متحمل اهانت در مقابل دشمنان دین در خود میلان مدرسه علوم دینیه تاسیس و از هر قریه و آبادی دو نفر طلبه خواستم فعلاً الله الحمد در حدود بیست نفر طلبه و محصلین در مدرسه میلان مشغول تحصیل هستند .

و از وجوهات شرعیه بطلاب مدرسه مساعدت و هر ماهه مینمایم و تمام مراجعات دینی محال اسکو با احقر است .

**و از تالیفات صاحب عنوان** ایده الله الملک المنان رساله در اثبات حجاب و عفت زنان تالیف فرموده و در تاریخ ۱۳۵۲ صورت اختتام پذیرفته .

**مؤلف گوید :** اینکه مترجم محترم بتعدی اشرار احزاب آذربایجان که دشمن ملت دولت و منکرین شریعت و خائن و وطن فروش بودند اشاره فرموده بحمد الله تعالی در محرم همین سنه جاریه ۱۳۶۶ با فجیع وجهی و اشنع طوری گرفتار و مقتول و اعدام و مضمحل و مستاصل گردیدند . فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ

| مدعی خواست که آید بتماشاگه راز | دست غیب آمد و بر سینهٔ نامحرم زد |
|---|---|
| سحر با معجزه پهلو نزند ایمن باش | سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد |

## (۳۸) (آقا میرزا محمد فیض قمی دامت برکاته)

یکی از موثقین علماء بلدهٔ طیبهٔ قم المحمیه صانها الله عن الآفات والبلیة این جمله را در ترجمه ایشان برای احقر انفاذ داشته‌اند :

حضرت آیة الله آقا میرزا محمد فیض قمی یکی از اعاظم علمای طراز اول و دارای شخصیت تامه و مقبولیت عامه و مرجعیت کامله اند .

**تولد ایشان** در سنهٔ ۱۲۹۳ در قم مقدمات و سطوح را در قم تحصیل نموده برای تکمیل فقه و اصول و حکمت و عرفان بطهران مهاجرت فرموده در نزد آیة الله آقای حاج میرزا حسن آشتیانی صاحب حاشیهٔ کبیر بر رسائل تحصیل فقه و اصول و نزد آقای میرزا محمود قمی و آقا شیخ علی رشتی تحصیل حکمت و عرفان نموده و در سال ۱۳۱۷ بنجف اشرف عزیمت و در محضر درس آیة الله آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آیة الله آقا سید محمد کاظم یزدی حاضر میشدند .

و پس از استفاده کامل از محضر این دو بزرگوار برای سیر و قایع افکار حضرت آیت الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی به سامره هجرت فرمودند و علاوه و از اینکه در شمار اعاظم تلامذه آن بزرگوار آمدند یکی از مدرسین نامی آنجا محسوب شده فوق العاده مورد عنایت و عقیده و طرف توجه مرحوم شیرازی گشتند که همان زمان در احتیاطات مطلق بعض از مقلدین خود را بایشان ارجاع میفرمودند چنانچه بعد از مراجعت بقم هر کس از اهالی قم و ساوه و اطراف آن که از آیت الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی سؤال مینمودند که احتیاطات مطلق شما را بکدام یک از علماء رجوع کنیم ایشان تعیین میفرمودند و سنه ۱۳۳۲ بقم مراجعت فرموده و از رؤساء علماء آن شهر محسوب هستند .

**و برای تربیت طلاب** علوم دینیه کمر همت بسته مدرسه فیضیه که بسیاری از حجرات آن انبار علاف و بقال و کسبه شده بود از ید غاصبین انتزاع نموده مسکن طلاب علوم دینیه کرده خود را متصدی تدریس مقدمه فرموده برای توسعه اداره علمیه خود را نیازمند باعانت دیده بالاخره در سال ۱۳۴۰ از آیت الله آقای حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی که تا آنوقت در شهر اراک متوقف بودند درخواست نموده و ایشان با تجلیلات زیاد بقم وارد شدند و برای تجلیل ایشان مسجد بالاسر که محل نماز ایشان بود بآقای حائری تفویض کرده و خود هم چندی بایشان اقتدا میکردند و روز بروز بر رونق جامعه علمیه قم میافزود بحدیکه با حوزه نجف همسری برداشت .

**و از سنه ۱۳۵۵** که آیت الله حائری رحلت نمود با عزمی راسخ و اعانت سایر اعاظم دانشمندان قم حوزه قم را حفظ نمودند

**و چندی از فتاوی** مترجم محترم در همین درقه درج بود و لیکن ما بجهت رعایت اختصار اقتصار باصل ترجمه نمودیم .

## (۳۹) آقا سید علی اکبر برقعی قمی دامت برکاته

**ایضاً در شرح حال ایشان** از قم المشرفه ارسال فرموده اند .

**سال تولد** ۱۳۱۷ هجری قمری نشو و نما در قم و مسافرتهای چند به بین الحرمین و حجاز نموده است . در رشته های مختلفی از علوم وارد اما تخصص در علوم دینی است و قسمتی از آثار و تالیفات دارد و آنچه تاکنون بطبع رسیده است از این قبیل است : ۱ جلوه حق ۲ مهر تابان و این دو کتاب در سیرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است یکی بنحو اختصار و دیگری بتفصیل ۳ کانون احساسات در پیرامون جنبش محیر العقول امام حسین علیه السلام ۴ بامداد روشن در اسرار صلح امام حسن علیه السلام با معاویه این کتاب در فن خود کم نظیر است ۵ کاخ دلاویز در تاریخ شریف رضی ۶ تذکره مبتکران ۷ چرا از مرگ بترسیم و این کتاب با ترجمه رساله لماذا الخاف الموت تالیف ابن مسکویه که ترجمه آن نیز از خود ایشان است یکجا بچاپ رسیده است ۸ راهنمای قوم





۹ شیعه و پدید آرندگان فنون اسلام ترجمه کتاب الشیعه و فنون الاسلام تالیف علامه سید حسن صدر ۱۰ راهنمای دینداران که قسمتی از آن بچاپ رسیده است و اما آنچه بطبع نرسیده است قسمتی از آن نوشته شده از این قرار است : رهبر دانشوران در معرفی القاب کنیه ها و رهنمای دانشوران در ضبط نامها و لقبها و نسبتها و تراجم صاحبان آنها و درج گهر در سخنان سید بشر و توضیح مرام آنها ۱۱ و هدایا العقول فی الحکم الماثورة عن العترة و الرسول ۱۲ و السراج الوهاج فی اسرار المعراج ۱۳ و ناهیة الفحشاء فی اسرار الصلوة و غیر اینها و گاهی اشعار فارسی و عربی نظم نموده اند .

**الذریعة** (ج ۵) (ص ۱۲۷) جلوه حق کتاب فارسی مختصری است در احوال امیر المؤمنین علیه السلام تالیف سید علی اکبر برقعی قمی معاصر دو مرتبه در ایران طبع شده . **ایضاً از تالیفات**

## (۴۰) آقای حاج سید احمد زنجانی دامت برکاته

**حسب تقاضای حقیر** مختصری از شرح حال خود بدستخط شریف مرقوم فرموده از قم مشرفه مرحمت نموده اند :

**حقیر تولدم** در زنجان روز چهاردم صفر ۱۳۰۸ اتفاق افتاده و تحصیل فقه و اصول نیز در نجف خدمت مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ زین العابدین زنجانی و در قم محضر مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبد الکریم حائری اعلی الله قدره صورت گرفته .

**حقیر در بدو تشرفم بقم** در سنه هزار و سیصد و چهل و شش اتفاق افتاد قصد اقامت دائمی نداشتم و مخصوصاً قیام حوزه قم را بسته بوجود مرحوم آیت الله حائری خیال میکردم که بعد از وی بقاء و استقراری بنظرم نمیآمد .

**بالاخص که در آن اوان باد مخالف نیز وزیدن گرفته** گلهای این گلشن را از شاخه ها کنده و پراکنده مینمود این بود که بنائی بر اقامت دائمی در قم نداشتم ولی بحکم استخاره که آیه شریفه ( اَقیموا الدّینَ وَلا تَتَفَرَّقوا ) آمد حقیر اطمینان براستقرار این حوزه شریفه پیدا کرده قصد اقامت موقتی خود را مبدل بمجاورت دائمی کردم .

**بارے قریب ده سال** زمان حیات مرحوم حائری را ادراک کرده از مجالس بحث وی استفاده نمودم

**اما تالیفات حقیر** : بنده در زنجان بعضی از مطالب متفرقه برشته تالیف کشیده و بعضی از آنها نیز بنامی نامیده بودم مثل خیر الامور جنگل مولی و غیر اینها ولی آنها محتاج اصلاح و تجدید نظر بود تا رفع

نواقص انجام شده صلاحیت مطالعهٔ اهلش بشوند اما در قم چند کتاب تالیف کردم با همه معایبی که دارند در نظر بعضی از ارباب فضل موجه و قبول گشته . ✻

۱ کتاب الکلام یجر الکلام در مطالب متنوعه است ولی در سلک منظم وارتباط در سه جلد فارسی ۲ کتاب ایمان ورجعت در رد کتاب اسلام ورجعت آن هم نیز فارسی است ۳ افواه الرجال که تقریر بحث اینجانب است که قسمت مهمش بحث آیة الله حائری است ۴ ایضاح الاحوال فی احکام الحالات الطارئة علی الاموال ۵ شرایط الاحکام ۶ مستثنیات الاحکام ۷ مستنبطات الاحکام فی شرح مستثنیات الاحکام که فعلاً در تحت تالیف است وتقریباً دو ثلثش محرر شده واز حق سبحانه توفیق اتمامش را با توفیق تالیف بعضی از مؤلفات دیگر میخواهم . حرره الاحقر الجانی احمد الحسینی الزنجانی فی ۱۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۶۸ .

ونجل زکی مترجم محترم عالم جلیل سید نبیل آقا سید موسی ایده الله تعالی از مبرزین حوزهٔ علمیهٔ قم مشرف میباشند . ✻

## (۴۱) ( آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی دامت برکاته )

در مجلهٔ جلیلهٔ آئین اسلام از ۱۳۲۴ (ص ۲۲) میفرمایند (بقلم یکی از نزدیکان آیة الله کاشانی (مجلهٔ آئین اسلام) که ۲۷ ماه است با سبک جالبی شروع بتبلیغات دینی وترویج مقدسات مذهبی کرده واین وظیفهٔ سنگین را تا امروز توانسته است بنحو مطلوب با کمال موفقیت انجام دهد واز قرار معلوم در نظر دارد که شرح حال وخدمات دینی رجال برجستهٔ علماء اعلام را که از صدر اول تا کنون آمده ورفته اند وهمچنین اجلهٔ فقهاء عظام وحجج الاسلام عصر حاضر را باطلاع خوانندگان گرامی برساند تا شخصیتهای بارزه که در عالم تشیع ظهور کرده وخدمات برجسته بدین وملت اسلام از اینها بروز نموده است در زیر پردهٔ نسیان نماند . ✻

وعلاوه سرمشقی برای رجال امروزی وآینده باشد اینک مختصری از شرح حال یکی از شخصیتهای بارزه ومفاخر علم وادب را ذیلا بنظر خوانندگان گرامی میرسانند : ✻

### ( حضرت آیة الله آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی )

پیشوای مذهبی مسلمین ایران در سال ۱۳۰۰ قمری هجری متولد شده . ✻

ودر سن ۱۶ سالگی در خدمت پدر بزرگوار خود مرحوم آیة الله آقای حاج سید مصطفی کاشانی که از مجتهدین درجهٔ اول عراق عرب واز علماء مرجع تقلید شیعهٔ اثنی عشریه واز مجاهدین حقیقی اسلام





بوده بقصد حج بیت الله الحرام بعتبات عالیات وبمکهٔ معظمه مشرف وپس از انجام تشریفات حج مجدداً باعتاب مقدسه مراجعت فرموده ودر نجف اشرف که مرکز علم وادب دیانت مسلمین شیعه است اقامت گزیده وعلوم مختلفه دینی را در محضر والد معظم خود وحضرت آیة الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی وآیة الله آقای حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل قدس سره وسایر فحول علماء تلمذ فرموده . ✻

ودر سن ۲۵ سالگی بدرجهٔ اجتهاد رسیده مورد توجه واعتماد عموم علماء اعلام وهیئت روحانیون ووجوه مردم وقاطبهٔ مسلمین گردید . ✻

ودر سال ۱۳۳۲ هجری در جنگ بین المللی موقعی که انگلیسیها با نیروی هنگفتی بقصد تسلط بر عراق عرب ومناطق شرقی حمله ور گردیده بودند در خدمت والد معظم خود وجمعی دیگر از علماء اعلام با نیروی ملی بمیدان جنگ شتافته وجلو نیروی جرار مهاجم را گرفته ودر مدت ده ماه در یک نقطه با استقامت وپافشاری فوق تصور در مقابل این همه تجهیزات نوین اروپائی مقاومت نموده وننگ آوردند تا اینکه انگلیسیها ورزیده با تجهیزات زمینی ودریائی وهوائی وبا تمام نیروی خود حمله ور گردیده شکست بر ایشان وارد آمد که در اثر صدمات جنگ ومصائب شکست خورده جسم والد ایشان نحیف وپس از چندی بدرود حیات گفتند . ✻

حضرت آیة الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی بعد از فوت پدر بزرگوار خود مرجع خاص وعام بوده ودر میان عموم مسلمین وایلات عرب (شیعه وسنی) دارای نفوذ وقدرت فوق العاده بوده که بدین جهت وبجهت اینکه عظمت واحترام بی اندازه که حتی در میان مذاهب مختلفه از قبیل یهود ونصاری داشتند مورد قبول عموم ادیان مختلف بودند انگلیسیها پس از فتح بغداد در رحلت والد معظم ایشان متعرض ایشان نگردیدند وپس از چندی سکوت چون انگلیسیها برای انعقاد قرارداد وثوق الدوله نیروی هنگفتی بالغ بر چهل هزار نفر در ایران نگاه داشته بودند وباعث نگرانی ورنجش تمام وطن پرستان ایرانی بخصوص حضرت معظم له شده بود لذا ایشان با تمام نیروی ایلات وتمام طوائف عراق عرب از شیعه وسنی با کمک حضرت آیة الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی اعلی الله مقامه بر علیه حکومت دولت انگلستان در عراق قیام نموده وپس از چندین ماه جنگهای خونین منجر بحصول استقلال عراق وخروج نیروی انگلیسی از ایران بکمک نیروی خود در عراق ونابود شدن نیروی سران مهم آن گردید . وچون انگلیسیها تصمیم بگرفتاری ایشان داشتند لذا از پشت کوه بایران آمده ودر سال ۱۳۳۹ هجری در تهران ظاهر گردیده ومورد تجلیل واحترام مسلمین پایتخت واولیاء امور وقت واقع گردید . ودر اثر اقدام دولت ایران (سپهدار) انگلیسیها که کرکر نفوذ خود را از دست داده بودند

از گرفتاری و تعرض بایشان در میان جامعهٔ شیعه خودداری کردند . ✻

و پس از تشکیل دولت عراق هر یك از اولیاء امور عراقی و علماء اعلام وغیرهم که اقدام برای مراجعت ایشان بعراق عرب و اعقاب عائلات نمودند بی نتیجه نرسید و دولت انگلستان مخالفت نمود که ناچار در ایران تاکنون متوقف گردیده اند . ✻

**جلالت نسب ایشان :** ایضاً در مجلهٔ مذکوره در ترجمهٔ والد ماجد ایشان مرحوم حاج سید مصطفی آقا مجتهد کاشانی کرد (ص ۱۱) از این وجیزه مذکور شد میفرماید : ✻

عرب ها بلحاظ آنکه فوق العاده بشناختن انساب صحیح علاقه مند هستند چندی قبل در یکی از مجلات سوریه (العرفان) جزء چهارم مجلد ۲۵ (ص ۳۸۱) سال ۱۳۵۳ شرح مفصلی از مقام فضل و براعت ادبی و قدرت علمی حاج سید مصطفی کاشانی برشتهٔ تحریر آورده و تالیفات و تصنیفات ایشان بزبان عربی که بیش از ده جلد میباشد ذکر نموده و با توصیف معجزاتی که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام دربارهٔ ایشان فرموده نسب ایشان را با ذکر اسامی و توصیفا جداد ایشان صحیحاً بحضرت سید الشهداء سلام الله علیه رسانده اند که این معنی خود باعث برکت وجود ایشان و اولاد ایشان در میان مسلمین امروزه میباشد و مایهٔ فخر و مباهات است که میتوان از برکات وجود مبارك ایشان بهره مند گردید و وسیلهٔ تقرب بدرگاه خداوندی بوده مایهٔ رستگاری باشد . ✻

---

## (۴۲) (میرزا حیدر قلی خان سردار کابلی دامت افاداته)

(در پشت کتاب ترجمهٔ انجیل برنابا) از مؤلفات جناب معظم له مسطور است : ✻

### (کتاب مقدس انجیل برنابا : :)

ترجمهٔ حضرت مستطاب جامع علوم الشرعیة النقلیة من التفسیر والاخبار النبویة صلی الله علیه وآله وذریته علوم الغریبة من الاعداد والحساب والهیئة والریاضیة العالم بالسنة مختلفة صاحب الزهد والتقوی والعبادة والاخلاق الحمیدة آقای حیدر قلیخان معروف بسردار کابلی دامت افاضاته . ✻

### (مؤلفات مترجم معظم)

**وقبل از فهرست کتاب مذکور مسطور است** که مؤلفات مترجم انجیل برنابا بزبان فارسی آقای حیدر قلی خان از قرار ذیل است : ✻

۱ کتاب الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین از کتب اهل سنت وجماعت در چهار مجلد تقریباً سی هزار بیت است ۲ دیوان ابوطالب علیه السلام ۳ شرح لامیهٔ ابوطالب علیه السلام ۴ غایة التعدیل فی معرفة حقیقة الاوزان والمکاییل





(۵) تبصرة الحرّ فی تحقیق الکرّ ۶ شرح خطبهٔ حضرت زینب علیها السلام فی الکوفة ۷ رسالهٔ در معرفهٔ قبله ۸ العلم الشامخ فی اسرار ظل الشاخص فی الاعمال الفلکیة ۹ کشف القناع فی تحقیق المیل والذراع ۱۰ شرح قصیدهٔ ابن الحنظل ۱۱ شرح دعاء ندبه ۱۲ ترجمهٔ کتاب التحصین فی صفات العارفین ۱۳ شرح حدیث امیر المؤمنین علیه السلام در بیان قطر و محیط شمس و قمر و بیان اختلاف افق شمس مطابق با استکشافات امروزی ۱۴ ترجمهٔ کتاب نادنر در مساحت ابتداً فی از انگلیسی بفارسی ۱۵ ترجمهٔ الکنز المبذول للغنی والفقیر ۱۶ ترجمهٔ انجیل برنابا انتهی . ✻

**ایضاً از مؤلفات مترجم محترم** (۱۷) تحفة الاحباب فی آیات الکتاب و (۱۸) رسالهٔ در معرفت قبله موسوم به تحفة الاجلّة فی معرفة القبلة . ✻

**ایضاً از منظومات مترجم محترم الذریعة** (ج ۳) (ص ۷) باب خادبعشر از سردار کابلی معاصر حیدر قلی خان ابن نور محمد خان نزیل کرمانشاهان و مترجم انجیل برنابا نظم کرده . ✻

**ایضاً الذریعة** (ج ۱) (ص ۴۱۵) کتاب اربعین در فضائل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از طریق عامه که چهل حدیث است با شرح الفاظ آنها از حیث لغت وادبیه و ذکر مناسبات و شواهد آن احادیث از سایر اخبار از طریق عامه و خاصه تالیف علامهٔ معاصر حیدر قلیخان معروف بسردار کابلی نزیل کرمانشاه ابن نائب السلطنة نور محمد خان تا سنهٔ ۱۳۴۰ شرح بیست حدیث در دو مجلد که هر یکی تقریباً ده هزار بیت میشود و قلیلی از مجلد سیم جمع شده وفقه الله لاتمامه . ✻

**ایضاً** (ج ۳) (ص ۳۱۷) تبصرة الحرّ فی تحقیق الکرّ رسالهٔ جلیله ایست در بیان انطباق تحقیقی بین وزن و مساحت مشهورین در تحدید کرّ و اثبات عدم اختلاف بینهما بدقت تصنیف فاضل معاصر حیدر قلیخان شهیر بسردار کابلی نزیل کرمانشاه . ✻

**ایضاً** (ج ۲) (ص ۳۶۶) انجیل برنابا ترجمهٔ فارسی انجیلی است که از نفیس ترین ذخایر است در ایطالیا (در مکتبهٔ بلاط فینا) عدد صفحاتش (۲۲۵) در آن است بشارات نبی اسلام صلی الله علیه وآله و شهادات بحقیت دیانت اسلامیه اولاً ترجمه شده بانگلیسی و بعد نقل شده بفارسی از املاء جامع الفنون حیدر قلیخان سردار معاصر و فارغ گشته از آن سنهٔ ۱۳۴۱ وطبع شده در کرمانشاه سنهٔ ۱۳۵۰ . ✻

**ایضاً** (ج ۳) (ص ۴۱۰) تحفة الاحباب در بیان آیات الکتاب سوره ها و تعیین مکی و مدنی و عدد آیات و ذکر اختلافات و عدد لفظ جلاله وغیر ذلك از آنچه متعلق بقرآن شریف است تالیف فاضل حیدر قلیخان سردار کابلی صاحب تصانیف ممتعه . ✻

**ایضاً** (ج ۱) (ص ۴۹۳) ارجوزة فی الکلام للعلامة حیدر قلیخان المعروف بسردار ابن نور محمد خان

وصف تحفة الاجلة فی معرفة القبلة

نائب السلطنة الکابلی نزیل کرمانشاهان ادّها وبعد حمد الله والصلوٰة علی النبی وآله الهداة
یقول راجی بر ربه العلی المستضام المبتلی حیدر قلی .

**ایضاً (ج ۲) (ص ۴۰۸)** تحفة الاجلة فی معرفة القبلة رسالهٔ مبسوطیست احسن انچه در این باب نوشته شده تصنیف جامع الفنون حیدر قلیخان سردار معاصر ابتدا کرده در آن بر بیان اصطلاحات ریاضیه وغیرها از آنچه لازم است معرفت آنها اولاً و ذکر اختلاف طول و عرض هر بلدی از بلاد مشهوره را در جدول لطیف که برای طالبین سهل باشد ذکر فرموده و سنهٔ ۱۳۲۱ بتالیف آن شروع کرده .

## تقریض حضرة السید العلامة آقا سید محسن عاملی شامی دامت برکاته که در پشت کتاب غایة التعدیل فی الاوزان والمکاییل بخط خود مرقوم فرموده اند

تقریض غایة التعدیل

بسم الله لقد اجاد واحسن مؤلف هذا الکتاب الفاضل العلامة الجامع الشیخ حیدر قلی الکابلی حفظه الله تعالی واطال بقاه فیما جمعه وحققه فرأیته بعد ما تصفحت جملة من کتابه هذا قد اتی فیه بما لم یسبق الیه وان کانت الفرصة لم تمکننی من مراجعته تماماً وانعام النظر فیه لانی کنت فی طریق سفری الی خراسان وکنت مشتغلاً بکتابة ما یرجع الی کتاب اعیان الشیعة ولکننی راجعته بحسب الوسع فوجدته من نفائس المصنفات کثر الله تعالی فی المسلمین امثاله وحفظه ووفقه لتالیف امثاله وحرر ذلک ببلدة کرمانشاه العبد الفقیر الی عفو ربه الغنی محسن الحسینی العاملی عفی الله ذنوبه وستر عیوبه فی ۲۵ المحرم سنهٔ ۱۳۵۳ .

## (و در خاتمهٔ همین کتاب غایة التعدیل :)

که بخط خود مؤلف سلمه الله است مکتوب بود : واتفق الفراغ من تبییضه بحمد الله سبحانه یوم الاثنین الثانی والعشرین من شعبان المعظم سنة اثنین وخمسین وثلثمائة والف هجریة .

## (نقل فایدهٔ مهمه از غایة التعدیل)

سکهٔ اسلامی در زمان عبد الملک بن مروان

**هدیة الاحباب (ص ۱۱۱)** در ترجمهٔ بیهقی ابوبکر احمد بن الحسین بن علی الشافعی صاحب السنن الکبیر والسنن الصغیر و دلائل النبوة وغیرها گوید : و بیهق موضعی است قرب سبزوار و گاهی بیهقی گویند بابراهیم بن محمد احد اعلام قرن خامس صاحب کتاب المحاسن والمساوی که قصهٔ سکهٔ اسلامیه زدن عبد الملک بن مروان را باشاره و تعلیم حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام ذکر کرده و دمیری در حیوة الحیوان در حال عبد الملک گوید که اول کسی بود در اسلام که به عبد الملک موسوم شد و اول کسیکه دینار و درهم بسکهٔ اسلامی زد و پیش دینار نقشی برومیه و بر روی درهم نقشی بفارسیه بود و براین سببی بود بعد از کتاب بیهقی قصهٔ مذکوره را مفصلاً نقل کرده و گوید پس ثابت شد آنچه محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام اشاره فرموده انتهی .





نقل مطلب مذکور از غایة التعدیل

**صاحب هدیة الاحباب گوید :** قلت در این مقام فایده هست که سزاوار است مذکور شود و آن این است که در مجلد هفدهم دائرة المعارف بریطانیه ص ۹۰۴ از طبع سیزدهم در ذکر مسکوکات قدیمه گفته و ترجمه اش ملخصاً باین مقدار است که اول کسیکه سکهٔ اسلامیه بر نقره زد خلیفه علی علیه السلام بود سنهٔ ۴۰ هجری موافق سنهٔ ۶۶۰ مسیحی سپس این امر را عبد الملک خلیفه اکمال نمود سنهٔ ۷۶ هجری موافق سنهٔ ۶۹۵ مسیحی انتهی .

**ایضاً صاحب هدیه گوید :** این مطلب صدیقنا الاکرم الفاضل اللوذعی الالمعی سردار خان کابلی ایده الله در کتاب غایة التعدیل فی الاوزان والمکاییل نقل کرده و بخط خود بمن نوشت .

## (ترجمهٔ فاضل علامه حیدر قلیخان سردار کابلی بخط خود)

ترجمهٔ مؤلف غایة التعدیل از املاء و خط خود

**مؤلف گوید :** جناب مترجم معظم از اعاظم علماء عصر و افاخم فضلاء دهر و در جملهٔ از علوم دنیا و دینی در این عهد فرد است سنهٔ ۱۳۵۳ در مشهد مقدس بخدمت و صحبتش رسیدم مجلسش تمام تحقیقات غامضه و تعلیمات سامیه بود ولی ما استفاده بواسطهٔ قرب حرکتشان کما ینبغی استفاده حاصل نگشت تا بحمد الله تعالی سنهٔ ۱۳۵۸ در مراجعت از سفر حج بیت الله الحرام در کرمانشاه مفصلاً ملاقات واقع گردید و بحسب استدعاء حقیر و تأکید اکید این جمله را در ترجمهٔ خود نگاشته مرحمت فرمودند :

بسم الله الرحمن الرحیم

امرنی المولی الاجل الفاضل العالم العامل المولی علی الخیابانی التبریزی دام علاه ان اکتب له مختصراً من ترجمتی فاقول ولدت یوم الثلثاء لتاسع مضت من نهاره الثامن عشر من المحرم سنة ثلاث وتسعین ومائتین والف الهجریة فی مدینة کابل ثم بعد احتلال الانجلیز فی افغانستان بعدان وتولی علیها الامیر عبد الرحمن خان خرجنا بعائلتنا من افغانستان ودخلنا الهند وسکنا بلدة لاهور سنة ۱۲۹۷ وکنا فیها نحو سبع سنین وهناک تعلمت القرآن والفارسیة والانجلیزیة والاردو نحو اربع سنین ثم خرجنا الی العراق العربی ودخلنا البلدة الکاظمیة فی شعبان سنة ۱۳۰۴ وجاورنا فیها واشتغلت فیها بالعلوم العربیة وانا ابن اثنی عشرة سنة ثم خرجنا منها الی ایران فی جمادی الاولی سنة ۱۳۲۱ وسکنا کرمانشاه .

آنچه از مؤلفات او طبع شده

**واما ما خرج من المؤلفات** فجملة منها مطبوعة فی اول ترجمة بنابا ومنها ترجمة المراجعات للسید العلامة السید شرف الدین الموسوی العاملی دامت برکاته سمیتها المناظرات فی ترجمة المراجعات ومنها رسالة فارسیة فی معرفة التواریخ المشهورة واستخراج بعضها من بعض .

کتبتها مستعجلاً یوم السبت ثالث صفر سنة ۱۳۵۸ هجریة وانا العبد حیدر قلی بن نور محمد خان الکابلی عفی عنهما

**میفرماید :** تولدم روز سه شنبه دو ساعت از روز گذشته ۱۸ محرم سنهٔ ۱۲۹۳ هجری در بلدهٔ

کابل واقع شده وبعد از ورود انگلیس بافغانستان ووالی کردن امیر عبد الرحمن خان زادرا انجا با عائله خود از

کابل حرکت کرده بهندوستان رفتیم وسنه ۱۲۹۷ در بلده لاهور سکا گزیده تقریباً هفت سال در انجا اقامت کردیم

وقرآن وفارسی وانگلیسی واردو را درمدت چهار سال یاد گرفتم سپس بسوی عراق عرب نهضت نموده ماه

شعبان سنه ۱۳۰۴ ببلده کاظمیه وارد شدیم ودر انجا مجاورت نموده ومن دوازده ساله بودم مشغول تحصیل

علوم عربیه گشتم بعد از انجا بطرف ایران حرکت کرده در ماه جمادی الاولی سنه ۱۳۱۰ در کرمانشاه ساکن شدیم ولذا

مؤلفاتم جلد اول ترجمه تربا که طبع شده مذکور وغیرها نیز ترجمه المراجعات ورساله فارسیه در معرفت

تواریخ مشهوره است .

معجلاً روز شنبه ۳ صفر سنه ۱۳۵۸ نگارش یافت العبد خدا قلی بن نور محمد خان کابلی .

## (نقل اجازهٔ مرحوم علامهٔ مجلسی برای میر معصوم عقیلی قدس سرهما)

در تاریخ مذکور ۳ صفر سنه ۱۳۵۸ در منزل آقای کابلی ادام الله تاییده در اخر کتاب العشرة

من کتاب الکافی که بخط مرحوم میر معصوم عقیلی در سنه ۱۰۸۰ واز مملکات جناب مترجم معظم بود دیدم که مرحوم

علامهٔ مجلسی بخط خود شان نوشته وبمیر مزبور اجازه داده بودند باین عبارت :

بسم الله الرحمن الرحیم

انهاه المولی السید الاید الفاضل الکامل التقی النقی الزکی میر محمد معصوم العقیلی ایده الله تعالی

سماعاً وتصحیحاً وضبطاً فی مجالس اخرها بعض ایام جمادی الاخرة من شهور سنة ثلث وثمانین بعد الالف

واجزت له زید توفیقه ان یروی ما اخذه عنی باسانیدی المتکثرة المتصلة الی اهل بیت العصمة والطهارة

من اجداده الاطهرین صلوات الله علیهم اجمعین . وکتب بیمناه الداثرة احقر عباد الله محمد باقر بن

محمد تقی عفی الله عن جرائمهما حامداً مصلیاً مسلماً .

واقای کابلی فرمود که این خط مرحوم مجلسی است ومن چند خطوط دیگری از ایشان دارم ومیشناسم

وحقیر علی بن عبد العظیم نیز چند خط واجازه بقلم ایشان دیده ام ومیشناسم که خط ایشان

بود قدس الله سره .

## (۴۳) (حاج میرزا حسن یزدی الشهیر باشرف الواعظین)

هو السید السند المولی المعتمد العالم النبیه البصیر الواعظ الوجیه الخبیر از اعاظم واعظین و





اعاظم محدثین عصر حاضر ما ساکن ارض اقدس رضوی علی مشرفها الاف الصلوة والسلام صاحب تصنیفات

نفیسه وتالیفات منیفه ادام الله توفیقه وتاییده .

از جملهٔ تالیفاتش دررالثمینه فی المواعظ العددیه مشتمل بر ۴۹۵ صفحه خشتی سنه ۱۳۴۹ از تالیفش

فارغ ودر طهران در مطبعهٔ علمی طبع ونشر شده . درمقدمه اش هشت تن از اعاظم علماء ومجتهدین اجازات

وتقریظ بر مؤلف وتقریض بر کتاب شریف مرقوم فرموده اند .

ودر خاتمه مؤلف ایده الله تعالی مدارک تالیفش را تا ۵۲ کتاب از خاصه وعامه باجمله واقتباس از

تراجم ایشان شرح وبسط داده .

از جمله جواهر الکلام فی سوانح الایام مشتمل بر ۵۳۴ صفحه وزیری با فهرست

مفصل وروشنی محتوی بر ۷۰ صفحه حاوی تمام وقایع وسوانح متعلق بتاریخی ماه عاشوراء سنه ۱۳۶۱

از تالیفش فارغ وسنه ۱۳۶۲ طبع ونشر گردید وهر دو نسخه را هدیتهً برای ما انفاذ داشته اند ودر مشهد

مقدس ودار السلطنه تبریز که برای تحریر جواهر تشریف اورده بود ملاقات وصحبتش اتفاق افتاده .

## (۴۴) (حاج شیخ علی اکبر واعظ الشهیر بمروج الاسلام)

هو العالم المحقق الالمعی والفاضل المدقق اللوذعی قدوة الوعاظ ونخبة الحفاظ صدیقنا

الاعز الاکرم وشفیقنا الاجل الافخم صاحب المصنفات المتقنة والمؤلفات المحکمة .

من جمله کتاب نفائس اللباب الماخوذ من الفی کتاب باصل نسخه مشتمل بر دو مجلد بخط خود مؤلف

در مشهد مقدس سنه ۱۳۵۳ واقف شدم که مترجم محترم مرحمت فرمود ومقدار وافی از انفس مندرجاتش التقاط

وانتخاب کردم واز خود معظم له پرسیدم که خود تان بلا واسطه دو هزار کتاب دیده ونقل فرموده اید گفت بلکه

بیشتر دیده ام .

در مقدمه مجلد اول گوید : مسود این ورقات ومغترس این حدیقات علی اکبر الشهیر بمروج

الاسلام ابن غلامعلی کرمانی الاصل ومشهدی المسکن گوید :

(از علم حضرت امیر صلوات الله علیه)

گوید درر البحار (ص ۴۷) وروی انه ای علی علیه السلام کان ذات یوم علی منبر البصرة اذ قال :

مرویست که حضرت امیر علیه السلام روزی در منبر بصره فرمود : ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی عن طرق

الصوت فانی اعرف بها من طرق الارض ای مردم بپرسید از من پیش از آنکه مرا در نیابید از طرق سموات که من براههای آسمانها از طرق زمین داناترهستم پس مردی از میان قوم برخاست وگفت این جبرئیل فی هذه الساعة جبرئیل در این ساعت کجا است فرمق بطرفه الی السماء ثم رمق بطرفه الی المشرق ثم رمق بطرفه الی المغرب فلم یجد موطنا پس نظری انداخت بسوی آسمان بعد بطرف مشرق پس بسمت مغرب وجبرئیل را در جائی ندید فقال یا ذا الشیخ انت جبرئیل پس فرمود ای شیخ تو جبرئیل هستی فصعق طائراً من بین الناس فضج الحاضرون پس از میان مردم طیران کرد واز نظر غایب شد ومردم گفتند نشهد انک خلیفة رسول الله حقا شهادت میدهیم که تو خلیفه پیغمبری حقا .

## جزای ستم بی جهت :

گوید در محبوب القلوب در باب دوم گفته : آورده اند که جوانی وقتی از اوقات بمکانی نشسته وچوبی در دست داشت اتفاقا موری هزار تلاش وتعدد دانه تحصیل کرده ودر دهان گرفته میکذشت آنشخص چوب را بجانب مور آورده مور مضطرب دانه را از دهان انداخته بحصول مقصود روان شد از قضا آن جوان را مزرعه بود که چراغ معاش خود از آن برافروخته محصول مزرعه را جمع نموده وخرمن کرده واراده داشت که خرد نماید بعد از دو روز دهقان وی از در درآمد خبر داد که دیروز آتشی در خرمن افتاده چنان سوخت که نیم دانه نماند خواجه چون غور وتفرس بحقیقت حال نمود فهمید بسبب آن نقصانی که بآن مور رسانیده بود خرمن بضاعتش پایمال باد رفته آن اختلال گردید .

## ناصر خسرو علوی ضوی در بطلان خلافت مشایخ ثلثه

## در ضمن قصیده میفرماید :

گویند که پیغمبر ما امت ودین را — چون رفت ز عالم بفلان داد به بهتان
پیغمبری ای بیخردان ملک الهی است — از ملکت قیصر به وازملکت خاقان
هرگز ملکی ملک به بیگانه نداده است — شو نامهٔ شاهان جهان یکسره برخوان
با دختر و داماد و نبیره بجهان در — میراث به بیگانه دهد هیچ مسلمان
از هرچه گویید چنین خام سخنها — ای مغز شما دود زده زآتش عصیان

حاشیه: جبرئیل در تمام الحاضرون — جزای ستم مورد — اشعار ناصر خسرو علوی





## ذکر بعضی از فوائد مهمه مجلد دوم نفائس اللباب

## حکایت نصر بن احمد وشخص قاری

گوید در کتاب انیس اللیل فی شرح دعاء الکمیل ره تالیف فاضل حاج محمد رضا کلباسی نجل حاج محمد ابراهیم کلباسی ره از تفسیر نیشابوری منقول است که چون نصر بن احمد داخل نیشابور شد تاج پادشاهی بر سر نهاد ومردم بحضور او میامدند پس گفت آیا کسی هست که آیه از قرآن بخواند پس شخصی این آیه را خواند : رفیع الدرجات ذو العرش همینکه باین آیه رسید لمن الملک الیوم پادشاه از اسب فرود آمد وتاج از سر برداشت وسجده نمود وگفت لک الملک پس چونکه شخص قاری وفات یافت او را در خواب دیدند از او سؤال کردند ما فعل الله بک چه کرد خداوند با تو گفت غفر لی امر نمود مرا و فرمود چونکه در چشم بنده فلانی من عظیم کردانیدی ملک مرا روزی که فلان آیه را خواندی پس من امر نمودم تو را وادرا .

## ترجمهٔ صاحب انیس اللیل :

**مؤلف گوید :** در مجلد دوم ذریعة ص ۴۶۴ گوید انیس اللیل فی شرح دعاء کمیل بن زیاد النخعی تالیف شیخ معاصر میرزا محمد رضا بن میرزا عبد الرحیم بن میرزا محمد رضا شیخ الاسلام ابن الحاج محمد ابراهیم الکلباسی الاصفهانی نزیل مشهد الرضا اخیرا فارسی ۱۳۴۳ طبع شده ودر حاشیه آن مقامات العارفین ومکیال الیقین ومرآت المصنف که هر سه از تالیفات مؤلف است طبع شده انتهی .

## احب خطوتین ، واحب جرعتین ، واحب قطرتین

مجموع الغرائب وموضوع الرغائب تالیف شیخ ابراهیم بن علی جبعی کفعمی عاملی ره قال صلی الله علیه وآله الا انبئکم باحب خطوتین الی الله واحب جرعتین الی الله واحب قطرتین الی الله قالوا بلی قال اما الخطوتان فخطوة عبد الی صلوة الجماعة وخطوة عبد الی صلة الرحم واما الجرعتان فجرعة حلم یتجرعها الانسان عند الغضب وجرعة صبر عند مصیبته واما القطرتان فقطرة دم فی سبیل الله وقطرة دمع فی سواد اللیل وهو ساجد لا یراه الا الله .

گوید : حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله باصحاب خود فرمود آیا خبر ندهم شما را باحب خطوتین واحب جرعتین واحب قطرتین نزد حقتعالی عرض کردند آری یا رسول الله بفرمائید فرمود : اما آن دو خطوه یکی قدم آن بنده است که برای نماز جماعت بردارد و قدم آن عبد است که برای صلهٔ ارحام بردارد واما دو جرعه یکی جرعهٔ حلم است که انسان وقت غضب فرو برد ودیگر جرعهٔ صبر است که وقت مصیبت تحمل وتجرع نماید واما آن دو قطره یکی قطرهٔ خون است

حاشیه: حکایت نصر بن احمد وشخص قاری — ترجمهٔ صاحب انیس اللیل فی شرح دعاء الکمیل — احب خطوتین واحب جرعتین واحب قطرتین

در راه خدا و قطرهٔ اشکی در ظلمت شب در حال سجده که بجز خدا کسی او را نبیند . ❋

## ❋( تعبیر خواب مناسب حال خواب بیننده : )❋

**رسالهٔ منسوب بعلامهٔ مجلسی ره در تعبیر خواب** یکی بمحمد بن سیرین گفت که در خواب بانگ نماز میگفتم گفت خدا بتعالی الحج ترا روزی کند و دیگری همین خواب را دیده انا و پرسید گفت ترا بدزدی میگیرند گفتند که چون است که یک خواب را دو تعبیر کردی گفت تعبیر را بحال سائل باید گفت یکی که صالح و متقی بود بحج تعبیر کردم چنانچه حقتعالی فرموده است وأذّن في الناس بالحج وانکه شبه مفسدان داشت تعبیر چنان کردم چنانچه حقتعالی فرموده ثمّ اذّن مؤذّن أيّتها العير انّكم لسارقون پس شاگردان آن را آنگاه داشتند و هر دو تعبیر درست افتاد چنانچه معبّر گفته بود بی زیاده و نقصان . ❋

## ❋( ادعای نبوت مردی و معارضهٔ غلط او با سورهٔ کوثر : )❋

**گوید :** عقد الفرید تالیف ابو عمر واحمد بن محمد بن عبد ربه قرطبی اندلسی مالکی متوفی سنهٔ ۳۲۸ در جزء ۴ ص ۱۹۲ ادّعى رجل النبوة مردی ادعای نبوت کرد در زمان خالد بن عبد الله قسری با قرآن معارضه نمود او را نزد خالد آوردند با و گفت چه میگوئی گفت من در قرآن با کلام خدا إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ معارضه کرده بهتر از آن گفته ام انا اعطيناك الجماهر فصل لربك وجاهر ولا تطع كل ساحر كافر پس خالد امر کرد گردنش را زدند و در چوبه او را مصلوب نمودند . خلف بن خلیفه شاعر بروی عبور کرده گفت انا اعطيناك العمود فصل لربك على عود وانا ضامن ان لا تعود . ❋

## ❋( حفظ کردن جوانی قرآن را از برکت یک کلمهٔ حضرت امیر علیه السلام )❋

**جواهر البهیه** تالیف سید نعمة الله بن المرتضى الحسيني خطی از رمیله مرویست که حضرت امیر صلوات الله علیه بجوانی بگذشت که خیاطت میکرد و تغنی مینمود فرمود ای جوان لو قرأت القرآن لكان خيرا لك اگر قرآن بخوانی برای تو بهتر است عرض کرد یاد نگرفته ام و دوست میدارم که چیزی از آن یاد بگیرم فرمود ادن منّی نزدیک بیا آنجوان بحضرت نزدیک شد فتكلم في اذنه بشيء خفي فصوّر الله القرآن كله في قلبه فحفظ كله انجناب بگوش او کلامی آهسته فرمود پس خداوند تمام قرآن را در قلب او تصویر فرموده همه را حفظ نمود . ❋

## ❋( تفسیر وقفوهم انهم مسئولون الآیة )❋

**نهایة الکمال فیما تقبل به الاعمال** تالیف سید هاشم بحرانی ره مسنداً از مصباح الانوار از عبد الله بن عباس روایت کرده که گفت حضرت پیغمبر صلّی الله علیه وآله فرمود اذا كان يوم القيمة اقف





انا وعلي على الصراط بيد كل واحد منا سيف چون روز قیامت میشود من و علی بر کنار صراط می ایستیم در دست هر یکی شمشیری فلا يمر احد من خلق الله الا سألناه عن ولاية علي بن ابي طالب عليه السلام احدی از مردم نمیگذرد مگر آنکه سؤال میکنیم از وی از ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام فمن كان معه شيء منها نجى والا ضربنا عنقه والقيناه في النار پس هر کسیکه در وی چیزی از ولایت او باشد نجات مییابد والا گردنش را میزنیم و بجهنم میاندازیم بعد این آیه را خواند وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ . ❋

## ❋( دعاء قضاء دین : )❋

**کتاب المجتنى في دعاء المجتبى** تالیف سید علی بن طاوس ره از مفضل بن فضاله روایت کرده که مدیون شد و دعا میکرد و در دعاء اصرار مینمود و میگفت يا ذا الجلال والاكرام بحرمة وجهك الكريم اقض عني ديني پس در خواب کسی را دید که بدو گفت که بگو بحرمة وجه الله الكريم چه قد بحرمة وجه الله الكريم اصرار خواهی کرد برو بفلان مکان اخذ کن از آنجا بمقدار دین خود و زیاد مگیر پس رفت و گرفت و قرض خود را ادا کرد

## ❋( تاکید زیارت حضرت رضا علیه السلام در دو روز )❋

**اربعة ایام** تالیف محقق داماد ره در ذکر روز دحو الارض که ۲۵ شهر ذی القعده است میفرماید : زيارة سيدنا ومولانا امام الورى ومنار الهدى ابي الحسن علي بن موسى الرضا عليه من الصلوة انماها ومن التسليمات ازكاها زیارت حضرت رضا علیه السلام افضل اعمال مستحبه و اوکد آداب مسنونه است و همچنین زیارت آنحضرت در روز اول رجب الفرد بغایت مؤکد و محثوث علیه است . ❋

**مؤلف گوید :** سید اجل رضی الدین علی بن طاوس قدس سره در اقبال الاعمال ص ۵۲۵ گوید ورأيت في بعض تصانيف اصحابنا العجم رضوان الله عليهم انه يستحب ان يزار مولانا الرضا عليه السلام يوم ثالث وعشرين من ذي القعدة من قرب او بعد ببعض زيارات المعهودة او بما يكون كالزيارة من الرواية بذلك **و در زاد المعاد گوید :** و بعضی از علماء گفته اند که در روز بیست و سیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است . ❋

## ❋( حرمت مؤمن فقیر )❋

**ایضا در نفایس اللباب گوید :** کتاب الایقاظ تالیف سید جلیل و عالم نبیل میرزا محمد علی نجفی شاه عبد العظیمی ره از ارشاد دیلمی ره از حضرت رسول صلّی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود من ادخل مؤمنا فقيرا بغير حق فكانما هدم مكة عشر مرات والبيت المعمور وكانما قتل الف ملك من المقربين ومن كرم

مؤمن فقیر را بدون حق اذیت نماید گویا ده مرتبه مکه و بیت المعمور را خراب کرده و هزار ملک مقرب کشته
وایضاً انحضرت فرمود حرمة المؤمن الفقیر اعظم عند الله من سبع سموات و سبع ارضین والملائکة
والجبال وما فیها حرمت مؤمن فقیر نزد خداوند از هفت آسمان و هفت زمین و کوهها وانچه در آنها است
بزرگتر است .

گواهی دروغ جمعی در حق حضرت جواد

گواهی دروغ جمعی در حق حضرت جواد

**وگوید آثار احمدی** تالیف احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرابادی و چنانکه خود گوید این کتاب لب کتاب روضة الاحباب است و خلاصه بعضی کتب دیگر در ذکر احوال حضرت جواد علیه السلام فرماید که کرامات و خارق عادات انحضرت بسیار است و از انجمله است که معتصم قومی را فرمود تا گواهی دهند که محمد بن رضا علیهما السلام خروج کرده و خطبه بنام خود خوانده پس جمعی گواهی بدروغ دادند انحضرت فرمود الهی بحرمة محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و عترت اهلبیت آن سرور که اگر این قوم دروغ گفته باشند زمین را فرمان ده تا ایشان را بگیرد و مجال رفتن ندهد فی الفور زمین ایشان را بگرفت آنجماعت هر چند اهتمام نمودند نتوانستند که از انمقام برخیزند گفتند یابن رسول الله از این تهمت توبه کردیم و پشیمان شدیم انحضرت فرمود الهی اگر راست میگویند ایشان را رهائی ده پس برخاستند و دست و پای انحضرت را بوسه دادند و بولایتش اعتراف نمودند

نفرین انجماعت و رهائی ایشان

**( وجه تسمیهٔ باب ساعات در شام )**

**تاریخ شام** تالیف ابن عساکر که اصلاً هشتاد جلد بوده و ملخص شده و در سنه ۱۳۲۹ در شام در پنج جلد طبع شده در جلد اول است که انما سمی باب الساعات لانه عمل هناک ساعات یعلم بها کل ساعة تمضی من النهار باب ساعات را در شام بدینجهت باب ساعات گفتند که در انجا چند ساعتی ساخته بودند که معلوم میشد هر ساعتی که از روز میگذشت علیها عصافیر من نحاس و حیة من نحاس و غراب من نحاس چند عصفور از مس و مار از مس و غرابی از مس درست کرده بودند فاذا تمت الساعة خرجت الحیة فصفرت العصافیر و صاح الغراب وسقطت حصاة فی الطست پس وقتیکه یکساعت تمام میشد مار بیرون میامد و گنجشکها بانک میکردند و غراب صدا میزد و سنگریزه بطشت میافتاد و معلوم میشد که یکساعت بگذشت .

**( فرق شیعه و محب )**

فرق شیعه و محب

**شرح زیارت رجبیه** : الحمد لله الذی اشهدنا ازملا محمد مهدی فرزند ابن علی اصغر که در سنه ۱۳۳۱ نوشته و ان مرحوم ظاهراً معاصر شیخ حر عاملی و صاحب نخبة العالمین فی شرح دعاء الصنمین است میفرماید مردی بخدمت امام حسن عسکری علیه السلام عرض کرد که من از شیعهٔ شمایم انحضرت فرمود که ای بندهٔ خدا اگر اوامرها و نهیهای ما را اطاعت کردهٔ پس بتحقیق صادقی در این دعوی و اگر چنین نکردهٔ پس گناه خود را





زیاد مکن بدعوی مرتبهٔ خوبی که تو از اهل آن نیستی مگو من از شیعهٔ شمایم ولیکن بگو من از چاکران و دوستان شما و دشمنان شما را دشمن دارم و حال آنکه تو بر خیر و خوبی و باز گشت تو بسوی خیر و خوبی است .

**( معنی تقوی )**

معنی تقوی و چهار خصلت بودن آن

**خلاصة المقالات** تالیف ابو المکارم ابن علاء الملک گوید حضرت شیخ الاسلام جام فرموده اند که از علی کرم الله وجهه سؤال کردند از تقوی فرمودند که التقوی اربع خصال الخوف من الجلیل والعمل بالتنزیل و القناعة بالقلیل والاستعداد لیوم الرحیل تقوی چهار خصلت است خوف از خدا وند جلیل و عمل باحکام قرآن و اکتفا برزق قلیل و مستعد بودن برای رحلت .

**( عطر راس مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام )**

عطر راس اطهر حضرت حسین علیه السلام

**الاتحاف بحب الاشراف** تالیف عبد الله بن محمد شافعی ص ۱۸ گوید چون سر مقدس حضرت حسین علیه السلام را بشام بردند فوضع بین یدی یزید فامر الغلام فرفع الثوب الذی کان علیه فحین راه غطی وجهه بکمه کانه شم رائحة و چون مقابل یزید گذاردند آن لعین بغلام خود امر کرد جامه که روی انحضرت بود برداشت و چون آن مخذول آن سر مطهر را دید روی خود را با آستین خویش پوشید گویا رائحه استشمام نمود و گفت الحمد لله الذی کفانا المؤن بغیر مؤنة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله حمد مر خدائی را که مارا از امور عظیم بدون زحمت و مصرف خلاصی داد هر وقت آتشی برای محاربه می افروزند خدا وند خاموش مینماید قالت ریا حاضنة یزید دنوت من راس الامام الحسین علیه السلام حین شم یزید منه رائحة لم تعجبه ریا دایهٔ یزید گوید من نزدیک راس شریف حسین علیه السلام رفتم که ببینم یزید از سر مبارک چرا استشمام کرد که خوشش نیامد فاذا تفوح منه رائحة من روح الجنة کالمسک الاذفر بل اطیب ناگاه دیدم که از راس اطهر رائحه از عطر بهشتی ساطع گشت مانند مشک اذفر بلکه از آن پاکیزه تر یعنی آن پلید از بغض و حسد بینی خود را پوشید و اخفاء نمود که کسی آن عطر را نفهمد لعنة الله وسخطه وغضبه علیه .

**وازجملهٔ مؤلفات مترجم محترم هدیة المحدثین است** مشتمل بر ۱۸۳ صفحه و بطبع رسیده و نسخهٔ هدیه بما انفاذ داشته اند و بیان فرموده در آن شطری از علم درایه و انواع و اقسام اخبار و کیفیت تحمل حدیث وانچه متعلق بان علم شریف است .

**وازجملهٔ تالیفاتش** تاریخ المعصومین است که در خاتمهٔ هدیة المحدثین مذکور است .

**وغیر این کتب ( زیاده از چهل تا تالیف دارند** و صاحب طبع غراء و متخلص به شفیق و ادیب

مؤلفات آقای مروج الاسلام

ادیب و محدث خبیر هستند در جواب مکتوب حقیر و تقاضای مجلد صبام مرقوم فرموده اند .

| | | |
|---|---|---|
| کتبت وقولی یشهد الله عندکم | ولو اننی طیر لکنت اطیر | وکیف یطیر المرء من غیر اجنحة |
| ولکن قلب المستهام بطیر | یا نسیم الصبا رحت الیك | قل للمحبوب السلام علیك |
| گر بظاهر زخدمت دورم | | انما القلب والفؤاد لدیك |

ازماه مبارك رمضان که تعلیقهٔ شریفه و دستخط مبارك زیارت گردید و مرقوم فرموده بودید که جلد صبام وقایع را بفرستم تا این ایام انتظار داشتم و زبانحالم این بود که :

| | |
|---|---|
| وفا بجسته شاعیث در دیار نکوئی | چرا تو از همه کس بیشتر نداشته باشی |

این ناقابل بلکه لاشیء هم در جوار امام ثامن ارواحنا له الفداء نائب الزیاره بوده و میباشم و چون امروز روز میلاد حضرت جواد الائمه صلوات الله علیه بود و حقیر چند بیتی در ولادت آن سرور عرض کرده بودم دو ورقی نوشتم و در ظهر کتاب هدیة المحدثین گذاشته روانه گردید .

## قصیدهٔ نضیده و جوهرهٔ فریده در تهنیت ولادت حضرت جواد علیه السلام متضمن چندی از آیات کریمه :

| | | |
|---|---|---|
| دوش ندائی بمن آمد چنین | کی شده زایام بنی دل غمین | رفت زمان غم و آمد سرور |
| چندی به بیت الحزن ستی مکین | مژده باحباب و عزیزان بگو | کوری چشم همه حاسدین |
| کز ره الطاف خدای جواد | جود نموده است با هل یقین | جوهرهٔ جود بعشر رجب |
| جلوه گر آورده بروی زمین | عنصر تقوی متولد شده | یا حبذا الزمرة المتقین |
| بحر سخا معدن جود و کرم | نجل رضا سلالة الطاهرین | چونکه جواد آمده رفت احتیاج |
| لله کن انت من الشاکرین | اوست که حشمت بسلیمان رسید | نام وی اش بود چو نقش نگین |
| عیسی مریم زدمش زنده کرد | مردهٔ صد ساله که بودی دفین | جان بفدایش که وجودش بود |
| جان جهان مظهر جان آفرین | نام خوشش حرز همه اولیا است | فما لهم عن حرزه معرضین |
| بد شمنانش چو رسیدی بگو | ان انتم الا فی ضلال مبین | عتاب قهرش چون بایشان رسد |
| فاصبحوا فی دارهم جاثمین | بقائل و مخالفش روز حشر | قیل ادخلا النار مع الداخلین |
| لیك بلا شبهه محبان او | فی جنة الخلد لهم حور عین | چون بمحبان جای دهد جمله را |
| قال لهم تمتعوا خالدین | شفیق را ای شه خوبان زجود | گو که تو هستی من الآمنین |





## (ایضاً از اشعار در ربار آقای مروج الاسلام است :)

که در ارض اقدس رضوی صلوات الله علیه ۱۳ شعبان ۱۳۵۸ دو روز قبل از حرکت حقیر مرقوم فرمودند فلله دره وله بره .

## (از زبانحال حضرت زینب سلام الله علیها در قتلگاه :)

| | |
|---|---|
| ای وجه حق که ساختی از خون دل وضو | شد روی من زخون تو ای شاه سرخ رو |
| آب فرات مهر بتول و تو تشنه کام | ای خاك بر سرم که ترا تر نشد گلو |
| چون خون حلق پاك تو بر روی خاك ریخت | گردید دشت ماریه زان لخلخه مشکبو |
| آه از دمیکه زینب بخون بقتلگاه | بهر وداع نعش تو میکرد جستجو |
| ناگه نگاه عصمت حق بر تو او فتاد | نالید آنچنان که اثر کرد در عدو |
| کی محرم حرم الهی حرم خویش | بنگر چهار فرقهٔ کوفی تند خو |
| ای غیرت خدا بتعالی زجای خیز | بنگر چگونه گشته بدریای غم فرو |
| خواهم بکربلا سر کوبت وطن کنم | گویم باه و ناله غم خویش مو بمو |
| لیکن چو مهلتم ندهد خصم بد خصال | ایم بهمره سرت ای شاه کو بکو |
| رسوا کنم زمنطق خود دشمن ترا | در شام و کوفه چونکه نمایم گفتگو |
| لیکن بزینب تو چه رومید هد دمی | بیند سر تو نزد یزید است رو برو |
| شاها اگر رفیق نگردد عنایتت | بهر شفیق روی نماید کدام سو |

## (۴۵) (حاج سید محمد علی واعظ مبارکی اصفهانی دامت افاضاته)

هو السید السند والعالم المعتمد عماد العلماء العظام وسناد الفضلاء الفخام مروج شریعة جده سید الانام و مشید طریقة الائمة الطاهرین الکرام علیهم الصلوة والسلام .

از جلهٔ علماء و واعظین که ۱۳۵۸ در اقامت چهل روزهٔ قبة الاسلام اصفهان بخدمت و صحبت ایشان نایل و استفاضه و استفاده کامل حاصل کردیم یکی هم جناب معظم له بود که صاحب مصنفات نفیسه و مؤلفات شریفه هستند و مباحث عمده و مباحث مهمه در اقطار عالم و اقطاب محیط بعمل آورده و حتی شفاهاً فرمود که جهات اربعهٔ دنیا را سیر کرده ام .

از جمله مؤلفاتش کتاب ثمرات العلوم است مؤلف محترم نسخهٔ اصل را بخط خود مرحمت فرمود .

## (اجتناء چندی از ثمرات آن کتاب مستطاب)

## (انشاد حضرت رضا علیه السلام ابیاتی در عیب اهل زمان)

گوید عیب زمان از عیب مردم است زمان خود عیبی ندارد .

ریان بن الصلت گفت در محضر امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام بودم که این اشعار را مکرر میخواند :

یعیب الناس کلهم زمانا
ولو نطق الزمان بنا هجانا

وما لزماننا عیب سوانا
ولیس الذئب یأکل لحم ذئب

نعیب زماننا والعیب فینا
ویأکل بعضنا بعضا عیانا

## (سعدی در باب تستر و احتجاب زن گوید :)

چو زن راه بازار گیرد بزن
چو در روی بیگانه خندید زن
ز بیگانگان چشم زن دور باد
گریزا زبرش در دهان پلنگ
بپوشانش از چشم بیگانه روی

و گر نه تو در خانه بنشین چو زن
دگر مرد گو لاف مردی مزن
چو بیرون شد از خانه در گور باد
که مردن به از زندگانی به ننگ
و گر نشنود چه زن آنگه چو شوی

## (مفاسد و بدعتهای معاویة بن ابی سفیان در اسلام)

صاحب کتاب کامل بهائی عماد الدین فقیه حسن بن علی مازندرانی از کتاب خاویه تألیف شیخ ابو یوسف ابن ابراهیم بن خنیس انصاری صاحب ابو حنیفه روایت کرده که گفت روزی در مجلس فقه و درس او بودم که گفت انّ معویة بن ابی سفیان اوّل من قاد الفئة الباغیة اوّل کسیکه رئیس فئه باغیه یعنی در حرب صفین شد معویه بود و اوّل کسیکه حکم کرد بخلاف حکم رسول الله صلی الله علیه و آله که فرموده الولد للفراش از جهة زیاد بن ابیه و اوّل کسیکه با مؤمنین قتال نمود که بعد از اسلام کفر نورزید و بعد از احصان هرگز زنا نکرد و آن حجر بن عدی بن حاتم برادر طرماح بود و اوّل کسیکه روس مسلمین بروی هدیه شد و آن رأس عمرو بن حمق انصاری بود که از حواریین حضرت امیر علیه السلام بود و اوّل کسیکه بر سریر سلطنت نشست در اسلام بسنن اکاسره جبابره و اوّل کسیکه با مشرکین مصالحه نمود بدون جزیه و اوّل کسیکه اسلام را فروخت و اوّل کسیکه نگهبان و مستحفظین در باب خود قرار داد و اوّل کسیکه در جای پیغمبر صلی الله علیه و آله نشست بدون اجازهٔ اصحاب اوّل کسیکه خلافت را میراث کرد و اوّل کسیکه خلافت را بر پسر خود محوّل نمود او بود





## (کثرت لغات هندوستان)

گوید : در مجلهٔ المرشد گفته تلهج الهند بخمسمائة واربعین وسبعة انواع من اللغات در هندوستان با پانصد و چهل و هفت لغت حرف میزنند .

## (جنات اربعهٔ دنیا :)

گوید : در جغرافیای سابق چهار مکان را بهشت دنیا شمرده اند کما قیل جنان الدنیا اربعة : ابلة البصرة و غوطة دمشق و صغد سمرقند و شعب بوان . (در مملکت فارس)

مؤلف گوید : در تواریخ بعد از این جنات اربعه آذربایجان را شمرده اند ولی بواسطهٔ اختلاف هوایش بعد از آنها شمرده اند .

## (خوش گفته صاحب این اشعار)

اگر آن سرو سیمین تن
اگر کس چیزی می بخشد

بدست آرد دل ما را
زمال خویش می بخشد

بخال هندویش بخشم
نه چون حافظ که میبخشد

سر و جان و تن و پا را
سمرقند و بخارا را

## (از نظم مترجم محمد مهدی بی اعتباری دنیا)

نظر کن بعبرت بصد آه و درد
همین سر که بر بالش ناز بود
هر آن ذره خاکی که بگرفت باد
الا ای شهنشاه مست غرور
ترا گر بود دانش و عقل و هوش
بسر پنجه خویش در گل نوشت

بزیر قدمها شده خاک و گرد
بدامان حوران طناز بود
دو چشم جم است و سر کیقباد
نگر تا چه شد لشگر سلم و تور
نظر کن بآثار شه داریوش
بشاهان که ما خاک کشتیم و خشت

## (و له در عبرت گرفتن از ایوان کسری)

ببین طاق کسری و اصطخر را
گهی بر میگریدش زار زار
نگر مهد آسایش رودمهان
هر آن منزلی را که سیمین تنان
بر آن در که بیهوده از سیم و زر

بعبرت نگر مایه فخر را
بحسرت بر پیچید در او کلاه را
شده جای راحتگه دو بهان
بمژگان نمودند رشک جنان
چو بینی بعبرت شود خون جگر

| | |
|---|---|
| دران شهر نشین وحش بمنوده خو | بران کنگره بوم گوید کوکو |

## ( مغتنم شمردن فرصت وشناختن قدر متاع عمر )

قال النبی صلی الله علیه واله لابی ذر کن علی عمرک اشح منک علی درهمک ودینارک پیغمبر خدا ص بابی ذر فرمود غنیمت بدان عمر خود را بیشتر از انکه درهم ودینار خود را مغتنم میدانی وحضرت امیر علیه السلام فرمود اضاعة الفرصة غصة تضییع فرصت غصه است وایضاً فرمود الفرصة سریعة الفوت وبطیئة العود فرصت زود فوت میشود ودیر باز میگردد در مثل گفته اند انتهزوا الفرصة فانها تمر مر السحاب غنیمت بدانید فرصت را که میگذرد مانند گذشتن ابر .

## ( ولله در القائل )

| | |
|---|---|
| بشناس قدر خویش که پاکیزه تر ز تو | دری نداد پرورش این اب کون صدف |
| عمر تو گنج وهر نفس از وی یکی گهر | گنجی چنین عزیز مکن رایگان تلف |

## ( ایضا در این معنی گفته اند : )

| | |
|---|---|
| جوانا ره طاعت امروز گیر | که فردا نیاید جوانی ز پیر |
| قضا روزگاری ز من در ربود | که روزش از پی شب قدر بود |
| من ان روز را قدر نشناختم | بدانستم اکنون که در باختم |
| چو از دست من رفت ان اب پاک | چه چاره کنون جز تیمم بخاک |
| کنون کوش کاب از کمر در گذشت | نه وقتی که سیلاب از سر گذشت |
| مکن عمر ضایع بافسوس وحیف | که فرصت عزیز است الوقت ضیف |

## ( واز جملهٔ تالیفاتش )

تحصیل الثمن فی حدیث حب الوطن است معانی لطیفه از عرفاء وحکماء وشیخ بهائی وغیرهم در بیان حدیث نبوی صلی الله علیه واله که فرموده حب الوطن من الایمان نقل نموده .

## ( اثر حب وطن در قلوب انبیاء وسلاطین )

ص ۱۹ گوید اثر حب وطن در هر قرنی از قرون در قلوب بندگان چه از لاهوتیین انبیاء مقدسین وچه از ناسوتیین سلاطین ذوی الاقتدار اشتعال داشته چه کارهائی از انها وعملیات شان گواه بر این خواهد بود .

یعقوب نبی علیه السلام وصیت فرمود که نعش او را در مصر در مقبرهٔ ابرهیم واسحق علیهما السلام بردند که وطن



مغتنم شمردن فرصت وشناختن قدر متاع عمر

اشعار در غنیمت شمردن عمر

اثر حب وطن در قلوب انبیاء وسلاطین



اصلی یعقوب است حضرت یوسف هم وصیت کرد مردم مانع شدند واورا در رود نیل دفن کردند نظر بوصیتش حضرت موسی علیه السلام امر فرمود که اورا بیرون اورده در وطن او در مقبرهٔ اباء واجداد دفن نمود

**وهمچنین اسکندر** بنابر انچه در تواریخ مسطور است وصیت کرد تا انکه نعش اورا در تابوت از طلا گذاشته وبروم بردند بعد از انکه یقین بمرگ نموده نظر بانکه منجمین در نجوم برایش دیده وبوده بااو گفتند که تو بجائی خواهی مرد که زمینش اهنین واسمانش زرین باشد پس از چندی در سفر بیابان برعاف مبتلا شد یکی از غلامان او زره خود را زیر او انداخته بود وسپر زرین خود را سایبان قرار داده اسکندر را بیاد امد از کلام منجمین خندید پس از آن گریان شد وشروع بوصیت نمود که مرا بوطن ببرند ودفن کنند .

**وشاپور ذو الاکتاف** پس از انکه بجنگ وعزم تسخیر روم بان رفت وخود بجاسوسی بروم داخل گردید اورا بشناختند بجهة انکه صورت او را در ظرفها نقش کرده بودند اورا گرفتند زجرش کردند اقرار کرد که من شاپور هستم در پوست گاو اورا کردند خشکیده پس از آن اورا در قفس اهنین حبس نمودند در محبس بیمار شد دختر پادشاه روم از او پرسید که چه میخواهی گفت شربة من ماء دجلة وشمة من تراب اصطخر شربتی از اب دجله که در ان وقت در جزء خاک ایران محسوب میگردید وکفی از خاک اصطخر فرستاد از هر دو اوردند از اب خورد واز خاک بوئید احوالش خوب شد .

## ( تتمیم فائده : )

**مؤلف گوید** : جلاء وطن ومفارقت مولد بقلب اطهر حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله نیز مؤثر شده .

**روضة الواعظین ص ۳۵** از اجل فضائل مکه انکه حرم خداوند متعال ومولد خیر اولین واخرین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه واله وسلم ومنشأ ومبعث ان بزرگوار واحب بلاد بود بانجناب مقاتل بن سلیمان گوید چون حضرت رسول صلی الله علیه واله بمدینه هجرت نمود وبین مکه ومدینه در منزل جحفه نزول اجلال فرمود مولد خود واباء کرام خود را دید انمکان شریف متذکر شده مشتاق مکه گردید جبرئیل نازل شده عرض کرد اتشتاق الی بلدک ومولدک آیا بلد ومولد خود مشتاق میبوی حضرت فرمود بلی جبرئیل گفت خداوند عز وجل میفرماید ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد یعنی اند و هناک مباش بمفارقت از مکه بدرستیکه انکه فرض کرده است بر تو تلاوت وتبلیغ قرآن وعمل بان هر اینه باز گرداننده است



وصیت اسکندر که در تابوت دفن

گرفتاری شاپور ذو الاکتاف

اشتیاق حضرت رسول ص بلد ومولد

تا ایجای بازگشت یعنی مکه .

ومردی از بنی زهره گوید که پیغمبر خدا را در حزوره در روی راحله دیدم که بمکه خطاب کرده میفرمود وَاللّٰه انک لخیر ارض الله واحب ارض الله الی ولولا انی اخرجت منک ما خرجت سوگند باخدای که تو بهترین زمین خدا و محبوبترین ارض هستی بسوی من واگر از تو اخراج نمیشدم باختیار خود از تو بیرون نمیآمدم .

کشف المهلکات از تألیفات آقای مبارکی

## (وازجمله تألیفات شریفه‌اش کشف المهلکات فی سموم المسکرات است)

در این کتاب مفاسد ومضرات مسکرات وحرمت آنها را عقلاً ونقلاً مشروحاً بیان فرموده واین هر دو تألیف در ۱۳۵۴ بیست سال قبل در یک مجلد طبع ونشر شده . واقای مبارکی دو نسخه بدست مبارک خود در اصفهان بحقیر مرحمت فرمود وبنده پس از مراجعت از مسافرت حج واصفهان رقعهٔ مشتمل بر تشکر وامتنان از مراحم والطاف آقایان حجج الاسلام وعلماء ومحدثین قبة الاسلام اصفهان ایدهم الله تعالی بتوسط صاحب عنوان وفقه الله الملک المنان انفاذ داشتم .

رقیمهٔ شریفهٔ آقای مبارکی بمؤلف کتاب

## (وجناب معظم له این رقیمهٔ کریمه را در جواب نگارش فرمودند :)

محض برای بقاء آثار سلف وارائه طریق ومآثر ادب برای خلف ثبت گردید .

(بسم الله الرحمن الرحیم)

شیخی ومعتمدی ومولای قد وصل الیّ منکم کتاب کریم شممت منه رائحة القدس فسبحان من وفقنی لهذا التوفیق ومن علیّ بهذه النعمة وماهو الا زیارة ریاحین روضة الحبیب المتزین بخطوطه الشریفة الزاهرة وفواکه الطافه الباهرة فصرت مفتخراً بتبلیغ السلام منه الی اصدقائه الکرام واسئل الله ان یوفقنی لزیارته والاستفادة من جنابه والوفاء بعهده فیا حبذا یوما یرد علیّ کتابا تبتهج قلبی بمطالعة ما فیه من غرر اللئالی واجعله صدیقا ورفیقا فی ایامی وانیسا فی لیالی وکم من نظیر قل له فی وقایع الایام جزی الله مصنفه افضل جزاء ما یعطی من جاهد بین یدی سید الانام صلی الله علیه وآله الکرام .

(الحاج سید محمد علی مبارکی)

## (خاتمهٔ مقصد دوم از کتاب علماء معاصرین)



ترجمهٔ علویهٔ مجتهده دامت توفیقاتها

## (۴۶) (ذکر ترجمهٔ علویهٔ مجتهده صاحبة الاربعین الهاشمیة) (دامت توفیقاتها الخاصة)

## (که مجتهدة العصر وحجة نسوان الدهر وفخریهٔ فرقهٔ امامیه هستند)

**حقیر** در سنهٔ ۱۳۵۸ هجری بعد از مراجعت از مسافرت دوم حج بیت الله الحرام وزیارت مشاهد مطهرهٔ ائمهٔ عراق علیهم الصلوة والسلام وزیارت قبر کریمهٔ موسی الکاظم المدفونة بقم المحمیة علیها وابیها الاف الثناء والتحیة برای تحصیل بعضی از کتب نفیسهٔ خطیه وتشرف حضور علماء اعلام وتفحص تراجم فضلاء عظام بخطهٔ اصفهان که دار العلم وقبة الاسلام است رفتم پس از ورود شنیدم که کریمه از بنات اشراف ونجیبه از شجرهٔ طیبهٔ آل عبد مناف تحصیل علم کرده وبدرجهٔ رفیعهٔ اجتهاد ومرتبهٔ منیعهٔ استنباط نایل وفایز آمده وکتابی موسوم باربعین الهاشمیه با کمال اتقان واعتبار بلغت عربیه باعبارات فصیحه وبیانات بلیغه جمع ونشر فرموده .

وصف کتاب اربعین الهاشمیه

**وسه نفر** از اعاظم مجتهدین ومراجع تقلید مؤمنین اجازهٔ اجتهاد صریحاً برای ومرقوم فرموده‌اند فقیر از استماع این امر عجیب ووقوع این قضیهٔ طریفه در این دورهٔ حاضره بسی شگفت گرفته بتحقیق این مهم خطیر زیاده از وصف طالب وشایق شدم .

گفتند آن مخدرهٔ عالمه از افشاء امر خود وابراز خصوصیات وضعیات خویش کمال مضایقت بلکه ضنت دارد حتی عالم کبیر وفیلسوف شهیر میرزا حیدر قلیخان کابلی از کرمانشاه طالب ترجمهٔ معظم لها واستعلام از مجاری حالات وکیفیات مراتب تحصیلات آن عالمهٔ عصر وفاضلهٔ دهر گردید قبول نفرمود .

رقعهٔ مؤلف کتاب بجناب علویهٔ مجتهده

## (رقعهٔ مؤلف کتاب بخدمت علویهٔ مجتهده)

**حقیر** این رقعه را بتوسط حضرت حجة الاسلام آقا سید علی آقا مجتهد نجف آبادی دامت برکاته که از اعاظم فقهاء ومجتهدین ودر این عصر حاضر بخصیص یکی از متکلمین است حتی یکی از مجتهدین اصفهان فرمود که بعد از شیخ اجل مفید علیه الرحمة در علم کلام کسی باو نرسیده وعمده تلمذ آن فخریه دوران در خدمت ایشان بوده نگاشتم که حقیر از اهل تبریز ومشغول تألیف هستم ودر این بلد مهمان شما میباشم ولکل ضیف قری مهمان نوازی وپذیرائی این احقر مجرد استفاده از کتب علماء واستفاضه از تراجم فضلاء چیز دیگر نیست ووجود آن عالمهٔ فاضله در این عصر حاضر ما فخریهٔ فاطمیهٔ طایفهٔ شیعه میباشد نباید آن

موفقه موید از اظهار وضعیات وتحصیلات خود ضنت ومضایقت فرمایند خواهشمندم که جمله از ترجمه خود وشرح حالات وکیفیات تحصیلات خویش را مرقوم بفرمایند که داعی در تألیفات خود این امر جلیل و اثر جمیل را درج بنمایم آن مکرمه دامت تاییداتها در جواب این رقعه رقیمه شریفه خطاب بآقای مجتهد نجف آبادی انفاذ فرموده بودند که عینا بعبارتها درج میشود واصل خط معظم لها نزد حقیر موجود است . ✲

## ✲ (صورت رقیمهٔ شریفهٔ صاحبة الاربعین الهاشمیة) ✲

## ✲ (درجواب مؤلف کتاب :) ✲

بشرفعرض عالی میرسانم پس از تقدیم دعاگوئی عرضه میدارم که هیچ مایل نیستم که اسم در کتابی ثبت شود وچند نفر دیگر هم همین مطالب را بتوسط دیگران استفسار کرده اند ولی چون واسطه جنابعالی هستید بعض خصوصیات را عرض میکنم : ✲

اما اسم بفرمائید علویه امینیه اما نسب پدرم حاج سید محمد علی ملقب بامین التجار اما نسب مادرم حاج سید مهدی ملقب بجناب اما کیفیت تحصیل تقریبا بیست وپنج سال است که مشغول هستم اما اجازه روایتی واجتهادی دو سه نفر از علماء نجف بعد از امتحانات کتبی اجازهٔ روایتی واجتهادی داده اند وفعلا موجود است وبعلاوه چند نفر دیگر اجازهٔ روایتی داده اند وهمان کلام سابق را عرض میکنم بنده میل ندارم اسمم در کتابی ثبت شود چون در مورد استفسار از سرکار بود نخواستم بی جواب بماند ولذا همانطور که ملاحظه فرموده اید اربعین را بدون اسم ولقب طبع شده است واگر انشاء الله کتاب دیگرهم تصنیف شود همین طور بدون اسم ولقب طبع میشود زکوة حلاوت تقدیم لکن بعد از رفع احتیاج مرجوع فرمائید واگر کتابی دیگر خدمت سرکار هست مرحمت فرمائید والسلام علیکم ورحمة الله . ✲

## ✲ (وچون در این رقیمهٔ شریفه اشاره فرموده بودند) ✲

که اجازات فعلا موجود است لذا بنده دوباره بخدمت علویه امینیه رقعه مشتمل برجلالت نسب والا حسب آن خاجیه علویه با اشعار عربیه محتوی بر ادبیه واسند عا استنساخ اجازات مذکوره نگاشته انفاذ داشتم معظم لها دامت تاییداتها عرض بنده را قبول فرموده سه اجازهٔ اجتهادی ویک اجازهٔ روایتی مفصله مرحمت فرمودند . وحقیر محض برای ابقاء آثار جمیلهٔ آیات الهیه وحجج اسلامیه دامت برکاتهم السنیه و افشاء مراتب جلیله این فخریهٔ شجرهٔ طیبهٔ نبویه بعین عباراتها والفاظها که در حق معظم لها مرقوم فرموده اند این وجیزهٔ شریفه درج میکنم . ✲





# صورت اجازهٔ حضرت حجة الاسلام آقا میرزا ابراهیم حسینی مجتهد شیرازی نجفی الشهیر بالمیرزا آقا دامت برکاته

برای سیدهٔ جلیله خاجیه علویه امینیه صاحبة کتاب الاربعین الهاشمیة : ✲

بسم الله الرحمن الرحیم ✲

الحمد لله رب العالمین وافضل الصلوات واکمل التحیات علی اشرف الانبیاء والمرسلین و اکمل السفراء المبلغین وآله الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین ولعنة الله علی اعدائهم ابد الآبدین ودهر الداهرین . ✲

**اما بعد** فان السیدة الجلیلة النبیلة الحسیبة النسیبة العالمة العاملة الجامعة بین المعقول والمنقول فریدة الدهر وحجة نساء العصر الحاجیة خانم دامت تاییداتها بنت المرحوم المبرور الحاج سید محمد علی امین التجار الاصبهانی طاب ثراه ممن صرفت مدة وافیة من عمرها الشریف وبرهة کافیة من دهرها المنیف فی تحصیل العلوم الشرعیة والمعارف الدینیة وتکمیل مکارم الاخلاق السنیة وتنقیح القواعد الاصولیة والفقهیة حتی فازت بالمراتب العالیة من العلم والفضل والعرفان وصارت ممن یشار الیها بالبنان وقد استجازت من الاحقر فاختبرتها فی مسائل اصولیة وفقهیة فارسلت الی باجوبتها وهی علی ما هی علیه مع دقتها وصح وثبت عندی بشهادة بعض الثقاة الاجلاء من الهامنها کاشفة عن طول باعها ووفور اطلاعها و واجدیتها لقوة الاستنباط وبلوغها الی درجة من الاجتهاد فلها العمل بما استنبطته من الاحکام علی النهج المالوف بین الاعلام وذلک فضل الله یؤتیه من یشاء من الرجال والنساء . ✲

## ✲ (ولنعم ما قال) ✲

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ✲ | فلو کن النساء بمثل هذی | ✲ | لفضلت النساء علی الرجال | ✲ |
| | فلا التانیث لاسم الشمس عار | | ولا التذکیر فخر للهلال | |

فلتحمد الله علی ما اعطاها الله من الفضل والانعام واولاها من النعم الجسام وقد اجزت لها ان تروی عنی کلما صحت لی روایته وجازت لی اجازته بطرقی المنتهیة الی المشایخ العظام وارباب الجوامع العظام اعلی الله تعالی مقامهم فی دار السلام سیما المودعة فی الاربعة المتعددة التی علیها المدار فی الاعصار و الامصار والمتاخرة المشهورة غایة الاشتهار واوصیها بان لا تدع جانب الاحتیاط فی موارد الشبهات فانه الواقی عن زلل الصراط وارجوان لا تنسانی عن صالح الدعاء الاحقر ابراهیم الحسینی الشیرازی الاصطهباناتی

الشهیر بالمیرزا آقا فی شهر صفر الخیر سنة ۱۳۵۴ .

از خط خود مجیز دامت برکاته مرقوم گردید . محل خاتم شریف — ابراهیم الحسینی

## (صورة اجازهٔ حضرت حجة الاسلام آقا شیخ محمد کاظم)

## (مجتهد شیرازی نجفی دامت برکاته :)

وحقیر ترجمهٔ او را در کتاب علماء معاصرین در عداد احیاء ایشان ابدهم الله الملک المنان نگاشته‌ام :

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله وحده والصلوة والسلام علی من لا نبی بعده وعلی آله وصحبه **وبعد** فان شرف العلم لا یخفی وفضله لا یحصی ولذا اشتاقت الی تحصیله نفوس وممن صرفت مدة مدیدة من عمرها وبرهة کثیرة فی طلبه السیدة الجلیلة النبیلة الحسیبة العالمة الفاضلة غرة ناصیة عصرها واعجوبة دهرها الحاجیه خانم دامت تاییداتها بنت المرحوم المغفور الحاج سید محمد علی امین التجار الاصبهانی طاب ثراه ولقد استجازت منی وارتنا بعض ما صنفتها فی المسائل الامتحانیة من الفقهیة والاصولیة ومن الشرح علی بعض الاخبار وبعد ما ثبت بشهادة بعض الاعلام الثقاة انه منها کشف عن مراتب فضلها وطول یدها فی المعقول والمنقول وبلوغها مرتبة من مراتب الاجتهاد فلها العمل بما استنبطتها من الاحکام علی الطریقة المألوفة بین الاعلام ولنحمد الله علی هذه النعمة الجلیلة والمرتبة العلیة وعلیها بالاجتهاد وسلوک طریق الاحتیاط وقد اجزت لها ان تروی عنی ما صحت لی روایته بطرقی المتصلة الی الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین والسلام علیها وعلی کافة اخوانی واخواتی من المؤمنین والمؤمنات ورحمة الله وبرکاته وقد حررت هذه الوجیزة فی العتبة المبارکة العلویة علی مشرفها الصلوة والسلام والتحیة فی السابع من صفر سنة الف وثلثمائة اربع وخمسین من الهجرة النبویة صلوات الله علیه وآله الاحقر محمد کاظم شیرازی .

(سجع خاتم شریف) محمد کاظم .

## (تصدیق وامضاء)

## حضرت آیة الله حاج شیخ عبد الکریم آقا حایری قدس سره

ان مرحوم خط واجازهٔ اجتهادی آقای شیخ محمد کاظم مد ظله را در حق علویهٔ امینیه در آخر صفحه بدستخط خود بدین عبارت تصدیق وامضا فرموده‌اند :

(صح ما قصد دام تاییده) والمرجو منها ان لا تنسانی من الدعوات فی مظان الاجابات کما انی لا انساها ان شاء الله . کتبه الاحقر عبد الکریم الحایری . محل خاتم شریف (سجع مهر) عبد الکریم بن محمد جعفر

(حاشیه:) صورت اجازهٔ حجة الاسلام آقا شیخ محمد کاظم شیرازی

(حاشیه:) تصدیق وامضاء مرحوم آیة الله حایری قدس سره





## (صورت اجازهٔ روایتی)

## مرحوم حضرت حجة الاسلام آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی صاحب نقد فلسفهٔ

## (داروین ملحد المتوفی سنه ۱۳۶۲ :)

سنه ۱۳۵۱ در اصفهان بخدمت وصحبتش نایل ومجالس عدیده استفاده واستفاضه حاصل کردیم و ریاست کلیه داشت ومروج محصلین ومشتغلین بودند (اعلی الله مقامه ورفع فی الخلد اعلامه) وعین عبارت اجازه این است :

(بسم الله الرحمن الرحیم)

ما الروض اذا طاب شمیمه ونتیج ادیمه وصح هوائه فاعتل نسیمه تسلسلت فی خلاله جداوله و حدثت بحدیث قدرة القدیم تعالی عنادله باذکی وازکی واحسن واهی من حمد الله الذی کتب علی صفحات الامکان حدیث وجوب وجوده ودونت البحار بلسان امواجها اخبار کرمه وجوده ونحمده ونثنی علیه ولا نطیق اداء واجب حمده وثنائه ونشکره علی متواتر نعمائه ومستفیض آلائه ونصلی ونسلم علی جمیع رسله وانبیائه ومبلغی وحیه و انبائه لا سیما علی واسطة عقدهم المفصل والاخر فی الرسالة والمخلوق فی الطراز الاول ابی القاسم **محمد** وآله الذین رووا عنه آثار الشرف والسداد مسلسلاً بالآباء والاجداد الذین مرفوع الطاعات موقوف علی ولایتهم ومقبول العبادات منوط بمعرفتهم ورحمة الله ورضوانه علی اسلافنا الماضین ومشایخنا الصالحین الذین اقتفوا آثارهم وادوا الینا علومهم وآثارهم **وبعد** فان السیدة الشریفة العالیة والدرة المکنونة الغالیة ثمرة الشجرة التی اصلها ثابت وفرعها فی السماء وزهرة روضة بنی الزهراء ربة المفاخر والمناقب وعقیلة آل ابیطالب المقتفیة آثار آبائها واجدادها والجامعة بین طریف المکارم وتلادها والآخذة بطرفی المجد من الحسب والنسب والبالغة منه باعلی الرتب العالمة الفاضلة الفقیهة الحکیمة العارفة الکاملة ذات الشرف الباذخ ام الفضل سیدة (ستة) المشایخ کریمة الواصل الی رحمة الرحمن والمبوء فی جوار جده غرف الجنان قدس الله روحه وجعل من الرحیق المختوم غبوقه وصبوحه اهدت الی کتابها الکریم الذی سمته بالاربعین الهاشمیة ولو کان امر التسمیة الی لسمیته الاربعین الفاطمیة فوجدته عقداً منتظما من غوالی الفرائد وسرحت طرفی فی سرح تجنی منه ثمار الفوائد وهو مصنف یشهد کل منصف انه حاو لاصناف العلوم ومجدد من الآثار المعاهد والرسوم :

من بحر المتقارب : تزین معانیه الفاظه والفاظه زاینات المعانی

فکم کنز خفی من الاسرار اظهرته ومشکل من الاخبار فسرته ومعضل ازالت عنه الاعضال واصابت الصواب اذا اختلفت الاقوال فلا غرو فاهل البیت ادری بما فیه واعرف بظاهره وخافیه

(حاشیه:) صورت اجازهٔ آقا شیخ محمد رضا اصفهانی

(حاشیه:) تقریظ صاحب الاربعین الهاشمیة

(حاشیه:) تقریظ کتاب الاربعین الهاشمیة

توام الكتاب انها ام الكتاب الذى لو صدر من رحلة يخرق الآفاق ويجوب البلاد من الشام والعراق
ويخالف الى مدارس العلم ومجالس العلماء لحق له التقريض والاطراء فكيف بمن رخت سترها ولم تبارح
خدرها فيحق ان يفتخر بها ربات الخدر والحجال على الابن العماقر من الرجال . ✻

الى ان ذكر اعلى الله مقامه ورفع فى الخلد اعلامه بعد تقريظها وتقريض كتابها اسانيده
المتصلة وطرقه الواصلة الى المشايخ العظام والاساتيد الفخام فقال فى اولهم قدس الله سرهم اخبرنى
الشيخ العالم العارف الفقيه الاورع الاتقى نموذج الاوائل وجامع اشتات الفضائل امام زمانه بل الآن
كلها فى علوم الحديث . ✻

ابو محمد الميرزا حسين النورى نور الله تربته واعلى فى الجنان رتبته فى الحائر الشريف مما يلى
الرأس المبارك قال حدثنى علامة المتاخرين الحاج شيخ مرتضى الدزفولى الانصارى عن المولى احمد النراقى
عن السيد مهدى بحر العلوم عن المولى الآغا محمد باقر الوحيد الاصبهانى الشهير بالبهبهانى . ✻

واخبرنى شيخى واستادى ومن عليه فى العلوم اعتمادى وعند اساتيدى العلامة الثانى الحاج
شيخ فتح الله النمازى الاصبهانى شيخ الشريعة المعروف (بشريعت) طاب ثراه . ✻

والسيد العالم الثقة صدوق عصره السيد حسن صدر الدين العاملى اصلا والكاظمى موطنا الخ
وبعد ذكر الاسانيد والاسانيد قال رحمه الله تعالى واجزت لها ان تروى عنى بهذه الطرق جميع كتب
اصحابنا ورواياتهم مما صحت لى روايتها بهذه الطرق وبسائر طرقى التى لم اذكرها واكثرها مذكور فى خاتمة
مستدرك الوسائل لشيخى العلامة النورى (تا آخر اجازه شريفه) . ✻

(وباين اجازات اربعه بن رقيمه زاينه بحجة الاسلام آقا سيد على آقا)
(مجتهد نجف آبادى نفاذ داشته بودند)

(وعين عبارات وكلمات معظم لها اين است :)

بعرض عالى ميرساند بعد از اهداء تحيه وسلام كه اينكه عرض شد چون ميل ندارم اسمم در كتابى ثبت شود
لهذا جواب كاغذ سركار كه بلى ذاكه بتوسط حاج ميرزا حسن خان انصارى نوشته بود واستفسار كرده بود از تمام
خصوصيات اين جانبه اكتفا كرديم باسم ولقب لكن واقعا اگر بنا است در كتابى نوشته شود خوب است جنابعالى باقى
خصوصيات را براى ايشان مرقوم فرمائيد مخصوصا تأليفات حقير چيزى كه تا حال تاليف شده غير از اربعين (مخزن
اللئالى فى فضائل مولى الموالى) (ونفحات الرحمانيه در واردات قلبيه است) وبتوفيق حق تعالى خيال دارم





مخزن اللئالى را بطبع رسانم لكن نفحات را چون مطالب سرى خصوصى است انشاء الله تا حيات دارم كسى نخواهد
ديد تا بعد خدا چه كند والسلام . ✻

(تفصيل تحصيل صاحبة الاربعين الهاشمية)

مؤلف گويد : چون اين ستيره نجيبه دامت تاييداتها در اين رقيمه كريمه باستعلام واستخبار از خصوصيات
حالات وكيفيات تحصيلات خود اجازه داده بودند لذا بنده از آقاى نجف آبادى سلمه الله تعالى استفسار نمودم
شفاها اين تفصيل را بيان فرمودند كه اسامى كتبيكه علويه امينيه نزد من خواند بدين قرار است : ✻

فرائد سطح ، فصول ٢ جلد كفايه سطح وخارج فقه خارج صلوة وطهارت اسفار از ابتداء
تا الهيات شوارق هر دو جلد ومقدمات را نزد مرحوم حاج آخوند زفره تلمذ نموده . ✻

زوج مخدره پسر عم خود حاج ميرزا آقا ملقب بحاج معين التجار . ✻

وهنوز سن شريفش به پنجاه نرسيده يعنى در سنه ١٣٥٨ . ✻

(اهتمام وجديت اين زكيه فاطميه به تحصيل علوم)

آقاى نجف آبادى فرمودند كه علويه خانم چنان مجده وساعيه هستند كه هر وقت بخانه خواهر شوهرش
كتب خود را هم ميبرده مطالعه ميكرده . ✻

روزى دخترى از وى فوت شده بود من قطع كردم كه تعطيل ميكنند باز هم آمد براى درس من گفتم امروز
تعطيل كنيد مصيبت زده هستيد گفت نه نقلى نيست او رفت برحمت خدا ما چرا تعطيل كنيم . ✻

(ذكر شطرى از فوايد فوايد كتاب الاربعين الهاشمية)

اين كتاب مستطاب مشتمل بر ٣٣٤ صفحه وزيرى بعربى ومحتوى بر چهل حديث شريف ديني با
تحقيقات صحيحه متينه است وفهرست مفصل دو شئى در مقدمه كتاب مشتمل بر ١٩ صفحه قرار داده ودر
پشت صفحه اولى مسطور است . ✻

(تقريض كتاب باشعار)

| لله مجموع مضامينه | ابهى من الياقوت والعسجد | ما فى مجاميع الورى مثله | ومثل هذا المجموع لم يوجد |
|---|---|---|---|

(فضل حفظ اربعين حديثا :)

پس از خطبه گويد : وبعد فيقول المعترفة بذنبها والمفتقرة الى رحمة ربها الامة الجانية على نفسها
عاملها الله تعالى بلطفه واحسانه واذاقها حلاوة عفوه وغفرانه لما وقفت على الاحاديث المروية المتواترة



تقريض كتاب باشعار

معنی (کما ادعاه العلامة المجلسی قدس سره فی اربعینه عن النبی الاکرم صلی الله علیه وآله وسلم الناطقة بان من حفظ علی امتی اربعین حدیثا مما یحتاجون الیه فی امر دینهم بعثه الله عز وجل یوم القیمة مع النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا ودر خبر دیگر بعثه الله فقیها عالما ودر حدیث دیگر کنت له شفیعا

**بیان معنی حفظ** قیل مراد حفظ من ظهر القلب است یعنی از بر کردن وقیل حفظ من ظهر القلب کتابت ونقل بین الناس است ولو از روی کتاب . ✳

**وگوید** : حق این است که حفظ را مراتب مختلفه هست هر یکی بحسب خود ثوابی دارد حفظ ونقل بغیر حفظ برای عمل بر طبق آنها وبعضی از محدثین گفته که حدیث اطلاق نمیشود مگر بآنچه از پیغمبر وامام علیهم الصلوة والسلام صادر شود . ✳

## ✳(اثبات توحید عقلاً ونقلاً در بیان حدیث سابع :)✳

**گوید** : ثم اعلم ان اصل الدین واصل الایمان هو معرفة الحق بالوحدانیة والاحدیة بدانکه اصل دین واصل ایمان شناختن خدا است بوحدانیت واحدیت چنانکه حضرت امیر صلوات الله علیه در بعض خطب خود میفرماید اول الدین معرفته ودر باب توحید فقط اکتفاء بادلهٔ نقلیه جایز نیست بلکه در اثبات ومعرفت این صفت وحدانیت از برای ذات اقدس سبحانی محتاج بادلهٔ نظریه هستیم بلی اگر انسان در نفس خود تعلق وارتباط بمبدء حقیقی تعالی ذکره ویقینی ثابته که هیچ شکی بروی عارض نشود بیابد وآثار قدرت وصنع الهی را در نفس خود ببیند وآثار الوهیت او را در آئینهٔ وجود خویش مشاهده نماید نظریات در حق او بدیهیات میشود ومحتاج بادلهٔ نظریه نمیگردد ولی این نادر الوجود است . ✳

**گوید** : اما دلیل نقلی بوحدانیت خداوند متعال قوله عز وجل فی کتابه الکریم لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا حضرت صادق علیه السلام در ذیل خبری که هشام بن الحکم از آنجناب روایت کرده میفرماید فلما رأینا الخلق منتظما والفلک جاریا والتدبیر جاریا وچون ما خلقت عالم را منتظم وفلک را جاری وتدبیر کون را بر یک نسق وگردش لیل ونهار وشمس وقمر را بمیزان واحد دائم دلیل است بر صحت امر وتدبیر که مدبر آنها واحد لا شریک است

## ✳(وصیت لقمان در باب خوف ورجاء)✳

**در حدیث ۲۱ ص ۲۰۱ گوید** : وبسندی المتصل الی الشیخ الاجل رئیس المحدثین محمد بن یعقوب الکلینی قدس سره مسندا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که راوی گفت عرض کردم ما کان فی وصیة لقمان چه بود در وصیت لقمان فرمود کان فیها الاعاجیب در آن اعاجیب بود واعجب از همه آن بود که به پسرش گفت خف الله عز وجل خیفة لو جئته ببر الثقلین لعذبک وارج الله رجاء لو جئته بذنوب الثقلین لرحمک یعنی بترس از خدا



معنی حفظ اربعین حدیثا

دلیل عقلی بر وحدانیت خداوند متعال

دلیل نقلی ...



متعال بنحویکه اگر بعمل جن وانس بحضرت ملاقات بکنی ترا عذاب خواهد کرد وامیدوار شو برحمت پروردگار بطوریکه اگر بگناه ثقلین بیائی خداوند ترا رحم خواهد فرمود بعد حضرت فرمود پدر بزرگوارم فرمود بندهٔ مؤمنی نیست مگر اینکه در قلب او دو نور هست نور خوف ونور رجاء که اگر بسنجند هیچیک بدیگری سنگین نمی آید . ✳

## ✳(تفصیلی از عقل :)✳

**ص ۱۵۶ گوید** : قال الله تعالی وسخر لکم اللیل والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون وقال عز من قائل هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا ومنکم من یتوفی من قبل ولتبلغوا اجلا مسمی ولعلکم تعقلون . ✳

**ودر شرح حدیث ۲۲ ص ۱۰۹ گوید** : متانت وحسن افعال مسبب از متانت عقل است (اذ کل یعمل علی شاکلته) (وکل اناء بالذی فیه یرشح) وهر کس بمقدار عقل خود ماجور ومثاب ومعاقب خواهد بود چنانچه از عوالی اللئالی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله منقول است که فرمود ان الله عز وجل لما خلق العقل قال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال تعالی وعزتی وجلالی ما خلقت خلقا هو اکرم علی منک بک اثیب وبک اعاقب وبک آخذ وبک اعطی وقتیکه خداوند متعال عقل را فرمود بیا و فرمود بیا آمد بعد فرمود برو رفت کنایه از کمال اطاعت وامتثال است پس حق سبحانه فرمود قسم بعزت وجلال خود که خلقی نیافریدم که بر من اکرم از تو باشد بتو ثواب میدهم وبتو عقاب وبتو اخذ وبتو عطا مینمایم انتهی بلکه ممکن نیست اجتناب از محرمات کما ینبغی مگر بعقل متین . ✳

**وهمین معنی اشاره میفرماید** قول حضرت صادق علیه السلام بنا بآنچه در معانی الاخبار مرویست که راوی از آنجناب پرسید که ما العقل عقل چیست فرمود ما عبد به الرحمن واکتسب به الجنان است که بآن پروردگار عبادت بشود وبهشت کسب گردد راوی گوید من عرض کردم پس آنچه در معاویه هست چه چیز است فرمود تلک النکراء وتلک الشیطنة وهی شبیهة بالعقل ولیست بعقل آن مکر وشیطنت وشبیه بعقل است وعقل نیست . ✳

**ودر حدیث ۲۸ ص ۱۵۹** از کافی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مسندا روایت کرده که فرمود ما قسم الله للعباد شیئا افضل من العقل فنوم العاقل افضل من سهر الجاهل واقامة العاقل افضل من شخوص الجاهل ولا بعث الله نبیا ولا رسولا حتی یستکمل العقل ویکون عقله افضل من عقول جمیع امته خداوند متعال چیزی بر بندگان خود تقسیم نفرموده که افضل از عقل باشد پس خواب عاقل بهتر است از بیداری جاهل واقامت عاقل بهتر است از مسافرت جاهل ومبعوث نفرموده خداوند نبی ورسولی را مگر آنکه عقل او را تکمیل فرموده



ذکر بعضی از اخبار عقل

اطاعت وامتثال عقل

افضلیت عقل

اختیار آدم علیه السلام عقل را

وعقل وی از عقول همراهان بهتر میبوده انتهی .

ایضاً در ذیل مجلس ۲۸ ص ۱۶۲ از کافی از حضرت امیر علیه السلام روایت کرده که فرمود جبرئیل بحضرت آدم علیه السلام فرود آمد و گفت انی امرت ان اخیرک واحدة من ثلث فاخترها ودع اثنتین من مامورم که ترا در یکی از سه خصلت مخیر بکنم پس یکی را اختیار کن و دو تا را ترک بنما آدم ع فرمود ای جبرئیل کدام است آن سه خصلت عرض کرد العقل والحیاء والدین آدم علیه السلام فرمود من عقل را اختیار میکنم جبرئیل بحیاء و دین فرمود انصرفا ودعاه بروید و عقل را بگذارید گفتند یا جبرئیل ما مأموریم که عقل هر جا باشد ما با او باشیم فرمود پس باشید وعروج کرد انتهی .

وما بحس و عیان می بینیم که هر کسیکه عاقل است با حیا است و می بینیم که مزید عقل در شخص سبب زیادتی حیا است .

## (عقل معاش و عقل معاد)

عقل معاش و عقل معاد

ص ۱۷۱ گوید : بدانکه عقل بر دو قسم است عقل معاش و عقل معاد اما اول اطلاق میشود بر قوهٔ از قوای نفس انسانی که موصوف میشود بجودت رای وحسن تدبیر در امور دنیویه بحیثیتی که مودی باشد بر تنظیم امور معاش خود و حکمت در تدبیر امور منزل و سیاست او در سلوک با اهل خود پس اگر بر قوای شهویه و غضبیه او مستولی باشد بحیثیتی که از جادهٔ شرع و قوانین آن بیرون نرود آنرا عقل معاش گویند و اخبار در مدح آن وارد شده و اگر هوای نفس بروی غالب شود و عقلش در اکتساب مال و امثال آن بروی بدرقه و چراغ باشد آنرا نکراء و شیطنت گویند .

بیان عقل معاد

واما عقل معاد آن قوه ایست در نفس انسانی که مقتدر باشد با آن بر تخلیهٔ نفس از صفات مذمومه و تحلیه با صفات ممدوحه و با اکتساب معارف حقه و اتیان اعمال صالحه و ترک اعمال طالحه و تحصیل قرب خداوند سبحانه و آن است آنچه حضرت صادق علیه السلام فرمود العقل ما عبد به الرحمن واکتسب به الجنان و آنچه در معاویه است تلک النکراء وتلک الشیطنة وهی شبیهة بالعقل ولیست بعقل .

## (تفصیلی از زهد)

ص ۱۷۲ گوید : الحدیث التاسع والعشرون از وافی از تهذیب مسنداً از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود لیس الزهد فی الدنیا باضاعة المال ولا تحریم الحلال بل الزهد فی الدنیا ان لا تکون بما فی یدک اوثق منک بما عند الله زهد در دنیا بتضییع مال نیست بلکه زهد در دنیا این است که آنچه در دست تو است اوثق و احب نباشد از آنچه در نزد خدا است .





معنی زهد

وگوید در نهج البلاغه از حضرت امیر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود الزهد کله بین کلمتین من القرآن قال الله سبحانه لکیلا تاسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتیکم پس هر کس بگذشته تأسف نخورد و بر آتیه شادی ننماید زهد را بدو طرفش اخذ کرده .

ودر وافی از حضرت صادق علیه السلام مرویست که از آنجناب سؤال کردند که زاهد در دنیا کیست فرمود الذی یترک حلالها مخافة حسابه ویترک حرامها مخافة عذابه کسیست که حلال دنیا را از خوف حساب و حرامش را از ترس عذاب ترک نماید .

ودر کافی از آنحضرت روایت کرده که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تشریف آورد در حالتی که محزون بود فاتاه ملک ومعه مفاتیح خزائن الارض پس ملکی با مفاتیح خزائن زمین فرود آمد عرض کرد یا محمد این کلیدهای خزائن دنیا است و خدای عز وجل میفرماید که با این مفاتیح بگشا خزائن زمین را واخذ کن آنچه میخواهی بدون اینکه چیزی از مقام و منزلت تو نزد من نقص پیدا کند آنحضرت فرمود الدنیا دار من لا دار له ولها یجمع من لا عقل له دنیا منزل کسی است که او را منزلی نباشد یعنی مراد دار آخرت هست و برای دنیا جمع میکند کسیکه او را عقل نباشد ملک گفت سوگند بآن خدائیکه ترا بحق مبعوث فرموده من این کلام از ملکی شنیدم در آسمان چهارم آنوقت که این مفاتیح را می آوردم .

حقیقت زهد

وقال تعالی فی سورة الحدید اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو وزینة وتفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال والاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتراه مصفرا ثم یکون حطاما وفی الآخرة عذاب شدید ومغفرة من الله ورضوان وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور .

ودر حدیث دیگر از حضرت امیر صلوات الله علیه ایها الناس الزهادة قصر الامل والشکر عند النعم والورع عند المحارم فان عزب ذلک عنکم فلا یغلب الحرام صبرکم ولا تنسوا عند النعم شکرکم فقد اعذر الله الیکم بحجج مسفرة ظاهرة وکتب بارزة العذر واضحة ای مردم زهد کوتاهی آرزو و شکر نعمت و اجتناب از حرام است و اگر این صفت از شما فوت شود پس حرام بر صبر شما غالب نگردد و شکر نعمت فراموش نشود که خداوند عذر و حجت را با ارسال رسل و تنزیل کتب بشما تمام و واضح فرموده .

## (منافی نبودن تحصیل معاش و کسب حلال با زهد)

در صفحهٔ ۱۷۲ گوید : از اخبار مستفاد میشود که زهد عبارت است از عدم تعلق نفس و عدم رکون بچیزی از امور دنیا بحیثیتی که اعتماد و اتکال نماید بر وی نیست مراد اینکه اصلاً رغبتی بدنیا نباشد

کیف وحال آنکه انسان در بقاء حیات خود لابد است از اکل و شرب و لباس و مسکن و غیر ذلک بقدر ضرورت
بلکه اگر یکی از اینها فوت بشود قوایش مختل و امرش متشتت و نفس او متوجه بدن و جهت آنها شده
از قیام و اشتغال بوظائف طاعت و عبادت خود باز میماند ولعل مراد از زهد یکه در آیات و روایات وارد
مدح و ثناء وارد شده است که دنیا و آنچه در آن است نزد او مطلوب بالذات و مرغوب بالاستقلال نباشد
بلکه مطلوبیتش من باب مقدمه در بقاء حیات و تحصیل آخرت و فوز درجات عالیه گردد و مراد از آنچه در ذم
دنیا و ما فیها و فضل زهد و ورع وارد شده است که محبت و تحصیل دنیا مانع از تحصیل آخرت و توجه
بسوی حق باشد ✻

✻( و در دیوان منسوب بحضرت امیر علیه السلام است : )✻

| اِنّما الزهدُ الغِنیٰ قصرُ الأمل | لا بأکل المرّ لا لبس الشمل | خذ بأمر الله واترک ما نهیٰ | والبس الخزّ وکل لحم الجمل |
|---|---|---|---|

✻( و بفارسی گفته اند : )✻

| ✻ | زاهدی در پلاس پوشی نیست | ✻ | زاهد پاک باش اطلس پوش | ✻ |
|---|---|---|---|---|

✻( تفصیلی از فضل دعاء و شرایط آن )✻

در شرح حدیث بیست و نهم گوید : قوله تعالی وَاِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَاِنِّی قَرِیبٌ
اُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَلْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ این آیهٔ شریفه بامور
چندی دلالت میکند اول آنکه خداوند متعال بندگان خود را تعریض بدعاء و سؤال میکند دوم
نهایت عنایت بمسارعت اجابت میفرماید و جواب را موقوف بر تبلیغ حضرت رسول صلی الله علیه و آله نمیفرماید
بلکه میفرماید فَاِنِّی قَرِیبٌ و نگفته قُلْ لَهُمْ اِنِّی قَرِیبٌ بگو با یشان که من نزدیک ایشان هستم سیم جواب را
بفاء بیان کرده که مقتضی تعقیب بلا فصل است چهارم در تشریف داعی بردّ جواب بنفسه که تنبیه فرماید بکمال
منزلت و شرف و مکانت دعاء نزد او تعالی شانه ✻

✻( امّا شرایط استجابت دعاء )✻

بدانکه از برای هر چیز شرایط و آدابی هست که اگر مراعات نشود نتیجه نبخشد همچنین است دعاء که آداب و
شرائطی دارد اول مراعات وقت است که منتخب بکند اوقات شریفه را مثل روز عرفه و شهر رمضان و روز
جمعه و شعبان و سحر هر شب و ما بین الطلوعین و وقت سحر را خصوصیتی از سایر اوقات دارد قال الله تعالی
وبالاسحار هم یستغفرون لاسیما سحر شب جمعه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که یعقوب علیه السلام



اشعار در زهد

فضل دعاء

شرایط اجابت دعاء



بفرزندان خود فرمود سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی تا آخر کرد تا سحر شب جمعه ✻

وایضاً آنحضرت فرمود اُطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِی اَرْبَعِ سَاعَاتٍ عِنْدَ هُبُوبِ الرِّیَاحِ وَزَوَالِ الْاَفْیَاءِ وَنُزُولِ
الْقَطْرِ وَاَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ قَتِیلِ الْمُؤْمِنِ فَاِنَّ اَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هٰذِهِ الْاَشْیَاءِ دعاء بکنید در چهار ساعت
وقت وزیدن باد و زوال آفتاب و نزول باران و اول قطرهٔ قتیل مؤمن که ابواب آسمان در این اوقات
مفتوح میشود دوم از آداب و شرایط دعاء مراعات احوال شریفه است مثل اعقاب صلوات حضرت رسول
صلی الله علیه و آله میفرماید مَنْ اَدّٰی مَکْتُوبَةً فَلَهُ فِی اَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ هر که نماز فریضه بکن آرد در عقب آن
دعاء مستجابی دارد و حضرت صادق علیه السلام فرمود مستجاب میشود دعاء در چهار موطن در وتر و بعد از
صبح و بعد از ظهر و بعد از مغرب سیم رو بقبله دعاء کند و دستها را بلند بنماید چنانکه از سلمان فارسی
رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود اِنَّ رَبَّکُمْ حَیِیٌّ کَرِیمٌ یَسْتَحْیِی مِنْ عَبِیدِهِ
اِذَا رَفَعُوا اَیْدِیَهُمْ اِلَیْهِ اَنْ یَرُدَّهَا صِفْرًا که پروردگار شما با حیاء و کریم است حیا می کند از بندگان خود
که ایشان دستهای خود بدرگاه او بلند کنند و او آنها را خالی برگرداند چهارم بتضرع دعاء کند قال
الله تعالی اُدْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْیَةً اِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ و در آیهٔ دیگر اِنَّهُمْ کَانُوا یُسَارِعُونَ
فِی الْخَیْرَاتِ وَیَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا پنجم با گریه دعاء بکند و آن سید آداب و دلیل رقت قلب و عدم
قساوت قلب است و اگر بکاء نباشد تباکی بنماید ششم در دعاء خود جزم و یقین باجابت بکند چنانچه
حضرت صادق علیه السلام میفرماید اِذَا دَعَوْتَ فَظُنَّ حَاجَتَکَ بِالْبَابِ وقتیکه دعاء کردی ظن کن مطلب خود را
در باب هفتم اقبال قلب است زیرا کسیکه بر تو اقبال نکند مستحق اقبال تو بسوی او نمیشود و خداوند مستجاب
نمیکند دعاء را از قلب غافل ( حکایت مرد داعی که دلش مشغول گوسفندانش بود ) : ✻

مرویست که حضرت موسی علیه السلام بمردی گذشت که در حال سجده میگریست و دعاء و تضرع مینمود
عرض کرد یا رب اگر حاجت این مرد در دست من بود هر آینه روا میکردم وحی شد ای موسی این بندهٔ من ( یَدْعُونِی
وَقَلْبُهُ مَشْغُولٌ بِغَنَمٍ لَهُ ) دعا میکند ولی قلبش مشغولست بگوسفندان خود و اگر آن قدر سجده کند که
پشت او قطع شود و چشمهایش کور گردد دعاء او را مستجاب نمیکنم و در روایت دیگر تا بگرداند آنچه من
دشمن میدارم هشتم در دعاء خود الحاح و تکرار بنماید زیرا که از پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که
اِنَّ اللهَ یُحِبُّ السَّائِلَ اللَّحُوحَ خداوند متعال سائل الحاح کننده را دوست میدارد و از حضرت ابو
جعفر علیه السلام منقول است که فرمود وَاللهِ لَا یُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَی اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِی حَاجَتِهِ اِلَّا قَضَاهَا
لَهُ سوگند با خدای که بندهٔ مؤمن الحاح نمیکند بخدای عز و جل در حاجت خود مگر آنکه پروردگار



اوقات استجابت دعاء

آداب دعاء

حکایت مرد داعی

مطلب او را روا میکند . ※

وازرحمت خدا مایوس نباشد اگر در اجابت تاخیر بشود زیرا که بسا مصلحت در تاخیر است .

نهم خفض الصوت یعنی آهسته دعا بکند چه که نهی وارد شده از رفع صوت در دعاء دهم دعاء خود را افتتاح بکند بذکر خدا وصلوات پیغمبر وآل اطهارش صلوات الله علیهم اجمعین زیرا که در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود اِیّاکُم اِذا اَرادَ اَحَدُکُم اَن یَسئَلَ رَبَّهُ شیئاً مِن حَوائجِ الدُّنیا وَالآخِرَةِ مبادا یکی از شما چون از خدا یکی از حوائج دنیا وآخرت مسئلت بنماید حتی ابتداء بکند به ثناء ومدح الهی وصلوات رسالت پناهی بعد حاجت خود را بطلبد . ※ یازدهم دعاء خود را بصلوات بر محمد وآل محمد وبقول ما شاء الله لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِالله ختم کند زیرا که در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر کس را حاجتی باشد ابتداء کند بصلوات بعد حاجت خود را بخواهد سپس ختم کند بصلوات وخداوند اکرم از آن است که طرفین را قبول بفرماید ووسط را ترک کند زیرا که صلوات بر محمد وآل محمد از او سبحانه محجوب نمیشود وبجهت آنکه مرویست که چون کسی بعد از دعاء خود بگوید ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله خداوند میفرماید که استقبال کرد بنده من وتسلیم شد بامر من روا بکنید حاجت اورا دوازدهم معرفت مسئول است تعالی شانه وآن سید آداب ومرتبه رفیعه است وقومی بحضرت صادق علیه السلام عرض کردند که ما دعاء میکنیم ولی مستجاب نمیشود حضرت فرمود لانکم تدعون من لا تعرفونه زیرا که شما میخوانید خداوندی را که نمیشناسید سیزدهم کمال متابعت باوامر الهی وکمال اجتناب از نواهی او سبحانه است چه که بواسطه کمال متابعت اجابت اسرع میشود وخداوند میفرماید قُل اِن کُنتُم تُحِبُّونَ اللهَ فَاتَّبِعُونی یُحبِبکُمُ اللهُ وَیَغفِر لَکُم ذُنُوبَکُم وَاللهُ غَفُورٌ رَحیمٌ ومرویست بحضرت صادق علیه السلام عرض کردند ما دعاء میکنیم ولی مستجاب نمیشود فرمود اِنَّکُم تَدعُونَ مَن لا تُطیعُونَه وتعصونه زیرا که شما نمیترسید از خدا ومعصیت میکنید ویرا پس چطور دعاء شما مستجاب میشود چهاردهم اعتراف بگناه وتوبه از آن واقبال بسوی حق سبحانه بکنه همت ونفس زکیه وقلب فارغ پانزدهم تطهیر بطن از حرام یا اینکه از خوردن حرام اجتناب بنماید بلکه از اکل شبهات زیرا که اکل حرام مؤثر است در نفس چنانچه آتش مؤثر است در زغال واز حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود مَن سَرَّهُ اَن یُستَجابَ دُعاؤُهُ فَلیُطِب کَسبَهُ هر که بخواهد که دعایش مستجاب گردد پس باید کسب خود را پاکیزه وحلال بکند وفرمود تَرکُ لُقمَةِ حَرامٍ اَحَبُّ اِلَی اللهِ تَعالی مِن صَلوةِ اَلفَی رَکعَةٍ تَطَوُّعاً ترک یک لقمه حرام احب است بخداوند متعال از دو هزار رکعت نماز مستحبی . ※



وبالجمله این پانزده آداب دعاء است ※ وآداب دیگری نیز هست که در عدة الداعی وغیرها مذکور است . ※

## ( ودر خاتمهٔ کتاب الاربعین الهاشمیه گوید : )

## ( قد فرغت من تصنیف هذا الکتاب بعون الملک الوهاب )

( بتحقیق فارغ شدم از تصنیف این کتاب بعون خداوند وهاب در شب نهم محرم الحرام سنه ۱۳۵۵ ) حامداً ذاکراً شاکراً مصلیاً وانا امة من اماء الله جل جلاله . ※

قال شیخنا البهائی قدس سره وای کلام لا یکون علیه کلام الا کلام الملک العلام وخلفائه الکرام . ※

## ( ولقد اجاد فیما افاد : )

| | | |
|---|---|---|
| یا ناظراً فی الکتاب بعدی | وجانیاً من ثمار جهدی | بی افتقار الی دعاء |
| تهدیه لی فی ظلام لحدی | ان تجد عیباً فسد الخللا | جل من لا عیب فیه وعلا |

چشم هنربین بود از عیب پاک ※ بی هنر از عیب نماید چه باک ※

وحقیر بعد از مراجعت از مسافرت حج به تبریز واخبار از مراتب علم وفضل آن مخدره مکرمه علماء ومجتهدین وفضلاء ومحدثین خیلی تعجب نموده وبرخی بعید استبعاد کردند بنده کتاب اربعین را ارائه نموده واز اجازات اعلام اعلام کردم طالب شدند که نسخه چندی برای ایشان بنویسم چند نسخه از اصفهان انفاذ داشتند والآن نزد کثیری از علماء ومحدثین شهر ومضافاتش هست که بواسطه پست از قم واصفهان تحصیل کرده اند . ※

وپس از نشر ومطالعه علماء وفضلاء قیمتش خیلی ترقی کرد حقیر یک مجلد در اصفهان به ۱۲ ریال خریده بودم در تبریز بچهل تومان رسید وچندی قبل یکی از اهل علم به سی وپنج تومان خرید

( جزاها الله عن الاسلام واهله خیر الجزاء وحباها من فضله سنی الاجر وهنی العطاء )

# ( مُستدرك علمای معاصرین از اموات )

چون تراجم جمعی از علماء معاصرین در محل خود از ما فوت شده و بتاریخ وفات برخی از ایشان واقف نشدیم لذا محض برای تتمیم فایده مستدرکی بدون ملاحظهٔ تفاوت درجات و تقدم و تأخر سنوات وفیات ترتیب دادیم والله المستعان و علیه التکلان .

## (١) ( آقا شیخ محمود مجتهد عراقی طهرانی ره )

## ( صاحب دار السلام فارسی )

آن مرحوم از معروفین علماء و مجتهدین دورهٔ ناصری است .

مرحوم وزیر معظم محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب مآثر و آثار گوید آقا شیخ محمود عراقی از مجتهدین مسلّم دار الخلافه است در مسجد مرحوم آقا بهرام با قامت جماعت و ترویج احکام میپردازد تقریرات مدرس شیخ الطائفه استاد الکل مرتضی الانصاری را فقهاً و اصولاً بر وجه اشباع ضبط کرده و تدوین فرموده است علماء عظام و فقهاء فخام از این رهگذر بتألیفاتش محتاجند و در این سنوات کتابی بنام دار السلام در احوال حضرت حجة الله القائم علیه السلام تألیف کرد و مطبوع افتاد .

**مؤلف گوید** : چون صاحب مآثر و آثار در ترجمهٔ این عالم خبیر و فاضل نحریر باجمال کوشیده و از آثار جلیله و مآثر نفیسهٔ او اسمی نبرده لذا مناسب دیدم که محض بجهت مزید معرفت بمقام و رفعت آن مرحوم مغفور و ترغیب و تشویق مطالعه کنندگان از اهل علم و فقه و حدیث و تأسی و اقتداء ایشان بدینگونه علماء اعلام جمله از حالات و چندی از مؤلفات و مصنفات آن حبر معظم مذکور آید .

**و مؤلفاتش** : در خاتمهٔ کتاب دار السلام گوید حقیر بعد از آنکه اراده کردم که در مقام تصنیف و تألیف براهم و افادات و تحقیقاتی که از مشایخ خود التقاط کرده استفاده نموده با اضافهٔ افکار دیگر که بخاطرم رسیده از برای تذکر خود و انتفاع برادران بقید تحریر در آورم چنانکه بزرگان گفته‌اند که العلم صید



محمد عراقی آقا شیخ محمود

معظم مؤلفاتش





والکتابة قید چنان دیدم که باید در اول امر تحفهٔ لایق هدیهٔ موالی خود که بزرگان دینند نمایم تا آنکه بتوجه و نظر و شفاعت ایشان موفق باین امر شوم لهذا کتاب مشکوة النیّرین را که در مناقب و مصائب معصومین علیهم السلام است و تقریباً بیست هزار بیت کتابت میشود تألیف کردم .

پس توفیق یافته کتاب جوامع را در اصول نوشته پنجاه هزار بیت .

و در فقه کتاب لوامع را نوشتم صد هزار بیت .

و باز در اصول کتاب قوامع را پنجاه و پنج هزار بیت .

و دیگری در فقه کتاب خزاین را شروع کردم که طهارت آن بیرون آمد هشتاد هزار بیت و بعد از آن مبتلای بخروج از نجف شده و الی الآن تقریباً شش سال میشود که اسباب متفرق شده که دیگر بسبب بی‌کتابی و بی‌اسبابی چیزی نتوانستم از آن بنویسم و بملاحظهٔ آنکه بالمرة از کار تمام تألیفات کناره اختیار کردم والحمد لله علی کل حال .

### ( وصف علم و عبادت و زهد و ورع استاد اعظم خود )

### ( شیخ الطائفه شیخ مرتضی الأنصاری قدس سره )

**و ایضاً گوید** : حقیر از سال هزار و دویست و هفتاد هجری تا سنهٔ هشتاد و یک ملازم منبر درس و نماز جماعت شیخ الطائفه شیخ مرتضی الانصاری قدس سره بودم بعد از آنکه در ولایت عجم خود را فارغ میدانستم و از جمعی از معتبرین قوم مصدق و مجاز بودم و فهم تحقیق و نظر دقیق ایشان را بطوری دیدم که از مسموعات سابقهٔ خود بالمرة چشم بسته و دست کشیده‌ام و فایز باستفاضه و استفاده از ایشان بودم .

**و ایضاً میفرماید** : که کرامات و مقامات این بزرگوار زیاده از حصر و شمار و مخالف و مؤالف بر آن اعتراف و اقرار است و چگونه چنین نباشد و حال آنکه در عبادت در عصر خود عدیل نداشت و در زهد و ورع او نظیر نبود و با آنکه در هر سال زیاده از صد هزار تومان از وجوه بسوی او متوجه میگردید وفات کرد و درهم و دیناری نگذاشت و در حیات باقل ما یقنع بر اکتفا نمود و سی و دو سال در نجف مجاور بود و در سال ١٢٨١ وفات کرد و تحصیل اصول در کربلای معلا کرده و استاد او آخوند ملا شریف مازندرانی معروف بشریف العلماء بوده و چندی هم در شهر کاشان با فاضل نراقی آخوند ملا احمد بوده و فقه را از شیخ حسن نجفی اخذ نموده و چندی هم با شیخ محمد حسن صاحب کتاب جواهر الکلام راه پیموده .

و ایضاً از مؤلفات خود کتاب کفایة الراشدین را شمرده که جوابی است از کتاب هدایة الطالبین حاج



اسامی و موضوعات تألیفات خود

مدائح علم و عبادت و زهد و ورع شیخ انصاری ره

تاریخ وفات استاد و شیخ انصاری ره

کرمانی صاحب ارشاد العوام .

## ( ذکر فوائد چندی از کتاب دار السلام عراقی ره )

## ( شرح دعاء اللهمّ عظم البلاء )

در باب دویم در ذکر معجزات حضرت حجت عجل الله فرجه گوید معجزهٔ چهل و پنجم فاضل معاصر حاج میرزا حسین بن میرزا محمد تقی اطال الله بقائه از ابو الحسن محمد بن احمد بن ابو اللیث رحمه الله روایت کرده که گفته در شهر بغداد بودم و ارادهٔ قتل مرا داشتند از خوف کشته شدن بمقابر قریش یعنی مشهد کاظمین علیهما السلام پناه بردم و در آنجا تضرع و دعاء مینمودم تا آنکه حضرت صاحب الامر علیه السلام این دعا را بمن تعلیم فرموده خواندم و ببرکت آن از آن بلیه نجات یافته مأمون گردیدم . و دعاء این است :

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاۤءُ وَبَرِحَ الْخَفَاۤءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاۤءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاۤءُ وَضَاقَتِ الْاَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاۤءُ وَاِلَيْكَ يَارَبِّ الْمُشْتَكٰى وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاۤءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اُولِي الْاَمْرِ الَّذِيْنَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنَا بِذٰلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اِكْفِيَانِيْ فَاِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَانْصُرَانِيْ فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ اَدْرِكْنِيْ

راوی گوید که چون آن بزرگوار این دعا را از برای من خواند و بفقرهٔ یا صاحب الزمان رسید اشاره بسینهٔ مبارک خود نمود و من چنین فهمیدم که مقصود آن بزرگوار آن بود که خوانندهٔ این دعا در آن فقره باید اشاره بآن حضرت نماید .

مؤلف گوید که این دعا در میان شیعیان عرب خصوص اهل نجف اشتهار تمام دارد و در شدائد و بلیات خاصه و عامه مثل بروز امراض مسریه از طاعون و وباء و شدائد جهانکه از قحط و غلا و قلت امطار و میاه و تعدیات سلاطین و حکام و نحو آن باین دعا در مظان استجابات و عقیب فرایض و صلوات مداومت مینمایند و از آن آثار سریعه عجیبه مشاهده گردیده است .

## ( دفع استبعاد طول عمر حضرت حجة عجل الله فرجه )

در فصل چهارم از مقدمهٔ کتاب در دفع استبعاد طول عمر حضرت حجت علیه السلام و غیبت او گوید بعد از ملاحظهٔ طول عمر و وقوع غیبت از برای جمعی کثیر و جمی غفیر از سابقین استبعاد آن در مادهٔ آن بزرگوار بیجا و بی اعتبار خواهد بود .

شرح دعای اللهم عظم البلاء

اثر سریع دعای اللهم عظم البلاء

دفع استبعاد طول عمر حضرت حجت





اما طول عمر پس جماعت اهل خلاف در اخبار خود روایت کرده اند که خضر علیه السلام از زمان ولادت خود که در زمان فریدون یا غیر آن بوده الی الآن در روی زمین زنده و موجود است .

و همچنین ادریس علیه السلام از زمان ولادت خود که در زمان ما بین آدم و نوح علیهما السلام بوده الی الآن در آسمان زنده و موجود است .

و همچنین عیسی علیه السلام از زمان ولادت خود که ششصد سال قبل از زمان محمد صلی الله علیه و آله بوده الی الآن در آسمان زنده و موجود است و چون مهدی علیه السلام ظهور کند عیسی از آسمان نزول نماید و با او اقتداء کند در نماز و الیاس را از زمان ولادت جمعی از ایشان موجود دانسته اند و او را دلیل دریاها و خضر را دلیل بیابانها گفته اند .

و همچنین نوح علیه السلام زیاده بر هزار سال عمر داشت که از جملهٔ آن نهصد و پنجاه سال قوم خود را دعوت نمود و همچنین دجال را از زمان ولادت او که عصر رسول الله صلی الله علیه و آله بوده الی الآن زنده و موجود میدانند و در آخر زمان خروج او را گفته اند و حالات او را روایت کرده اند در کتب اخبار خود و در کتب تواریخ و اخبار ذکر معمرین بسیار نموده اند صدوق علیه الرحمه گفته که لقمان بن عاد سه هزار و پانصد سال عمر کرد و ضحاک صاحب دو مار را هزار و دویست سال عمر نوشته اند و فریدون عادل را زیاده از هزار سال گفته اند و ربیان پدر عزیز مصر هزار و هفتصد سال و دوم غ پدر او سه هزار سال عمر کرده انتهی

## ( دلیل متین دیگر از قرآن مجید در دفع استبعاد طول عمر حضرت حجت عجل الله فرجه )

حقیر گوید : یکی از موثقین محدثین صاحب تألیفات عدیده کرده مجلدات از آنها را دیده و منتخب نموده و در کتاب منتخب المقاصد نقل کرده ام گفت که من در کتابی دیدم که یکنفر عالم سنی که منکر امام زمان علیه السلام بود با عالم شیعه در باب آنحضرت مناظره نمودند عالم سنی گفت دلیل چیست بطول عمر آنجناب باید از قرآن دلیل بیاوری آن عالم شیعه نتوانست دلیلی بیاورد آمد بمسجد کوفه اعتکاف کرد در این باب و متوسل شد بحضرت حجت علیه السلام و مشغول عبادت بود تا دید یکنفر در لباس طلاب وارد مسجد شد آمد نزد او فرمود چرا اینجا اعتکاف کرده گفت کسی از من دلیلی در اثبات طول عمر حضرت حجت علیه السلام از قرآن خواسته و من نتوانستم بیاورم فرمود دلیل از قرآن حکایت یونس علیه السلام است خداوند میفرماید فلولا انه کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون یعنی اگر یونس تسبیح نمیکرد خدا را هر آینه درنگ میکرد در شکم ماهی تا آن

طول عمر خضر و الیاس و نوح و عیسی علیهم السلام

تمام عمر نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال بود

دلیل متین از قرآن بطول عمر حضرت صاحب الزمان

روز نیکو برانگیخته شوند یعنی خداوند قادر است یونس را و ماهی را زنده بدارد تا روز قیامت پس آن
پروردگاری که بر آن قادر است که ماهی را و پیغمبر خود را در شکم حوت این مدت باقی بدارد همان پروردگار
قادر است که امام زمان علیه السلام را باقی بدارد و این قدر عمر کرامت فرماید و معلوم شد که آن شخص حضرت
حجت علیه السلام بوده .

## (اجمالی از ترجمهٔ صاحب دمعة الساکبة و تفصیل باغ صاحبیه)

**مرحوم عراقی در دار السلام مذکور میفرماید :** شخص صالح موفق ربانی حاج ملا باقر
بهبهانی مردی بود از جملهٔ مجاورین نجف اشرف بزیور صلاح و تقوی آراسته و وسیلهٔ معاش خود را
شغل کتاب فروشی قرار داده بود که در حجرهٔ کنج شرقی صحن مطهر متصل بسمت قبلهٔ صحن روزها نشسته و
کار معامله مینمود و مدفن او هم حسب الوصیة در همان مکان واقع گردید .

**و در بسیاری** از مجالس تعزیهٔ خامس آل عبا علیهم السلام هم قربة الی الله تیمنا و تبرکا بدون غرض
دنیائی و فایدهٔ نفسانی ذکر مصائب مینمود بطوریکه در آن عصر و بلد متعارف بود از کتابهای مقتل فارسی مثل روضة
الشهداء و محرق القلوب و مانند اینها کتابی بدست میگرفت و میخواند و چون نیت خالص بود تأثیری تمام مینمود
و در عبارات عربیه دستی نداشت زیرا که او را سواد عربی درستی نبود و با این حال توفیق ربانی چنان شامل او گردید
که کتابی کبیر و عربی در احوالات چهارده معصوم علیهم السلام که زیاده بر یکصد هزار بیت بود نوشت که مقبول اهل نظر
و مطبوع طبع علمای معتبر گردید بطوریکه در زمان حیات خود او جمعی از کتاب مشغول استنساخ آن کتاب از برای
علمای معتبر عصر و افاضل طلاب بودند و جزء آخر آن کتاب که در احوال حضرت حجت عجل الله فرجه بود مفصل تر از
سایر اجزاء آن اتفاق افتاد بسبب اهتمامی که در جمع اخبار این باب از کتب عامه و خاصه داشت لهذا گویا
باتمام نرسید .

**و نظر با خلاصی که با امام عصر علیه السلام** داشت باغی در ساحل هندیه و در بعض نواحی مسجد سهله
احیاء و غرس کرده بود و بجهت مخارج آن باغ و ضعف کسب و کثرت عیال در اواخر کار مدیون و پریشان حال
شده بود تا آنکه در وقتی از اوقات چنان اشتهار یافت که حضرت صاحب الامر علیه السلام باغ صاحبیه حاج ملا باقر را خریدار
شده و پس از زمانی مشهور گردید که آنحضرت قرض او را ادا فرموده .

## (و تفصیل قضیه اینطور است :)

که از خود حاج ملا باقر نقل کرده که در رؤیا حضرت حجت عجل الله فرجه بمن فرمود حاج ملا باقر پول باغ





در نزد حاج سید اسد الله میباشد برو از او بگیر این بفرمود و از خواب بیدار شدم و سر برگردیدم و وقت صبح
بعد از نماز بدر خانهٔ سید مذکور آمدم چون دست بحلقهٔ در بردم آهسته حرکت دادم ناگاه آواز سید بلند گردید
که حاج ملا باقر هستی توقف کن که آمدم و بزودی آمد با شب کلاه و لباس خلوت در را گشوده کیسهٔ پولی بدست من
نهاد و گفت کسی نداند و در را بست و برفت بدون آنکه دیگر سخنی گوید چون کیسه را باز کردم و شماره کردم یکصد
تومان تمام در آن بود و مادام که سید مذکور زنده بود این واقعه را بکسی نگفتم تا آنکه بعد از وفات سید این
خبر انتشار یافت .

## (اجمالی از حاج سید اسد الله مذکور)

**گوید :** که سید مذکور سید جلیل عالم عامل حاج سید اسد الله ابن حاج سید محمد باقر رشتی اصفهانی
قدس سرهما بود که آب فرات را بنجف ورود داد در این باب اهتمام نمود و بعد از اتمام نهر از اصفهان باراده نجف اشرف
بیرون آمده در اثنای راه در منزل کرند وفات کرد و جنازهٔ او را بنجف وارد و در باب قبلهٔ صحن مطهر مقابل
مقبرهٔ شیخ استاد شیخ مرتضی الانصاری طاب ثراه دفن نمودند .

**مؤلف گوید :** کتاب دمعة الساکبة تا احوال امام حسن عسکری علیه السلام یکمرتبه سنگی و یکمرتبه سربی در
طهران طبع شده و جزء آخر آن که مفصلا در احوال حضرت حجت علیه السلام است و کتاب کبیریست باتمام رسیده
ولی هنوز طبع نگشته و حقیر این نسخهٔ مصححه بخط خودش که وقف سور نجف اشرف است دو مرتبه در مسافرتهای خود
در آنمکان شریف دیده و اجمالی نوشته ام (رضوان الله تعالی علیه) .

## (تفصیلی از مراتب علم و رفعت مقام بحر العلوم علیه الرحمة)

**در خاتمهٔ کتاب دار السلام گوید :** کرامت چهارم صادر از سید جلیل آقا سید مهدی معروف
به بحر العلوم است که بعض از مقامات او در فصل کسانیکه خدمت امام علیه السلام رسیده اند مذکور شد .

شیخ محمد بن اسمعیل معروف شیخ ابو علی در کتاب رجال خود که موسوم بمنتهی المقال است در ترجمه این بزرگوار
میگوید که سید سند و رکن معتمد مولانا سید مهدی بن سید مرتضی بن سید محمد حسنی حسینی طباطبائی نجفی اطال
الله بقائه و ادام علوه و نعمائه امام آن چنانی است که سخ نکرده بمثل او ایام و همام آنچنانی است که عقیم شده اند
زائیدن شکل او اعوام سید علمای اعلام و مولای فضلای اسلام علامهٔ دهر و زمان خود و وحید عصر
و آوان خویش است .

**اگر تکلم کند در معقول میگوئیم** این است شیخ رئیس پس کیست بقراط و افلاط و ارسطاطالیس .

واگر مباحثه نماید در منقول گویا این است علامه محقق فروع واصول . 
مناظره نکرد در علم کلام مگر آنکه گفتم همین است سید مرتضی علم الهدی . 
وچون تفسیر کرد قرآن را وگوش دادم بر بیان او وغفلت کردم وگویا چنان گمان نمودم که او است
آن کسیکه نازل شد قرآن براو وپس از استاد خود آقا باقر که امام ائمه عراق وملجأ علماء علی الاطلاق است
وکفایت میکند ترا آن چیزیکه شایع وذایع شده وپرکرده اسماع واصقاع را از شنیده کردن آنجناب جمعی
کثیر وجمی غفیر از طایفه یهود را به براهین واعجاز بلکه به نهایت رسانید از برای تو آن چیزهائی که دیده
شد از او ودر آن اوقاتی که بود در ولایت حجاز . 

ودر آخر کتاب گوید : تمام شد کتاب بدست مؤلف آن در عصر جمعه پانزدهم شهر شعبان
المعظم من شهور سنه هزار ودویست وپنج والحمد لله اولا وآخرا کما هو اهله وصلی الله علی محمد وآله .

## (۲) خاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی ره

مآثر وآثار ص ۱۰۵ خاج میرزا جواد آقا مجتهد وامام جمعه دار السلطنه تبریز سلسله ایشان در
تمام آذربایجان بریاست کلیه ومطاعیت عامه ممتاز است واین بزرگوار در علم فقه واصول از جمله فحول
محسوب میگردد ودر حدیث وتفسیر ورجال وکلام نیز نخستین شخص تبریز است بلکه تمام آذربایجان و
اعتبارش در دین ودولت واقتدارش در ملک وملت محتاج ببیان نیست ادام الله ایام تاییداته وشید بنائه

شهداء الفضیلة (ص ۳۸۱) در ترجمه مرحوم امام جمعه خاج میرزا عبد الکریم آقا شهید
۱۳۳۶ گوید اولین دودمانیکه در آذربایجان از برای مجد وعظمت وزعامت وتقدم وعلم وعمل وضع
شده اسره جلیله مترجم معظم است ومؤسس شرف ابدی این بیت رفیع در تبریز مجتهد اوحد مرحوم میرزا
احمد است که والد ماجدش لطفعلی خان از عمال دولت زندی ومادر گرامیاش علویه رضویه بوده آنمرحوم
از عمل دیوانی اعتزال جسته مشغول تحصیل گردید ودر کربلاء مشرفه با اکبر اولادش علامه خاج میرزا لطفعلی
نزد سید الریاض تلمذ نموده تا بذروه شامخه از علم نایل گردیده بتبریز عودت فرموده وچون در جای خود قرار گرفت

| انه الزعامة منقادة | الیه تجرر اذیالها | فلم تک تصلح الا له | ولم یک یصلح الا لها |
|---|---|---|---|

ودر حکم آنروز در تبریز زعیم روحانی بزرگتر از وی نبود وملوک ودر غایاهم مرتبه شامیه ونیز اشناخنر و
علماء مناعجیله او ودر ترویج دین تشکر وتقدیر نموده بمقام علمی منیع او اذعان واعتراف فرمودند تا در





منعث ۲۷ رجب ۱۲۶۵ برحمت حق پیوست از تصنیفات او کتاب منهج الرشاد فی شرح الارشاد است .

### (واکبر اولاد مرحوم میرزا احمد مجتهد اعلی الله مقامه)

### (خاج میرزا لطفعلی مرحوم بود)

که بعد از یکسال از وفات والد ماجدش از عراق بتبریز مراجعت فرمود واز پدر بزرگوارش وسید الریاض
اخذ علم فرموده ودر عهد والد ماجد خود بامامت جمعه متقلد ومتصدی گردید . 

از تصنیفات وتالیفاتش : اوثق الوسائل فی شرح ریاض المسائل الی مبحث التیمم مجلد تفسیر
کبیر مجلدان من اواسط القرآن مع بسط فی المسائل الکلامیة غالبا کتاب الزکوة لم یتم ملاذ الداعی فارسی
مجموع فی المواعظ والاخلاق وطبع له شرح قصیدة کعب بن زهیر فی مدح النبی صلی الله علیه وآله التی مطلعها

| بانت سعاد فقلبی الیوم متبول | متیم اثرها لم یفد مکبول |
|---|---|

در حیات والد ماجدش با دو برادر خود خاج میرزا جعفر ومیرزا رضا با وباء ۱۲۶۲ برحمت ایزدی پیوست وپدر
عالیمقدارش باجتهاد او ودر اجازه که مرحمت فرموده بود نص نمود . 

وبرادرش خاج میرزا جعفر احد اعلام هداة بود ودر نزد والد ماجد خود وشیخ الفقهاء صاحب
الجواهر تلمذ کرده از تصنیفات ورساله مفصله در عصیر عنبی وشرح شرایع مجلد بحر اغسال هست واجازات
وتقاریظ از صاحب جواهر وشیخ حسن آل کاشف الغطاء صاحب انوار الفقاهة وشیخ جواد نجف وغیرهم داشته
وهمه ایشان علیهم الرحمة والرضوان باجتهاد ورفعت مقام او در علم تصریح فرموده اند . 

وبرادر دیگرش علامه شهیر خاج میرزا باقر مجتهد مرحوم نزد والدش وشیخ جواهر وانام مرتضی تلمذ
کرده واز وجوه طایفه در طهران ناقل از زعماء ایران بود واز والد ماجدش روایت میکند در طهران ۵ رجب ۱۲۹۵
وفات کرد . 

وپس از وی برادرش علامه خاج میرزا جواد آقا مجتهد متقلد ومتصدی زعامت دینیه گردید ریاست
روحیه کبری تا بس فرمود که بغیر از وی کسی را میسر نشده بود وامراء وحکام از جلالت وشوکت او هیبت کردند
ونتوانستند تمرد بنمایند وبامور عظیمه نهضت فرمود که در همه آنها بفوز وفلاح نایل گشت ودر حکم امام جمعه
شیرازی بتحریم تنباکو ونوتون نهایت موازرت ومعاونت بعمل آورد واز بزرگترین اعضاد واعوان حضرت معظم له
بود در اجراء وانفاذ آن فتوای قطعی از مرحوم مرتضی آیة الله خاج سید حسین آقای کوه کمری قدس سره تلمذ کرده و
۱۳۱۳ بجنان جاوید خرامید انتهی . 

وجمعی از فضلاء وادباء بر وی رثاء گفته اند من جمله خطیب مصقع وادیب بارع شیخ کاظم سبتی نجفی بقصیدهٔ طویله رثاء گفته که بعضی از ابیاتش این است : ✳

کل یوم للدین یطوی وهوی
طال لیل الردی و غاب الرقاد
کان صعب القیاد فی الدهر لکن
جمعت فی صفاته الاضداد ✳
فتجلی من نور احمد ما قد
وعلیه الاصدار والایراد

علم باذخ ورکن مشاد
واما تا من الردی فالمنایا
کل صعب الی القضا ینقاد
ولو ان الفداء یقبل عنه
عشبت فیهم انجی لا الحاد
شبل ذاک الهزبر والشبل

فقیا ما علی المناخ قیاما
ظفرت بالجواد وهو المراد
عز ندا بین البریة حتی
لفداه طریفنا والتلاد
علم الاجتهاد فی العلم اضحی
یجی الغاب فیه لو غابت الاساد

ومرحوم مترجم مغفور را دو نجل زکی عالم معظم بود میرزا احمد آقا امام جمعه که پس از وفات والد ماجدش برحمت حق پیوست وحاج میرزا رضا آقا امام جمعه بعد از تحصیل ومراجعت از نجف اشرف مظفر الدین شاه قاجار او را بطهران خواست وپس از ملاقات وورود تبریز همه امور برای وی مهیا گردید ولی اجل امان نداد بعد از ایامی چند بوفات یافت رضوان الله تعالی علیهم . ✳

## (۳) میرزا زین العابدین امام جمعهٔ دار الخلافه

مآثر و آثار (ص ۱۴۲) میرزا زین العابدین امام جمعهٔ دار الخلافه از اجلهٔ علماء طهران است وافتخار بزرگ ملت ودولت ایران فضلی باهر دارد ودر یانتی قاهر در ورع وتقوی وجلالت شان وعلو مقام بنظر از اول محبوب میگردد از سیمای شریف وشمایل مبارکش انوار حقگذاری لامع است وآثار بزرگواری ساطع بحسن خلق وملکات محمودهٔ خصال ستوده قلب سلیم وذمتی زاهد فرموده ودر بند بخانه بندگی قید نموده است چون والد جلیلش میرزا ابو القاسم امام جمعه طاب تربته درگذشت وچنین خلفی بزرگوار بر جا گذاشت مقام امامت جمعه وجماعت وتولیت جامع کبیر سلطانی وسایر شئونات ومراتب حسب الارث والاستحقاق باین برگزیدهٔ آفاق انتقال یافت واز دیوان عزیز درین خصوص فرمان وتشریف بصدور رسید وبدایت امر کرم شخصا بتحصیل علوم وتکمیل فنون میپرداخت تم معظمش میرزا مرتضی صدر العلماء را نائب خویش ساخت ولی در این تاریخ از بیست وشش سال است که بنفسه مباشر وظایف واعمال این منصب رفیع ومتحمل تکالیف واعباء این مقام منیع میباشد ودر دین ودولت وملک وملت اعتباری فائق واقتداری خارق بهم رسانیده ودر بسط ید ونفاذ امر وسماع کلمه وقدرت ترویج وحفظ حدود تالی پدر بزرگوار است . ✳







واز آن بعد از فوت حاج ملا علی مجتهد کنی قدس سره امور اوقاف مدرسهٔ فخریه بمقام ریاست عظمی وکیاست کبرای وی موکول افتاد همانا علو ذات وشرف عنصر وامتیاز نسب واصل وفهم وفضل وسایر مزایای نجابای این عالم جلیل ذات اقدس شاهنشاه اسلام پناه ابده الله را بیذل توجهات ومراحم خارق العاده دعوت نمود تا آنکه وی را بشرف مصاهرت من بین علماء العالم قرین اختصاص فرمود وتا کنون موافق آنچه در باب اولاد وحفدهٔ صاحب مبارک شاهنشاهی در این کتاب مستطاب نوشتیم اوج سلطنت عظمی را دو کوکب سعد از سپهر این مهر طالع شده است وساطع گردیده . ✳

وان غلاما بین کسری وهاشم ✳ لاکرم من نیطت علیه التمائم

## (۴) حاج شیخ محمد باقر مجتهد اصفهانی ره

مآثر و آثار (ص ۱۴۲) حاج شیخ محمد باقر اصفهانی از مروجین دین بود دیگر از مجتهدین خلف شیخ محمد تقی صاحب الحاشیة اعلی الله مقامهما ریاست شرعیات اصفهان ومضافات آن در وی عمر این عالم جلیل القدر باو انحصار یافت فوتش در سنهٔ هزار وسیصد ویک هجریه بعتبات عرش درجات ائمهٔ عراق علیهم السلام اتفاق افتاد (رحمة الله علیه) ✳

احسن الودیعة (ج ۲) (ص ۱۰۱) آیة الله العظمی الفقیه الماهر فخر الاوائل والاواخر ابن الاعلم الافضل الشیخ محمد تقی صاحب الحاشیة المشهورة علی المعالم مولینا الحاج شیخ محمد باقر الاصفهانی از اکابر فقها مجتهدین واعاظم علماء محققین وافاضل دنیا ودین مجتمع زهد وورع وتقوی تارک دنیا بالکلیه مشتغل بامور آخرت در سنهٔ ۱۳۰۱ در عتبات عالیات وفات یافت واولاد عدیده فقهاء اجلاء از او تنها شتی باقی بگذاشت که ما در کتاب مواهب الباری فی ترجمة السید ابی تراب الخوانساری ذکر کرده ایم .

## (۵) آقا جمال الدین مجتهد بروجردی رحمه الله

مآثر و آثار (ص ۱۴۲) آقا جمال الدین مجتهد بروجردی خلف حاج مولی اسد الله مشهور بحجة الاسلام مقام فقاهت وتبحرش در حدیث وتفسیر ودرجهٔ فضل وتتبعش در جمیع علوم شرعیه وفنون اسلامیه مسلم بود در اواخر احوال بمشهد رضوی مشرف شد واز آنجا بدار الخلافه آمد وچندین سال بترویج شریعت وارشاد عباد اشتغال داشت نطق لسان او را در منبر کم از لسان داده اند وسرعت قبول عامه که برای او در طهران افتاد در حق کمتر شنیده شده است فوتش در سنهٔ هزار وسیصد ودو

از هجرت بوقوع پیوست چنانکه در جریدهٔ ایران نیز نگاشته اند .

**و تمام مناصب و مراتب و رواتب وی حسب الارث و الاستحقاق بفرزند دانشمند شریعتمدار** زین الائمة نجم الدین آقا علی اکبر سلمه الله انتقال یافت و اختصاص گرفت .

## (۶) حاج آقا محمد مجتهد نجم آبادی ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۳) حاج آقا محمد مجتهد نجم آبادی فقیهی فاضل و الحق عالمی عامل بود و در کمال عدالت و دیانت بقضاء دار الخلافه و فصل خصومات اشتغال داشت و در جمیع دوران اشتهار و روزگار اعتبارش که بحکومت شرعیه گذشت احدی او را مورد قدح نتوانست ساختن حتی اشخاص محکوم علیهم .

**خلف الصدق او جناب آقا حسین** اینک بجای پدر بزرگوار در مسجد میرزا عبدالکریم که در محلهٔ سنگلج افتاده امامت جماعت دارد .

و نجم آباد از قریه های الکای ساوجبلاغ طهران است .

## (۷) حاج ملا آقای مجتهد خوئینی رحمه الله

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۳) حاج ملا آقای مجتهد خوئینی فقیهی متبحر و محدثی متتبع و محققی متدرب میباشد و ساکن دار السلطنه قزوین است . و در تاریخ تالیف این کتاب ریاست شرعیه آن خطه من جمیع الجهات باو راجع و در آن مملکت برحسب شایستگی و سزاواری قبول عامه و در حسن بیان و تفهیم دقایق قدرتی تامه دارد و در انواع علوم شرعیه تصنیفاتی پرداخته است مد الله ایام ترویجه .

## (۸) آقا شیخ صالح مجتهد شوشتری ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۶) فقیهی جلیل القدر و مجتهدی عظیم الشان است در مملکت خوزستان و آن حوالی مرجع ملت و ریاست بنی مرعشیین بزرگوار میباشد زمانیکه نگارنده نایب الایاله عربستان بود از جانب مرحوم ضیاء الملک (حاج علیخان اعتماد السلطنه) والد مؤلف غفر الله له صحبت این فاضل فرزانه و عالم یگانه را مکرر دریافته است (اطال الله بقائه) .





## (۹) آقا شیخ علی مجتهد شریعتمدار ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۹) آقا شیخ علی مجتهد شریعتمدار استرابادی الاصل طهرانی المسکن از افاضل فقهاء دار الخلافه است در وثاقت و تقوی و حسن خلق و اطلاعات متنوعه و تتبعات متلونه مسلم این شهر میباشد و در علم رجال تالیف نافع دارد و برحسب مشیت شاهانه جامع ناصری را که بر اسلوب جامع عباسی است بمراقبت خاص مرحوم میرزا سعیدخان بنام همایون برنگاشته زاد الله توفیقه .

## (۱۰) حاج شیخ هادی مجتهد نجم آبادی ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۹) حاج شیخ هادی نجم آبادی امروز از مجتهدین مسلم دار الخلافه و مرجع حکومات شرعیه است و در جرگ مجتهدین عصر بدو یش هادی بی تکلفی امتیاز مخصوص دارد و در زهد و ورع بسیار که عدیل است و با علماء هر مذهب هر آیین اجتهتی دوست میدارد و بی محابا باکافه ذوات فرق دنیا و رؤساء دینی هر نحله مجالست میفرماید و بیخبران منتقدانند فضلاء وقت عنایتی تمام دارند و در فقه و اصول و حدیث و تفسیر و رجال و مقالات و غیرها من العلوم المعارف و الاطلاعات از متفردین متبحرین معدود میگردد .

## (۱۱) ملا فتحعلی سلطان آبادی رحمه الله

**مآثر و آثار** (ص ۱۴۹) ملا فتحعلی سلطان آبادی عالم عامل و فقیه فاضل و عارف کامل است مردم در علو درجه و ورع و تقوی و زهد باو مثل میزنند اصلاً از عراق ایران میباشد ولی فعلا در سر من رای ملتزم محضر سرکار حجة الحق سید الطائفه حاج میرزا محمد حسن شیرازی دام ظله الممدود است و اقامت جماعت را باو واگذار کرده اند اکابر علماء مجاورین و غیرهم که خود هر یک بلچند بن هزار معتقد و مرید است نسبت بآقا ملا فتحعلی مذکور در مقام خلوص و ارادت هستند و از وی بعضی مشاهدهٔ کرامات مدعی میباشند .

**فقیه اجل حافظ عصر حاج میرزا حسین نوری** در دار السلام و کلمهٔ طیبه از وی بکرامات نام برده و خویشتن را نسبت باوی از معتقدین و مریدین شمرده و کفی بذلک تحجر .

## ذکر کراماتی از ملا فتحعلی مذکور اعلی الله مقامه

دار السلام نوری ره (ص ۳۱۱) شیخ الاتقیاء معدن معالی و فضایلی که در عصر ما سختین علماء از آنها قاصر هستند شیخنا الاجل الاکمل ملا فتحعلی سلطان آبادی جعله الله تعالی فی کنفه و زاد فی علاه و شرفه مرا خبر داد که عادت و طریقه من آن بود که هر وقت می‌شنیدم یکنفر از محبان اهل بیت علیهم السلام از دنیا خواه او را بشناسم یا نشناسم در شب دفنش دو رکعت نماز برای وی میگذاردم و کسی بر این امر مطلع نبود تا روزی یکی از اصدقاء در راه با من ملاقات کرده گفت من دیشب فلان شخص را در رؤیاء دیدم و او در این ایام وفات کرده پس از حال و ماجرای او سؤال کردم گفت من در شدت و بلاء و از جزاء عمل خود در عقاب بودم مگر اینکه آن دو رکعت نماز بکه فلانکس گذارد و اسم شما را برد مرا از عذاب خلاصی داده و عقاب را از من دفع نمود خدا و ندا او را بواسطه این احسانیکه بمن رسید رحمت بکند پس از من آن نماز را پرسید و من طریقه مستمره و عادت جاریه خود را باوی گفتم .

## تقریظ ملا فتحعلی سلطان آبادی رحمه الله تعالی

مرحوم علامه نوری بعد از نقل کرامت چندی از وی گوید :

و کم له دام ظله امثال ذلک من الألطاف الخفیة و النعم الجلیة چه قدر امثال این کرامات از الطاف خفیه و نعم جلیه از برای وهست وکیف لا یکون کذلک و قد جمع من کل مکرمة اعلاها و من کل فضیلة اسناها و من کل خصلة اشرفها و من کل خیر نزره و تره و من کل علم شریف جوهره و حقیقته و چه طور چنین نباشد و حال آنکه جمع کرده از هر مکرمتی اعلای آن و از هر فضیلتی ارفعش و از هر خصلتی اشرفش و از هر خیری پایه بلندش و از هر علم شریفی جوهر و حقیقتش را سالها باوی در سفر و حضر و شب و روز و شدت و رخاء مصاحبت و معاشرت نمودم زلتی در مکروهی و لغزشی در مرجوحی ندیدم و در یک خصلتی از آن خصال کریمه که حضرت امیر صلوات الله علیه از برای همام بن عباده در صفات شیعه خود فرموده شریکی و نظیری برای وی نیافتم و گمان نمیکنم احدی را که متمکن از استقصاء معالی صفاتش باشد اگرچه ناصری و ظهیری از برای خود هم پیدا بکند .

اما علمش پس احسن فنون وی معرفت دقایق آیات و نکات اخبار است بحیثیتی که عقول از کیفیت استخراج این جواهر از آن خزاین متحیر و چشمها از ادراک اشارات و رموز آنها خیره میباشد آیه و خبری از وی نمیرسید مگر آنکه انفد وجوه و احتمالات و بواطن و تاویلات ذکر فرمود که عقول از وی متعجب و





انکار محول باطراف آن لطایف نرسیده که برهه از زمان در آن تفکر فرموده و الآن از تامل و نظر در آن فارغ شده همه اینها بطوریکه مخالف ظواهر نصوص و مخلوط بمزخرفات لصوص دین نباشد با وجود اینکه خودش ازجمله آن ضنین و بکتمانش مصر است .

واما عملش پس آن بزرگوار دائم الذکر طویل الصمت و الفکر قانع بادون ماکل و ملبس با رعایت شرایط ماخذ آنها مواظب سنن و آداب شرعیه و مؤدی حقوق اخوان دینیه .

و بالجمله وجود او آیتی است از آیات وجود ائمه اطهار علیهم السلام که اثبات کبری و علم و طریقه آن بزرگوار مثبت تمام آثار ایشان علیهم صلوات .

## رفع استبعاد

نباید استبعاد کرد از اینکه چه طور میشود که بواسطه دو رکعت نماز عالم فاضل کاملی عذاب از یک نفر گناهکار مجرمی رفع بشود و امر زیده گردد زیرا که مافوق از این در قرآن مجید وارد است . خداوند متعال در سوره بقره میفرماید وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ در قصه حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام است که بگو بقوم خود که در آئید بدین در از این ده که مراد بیت المقدس است و او را هفت در بود در حالیکه سجده کنندگان باشید برای شکرگذاری خداوند متعال که شما را از بیابان تیه رهانید و از آن سرگردانی خلاص کرد و بگوئید بار خدایا درخواست ما از حطه است و این کلمه استغفار ایشان بود یعنی بگوئید که ما را بیامرز و بیفکن از ما گناهان ما را تا بیامرزیم ما گناهان شما را و زیاده کنیم بر نیکوکاران ثواب ایشان را .

پس در صورتیکه خداوند کریم بواسطه یک کلمه استغفار خطایا و گناهان قوم موسی علیه السلام را بیامرزد و بیشتر از این زیاده از آن کرامت فرماید چه استبعاد و تعجب است که بواسطه دو رکعت نماز یا دعاء دیگر یا نمازهای ماثوره در رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان یا ادعیه و اعمال معتبره وارده در لیالی و ایام متبرکه اجر جزیل و ثواب کاملی بفضل و کرم خود عنایت فرماید .

## (۱۲) حاج میرزا ابو المکارم زنجانی ره

مآثر و آثار (ص ۱۴۹) گوید حاج میرزا ابو القاسم موسوی مجتهد زنجان از رؤساء بزرگ شیعه جعفری بود و در فتنه بابیه زنجان زحمات تحمل کرد و بدین و دولت خدمات نمود در فقه و اصول و عدد و حدیث و غیر ذلک کتابها تصنیف ساخته همانا بدار السعادة زنجان از چند قرن تا این زمان احدی مقام وی

ونفاذ امر وبسط ید او را بهم نرسانیده .

سه فرزند دانشمندش : حاج میرزا ابوطالب مجتهد وحاج میرزا ابوالمکارم وحاج میرزا عبد الله هر سه شهرت تامه وریاست عامه دارند ومسند شرعیات امر و مردم زنجان الیوم باشر یعتمدار قدوة العلماء العظام حاج میرزا ابوالمکارم مذکور است سلمه الله .

## (١٣) حاج میرزا ابوطالب مجتهد مذکور

از آقا سید حسین ترك کوهکمری اعلی الله مقامه مجاز است وزیاده بر مقام فقاهت واجتهاد در فنون عصر جدید نیز طولی دارد وبا بنده مؤلف این کتاب از سالها است که در مقام یکجهتی ودوستاری میباشد ابده الله تعالی .

## (١٤) حاج سید جواد قمی ره

مآثر وآثار (ص ١٥٣) حاج سید جواد قمی مجتهدی مسلم ومروجی مبسوط الید بود ودر نهی از منکر ومنع اهل فجور قلبی قوی داشت ودر حفظ حدود شرعیه هیچ تکثر فرو نمیگذاشت مکرر بطهران آمد وصحبت شریفش ادراك شد در فقه واصول ورجال تصنیفات دارد در ماه صفر سال یکهزار وسیصد وسه از هجرت بشهر قم رحلت یافت (رفع الله درجته) .

## (١٥) آقا میرزا سید علی اکبر مجتهد تفرشی ره

مآثر وآثار (ص ١٥٤) گوید صاحب عنوان مقیم دار الخلافه طهران از اجلاء تلامیذ شیخ الطائفه استاد الکل حجة الحق مرتضی الانصاری بود وچون آن بزرگوار در گذشت وبازار علم کاسد شد وآن مصر مکرم خراب وآن نیل افاضت سراب گردید این عالم عامل وفقیه کامل نیز با یاران بازگشت منوبانش که از اعیان دولت بودند ویرا در طهران نگاه داشتند واینك در کمال اقتدار مشغول تدریس وترویج وافاضت وامامت وحکومت است ساحت محکمه آن بزرگوار تاکنون هیچ توهم مشوب نشده ودامن اصحاب واتباعش هرگز بتهمتی نیالوده بارعی بعلو مقام اجتهاد وتبحر تام در فقاهت واصول متفق علیه جمیع فحول است وازجهت تقوی وورع وبی تکلفی ودرویش منشی نیز در اعلی درجه تسلم وقبول (اطال الله بقائه) .





## (١٦) استاد الاساتید آقا علی زنوزی ره تعالی

مآثر وآثار (ص ١٥٧) استاد الاساتید آقا علی زنوزی سلمه الله تعالی خلف مرحمت پناه آقا عبد الله مدرس تدریس مدرسه مرحوم میرزا محمد خان سپهسالار قاجار واقعه در دار الخلافه طهران باوی متعلق میباشد در معقول ومنقول از جمله فحول معدود داشت هم در حکمت متعالیه تدریس مینماید وهم در کتب فقه استدلالی ودر میان جمیع علماء عصر در قصر قامت وصغر جثه آن بزرگوار کسی دیده نشده آن چنانکه بعلو نظر ورفعت شانش صنعت شمسی را خود برای لعین شاهد فرموده ودر استخاره وتفال بقرآن کریم نظر آنجناب صائب است که اخبار از ضمیر غائب میکند پدر وبرادر این فقیه عامل وحکیم کامل هر دو از علماء بزرگ عصر خود بودند ودر فنون شرعیه وحکمیه وریاضیه از اساتید محسوب میگردیدند الغرض امروز نه تنها طهران بلکه مملکت ایران بوجود مسعود این بزرگوار همی افتخار میکند واظهار اعتبار مینماید کثر الله امثاله (ومد ظلاله) .

## (١٧) حاج میرزا فیض الله مجتهد دربندی ره

مآثر وآثار (ص ١٦٣) حاج ملا فیض الله دربندی عالمی فاضل ومحدثی کامل اصلا از باب الابواب داغستان وفعلا در دار الخلافه طهران میباشد در تفسیر وحدیث وفقه واصول وادبیات مهارتی وافر دارد ودر نهی از منکرات وحفظ حدود شرعیه وارغام انوف ظلام بی اختیار است احیانا بوعظ مسلمین وتشکیل مجالس ارشاد وهدایت عامه میپردازد ومردم را باستماع تحقیقات ومطالب وی ولعی عظیم ومیلی مفرط است چراکه باخلاق شریعت مقدسه موافق سخن میراند واز تاویل وتطبیق ما بین ظاهر وباطن کم سیره نابرده است اجتنابی سخت میورزد واینك بدار الخلافه نزد خواص وعوام قرین قبول تام ودر نهایت اعزاز واحترام است .

(ودر خاتمه مجلد دویم سجادیه از کتاب مشکوة الادب ناصری ص ٩٣٠)

ودر ذکر اسم شریف مترجم معظم گوید قدوة الفضلاء وعمدة الفقهاء النحریر الالمعی والخبیر اللوذعی الحبر العلام والبحر القمقام احد وحید زمانه واعجوبة اوانه فخر المحدثین وعمدة المجتهدین آقای حاج ملا فیض الله دربندی تا مدتها ایام افاضات واعوام افاداتش کثر عالی بابن عصبیت وحجت وارادت با هل بیت طهارت علیهم ودر زهد وتقوی واخلاص تامه در احادیث واخبار دیده شده است .

سالهای بسیار در بلاد خارجه در مسائل دینیه احتجاجات نموده و بعد از مراجعت ببلاد اسلامیه در دار الخلافه طهران اقامت گزیده در منبر موعظه و نصایح ایشان از دحام بسیخت و اقتحام بزرگ میشد بسی سالها روزها و شبها در خدمت و صحبت ایشان بر گذشت در ادای حقوق اهل علم و ادب امتیاز داشتند در اغلب کتب اخبار و احادیث خوشه داوند و در انشاء بزبان عربی ید طولی داشتند خداوند بر درجات ایشان بیافزاید . ✳

**مؤلف گوید** : از قدوة العلماء المحققین و نخبة الفقهاء والمجتهدین الحبر الجبر والعالم النحریر ذو البیان البدیع واللسن البلیغ ملاذی و استادی من البحر الفقه والاصول واکثر العلوم والفنون استفادتی واستادی الذی ما رایت فی مشایخی و اساتیدی مثله ونظیره المبرز من افاضل عصره واقرانه والمسلّم المصرح باجتهاده واستنباطه من فحول الاعلام ومراجع تقلید اهل الاسلام من مجتهدی زمانه الحاج میرزا اسد الله آقا مجتهد ابن الحاج محسن البزاز التبریزی الخیابانی اعلی الله مقامه ورفع فی الخلد اعلامه شفاها شنیدم که فرمود در ایام تحصیل در نجف شرف حاج میرزا فیض الله دربندی بزیارت مشرف شد و در نجف عنبر رفت علماء و مجتهدین حاضر شده بسی توصیف و تمجید فرمودند روزی من هم حاضر بودم فراز منبر فرمود علماء رضوان الله علیهم تقلید نکرده سراز مینویسند و در بیت و بنجاه الگی جواهر تصنیف میکنند اگر صحبت و منبر این فیض الله دربندی اعلماء و مجتهدین تحسین و تصدیق بفرمایند جای شگفت نیست . ✳

ومترجم محترم را اجازه روایتی مفصله برای عالم فاضل ادیب میرزا عباسعلی خان سپهر نجل ذکی مرحوم لسان الملک صاحب ناسخ التواریخ هست هر کس طالب باشد بخاتمه مجلد سجادیه از کتاب مشکوة الادب ناصری ص ۴۳۱ مراجعه بفرمایند . ✳

**و تقریض تکمیلی** بر کتاب مذکور مسطور داشته مناسب بدیدم که برای فیض اهل ادب شطری از عبارات انیقه این منبع فیض الله حاج ملا فیض الله مجتهد دربندی قدس سره نگارش یابد . ✳

**بعد از خطبه میفرماید** : وبعد فانی لما رایت ان منبع الفضائل ومعدن الفواضل قطب دائرة الکمال وبدر دارة الفضل والافضال ذا الحسب المنیع والمجد الرفیع اعنی فلانا الخ قد صنف کتابا الخ وهو الکتاب الذی اسفر عنه وجه الفجر وتوّج به مفرق الدهر ویباهی به ابناء الدهر ویتعلق بکعبة الفضل صحیفة تنثر الزهر علی صفحات الحدائق وتغرس الدرّ فی ریاض المهارق ولقد تحیّرت فی وصفه فتارة اقول انه الماء المرتع واخری ارجحه علی العیش الهنیّ وآونة اشبهه بالسحر البابلی . ✳

| ✳ | کتاب کان الله قال لحسنه | ✳ | تشبه بمن قد خطک الیوم فاتمم | ✳ |
|---|---|---|---|---|





| ✳ | فان بیاض الصبح من وجه فضله | ✳ | وفیها ان الفجر من صفحة الغمر | ✳ |
|---|---|---|---|---|

## (۱۸) ملا محمد تقی کاشانی مقیم طهران ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۷۰) ملا محمد تقی کاشانی مقیم طهران از مشاهیر فقهاء و مشایخ علماء این تاریخ هفتاد سال از عمرش گذشته و اواخر عمر راهی در قضاء و فصل خصومات گذرانید آثار بسیار دارد از آنجمله است ۱ سفینة النجاة در فقه و ۲ هدایة الطالبین که بطبع رسیده و ۳ بحر الفوائد در هفت جلد مشتمل بر انواع دانشهای سودمند و ۴ جامع الاصول که ناقص است و ۵ جامع المواعظ و ۶ رساله شق القمر و ۷ رساله رد نصاری و ۸ توضیح الآیات و ۹ وسیلة النجاة و ۱۰ نجم الهدایة و ۱۱ ایضاح المشتبهات و غیر ذلک . ✳

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۴۳) بحر الفوائد فی فنون شتی وهو فی سبع مجلدات للمولی محمد تقی بن الحاج محمد تقی بن الحاج محمد حسین الکاشانی نزیل طهران وله تصانیف کثیرة منها ارشاد المؤمنین وایضاح المشتبهات وغیرهما مما ذکر فهرسها علی ظهر بعض مطبوعاتها ) ✳

**ایضاً ج ۲** (ص ۴۹۹) ایضاح المشتبهات فی تفسیر الکلمات المشکلة القرآنیة تالیف ملا محمد تقی کاشانی نزیل طهران وعالمها المعاصر للحجة الحاج المولی علی الکنی . ✳

**ایضاً** (ج ۱) (ص ۵۲۳) ارشاد المؤمنین فارسی فی الاسراف وحکمه تالیف علامه ملا محمد تقی کاشانی المولود سنة ۱۲۳۶ کان من تلامیذ العلامة صاحب الجواهر طبع بطهران سنة ۱۳۲۰ . ✳

**ایضاً** (ج ۵) (ص ۷۵) جامع المواعظ تالیف ملا محمد تقی کاشانی نزیل طهران والمتوفی بها سنة ۱۳۲۱ کما ادخره فی فهرس الخزانة الرضویة وهو فی عدة مجلدات کما ذکره فی فهرس تصانیفه . ✳

**ایضاً** (ج ۴) (ص ۴۸۹) توضیح الآیات تالیف ملا محمد تقی کاشانی هو جواب للسؤال عن بعض الآیات وتفسیر لآیة (رب المشرقین ورب المغربین) طبع بطهران فی سنة ۱۳۰۱ . ✳

## (۱۹) حاج میرزا محمد علی مجتهد قراجه داغی تبریزی ره

**مآثر و آثار** (ص ۱۷۵) حاج میرزا محمد علی قراجه داغی از اجلهٔ مجتهدین و مروجین شریعت و دین است در فقه و اصول و اخبار و علوم عربیه و فنون ادبیه معالی منیع و رتبه رفیع دارد در این فنون غالباً صاحب تصنیفات است شرح و تفسیری بر خطبه مشهوره حضرت سیدة نساء العالمین علیها صلوات الله والملائکة

والناس اجمعین نوشته و بطبع رسیده چند سال قبل از این بمشهد رضویه رفت و مرحوم میرزا عبد الوهاب خان آصف الدوله که در آن وقت حکمران ایالت خراسان بهم رسانید و از وی برای اجرای خیالات صحیحه در ترویجات شرعیه که در نظر داشت در مشهد مقدس متوقف ساخت تا بعد چندی از آنجا بطهران ورود نمود و مورد مراحم فوق الوصف علیحضرت همایونی گردید چنانکه در ضمن جرائد دولتی نیز اشاره کرده ایم . ✻ و مقام تدریس و توجهات مدرسه و مسجد سلطانی از مستحدثات عظیمه و آثار فخیمه این دولت را باوی موکول فرمودند و پس از چندی بموجب تمنای اهالی دار السلطنه تبریز بآذربایجان رفت و اینک در آن خطه با مشربی پاک و مشیی ستوده بنشر علوم و ترویج احکام قیام مینماید و اهتمام میفرماید وفقه الله تعالی . ✻

احسن الودیعه (ج ۲) (ص ۷۳) الشیخ محمد علی بن الشیخ احمد الاونساری القراجه داغی نزیل تبریز انمرحوم عالم فاضل ثقه عارف عابد زاهد رئیس مشار الیه نافذ الکلمه جامع در علوم بارع در فنون صاحب ید طولی در معرفت ادب و باع ممتد در حفظ لغات عرب عارف تفسیر و حدیث و رجال و بالجمله یکی از ائمه اعلام مجتهدین و رکن علماء عاملین بلکه امام دهر خود بلا مدافعه و فقیه عصر خویش بلا منازع اسم سامی او در اقطار و اصقاع مشهور و ذکرش در جمیع دیار و بقاع شایع بود طلاب از قرای تبریز بسوی او متوجه و حاضر درس او میشدند . ✻

مؤلفات شریفه اش : اللمعة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام در تبریز سنگی بقطع مجلد سنه ۱۲۹۸ طبع شده و نسخه از آن نزد ما هست مؤلفش سنه ۱۲۸۶ از وی فارغ شده و این شرح دلالت میکند بکثرت تبحر و وفور علم و غزارت فضل و سعه اطلاع و مهارت تامه او در علوم عربیه خاشیه علی شرح اللمعة خاشیه علی القوانین رسالة فی صیغ العقود والایقاعات رسالة عملیه اینها همه بطبع رسیده التنقیحات الاصولیه چند جزوء تصنیف شده الفتوحات الرضویه فی الاحکام الفقهیة الاستدلالیة چند جزوء از قلمش در آمده الاصول المهمة فی اصول الدین مشتمل بر موعظه و نصیحت رسالة التمرینیة فی علم المیزان رسالة فی البداء رسالة فی اسرار الحج رسالة فی الامر بین الامرین رسالة فی مناسک الحج رسالة فی العلل الاربعة رسالة فی شرح اخبار الطینة رسالة فی فضائل بلدة قم تفسیر سورة یس تفسیر کبیر چند جزوء تالیف شده ✻ حواشی علی رسائل الانصاری حواشی علی الریاض المیر سید علی الطباطبائی حواشی علی الفصول فی علم الاصول ✻ رسالة فی علم العروض القافیة التحفة المحمدیة فی علم العربیة قریب هشتاد هزار بیت میشود ✻ الاربعین المشتمل علی المدایح والنصایح الی غیر ذلک من الکتب والرسائل واجوبة المسائل وحل المشاکل . ✻





الذریعه (ج ۲) (ص ۲۱۳) الاصول المهمة فی اصول الدین والمواعظ تصنیف مولی محمد علی بن احمد الاونساری من محال قراجه داغ التبریزی المعاصر ذکره فی فهرس تصانیفه . ✻

ایضاً (ج ۴) (ص ۴۶۸) التنقیحات الاصولیه تصنیف میرزا محمد علی قراجه داغی الاونساری المتوفی بعد (۱۳۰۶) از او در فهرست تصانیف خود که در آخر لمعة البیضاء ذکر کرده یاد نموده است . ✻

ایضاً (ج ۴) (ص ۳۴۴) تفسیر سوره یس تالیف مولی محمد علی قراجه داغی از او در ضمن مجموعه در مکتبه سید عبد الحسین حجت در کربلا بخط محمد رسول بن یعقوب سراب دیدم سنه ۱۲۹۷ از وی فارغ شده و در اولش گوید که مولع بودم بعلم تفسیر و عزم کردم بر تصنیف کتابی در تفسیر پس بتفسیر سوره یس ابتداء نمودم زیرا که آن قلب قرآن است و در جزء مستقلی از او قرار دادم و اگر خداوند توفیق بدهد بتالیف تفسیر از او اجزاء آن قرار بدهم و در فهرست تصانیف خود که با کتاب لمعة البیضاء سنه ۱۲۹۷ طبع شده تصریح نموده که بتالیف تفسیر کبیر موفق آمده و تا حال چند جزوء نوشته است . ✻

## (۲۰) حاج میرزا احمد مجتهد قراجه داغی تبریزی (ره)

## نجل زکی مترجم مذکور انفا

انمرحوم از اعاظم علماء عصر و افاخم مجتهدین وقت جامع مآثر فاضله و صاحب مفاخر عادله بود در علم معقول و منقول بهره کامل و در علم حدیث و تفسیر و فن ادب اطلاعی وافر داشت همانا در قوت عقل و سعه خلق و صفاء نظر و لطف قریحت بسیار کم نظیر بود در تبریز سالها دارای مسند حکومت شرعیه و منصب قضاء و محاکمه دینیه بودند هرگز احدی از معاصرین ردی و اعتراضی در حق وی نگرفت (رضوان الله تعالی علیه) و مترجم معظم اجازه روایتی در حق مؤلف کتاب مرقوم فرموده در مجلد چهارم از کتاب وقایع الایام ص ۲۳۶ مذکور است . ✻

## (۲۱) آقا سید عبد الله بن آقا سید اسمعیل بهبهانی

## شهید سنه ۱۳۲۸

مآثر و آثار (ص ۱۸۲) آقا سید عبد الله بن آقا سید اسمعیل بهبهانی از معارف علماء عالی مقام دار الخلافه طهران است در علوم شرعیه علی الخصوص فن فقه رتبه رفیع دارد و خویشتن را بدرجه اجتهاد میشمارد و از این رهگذر در انجمن حکومت مینازد و بکار قضا میپردازد بعد از فوت پدر مرحومش که از اجله

مجتهدین و پاسبانان شریعت و دین بود شئونات و مراتب مسجد و محراب و روایتش باین فرزند دانشمند رسید که اکبر و ارشد اولاد بود و شایسته هدایت و ارشاد (سلّمه الله تعالی) .

## ( ترجمهٔ والد معظم مترجم محترم )

ایضاً در کتاب مذکور (ص ١٤٠) گوید : آقا سید اسمعیل مجتهد بهبهانی ساکن دار الخلافهٔ طهران از طراز اول فقهاء و ارباب حکم و فتوی معدود بود رسالهٔ عملیه‌اش مطبوع است جمعی تقلید وی میکردند در معاشرات مردم مشی متوسط داشت و از این جهت احدی را بروی طعن و دقی نبود فرزندان آن فقیه زمان همه با تقوی و قدس در طلب علم کوشیدند که از ایشان میر عماد الدین و سید ناصر الدین علیهما الرحمة در طلوع جوانی و بحبوحهٔ تحصیل آن بنجف اشرف و این بدار الخلافهٔ طهران در گذشتند شریعتمدار آقا سید عبدالله در طهران وارث محراب و منبر آن جناب است و از فقاهت پدر و نیز بهرهٔ لایق دارد و خود از مجتهد مینماید و نگارندهٔ از شرح احوال آقا سید اسمعیل اعلی الله مقامه گفتنی در لغت بهبهان از مراة البلدان رقم کرده است وفات این بزرگوار در شب ششم صفر سال یکهزار و دویست و نود و پنج هجری بطهران اتفاق افتاد و در تشییع جنازه‌اش از مسلم و معاهد و ذمی ازدحام عظیمی روی داد خاکش در نجف است (رضوان الله علیه) .

## ( ایضاً ترجمهٔ این دو بزرگوار از شهداء الفضیلة )

(در ص ٣٤٦) گوید العلامة الزعیم السید عبدالله بن السید اسمعیل البهبهانی ره سنهٔ ١٢٦٢ در نجف متولد و در آنمکان شریف نشو و نما کرده دروس عالیه را از امام مجدد شیرازی قدس آیة الله کوهکمری و شیخ فقیه شیخ راضی رضوان الله علیهم اخذ فرموده .

در فهرست مکتبهٔ رضویه گفته که آنمرحوم در درجهٔ اول از جملهٔ علم و قائد و حید ملت اسلامیه بود در طهران بعد از نهضهٔ مشروطه و بروز حوادث عظیمه در ایران عتبات عالیات را قصد کرد و پس از زمانی مراجعت فرموده بطهران وارد شد و اهالی آنجا هر گونه احترامات در حق وی مبذول داشتند و آن بزرگوار خواست که قوانین دستوریه را با نوامیس اسلامیه تطبیق و بدع مستحدثه را طرح بکند اشرار بغتةً در ماه شعبان ١٣٢٨ بخانه‌اش وارد شده بگلولهٔ آتشین او را شهید کردند .

و او را مجموعه در مسائل عویصهٔ فقه هست و برای هر مسئله رساله قرار داده و سنهٔ ١٢٩٢ بیست و پنج رساله در بیست و پنج مسئله تألیف فرموده .





## ( اما والد ماجدش آقا سید اسمعیل ره )

از تلامذهٔ مرحوم علامهٔ اکبر شیخ صاحب الجواهر و شیخ مرتضی الانصاری و سید صاحب الضوابط و شیخ حسن صاحب انوار الفقاهة قدس الله اسرارهم بود .

سنهٔ ١٢٢٩ در بهبهان متولد و بعد از اخذ مقدمات بنجف اشرف مهاجرت و پس از تکمیل دروس به بهبهان عودت و بعد از مدتی باز بنجف اشرف معاودت فرموده آنجا اقامت گزید تا آنوقتی که مرحوم ناصر الدین شاه قاجار بزیارت اعتاب مقدسهٔ عراق مشرف شد طالب عالم عاملی گشت که با خود بطهران ببرد برای تعلیم معالم دین او را باین سید جلیل عالم نبیل ارشاد کردند پس او را با نهایت تبجیل و اکرام بطهران برد و نزد سلطان با نهایت عز و جلال و تقرب بود بقسمی که قسم بعمامه‌اش یاد میکرد و در نظر اهالی بسیار محترم و موثوق و متصدی امامت و ارشاد گردید تا سنهٔ ١٢٩٦ برحمت حق پیوست و خلف اکبرش مترجم شهید برتری معلی و حسب وضاح در زعامت کبرای وی وارث بلکه شهرت و ریاستش زیاده از او و در صدد دست و دربار و نفوذ امر بود تا در انقلاب دستوری به درجهٔ شهادت فایز گشت .

و نجل زکی بارعش آقا سید محمد که الیوم در طراز اول از رؤساء علماء طهران است در منصهٔ پدر بزرگوارش قرار گرفت و جثمان شریف والد شهید خود را سنهٔ ١٣٣٢ بنجف اشرف نقل نموده نزد والد علامهٔ مرحوم آقا سید اسماعیل در یکی از حجرات شریفهٔ صحن مقدس دفن نمود (اعلی الله مقامهما)

## (٢٢) ( آقا میرزا محمد رضا شیرازی رحمه الله )

مآثر و آثار (ص ١٨٣) میرزا محمد رضا بن میرزا مهدی بن ملا محسن شیرازی الاصل خوزانی المسکن از مشهوری است از کشور اصفهان فقه و اصول را خدمت میرزا سید محمد شهشهانی و حاج سید محمد باقر اصفهانی اند و ختنه خط نسخ را تحریر بسیار نغز و شیرین می نویسد و در این صناعت از اساتید بشمار می آید در سرعت قلم اعجوبه است ای بسا روزها که یکهزار بیت بخط خوش کتابت کرده و تا کنون قرب چهار صد مجلد کلام الله برنگاشته در دو صفحه روزگار از خود یادگار گذاشته .

جدش ملا محسن از مجتهدین فارس بوده است و جنب سرای خویش در محلهٔ سید میر محمد از شهر شیراز مدرسه احداث و کتابخانهٔ معتبر آن وقف نموده .

و فرزند سعادتمند صاحب این عنوان میرزا ابو القاسم نیز در حسن خط و سرعت تحریر تالی پدر بلا نظیر میرزا ابو القاسم بن کورد که از ثقات و عدول است حکایت کرد که گفت در سال سی و هشتم از سلطنت جلوس . . .

در واقعه دیدم که اعلیحضرت اقدس همایونی وارد در روضهٔ حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام شد و بر وجه استعفاء تاج و شمشیر از سر و کمر برگرفت و بر ضریح مطهّر نهاد و عرضه داشت که یا امیرالمؤمنین دیگر پادشاهی نمیخواهم فی الفور ضریح مقدّس بشکافته دست ید اللّهی برآمد تاج بر تارک همایون نهاد و شمشیر بر کمر مبارک بر بست و بی کم و بیش این عبارت فرمود (که امر خلّاق عالم است با بستی تو پادشاه باشی) خلّد الله ملکه واجری فی بحار السّعادة فلکه . ✻

## (۲۳) ✻ حاج ملّا شکر الله بن مولی لطف الله لواسانی سینکی ره ✻

مآثر و آثار (ص ۱۸۵) گوید: آن بزرگوار تحصیل را باصفهان رفت و آنجا در خدمت میرزا محمّد علی قاینی و غیره بتعلم ریاضیات پرداخت و در حضرت استاد الاساتید آقا میر سیّد حسن مدرّس کتب فقه و اصول کرد و بطهران باز گردید بنجف مشرّف شد و فیض مدرس حجة الحق شیخ مرتضی اعلی الله مقامه دریافت و فی التّاریخ قرون از بیست سال است که در طهران میباشد فضایل السّادات در اخبار و منتخب النّجوم در زاد عبد از اوست

## (۲۴) آقا سیّد صالح خلخالی ره

ایضاً آقا سیّد صالح خلخالی شاگرد ارشد سیّد الحکماء والمتألّهین فیلسوف العصر والزّمانی میرزا ابو الحسن اصفهانی مشهور بلقب جلوه است خود در فنّ حکمت و علم کلام و سطوح فقهیّه و اصولیّه بمدرسهٔ دوست علیخان نظام الدّوله که در دار الخلافهٔ طهران میباشد تدریس مینماید الحق ذهنی دقیق و فکری عمیق دارد از آثار قلمیّه اش یکی ترجمه و شرح دوازده امام منسوب بشیخ اکبر محیی الدّین بن العربی است که بنام بندهٔ نگارنده بر نگاشته و دیگر نقل فرائد شیخ المجتهد بن حجة الحق استاد الکل مرتضی الانصاری از عربی بفارسی (ایده الله) . ✻

## (۲۵) آقا شیخ عبد الصّمد خامنجی قده

مآثر و آثار (ص ۱۲۰) میرزا عبد الصّمد خامنجی استاد ادب است و حجت لغت عرب شعرها با طبعی مستقیم و قریحهٔ بس صحیح و سلیم موزون میسازد فعلا در خامنه که از قرای تبریز است سکنی دارد .

مؤلف گوید: مرحوم آقا شیخ عبد الصّمد امام جمعهٔ خامنه والد ماجد مرحوم آقا شیخ علی امام جمعه که از معاصرین حقیر بود در مدرسهٔ طالبیهٔ تبریز از جملهٔ علماء و فضلاء و ادباء آنجا بایشان بود و دو او اخ





عمرش در نهایت پیری در تبریز و در او دیدم . ✻

و قصاید و دوازده بند مرثیه اش که مثل دوازده بند مرحوم بحر العلوم هر یکی دوازده بیت است و مراثی صاحب عنوان علیه الرّحمة والرّضوان هر یکی در یک موضوع و مقصد است به بنده مرحمت فرمود و چندی از آنها را در مجلّد رجب و شعبان و مجلّد محرّم الحرام از کتاب وقایع الایّام درج کرده ام و مناسب دیدم که شطری در این وجیزه از قصاید آن نیز مهدی کرده باید : ✻

## ✻ (در تهنیت ولادت حضرت رسول صلّی الله علیه و آله گوید :) ✻

| | | |
|---|---|---|
| بالابنا ثوب الحداد محرّما | انزع فقد وافی الرّبیع الاوّل | شهر تولّد فیه من کسرت به |
| ایوان کسری والملوک تذلّلوا | وانکب اصنام و فاض سماوة | وانغاض ساوة واستراح المشعل |
| اعلی الوری کعبا وارفعهم علا | واجلّهم قدرا اذا یتحلّل | لیث اذا ما احمرّ اطراف القنا |
| غیث اذا ما اغبر عام ممحل | لولاه لم تغفر لآدم زلّة | ابدا و توبة کل عاص تقبل |
| لولاه ما خلق الثّریّا والثّری | حاشا ولا ماض ولا مستقبل | ظلّت بک الابصار خاشعة کما |
| کل النجاشی منطقا و هرقل | انت الّذی سرت السّموات العلی | فی لیلة الاسری کبدر یکمل |
| تو فی غدا بلواء حمد لم تزل | رسل الاله بظلّه تتظلّل | انت المدینة للعلوم و بابها |
| المانی منه المرتضی والمدخل | هو شافع یوم الحساب مشفّع | هو مفزع للخائفین معوّل |

## ✻ (وله ایضا :) ✻

## ✻ (در تهنیت ولادت با کرامت حضرت امیر صلوات الله علیه گوید) ✻

| | | |
|---|---|---|
| لا تعجبوا من ضرام الجسم واللّهب<br>فکم لحرقة اشیاء من السّبب (آتش) | ✻ | و تقلب یوم النّوی کالجسم ذو تعب (دوری)<br>قد الهب الشوق جسمی فهو فی وصب |
| ✻ | فیا الجسم بنار الشّوق ملتهب ✻ | ✻ |
| انّ الّذی کنت ارجوا وصله هجرا<br>علی الثّری فاض دمعی لو عتر و جری | ✻ | فبات منّی قلب الدّمع منفجرا<br>یکاد یغرق غرب العین وجر ثری |
| ✻ | فیا الجم الحشا لم یحب بالغرب ✻ | ✻ |
| کم ناصح فی الثّری اضحی یخادعنی<br>ولیس فی الحق مقدام یبارعنی | ✻ | و بات بذعر فی اسد تصارعنی<br>جادت بهم دمعی سیف یضاجعنی |

ولی فؤاد لدی الهیجاء لم یهب

انی کمی قراع الهام سنته / جنانه عند وقع البیض جنته

وصارمی طال بالاغماد محنته / وصارمی لدن تمضی اسنته

کرای لیث الوغی المولود فی رجب

صعب العریکة مقدام بلا رهب / ماضی الغریمة کرار بلا هرب

سیف الاله علی القدر والرتب / سهم الردی اسد الله الهجوم صبی

لدی الناکثین شدید البطش والغضب

تفیض غمرا افاضات انامله / وفرا وفی کل عصر فاز امله

ما ماطل التعب تکابا یشاکله / هو الذی فاز فی الاعصار نائله

وکفه فی الندی اندی من السحب

اما له لن تری ندا ولا شبها / من شبه الدر بالحصبا فقد اشتبها

وهل یقاس علی البدر المنیر سها / کفاه فضلا احادیث النبی وها

حدیثه الصدق لا المدسوس بالکذب

قال النبی لدی الاشهاد من عرب / وکلما قاله وحی بلا ریب

یا والد الغر یا ابن السادة النجب / لو ان عبدا اطاع الله فی حقب

ولم یحبک لا ینجو من العطب

ومن احبک من اهل النهی وفطن / ممن ترشف من ثدی لولاء لبن

قد نال بالغایة القصوی فاز من / ولو عصی الله طول العمر وهو اذا

یهوبک ما مسه ضر من اللهب

سماه والده زیدا وبعض تلا / عمروا وفیه اختلاف بینهم حصلا

فالامر فیه الی رب السما وکلا / شق الاله اسمه من اسمه فکلا

هما علی حکیم شامخ الرتب

لانت مبنی لتوحید الاله واس / لولاک ما شرع المصطفی لطمس

فن العبادات قد علمت روح قدس / سبحت ربک اذ کلت ملائکة ال

ما علمتها التسبیح فی القبب





یا من ادار رحی الاحکام دائرها / یا حامی الملة البیضاء فاخرها

ناهی الملائک ارشادا وامرها / اصبحت فی العالم القدسی ناصرها

وکنت سرا وجهرا غوث کل نبی

حرست احمد جهرا شر کل شقی / وانت نجیت ابراهیم من حرق

وکنت صاحب خضر فی دجی الغسق / انقذت نوحا الذی الطوفان غرق

کما عرجت بروح الله من حلب

## وله ایضا فی مدیحة الرضا علیه السلام ومرثیته

اباحسن فی ذاتک العقل حیران / فیا لیت شعری ما لوصفک عنوان

لانت علی اهل السموات امر / وفی عالم الناسوت ناه وسلطان

بک افتخرت احفاد موسی بن جعفر / کما برسول الله یفخر عدنان

وصبتک التقوی وشیمتک الهدی / وعادتک الجدوی وفعلک احسان

وما الرسل فی الانسان الا کاعین / وانت لتلک الاعین القدس انسان

لفیضک ما الغبراء میدان جریه / له عرصة الخضراء مجری ومیدان

علی الملاء القدسی فضلتموا وها / لاشیاعکم فضل علیهم ورجحان

لقد خر موسی فی فنائک صعقة / کان لموسی طور سینا خراسان

ابا الحسن الراضی بکل فجیعه / لقد هاج فی قلبی لذکرک احزان

لقد کان دمعی قبل ذکرک لؤلؤا / ولکنه فی رزئک الیوم مرجان

قتلت بسم فی دیار مضیعة / غریبا ولم یندبک ولد واخوان

لفتت الاکباد منک ولصعت / وفی وجهک الوضاح للسم الوان

بدی لک قبر قبل نوح ممهد / وما هذه ریح لعاد وطوفان

واذ فاض زورق الحوت فی الماء منکم / لذا الآح فی مثویک ماء وحیتان

ومن سندس خضر وطوبی وکوثر / لاجلک تابوت وغسل واکفان

فواعجبا من حفرة قد ثوی بها / خزانة اسرار وعلم وایقان

وواعجبا من ارض طوس جری بها / رحیق وتسلیم وروح وریحان

واین قصاید نصیحه را سنه ١٣٠٨ به بنده مرحمت فرمود و سنه ١٣١١ برحمت حق پیوست

## (۲۶) سید مهدی ابن سید احمد کاظمینی ره

احسن الودیعه (ج ۱) ص ۳۷) سید سند والمولی المعتمد رکن الاسلام و فقیه اهل البیت علیهم السلام زاهد عابد مجاهد آقا سید مهدی رحمه الله تعالی از ورع و تقوی و رسوخ ایمان و حسن معاشرت با اخوان خود و طهارت قلب و صفاء باطن و جد و جهد در تحصیل علوم و معارف در مکانت عالیه و منزلت سامیه بود پس از برادرش سید محمد متوفی در سنه ۱۳۱۵ که در این وجیزه ص ۴۳ مذکور شد ریاست طایفه جد ربیه در کاظمین علیهما السلام بوی منتقل گشت و مقام او محتاج نیست بر بیان که بذکر مشایخ و مؤلفات و تاریخ وفاتش بپردازیم ٭

پس آنمرحوم در ابتداء امر خود در کاظمیه مشغول تحصیل بود بعد بنجف اشرف مهاجرت و برهه از زمان خدمت علامه شیخ محمد حسین کاظمینی و علامه میرزا محمد حسن شیرازی قدس سرهما تلمذ نمود هر وقت ببلد خویش کاظمین می آمد بمجلس درس مرحوم علامه شیخ محمد حسن آل یس الکاظمی حاضر میشد و از علماء کاظمین علیهما السلام غیر او نزد کسی تلمذ ننمود و با استاد خود علامه شیرازی ره بسامراء مهاجرت گزیده و نزد وی تلمذ ورزید تا بمبلغ رجال و مرتبه فضل و کمال حائز و فایز گردید و در حیات استادش بکاظمیه عودت فرمود و بتالیف و تصنیف مشغول گشته کتب لطیفه تالیف نمود ٭

و مؤلفاتش بنابر آنچه حفید سعیدش سید علینقی حیدری در ورقه ذکر فرموده بدین قرار است کتاب الطهاره شش مجلد کتاب الصلوة ایضا شش مجلد کتاب الصوم یک مجلد حاشیه رسائل شیخنا المحقق الانصاری و تقریرات ابحاث مشایخ خود در اصول رساله در هیئت و دو رساله عملیه که در بمبئی بطبع رسیده و بیکی از آنها واقف شدم و رساله عملیه فارسیه ٭

و وفاتش شب یازدهم محرم سنه ۱۳۳۶ و بدن شریفش تا صبح باقی بود و نزد او قرآن تلاوت میشد و جمیع اهل بلد با اصناف‌هم در تشییع جنازه حاضر بودند و تشییع عظیمی شد و ما در خدمت والد ماجد سلمه الله در تشییع حاضر بودیم و در مقبرة الجد که در حسینیه است مدفون گردید ٭

## (۲۷) آقا سید مرتضی ایضا ابن سید احمد کاظمینی ره

احسن الودیعه (ج ۱) (ص ۳۸) آنمرحوم فرزند پنجم سید احمد کاظمینی عالم محقق و فاضل مدقق مولینا سید مرتضی رضوان الله علیه است و آن بزرگوار از کار و مشاهیر علماء شیعه تابعین

محاسن و فضائل سید مهدی کاظمینی

مؤلفات آقا سید مهدی کاظمینی

تجلیل از تشییع صاحب عنوان





تمام تحقیق و تدقیق و فاتح مغلقات علوم بمفاتیح افکار خود و جبه معظم امام مسلمین و بواسطه تبحر خویش در علوم عقلیه و نقلیه و ورع و تقوی و ثبات ایمان و اعراض از دنیا فانی بحیثیتی که او را در جمیع مراتب و فنون برادر متقدم عظیم الشأن خود یعنی مرحوم سید مهدی مترجم سابق چنانچه شفاها تلمیذش شیخنا الاستاد العلامة میرزا ابراهیم سلماسی کاظمی فرمود مقدم میداشتند دارای مکانت سامیه در رصد و اهل فضل و عقل بود ٭

و آنمرحوم نزد علامتین معاصرین خود شیخ محمد حسن آل یس الکاظمی و میرزا محمد حسن شیرازی تلمذ نمود و از قلم شریفش بروز نکرده الا قلیلی از مؤلفات جیاد مثل حاشیه بر نجاة العباد ٭

و روز هشتم ماه رجب سنه ۱۳۰۳ قبل از طلوع آفتاب برحمت ایزدی پیوست چنانچه فرزند وحیدش سید عبد الرزاق سلمه الله تعالی بما خبر داد و فوتش در قلوب اثر عظیمی نمود و جثمان شریفش را به تجلیل تشییع نموده در روز نهم ماه مذکور در مقبره خود ایشان که در حسینیه واقع است بخاک سپردند. و جمعی از شعراء عصر و ادباء مصر بقصاید فاخره که یکی از آنها نزد ما موجود است بروی رثاء گفتند و اولادی نگذاشت مگر فرزند مذکور را و لذا از وی بوحید تعبیر کردیم نسئل الله ان لا یخلی هذا البیت من عالم نحریر (انه علی کل شیء قدیر) ٭

## (۲۸) حاج سید احمد آقا تبریزی خسروشاهی قدس سره

آنمرحوم از اجلاء علماء و مشاهیر فقهاء تبریز در اوائل مائه رابع عشر عالم محقق نحریر و الفاضل المصطلع الخبیر استاد اساطین العصر و استاد فضلاء الدهر سیف الشریعة و مصباح الشریعة حامی الملة والدین و قامع بدع الملحدین المتفرع من دوحة السیادة والمترعرع فی روضة السعادة ٭

شرح حال سعادت مآل آن عالم بی نظیر علی ما ذکره حفیده العالم الخبیر ذو المجد والشرف والفضل آقا میرزا ابو الفضل رفعه الله تعالی للارتقاء علی اعلی مدارج الکمال فی العلم والعمل و صانه عن الزیغ والخطل والزلل بدین نحو است که میفرماید حاج سید احمد آقا مجتهد خسروشاهی اعلی الله مقامه ٭

ولادتش در سنه ۱۲۶۰ هجری و وفاتش در مدینه منوره در مراجعت از دفعه سیم حج بیت الله الحرام در سنه ۱۳۲۷ واقع ٭

فقه را در تبریز نزد آقا میرزا مهدی مجتهد معروف بقاری و در نجف اشرف نزد حجة الاسلام فاضل ایروانی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و آقا شیخ حسن مامقانی قدست اسرارهم تحصیل نموده ٭

اساتید مرحوم

ترجمهٔ حاج سید احمد آقا خسروشاهی

تاریخ ولادت و وفات مرحوم

## ذکر کراماتی از مرحوم مترجم محترم

ذکر کراماتی از مرحوم صاحب عنوان

میفرماید: آن مرحوم بخلف ارشدش حاج سید مرتضی آقا نقل فرموده که در نجف اشرف بنماز شب مواظبت داشتم بعضی از شبها که بواسطه کثرت مطالعه دیرتر میخوابیدم بیدار نمیشدم هاتفی صدایم میکرد آقا آقا یا میگفت سید احمد سید احمد بیدار میشدم شخص هاتف را نمیدیدم ولی میدیدم که وقت نماز شب است میدانستم که ملائکه است چنانکه در روایت وارد شده که مؤمن مواظب نماز شب را ملك بیدار میکند اگر بخواب ماند باری آن مرحوم بعد از مراجعت از نجف اشرف در تبریز قریب ۱۴ سال مشغول بوظایف روحانیت از قبیل تدریس و تصنیف و اقامه جماعت و وعظ و تبلیغات دینی در منبر بعد از نماز و نوشتن اجوبه استفتاءات وارده بوده و در ترویج شرع مقدس نهایت جد و سعی بلیغ داشت.

تاریخ وفات صاحب عنوان علیه الرحمه

تا در سنه ۱۳۲۵ قضیه مشروطه در ایران اتفاق افتاد آن مرحوم عزیمت عتبات عالیات نموده و از آنجا بزیارت بیت الله الحرام مشرف و در مراجعت از حج چند روزی در مدینه منوره اقامت و در روز غدیر بحرم حضرت رسول صلی الله علیه وآله مشرف مرگ خود را بواسطه تراکم احزان و هجوم اشجان زمان و سوء قصد اشرار بی ایمان عهد از جد بزرگوارش خواست پس از مراجعت از حرم سرما زدگی در مزاجش حادث شده بفاصله چند روزی برحمت حق پیوست و در قبرستان بقیع ما بین بیت الاحزان و قبور ائمه اربعه و قبر فاطمه بنت اسد سلام الله علیهم اجمعین مدفون گردید.

**تصنیفات شریفه اش:** حاشیه بر رسائل شیخ انصاری قدس سره بر زمینه حجیة القطع والظن و البرائة بطبع رسیده، حاشیه بر مشکوة المصابیح فی التعادل والتراجیح و بر رساله باقریه که هر دو تصنیف والد مرحومش حاج سید محمد آقا مجتهد خسروشاهی است در حاشیه همان دو کتاب بطبع رسیده.

تلمذ مؤلف کتاب در خدمت ایشان

**مؤلف گوید:** مترجم محترم از اساتید عظام این احقر بود که سالها بعد از مراجعت از نجف اشرف در خدمت ایشان درس خصوصی گذاشته فقه و اصول را با اینکه ببحث علماء تبریز حاضر شده بودم مجدداً بواسطه بیانات وافیه آن نابغة العصر و نادرة الدهر ببحث ایشان حاضر شده استفاضه و استفاده نمودم روزی شفاهاً فرمود ایامیکه در نجف بودم شبی تهجد و نماز شب از من فوت نمیشد ولی از آن وقتی که به تبریز آمده ام یك شب موفق نشده ام نور الله مضجعه بأنوار رحمته وسقاه بشآبیب فضله و مغفرته.







## (۲۹) سید جمال الدین اسدآبادی ره

ترجمه حال سید جمال الدین اسدآبادی

**مآثر و آثار** (۲۲۴) سید جمال الدین اسدآبادی در علوم عتیقه و فنون جدیده مقامی بلند یافته مردم ایران را بوجود وی جای افتخار است علوم شرعیه را در قزوین تحصیل کرد و بطهران آمد و مدتی در افغانستان و هندوستان گذرانید و باسلامبول رفت و از آنجا بمصر شد گروهی از دانش پژوهان جامع ازهر بوی تلمذ میکردند و بسیاری از روزنامجات دیار مصر را فی الحقیقه وی در تحت افادت و بلاغت آورد پس بوجهی باروپا رفت و در پاریس جریده عروة الوثقی را ایجاد کرد و از این گاه نامش در جمیع ممالک مشهور شد و صیت فضایل و آوازه خصایصش در افواه افتاد بعضی از دول قویه در منع انتشار جریده مشار الیها جهد بلیغ مبذول داشت لاجرم خاطر سید را از اروپا ملالت گرفت و بسمت آسیا در گردش آمد و بعد در ایران رسید.

افکار سید صاحب ترجمه

**نگارنده او را** حسب الامر بدار الخلافه دعوت کرد و بکرات بحضور مبارك شاهنشاهی مشرف گردید و طبقات اهالی از دانی و عالی آن بزرگوار را دیدار نمودند پس بروسیه رفت و فعلاً در پطرسبورغ است همه جا محترم بوده و مکرم زیسته اهل سنت و جماعت او را افغانی میشمارند چنانکه تلمیذ اجلش استاد الادب (محمد عبده) در مقدمه رساله رد نیچریه نگاشته بالجمله این شخص بزرگوار از اعاجیب روزگار است و نوادر ادوار.

## تفصیلی از ترجمه سید جمال الدین اسدآبادی ره

**و نگارنده** تالیف یکی از فضلاء معاصرین ایده الله تعالی.

جودت و فطانت سید جمال الدین ره

**سید جمال الدین** یکی از اشخاص معروف و مهم عهد اخیر در مشرق زمین و معروف بافغانی بود و بلاشك یکمرد فوق العاده و صاحب ملکات و خصائل عالیه بوده و مخصوصاً استعداد فطری خطابت و نفوذ در نفوس و قلوب داشته است اصلاً ایرانی بوده از اهل اسد آباد پدر سید صفدر نامی از اهل همدان و بواسطه جودت ذهن و تندی هوش بمقامات مهمه رسید و در علم حکمت و ریاضی و نجوم دست پیدا کرد و در علم تاریخ احاطه و اطلاع واسعی داشت و چون از افغانستان بمصر آمد ریاض پاشا وزیر مصری او را دید و مجذوب لیاقت و کمالات او شد از حکومت مصر برای وی مستمری بقدر ده هزار غروش مصری در ماه مقرر کرد و سید در مصر ماند و در مدرسه (الجامع الازهر) در علوم مختلفه اسلامی تدریس و در تحریر عربی در مقالات تلقین مینمود

صاحب دائرة المعارف گوید که سید جمال الدین فلسفهٔ ابن سینا را در جامع الازهر تدریس کرده و یک کره برای نشان دادن شکل زمین بمسجد آورد و بدین سبب غوغای علماء بلند شد و او را از الازهر اخراج کردند . و سید در سنه ۱۲۹۶ از مصر بیرون آمد و در سنه ۱۳۰۱ در پاریس با شیخ محمد عبده که تلمیذ او بود ادارهٔ روزنامهٔ (العروة الوثقی) را بنا کردند و تا شماره ۱۸ نشر شد ولی دولت انگلیس بوسایل مختلفه اسباب تعطیل آنرا فراهم آورد .

دعوت صاحب عنوان بطهران

و سید از انگلستان بایران رهسپار گشت و بعد از ورود به بوشهر بحکم ناصر الدین شاه بطهران دعوت شد و او از راه شیراز و اصفهان بطهران آمد و در خانهٔ حاج محمد حسن امین الضرب منزل نمود و چند بار با شاه ملاقات کرد و در یکی از ملاقاتها با کمال جرئت و صراحت از خرابی اوضاع مملکت و لزوم اصلاحات و ترقی حرف زد و شاه باطناً متغیر شد و حکم کرد از ایران بیرون برود سید بلندن رفت و در سنه ۱۳۰۹ یک روزنامهٔ عربی و انگلیسی موسوم به (ضیاء الخافقین) بنا کرد .

دعوت صاحب ترجمه باسلامبول

و بعد از چندی بدعوت سلطان عثمانی باسلامبول رفت و سلطان که در خیال اتحاد اسلام ساعی بود بامید استفاده از فعالیت سید و نفوذ آن در ممالک اسلامی او را در جوار خود جا داده و خانه در اسلامبول نزدیک بقصر سلطانی داد و ۷۵ لیرهٔ عثمانی برای او مقرر کرد در اوایل امر پیش سلطان عبد الحمید خیلی مقرب و محترم بود بعدها در حق او سعایت کردند در تحت نظر بوده چندان حال خوشی نداشت تا پس از چهار سال اقامت در اسلامبول در حدود رجب سنه ۱۳۱۴ بمرض سرطان مبتلا شده ۵ شوال همانسال وفات کرد . جنازهٔ او را با یک شکوه و احترام بزرگی در قبرستان (شیخلر مزارلغی) بخاک سپردند .

(مرام و معلومات سید جمال الدین ره)

مرام و معلومات سید جمال الدین

گوید : بزرگترین خیال و آمال او همانا نهضت اسلامی و اتحاد اسلام در روی اساس ترقی و احیاء عظمت اسلام و نجات از تسلط اروپا بود و بزرگترین کار عمر او در مصر بود که قریب ۹ سال در آنجا افاضه کرد و شیخ محمد عبده مفتی معروف مصر و ادیب اسحق نویسندهٔ معروف و بسیاری از بزرگان و ادباء مصر شاگرد او بودند زبان عربی و فارسی و ترکی اسلامبولی را خوب میدانست فرانسه را هم بقدر کفایت حرف میزد مشار الیه بزندگی اعتنائی نداشت و مال جمع نمیکرد . در طهران وقتی ناصر الدین شاه هزار تومان و یک انگشتر الماس باو فرستاد پول را رد کرد و انگشتر را باصرار میزبان نگاه داشت و آنرا نیز به پسر میزبان خود داد شیخ محمد عبده در مقدمهٔ رسالهٔ الرد علی الدهریین که ترجمهٔ عربی رسالهٔ رد نیچریهٔ خود سید است گوید الخ





نیچر بزبان انگلیسی طبیعت را گویند و نیچریه یعنی طبیعیون

(مکتوب سید جمال الدین)

(به حاج احمد خان سرتیپ بوشهری ره)

مکتوب صاحب عنوان بحاج احمد خان

و صاحب جریدهٔ کاوه شمارهٔ ۹ غرهٔ محرم ۱۳۴۰ مینویسد :

مکتوب بسیار مفید مهمی از بندر عباس از جناب میرزا محمد علیخان سدید السلطنه پسر حاج احمد خان سرتیپ که در بوشهر مقیم بوده رسید مینویسد در ۱۶ شعبان سنه ۱۳۰۳ دربان کاروانسرای کربلائی عوض من بابا کنی بمنزل حاج احمد خان پدر سدید السلطنه وارد میشود حاج احمد خان پس از خواندن کاغذ فوراً بیرون رفته بعد از چند دقیقه با یک نفر سید جلیل القدر مراجعت میکند و آن سید همانا جمال الدین افغانی بود عکس چاپی عین کاغذیکه جمال الدین بخط خود توسط بواب کاروانسرای مزبور بحاج احمد خان فرستاده بود ذیلاً ثبت است :

عین کاغذ جمال الدین

صفوة اولی الهمم وقدوة ارباب الشیم السرتیپ الحاج احمد خان لازال مصوناً بعنایة الرحمن انی قد حللت الآن بلدة انت ساکنها ومنک بهجتها وبک محاسنها فکتبت الیک هذه الورقة زعماً منی انک بتقلبک بین اطوار الزمان واختبارک اجناس الانسان ترغب ان تلاقی کل من دعک الدهر وحنکه العصر ولو کان فی رکن حقیر متربعاً علی حصیر فان کان الامر کما رایت فبالحظ الاوفر والا فلست اول من غره الفضل وانی جهلاً بمحلات الاقامة فی هذه البلدة نزلت فی خان خرب عفن لا یسکنه الا الصعالیک والاوباش یسمی بکاروانسرای کربلائی عوض والسلام .

(کثرت کتب جمال الدین حسینی افغانی ره)

کثرت کتب جمال الدین

و بعد از سه ماه توقف در بوشهر در سنه ۱۳۰۳ محمد حسن خان اعتماد السلطنه حسب الامر شاه تلگراف کرده و سید را بطهران احضار کرد و هزار تومان حوالهٔ دولتی فرستاد و سید از راه شیراز بسوی طهران حرکت کرد و حاج احمد خان غلامی خسرو نام را همراه او کرد تا طهران .

و سدید السلطنه مینویسد که سید در سنه ۱۳۰۳ بعد از ورود به بوشهر کتابهای خود را عدل بندی کرده حمل دوازده قاطر با خود بداخلهٔ ایران بردند .

(جهت شهرت سید به افغانی)

ایضاً مینویسد که حاج غلامحسین بندری یکی از فضلاء و شعراء بوشهر یکروز از سید پرسید که شما از اسدآباد

همدان هستید چرا خود را با فغانی معروف کرده اید جواب گفتند افغانی تخلص شعری من است .

## (ایضاً جمله از ترجمه سید جمال الدین اسدآبادی افغانی)

ایضا گوید در کتاب مقالات جمالیه که همین سال ۱۳۵۲ قمری مطابق سنه ۱۳۱۲ شمسی در طهران طبع شده گوید : ولادت مرحوم سید نابغه سیاسی وفیلسوف بزرگ ایران در سنه ۱۲۵۴ و وفاتش ۱۳۱۴ قمری هجری اتفاق افتاده .

(ص ۱۹) سید در اسلامبول در باب اتحاد اسلام بمعیت پیروان خویش قریب پانصد نامه بالسنه مختلفه بعلماء و پادشاهان ممالک اسلامیه مینویسد و بعد از مدت قلیلی که جوابهای مساعد با تحف و هدایا از طرف علماء و امراء میرسد تمام مراسلات را سید ترجمه میکند .

(ص ۲۰) سید هیچ تا هل اختیار ننمود و تا آخر عمر در کمال سادگی زندگانی خود را بسر برده عبد الحمید سلطان عثمانی چند بار خواست یکی از خواتین خانواده سلطنتی را بحباله نکاح و بیرون بیاورد سید قبول نکرد باو میگوید دنیای باین زیبائی نتوانسته است مرا بفریبد با این حال من زن میخواهم چه کنم غیر از دو دست لباس فاخر و یک کتابخانه مهم (۱۲ صندوق شرحی) از اسباب دنیا چیز دیگری نداشته .

## مسموم شدن سید جمال الدین ره

(ص ۲۱) سید را در اسلامبول مانند اجداد بزرگوارش مسموم و با تجلیل و احترام مدفون کردند حشره الله مع اجداده الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین .

## (۳۰) (آقا شیخ فتحعلی زنجانی ره)

احسن الودیعة (ج ۲) (ص ۸۹) الشیخ فتحعلی زنجانی ابن اخ المجتهد الکبیر الآخوند ملا قربانعلی ان مرحوم عالم زاهدی بود ولادتش ۲۰ ع ۲ سنه ۱۲۶۸ بعض علوم عربیه را در زنجان خوانده سپس بقزوین منتقل و قوانین را نزد محقق اصولی آقا سید علی محشی قوانین تحصیل بعد بطهران مسافرت کرده رسائل را خدمت مرحوم فاضل آشتیانی خوانده پس از آن بمجث خارج او حاضر گردید آنگاه بزنجان مراجعت کرده نزد عم اکرمش مرحوم محقق شهید ملا قربانعلی که از تلامذه مرحوم شیخنا الانصاری و اورع علماء عصر خود بود و در فتنه مشروطه مسموماً در کاظمین علیهما السلام درگذشت ۸ سال تلمذ نموده بطهران مراجعت و بعد از اخذ بعضی از علوم ریاضی بشاه عبد العظیم منتقل و پس از یکسال توقف عزیمت اعتاب مقدسه نموده در نجف اشرف بر بحث محقق سید نا الحسین الکوهکمری و علامه حاج میرزا حبیب الله رشتی و در کربلاء مشرفه بر بحث فاضلین متعاصرین اردکانی و مازندرانی و در کر





سر من رای بمجث حجة الاسلام شیرازی قدس سرهم حاضر و پس از وفات میرزای رشتی در خانه خود نشسته مشغول تالیف گردید و تالیف بسیاری کرده و آنچه از سواد به بیاض در آمده بدینقرار است :

**تالیفات مترجم محترم** مفتاح اللباب فی شرح خلاصة الحساب او را در طهران تالیف کرده و تنقیح المسائل فی التعالیق علی الرسائل برزمنه حواشی حجیة القطع در نجف تالیف و سنه ۱۳۰۵ از وی فارغ گشته و منظومه فی القطع و حاشیه علی الروضه و حاشیه علی المکاسب و حاشیه علی شرح القوشچی و تفسیر القرآن الکریم بسماه مجمع الانوار و معدن الاسرار در نجف اشرف از وی فارغ شده .

## (۳۱) (حاج ملا باقر واعظ طهرانی)

## (صاحب جنة النعیم والخصایص الفاطمیة وغیرهما)

مآثر و آثار (ص ۲۰۰) حاج ملا باقر واعظ از سالها در طهران بامتیاز از اقران مسلم است و از مبان مشاهیر اهل منبر دارای تتبع و تبحر و اتساع یافته علماء عظام و مجتهدین عصر نیز و برا بسیار محترم میدارند و او را بیک درجه مخصوص از مروجین شرع میشمارند مطالب و مرویاتش بصحت و متانت ممتاز است تالیفات چند از این واعظ دانشمند بصدور رسیده از آنجمله است جنة النعیم فی احوال عبد العظیم علیه السلام در طی مقاصد این کتاب بحقی ترجمه طهران و علماء و مشایخ آن پرداخته .

**تالیفاتش : الذریعة** (ج ۵) (ص ۱۶۰) جنة النعیم والعیش السلیم[1] فی احوال سیدنا عبد العظیم ابن عبد الله بن علی بن الحسن بن زید بن الامام الحسن المجتبی علیه السلام فوائد لا تحصی در آن درج شده من جمله بعض تواریخ طهران و احوال بعض علماء آنجا و آن کتاب فارسی کبیری است تالیف شیخ متکلم ملا باقر بن ملا اسمعیل بن عبد العظیم بن محمد باقر مازندرانی کجوری نزیل طهران المولود فی سنه ۱۲۵۵ والمتوفی زائراً بمشهد طوس فی ربیع الاول ۱۳۱۳ اول آن خطبه عربیه بعد فارسیه و قبل از شروع فهرست مطالبش را در ۲۲ صفحه بیان کرده و ظاهر میشود از آن کتاب بحران در احادیث و تواریخ و سیر و انساب سنه ۱۲۹۵ بطبع آن شروع و سنه ۱۲۹۶ فارغ شده .

**ایضاً** (ج ۲) (ص ۳۸) الاسرار فی کیفیة الاسفار[2] تالیف واعظ ماهر حاج ملا باقر طهرانی برادرش سلطان المتکلمین در زبدة المآثر در ترجمه حاج ملا باقر که با خصایص فاطمیه تا لیفش طبع شده ذکر کرده است

**ایضاً** (ج ۲) (ص ۲۱) الاصرار فی الاستغفار[3] تالیف واعظ شهیر حاج ملا باقر طهرانی برادرش در زبدة المآثر او را ذکر کرده و خودش در اول خصایص فاطمیه گفته که آن فارسی و مرتب بابوابی است



تاریخ ولادت و وفات
مسموم شدن سید جمال الدین
ترجمه آقا شیخ فتحعلی زنجانی ره
مؤلفات مترجم
کتاب جنة النعیم در احوال عبد العظیم علیه السلام
الاسرار فی کیفیة الاسفار
الاصرار فی الاستغفار

مشتمل بابیات خوف ورجاء وحکایات توابین بقدر دوازده هزار بیت ٭

ایضاً (ج ۲) (ص ۵۴) ایقاظ القوم فی آداب الصوم (۳) تألیف واعظ معاصر شهیر حاج ملا باقر طهرانی برادرش در زبدة المآثر فی ترجمة الحاج ملا باقر که با خصایص فاطمیه طبع شده ذکر کرده است .

ایضاً (ج ۳) (ص ۹۴) برهان التجارة فی تبیان الزیارة (۵) تألیف حاج ملا باقر طهرانی در اواخر کتاب خود خصایص فاطمیه از او ذکر کرده ودر اول آن گوید که آن تبیان الزیارة وشرح فارسی یکی از زیارات جامعه است در ده هزار بیت ومفید عوام است . ٭

ایضاً (ج ۵) (ص ۱۲) الثمرات الجنیة من الحدیقة الحسنیة (۶) تألیف حاج ملا باقر واعظ طهرانی در اول کتاب خود خصایص فاطمیه گوید که آن در آداب زیارت وثواب تعزیه داری حضرت حسین علیه السلام است در دو مجلد که تمام مجلد اول وبعضی از دوم تألیف شده . ٭

مؤلف گوید : واز جمله تألیفات مترجم محترم کتاب الخصایص الفاطمیه است (۷) . ٭

## ( ذکر شطری از فواید فواید آن تألیف شریف کثرت کنی واسماء والقاب حضرت صدیقهٔ طاهره سلام الله علیها )

گوید : بدانکه کثرت اسماء والقاب از برای هر کس دلیل بر شرف قدر وعلو مقام اوست زیرا که هر لقب اشاره بوصف مخصوص ومشهور آن موصوف است از این است که هر یک از حضرات معصومین صلوات الله علیهم اجمعین را اسماء والقاب کثیره مذکور ومنقول است . ٭

وجناب صدیقه کبری علیها السلام بواسطهٔ شرافت ذات مقدس واوصاف حمیده اش در موارد عدیده باسم مبارک ولقب شریفی که خاک از آن صفت خاص است بلسان خدا وملائکه وائمه طاهرین علیهم السلام خوانده شده که کثرة الاسماء تدل علی شرافة المسمی . ٭

وبعضی از علماء صد وپنج لقب مطابق اسم مبارک آنحضرت در کتاب خود ذکر کرده است ٭

## ( شرف وجلالت کنیه در عرب )

کنیه از کنایه است وآن اشاره است بنام انسان وکنیه از مراسم ومفاخر عرب است وعرب کنیه را در مقام تعظیم وتکریم شایع کرده استعمال مینمایند ودر زمان عجم هم متداول ومتناول شده بلکه اعراب کنیه را بهتر از لقب میدانند از مرحوم علامه مجلسی منقول است که کنیه در گهواره برای مولود علامت شرف است بلکه استحباب دارد ودر خبر وارد است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله جناب سید الشهداء علیه السلام را در روز ولادت





بدین کنیه خواندند که ابا عبدالله وکنیه مصدر میشود باب وام وابن چون ابوالحسن وام کلثوم وابن عباس

وازرسوم عرب بود هر کس را توهین میکردند او را بنام دخترش کنیه میدادند چون ابو رقیه وابو امامه وابو لیلی که کنیهٔ عثمان است وگاهی ملاحظه وصف شایع میکردند مانند ابو الیقظان که کنیه خروس است برای بیداریش وابو لهب از بدترین کنیه های عرب است وبواسطه سرخی رخسار او ابو لهب خواندند

وازیکی از مفسرین در تفسیر آیه وقولا له قولا لینا منقولست که مراد از قول لین خواندن فرعون بوده است بکنیه وکنیه هائی که برای حیوانات از وضع وجعل اعراب است ودر حیوة الحیوان مشحون )

## ( ذکر بعضی از کنیه های حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها )

گوید : پس بعد از دانستن معنی کنیه واقسام استعمال آن بدانکه حضرت زهراء سلام الله علیها را چند کنیه مذکور است . ٭

ازآنجمله ام العلوم که حکایت از کثرت وزیادتی علمهای آنحضرت مینماید ودلالت بر احاطه وتبحر آن مخدره میکند بتمام علوم عقلیه ونقلیه واین اطلاع واحاطه در زمرهٔ نسوان عالمیان مخصوص بایشان است ودر هیچ زنی چه از گذشته وچه آینده این شرف نبود . ٭

چنانچه حضرت امیر صلوات الله علیه در خطبهٔ شقشقیه در وصف خود میفرماید ینحدر عنی السیل ولا یرقی الیّ الطیر که اشاره بجامعیت واحاطه کلیه بر تمام علوم است . ٭

وضرار در حق آنحضرت گوید یتفجر العلم من جوانبه . ٭

ودر علم آن مخدره حدیث عیون المعجزات کفایت است که عرض کرد بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام اگر بخواهم از علوم اولین وآخرین ترا خبر میدهم . ٭

وازآنجمله ام الفضایل که از کنیه سابقه جامعتر است زیرا که علم یک فضیلتی از فضایل نفسانیه فاطمه طاهره مرضیه است وفضایل وفواضل دیگر شرا کسی نتواند احصاء نماید وبشمارد . ٭

واعظم فضایل نفسانیه آن حوراء انسیه عفت وعصمت ومعارف حقه وحقایق نظریه است که بملکه تامه بنحو کمال استکمال فرمود . ٭

واصالت نسب وشرافت حسب بحدی بود که از اولین وآخرین نظیری نداشت زیرا که دختر سلطان عالم وفخر اولاد آدم ومادرش خدیجه سیدة النسوان وشوهرش قطب عالم امکان واولاد طاهرین ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین اند وتزویجش باتفاق فریقین در آسمان واقع شد انتهی . ٭



ایقاظ القوم

برهان التجاره

الثمرات الجنیه

من تألیفات حاج ملا باقر

خصایص فاطمیه

کثرت اسامی والقاب فاطمه سلام الله علیها

شرف کنیه در عرب

[illegible]

ام العلوم از کنیه های حضرت زهرا علیها السلام

اعظم فضایل وحسب ونسب [illegible]

## (میرزا محمد علی راتی جاجرمی متخلص بجا کردر معنی مذکور گوید :)

| | |
|---|---|
| آسمان مهر و بانوی عصمت گهری | آنکه بد در فلک برج نبوت قمری |
| آنکه از شأن و جلالش قلم صنع نوشت | زوج زهرا نبود جز ولی الله دگری |
| صدف بحر کرامت دُر دریای علوم | دختر سید لولاک و حمیده سیری |
| مام را نام خدیجه بود و باب رسول | شوهرش شاه ولایت علی حیدر دری |
| بائمه اُم و صدیقه کبری که بدش | چون حسین باعث ایجاد دو عالم پسری |
| مریم و ساره کنیز جاریه درگه او | آنکه بد تابع فرمانش قضا و قدری |
| عقل کل همچو گلش صبح و مسامی بوشد | کی رخت جنت و قد تو چو طوبی شجری |
| میکنم فاطمه جان بوی بهشت استشمام | از رخ مهر لقای تو بشام و سحری |

## (ایضاً در خصایص از جمله کنیه های حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها)

ام الکتاب است و گفته اند که این کنیه در کتب محدثین از علماء بسیار مذکور است و از اسماء سوره مبارکه حمد است زیرا که اصل قرآن است بلکه اصل هر کتاب از کتب سماویه است یا آنکه این سوره اشرف سوره های قرآن است چنانکه ام القری مکه معظمه اشرف بلدان است و هر دو معنی در حق حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها جایز و جاریست در حدیث وارد است اساس القرآن فاتحة الکتاب اساس الفاتحة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ چون مریض شک بر تو است باساس القرآن تا باذن خدا شفا یابی ✻ و فاطمه زهراء علیها ابن و بنیان ایمان و صدق در و شعشعانیه الهیه است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود قسم بحق آن کسیکه جان من در قبضه قدرت اوست مانند این سوره در توریة و انجیل و زبور نیست و انها السبع المثانی و القرآن العظیم . ✻

**و از جمله کنیه ها ام ابیها** از کشف الغمه منقول است که ان النبی صلی الله علیه و آله کان یحبها و یکنیها بام ابیها و وجه این لقب همان است که گفته اند در افواه و السنه بسیار شایع است پدر گاهی به پسرش از راه رأفت و رحمت در مقام نصیحت میگوید پدر جان و بدختر خود مادر جان و این گونه الفاظ بین عرب و عجم شایع است مانند برادر جان و حضرت اقدس نبوی صلی الله علیه و آله هم اینطور اراده فرموده و فاطمه زهراء را بدین عبارت خوانده یعنی ای مادر من تا حکایت کند از فرط محبتش بدخترش و عبارت حدیث که مذکور شد یحبها و یکنیها بام ابیها دلالت بر همین معنی و بیان میکند . ✻

**از جمله القاب آن مخدره بتول است** و مریم بنت عمران هم بدین اسم و وصف موصوف بوده است





دنبل بمعنی بریدن و جدا کردن است و فاطمه بتول است یعنی منقطعه از رویت دم یا منقطعه است از زنان از جهت فضل و دین و حسب یا منقطعه است عن الدنیا یا منقطعه است عن النظیر . ✻

## (انصاف عالم سنی در لقب بتول)

بالجمله بخواست پروردگار این دو زن یعنی مریم و فاطمه سلام الله علیهما از اقذار و اکدار و خباثت و ارجاس پاک زیستند و پاکیزه رفتند و لکن لک زدن ما بکر و یکی از علماء خلاف انصاف کرده و گفته که فاطمه زهراء علیها طاهره بوده از همه بدیها و پلیدیها و علت عادت نسوان دنیا چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله باصحاب فرمودند که فاطمه سیده زنان اهل بهشت است و عادت حور العین و نسوان جنت بر طمث و رویت دم نیست پس چگونه میشود که بر زنان بهشت مبتلا و معتاد باشد و بدین صفت قبیحه موصوفه گردد . ✻

## (و از جمله القاب شریفه حضرت زهراء سلام الله علیها لقب طاهره است)

این لقب اعم و اکد از لقب بتول است چنانکه از حضرت باقر علیه السلام مرویست که فرمود فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله را طاهره نامیدند لطهارتها من کل دنس و طهارتها من کل رفث و ما رأت یوماً قط حمرة و لا نفاساً و رفث فحش گفتن است و در این حدیث اشاره است که فاطمه غیر از طهارت از پلیدیها طاهره بود طهارت از اخلاق ذمیمه قبیحه باطنیه داشت و حضرت اقدس نبوی صلی الله علیه و آله فرمودند انا اهل بیت اذهب الله عنا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و آنحضرت بعد از دعا کردن در حق امیر المؤمنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام فرمود و اجعلهم مطهرین من کل دنس معصومین من کل ذنب و ایدهم بروح القدس منک الحدیث . ✻

و مراد از تطهیر در آیه تطهیر تنزیه از هر عمل قبیح است و بدین جهت گفته اند که طاهره اعم است از دنس ظاهره و باطنه و بر حسب استعمال اکد است . ✻

## (موسوم بودن جناب خدیجه کبری علیها نیز بلقب طاهره و سیده)

## (قریش در زمان جاهلیت)

**زبیر بن بکار گوید :** که در زمان جاهلیت والده ماجده این خاتون معظمه را هم طاهره میگفتند و ایضاً منقول است که خدیجه کبری را سیده قریش هم میگفتند . ✻

## (و ابو نواس شاعر در حق این خانواده عصمت و طهارت گوید)

| | |
|---|---|
| مطهرون نقیات ثیابهم | تجری الصلوة علیهم اینما ذکروا |
| من لم یکن علویاً حین تنسبه | فما له من قدیم الدهر مفتخر |

## ( ولنعم ما قیل )

موانع چون در این عالم چهار است ... طهارت کردن از وی هم چهار است
نخستین پاکی از احداث و انجاس ... دوم از شر نفس و شر وسواس
سوم پاکی از خلق ذمیمه است ... که با وی آدمی همچون بهیمه است
چهارم پاکی سر است از غیر ... که اینجا منتهی گردد بدان سیر
هر آن کو کرد حاصل این طهارت ... شود بی شك سزاوار بشارت

## ( تفصیلی در لقب صدیقه و بیان معنی آن : )

گوید : بدانکه این لقب شریف معظمی است که خداوند سبحان در قرآن مریم علیها السلام را بدان خوانده و ستوده چنانکه فرموده وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فاطمه طاهره را صدیقه کبری خواند چنانکه بعد از ذکر مهریه آن مخدره فرمود وهی صدیقة الکبری وعلی معرفتها دارت القرون الاولی وصدیق از ابنیه مبالغات وهو دائم الصدق یعنی کسیکه بسیار راست گوید و بدیهی است این مقام که راستی و درستی در قول و فعل است در تلو مرتبه و مقام پیغمبر است ومنه قوله تعالی وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا و باز فرمود وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ و حضرت رسول ص در حق جناب سید الاوصیاء علیه السلام فرمود هذا خیر الاولین وخیر الآخرین من اهل السموات واهل الارضین وهذا سید الصدیقین وسید الوصیین .

## ( وجه توصیف مریم و فاطمه علیهما السلام بصدیقه : )

وجهت مدح و توصیف مریم بصدیقه برای صدق و راستی اوست که دعوی کرد عیسی از من است بدون مس بشری و خداوند او را تصدیق فرمود که راست گفته و در این دعوی دروغگو نیست بدینگونه که وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ و جناب فاطمه زهراء علیها السلام صدیقه کبری است از آنکه در رحم مادرش خدیجه و زمان ولادتش تصدیق و اعتراف بوحدانیت حق و بنبوت پدر بزرگوارش و امامت شوهرش و یکان یکان از ائمه معصومین را نمود که فرزندان وی بودند و در خردسالی بعد از مادرش زهره زنان در ادغان بتوحید و نبوت تقدم در سبقت داشت و پدر بزرگوارش که اصدق القائلین و احسن الصدیقین است او را در این وصف برتر و بالاتر از مریم خوانده و بزرگتر دانسته چنانکه فرمود فاطمة مریم الکبری است و ایضاً فرمود صدیقه کبری است





## ( تصدیق عایشه صدیقه بودن حضرت فاطمه علیها السلام را و تکذیب پدرش )

از مشاهیر و مخاریر علماء سنت نقل شده که عایشه مکرر گفت ما رأيت من الناس اصدق منها الا اباها و این خبر را صحیح و معتبر میدانند مع ذلك کلمه در مطالبه حق ثابت خود از پدر عایشه و اعوان او آزرده و افسرده شد و هر قدر زبان بشکایت گشاد و از مهاجر و انصار نصرت خواست کسی در مقام احقاق حق وی بر نیامد و قول آن صادقه مصدقه را تصدیق ننمودند و عاقبت با کمال اندوه و حسرت چند روزی زیست کرده از دنیا گذشت

## ( معنی صدیق و لزوم تفضیل صدیق صدیقه را : )

در ذیل آیه مسطوره وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ آه از طبرسی ره منقول است که صدیق کسی است که بر تصدیق خود مداومت داشته باشد یعنی دائم الصدق باشد در آنچه از کلمه حق میگوید و قول دیگر صدیق کسی است که تمام اقوال انبیاء و مرسلین ایمان آورد بدون آنکه در دل او شکی حادث شود و کریمه وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ شاهد صادقی است .

و در غسل حضرت فاطمه علیها السلام وارد است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود والصدیقة لا یغسلها الا الصدیق بعبارة اخری غسل دادن صدیقین شرفی است که کسی بسعادت این شرف مشرف نمیشود مگر آنکه صدیق باشد بناء علی ذلك بقول مؤالف و مخالف فاطمه زهراء علیها السلام صدیقه کبری است قلباً و قولاً و فعلاً هرگز دروغ نگفت و آنچه میفرمود بجای آورد و در اداء تکلیف و امتثال امر عزم ثابت و صدق نیت در مراقبت و مداومت تامه داشت .

پس شیعه میتواند بگوید که تصدیق عایشه بصدق قول حضرت فاطمه زهراء علیها السلام منافات با تکذیب قولی و فعلی پدرش ابوبکر در ادعاء فدك با ضمیمه تصدیق سید الصدیقین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و جمعی از اصدقاء این خانواده ( امور تضحك الثكلی منها ✻ ویبکی من عواقبها اللبیب )

## ( رموز و اسرار حدیث مذکور )

گوید ذکر رموز و اسرار حدیث نبوی صلی الله علیه و آله که فرمود فاطمة هی الصدیقة الکبری وعلی معرفتها دارت القرون الاولی .

بدانکه قرن هشتاد سال یا هفتاد سال یا سی سال یا اهل زمانی هستند که در آن پیغمبری مبعوث شود یا غالب عمرهم و در حدیث است اولوا العزم من الرسل سادة المرسلین والنبیین علیهم دارت الرحی یعنی پیغمبران اولوا العزم آقایان پیغمبران دیگرند و آسمانها و زمین با آنها میگردند در دوره هر پیغمبری در دوران زمین و

اسمان بوجود این چند نفر از پیغمبران اشاره صریحه است بر عظمت شان ومطاعیت ایشان بر تمام املاک وسکان کره خاک بدون استثنای احدی .

**وادق از این مضمون** کلام شریف جناب امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرموده ان محلی منها محل القطب من الرحی اگرچه از این قول مرخلافت اراده شده لیکن عالم دوراتش از وجود خلیفة الله است وپیغمبران هم خلفاء الله بودند .

**بناء علی ذلک** از حدیث شریف نبوی صلی الله علیه وآله معلوم میشود تمام انبیاء ومرسلین امتهای خودشان را امر بمعرفت وشناسائی حضرت صدیقه کبری علیها السلام کردند وانها را در عرفان مقامات فاطمیه مکلف نمودند یعنی احکام شرعیه وتکالیف موظفه هر امتی را منوط بمعرفت ان قطب فلک جاه وعصمت قرار داده بودند که اگر اهل هر زمانی وقرنی معرفت بحقیقت عصمت ان ذات مقدس نداشتند با اداء تمام امور واجبه عمل شان غیر مقبول بلکه هباء منثور بود پس چگونه این شریعت بر معرفت ومحبت وی دور نزند .

| | | |
|---|---|---|
| هی عند الاله اعظم خلقا | وبها دار فی القرون رحاها | شمس ام القری وام ابیها |
| بابی امها وامی اباها | کیف احصی ثناءها ولعمری | عجز الناس عن اداء ثناها |
| (ومنها :) بنت من ام من حلیلة من | ویل لمن سن ظلمها واذاها | (انتهی) |

**(تفصیلی در لقب راضیه ومرضیه)**

**گوید :** بدانکه این دو لقب از القاب شریفه حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها است اما راضیه حکایت از رضای انحضرت میکند وعالم رضوان اکبر است واز برای هر کس بطریق کمال جز برای معصومین یافت نمیشود .

**وعلامت نفس راضیه** ان است که سخط نکند بچیزی که خداوند از برای او مقدر کرده است واز برای خود راضی بعمل قلیل نشود واین مضمون حدیثی است که از جمیع نقل شده من رضی بالقلیل من الرزق قبل الله منه الیسیر من العمل ومن رضی بالیسیر من الحلال خفت مؤنته وتنعم اهله وبصره الله داء الدنیا ودواها واخرجه منها سالما الی دار السلام والراضی الذی لا یسخط بما قدر علیه ولا یرضی لنفسه بالقلیل واین حدیث کمال شرافت وجلالت دارد وحاصل مضمونش این است که هرکه راضی باشد باندکی از رزق خداوند تقبلی از عمل او ازوی قبول فرماید وهر کس باندکی از حلال راضی بشود مؤنه او خفیف واهلش متنعم وخدایتعالی اورا درد دنیا ودوای ان بصیر مینماید واز دنیا بدار بقا سالم ببرد وراضی ان کسیست که سخط نکند بچیزی که خداوند از برای او مقدر کرده واز برای خود بعمل قلیل راضی نشود .





**(اقسام خمسه نفس :)**

**وبعضی از علماء گفته** که از برای نفس پنج مرتبه است اول نفس اماره دوم نفس لوامه که در قران مذکور است ان النفس لامارة بالسوء ولا اقسم بالنفس اللوامة اول تابع هواء وامر بهواست دوم ملامت میکند خود را واذعان بتقصیر خود دارد اگرچه احسان کند وسیم از مراتب نفس مطمئنه وهی الامنة چهارم راضیه پنجم مرضیه است .

**(معصومه بودن دو زن از تمام زنان عالمیان)**

**گوید :** بدانکه دو زن از تمام زنان عالمیان از اولین واخرین معصومه بودند اول حضرت مریم است بصریح ایه کریمه ان الله اصطفیک ودیگری فاطمه زهراء علیها السلام بظاهر ایه تطهیر سایر زنان معصومه نبودند پس بمقام ایشان بواسطه عصمتیکه داشتند نرسیده ونمیرسند اگرچه بعضی از زنان در مرتبه انوثیت بکمال رسیدند وحدیث شریف ما کملت من النساء الا اربعة دلیل بر مقصود ما است .

**(وفات مترجم محترم) (نفائس اللباب الماخوذه من الفی کتاب)**

نوشت صاحب جنة النعیم مرحوم حاج ملا محمد باقر واعظ طهرانی ابن مولی حاج محمد اسمعیل از زندگانی در مشهد مقدس رضوی در (۲۱) ربیع المولود سنه ۱۳۱۳ واقع شد ودر مقبره مرحوم شیخ بهائی مدفون گردید رحمة الله علیه

**(۳۲) (حاج شیخ محمد واعظ طهرانی الملقب بسلطان المتکلمین صاحب ثارات الائمة وزبدة الماثر وغیرهما)**

**انمرحوم** از اعاظم واعظین ومتتبعین عصر حاضر ما ومنبر وی جامع صحبت وبیانات دینیه ومقالات ادبیه وعقاید حقه بود وهمه طبقات واصناف مستمعین از مطالب ومستفید ومستفیض میشدند . ومدتها در طهران ومشهد مقدس اهالی ومردم اکناف واصقاع عالم از این دانشمند یگانه ومتکلم فرزانه بهره ها برده .

**(تالیفاتش)**

**زبدة الماثر** فی ترجمة الحاج ملا باقر این کتاب در ترجمه برادر اکرمش حاج ملا باقر واعظ طهرانی وشرح وذکر تالیفات ان مرحوم است وباخصایص فاطمیه بطبع رسیده .

**ازجمله تاریخ ام المصائب الذریعه** (ج ۳) (ص ۲۳۹) تاریخ ام المصائب بتدنا زینب بنت امیرالمؤمنین علیه السلام فارسی کبیر قریب بر پنجاه هزار بیت تالیف شیخ محمد سلطان المتکلمین بخط شریفش

در مسوده دیدم و خصایص بنیه و طراز المذهب و اخبار الزینبات نیز در این موضوع است .

از انجمله بشارات الائمة در مجلد سیم ذریعه (ص ۱۱۲) گوید : بشارات الائمة فی موالید الائمة علیهم السلام تالیف حاج شیخ محمد بن ملا اسماعیل کجوری نزیل طهران الواعظ الملقب به (سلطان المتکلمین) المتوفی ۱۲ شعبان سنه ۱۳۵۳ فارسی و بزرگ ابتداء کرده در آن باصول عقاید دینیه مفصلا بعد بمجمل احوال ائمه طاهرین علیهم السلام نزد ولدا و ملقب بملك المتکلمین موجود است

ایضا ترجمه موسی المبرقع در (ج ۴) ذریعه (ص ۱۴۶) فارسی و بزرگ از بدر مشعشع است بیان کرده در آن احوال و وزراء او و بعض احوال قم و فضائل آن را تالیف حاج شیخ محمد واعظ طهرانی ملقب بسلطان المتکلمین است که از اولاد سید حاج قائم مقام تولیت رضوی مشهد نوشته .

ایضا (ج ۲) (ص ۷) اساس السیاسة فی تاسیس الریاسة تالیف واعظ ماهر شیخ محمد سلطان المتکلمین طهرانی در اول آن عهد حضرت امیر علیه السلام را بمالك اشتر نخعی شرح داده بعد سائر اخلاق و آداب ریاست را بیان نموده

## (۳۳) حاج ملا اسمعیل واعظ سبزواری صاحب مجمع النورین

## وبدایع الاخبار وغیرهما

مآثر و آثار (ص ۲۱۴) حاج ملا اسمعیل واعظ اصلا سبزواری است در میان اهل منبر داد الخلافه بتقدم و شهرت او کس نرسید فضلی باهر و تتبعی عجیب دارد . حسن سلیقه او در ترتیب مطالب منبر و جمع ما بین اشباه و نظائر مسلم همگان است . بعضی از علماء بزرگ و مجتهدین عصر را نسبت باو انحراف رای روی داد و از این رهگذر رسوائی سخت افتاد و سالها بود که مشار الیه در تبریز بود و اینك بعراق مراجعت کرده بمقارن جمع این باب و تبییض این کتاب در طهران است ترجمه او را در سبزوار از مطلع الشمس آورده ایم .

الذریعة (ج ۳) (ص ۴) بدایع الاخبار او ید منبر فارسی در مواعظ مرتب است بر مجالس تالیف واعظ شهیر ملا اسماعیل بن محمد جعفر سبزواری نزیل طهران المتوفی در آنجا سنه ۱۳۱۱ در طهران طبع شده و آن کتاب از مجلدات سبعه مطبوعه اوست از تصانیفش که همه آنها موسوم بمخرج الایام است و از آنها است کتاب الانثناء

ایضا (ص ۱۵۷) البهاء احد المجلدات السبعة من کتاب مخرج الایام .

ایضا (ج ۵) (ص ۱۶۳) الجنة والنار تالیف ملا اسماعیل بن علی اصغر واعظ سبزواری فارسی مرتب بر مجالس است و در طهران طبع شده . انتهی .

وازجمله مؤلفاتش کتاب الشیطان است .





## (۳۴) آقا سید ابو القاسم واعظ اصفهانی سده ئی

## صاحب لمعات الانوار و بدایع الاخبار و غیرهما

الذریعة (ج ۳) (ص ۴) بدایع الاخبار فی الاخلاق تالیف سید ابو القاسم بن محمد علی حسینی واعظ اصفهانی معروف به سده ئی نزیل طهران والمتوفی بمکة المعظمه سنه ۱۳۳۹ از اول کتاب مطبوع خود موسوم بلمعات الانوار که در سنه ۱۳۰۱ تالیف کرده ذکر فرموده است .

ایضا (ص ۹۵) برهان الرسالة فی اثبات النبوة الخاصة تالیف سید ابو القاسم واعظ سده ئی اصفهانی که در کتاب خود لمعات الانوار بدان حوالت نموده .

## (۳۵) ملا جعفر شرف الدین واعظ شوشتری صاحب

## تضمین الالفیة و جواب الاعتراض و غیرهما

در ذریعه (ج ۴) (ص ۲۰۰) گوید : تضمین الالفیة و یقال له منظومة التضمین تالیف ملا جعفر بن شیخ باقر واعظ شوشتری المولود حدود ۱۲۵۰ والمتوفی سه شنبه تمام صفر ۱۳۳۵ نبیره او شیخ مهدی بن محمد بن ملا جعفر شرف الدین نسب و تواریخ و تصانیف وی را بمن خبر داد و گفت که در آن کتاب مواعظ و اخلاق و مدایح معصومین و لاسیما صاحب الزمان علیهم السلام و بعض مصائب ایشان را ذکر کرده و در اول آن باسم خود اشاره کرده و سید علی اصغر شوشتری در دو تمین فی مقدمة التضمین احوال ناظم را شرح داده و مراد از الفیه الفیة ابن مالك است که مترجم محترم آن را تضمین و منظوم داشته .

ایضا (ج ۵) (ص ۱۲۴) جواب الاعتراض تالیف ملا جعفر بن محمد باقر شرف الدین واعظ شوشتری المتوفی ۱۳۳۵ اوله اللهم انت المرجو اذا اشتد الامر و انت المدعو اذا مس الضر حفیدش شیخ مهدی گفت که آن را در سنه ۱۳۳۴ تالیف کرده انتهی مراد از اعتراض اعتراض یکی از جاهل سنی است که گفته خداوند در قرآن فرموده و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة پس چطور سید الشهداء علیه السلام اقدام بشهادت کرد با قلت انصار و ترك تقیه نمود و آن مخذول نادان نفهمیده که یزید پلید متجاهر بفسق و متظاهر بمعاصی بود و بحضرت حسین علیه السلام جایز نبود که با آن لعین بیعت کند .

و مرحوم میرزا حسن بن ملا عبد الرزاق لاهیجی قمی صاحب شمع الیقین و جمال الصالحین نیز با این اعتراض غلط جواب داده رحمة الله علیهم

امین الواعظین شیخ اسد الله دزفولی

## (۳۶) امین الواعظین شیخ اسد الله دزفولی صاحب
## اصطلاحات العلوم و تذکرة العروض وغیرهما

الذریعة (ج ۲) (ص ۱۲۳) اصطلاحات العلوم تالیف شیخ اسد الله بن شیخ ابو القاسم دزفولی شوشتری نزیل طهران المولود سنة ۱۲۷۱ والمتوفی حدود ۱۳۵۲ عالم واعظ جلیل کثیر التصانیف بود و فهرست تالیفاتش را (۱۳۴۴) شماره فرموده و ذکر کرده که در این کتاب شرح اصطلاحات علوم دینیه از نحو و صرف و معانی و بیان و منطق و کلام و حکمت و فقه و اصول مذکور است .

ایضاً (ج ۴) (ص ۴۰) تذکرة العروض تالیف امین الواعظین شیخ اسد الله دزفولی در فهرست تصانیف خود گفته که قواعد عروض عرب و عجم و قوافی و زحافات و دوائر بحور در آن مذکور و شواهد آنها از قرآن شریف استخراج شده .

سهواً عدد نوشته شده ۳۷

ایضاً (ج ۵) (ص ۱۵۵) جُنک فی المواعظ تالیف امین الواعظین شیخ اسد الله دزفولی در شرح ...

سید اسماعیل واعظ اردکانی

## آقا سید اسماعیل واعظ اردکانی صاحب کتاب الابطال

الذریعة (ج ۱) (ص ۶۶) کتاب الابطال فی النبوة والامامة فارسی مطبوع و در آن است رد نصاری و بابیه تالیف عالم واعظ سید اسماعیل بن سید محمد حسینی اردکانی المتوفی سنة ۱۳۱۷ و او والد سید محمد رضا واعظ معاصر است .

آقا سید مهدی واعظ یزدی

## (۳۷) آقا سید مهدی واعظ یزدی مشهدی صاحب ام الکتاب
## وبدایع الکلام فی وقایع الایام

الذریعة (ج ۲) (ص ۳۰۳) ام الکتاب تالیف فاضل واعظ معاصر سید مهدی بن سید محمد باقر طباطبائی زواره یزدی حائری نزیل مشهد رضوی المتوفی در آنجا در دوم محرم سنة ۱۳۴۶ فارسی و سنة ۱۳۰۷ تالیف کرده و آن را بر چهار مجلد مرتب نموده جلد اول در وقایع الایام سنه دویم در وقایع یوم الطف سیم در ایام اعیاد چهارم در احوال ابو الفضل العباس علیه السلام نسخه از آن که نزد بعض حاج شیخ زین العابدین مازندرانی حائری در آن بود در خزانه کتب سید محمد علی هبة الدین شهرستانی دیدم و مؤلف مرا گفت نسخه که بخط شیخ علی معروف بشیخ دنبس خراسانی حائری جد شیخ مهدی کبیر حائری معروف الیوم بشیخ مهدی دنبس بود بحضور سلطان مظفر الدین شاه ارائه و لیعهد او در تبریز هدیه فرستادم .





بدایع الکلام فی وقایع الایام

مؤلف گوید : و از جمله مؤلفاتش بدایع الکلام فی وقایع الایام است غیر از مجلد اول ام الکتاب و حقیر در ایام حیات مرحوم مؤلف در مکتبه‌اش در ارض اقدس رضویه علیه السلام دیدم که مستوعب تمام ایام سنه بود و یکروز خالی نبوده و چنین کتابی مشتمل بر همه وقایع ایام سال در یک مجلد ندیده و نشنیده‌ام چه کثیری در این موضوع تالیفاتی محتوی بر مجلدات عدیده پرداخته‌اند ولی ایام کثیره خالی مانده اما این تالیف شریف انفع و اجمع از همه آنها است .

حاج آقا رضا واعظ همدانی

## (۳۸) حاج آقا رضا واعظ همدانی صاحب الانوار القدسیه
## والسیف المسلول وغیرهما

مآثر و آثار (ص ۱۶۴) میرزا محمد رضا همدانی در فقه و اصول و حدیث و تفسیر و حکمت و کلام و عرفان ید طولی دارد و این اوقات غالبا متوقف طهران میباشد و مردم بمجلس موعظت و تذکیر وی میلی عجیب دارند مشار الیه از بیت حکمت و عرفان است پدرش حاج میرزا علینقی از اجله علماء و حکما بود و جد امجدش حاج ملا رضا صاحب مفتاح النبوة در اثبات نبوت خاصه و در النظیم فی تفسیر القرآن العظیم که هر دو مطبوع افتاده از فحول اساتید فنون معقول است و شهرت حاج ملا رضا از این رد هندیه فاد تن پادری نام انگلیسی ... رفته و میرزا محمد رضا از طرفی نیز با میرزا محمد اخباری متاخر شهید صاحب التصانیف البدیعه و المقامات البهیه می پیوندد و چون اکثر موی الیه از اولاد حکیم عصر و نادره دوران بدانهم بعید نیست که سلاله این بزرگان است و نتیجه این چنین دانشمندان مصنفاتش نخبة الصوارم فی الفقه والاصول و منظومه تجوید مع الشرح و تربیع الشیخین و تثنیة الثلثه و رساله فی احوال الحجة عجل الله فرجه و دیوان اشعار است .

الذریعة (ج ۲) (ص ۴۳۷) الانوار القدسیة فی الحکمة الالهیة والعقاید الدینیة فارسی تصنیف واعظ شهیر حاج آقا رضا بن علینقی بن العلامة المولی رضا الهمدانی نزیل طهران در حدود سنة ۱۳۲۴ در اول طبع شده و در مقدمه طبع ترجمه احوال و تصانیفش مذکور و در آخر کتاب قصیده فارسیه در مدح حضرت امیر صلوات الله علیه ثبت شده .

ایضاً (ج ۴) (ص ۴۴) تربیع الشیخین تالیف حاج میرزا محمد رضا بن علینقی الهمدانی الطهرانی المتوفی ۱۳۱۸ سنة ۱۳۱۸ هو ملقب کتاب السیف المسلول فی رد الشیخیه مثل کتابه تثنیة الثلاثه .

مصنفات حاج آقا رضا واعظ همدانی

ایضاً (ج ۳) (ص ۴۴۶) تثنیة الثلثه تالیف واعظ کامل حاج میرزا محمد رضا همدانی نزیل طهران

والمتوفی بها سنة ۱۳۱۸ جنازه اش را از منزلش بر سر و دوش بمشهد سید ناعبد العظیم الحسنی علیه السلام حمل داده در جوار آن بزرگوار دفن کردند انتهی.

واجمالی از احوال سعادت اشتمال آن واعظ یگانه و دانشمند فرزانه در این وجیزهٔ شریفه در ذیل ترجمهٔ مرحوم آیة الله حاج میرزا حبیب الله رشتی قدس سره المتوفی سنة ۱۳۱۲ مذکور است.

واعظ کرمانی صاحب انیس النفس

## (۳۹) (حاج شیخ نظر علی واعظ کرمانی صاحب انیس النفس و جمال الأمة وغیرهما)

الذریعة (ج ۲) (ص ۴۶۲) انیس النفس فی المواعظ والأخلاق تألیف شیخ نظر علی بن اسمعیل الشریف الواعظ الکرمانی الحائری المتوفی سنة ۱۳۴۸ در سنة ۱۳۲۸ تألیف و ثانیا سنة ۱۳۵۶ در نجف طبع شده.

مؤلفات شیخ نظر علی

ایضا (ج ۳) (ص ۴۲۲) تحفة الاولاد فارسی در نصایح مناسب بشأن تألیف ملا نظر علی ابن اسمعیل الشریف الکرمانی الحائری الواعظ در آخر کتاب خود انیس النفس المطبوع این کتاب را نیز از تصانیف خود شمرده.

ایضا (ج ۳) (ص ۱۰۷) بستان الناظرین و حدیقة العارفین شبیه کشکول تألیف واعظ معاصر شیخ نظر علی کرمانی حائری در فهرست تصانیف خود ذکر کرده.

ایضا (ج ۵) (ص ۱۲۹) جلیس النفس فی بعض الحکایات جلیس الواعظین و انیس الذاکرین هو فارسی از تألیفات واعظ معاصر حاج شیخ نظر علی بن حاج اسمعیل کرمانی حائری و کتاب دوم در قصص انبیاء و مرسلین علیهم السلام است.

ایضا (ج ۲) (ص ۵۰۶) ایقاظ الواعظین و تنبیه المستمعین فارسی تألیف شیخ نظر علی واعظ کرمانی حائری.

ایضا (ج ۵) (ص ۱۲۹) جمال الأمة فی فضل الصلوات علی النبی والائمة صلوات الله علیهم اجمعین فارسی ایضا تألیف شیخ نظر علی واعظ رحمه الله است.

سید جمال الدین واعظ یزدی حائری

## (۴۰) (سید جمال الدین محمد واعظ یزدی حائری صاحب تحفة الأنام واخبار الأوائل وغیرهما)

الذریعة (ج ۳) (ص ۴۲۱) تحفة الأنام فی شرح وقایع الأیام تألیف سید جمال الدین محمد بن الحسین الواعظ المعاصر یزدی حائری طباطبائی المتوفی حدود سنة ۱۳۱۳ از او در آخر کتاب خود اخبار الأوائل که طبع شده مذکور است.





ایضا (ج ۴) (ص ۱۵۵) ترجمة السید حسین بن مرتضی الطباطبائی الیزدی الحائری الواعظ المتوفی فی ۱۴ محرم سنة ۱۳۰۷ تألیف نجل او سید جمال الدین محمد مؤلف اخبار الأوائل مطبوع که فهرست تصانیف خود را در آن ذکر کرده.

مؤلفات سید جمال الدین

ایضا (ج ۴) (ص ۴۹) تذکرة المصنفین و ترجمة المؤلفین من العلماء والفضلاء تألیف سید جمال الدین محمد بن حسین بن مرتضی الواعظ الطباطبائی الیزدی الحائری از او در آخر کتاب خود اخبار الأوائل در فهرست مطبوع از تصانیف خود شمرده.

ایضا (ج ۳) (ص ۳۷) بحر الحقائق و کشف الدقائق تألیف سید جمال الدین محمد واعظ در آخر اخبار الأوائل گفته که آن دیوان اشعار اوست.

ایضا (ص ۵۵) بدایع الکلام فیمن فاز بلقاء الامام علیه السلام تألیف واعظ معاصر سید جمال الدین محمد در پشت کتاب خود اخبار الأوائل که سنة ۱۳۱۲ طبع شده در فهرست کتب خویش ذکر کرده و در این موضوع است کتاب بهجة الأولیاء و تبصرة الولی و جنة المأوی انتهی و نجم ثاقب و دار السلام عراقی.

ملا احمد واعظ یزدی

## (۴۱) (ملا احمد واعظ یزدی مشهدی صاحب الباقیات الصالحات و نواصیص العجب وغیرهما)

الذریعة (ج ۳) (ص ۱۱) الباقیات الصالحات تألیف ملا احمد بن حسن یزدی مشهدی واعظ متوفی در مشهد حدود سنة ۱۳۱۰ از او با جملهٔ از تصانیف کثیره اش در اول کتاب نواصیص العجب ذکر کرده و گفته است که آن کتاب کبیری است در دو مجلد و از آثار باقیات اوست که تمام مجلدات بحار الانوار را بخط خود نوشته و بخزانهٔ مبارکهٔ رضویه وقف کرده.

ایضا (ج ۳) (ص ۳۹) بحر الدموع مقتل فارسی تألیف ملا احمد واعظ یزدی نزیل مشهد رضوی از او در کتاب خود نواصیص العجب که طبع شده ذکر کرده است.

ایضا (ص ۸۰) براهین الخواص تألیف واعظ کامل معاصر ملا احمد یزدی در کتاب نواصیص گوید که آن کتاب کبیری است در دو مجلد مثل باقیات صالحات.

حاج میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی

## (۴۲) (حاج میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی صاحب براهین الباهرة و امان الخائفین وغیرهما)

الذریعة (ج ۳) (ص ۷۹) البراهین الباهرة فی ذم الدنیا ومدح الآخرة تألیف امین الواعظین میرزا ابراهیم بن محمد علی تاجر اصفهانی المولود سنه ۱۲۷۵ والمتوفی حدود سنه ۱۳۴۹ فارسی مرتب بر صد مجلس در مواعظ واخلاق وترغیب وترهیب وآن کتابی است نافع بوعاظ وعازم بر طبعش بود ولی اجل مهلت نداد وامان الخائفین وغیره نیز از تألیفات اوست . ❋

ایضاً (ج ۲) (ص ۳۴۴) امان الخائفین فارسی در امامت تألیف امین الواعظین حاج میرزا ابراهیم اصفهانی وله روح العالمین فی التوحید وطریقة الحق فی النبوة وتحفة المعاد فیه . ❋

ایضاً (ج ۳) (ص ۴۷۰) تحفة المعاد للعباد فارسی در اثبات معاد تألیف حاج میرزا ابراهیم امین الواعظین اصفهانی . ❋

## (۴۳) سید محمد باقر حسینی ملقب بفخر الواعظین خلخالی صاحب جنات ثمانیة

الذریعة (ج ۵) (ص ۱۵۰) جنات ثمانیه فارسی در تواریخ بقاع متبرکه وآن هشت بقعه است ۱ مکه ۲ المدینه ۳ قدس الخلیل ۴ النجف ۵ کربلا ۶ کاظمین ۷ سامراء ۸ مشهد خراسان وخاتمه در بلده قم قرار داده قریب پانزده هزار بیت تألیف سید محمد باقر حسینی ملقب بفخر الواعظین خلخالی نزیل مشهد رضوی سنه ۱۳۲۷ شروع وسنه ۱۳۳۱ فارغ ونسخه بخط مؤلف مشتمل بر چهار صد وسه ورق که مؤلف در سنه فراغ وقف کرده در خزانه رضویه چنانکه در فهرست کتابخانه (ج ۳) (ص ۲۸) موجود است وهشت بهشت متعدد مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی . ❋

## (۴۴) آقا شیخ محمد صدر الواعظین طهرانی صاحب بصیرة الانام

الذریعة (ج ۳) (ص ۱۲۶) بصیرة الانام فی حقایق الاسلام فارسی در دو مجلد تألیف شیخ محمد ملقب بصدر الواعظین طهرانی ابن آقا محمد باقر صدر الدین جواهری معاصر مولود در حدود سنه ۱۳۲۲ .

## (۴۵) ملا حسین واعظ جمی صاحب جام جم فی آثار العجم

الذریعة (ج ۵) (ص ۲۳) جام جم فی آثار العجم مجلد کبیر شبیه کشکول تألیف شیخ واعظ ملا حسین بن محمد جمی منسوب بقریه جم وزر میان ان وسیراف چهار فرسخ فاصله معروف وملقب در شعر خود بفاضل جم المتوفی فی ۲۵ ذی الحجه ۱۳۱۹ در آن کتاب فواید علمیه وتاریخیه مذکور من جمله





تواریخ سیراف که الیوم معروف به بندر طاهری است وآثار عتیقه آنجا مثل مسجد مکه در جبل بنا شده وغیر آن مسطور ونسخه بخط مؤلف نزد صدیقنا الصفی الشفیق شیخ محمد شفیع جمی موجود است ❋

## (۴۶) آقا سید کاظم واعظ حیدری کاظمی رحمة الله علیه

الذریعة (ج ۳) (ص ۲۳۶) تاریخ اول یوم من المحرم وما وقع فیه من اول خلق الدنیا الی العصر المؤلف فی مجلدین حافظ مورخ واعظ جلیل سید کاظم حیدری کاظمی المتوفی بالنجف سنه زیاده از هزار وسیصد سال هجری در وقایع روز اول محرم بفرزند نوجوان فاضل خود سید علی دو مجلد املاء کرده وپسرش نوشته واین دو مجلد را سید مشایخنا العلامة ابو محمد الحسن صدر الدین دیده بود وفرمود که بر پسر این کور شکفته بود بعد از ذهاب بصرش که من میخواهم تاریخ دنیا را بتو املاء کنم وتو بنویسی پس اگر میخواهی املاء کنم بعنوان ایام هفته باین نحو که بگویم آنچه در هر روزی از ایام هفته از اول دنیا الی یومنا واقع شده یا بعنوان ایام شهور پسرش دوم را اختیار کرده پس باملاء وقایع روز اول محرم شروع نموده ومیگفت که فقط ممکن است وقایع این روز در ده مجلد تمام بشود ولی بعد از اتمام مجلدین قلم تقدیر بوفات پسرش جاری شد وقلبش خشک بید بمصیبت پسر مبتلا شد وعزمش ضعیف گشت ووفات یافت . ❋

## (۴۷) حاج میرزا موسی آقا تبریزی فرزند حاج میرزا جعفر رضوان الله علیهما

ریحانة الادب فی المعروفین بالکنیة او اللقب (ج ۱) (ص ۲۰۴) گوید : عالمی بود فقیه اصولی زاهد متقی واز شاگردان شیخ مرتضی انصاری وحاج سید حسین کوه کمری بوده ❋

واز تألیفات اوست (۱) اوثق الوسائل فی شرح الرسائل که در سال ۱۳۰۲ هجری در تبریز چاپ شده وبهترین شرحهای رسائل استادش شیخ انصاری ومحل استفاده متبحرین میباشد . ❋

(۲) حاشیه قوانین الاصول که در حواشی بعضی از چاپهای خود قوانین چاپ شده است ودر سال هزار وسیصد وهفت هجری ۱۳۰۷ در تبریز وفات یافت . ❋

## (۴۸) رئیس المتألهین میرزا ابوالحسن حکیم متخلص به جلوه

نامه دانشوران ناصری (ج ۱) میرزا ابوالحسن حکیم متخلص به جلوه ابن محمد طباطبائی سید جلیل الشأن عالی عظیم المکان فاضل فصیح البیان واز حکمای بی مانند زمان وصاحب زهد وتقوی است

مجلس مرجع خاص و عام و مدرسش مجمع فضلای ایام است .

اکنون که سال دویست و نود و چهار هجری است در دار الخلافه طهران بتدریس علوم حکمیه مشغول هر روزه در حوزهٔ ایشان بجهت تلمذ گروهی از طلاب و فضلاء گرد آیند و همواره مواظب تحصیل علوم الهی و طبیعی و ریاضی هستند و اشعاری که در بدایت حال گفته‌اند بقدری فصیح و ملیح است که بلغاء زمان و قدماء و فصحاء دوران بحیرت کمتر دست دهد تخلص ایشان در شعر جلوه و در تذکرهٔ هام اشعار ایشان ضبط است چون مولد و منشأ و کلیهٔ شرح حال خود را بتفصیل نوشته و خدمت ملکزادهٔ دانشمند وزیر علوم اعتضاد السلطنه فرستاده اند همان بعینه نقل میشود و آن این است :

شرح حالات این اقل السادات ابو الحسن بن سید محمد الطباطبائی بر این طریق است :

مرحوم والدم که در علم طب ماهر بود و در فنون شاعری قادر چنانچه مرحوم فاضل خان گروسی در انجمن خاقان که احوال شعرای متأخرین از معاصرین خود را مینویسد شرح حال او را ذکر متخلص بمظهر بطریق اختصار نوشته است :

و من در احمد آباد گجرات در ذیقعدهٔ سنه هزار و دویست و سی و هشت متولد شدم و صاحب وسائل شیخ حر عاملی ره در وسائل جد اعلای مرا که میرزا رفیع الدین محمد معروف به نائینی است و صاحب تصانیف بسیار که از آنجمله حواشی بر اصول کافی است و الآن بقعه‌اش در تخت فولاد اصفهان مزار عام و خاص است در عداد مشایخ اجازهٔ خود میشمارد .

و الآن که سنهٔ هزار و دویست و نود و چهار است بیست و یکسال است که در طهرانم و چون دانستم که تصنیف تازه صعب بلکه غیر ممکن جز مستقلی ننوشتم ولی حواشی بسیار بر حکمت متعالیه که معروف باسفار است و غیره نوشته‌ام و اکنون در دست بعضی از طلاب است و محل انتفاع .

و ابتدای یا از روی فطرت یا اضطرار قناعت را پیش نهاد خود کردم و از من تقاضای تحریراً و تقریراً بظهور نرسید و بی دعوت اگرچه دوستان مشتاق بودند نرفتم بالفعل اکثر طلاب از شهرهای مختلف که میل بمعقول دارند گرد من جمعند هر جمعی بخیالی برخی محض امور حق اصطلاح و طایفه‌ای بجهت آراستن مجالس و شرذمه بجهة صداقت و ساده لوحی ثلة من الاولین و قلیل من الآخرین :

هر کسی از ظن خود شد یار من — وز درون من نجست اسرار من

(و این اشعار از اوست در محل حادث بودن دنیا)

خویش نشناسی ای فرو شده در تن — تن هلا این غفلت دراز برا کن









چند نمائی که تو منی بنه این ریو — ای تن خاکی که نیستی تو همی من
چرخ بدست قضا فلاخن گردان — خلق بد و در میان سنگ فلاخن
دلک در این غمکده نگردد شادان — خواه بگلشن خرام و خواه بگلخن
مهبط احجار این فلاخن نیلی — کس بر ندانند بغیر ایزد ذو المن
گردون چون هاون است کو به حوادث — نرم شدم اندر این مطبق هاون
ذره از مهر این جهان سر زاهست — رمزی از این زان حدیث عیسی سوزن
باطنت از تیره ظاهری عملت هیچ — گنده بغل را چه سود عنبر و لادن
زامن تو قدسیان بر لا ابر بگیرند — گر تو برین خاکیان گشائی دامن

**ریحانة الادب** (ج ۱) (ص ۲۷۳) جلوه سید ابو الحسن بن سید محمد طباطبائی اصفهانی زواره‌ای نزیل طهران معروف بمیرزای جلوه که در اشعارش به جلوه تخلص میکرده از اکابر فلاسفهٔ اسلامی از احفاد سید الحکماء والمتألهین میرزا رفیع الدین نائینی استاد علامهٔ مجلسی است و در اصفهان تحصیل مراتب علمیه نموده و بیشتر از اوقات خود را در علم معقول مصروف داشته و اخیراً به طهران رفته و در مدرسهٔ دار الشفاء اقامت گزیده و چهل و یکسال در آنجا بتدریس فنون حکمیه خصوصاً کتابهای شیخ ابو علی سینا و ملا صدرا پرداخته و ناصر الدین شاه قاجار نیز بهره‌ها از او برده و دیدار میکرده است تا آنکه در شب جمعه ششم ذیقعدهٔ سال هزار و سیصد و چهارده از هجرت (۱۳۱۴ هـ قمری) در همانجا وفات و با احترامات فائقه در جوار صدوق ابن بابویه قمی مدفون و قبرش فعلاً در یکی از حجرات باغ آنجا معروف .

**و از تألیفات اوست** (۱) اثبات الحرکة الجوهریة که در سال ۱۳۱۳ هـ در حاشیهٔ شرح هدایهٔ صدرا چاپ شده است (۲) حواشی بسیاری بر اسفار ملاصدرا که محل استفادهٔ اهل فن است (۳) دیوان اشعار که نیز در طهران چاپ شده (۴) ربط الحادث بالقدیم که در حاشیهٔ شرح هدایهٔ اثیریهٔ صدرا در ۱۳۱۳ هـ در طهران چاپ شده .

**(و از اشعار اوست :)**

در نبودن رفیق موافق و مکافاتخانه بودن دنیا و طلب حسن عاقبت .

چون شد که در این غمکده یک همنفسی نیست — از هم نفسان بگذر و از اصل کسی نیست
بازار جهان جمله جزا این و مکافات — غافل بجهان گفت که اینجا عسسی نیست
جز رفتن از این مرحله با مژدهٔ رحمت — زانا است خدا در دل جلوه هوسی نیست

و در تمام عمر خود زن نکرده . ☀

**مؤلف گوید** : که احقر در سفر اول ارض اقدس علی ساکنها الاف التحیة والثناء در طهران سنهٔ ۱۳۱۲ هجری بدیدار فیض آثار این حکیم فرزانه و دانشمند یگانه مشرف شدم طرف عصر بود بمدرس معظم له که در مدرسه بود و منزل و اقامتش هم در آنجا میبوده . و گفتند رجال دولت و امناء مملکت و میرزا علی اصغرخان صدر اعظم اتابک و وجوه و اعیان سایر طبقات در همان مدرس بحضورش مشرف میشوند و صحبتش را مغتنم میشمارند وارد شدم جمعی از متکلمین حکماء و مبرزین علماء حاضر و منتظر بودند حقیر نیز بحلقهٔ اهل دانش داخل شده نشستم در این بین از اندرون مدرس با شبکلاه بدون عمامه و عبا باکوث خلوت تشریف آورده و نشست و ابداً متعهد رسمی و تعارف و احوال پرسی از کسی نکرده از خارج مطلبی از حکمت عنوان فرموده در تضاعیف بیانات خود اشعار رغاریه شواهد مقالات آورده تا بنقر بی کلام بودن نوشیروان در آتش جهنم و معذب نشدن وی انجامید قبول نفرموده و رد نمود و که رد ایشان مردود و استبعاد محض است در قدرت قادر متعال و حکمت حکیم علی الاطلاق همان پروردگار ذو الجلال است که با آتش نمرود بآن عظمت خطاب فرمود یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم کدام حکمت مانع است که چنین خطاب با آتش نوشیروان عادل نیز برسد . ☀

## (علاوه اخبار معتبره در اینباب وارد شده)

**در لئالی الاخبار** : از حضرت ابو جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود مؤمنی در مملکت ملک جباری بود از تعدی او بدار شرک گریخته فنزل برجل من اهل الشرک فاظله وارفقه واضافه و بر مشرک پناه او داد و اکرام نموده مهمان کرد و چون زمان وفات آن مشرک رسید خداوند بروی خطاب فرمود و عزتی و جلالی لو کان لک فی جنتی مسکن لاسکنتک فیها ولکنها محرمة علی من مات بی مشرکا بعزت و جلال خودم قسم که اگر در بهشت مسکنی از برای تو بود ترا ساکن مینمودم ولی بهشت حرامست بر کسیکه با شرک بمیرد ولکن یا نار خذیه ولا تؤذیه ویؤتی برزقه طرفی النهار ولی ای آتش بگیر او را و اذیت مرسان و رزق او در صبح و شام باو میرسد . زاو عرض کرد از بهشت فرمود من حیث شاء الله از جائیکه خدا خواسته . ☀

**مرحوم تویسرکانی گوید** : وقال فی زهر الربیع بعد نقل هذه القصة واسناد الامر الی ضیافة لیلة واحدة واکثار من خدمته فیها و صرفنا الخطاب من الله الی مالک بمثل مامر که در زهر الربیع بعد از نقل این قصه و روایت ضیافت یکشب و کثرت خدمت مرد مشرک زاو رسیدن خطاب بمالک جهنم بمثل آنچه گذشت گوید وکذلک ورد فی خال الملک العادل انوشیروان جزاء لعدله وفی حاتم ایضا ثوابا لکرمه و همین طور وارد شده





در خال ملک عادل انوشیروان در جزای عدلش و در خال حاتم نیز در جزاء کرمش یعنی هر دو مثل آن مرد مشرک در جهنم هستند ولی هیچ یک معذب نیستند . ☀

## (۴۹) آقا سید محمد تنکابنی صاحب ایضاح الفرائد وغیره

**صاحب عنوان** علیه رحمة الله الملک المنان در خاتمهٔ کتاب مذکور شرح مفصلی در ترجمه و ادوار زندگانی خود مرقوم فرموده ولی غرض ما باین نخواست که می نگاریم : ☀

**میفرماید** که من در سنهٔ ۱۲۷۷ در قریهٔ از قراء تنکابن متولد شده ام در هفت سالگی در مکتب بکاه قرآن مجید را تعلم کردم و بعد از تحصیل کتب فارسیه و عربیه و شرح لمعه و قوانین در بیست یک سالگی بقزوین مسافرت و پس از دو سال مکث در آنجا والد مرحوم بمسافرت طهران برای تحصیل علوم مرا امر فرمود من بسوی مقصد حرکت و بعد از ورود بطهران در مدرسهٔ شیخ عبد الحسین ره منزل کردیم و فردا بعد یوم الورود تشرف الی خدمة العلامة افضل علماء المرکز الجناب المستطاب صاحب البیان الحسن والاخلاق المرضیة المحقق المدقق البارع الحاج میرزا حسن الآشتیانی قدس الله نفسه الزکیة و فردای روز ورود بخدمت مرحوم علامه ... حاج میرزا حسن آشتیانی ره مشرف شدم و حضور من بمحضر شریفش بتدریس او مسئله لا ضرر از کتاب فرائد الاصول تصادف نمود و اذا رأیت ثم رأیت نعیما وملکا کبیرا ومن ظن میکنم که اگر مرحوم شیخ مرتضی الانصاری قدس سره زنده میبود تقدیر و تصدیق میکرد که بیانات او فی ازبیانش و تقریری اکمل از تقریرش نمیشود و فضلاء که بتدریسش حاضر بودند مرا در این باب تصدیق میکنند و دلیل بدین امر بیان اوست مطالب مصنف ره را در حاشیهٔ کبیره و آن مرحوم مواظب طاعات و عبادات و نماز شب و زیارت عاشوراء در جمیع اوقات عمرش و زیارت جامعهٔ کبیره در شبها و مجد در نشر علوم و تالیف کتب و جواب استفتاءات بودند و برای ایشان کتب و رسائلی هست منها الحاشیة الطویلة المسماة بحر الفوائد فی شرح الفرائد که در آن بغایات توضیحات و تدقیقات و تنبیهات و تحقیقات رسیده هر که بخواهد مراجعه بنماید بلکه آنچه من نوشته ام قطره ایست از بحار فوائدش و بنده از تمام مطالب ماویش و منها رسالة ازاحة الشکوک فی اللباس المشکوک الی ان قال که مدت استفاده و حضور مجلس بحثش اصولا و فروعا فقها و اصولا پانزده سال بلکه بیشتر بوده . ☀

**و در خلال این احوال** بمجلس بحث جناب مستطاب محیط علم معقول آقا میرزا ابو الحسن جلوه نیز که در مدرسهٔ دار الشفاء بود قریب هشت سال حاضر میبودم و نزد وی شوارق و شرح فصوص و زیاده از نصف اسفار اربعه و تمام طبیعیات شفاء و بعضی از الهیات آنرا خواندم

وسلطان ناصر الدین شاه مرحوم در همان مدرسه اخبار تا بر ناد تش تشریف میاوردند و علم حساب و نجوم وهیئت و هندسه و غیر اینها را نزد میرزا جهان بخش و آقا میرزا حسین سبزواری و علوم شرعیه را برهه از زمان خدمت مرحوم آقا میرزا عبد الرحیم نهاوندی تحصیل کردم .

وبرای ابتلاء خود بفاقه شدیده و فقر مدقع بحضرات ائمه اطهار علیهم السلام خصوص بحضرت امیر صلوات الله علیه متوسل شدم پس آنحضرت را در عالم منام بحال موحشی و هیئت غریبه بی عمامه و رداء دیدم که ابتداء بموعظه حسنه نموده فرمود انّ حقوقنا قد غصبت ولیس لنا من مال الدنیا شیء اشتری به عمامة ورداء حق ما را غصب کرده اند و ما را از مال دنیا چیزی نیست که عمامه و ردائی بگیریم و غرض آن بزرگوار نصیحت و موعظه بود از برای من .

تا آنجا که میفرماید : من از اول شباب الی الآن بامراض مزمنه متصله مبتلا هستم ولی بحمد الله فتوری در تدریس و مباحثه از برای داعی طاری نشده و در مدت سی سال بلکه زیاده از مجالس بحثم قریب هزار فاضل مجتهد یا قریب باجتهاد و مروج شرع و مؤید دین و محیی آثار سید المرسلین و اولاد طاهرین آن بزرگوار باطراف عالم منتشر شده اند و امید دارم که خداوند مرا بصالح دعوات ایشان شریک و از حسنات ایشان نصیبی عنایت فرماید .

## حفظ کردن صاحب عنوان قرآن مجید را

ایضاً گوید : که من در چهل و دو سالگی اراده کردم که قرآن مجید ربانی را حفظ کنم تا در عالم برزخ چراغ و از شدائد و اهوال قیامت سبب نجاتی باشد و این عزم من با وجود موانع و فقدان مقتضیات اشتغال بمباحثات علمیه و تالیفات بود دیگر بحول و قوة الهی بحفظ قرآن کریم استعانت جستم بعد از مدت کثیره باین نعمت عظیمه فایز و نایل گشتم . وَالحمدُ لله کما هو اهلهُ ومستحقهُ وکما ینبغی لکرمِ وجهِهِ وعزِّ جلالِهِ

وایضاً میفرماید : که غالب طایفه جلیله ما از اهل علم و ورع و عبادت بودند .

والد ماجدم آقا سید محمد تقی از اهل علم و عبادت و از تلامذه اعلم علماء قزوین زاهد عابد مفضال آقا سید علی قزوینی رحمه الله که صاحب الحاشیة المتقنة المحکمة علی القوانین و مروج و متعصب در مذهب حق امامیه و صاحب کرامات و مقامات فاخره بودند بود .

وعموی زاهد عابد منزه معرض از دنیا غیر مکترث بزخارف آن آقا سید مرتضی نیز از اهل علم و ورع بود

وجد مادری ام آقا سید هاشم تنکابنی نزیل قزوین از عظماء علماء قزوین بود و در مسافرت اعتاب مقدسه با جمعی از علماء قزوین که از آنجمله مرحوم حاج ملا محمد تقی برغانی شهید ثالث طاب ثراه بود





در بغداد با ابن الوسی اعلم علماء عامه در مسئله امامت مجادله کرده با وضع وجهی مغلوب و مفحم نموده .

## مؤلفات صاحب عنوان علیه رحمة الله الملك المنان

در آخر خاتمه گوید : ثم انّ للفقیر مؤلفات منها هذا الکتاب المستطاب المسمی بایضاح الفرائد را از آنجمله مقتل مختصری بعربی و فارسی و رساله مختصره در باب عقل که از نقل اقوال و مسالك در این مقصد بغایت رسیده و مرکب از عربی و فارسی که باقتضاء مرحوم سلطان الحکماء تالیف کرده ام و حواشی غیر مدونه بمجلد اول ریاض و حواشی غیر مدونه بمکاسب مرحوم شیخ مرتضی الانصاری .

وگوید ختم تحریر این جمله در ۲۰ شهر جمادی الاولی از ۱۳۵۹ واقع گردید .

ودر حاشیه همین کتاب مسطور است که آن مرحوم بعد از تالیف این کتاب و تحریر این جمله بیست روز عمر کرده در قریه دماوند از مضافات طهران روز سه شنبه دهم جمادی الآخره ۱۳۵۹ برحمت حق پیوست قدس الله روحه الزکی وحشره مع موالیه محمد وآله الطاهرین .

بعد جنازه شریفش را بابن بابویه نقل کرده در جوار صدوق قدس سره دفن کردند .

## نقل فایده مهمه از ایضاح الفرائد آقا سید محمد تنکابنی طاب ثراه

تسمیة شخص واحد به پنج اسم هر یك باعتباری در مقدمه کتاب مذکور گوید

وقال قدس سره (ای الوحید البهبهانی) فی فوائده الجدیدة المجتهد والفقیه والمفتی والقاضی وحاکم الشرع المنصوب عبارة الآن عن شخص واحد لانه بالقیاس الی الاحکام الشرعیة الواقعیة یسمی مجتهدا لما عرفت من انسداد باب العلم وبالقیاس الی الاحکام الظاهریة یسمی فقیها لما عرفت من کونه عالما بها علی سبیل الیقین وبالقیاس الی انه یفتی یسمی مفتیا وباعتبار انه یرفع خصومة المترافعین الیه یسمی قاضیا ومع قطع النظر عن الترافع یسمی حاکم الشرع بالنسبة الی ولایة الایتام والغائبین وغیر ذلك مما لا یحصی کثرة ومذکورة فی الفقه وبالقیاس الی شرائط الاجتهاد یسمی متکلما ومحدثا واصولیا ورجالیا الی غیر ذلك

## (۵۰) آقا میرزا محمود اصولی تبریزی رحمه الله

هو المولی المیرزا محمود بن محمد الخوئی التبریزی الشهیر بالاصولی .

آن مرحوم عالم فاضل متبحر فقیه اصولی متکلم علامه ربانی مجاهد در دفع شبهات مناظر در دفع ضلالات منزلش مجمع فضلاء و محط رحال علماء از اتقیاء و اورع مردم صاحب ... اصولیین ...

بالأصول . ❋

**ولادتش** : در حدود ۱۲۳۰ و وفاتش در تبریز سنه ۱۳۱۴ بعد از بحث علامه انصاری قدس سره سنین عدیده

له مصنفات نفیسة منها مشارق الاصول المتعلقة بالقوانین وبعض الفصول سنه ۱۳۱۲ بطبع رسیده

قيل كشف فيه عن غوامض اسراره وتحقيق حقايقه وتدقيق تأويله ما لم يسبق اليه احد . ❋

گفته اند که در آن کتاب از غوامض اسرار قوانین و تحقیق حقایق و تدقیق تأویلش کشف کرده آنچه را

که احدی بر وی سبقت نگرفته چنانچه خودش در خطبه آن باین مطلب تصریح نموده بعد از آنکه کتاب قوانین

را وصف کرده باینکه احسن کتب است طبعاً وارغب آنها نزد اهل علم وضعاً واصعب آنها اخذاً گوید :

فهممت ان اكتب تعليقة مميزة لمحكماته من متشابهاته ومفصلة بين بيناته ومجملاته مقيدة لاطلاقاته

ومخصصة لعموماته كاشفة عن وجهه استار المتشابه والخفا دافعة عن طرفه ظلمة نسبة الغفلة والخطا

سميتها بمشارق الاصول المتعلقة بالقوانين وبعض الفصول . ❋

اراده کردم که تعلیقه بر وی بنویسم که محکمات آنرا از متشابهات ممیز و واضحات آنرا از مجملات مفصل

و مطلقات را مقید و عمومات را مخصص و استار متشابه و خفا را از روی آن کاشف و ظلمت نسبت غفلت

و خطا را از طرف آن دافع باشد و موسوم نمودم آنرا به مشارق الاصول وبعض الفصول . ❋

**❋( وازجمله تصنیفاتش کتاب تأملیات است )❋**

**الذريعة** (ج ۳) (ص ۳۰۲) التأمليات في بيان وجه التأملات الواقعة في بعض المسائل تصنيف

شیخ محمود بن محمد خوئی تبریزی مؤلف مشارق الاصول و با مشارق سنه ۱۳۱۲ طبع شده از اول آن تا مباحث

نجاسات و در اواخر سنه سیصد از وی فارغ شده . ❋

**❋( وازجمله المقالات التوحيدية في الاصول الخمسة منظومة فارسية )❋**

زیاده از پانصد و بیست بیت است سنه ۱۳۰۶ طبع شده ❋ ( اولش این است : ) ❋

| حمد بحد شکر بی پایان من<br>**وده بیان عالم** | بر خداوند قدیم ذو المنن<br>دائماً لیل و نهار و صبح و شام | بر نبی و آل و اولیاء اسلام<br>**برزخ گوید** |
|---|---|---|
| عالم برزخ صحیح است و مبین<br>از فیوضات الهی غافلی<br>این مثالی را تو نوع جسم دان<br>از معاد بعث انسان دور منم | بر وجودش آمده نص مبین<br>روح بر جسم مثالی راکب است<br>از رها اخبار و نص صادقان<br>زانکه از ارکان دین آمد یقین | روح را آنجا باشد فرقتی<br>بر افاضات الهی طالب است<br>بعد از این خواهم زعقبی رمز تم<br>مطرح نظار کآن است این معاد |





| خارج از دین میشود من ارکه | بلحد میشود من اوله |
|---|---|

**(۵۱) ❋ حاج میرزا حبیب الله خوئی ره ❋**

**❋( صاحب کتاب منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة )❋**

در پشت مجلد اول کتاب مذکور بعد از خطبه مختصر مسطور است : ❋

فيقول الحاج الموسوي الله هاشمي الهاشمي الخوئي اصلاً والرازي موطناً : ان كتاب نهج البلاغة الذي

جمعه فخر الاشراف من آل هاشم وعبد مناف العلم العلامة والنحرير الفهامة شمس فلك الفصاحة وقطب

دائرة البلاغة الشريف الرضي احله الله محل الكرامة واسكنه دار السلامة كتاب في الافاق تلو الفرقان

لكونه مواعظ امير المؤمنين عليه السلام وكلماته المشهورة على لسان المسلمين المشتملة على اثبات الصانع واظهار

البدايع والتوحيد بالبرهان القاطع والبيان النافع والحكمة والموعظة الحسنة والقصص والامثال فان

خطبه وان لم تكن بالغة حد الاعجاز لكن لخلوها عن الاطناب والايجاز نالت مرتبة الاعجاز فذهب من كل مذهب

علماء الاسلام لتصنيف شرح واف وتفسير شاف يوضح مشكلاتها ويبين مجملاتها ومعضلاتها من كتابها و

استعانتها من القدماء والمتأخرين من العرب والعجم حتى ابن ابي الحديد وابن ميثم ولم يأتوا بما يروي الغليل

ويشفي العليل بانه لم يتصد منهم احد في بذل جهده وجده الى هذا الزمان الذي من الله على المسلمين بعلم

الاعلام وثقة الاسلام اديب الانام وفقيه اهل البيت عليهم السلام فخر المحققين ونجم المجتهدين العلوي

الفاطمي الموسوي الحاج الاواه الميرزا حبيب الله الخوئي ادركه الله مناه فانه شمر ذيله بالروح والريحان لاتمام العمل

في شرحه هذا المسمى بمنهاج البراعة في شرح نهج البلاغة الخ . ❋

ومرحوم شارح قدس سره در مقدمه کتاب پس از خطبه میفرماید وبعد فيقول العبد المشتاق الى رحمة

ربه الغني حبيب الله بن محمد بن هاشم الهاشمي العلوي الموسوي الخوئي الاذربيجاني و پس از وصف حمد

و تمجید شریف رضی و تجلیل کتاب نهج البلاغة گوید : ❋

**❋( ولنعم ما قيل : )❋**

| نهج البلاغة نهج العلم والعمل | فاسلكه يا صاح تبلغ غاية الأمل |
|---|---|
| كفى بمن حكم بالحق محكمة | فهي القلوب ومن حكم ومن مثل |
| ألفاظه درر أغنت بحليتها | أهل الفضائل عن حلي وعن حلل |

| | |
|---|---|
| ومن مغانیها انوار الهدی سطعت | فانجاب عنها ظلام الزیغ والزلل |
| وکیف لا وهو نهج طاب منهجه | اهدی الیه امیر المؤمنین علی ع |

**واین کتاب مستطاب** بین علماء امصار وفضلاء اعصار مثل اشتهار شمس در رابعة النهار مشهور است وجمعی از اولوا الالباب او را شرح کرده اند ولی پوست ومغز او را تمیز نداده اند پس ایشان مثل حمال شب باسر کرده سواره وپیاده بوده اند .

**ازجملهٔ ایشان** شیخ سعید الدین هبة الله القطب الراوندی قدس سره است که تا حال بآن شرح واقف نشده ام وشارح معتزلی احیانا در تضاعیف شرحش از آن نقل مینماید وشاید اخذ نکرده از آن مگر قلیلی بدون تحقیق وتفصیل .

**واز انجمله** فاضل بارع ادیب عز الدین عبد الحمید بن ابی الحدید المعتزلی البغدادی است که در سنه ششصد وچهل وزیاده شرح داده واز ابسط شروح است الا اینکه در نظر ناقد بصیر ومتتبع خبیر جسدی است بلا روح زیرا که در آن شرح بنا بر خود تفویت داده وانچه را که نفهمیده وهمتش از آن قاصر شده ترک نموده چه که اکثر اکتفا کرده بتفسیر غرایب الفاظ وانچه زعم کرده مشکل است را از نحو وصرف واشتقاق وغیر اینها از چیزهای که دور میکند بر پوست نه مغز ودر ذکر قصص وحکایات وامثال وانساب ومناسبات اطناب داده در آنچه فایدهٔ کثیره نیست در شرح کتاب وآن وظیفهٔ اصحاب تواریخ وسیر است نه اهل درایات واثر ومع ذلک ای کاش بدین قناعت میکرد وجرئت نمیکرد بر خدا ونه متعال وبمقتضای رای فاسد ونظر کاسد خودش کلام ولی الله صلوات الله علیه را تاویل نمیکرد پس بجهت فساد اعتقاد وانحراف از منهج ارشاد با مسلک عصبیت وعناد مشی کرده ودر شرح خطبی که متضمن احتجاج است لجاج زیادی ورزیده وکلمات شریفهٔ آن حضرت را که مسوق است در اظهار تظلم وشکایت از غاصبین خلافت بتاویلات بعیده که طبایع از آنها متنفر وگوشها متنفر میباشد تاویل کرده وبدون دلیل از ظواهر آنها منصرف نموده فاضل کثیرا وضل عن سواء السبیل پس کثیری از مردم را اضلال نموده خودش از طریق مستقیم بضلال افتاده ودر مقدمات خطبهٔ شقشقیه وغیر آن بتحقیق وتفصیل این مطلب مطلع میشوی انشاء الله تعالی .

**وازجملهٔ ایشان** شیخ فقیه حکیم متکلم میثم بن علی بن میثم البحرانی قدس الله روحه وسنه ۶۷۷ آن شرح را باتمام رسانیده وآن احسن شروح وخالی از حشو وزواید ومنظم بدرر فواید ومنتظم بغرر فواید است الا اینکه چون عمدهٔ فنش مطالب حکمیه ومسائل کلامیه است در آن شرح مسلک اهل معقول را مسلوک داشته وفواید منقول از وی فوت شده ودر آن موقع که مقتضای حال ومقام ذکر روایت است اعتنا از آیا





استناداً بروایت عامه که هیچ اعتباری نیست اعتماد کرده ودستش از تمسک بذیل اخبار ائمهٔ اطهار علیهم السلام قاصر آمده ودر لغات بییان مواد کلمات بدون تحقیق هیئات اقتصار فرموده .

**وبعد از بیان وضعیات این شروح** تفاوت شرح خود با سایر شروح وفواید سبعهٔ جلیلهٔ این شرح را که سایر شروح از آنها خالیست مفصلا ومشروحا بیان فرموده الان قال که این شرح را هدیه قرار داده بساحت جلالت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه :

| | |
|---|---|
| اهدت سلیمان یوم العرض نملته | رجل الجراد الذی قد کان فی فیها |
| ترنمت بفصیح القول واعتذرت | ان الهدایا علی مقدار مهدیها |

(انتهی)

**وهفت مجلد** از این شرح جلیل بامر سلطان مظفر الدین شاه قاجار بطبع رسیده واز بعض ثقات نقل شده که شارح مرحوم دیگر مجلدات را نیز نوشته ولی مع الاسف در بعضی اسفارش مفقود گشته .

**وفاضل ادیب** نواب مستطاب عبد الحسین میرزا افسر رضوی در مدح همین شرح منظوم داشته واز تمامش این است

| | |
|---|---|
| ایا طالبا منهاج رشد وحکمة | یروم اقتناء الدر من رحمة الباری |
| ویا تائها ظمآن فی قفر حیرة | یرید ارتواء العقل بالمنهل الجاری |
| علیک بمنهاج البراعة انه | لمنهاج فضل للهدی ثم تذکار |
| غدا شارحا نهج البلاغة حاذیا | حذاه علیا قدر فوق اقدار |
| اندری ومانهج البلاغة انه | کلام امام قاسم الخلد والنار |
| علی امیر المؤمنین فکم حوی | لخطبة غراء کالکوکب الساری |
| وقد شرحت هذا الکتاب جماعة | ولم یرفعوا عن وجهه حجب استار |
| فنص مولانا علی لشرحه | مجلی حاز السبق فی کل مضمار |
| محدث اهل البیت ثم فقیههم | ملاذ محبیهم ومخزن اسرار |
| امام تقی هاشمی مهذب | یسمی حبیب الله من نجل اخیار |
| فشمر ذیل الجد فی ذلک المنی | ولم یال جهدا بالعشی وابکار |
| فکم من علوم فیه منها ودینه | ومن حکم للمهتدین وانوار |
| وقد جمعت فیها المحاسن کلها | ویعرف صدق القول خریت اخبار |
| ولا غرو ان فاق التصانیف فضله | ضرورة اهل البیت اعلم بالدار |

| | |
|---|---|
| ولما رای هذا الکتاب ملیکنا | مظفر دین الله سلطان قاجار |
| اراد عموم النفع منه فاصدرت | اوامره العلیا بطبع واکثار |
| ادام اله العالمین بقائه | ولازال منصوراً ابصر من الباری |
| وصححه عبد الحسین مقابلاً | لذا صاحب التصنیف حفظا من الطاری |
| عسی نظر المولی علیّ بعبده | ویقضی من افضاله کل اوطاری |
| وینجینی من کرب موت وبرزخ | ومن تبعات قد کسبت واوزاری |

**وفات مترجم معظم : الذریعة** (ج ۴) (ص ۱۴۵) ترجمة نهج البلاغة الی الفارسیة للسید حبیب الله بن محمد بن هاشم الموسوی الخوئی المتوفی بطهران حدود سنة ۱۳۲۶ مرحوم مؤلف این ترجمه در شرح کبیر خود بر نهج البلاغة در چند مجلد که هفت جلد از آن طبع شده درج کرده که بعد از شرح چند جمله از نهج البلاغة ترجمهٔ الفاظ بفارسی ذکر میکند بعد چند جملهٔ دیگر را شرح میدهد وهکذا الی آخر المجلد جزاه الله عن جده سید الاوصیاء محمد وآله الاصفیاء علیهم الاف التحیة والثناء .

## ۵۲) سید میرزا ابو القاسم ره المعروف بالحجة

**اعیان الشیعة** (ج ۷) (ص ۱۰۷) السید المیرزا ابو القاسم المعروف بالحجة ابن السید حسن ابن السید محمد المجاهد ابن السید میر علی صاحب الریاض الطباطبائی الحائری سنة ۱۲۴۲ متولد و سنة ۱۳۰۹ در کاظمین پس از مراجعت از زیارت سامراء که از کربلاء بعزم زیارت آمده بود برحمت حق پیوست وجنازهٔ او را بکربلاء نقل کرده در مقبرهٔ معروفهٔ ایشان مقابل بقعهٔ سید مجاهد با برادر و عمش بخاک سپردند .

**المرحوم** فقیه اصولی از تلامذهٔ شیخ مرتضی الانصاری میبوده واکثر تقریرات استاد خود را از مباحث فقه واصول نگاشته ودر کربلاء تدریس میکرد ویکی از رؤساء آنمکان شریف بود که ریاستشان بیت محترم در خارج ظاهر بد ومنتهی گشت وتقسیم اموال هندیه بر وی مرجوع شد .

**والمرحوم** سید جلیل ضافی الطویة حسن المحاضرة جمیل الاخلاق قلیل الاعتناء بامور الدنیا خفیف المؤنة کثیر المعونة سخی الطبع عالی الهمة میرزا محمد حسن بن المولی علی العلیاری اجازتاً از وی روایت میکند وتاریخ اجازه سنة ۱۳۰۴ است وسید ابراهیم ابن السید محمد تقی بن السید حسین ابن السید دلدار علی النقوی نیز از او روایت مینماید وتاریخ اجازه سنة ۱۳۰۹ .





## ۵۳) آقا شیخ ابو القاسم ابن ملا محمد تقی قمی ره

**اعیان الشیعة** (ج ۷) (ص ۱۳۵) در اواسط شهر جمادی الآخرة سنة ۱۳۵۳ در سن زیاده از هفتاد سال برحمت حق پیوسته .

**عالم فاضل** محقق مدقق فقیه اصولی نحوی زاهد معروف بفضل وسعهٔ اطلاع ودقت نظر بود واو را بر آقا شیخ عبد الکریم یزدی رئیس معروف در قم تفضیل وترجیح میدادند وهر دو در یک بلد معاصر بودند ولی ریاست از برای آقای یزدی بود .

**در همین سال** وی را در قم دیدیم ومباحثات فقهیه بینما واقع شد که فضل ودقت نظر از آن فهمیدم ودر مراجعت خبر وفاتش را در کرمانشاه شنیدیم وفضلاء قم وغیر آن او را وصف وثناء میکردند .

**اساتید مترجم معظم** : نزد شیخ محمد جواد قمی از اعاظم علماء قم وشیخ میرزا حسین ابن میرزا خلیل طهرانی نجفی وشیخنا الاستاذ آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه وشیخ ملا کاظم خراسانی وسید کاظم یزدی وغیرهم تلمذ نموده . واز مؤلفاتش کتابی در اصول است .

**مؤلف گوید** : مترجم معظم همین عالم مقدس ربانی است که در قم بر جنازهٔ مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی قدس سره با فاطبهٔ علماء ومجتهدین واهالی قم از زوار ومجاورین نماز گذارد رحمة الله ورضوانه علیه .

## ۵۴) آقا شیخ احمد شاهرودی ره

**اعیان الشیعة** (ج ۸) (ص ۴۴۲) شاهرودی نسبة الی شاهرود بلدی است در طریق خراسان (ومعنی شاهرود مجمع نهرها) در محرم سنة ۱۳۵۰ در طهران وفات یافت وبقم نقل کرده ودر قبرستان جدید در کنار نهر مدفون گشت .

**المرحوم** عالم فاضل متکلم بحاث مناظر مجاهد در دفع شبهات میبود .

**تالیفات کثیره** : در رد فرق مخالفین اسلام دارد که بعضی از آنها بطبع رسیده من جمله کتاب مدینة الاسلام که طبع شده وتفسیری دارد که تمام نشده ودر آن بر رد بعض کلمات شیخ طنطاوی صاحب تفسیر زواهر وجواهر متصدی شده .

**جماعتی** از وی روایت میکنند از آنجمله سید شهاب حسینی معروف به آقا نجفی نسابه معاصر

## (۵۵) (شیخ احمد ستری بحرانی ره)

**اعیان الشیعة** (ج ۸) (ص ۴۶۳) الشیخ احمد ابن الشیخ صالح بن طعان الستری البحرانی ره سنه ۱۲۵۱ متولد وشب عید فطر سنه ۱۳۱۵ در بحرین وفات کرده نزد شیخ میثم بحرانی مدفون گردید حسب وصیتش زیرا که شیخ میثم را در واقعه دید که او را بجهت ترک زیارتش عتاب میکند با اینکه در آن نزدیکی زیارت کرده بود وآن رؤیا را تاویل وتعبیر کرد باینکه جوار او را خواستار است وپس از وفاتش در بلاد بحرین زیاده از شصت مجلس فاتحه ودر آنجا وسایر بلاد زیاده از صد وپنجاه مجلس فاتحه اقامت واذا مت یافت وهفت روز بازارها بسته وتعطیل گشت (وستره) نسبة الی سترة قریة فی البحرین .

**گوید** هو عالم القطیف والمرجع فی الدین والدنیا بتلک البلاد کان عالما علامة فقیها اصولیا متبحرا فی الحدیث والرجال من علماء آل محمد علیهم السلام علما ونسکا وعبادة جلیل القدر کثیر التصانیف رأس فی القطیف والبحرین وقصده الطلاب .

**واز انوار البدرین** نقل فرموده که در تقریظ او گفته خاتمة العلماء الاطیاب وصفوة الفقهاء الانجاب شیخنا العلامة الامجد التقی النقی الارشد الاورع الاحوط الاضبط سلمان دهره وابوذر عصره لم یزل بیته العالی مناخا للوافدین والاضیاف محبوبا عند العوام والخواص من ذوی الوفاق والخلاف لم ار فی العلماء ممن رایناهم علی کثرتهم فی الجامعیة للکمالات مثله اعلی الله فی دار کرامته محله .

**مشایخ او** : در انوار البدرین گفته که در بحرین مقدمات را از قبیل نحو وصرف ومعانی وبیان وبدیع وتجوید ومنطق وغیر ذلک نزد سید علی بن سید اسحق وشرح باب حادی عشر فاضل مقداد را بر شیخ عبد الله بن شیخ عباس تلمذ کرد پس بنجف اشرف مسافرت کرده محضر شیخ مرتضی الانصاری وبعد از وفات او حضور شیخ راضی فقیه نجفی مشهور وحاج ملا علی ابن میرزا خلیل طبیب وشیخ محمد حسین کاظمی اخذ علوم کرده واجازتا از این مشایخ عظام روایت میکند .

وپس از وفات والد ماجدش به بحرین مراجعت فرموده سه سال اقامت گزید ملازم تدریس وتصنیف گشت بعد بزیارت ائمه عراق وحضرت رضا علیهم الصلوة والسلام مشرف گردید بقطیف مراجعت نمود ودر اواخر عمر حسب خواهش اهل بحرین در آنجا اقامت فرمود .

**مؤلفاتش** : تا ۳۱ کتاب ذکر فرموده واسامی چندی از آنها بدین نحو است (۱) زاد المجتهدین فی شرح بلغة المحدثین تالیف شیخ سلیمان ماحوزی در رجال (۲) التحفة الاحمدیة للحضرة الجعفریة فی الصحیفة الصادقیة





قبسة العجلان فی وفاة ضامن خراسان منظومة فی الفقه تبلغ الفین وخمسمأة بیت نظم فیها نخبة الکاشانی تخمیس قصیدة الفارابی التی اولها :

کمل حقیقتک التی لم تکمل ❋ والجسم دعه فی الحضیض الاسفل

(۶) البدیعیة فی مدح الامیر علیه السلام المندرجة فی دیوانه المطبوع فی بمبئی (۷) رسالة فی احوال الشیخ مرتضی الانصاری ره

**اشعاره** : قوله فی امیر المؤمنین علیه السلام (من ابیات ترکنا بعضها)

| | |
|---|---|
| فدع مدیحی ومدح الناس کلهم ❋ فکل من رام مدحا فیه منحصر | والزم مدیحا له الرحمن اولاه ❋ لانه عن یسیر من مزایاه |

**(وقوله فی الحث علی الانفاق)**

| | |
|---|---|
| یا فاعل الخیر والاحسان مجتهدا ❋ فالله یجزیک اضعافا مضاعفة | انفق ولا تخش من ذی العرش اقتارا ❋ والرزق یأتیک آصالا وابکارا |

**الذریعة** (ج ۳) (ص ۴۱۱) التحفة الاحمدیة للفرقة الجعفریة فی المنشآت الصادقیة والدعوات الجعفریة ویقال له الصحیفة الصادقیة للشیخ احمد بن الشیخ صالح الستری البحرانی القطیفی المولود سنه ۱۲۵۱ والمتوفی بالبحرین سنه ۱۳۱۵ الخ .

## (۵۶) (سید ابو الحسن الملقب بممتاز العلماء لکهنوی ره)

**اعیان الشیعة** (ج ۷) (ص ۲۸۳) السید ابو الحسن الملقب بممتاز العلماء ابن السید ابراهیم الملقب شمس العلماء ابن السید محمد تقی ابن السید حسین ابن السید دلدار علی النقوی اللکهنوی اسمه علی الهادی ولی بکنیه اش مشهور شده در ۲۹ صفر سنه ۱۲۹۸ او ۹۹ در بمبئی وقت توجه والد ماجدش بعراق برای زیارت مشاهد مشرفه در سفر دوم متولد ودر روز پنجشنبه ۱۱ ذی الحجة سنه ۱۳۵۵ در لکهنو برحمت حق پیوست ودر تکیه سید علی نقوی بروی نماز گذاردند .

**انمرحوم** عالم فاضل مؤلف صریح در امور خود غیر هذا من متواضع در نه سالگی پدرش وفات یافت علوم مقدمات را از قبیل نحو وصرف نزد جمله از معلمین تحصیل پس معقول ومنقول شروع ونزد جمعی از علماء هند مثل سید محمد حسین بن سید بنده حسین وسید عابد حسین وسید سبط حسین از اسباط سید محمد سلطان العلماء خواند بعد در ۲۷ صفر سنه ۱۳۲۲ بعراق مسافرت ودر کاظمین بحث شیخ حسین بن شیخ زین العابدین مازندرانی وشیخ غلامحسین مرندی حاضر سپس بنجف اشرف مشرف خدمت شیخ ابراهیم ترک

وشیخ ضیاء الدین عراقی وشیخ گونابادی وشیخ علی قوچانی وملا کاظم خراسانی وشیخ الشریعة الاصفهانی وسید کاظم یزدی تحصیل خودرا تکمیل نموده سنه ۱۳۳۲ در وقوع حرب بین الملل ببلد خود لکهنو عودت وبتدریس وافادت مشغول گردید وبمنبر میرفت ومردم را موعظه میفرمود .

## (اجازات روایتی صاحب عنوان علیه الرحمة والرضوان :)

آنمرحوم اجازهٔ روایت میکند از شیخ علی گونابادی وشریعت اصفهانی وملا کاظم خراسانی وشیخ عبدالله مازندرانی .

**مؤلفاتش :** (۱) الوقایة حاشیة علی الکفایة (۲) رسالة فی تجزی الاجتهاد (۳) البرق الومیض فی منجزات المریض (۴) حاشیة علی ارشاد المؤمنین الی احکام الدین لابیه فی المسائل الفقهیة (۵) رسالة فی البداء (۶) رسالة فی الدعاء الی غیر ذلک از کتبی که در اعیان الشیعة مذکوراست .

---

## (۵۷) (شیخ احمد خطی قطیفی رحمه الله)

**اعیان الشیعة** (ج ۱۰) (ص ۲۵۳) وفاتش ربیع الاول ۱۳۰۶ درحالیکه مقبره معروفه ایست درقطیف مدفون است .

**بعض معاصرین :** دروصفش گوید که آنمرحوم احد ارکان دهر ونبلاء عصر وفصحاء مصر بود .

**ودر انوار البدرین :** ترجمهٔ مفصلی ازبرای او نگارش داده ولی مادراین مقام ملخص از ابجد وجمله از سجعهای کلمات واختصار بعض عبارات ذکر میکنیم :

**گوید :** آنمرحوم از ادباء وبلغاء وشعراء ورؤساء قطیف بود از ادب شعر حظ وافری داشت وبر اصاغر واکابر غیرت وحمیت نگه میداشت از کسیکه درحق او بدی میکرد عفو میفرمود درحالیکه قادر بر تنبیه بود دارای همت عالی وحمیت عجیب سامی بوده مدتی از زمان باوی معاصر بوده ایم اورا از نوادر اوان دیدیم اگر با علماء مجالست میکرد یکی بود از ایشان وبا شعراء وادباء مقدم بود بر ایشان وبا حکام ورؤساء مشار الیه بود بالبنان خداوند سبحانه کثیری از مؤمنین را بسبب وی از قتل خلاصی داد وواقف نشده ایم تا حال باحدی از شعراء بمثل آنچه واقف شدیم از برای او وباآن گرفتاری وکثرت عداوت وخصومت که حکام وامراء باوی داشت وبلایا وفوادح نکباتیکه بعداز وفات والد ماجدش از حکام وهابیه بوی رسید که اموال عظیمه اورا غصب املاک اورا اخذ واز بلاد خود بالکلیه تبعید کردند تا بطریق قطر بحرین وبنادر ابوشهر آمد وبالاخره بمعاونت دولت عثمانیه بلاد بحرین وقطیف از دست وهابیه انتزاع شده بتایید خداوند





متعال با عزت وهیبت وتسخیر حکام ورعیت به بحرین برگشت وباملاک ومنازل ونخیل خود مالک وغرس جلیل ورئیس مهیب متمکن از جانب حکام وملجأ انام گشت .

**اشعار او** درمناقب ائمه اطهار علیهم السلام ومصائب شمنان ایشان بسیار است سبع علویات جاری مجرای ابن ابی الحدید برهمان وزن وقافیه ابتداء کرده درانها اولا بوقعه بدر بعد احد سپس احزاب در ایام جلاء وطن دربیست وهفت سالگی منظوم داشته .

**ایضا از اشعارش** معارضهٔ اوست باسبعهٔ معلقه ودر مناجات واحتجاج درزمین هیچ از اشعار نادر وسریع البدیهه بوده وبسا در یک مجلس قصیدهٔ بلکه زیاده نظم میکرد درحالیکه اهل مجلس صحبت میداشتند وقریب صد قصیده دررثاء حضرت حسین علیه السلام سروده .

**ونقل است** که دربعض سنین در دهه عاشوراء هرشب قصیدهٔ نظم میکرد وهمان شب برایشان میخواندند وملوک وامراء وسلطان عبدالحمید عثمانی وغیر اورا نیز مدح کرده ودو مجلد کبیر از اشعارش تلف شده غیر آنچه ما برانها واقف شدیم .

**واز هریک از علویات سبع** مقدار کثیری نقل فرموده ما بقدر یسیری اکتفا میکنیم .

## (از قصیدهٔ اولی :)

وناصر دین الله وابن نصیره
وهاد الی الامر الالهی منسوب

اذا عز اقدام واعوز مندوب
ومظهر اسرار النبوة والدین

عماد الی الدین الحنیفی قائم
بسطوته استعلی الهدی وثوی الحوب

## (واز قصیدهٔ ثانیه)

ولامدح الا للوصی فانه
فقد دل من کل فضل بباهر
علی ابن الله جل جلاله

معاذ لمن اوذاه سوء الکبائر
ولکن لفظ المدح فیه علی فتی
علی کل غیب من خفی وظاهر
جمیع القضایا من جمیع المقادر

لئن تاه مدح فیه اوضل شاعر
من الفکر مثال بغر الجواهر
زعیم علی الامر الربوبی محکم

## واز قصیدهٔ ثالثه

ملك تصور کیف شاء الی الوری
ملك اقام الملك بعد ثاود
سلبوا الخلافة من مناط حقوقها
ونقضوها بعد نص محمد
جاؤا بها مرحولة بشنارها

یعطی به هذا وهذا یمنع
والدین من جنباته یتصدع
والله یشهد والخلائق اجمع
نصا له فی کل ای مصدع
یتشام منها العظیم المفظع

علیه السلام خلق و شیر و النضر
عصمت و شجاعت آن بزرگوار
وقعهٔ جمل و صفین و نهروان

(و از قصیدهٔ رابعه)

والی امیر المؤمنین مدائحی
القرشی والمنحتن الهتاک
فله من الشرف الأثیل ارائک

ارسلتها وشی الریاض تحاک
خلق ارق من النسیم وسطوة
ومن المعالی نمرق ودلاک
وله بارماق العفاة مسالک

الفارس العربی والمتألق
تعنو لها الاقدار وهی دکاک
وله علی الاعداء حتف واصب

(و از قصیدهٔ خامسه)

فتی ازل الدنیا حمی من ذمامه
تقاصر عنه ملک کسری وقیصرا
فابن علی العلیاء مثلک شامخ
یبهل من سبل لرما تو غرا
وابن علی الهیجاء مثلک فارس

فقرت وقد کادت تلاحیها الذری
وتلک لعلا الوث علیک عقودها
یؤلؤ من انوارها کل ازهرا
وابن علی العلم الربوبی خازن

(و از قصیدهٔ سادسه)

وانزل من سورة الملک منزلا
ولم ترض من تلک المعاقد خنصرا
وابن علی الاسلام مثلک ناصر
سواک بعیداً لغامض لتر مظهرا
اذا ما خبت نار البجاجة اسعرا

والی الوصی من الثنا
طلاع کل ثنیة
عف الازار مبرء
ومحل قدس لو تبوق
من مثل جیدته الوصی

ما طاب منه و ما نفس
ما لاب کرب او عنس
من کل بحر او دنس
أ قدس الملک ارتکس

غث المحول و غوث من
واخو النبی المصطفی
واقام من دین النبی
سبحان خلاق الوری

اودی به سوء البلس
والاصید الملک الندس
عماده لما انتکس
منشیه سبوح قدس
فتم سر ملتبس

(و از قصیدهٔ سابعه)

لا تجزعن من الخطوب طوارقا
واشدد رجاءک بالوصی فانه
الوی لحرب الناکثین بجمعهم
ثم استطال الی ابن هند بعد ما
رفع المصاحف خیفة العود الذی
وسما لاهل النهروان فرعبلوا
الناسك الفتاك یوم جبینه
وله المقام المجتبی وله المحل
والیه میراث السموات العلی

فلربما اخشو الاخیر الاول
حرمیتم من الزمان ومعقل
فنوب هم ام الخطوب المعضل
جمح العتو به واخنی لعدل
انحی الی اشیاخهم فتبرّن لوا
عصف الردی بالاهب الشمال
والمستطیل لراهب المتبتل
المنتهی وله العماد الاطول
والارض نصا والطراز الاول





وله الولایة فی الوجود جمیعها
یا قاسم النیران حیث تنهدت
یا سیف کل ضریبة یا لیث کل

وله المدا والمبتدا والموئل
والخلد فی عذباته یتهلل
کتیبة والسنعات المفضل

(شیخ احمد بن شیخ مهدی آل ابی السعود الخطی القطیفی رحمه الله تعالی)

حاج میرزا اسدالله مجتهد تبریزی و مختصری از احوال مرحوم

## (۵۸) (حاج میرزا اسدالله آقا مجتهد ابن حاج محسن) (بزاز تبریزی رحمة الله علیهما) (استاد مؤلف الکتاب)

**انمرحوم** از اعاظم علماء و مجتهدین و افاخم فقهاء متبحرین العالم العلم العلامة فخر الفرقة المحققة استاد اساطین العصر واستاد فضلاء الدهر رجل الفقه وبطل التقی العالم المحقق الامجد والفاضل الفقیه الاوحد بود امره فی علو قدره وعظم شانه وسمو رتبته ودقة نظره واصابة رایه اشهر من ان یذکر وابین من ان یسطر .

**حقیر** زیاده از بیست سال در خدمتش تلمذ و استفاده کردم با اینکه سطوح فقه و اصول را از قبیل شرح لمعه و ریاض و مکاسب و رسائل نزد اساتید تبریز کاملاً خوانده بودم پس از مراجعت حضرت معظم له و مرحوم حجة الاسلام حاج سید احمد آقا خسروشاهی قدس سرهما از نجف اشرف مجدداً خواندم .

تألیفات مؤلف کتاب در محضر ایشان

**صاحب عنوان را** در حسن بیان و طلاقت لسان کم نظیر دیدم از علماء اعلام از شرکاء درس این اقل انام که در قید حیات هستند با این مطلب شاهد عدل میباشند مرحوم چند دوره درس مفصل مبسوطی داشت غالباً محتاج بمطالعه نبود .

منبر مفید و مؤثر داشت

**منبر بسیار مفید و مؤثری داشت** در ماه مبارک رمضان هر روز بعد از موعظه در خاتمه از فاجعهٔ طف و مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام مستوفی بیان میفرمود دیدگان بکاء و ترویج بساط حسینیه تالی بلا ثانی مرحوم فاضل دربندی رضوان الله علیه بود مرحوم مظفر الدین شاه در ایام ولیعهدی غالباً با اعیان دولت حاضر مجلس وعظ او بودند و ارادت وافری در حق ایشان داشتند وامضاء ش در قضاء والحکام خادم الشرع والحسین علیه السلام بود .

**عقیدهٔ کاملی** در حق مرحوم آیة الله آقا میرزا صادق آقا مجتهد قدس سره داشتند سالی در که هلال شوال اختلاف شده بنده بجهت تحقیق بخدمتش رفتم جمعیت کثیری حاضر بود شخصی وارد شد و گفت

نزد حضرت معظم له ثابت شد فرمود کسی برود و تحقیق بکند اگر خدمت ایشان ثابت شد بتمام لازم است کرافطار بکنیم . ✳

**تسلط ایشان در فقه** یکی از ارحام ما وفات کرده بود بجهت تعیین حقوق وراث در خدمت ایشان بمنزل او رفتیم ورقه خواست متوفی پدر و زوجه و اولاد ذکور و اناث متعددی داشت حقوق همه وراث را یک یک معین نمود و نوشت کانه از روی مسوده مینویسد . ✳

**اجازهٔ اجتهادی ایشان** را خودم دیدم که مرحوم ایة الله فاضل ایروانی قدس الله سره پس از تقریظ و توصیفش مرقوم فرموده بودند ولدی قرة عینی الخارج من ربقة التقلید والمتحلی بحلیة الاجتهاد الخ

**در قضیهٔ مشروطه** سنة ۱۳۲۵ از تبریز بطهران مهاجرت فرموده و سنة ۱۳۲۶ برحمت حق پیوست .

حشره الله مع موالیه من الائمة المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین . ✳

---

## (۵۹) (اقا میرزا علی اکبر اقا اردبیلی ره)

**احسن الودیعه** (ج ۲) (ص ۱۱۲) مرحوم میرزا علی اکبر اقا اردبیلی عالم فاضل ادیب کامل عارف بحکمت و کلام و حدیث و فقه و اصول و ورع زاهد بود در اردبیل ساکن امر بمعروف و نهی از منکر مینمودند و در ان بلد نافذ القول بود کبیر الجثة طویل القامة بودند او را در کاظمین علیهما السلام دیدم بعد از ان بلا سمی تا علامة خالصی بسوی حجاز و بنزد او رفته صحبت داشتیم و انچه بعد از ملاقات و وقوف ببعض رسائل و مؤلفاتش بما ظاهر شد این است که انمرحوم اساتید بسیاری ندیده ولی بواسطهٔ کثرت مطالعه مکاب با مستعدین لحاظ ان ناحیه بان مقام رسیده ولذا در بعض مؤلفات مطبوعه خود بشیخنا المحقق صاحب الکفایه و امثال ان طعن بسیاری زده زیرا که بمراد او واقف نشده و ظاهر کلام را گرفته و بدین جهت بعضی از اکابر علماء از وی اعراض نموده در عراق بدیدار او نرفتند ولی ما در زهد و تقوی و وثاقت و عدالت او شک نداریم و ایشان سلیم القلب و سریع القبول بودند و در دههٔ اول شهر رمضان سنة ۱۳۴۶ برحمت حق پیوست اعلی الله مقامه انتهی . ✳

### (صورت تلگراف مرحوم اقا میرزا علی اکبر اردبیلی اعلی الله مقامه)

(در ناجعه و قهاریه پادشاه ایران رضا شاه پهلوی) ✳ :

حضور مبارک اعلیحضرت سلطان سلاطین ایده الله عزوجل بحسن نیته لنصرة دینه بعزته و جلاله و کبریائه و عظمته . ✳







**تدین بدین اسلام** اسباب مدد غیبی بوده موجب غلبه بر اذیان باطله ملل خارجه میباشد ولی مسلمین حرمت اسلام را نگه نداشته زن و مرد از شعائر اسلام بی رغبت بوده رغبت تام و تمام بقواعد خارجه رسانیده اند حتی اینکه اولاد خود شانرا بقواعد خارجه تربیت مینمایند که علت تامه تبدیل اسلام بکفر است کما قال الله عزوجل اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ کُفْرًا وَ اَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ جَهَنَّمَ یَصْلَوْنَهَا وَ بِئْسَ الْقَرَارُ . ✳

**لهذا** ملل خارجه هم بتوهین دین مبین جرئت نموده اثار قبور منورهٔ ائمهٔ طاهرین را صلوات الله علیهم اجمعین محو نموده با خاک یکسان نموده اند . ✳

**از جمله** فتن اخر الزمان بوده از علائم ظهور حضرت صاحب الامر است عجل الله فرجه پس دفع این ظلم عظیم باید منتظر ظهور ان حضرت صلوات الله و سلامه علیه و علی ابائه الطاهرین بوده باشیم . ✳

**ولی تقدیرات ازلیهٔ الهیه** جل جلاله بمقتضای کریمهٔ قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ اسباب سلطنت و ریاست مسلمین را باسهل وجهی میسر فرمودند حال اگر بشکرانهٔ این مرحمت عظیمه شعائر اسلام را ترویج داده قواعد خارجه را مرتفع دارند حفظ ناموس ائمهٔ طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و بوعدهٔ الهیه جل جلاله وَ لَیَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ یَنْصُرُهُ اِنَّ اللهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ اعتماد کامل نموده با سؤال و جواب دولتی اقدامات کامله بفرمایند بتمام عزت دنیویه و نیل سعادت ابدیهٔ اخرویه از محضر کبریائی جل جلاله ماجور و مسرور بوده بتجدید ابرومندی اسلام نتیجهٔ عظیمه از این سلطنت تحصیل خواهید فرمود و اگر اعداء دین مبین را که خارج از عقاید اسلامیه بوده شغل آنها اغواء مسلمین است بحال خود واگذاشته از حفظ ناموس شرع متین تغافل فرمائید عزت پنجروزه منقضی مثل سابقین با تاسف منتهی خواهد بود . ✳

**چون تکلیف این پیرمرد** تبلیغ احکام الهی جلت عظمته است لهذا با طاعت مالک یوم الدین جل جلاله دعوت نمود و قال الله عزوجل وَ مَنْ اَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا اِلَی اللهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ الْاَمْرُ اِلَیْکُمْ فَانْظُرُوا مَاذَا تَأْمُرُونَ وَ اللهُ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَ مَا عَلَی الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلَاغُ . ✳

(علی اکبر)

# مستدرک علماء معاصرین از احیاء

## (۱) حاج سید نصر الله تقوی مد ظله العالی

شرح حال الحاج سید نصر الله تقوی دام فضله

**ریحانة الأدب** (ج۱) (ص۲۱۶) حاج سید نصر الله تقوی ابن سید رضا از اکابر علمای عصر حاضر ما که فقیهی است بارع و حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول و مشهورترین خاندان سیادت که بسادات اخوی معروف و نسب شریفش با بیست و هفت واسطه بجناب امامزاده ارفع موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی علیه السلام موصول میباشد.

نور السیادة فی جبین وجوههم * یغنی الشریف عن الطراز الاخضر

و خلاصه ترجمه حال سعادت منوال آن منبع کمال موافق ملخص نوشته میرزا حسین شمس العلماء گرکانی مؤلف کتاب ابدع البدائع در علم بدیع آنکه در پانزده سالگی در نحو و صرف و منطق و بلاغت و حساب ماهر گردید پس شروع بر فقه و اصول و علم معقول کرده و معقول را از استاد المتألهین میرزا ابو الحسن جلوه و منقول را نیز از حاج میرزا حسن آشتیانی فرا گرفته و با سرعتی عجیب گوی سبقت از دیگران ربوده و در اندک زمانی در هر دو رشته معقول و منقول و عرفان و علم و عمل قدوه اهل عصر خود بوده پس عازم عتبات عرش درجات گردیده و در حوزه درس سند الاکابر حاضر تا آنکه بتصدیق و اجازات ایشان نایل و دارای قوه قدسیه اجتهاد و استنباط احکام شرعیه گردیده.

اساتید معقول و منقول شرح مختصر

**وسند روایت** تمام کتب اخبار و فقه و عقاید را بواسطه و بی واسطه شیخ المحدثین حاج میرزا حسین نوری بحضرات معصومین علیهم السلام و مؤلفین آنها میرساند و عاقبت در هنگام مراجعت از سفر بیت الله الحرام عزیمت اروپا نموده و در تفحص از قوانین موضوعه اروپائیها و حکم و مصالح آنها اهتمام تمام بکار برده تا آنکه در شمار اکابر فقهاء و حکماء و علمای سیاسی معدود و از مفاخر ملت میباشد. و کتاب سیاست و عصای موسی و هنجار گفتار از تألیفات منیفه صاحب ترجمه و هر سه بزبان پارسی و سومی در علم معانی و بیان و بدیع و در هر مطلبی دارای شواهد بسیار از عربی و پارسی بوده و در این اواخر در تهران چاپ شده است.

تألیفات معظم له دام فضله

## (۲) حاج میرزا محمد حسین آقا تبریزی خیابانی سلمه الله

مطابق آنچه خودشان در ترجمه و شرح حالش مرقوم فرموده اند بدین قرار است که میفرمایند:





تولد عبد فقیر اقل المفتقر الی رحمة ربه الغافر محمد حسین بن حاج محمد جعفر تبریزی خیابانی در تبریز شب ۱۹ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۰۱ واقع شد. و چون بهفت سالگی رسیدم مشغول تعلم قرآن مجید و بعض کتب فارسیه پس از آن بتحصیل مقدمات عربیه در مدرسه طالبیه و ریاضیات خدمت استاذان فن مرحوم میرزا عبد العلی منجم طیب الله رمسه پرداخته بعلم فقه و اصول در حضور جمعی از اجله که از مراجع شیعه در احکام دینیه بودند مشغول شده فرائد و مکاسب و ریاض و جمله از درس خارج را خواندم و در خلال این حال بمعقول نیز نزد بعض تلامیذ مولی علی لنکرانی پرداختم و بعد از این نیز قانع نشده سنه ۱۳۲۷ بنجف اشرف مسافرت کرده بدرس جمله از اعلام عظام منهم المولی المحقق العلامة شیخ الشریعة الاصفهانی و آیة الله العلامة السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی و آیة الله آقا ضیاء الدین العراقی حاضر شده و تقریرات ابحاث ایشان را در فقه و اصول نوشتم و زیاده از ده سال در خدمت شریعت اصفهانی بودم.

شرح حال معظم له

**و اجازات عدیده** که عمدة الدین و رؤساء المذهب نوشته اند بخطوطهم و خواتیمهم و امضائهم نزد حقیر موجود است و ایشان حجج الاسلام و آیة الله العظام شیخ الشریعة الاصفهانی و المولی میرزا محمد تقی الشیرازی و السید محمد فیروزآبادی و الحاج شیخ عبد الکریم الحائری و الآغا ضیاء الدین العراقی و السید ابو الحسن الاصفهانی وغیرهم اعلی الله مقامهم هستند.

اجازه مرحوم میرزای شیرازی

### صورت اجازه مرحوم آیة الله آقا میرزا محمد تقی شیرازی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی رفع قدر العلماء وفضل مدادهم علی دماء الشهداء والصلوة والسلام علی سیدنا خاتم الانبیاء وسید المرسلین وعلی آله الائمة الطاهرین المعصومین.

**مخفی و مستور نماند** اینکه جناب مستطاب العالم العامل والفاضل الکامل مروج احکام دین مبین آقا میرزا محمد حسین آقا تبریزی دامت توفیقاته از قبل اینجانب ماذون هستند در تصدی امور حسبیه که جواز و نفوذ آن موقوف باذن فقیه جامع الشرایط است که انشاء الله تعالی اخوان مؤمنین که از اهل آن ولایت ساکنند اهالی از علماء و التجار و غیرهم وفقهم الله تعالی وجود اینجانب را مغتنم دانسته و از فوائد ایشان محظوظ باشند و احترامات در حق ایشان کما ینبغی مرعی بدارند. و ایضا ماذون است در اخذ سهم امام علیه السلام و در صرف آن حسب حاجة الشرعیة و در سایر موارد مهمه و لازمه که انشاء الله محسوب است و لازمست بر جناب ایشان که قبض از اینجانب برارباب وجوه برسانند (الاحقر محمد تقی الحائری) (محل خاتم شریف)

تفصیل اجازه مذکوره

(و اجازه مرحوم آقا سید ابو الحسن اصفهانی و اجازه مرحوم آقا سید محمد فیروزآبادی نیز همین طور است) (الراجی محمد تقی)

الاجازه للحاج میرزا محمدحسین الخیابانی التبریزی

حاج میرزا محمدحسین آقا تبریزی خیابانی دام فضله



## (صورة اجازه مرحوم آیة الله آقا ضیاء الدین عراقی قدس سره)

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین.

**وبعد** فان العالم العامل والفاضل الکامل بحر التقی وعلم الهدی جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والاصول فخر الفضلاء العظام وفخار الفقهاء الفخام شیخنا المکرم ومولانا الاعظم الشیخ محمدحسین التبریزی قد هاجر عن وطنه الشریف طالبا لتحصیل الکمال وجد فی تحصیل العز والاستقلال بجد واجتهد الی ان بلغ الی درجة الاجتهاد فانه منتهی المراد ولله در من یعرف قدره وبأتم بامره ویحفظ قوله وله التصدی فی الامور الحسبیة التی شان المجتهدین تصدیها وله العمل بما استنبط علی الطریقة المعروفة وعلیه التجنب عن الشبهات لکی لا یهلک من حیث لا یعلم واوصیه ان لا ینسانی عن الدعاء فی مظان التجابة وانا الاحقر الضعیف ضیاء الدین بن محمد العراقی عفی عنهما. (الراجی ضیاء الدین)

**ایضاً در حاشیه میفرماید**: توضیح اینکه مؤمنین ومتدینین که از باب سهم امام علیه الاف التحیة والسلام بر عهده آنها هست ومحل ویرا میجویند بجناب ایشان برسانند خود ایشان بر طبق تکلیف شرعی خود بمقدار احتیاج سند صرف نموده وما بقی را باعتاب مقدسه برسانند. (ضیاء الدین العراقی)

**تالیفات ترجمه محترم** (حسب الخواهش شخص اینجانب نوشته و مرقوم فرموده‌اند): بخط خاتم شریف (الراجی ضیاء الدین) هذا ما کتبه الشیخ ضیاء الدین العراقی حین رجعه لمسقط الرأس سنة ۱۳۳۹

(۱) حاشیة علی الکفایة من البدایة الی النهایة فرغت عنها فی خمسة وعشرین من الربیع الثانی سنة ۱۳۲۰ (۲) حاشیة علی الرسائل کلّ (۳) حاشیة علی طهارة الشیخ الانصاری بینا فیها عباراتها ومغلقاتها فهی اول حاشیة کتبت لها علی ما اعلم (۴) رسالة مستقلة استدلالیة فی الصلوة متضمنة لابوابها من المواقیت والاذان والاقامة والخلل وصلوة المسافر والمواسعة والمضایقة ذکرنا فیها مدارکها من الایات والاخبار (۵) رسالة فی البیع والخیارات استدلالیة ایضا (۶) تقریرات کتبتها من بحث درس شیخنا الشریعة الاصفهانی وضیاء الدین العراقی (۷) مجموعة فی فوائد مختلفة.

هذا ما کتبه بانامله فی (۲۰) شعبان المعظم سنة ۱۳۶۶

**وفرزند ارجمند** صاحب عنوان ایده الله الملک المنان آقا میرزا محمدجعفر وفقه الله تعالی صاحب کتاب مهذب البلاغة فی علم المعانی والبیان والبدیع از مبرزین محصلین حوزه علمیه مدرسه فیضیه قم



آقا شیخ حسین آقا تبریزی شنب غازانی دامت برکاته



المحبة علی ساکنها الاف الثناء والتحیة میباشند بلغه الله من العلم اماله وکثر فی المشتغلین امثاله.

## (۳) (آقا شیخ حسین آقا تبریزی شنب غازانی مدظله العالی)

آن بزرگوار عالم محقق فاضل مدقق تقی نقی سلیم النفس کریم الطبع نادرة العصر باقعة الدهر خادم الملة والدین وقامع بدع الملحدین کشاف دقایق المعانی بفکره الثاقب ونقاد جواهر الحقایق برأیه الصائب در مواد محاضره وشعب ادب ماهر ودر کلیه موجبات تقدم واسباب تفوق از قبیل تبلیغات منبریه وتحقیقات محضریه وقوت عقل وسعه خلق وصفاء نظر ولطف قریحت بپایه کم نظیراند در علم معقول ومنقول وحل مشکلات ومعضلات حدیث وتفسیر وفقه واصول بهره کامل وحظی وافر دارند سدد الله بیانه وبنانه.

**بواسطه مسافرت** حضرت معظم له وتشرف بر تقبیل اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم الصلوة والسلام نقل ترجمه شرح حالات سعادت آیات ایشان در این محل واقع شد وگرنه لازم بود که در اوایل مقصد دوم از این کتاب علماء معاصرین در قسمت احیاء مذکور آید.

**علاوه براین** در مقصد دوم ومسند رلنا موات واحیاء معین وث خواسته‌ایم که ترتیب مراتب درجات مترجمین محترمین بهیچوجه منظور وملحوظ نیست بلکه فقط مقصود ثبت حالات وکذا ارشادات وتالیفات وتصنیفات وتاریخ حیات وادوار زندگانی ومشی ووضعیات وتعیین اساتید وتلامید وذکر بعضی از اجازات ونقل شطری از نوادر وطرایف کتب ایشان است ومطابق آنچه از سر نقطه عراق وایران وهندوستان متدرجا بدست میآید ثبت مینمائیم.

**وصاحب عنوان** ایده الله الملک المنان پس از امعان نظر وتصدیق مطالب مندرجات این وجیزه شریفه بطبع ونشر آن اجازه وامر فرمودند.

**وبعد از اصرار بلیغ** این جمله را در ترجمه خود نگاشته وانفاذ داشته‌اند وحسب سند عالی حقیر قضیه عجیبه درج فرموده‌اند.

(بسم الله الرحمن الرحیم)

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا محمد وآله الطیبین الطاهرین.

**وبعد** چون حضرت مستطاب علم الاعلام وقدوة العلماء العظام شیخنا الورع التقی الحاج ملا علی الواعظ التبریزی الخیابانی نور الله قلبه السلیم وایده بلطفه العمیم کتابی محتوی بر ترجمه علماء آنا میرزا

شرح حال مترجم معظم ابقاه الله تعالی

معاصرین تالیف و تصنیف فرموده اند بمقتضای حسن ظنی که جناب معظم له نسبت بحقیر داشتند شرح حال اینجانب را خواستند و بنده اجابت نموده ثمة ازکن ارشات حال مرقوم میدارم بلکه سبب تذکر اخوان مؤمنین بشود .

مولد حقیر شنب غازان از محلات تبریز در ۱۴ ماه محرم سنه ۱۳۰۴ است تقریبا از ده سالگی در مکاتب قدیمه بطرز و روش قدیم بدرس مشغول شده بعد از فراغ از مکتب در مدرسه طالبیه تبریز مدت متمادی اشتغال بادبیات و معانی و بیان نموده بعدا در محضر حضرت حجة الاسلام وحید عصره و فرید دهره آقا شیخ حسین نونوتجی اعلی الله مقامه متون اصول را در برهه از زمان تتمیم نموده .

در ۲۶ ذی القعده سنه ۱۳۳۲ بقصد تحصیل عزم عتبات نموده در چهارم ماه محرم سنه ۱۳۳۳ وارد کربلا بعد از زیارت وارد نجف اشرف و اساتید موجود تاریخ مذکور را تفحص نموده در محضر حضرت حجة الاسلام آقا ضیاء عراقی قدس سره مباحث الفاظ را در مسجد طوسی شبها استماع نموده و نوشتم و در اصول و فقه صبحا و عصرا در محضر آقای استاد الکل شیخ الشریعة حاضر بودم و در اواخر فقه را در محضر حضرت استادنا الاعظم آقای اصفهانی اعلی الله مقامه و اصول را در محضر حضرت آقای نائینی قدس سره حاضر ، الحاصل از علمین اعلمین تحصیل نموده در چند مجلد تنقیح یافته و رسائل عدیده مرتب نموده ام

تصانیف نفیسه ایشان

۱ رساله در لباس مشکوک و ۲ رساله در ابواب صلوة و ۳ رساله فی الاستصحاب ۴ رساله فی التعادل والتراجیح ۵ رساله فی البرائة ۶ رساله فی ابواب الحج و ۷ رساله فی التعبدی و التوصلی و غیر اینها از رسائل غیر مرتبه

در اوایل سنه ۱۳۴۴ از نجف حرکت نموده وارد تبریز شدم .

حرره فی ۲۵ شعبان المعظم سنه ۱۳۶۰ ( الاقل الجانی محمد حسین شنب غازانی )

قضیه عجیبه و نجات یافتن عرب مغموم از اجل

**قضیهٔ عجیبه** : در ایام تحصیل روزهای پنجشنبه و جمعه بجهت تغییر آب و هوا بکوفه میرفتم یکروز در کنار فرات مشغول گردش بودم ماهی صید کنندگان شبکه می انداختند ناگاه عرب موقری آمد چند فلوسی در آورده بصیاد گفت هاک علی بختی یعنی این فلوس را بگیر بقصد من شبکه بینداز صیاد شبکه انداخت گفت بسیار سنگین است شبکه را در آورد دیدیم یک پسر هشت و نه ساله توی شبکه است عرب نامبرده بمجرد اینکه پسر را دید بی اختیار گفت ( هذا ابنی ) یعنی این پسر من است پسر را وارونه نمودند آبهای شکمش بیرون آمد بفضل الهی نجات یافت .





اجازه اجتهادی مترجم معظم

(صورت اجازهٔ اجتهادی مترجم معظم از مرحوم آیة الله آقا
سید ابو الحسن آقا اصفهانی قدس سره :)

( بسم الله الرحمن الرحیم )

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی اشرف الانبیاء والمرسلین محمد خاتم النبیین وعلی آله الطیبین الطاهرین .

وبعد فان جناب العالم الفاضل المهذب الکامل المحقق المدقق صاحب الفکرة القویمة و السلیقة المستقیمة ولدنا الاعز الشیخ حسین التبریزی الشنب غازانی بلغه الله غایة الآمال والامانی قد صرف عمره فی تحصیل العلوم الشرعیة وتنقیح مبانیها النظریة وحضر عند جماعة من الاعیان وعلی هذا الحقیر شطرا صالحا من الزمان فاحصا باحثا محققا مدققا کادا مجتهدا مفیدا مستفیدا الی ان صار من العلماء الاعیان وممن یشار الیه بالبنان وقد فاز بالمراد من بلوغ مرتبة الاجتهاد فله العمل بما یستنبطه من الاحکام علی النهج المألوف بین الاعلام وقد اجزت له ان یروی عنی ما صح لی روایته بطرقی المقررة المنتهیة الی اهل بیت الوحی العصمة واوصیه بان یسلک سبیل الاحتیاط الواقی عن زلل الصراط وان لا ینسانی من صالح الدعاء . ( حرره الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصبهانی ) .

محل خاتم شریف ( ابو الحسن الموسوی )

ایضا اجازه اجتهادی صاحب ترجمه

(صورت اجازهٔ اجتهادی مترجم معظم از مرحوم آیة الله آقا میرزا
محمد حسین نائینی نجفی قدس سره :)

( بسم الله الرحمن الرحیم )

الحمد لله رب العالمین وافضل صلواته واکمل تحیاته علی من اصطفاه من الاولین والاخرین وبعثه رحمة للعالمین محمد وآله الکهف الحصین وغیاث المضطر المستکین وعصمة المعتصمین واللعنة الدائمة علی اعدائهم ابد الابدین .

تقریظ عالم علم عنوان آیة الله النائینی

وبعد فان جناب العالم العلم العلام والفاضل المهذب الهمام صفوة الاعلام وعمدة علماء الاسلام المؤید المسدد التقی الزکی جناب الآغا الشیخ حسین التبریزی الشنب غازانی کثر الله تعالی فی العلماء العاملین امثاله وبلغه من الدارین آماله قد اقام بالنجف الاشرف زهد شرفا و تعظیما مدة سنین باذلا جهده فی الاستفادة من الاساطین وقد حضر ابحاثی حضور تفهم وتحقیق وتعمق وتدقیق حتی نال درجة عالیة من الفضل والسداد وبلغ رتبة الاجتهاد وجاز له العمل بما یستنبطه من الاحکام علی النهج المتداول بین

المجتهدین الاعلام فلیحمد الله تعالی علی ما اولاه ولیشکره علی ما انعم علیه وحباه ولقد اجزت له فی تدریس الفقه والاصول وان یروی عنی جمیع ما صحت لی روایته من مصنفات اصحابنا وما ادروه عن غیرنا بحق اجازتی عن العالمین العلمین والمجتهدین الاثبتین فقیهی عصرهما ووحیدی دهرهما الحاج میرزا حسین الطهرانی النجفی نجل المرحوم المیرزا خلیل والشیخ محمد طه نجف قدس سرهما باسانیدهما الکثیرة المنتهیة الی ارباب الجوامع العظام و الکتب والاصول ومنهم الی اهل بیت النبوة ومهبط الوحی ومعدن العصمة صلوات الله علیهم اجمعین و اوصیه بان یجعل الموت نصب عینیه ویتحذر من ان تغره الدنیا ویغلب علیه الهوی وان لایدع جانب الاحتیاط عند الشبهات فانه وسیلة النجاة وان لاینسانی عن صالح الدعوات انشاء الله تعالی . ✻

(حرره بیمناه الداثرة) افقر البریة الی عفو ربه ورحمته (محمد حسین الغروی النائینی) (محل خاتم شریف)

(العبد محمد حسین)

## (۴) آقا سید کاظم آقا طباطبائی الشهیر بالمفید سلمه الله تعالی

حاصل آنچه در ترجمه وشرح حال خود مرقوم داشته اند بدین قرار است که میفرمایند : ✻

**تولد حقیر** محمد کاظم بن محمد رضا بن ابو القاسم که با سی واسطه بحضرت امیر صلوات الله علیه میرسد ۱۲۹۲ در نجف اشرف روز غدیر واقع شده پس از آنکه از تعلمات مکتبی فارغ شدم در مدرسه طالبیه بتحصیل مقدمات عربیه وادبیه اشتغال نمودم ودر چهارده سالگی از مطول وشرح مطالع فراغت حاصل کرده تا هجده سالگی بتحصیل فقه واصول وکلام پرداختم . ✻

**بعد** بنجف اشرف مشرف شده برای تکمیل تحصیل بابحاث جمعی از مشایخ که از جمله آنها فاضل شرابیانی وشیخ مامقانی وشریعت اصفهانی وآقا سید کاظم یزدی وآخوند ملا محمد کاظم خراسانی وشیخ حسن تویسرکانی وحاج میرزا حسین طهرانی وشیخ عباس کاشف الغطاء وآخوند ملا علی نهاوندی وشیخ هادی طهرانی وشیخ عبد الرزاق لاهیجی در کلام وغیرهم بودند حاضر شدم وجمعی از ایشان اجازه روایتی والعمل بمؤدی ظنونی مرحمت فرمودند . ✻

**وپس از مراجعت از مشهد غروی** مشغول تالیف وتصنیف شده رسائلی پرداختم . از آنجمله رسالة فی الاستصحاب شرح التبصرة فی الطهارة شمس المعرفة فی الکلام رسالة فی معجزات المعصومین حدیقة الاحکام من الطهارة الی الخمس تعلیقة للعروة الوثقی تعلیقات متفرقة للفصول وفرائد الشیخ ومکاسب ولی هیچکدام از اینها بطبع نرسیده مگر معجزات وحدیقة الاحکام . ✻







## (۵) آقا میرزا رضی آقا مجتهد تبریزی دامت برکاته

حاصل آنچه نجل زکی مترجم معظم عالم جلیل فاضل نبیل آقا میرزا علی آقا ایده الله تعالی حسب خواهش حقیر مطابق املاء وامضاء والد ماجد مکرم خود مرقوم فرموده اند بدینقرار است که میفرمایند : ✻

**تولد والد ماجد** در ۱۴ ذی القعده سنه ۱۲۹۴ در تبریز واقع واز شش سالگی مشغول تعلم قرآن ومبادی فارسیه وعربیه واز حد رشد بلوغ منتقل بمدرسه طالبیه حاج صفر علی و سه سال مشغول متون عربیه ادبیه مغنی ومطول ومنطق ودر خدمت مرحوم آقا جمال شرفیانی وغیر ایشان واز سن هفده سالگی مشغول فقه واصول وچهار سال بآنها ادامه داده تا در سنه ۱۳۱۸ در تبریز متوقف بودند ودر خلال اینحال قطعات منظومه هم در فنون مختلفه فقه واصول ومسائل کلامی وادبی بزبان ترکی وفارسیه وعربیه سروده اند تا در سنه مذکوره پنجم رجب المرجب عزیمت بنجف اشرف نموده منتصف شعبان المعظم وارد کربلای معلی وپس از ادای وظیفه زیارت در ۲۲ حرکت و ۲۳ وارد نجف اشرف شده اند . ✻

**مشایخ مترجم معظم در نجف اشرف** از اوایل سنه ۱۳۱۹ بمجلس تدریس آقای شرابیانی وآقای آخوند خراسانی وبدرس فقه مرحوم آقای سید طباطبائی ومرحوم شریعت اصفهانی ومرحوم آخوند خراسانی نیز حضور یافته وهر سه بزرگوار کتباً وشفاهاً علو مقام واجتهاد ایشانرا تصریح فرمودند ومرحوم علامه طباطبائی ایشان ومرحوم آقا شیخ احمد کاشف الغطاء را به تجدید تعمق وتحقیق در مباحث عروة الوثقی که تازه بوشتن تحریر درآمده بوده مامور فرمودند ولی متاسفانه بواسطه تراکم ابتلاآت ووقوع مسافرت از این فیض محروم بوده اند . ✻

**ودر قسمتهای دیگر معارف نیز** ایشانرا اشتغالاتی داشته هیئت را از آقا شیخ محمد باقر اصطهباناتی شیرازی ومعقول را از استاد اجل آقای شریعت اصفهانی ومقداری وافی از طب را از اخوی معظم خودشان آقای فیلسوف الدوله فرا گرفته اند . ✻

**وبواسطه ابتلاآت واختلال اوضاع زمان** کرارا از نجف بتبریز واز تبریز بنجف مراجعت ودر سنه ۱۳۳۱ از تبریز بقصد زیارت حضرت ثامن الائمه صلوات الله علیهم حرکت کرده پس از زمانی بقم مراجعت فرمودند وبواسطه اختلال احوال کراراً رحل وارتحال بین تبریز وقم واقع وفعلاً سنه ۱۳۴۶ در قم اقامت ومشغول تدریس جمعی از محصلین باقوه میباشند . ✻

وایشان را تألیفاتیست که بواسطه انتقالات بعضا غیر مرتب و محتاج بترتیب است از جمله آنها کتاب قضا و شهادات و فهرست ترتیب رجال کشی و نجاشی و خلاصه علامه و رساله مستقله در ضمنیات کتب رجال و رساله در کنی و القاب و حاشیه بر رساله عملیه مرحوم کلباسی و رساله عملیه مستقلی است موسوم بفلاح العامل که هر دو در تبریز چاپ شده و حاشیه بر نجاة العباد و مجمع المسائل در نسخه واحده و حاشیه بر عروة الوثقی و اجازات روایتی متعدد از مشایخ و اساتید خود دارند.

## (۶) (آقا میرزا محمد علی آقا مدرس تبریزی خیابانی دامت افاضاته)

تلخیص آنچه در خاتمه دیوان المعصومین در ترجمه خودشان که مشتمل بر ادبیه علمیه و ذکر اسامی ۲۳ کتب اخبار و فقهیه است بدین قرار است:

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از حمد و صلوات و تحیات این مختفی در زاویه خمول و مکتفی بر کفاف از فضول عبد قاصر جانی محمد علی بن محمد طاهر تبریزی خیابانی گوید که تولدم در تبریز سنه ۱۲۹۶ واقع و قریب بلوغ بتحصیل مقدمات و ادبیات عربیه مشغول و در خلال این احوال برهه از ریاضیات را اختلاس بعد باخذ معقول پس از آن در بحار فقه و اصول غوص و از قوانین و فصول و قواعد اشارات و ضوابط و مقالات آن اکتساب و از ثمار حدائق اجتناء و از غرر درر اقتناء و از جواهر کنوز و خزائن التقاط نموده.

تا خداوند متعال توفیق عنایت فرموده بدرس سند لآلی فقه و اصول در محضر جمعی از اجله که در تقلید احکام دینیه مراجع شیعه بودند حاضر و در همان ایام تعلیقه بر کتاب طهارت ریاض موسوم به حیاض الزلال فی ریاض المسائل نوشته و در شب ۲۲ رجب الاصب سنه ۱۳۲۴ باتمام رسانیدم بعد اراده کردم که بر تمام ابواب ریاض تعلیقاتی فراهم آوردم ولی شدت فتن و تظاهر زمن بطوری عایق آمد که بمطالعه کتاب یا مراجعه فصل و باب متمکن نگشتم بعد مستشعر شدم که اینگونه ابتلاءات و شدائد از ذاتیات دهر خائن است که منفک نمیشود پس بوظایف علمیه رجوع و از حوادث روزگار بالکلیه صرف نظر و پس از استمداد از عنایات الهیه شروع بتالیف کتاب **قاموس المعارف** نموده بکرم و فضل خداوند متعال در ۲۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۴۵ باتمام رسید.

بعد کتاب **فرهنگ نوبهار** را که محتوی بر زیاده از نوزده هزار لغات فارسیه است در سنه ۱۳۴۶.





پس از آن کتاب **الدر الثمین** او **دیوان المعصومین**.

بعد کتاب **کفایة المحصلین فی تبصرة احکام الدین**.

و کتاب **فرهنگ بهارستان** و کتاب **غایة المنی فی تحقیق الکنی**.

و کتاب **ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب** را تألیف نمودم.

انتهی ملخصاً جداً.

**مؤلف گوید**: مترجم معظم عالم محقق نحریر و فاضل مضطلع خبیر حبر ادیب اعلم و بحر زاخر علیم صدیقنا الاعز الاکرم و شفیقنا الاجل الاعظم جامع فنون الفضائل و الکمالات حائز قصب السبق فی مضامیر السعادات عالم بارع جامع ما من علم من العلوم الا و قد حل فی اعماقه و ما من فن من الفنون الا و قد شرب من عذب رحیق غاقه کانت له فی اقتناء العلم و الادب همة تزاحم الافلاک و تزاحم بعلو قدرها الاملاک عظمت تألیفات و آثارش در فقه و فنون ادب بر امثال و اقران روشن و در معرفت تراجم طبقات علماء و درجات ادباء عجم و عرب تبحرش بر ملل عالم مبرهن کتبش حقاً از نفایس سفاین علماء عصر و ذخایر افاضل عالم بشمار میآید در علم معقول و منقول و ادب بهره کامل و نصیبی وافر دارد و امروز در حل مشکلات و معضلات مسائل هیئت و حساب از عظماء علماء عصر معدود میگردد.

و در غالب فضایل فطریه و مزایای موهوبه بسیار کم نظیر و هرچه از این در بر نگارم مظنه تقصیر است و در کسب هنر و دانش ریاضتهای فوق العاده برده و در تکمیل مزایا و معارف رنج فوق الطاقه کشیده ولی چون از بلده تبریز و محله خیابان است لذا قدر وی کما ینبغی و تجلیل شایسته مقامات عالیه و شئونات سامیه ایشان نبوده.

**وایضاً از تألیفاتش**: علاوه بر ما ذکر که بعداً تصنیف فرموده **نثر اللئالی** فی شرح نظم اللئالی در تجوید بفارسی سنه ۱۳۶۲ تألیف شده و شرح منظومه جزری ایضاً در تجوید بعربی و کتاب **فرهنگ نگارستان** در لغت فارسی حاوی پنجاه و پنج هزار لغت مفرد و مرکب از تازی و کتابی در **تدوین امثال** ترکی از الف تا یاء.

(جزاه الله تعالی عن العلم و اهله خیر الجزاء و اعطاه جزیل الاجر و هنی العطاء)

(بحق المعصومین و اهل الکساء علیهم الاف التحیة و الثناء)

## ترجمهٔ مؤلف کتاب
## حسب الأمر جمعی از احباب

اسانید مقامات مؤلف کتاب

تولد احقر : علی بن عبد العظیم تبریزی خیابانی عفی الله تعالی عنهما ٢٨ شوال سنهٔ ١٢٨٢
مجهر مقدمات اولیه را از قبیل صرف ونحو ومعانی وبیان وبدیع ومنطق وخلاصة الحساب و هی
فصل را نزد مرحوم حاج ملا نور محمد مقدس مراغی وحاج میرزا احمد فخر العلماء شرابیانی و آقا میرزا عبد
الغفور اشلقی وحاج محمد صادق ساعتی ومیرزا عبد العلی منجم تبریزی . ✳
وشرح لمعه و ریاض و مکاسب و رسائل را مخصر مرحوم حاج ملا احمد تاهباز وحاج میرزا اسد الله مجتهد
زنوزی تبریزی و حاج سید احمد آقا مجتهد خسروشاهی قدس الله اسرارهم تحصیل نمودم و بحمد الله تعالی
از سطح فارغ شدم . ✳
واز عنفوان شباب بمطالعهٔ کتاب و تألیف وتصنیف مولع وحریص بودم . ✳

تألیفات مؤلف کتاب

### اسامی تألیفات حسب الأمر یکی از اعلام علماء بدین قرار است

مجلد رجب وشعبان [۱] فی ٥٧٧ صفحه طبع سنهٔ ١٣٢٥ . مجلد محرم [۲] فی ٤٧٧ صفحه طبع فی تبریز سنهٔ ١٣٣٠
ایضاً فی النجف الاشرف سنهٔ ١٣٥٢ . مجلد صیام [۳] طبع سنهٔ ١٣٥٠ فی ٤٧٢ صفحه ماخوذ از ٢١٠ کتاب محتوی بر
فوائد مهمه متنا وحاشیهٔ . مجلد تتمهٔ محرم [۴] طبع سنهٔ ١٣٦٢ فی ٤١٣ صفحه مأخوذ از ١٢٣ کتاب . ✳
منتخب المقاصد ومنتخب الفوائد مشتمل بر نه مجلد از کتب طریفهٔ نفیسه واکثر آنها خطبه منحصر بفرد بقلم
مؤلف با این تفصیل مجلد اول [۵] فی ٧١٥ صفحه از ٢٨ کتب مفصله انتخاب شده . ✳

مجلد از تفاصیل منتخب المقاصد

| | | | |
|---|---|---|---|
| مجلد دوم [۶] فی | ٧٢٢ صفحه از | ٤١ کتاب انتخاب | . ✳ " |
| مجلد سیم [۷] فی | ٦٢٠ صفحه از | ٣٥ کتاب | " . ✳ " |
| مجلد چهارم [۸] فی | ٣٤٥ صفحه از | ١٦ کتاب | " . ✳ " |
| مجلد پنجم [۹] فی | ٣٥٢ صفحه از | ٣٨ کتاب | " . ✳ " |
| مجلد ششم [۱۰] فی | ٢٧٢ صفحه از | ٤ کتاب | " . ✳ " |
| مجلد هفتم [۱۱] فی | ٢٩٣ صفحه از | ٤٠ کتاب | " . ✳ " |
| مجلد هشتم [۱۲] فی | ٢٤٦ صفحه از | ١٥ کتاب | " . ✳ " |





مجلد نهم [۱۳] در دو جزء جزء اول فی ٢١٣ صفحه از ١٢ کتاب . وجزء دوم فی ١٩٨ صفحه از ١٢
کتاب هر دو جزء در اصفهان در عرض یکماه انتخاب شده . ✳

تألیفات مؤلف کتاب

١٤ هدیة المؤمنین فی اصول الدین فی ٧٠ صفحه باتمام نرسیده . ✳
١٥ مجالس المحدثین فی ١٤٥ صفحه محتوی بر پنجاه ویك مجلس متنوعه مفصله . ✳
١٦ عدة السفر وزبدة الحضر فی ٩٥ صفحه مشتمل بر پنجاه وشش مجلس متفرقه . ✳
١٧ تحفة الاحباء فی شرح قصیدهٔ سید الشعراء (العینیه) فی ٤٣ صفحه واین اولین تالیف فقیر است
که حسب خواهش یکی از اعیان دولت در زمان تحصیل ایام تعطیل سنهٔ ١٣٠٥ روز شنبه ٢ ذی الحجة الحرام
ابتداء و دوشنبه ٢٥ همان ماه اختتام پذیرفته .
شرح احوال ناظم وبیان لغات ابیات وتفصیل اخبار اشعار واز منظومات دیگر سید ره مشروحاً مذکور است

تفصیل تحفه و طرائف

١٨ ذخائر الاسفار فی ١٦٤ صفحه در ذکر این وجیزه آنچه در مسافرت خوی ورضائیه سنهٔ ١٣٣٠ وسفر مشهد مقدس
سنهٔ ١٣٥٣ و در زنجان وطهران وقم محمیه وارض اقدس رضویه علی ساکنها الاف الثناء والتحیه از کتب نفیسه خطی
بدست آمده از نوادر آنها ثبت کردیده . ✳
١٩ طرائف الصحائف فی ١١١ صفحه طرائف هشت کتاب کبیر با شرح کثیر مقاصد منقوله از کتب دیگر مذکور است

وکلمهٔ جامعه

٢٠ کلمهٔ جامعه فی ٤٧٠ صفحه محتوی بر عقاید ومسائل وقصاید واحوال حضرت صدیقهٔ طاهره وجمعی از ائمهٔ
معصومین سلام الله علیهم اجمعین ودیگر مقاصد مهمه . ✳
٢١ تلخیص مجلد رجب وشعبان فی ٣٢٠ صفحه . ✳
٢٢ تلخیص مجلد محرم فی ٢٤٠ صفحه . ✳
٢٣ منتخب کفایة الموحدین وگنجینهٔ الأسرار وروضة الابرار فی ٤٣ صفحه . ✳
٢٤ منتخب از لجة الاخبار وقصص العلماء در احوال نواب اربعه وجمعی از علماء امامیه فی ١١٦ صفحه .

کتاب ایضاً تألیفات مؤلف

٢٥ فهرس وقایع الایام فی ٣٠٠ صفحه احوال جمیع ایام بطور اشاره با ذکر مدارك وکتب منقول عنها
مضبوط است ودر همه شهور سی ودو متفرقه کراست . ✳
٢٦ کفایة الانام فی وقایع الأیام فی ٢٨٠ صفحه وقایع دیگر دهه محرم با دفعهٔ طف اجمالاً مذکور است
٢٧ این وجیزهٔ شریفه کتاب علماء معاصرین فی (٤٥٠) صفحه . ✳
اینها ٢٧ کتاب است با اسم وعنوان و ٢٥ کتاب دیگر بلکه زیاده از تألیفات این حقیر حاضر است امید که
بعد از وفات بدست هر کسی بیفتد از دعای خیر فراموشم نفرماید . ✳

**اسفار مؤلف کتاب** بحمد الله الملک الوهاب ۲ مرتبه بحج بیت الله الحرام و ۴ دفعه بزیارت ارض اقدس رضوی صلوات الله علیه و ۳ مرتبه بتقبیل اعتاب مقدسهٔ ائمهٔ عراق علیهم الصلوة والسلام وزیارت بیت المقدس وقدس خلیل علیه السلام موفق شده ام . ❋

**اجازات احقر** مرحوم آیة الله آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی ومرحوم آیة الله حاج آقا حسین قمی قدس سرهما . ❋

**وحضرت آیة الله آقا سید محمد آقای حجت کوهکمری وحضرت آیة الله حاج آقا حسین بروجردی** دامت برکاتهما اجازهٔ امور حسبیه واجازهٔ روایتی مرحمت فرموده اند وچندتن از حجج الاسلام وعلماء اعلام اجازهٔ روایتی مرحمت فرموده اند که در خاتمهٔ مجلد صیام وتتمهٔ محرم الحرام عیناً ثبت است . ❋

❋( ومن باب ابقاء آثار علماء عظام )❋

❋( صورت سه اجازه در این مقام مذکور میشود )❋

**اجازهٔ حضرت آیة الله آقای بروجردی اطال الله بقائه ورزقنا لقائه :**

❋( بسم الله الرحمن الرحیم )❋

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین **وبعد** جناب مستطاب عمدة المحدثین مروج الاحکام آقای حاج میرزا علی آقا واعظ خیابانی تبریزی دامت افاضاته از طرف حقیر مجاز ومأذون هستند در نقل روایات از کتب معتبره وهمچنان در تصدی امور حسبیه که منوط بنظر حاکم شرع مطهر است وهم مجاز ومأذون میباشند در اخذ سهم مبارک امام علیه السلام بقدر مخارج اقتصادیه خود وعائله شان مرجو آنکه در هر حال مراعات احتیاط فرموده حقیر را از دعاء فراموش نفرمایند والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته فی ۲۰ شهر ربیع الثانی $$ (حسین الطباطبائی) (محل خاتم شریف)

**صورت اجازهٔ حضرت آیة الله آقا سید محمد آقا حجت کوه کمری دامت برکاته :**

❋( بسم الله الرحمن الرحیم )❋

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد وآله الطاهرین **وبعد** مخفی نماند که جناب مستطاب عمدة المحدثین عماد المتکلمین مروج شرع سید الانام صلی الله علیه وآله وسلم حافظ وقایع الایام ناصر الائمة الکرام علیهم الصلوة والسلام مظهر شعائر الاسلام الحاج ملا علی الواعظ الخیابانی ادام الله افضاله وکثر امثاله جامع مراتب علمیه وعملیه وحاوی مکارم صوریه ومعنویه ومتحلی باخلاق نبویه

❋( وخادم )❋

اجازات روائیه وحسبیه واجازات امور حسبیه

اجازه روائیه وحسبیه آقای بروجردی

اجازه امور حسبیه آقای کوهکمری



وخادم شرع شریف وناصر دین حنیف ومحل وثوق واطمینان ومتحلی بحلیهٔ صلاح وسداد میباشند . لذا از قبل این احقر در تصدی کلیهٔ امور شرعیه وحسبیه که منوط باذن مجتهد است مأذون ومجاز میباشند وکذا در تصرف در مجهول المالک واذن دادن بمتدینین بتصرف در آن بر طبق دستور شان ومأخوذ از وجوه شرعیه منطبقه از مظالم وسهم امام عجل الله تعالی فرجه وصرف آن در تتمهٔ معاش خود بطور اقتصاد وایصال بقیه باحقر بجهت حفظ حوزهٔ علمیه وما ترد غیبه بملاحظهٔ اینکه از ایشان مرجو است از ملاحظهٔ احتیاط در جمیع حالات وانشاء الله اخوان دینی ووجوه شارا مغتنم دانسته ودر تعظیم وتکریم واتعاظ بمواعظ واستضائه بانواع علوم شان تصویری نخواهند نمود فی ۸ شهر ربیع الاول (۱۳۵۰؟)

( الاحقر محمد الحسینی الکوه کمری ) ( محل خاتم شریف )❋

**صورت اجازهٔ مرحوم آیة الله آقا سید ابو الحسن آقا اصفهانی قدس سره**

❋( بسم الله الرحمن الرحیم )❋

الحمد لله رب العالمین بارئ الخلائق اجمعین والصلوة والسلام علی اشرف الانبیاء والمرسلین و افضل السفراء والمبلغین محمد خاتم النبیین وعلی آله الطیبین الطاهرین واللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین من الان الی قیام یوم الدین **وبعد** چون جناب مستطاب افتخار الانام مروج الاحکام علاء المحدثین رکن الواعظین شریعتمآب آقای حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی ایده الله تعالی فی الدارین وحباه بکل ما تقر به العین شخصی است موثوق ومتین واز تمام جهات از اتسم وارجحیت علم وعمل والقاء نطاق بتصدی امور حسبیه سزاوار وشایسته بودند لذا بجناب معظم له اذن واجازه دادم که بجمیع امور یکه نفوذ آنها منوط باذن حاکم شرع انور میباشد مثل نصب قیم بر صغار واخذ مجهول المالک ومظالم وایصال آنها بمصارف مقرره در شرع مقدس متصدی شوند ومؤمنین تصدی مشار الیه را در اینگونه امور مثل تصدی خود احقر بدانند . ❋

**وایضاً مأذون است** در اخذ سهم مقدس امام علیه السلام وصرف مقداری در تتمهٔ مصارف خود بطور اقتصاد وایصال ما بقی را بوکیل اینجانب که در تبریز هست مرجو از اخوان مؤمنین آنکه در توقیر واحترام جناب معظم الیه کوتاهی ننمایند . ❋

واوصیه بمراعاة الاحتیاط والتجنب عن اتباع الهوی وان لا ینسانی عن صالح الدعوات فی مظان الاستجابة کما انی لا انساه انشاء الله تعالی ❋ حرر فی ۲۰ شهر محرم الحرام ۱۳۵۸ الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصفهانی

❋( محل خاتم شریف )❋

# (خاتمة الکتاب)

(بحمد الله الکریم) (وفضله العمیم) (این کتاب مستطاب)

## (علماء معاصرین)

که از سنهٔ ۱۲۹۹ اوّل بلوغ مؤلّف کتاب از مسقط الرأس تبریز از عتبات عالیات و بلاد ایران و خطّهٔ هندوستان وچندی از قطیف وبحرین وشام از حجج الاسلام و آیات الله الاعلام ومبرزین عظام مشتمل بر ضبط تواریخ موالید ووفیات وادوار زندگانی وخصوصیات احوال وتعیین اسانید وتلامید وذکر مؤلّفات ومصنّفات ونقل شطری از نوادر کتب وکرامات ومشیٔ وضعیات ایشان علیهم الرحمة والرضوان با علماء وسلاطین زمان که عمدهٔ دستور العمل وتذکر خاصّه است از برای قاطبهٔ مؤمنین وکافّهٔ اهل علم ومحصّلین وفّقهم الله تعالی اجمعین کما قال الله تعالی وعزّ من قائل لَقَدْ کَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ . (وبفارسی گفته اند :)

(مگو کز خوی نیکان پند گیرد  وز انجام بدان عبرت بگیرد)

الی سنهٔ ۱۳۶۳ در عرض مدّت شصت وپنجسال از قرن چهاردهم هجریه که با این بندهٔ نگارنده مقارن بوده

(بهمّت ونفقهٔ عالی)

جناب مستطاب الموفّق لاقامة شعائر الله الملک المنّان آقای حاج محمد باقر آقا خوئی کلکته‌چی

(اطال الله عمره وضاعف اجره صورت انجام وسمت اختتام پذیرفت)

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ أَوَّلًا وَآخِرًا ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ

(لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ)

حرّره بیده الوازرة عبده المفتقر الی رحمة ربّه الغنی الکریم علی بن عبد العظیم التبریزی الخیابانی

(غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما بمحمّد وآله المعصومین فی ۱۴ شهر رمضان المبارک ۱۳۶۴)

---

این بندهٔ حقیر با تقصیر ظاهر خوشنویس ابن مرحوم مغفور حاج عبد الرحمن طالب‌زاده بدرگاه حضرت احدیّت سپاسگزارم از حضرات معصومین علیهم السلام منّت میپذیرم که بنوشتن ختم کتاب علماء معاصرین موفّقم فرمودند که رحمت بذل الجلال الامید وارم که بمدلول اللّهم وال من والاهم دنیا وزخرا از جواد رحمتشان محروم نگرداند سنهٔ ۱۳۶۶





# اسامی علماء عنواناً وضمناً

اسامی علمائیکه در این کتاب علماء معاصرین از اموات واحیاء عنواناً وضمناً نگارش یافته بترتیب عدد صفحات بقرار ذیل است :

| نمبر شمار | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۴۴ | شیخ ابراہیم لنکرانی رحمہ اللہ | ۵۸ |
| ۴۵ | حاج میرزا محمد حسین شہرستانی رہ | ۵۹ |
| ۴۶ | شیخ مرتضی الانصاری رحمہ اللہ تعہ | ۶۰ |
| ۴۷ | حاج ملا محمد اشرفی رحمہ اللہ | ۶۲ |
| ۴۸ | سید محمد کاظمینی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۶۴ |
| ۴۹ | ملا محمد باقر فشارکی رحمہ اللہ تعہ | ۶۵ |
| ۵۰ | آقا سید علی تبریزی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۶۵ |
| ۵۱ | حاج میرزا ابو الفضل طہرانی رہ | ۶۶ |
| ۵۲ | میرزا محمد ہاشم خوانساری رحمہ اللہ | ۶۷ |
| ۵۳ | سید محسن آل بحر العلوم رحمہ اللہ | ۶۹ |
| ۵۴ | سید ابراہیم کاظمی رحمہ اللہ تعہ | ۷۰ |
| ۵۵ | حاج میرزا محمد حسن آشتیانی رہ | ۷۰ |
| ۵۶ | حاج میرزا حسین نوری رحمہ اللہ | ۷۱ |
| ۵۷ | آقا شیخ ہادی طہرانی رحمہ اللہ | ۷۳ |
| ۵۸ | آخوند ملا علی نہاوندی رحمہ اللہ | ۷۴ |
| ۵۹ | آقا رضا ہمدانی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۷۵ |
| ۶۰ | آخوند ملا محمد فاضل شرابیانی رہ | ۷۶ |
| ۶۱ | آقا شیخ حسن مامقانی رحمہ اللہ | ۸۰ |
| ۶۲ | شیخ محمد طٰہٰ نجف النجفی رحمہ اللہ | ۸۲ |
| ۶۳ | حاج آقا رضا واعظ ہمدانی رہ | ۸۴ |
| ۶۴ | سید ابو القاسم قمی لاہوری رہ | ۸۵ |
| ۶۵ | سید ابو القاسم اشکوری نجفی رہ | ۸۶ |
| ۶۶ | حاج سید علی آقا ایروانی رہ | ۸۶ |
| ۶۷ | آقا میر جعفر نجل زکیش سلمہ اللہ تعہ | ۸۸ |

| نمبر شمار | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۶۸ | حاج شیخ جواد طارمی زنجانی رہ | ۸۹ |
| ۶۹ | حاج میرزا ابراہیم شہید خوئی رہ | ۸۹ |
| ۷۰ | حاج میرزا محمد حسین ابن میرزا خلیل طہرانی رہ | ۹۲ |
| ۷۱ | حاج نظام العلماء طباطبائی تبریزی رہ | ۹۲ |
| ۷۲ | سید محمد صاحب بلغۃ الفقیہ رہ | ۹۳ |
| ۷۳ | حاج شیخ فضل اللہ نوری شہید رہ | ۹۴ |
| ۷۴ | آقا شیخ محمد تقی شوشتری شہید رہ | ۹۵ |
| ۷۵ | حاج ملا علی مجتہد علیاری تبریزی رہ | ۹۶ |
| ۷۶ | میرزا محمد صادق فخر الاسلام رہ | ۹۸ |
| ۷۷ | آقا نجفی اصفہانی رحمہ اللہ تعہ | ۱۰۱ |
| ۷۸ | سید ناصر بحرانی بصری رحمہ اللہ | ۱۰۲ |
| ۸۹ | آخوند ملا محمد علی خوانساری رہ | ۱۰۳ |
| ۹۰ | آقا میرزا ابو القاسم مجتہد اردوبادی رہ | ۱۰۵ |
| ۹۱ | شیخ الاسلام ساوجی رحمہ اللہ تعہ | ۱۰۶ |
| ۹۲ | آخوند ملا محمد علی نخجوانی رحمہ اللہ | ۱۰۸ |
| ۹۳ | شیخ محمد امین کاظمی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۱۰۹ |
| ۹۴ | میرزا محمد علی رشتی نجفی رحمہ اللہ | ۱۱۰ |
| ۹۵ | آقا سید مصطفی کاشانی رحمہ اللہ | ۱۱۱ |
| ۹۶ | امام جمعہ تبریزی حاج میرزا عبد الکریم آقا رہ | ۱۱۲ |
| ۹۷ | آقا سید کاظم آقا یزدی رحمہ اللہ | ۱۱۳ |
| ۹۸ | آقا میرزا یوسف آقا تبریزی رحمہ اللہ | ۱۱۴ |
| ۹۹ | حاج میرزا حسن آقا مجتہد تبریزی رہ | ۱۱۶ |
| ۱۰۰ | حاج میرزا مصطفی آقا پیر شہ رہ | ۱۱۷ |
| ۱۰۱ | شیخ محمد حسن آل کبہ رہ | ۱۱۸ |



| نمبر شمار | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۱۰۲ | آقا میرزا فضل علی تبریزی رحمہ اللہ | ۱۲۰ |
| ۱۰۳ | آقا میرزا محمد تقی شیرازی رحمہ اللہ | ۱۲۱ |
| ۱۰۴ | آقای شریعت اصفہانی رحمہ اللہ | ۱۲۲ |
| ۱۰۵ | حاج شیخ محمد حسین مازندرانی رہ | ۱۲۴ |
| ۱۰۶ | آقا سید مصطفی کاظمی رحمہ اللہ تعہ | ۱۲۵ |
| ۱۰۷ | شیخ مہدی جرموقی کاظمی رحمہ اللہ | ۱۲۵ |
| ۱۰۸ | حاج میرزا علی آقا تبریزی شہید رہ | ۱۲۶ |
| ۱۰۹ | ملا محمد حسن زنجانی رحمہ اللہ تعہ | ۱۲۸ |
| ۱۱۰ | ملا علی قارپوز آبادی زنجانی رہ | ۱۲۹ |
| ۱۱۱ | حاج میرزا محمد قمی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۱۳۰ |
| ۱۱۲ | سید ابو بکر حسینی شیعی رحمہ اللہ | ۱۳۲ |
| ۱۱۳ | سید محمد تقی ہندی رحمہ اللہ تعہ | ۱۳۴ |
| ۱۱۴ | آقا منیر الدین بروجردی رحمہ اللہ | ۱۳۴ |
| ۱۱۵ | حاج شیخ مہدی خالصی رحمہ اللہ | ۱۳۴ |
| ۱۱۶ | شیخ احمد آل کاشف الغطاء رہ | ۱۳۶ |
| ۱۱۷ | حاج میرزا جواد آقا ملکی رحمہ اللہ | ۱۳۷ |
| ۱۱۸ | آقا سید محمد آقا فیروز آبادی رہ | ۱۳۷ |
| ۱۱۹ | شیخ فضل اللہ نوری مازندرانی رہ | ۱۳۸ |
| ۱۲۰ | شیخ محمد صالح مازندرانی سلمہ اللہ تعہ | ۱۳۸ |
| ۱۲۱ | سید ابو تراب خوانساری رحمہ اللہ | ۱۳۹ |
| ۱۲۲ | حاج آقا محمد مہدی کرمانشاہی رحمہ اللہ | ۱۴۳ |
| ۱۲۳ | شیخ راضی خالصی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۱۴۴ |
| ۱۲۴ | شیخ شعبان رشتی رحمہ اللہ تعہ | ۱۴۴ |
| ۱۲۵ | شیخ حسین رشتی نجفی رحمہ اللہ | ۱۴۵ |

| نمبر شمار | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۱۲۶ | شیخ راضی کاظمی رحمہ اللہ تعہ | ۱۴۶ |
| ۱۲۷ | سید حسین جیلانی نجفی رحمہ اللہ | ۱۴۷ |
| ۱۲۸ | شیخ مرتضی آل کاشف الغطاء رہ | ۱۴۸ |
| ۱۲۹ | آقا شیخ علی آل کاشف الغطاء رہ | ۱۴۸ |
| ۱۳۰ | آقا شیخ علی خوئی رحمہ اللہ تعالیٰ | ۱۴۹ |
| ۱۳۱ | آقا میرزا صادق آقا مجتہد تبریزی رہ | ۱۵۳ |
| ۱۳۲ | حاج شیخ عبد اللہ مامقانی رحمہ اللہ | ۱۵۸ |
| ۱۳۳ | حاج میرزا محسن آقا مجتہد تبریزی رہ | ۱۵۹ |
| ۱۳۴ | آقا شیخ جواد بلاغی نجفی رحمہ اللہ | ۱۶۱ |
| ۱۳۵ | حاج شیخ محمد باقر بیرجندی رہ | ۱۶۶ |
| ۱۳۶ | حاج میرزا حسین سبزواری رحمہ اللہ | ۱۶۸ |
| ۱۳۷ | حاج سید ابو القاسم دہکردی رہ | ۱۶۸ |
| ۱۳۸ | حاج سید مرتضی معروف بحاج سید بجی آقا ملائری رہ | ۱۶۹ |
| ۱۳۹ | آقا سید حسن صدر عاملی کاظمی رہ تعالیٰ | ۱۷۰ |
| ۱۴۰ | آقا میرزا علی آقا شیرازی رحمہ اللہ | ۱۷۵ |
| ۱۴۱ | حاج شیخ عبد الکریم آقا یزدی عراقی رہ | ۱۷۶ |
| ۱۴۲ | حاج میرزا ابو الحسن آقا انگجی رہ | ۱۷۸ |
| ۱۴۳ | حاج محمد آقا والد ماجد ایشان رہ | ۱۷۹ |
| ۱۴۴ | آقا میرزا ابو الحسن مشکینی رہ | ۱۷۹ |
| ۱۴۵ | آقا میرزا حسن علیاری رحمہ اللہ | ۱۸۰ |
| ۱۴۶ | حاج شیخ عباس قمی رحمہ اللہ تعہ | ۱۸۱ |
| ۱۴۷ | سید احمد صفائی خوانساری رہ | ۱۸۴ |
| ۱۴۸ | حاج میرزا عبد اللہ زنجانی رحمہ اللہ | ۱۸۵ |
| ۱۴۹ | آقا سید علی آقا کوہ کمری رحمہ اللہ | ۱۸۷ |

| نمبر | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۱۵۰ | آقا شیخ حسین تبریزی توتونچی رحمہ اللہ | ۱۸۸ |
| ۱۵۱ | آقا شیخ فیاض سرخہ دیزجی زنجانی رہ | ۱۸۹ |
| ۱۵۲ | آقا ضیاء الدین عراقی نجفی رحمہ اللہ | ۱۸۹ |
| ۱۵۳ | حاج شیخ محمد حسین اصفہانی نجفی رہ | ۱۹۰ |
| ۱۵۴ | حاج سید محمد آقا مولانا رحمہ اللہ | ۱۹۱ |
| | **مقصد دوم در ذکر علماء معاصرین از احیاء** | |
| ۱۵۵ | آقا سید ابو الحسن اصفہانی دام ظلہ | ۱۹۳ |
| ۱۵۶ | حاج آقا حسین قمی دامت برکاتہ | ۱۹۴ |
| ۱۵۷ | آقا شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء دام ظلہ | ۱۹۴ |
| ۱۵۸ | سید ہبۃ الدین شہرستانی دامت برکاتہ | ۲۰۱ |
| ۱۵۹ | آقا سید محمد تقی خوانساری دامت برکاتہ | ۲۱۱ |
| ۱۶۰ | آقا سید محمد آقا حجت کوہکمری دامت برکاتہ | ۲۱۴ |
| ۱۶۱ | آقای صدر الدین دامت افاضاتہ | ۲۱۶ |
| ۱۶۲ | آقا نجفی دامت افاداتہ | ۲۱۷ |
| ۱۶۳ | حاج شیخ علی اکبر نہاوندی ایدہ اللہ | ۲۱۹ |
| ۱۶۴ | آقا شیخ فضل اللہ شیخ الاسلام زنجانی مد ظلہ | ۲۲۴ |
| ۱۶۵ | آقا سید محمد آقا مجتہد طہرانی مد ظلہ العالی | ۲۲۸ |
| ۱۶۶ | آقا سید صدر الدین شوشتری سلمہ اللہ | ۲۲۹ |
| ۱۶۷ | سید شمس الدین جزایری از اجداد ایشان | ۲۳۰ |
| ۱۶۸ | سید عبد اللہ جزایری رہ ایضاً از اجداد ایشان | ۲۳۱ |
| ۱۶۹ | آقا میرزا کاظم طباطبائی سلمہ اللہ تعالی | ۲۳۳ |
| ۱۷۰ | آقا سید محسن عاملی شامی دامت افاضاتہ | ۲۳۵ |
| ۱۷۱ | سید میرزا مہدی صاحب بدایع الانوار سلمہ اللہ | ۲۳۶ |

| نمبر | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۱۷۲ | حاج شیخ جعفر نقدی دامت افاداتہ | ۲۳۶ |
| ۱۷۳ | حاج میرزا باقر آقا قاضی مد ظلہ العالی | ۲۴۰ |
| ۱۷۴ | آقا شیخ کاظم شیرازی نجفی سلمہ اللہ | ۲۴۱ |
| ۱۷۵ | آقا شیخ علی مازندرانی نجفی ایدہ اللہ | ۲۴۲ |
| ۱۷۶ | آقا سید محمد مہدی کاظمی صاحب احسن الودیعہ سلمہ اللہ تعالی | ۲۴۲ |
| ۱۷۷ | سید میرزا ہادی خراسانی دام فضلہ | ۲۴۴ |
| ۱۷۸ | آقا شیخ ہادی آل کاشف الغطاء اطال اللہ بقاہ | ۲۴۵ |
| ۱۷۹ | آقا میرزا محمد علی اردوبادی ایدہ اللہ | ۲۴۸ |
| ۱۸۰ | حاج آقا حسین بروجردی دامت برکاتہ | ۲۴۸ |
| ۱۸۱ | حاج سید مرتضی آل فاخر شاہی سلمہ اللہ | ۲۵۱ |
| ۱۸۲ | حاج میرزا کاظم آقا شبستری دامت افاضاتہ | ۲۵۳ |
| ۱۸۳ | آقای خالصی زادہ مد ظلہ العالی | ۲۵۶ |
| ۱۸۴ | آقا میرزا مہدی آشتیانی دامت افاضاتہ | ۲۵۷ |
| ۱۸۵ | آقا شیخ محسن فقیہ شیرازی وفقہ اللہ | ۲۵۹ |
| ۱۸۶ | شیخ آقا بزرگ طہرانی دامت تاییداتہ | ۲۶۱ |
| ۱۸۷ | آقا شیخ محمد سماوی نجفی اطال اللہ بقاہ | ۲۶۵ |
| ۱۸۸ | آقا سید جعفر آل بحر العلوم دامت برکاتہ | ۲۷۱ |
| ۱۸۹ | آقا میرزا محمد طہرانی عسکری سلمہ اللہ | ۲۷۲ |
| ۱۹۰ | آقا حسین خوانساری رہ تعالی | ۲۷۷ |
| ۱۹۱ | سید ہاشم بحرانی رحمہ اللہ تعالی | ۲۷۹ |
| ۱۹۲ | سید نعمۃ اللہ جزایری رحمہ اللہ | ۲۷۹ |
| ۱۹۳ | شیخ حر عاملی رحمہ اللہ تعالی | ۲۷۹ |
| ۱۹۴ | شیخ فخر الدین طریحی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۰ |



| نمبر | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۱۹۵ | ملا محمد تقی مجلسی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۰ |
| ۱۹۶ | شیخ بہائی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۰ |
| ۱۹۷ | شیخ حسین عاملی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۱ |
| ۱۹۸ | شیخ یوسف بحرانی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۲ |
| ۱۹۹ | آقا سید مہدی بحر العلوم رحمہ اللہ | ۲۸۲ |
| ۲۰۰ | ملا محسن فیض کاشانی رحمہ اللہ | ۲۸۳ |
| ۲۰۱ | سید ماجد بحرانی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۳ |
| ۲۰۲ | ملا خلیل قزوینی رحمہ اللہ تعالی | ۲۸۳ |
| ۲۰۳ | شیخ مفید نیشابوری رحمہ اللہ | ۲۸۳ |
| | این چہاردہ تن از اکابر علماء در ضمن ترجمۂ آقا میرزا محمد طہرانی عسکری دامت توفیقاتہ از مستدرک اجازات بحار تالیف حضرت معظم لہ منقول است | |
| ۲۰۴ | حاج میرزا محمود آقا روزدوانی سلمہ اللہ | ۲۸۴ |
| ۲۰۵ | آقا سید کاظم آقا شریعتمداری مد ظلہ | ۲۸۴ |
| ۲۰۶ | آقا شیخ عبد الصمد خوئی وفقہ اللہ تعالی | ۲۸۶ |
| ۲۰۷ | آقا میرزا محمد فیض قمی دامت برکاتہ | ۲۸۷ |
| ۲۰۸ | آقا سید علی اکبر برقعی ایدہ اللہ تعالی | ۲۸۹ |
| ۲۰۹ | حاج سید احمد زنجانی سلمہ اللہ تعالی | ۲۸۹ |
| ۲۱۰ | حاج سید ابو القاسم کاشانی دامت برکاتہ | ۲۹۰ |
| ۲۱۱ | میرزا احمد قلیخان سردار کابلی دام فضلہ | ۲۹۲ |
| ۲۱۲ | میر معصوم عقیلی رہ در ضمن ترجمہ مذکور | ۲۹۶ |
| ۲۱۳ | اشرف الواعظین بندی خراسانی دام فضلہ | ۲۹۶ |
| ۲۱۴ | حاج شیخ علی اکبر واعظ مروج الاسلام | ۲۹۷ |

| نمبر | اسامی علماء | صفحہ |
|---|---|---|
| ۲۱۵ | حاج سید محمد علی واعظ مبارکی اصفہانی ایدہ اللہ تعالی | ۳۰۵ |
| | **خاتمۂ مقصد دوم از کتاب (علماء معاصرین)** | |
| ۲۱۶ | ترجمۂ علویۂ مجتہدہ صاحبۃ الاربعین الہاشمیۃ | ۳۱۱ |
| | **مستدرک علماء معاصرین (از اموات:)** | |
| ۲۱۷ | آقا شیخ محمود عراقی طہرانی رحمہ اللہ | ۳۲۶ |
| ۲۱۸ | شیخ مرتضی الانصاری رہ در ضمن آن (مذکورات) | |
| ۲۱۹ | ایضاً صاحب معز السالکین رہ نقل شدہ | ۳۳۰ |
| ۲۲۰ | ایضاً حاج سید اسد اللہ رشتی نجفی رہ | ۳۳۱ |
| ۲۲۱ | ایضاً بحر العلوم رہ مسطورات | ۳۳۱ |
| ۲۲۲ | حاج میرزا جواد آقا مجتہد تبریزی رہ | ۳۳۲ |
| ۲۲۳ | میرزا احمد آقا مجتہد مرحوم | ۳۳۳ |
| ۲۲۴ | حاج میرزا لطفعلی امام جمعہ مرحوم | ۳۳۳ |
| ۲۲۵ | حاج میرزا جعفر مجتہد مرحوم | ۳۳۳ |
| ۲۲۶ | میرزا احمد آقا امام جمعہ مرحوم | ۳۳۴ |
| ۲۲۷ | حاج میرزا رضا امام جمعہ مرحوم | ۳۳۴ |
| | این شش تن از اکابر علماء تبریز در ضمن ترجمۂ حاج میرزا جواد آقا مجتہد مرحوم (مذکورات) | |
| ۲۲۸ | آقا میرزا زین العابدین امام جمعہ طہران رہ | ۳۳۴ |

## اسامی علماء عنواناً وضمناً



## مدارک کتاب علماء معاصرین



### مدارک این کتاب علماء معاصرین از کتب رجال واخبار

| شماره | اسامی کتب | اسامی مؤلفین محترم |
|---|---|---|
| ۱ | مجلة المرشد | لعدة من اعاظم علماء العراق وادبائهم |
| ۲ | مآثر وآثار | الوزیر المعظم محمد حسن خان اعتماد السلطنة |
| ۳ | احسن الودیعة | للسید المحدث العلامة آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمی سلمه الله تع |
| ۴ | زهر الربی | للعالم الفاضل العلامة آقا میرزا محمد علی اردوبادی ایده الله تع |
| ۵ | نجم ثاقب | لثقة الاسلام العلامة النوری الحاج میرزا حسین الطبرسی ره |
| ۶ | دار السلام فارسی | للشیخ الفقیه العلامة آقا شیخ محمود عراقی ره |

# مدارک کتاب علماء معاصرین از کتب رجال

| شماره | اسامی کتب | اسامی مؤلفین محترم |
|---|---|---|
| ۷ | الذریعة | للشیخ الفاضل العلامة شیخ آقا بزرگ طهرانی نجفی دامت افاضاته . |
| ۸ | قصص العلماء | للعالم الفاضل المحدث میرزا محمد علی تنکابنی ره . |
| ۹ | دار السلام عربی | ایضاً لثقة الاسلام الحاج میرزا حسین النوری ره . |
| ۱۰ | ریحانة الادب | للعالم البارع المحقق آقا میرزا محمد علی آقا مدرس دامت افاداته . |
| ۱۱ | استقصاء الافحام | ایضاً تالیف علامه هندی ره . |
| ۱۲ | عبقات الانوار | لآیة الله العلامة میر حامد حسین هندی لکهنوی ره |
| ۱۳ | هدیة الاحباب | للشیخ الفاضل المحدث حاج شیخ عباس قمی ره . |
| ۱۴ | الکنی و الالقاب | ایضاً تالیف فاضل قمی ره . |
| ۱۵ | تذکرة القبور | تالیف ملا عبد الکریم بن ملا مهدی الاصفهانی ره . |
| ۱۶ | شهداء الفضیلة | تالیف فاضل علامه حاج میرزا عبد الحسین آقا امینی سلمه الله تعالی |
| ۱۷ | دانشمندان آذربایجان | تالیف میرزا محمد علی خان تربیت ره . |
| ۱۸ | جریدهٔ دعوة الاسلام | تالیف حاج سید محمد علی اصفهانی ره . |
| ۱۹ | مطارح الانظار | تالیف فیلسوف الدوله آقا میرزا عبد الحسین خان ره |
| ۲۰ | رجال | تالیف عالم جلیل علامه آقا میرزا محمد علی آقا اوردبادی دام فضله |
| ۲۱ | زهر الریاض | ایضاً تالیف فاضل معاصر اوردبادی سلمه الله تعالی . |
| ۲۲ | تحفة الفاطمیین | تالیف آقا شیخ حسین قمی ایده الله تعالی . |
| ۲۳ | رساله | در ترجمه و شرح حال حضرت آیة الله آقای هبة الدین الشهرستانی دامت برکاته |
| ۲۴ | خاتمه مستدرک الوسائل | للعلامة النوری ره . |
| ۲۵ | رنگارنگ | تالیف ثقة المحدثین آقای حاج عماد الذاکرین سلمه الله تعالی . |
| ۲۶ | نامهٔ دانشوران ناصری | للادباء الاربعة من فضلاء العهد الناصری . |
| ۲۷ | ایضاح الفوائد | تالیف آقا سید محمد تنکابنی ره . |
| ۲۸ | اعیان الشیعه | تالیف آقا سید محسن عاملی شامی دامت برکاته . |